



# مقاومت مدنی

آنچه همگان باید بدانند

اریکا چنووت

ترجمه: م. امیری

مقاومت مدنی  
آنچه همگان باید بدانند

اریکا چنووت

ترجمه: م. امیری

تقدیم به فرهاد میثمی

به آمریکا و تک تک ایالاتش و تمامی شهرهای این ایالات،  
بسیار مقاومت کنید و اندک اطاعت،  
تا آن زمان که بی چون و چرا اطاعت می کنید، بی چون و چرا برده اید،  
و تا زمانی که انسان بی چون و چرا برده باشد، هیچ ملت، ایالت و شهری در این زمین  
آزادی خود را باز نخواهد یافت.

والت ویتمن<sup>۱</sup>، تیغ‌های علف<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> . Walt Whitman

<sup>۲</sup> . Leaves of Grass

# فهرست مطالب

- ۱..... درباره نویسنده .....
- ۲..... پیشگفتار .....
- ۱۰..... نحوه مطالعه این کتاب .....
- ۱۵..... مقاومت مدنی .....
- ۱۵..... معرفی مختصر .....
- ۱۶..... چرا آن را «مقاومت مدنی» می‌نامیم و نه چیز دیگر؟ .....
- ۲۶..... مقاومت مدنی چگونه تحوّل پیدا کرده است؟ .....
- ۳۸..... مقاومت مدنی تا چه اندازه موفقیت‌آمیز بوده است؟ .....
- ۴۰..... چند نمونه مهم و برجسته از مقاومت مدنی .....
- ۴۶..... انقلاب آمریکا .....
- ۴۷..... الغای بردگی .....
- ۴۹..... جنبش‌های ملی و ضد استعماری .....
- ۵۰..... جنبش‌های کارگری .....
- ۵۱..... جنبش‌های صلح، ضد جنگ و ضد هسته‌ای .....
- ۵۲..... جنبش‌های عدالت نژادی .....

- ۵۳..... جنبش‌های فمینیستی
- ۵۴..... جنبش‌های عدالت زیست محیطی
- ۵۶..... جنبش‌هایی برای صلح و امنیت
- ۵۷..... جنبش‌های ضد سرمایه‌داری
- ۵۸..... جنبش‌های دموکراسی خواهانه
- ۵۸..... یادداشتی بر جنبش‌های ضد دموکراتیک

## فصل اول / مفاهیم اساسی ..... ۶۲

- ۶۳..... مقاومت مدنی چگونه دست به ایجاد تغییرات می‌زند؟
- ۷۳..... کنش بدون خشونت را چگونه می‌توان تشخیص داد؟
- ۷۷..... اقدامات بدون خشونت مرسوم کدام‌ها هستند؟
- ۸۲..... مقاومت مدنی و اعتراض چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟
- ۸۳..... هنر و موسیقی چه نقشی در مقاومت مدنی ایفا می‌کنند؟
- ۹۵..... نقش طنز در مقاومت مدنی چیست؟
- ۹۸..... «نهادهای موازی» چه هستند؟
- ۱۰۹..... آیا شورش، مقاومت مدنی محسوب می‌شود؟
- ۱۱۵..... آیا تخریب اموال مقاومت مدنی محسوب می‌شود؟
- ..... آیا اعتصاب غذا، خودسوزی و سایر اشکال آسیب‌رساندن به خود مقاومت مدنی محسوب می‌شود؟
- ۱۱۸.....
- ۱۲۳..... تفاوت مقاومت مدنی و نافرومانی مدنی چیست؟

- آیا هکتیویسم دیجیتال نوعی مقاومت مدنی محسوب می‌شود؟ ..... ۱۲۵
- هک و انتشار اسناد محرمانه ..... ۱۲۷
- حملات محروم‌سازی سرورها از سرویس ..... ۱۲۹
- افشاگری یا انتشار اطلاعات خصوصی برای شرمساری، آزار و مجازات افراد ..... ۱۳۲
- آیا اکثر افراد درگیر در کارزارهای بدون خشونت صلح طلب هستند؟ ..... ۱۳۶
- تفاوت بین کارزار مقاومت مدنی و جنبش اجتماعی چیست؟ ..... ۱۳۹
- یک کارزار مقاومت مدنی چه مرحله‌ای دارد؟ ..... ۱۴۳
- چه زمانی استفاده از مقاومت مدنی مشروع است؟ ..... ۱۴۶
- آیا مقاومت بدون خشونت می‌تواند غیراخلاقی باشد؟ ..... ۱۵۰
- آیا منصفانه است که انتظار داشته باشیم مردم ستم‌دیده تنها با استفاده از مقاومت مدنی علیه ظلم مبارزه کنند؟ ..... ۱۵۴

## فصل دوم / مقاومت مدنی چگونه کار می‌کند ..... ۱۵۸

- چه چیزی کارزارهای مقاومت مدنی را کارآمد و اثربخش می‌کند؟ ..... ۱۶۰
- مشارکت توده‌ای، از همهٔ اقشار جامعه ..... ۱۶۱
- تغییر وفاداری حامیان رژیم ..... ۱۶۴
- استفاده از تاکتیکهای متنوع، نه فقط تظاهرات ..... ۱۶۸
- انضباط و انعطاف‌پذیری در مقابل سرکوب ..... ۱۷۰
- کارزارهای مقاومت مدنی و بدون خشونت چگونه طرفداران زیادی را به خود جذب می‌کنند؟ ..... ۱۷۳
- کارزارهای مقاومت مدنی موفق چگونه آغاز می‌شوند؟ ..... ۱۷۳

وقتی مردم فرصت و انگیزه بسیج سیاسی را دارند، چرا کنش بدون خشونت را به جای مقاومت

۱۷۸..... مسلحانه انتخاب می‌کنند؟

۱۸۰..... آیا فرمولی برای کارزارهای مقاومت مدنی مؤثر وجود دارد؟

۱۸۲..... چه کسانی در کمپین‌های مقاومت مدنی شرکت می‌کنند؟

۱۸۳..... نقش زنان در مقاومت مدنی چگونه است؟

جنبش‌های مقاومت مدنی چگونه می‌توانند حامیان یک رژیم را به رویگردانی یا تمرد ترغیب کنند؟

۱۹۰.....

۱۹۷..... تفاوت بین رویگردانی یا تمرد و کودتا چیست؟

کمپین‌ها چگونه می‌توانند حتی در حالی که مورد حمله رژیم قرار گرفته‌اند حامیان بیشتری را به خود

جذب کنند؟

۲۰۴..... کدام تاکتیک‌های مقاومت مدنی بیشترین و کمترین اثربخشی را دارند؟

۲۰۷..... رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال چگونه بر کارزارهای غیرخشونت‌آمیز تأثیر می‌گذارند؟

۲۰۹.....

۲۱۵..... قانون ۳,۵ درصد چیست؟ [۶۶]

آیا این بدان معناست که اگر جنبشی بتواند تنها ۳,۵ درصد جمعیت کشور را به خیابان‌ها بیاورد،

حتماً پیروز خواهد شد؟

۲۱۶..... آیا استثنایی هم برای قانون ۳,۵ درصد وجود دارد؟

۲۱۸..... کدام کمپین‌ها بیشترین درصد مشارکت مردمی را داشته‌اند؟

۲۲۰..... آیا قانون ۳,۵ درصد تنها در مورد کمپین‌هایی صادق است که به دنبال اهداف مهمی مانند

برکناری یک رهبر ملی یا دستیابی به استقلال هستند و در مورد کمپین‌هایی با اهدافی نظیر مبارزه

با تغییر اقلیم یا مقابله با دولت‌های محلی، شرکت‌ها یا مدارس صدق نمی‌کند؟

۲۲۲.....



این که اقلیتی تنها ۳,۵ درصدی بتواند هر دولتی را به زیر بکشد، چه معنایی برای دموکراسی

۲۲۳ می‌تواند داشته باشد؟.....

۲۲۴ آیا یک جنبش مقاومت مدنی برای موفقیت نیاز به هدفی روشن و واحد دارد؟.....

۲۲۶ کدام نوع از ساختارهای سازمانی [برای جنبش‌ها] مؤثرتر هستند؟.....

۲۳۳ آیا وجود یک رهبر کاریزماتیک ضروریست؟.....

۲۳۷ چرا کارزارهای بدون خشونت گاهی اوقات با شکست مواجه می‌شوند؟.....

۲۳۸ آیا مقاومت مدنی در برابر اهداف شرکتی نیز موفق بوده است؟.....

۲۴۱ آیا مقاومت مدنی در برابر نظام‌های ظالم و سرکوبگر دیرپا، مانند نژادپرستی موفق بوده است؟.....

۲۴۷ آیا مقاومت مدنی در جوامع عمیقاً چندپاره می‌تواند کارساز باشد؟.....

مقاومت مدنی چگونه گسترش می‌یابد؟ چه چیزی به گسترش آن کمک می‌کند یا مانع آن می‌شود؟

۲۵۱.....

۲۵۲ آیا حکومت یک کشور می‌تواند کارزارهای مقاومت مدنی را در کشورهای دیگر بوجود بیاورد؟.....

۲۵۶ آیا مقاومت مدنی می‌تواند بدون حتی اندکی حمایت بین‌المللی نیز مؤثر باشد؟.....

چرا بسیاری از مردم از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی غافلگیر شدند - درست همانطور که

۲۵۷ بیست سال بعد از قیام‌های اعراب شگفت‌زده شدند؟.....

آیا موقعیت‌هایی وجود دارد که مقاومت غیرخشونت‌آمیز غیرممکن باشد - یا مقاومت خشونت‌آمیز

۲۶۰ بهتر عمل کند؟.....

**فصل سوم / مقاومت مدنی و خشونت از درون جنبش..... ۲۶۳**

۲۶۸ چه چیزی خشونت محسوب می‌شود؟.....

- جنگیدن در کنار کارازهای بدون خشونت برای گروه‌های مسلح سازمان یافته تا چه اندازه مرسوم است؟ ..... ۲۷۱
- آیا تا به حال کارزاری کاملاً بدون خشونت وجود داشته است - بدون درگیری‌های خیابانی یا شورش؟ ..... ۲۷۵
- چند نمونه از کمپین‌هایی که با فوران خشونت غیرمسلحانه همراه بوده است چه مواردی بوده‌اند؟ ..... ۲۷۷
- آیا همه کمپین‌های بدون خشونت به طور ضمنی تهدید به خشونت نمی‌کنند؟ ..... ۲۸۰
- آیا برخی از خشونت‌های حاشیه‌ای به موفقیت جنبش‌ها کمک می‌کنند؟ ..... ۲۸۴
- آیا جناح‌های خشونت طلب کارزارهای مدنی را تضعیف می‌کنند؟ ..... ۲۹۵
- آیا خشونت همیشه در بلندمدت به جنبش مقاومت مدنی صدمه می‌زند - یا می‌تواند در برخی شرایط به آن کمک کند؟ ..... ۳۰۹
- جناح‌های خشونت طلب چگونه در بلندمدت بر کشورها تأثیر می‌گذارند؟ ..... ۳۱۱
- تحریک‌کنندگان در چه صورتی موفق به تحریک خشونت‌های حاشیه‌ای می‌شوند؟ ..... ۳۱۲
- چرا برخی از کمپین‌های بدون خشونت جناح‌های خشونت طلب را می‌پذیرند، در آغوش می‌کشند یا به هر نحوی تحمّل می‌کنند؟ ..... ۳۱۴
- خوب حالا کمپین‌های بدون خشونت چگونه می‌توانند از خشونت حاشیه‌ای جلوگیری کرده یا آنرا محدود کنند؟ ..... ۳۱۸
- جنبش‌ها چگونه می‌توانند وقتی در مورد پذیرش خشونت اختلاف نظرهای واقعی وجود دارد، همچنان متحد بمانند؟ ..... ۳۲۷
- آیا جنبش‌هایی که با خشونت شروع می‌شوند می‌توانند به کارزارهای مدنی تبدیل شده و موفق شوند؟ ..... ۳۲۹

آیا خشونت حاشیه‌ای اجتناب‌ناپذیر است؟ ..... ۳۳۰

## فصل چهارم / مقاومت مدنی و خشونت علیه جنبش ..... ۳۳۳

سرکوب چیست؟ ..... ۳۳۴

آیا شهروندان می‌توانند کارزارهای مقاومت مدنی بدون خشونت را برای مبارزه با دیکاتورهای وحشی

و بی‌رحم به کار بگیرند؟ ..... ۳۳۵

سرکوب علیه کمپین‌های بدون خشونت چقدر رایج است؟ ..... ۳۳۶

انسجام سازمانی ..... ۳۳۹

موقعیت سیاسی یک جنبش ..... ۳۴۹

مقاومت مدنی تا چه اندازه مخاطره‌آمیز است؟ ..... ۳۵۴

رژیم‌ها چه هنگام به کمپین‌های مدنی با کشتار جمعی پاسخ می‌دهند؟ ..... ۳۵۷

کمپین‌های مقاومت مدنی چگونه در مقابل سرکوب عکس‌العمل نشان می‌دهند؟ ..... ۳۵۸

برخی از جنبش‌ها با تغییر سریع تاکتیک به سرکوب‌ها واکنش نشان می‌دهند. ..... ۳۵۸

برخی از جنبش‌ها موقتاً عقب‌نشینی می‌کنند تا تجدیدقوا کرده و اقدامات بعدی خود را برنامه‌ریزی

کنند ..... ۳۶۵

برخی از جنبش‌ها به خشونت کشیده می‌شوند ..... ۳۶۶

برخی جنبش‌ها از هم می‌پاشند ..... ۳۶۸

اگر هندی‌ها به جای امپراتوری بریتانیا علیه هیتلر می‌جنگیدند، باز هم راهپیمایی نمک

بدون خشونت برگزار می‌شد؟ ..... ۳۶۸

آیا برای مبارزه با رژیم‌های نسل‌کش مقاومت مسلحانه لازم است؟ ..... ۳۷۷

کمپین‌ها چگونه تا به حال در مقابل حملات خشونت‌آمیز شبه نظامیان طرفدار دولت، جوخه‌های مرگ یا سایر گروه‌های مسلح غیردولتی واکنش نشان داده‌اند؟ ..... ۳۸۱

چه زمانی سرکوب علیه یک جنبش غیرمسلح نتیجه معکوس می‌دهد؟ ..... ۳۸۵

کارزارهای مقاومت مدنی چگونه با ترس و وحشت در میان معترضین و شرکت‌کنندگان بالقوه‌ای که در برابر سرکوب آسیب‌پذیر هستند مقابله می‌کنند؟ ..... ۳۸۸

آیا جنبش‌های مقاومت مدنی می‌توانند جلوی جنایات وحشیانه را بگیرند یا آنرا کاهش دهند؟ ..... ۳۹۱

آیا جامعه بین‌المللی می‌تواند از جنایات وحشیانه علیه جنبش‌های بدون خشونت جلوگیری کند؟ ..... ۳۹۵

آیا تحریم‌ها علیه رژیم‌های بی‌رحم به محافظت از غیرنظامیانی که به مبارزه مدنی می‌پردازند کمک می‌کند؟ ..... ۳۹۸

## فصل پنجم / آینده مقاومت مدنی ..... ۴۰۱

چرا انقلاب‌های بدون خشونت روزه‌روز بیشتر می‌شوند؟ ..... ۴۰۴

آیا مقاومت مدنی با گذشت زمان تاثیرگذارتر می‌شود؟ ..... ۴۰۷

چرا اثربخشی کمپین‌های مقاومت مدنی پس از سال ۲۰۱۰ رو به کاهش گذاشته است؟ ..... ۴۰۹

سرکوب هوشمند چیست و جنبش‌ها چگونه میتوانند با آن سازگار شوند؟ ..... ۴۱۹

با توجه به پیشرفت‌های اخیر در دفترچه راهنمای اقتدارگرایی، آیا اساساً مقاومت مدنی آینده‌ای در به چالش کشیدن قدرت تثبیت شده و ریشه‌دار رژیم‌های استبدادی دارد؟ ..... ۴۲۷

پس از پایان کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز چه اتفاقی می‌افتد؟ ..... ۴۳۱

چرا مقاومت مدنی در برخی موارد پس از پیروزی جنبش‌ها منجر به عقب‌نشینی به سمت اقتدارگرایی می‌شود؟ ..... ۴۳۳

|   |     |
|---|-----|
| جنبش‌ها چگونه پس از اینکه به موفقیتی سیاسی نائل شدند خود را برای گذار به دموکراسی آماده کرده‌اند؟           | ۴۳۶ |
| آیا مقاومت مدنی تاکنون در دستیابی به اهداف کاملاً انقلابی موفق بوده است؟                                    | ۴۳۸ |
| کمپین‌های مقاومت مدنی چگونه به همه‌گیری کووید ۱۹ واکنش نشان داده‌اند؟                                       | ۴۴۰ |
| با وجود اینکه مقاومت مدنی در بسیاری از موارد مؤثر بوده است چه چیزی مردم را از اقبال کامل به آن باز می‌دارد؟ | ۴۴۴ |
| چگونه می‌توان مقاومت مدنی را آسان کرد و در دسترس عموم قرار داد؟   | ۴۴۸ |
| پنج نکته‌ای که همگان باید در مورد مقاومت مدنی بدانند چیست؟  | ۴۴۹ |
| <b>ضمایم</b>  | ۴۵۱ |
| <b>منابع منتخب</b>  | ۴۵۱ |
| وب سایت‌ها  | ۴۵۱ |
| منابع راهنمای آموزشی (برای دانلود رایگان PDF بصورت آنلاین موجود است)  | ۴۵۱ |
| فیلم‌های مستند  | ۴۵۲ |
| کتابهای بسیار مهم   | ۴۵۳ |
| فهرست کارزارهای انقلابی خشونت‌آمیز و بدون خشونت، ۱۹۰۰-۲۰۱۹  | ۴۵۶ |
| <b>یادداشتها</b>  | ۴۷۵ |
| پیشگفتار  | ۴۷۵ |
| مقدمه   | ۴۷۵ |
| فصل اول   | ۴۷۶ |

٤٧٩ ..... فصل دوم

٤٨٥ ..... فصل سوم

٤٩٠ ..... فصل چهارم

٤٩٣ ..... فصل پنجم

٤٩٦ ..... منابع

## درباره نویسنده

اریکا چنووت پروفیسور در مدرسه کندی هاروارد و استاد موسسه مطالعات پیشرفته رادکلیف است. تحقیقات Chenoweth بر خشونت سیاسی و بدیل‌های آن متمرکز است. مجله فارین پالیسی در سال ۲۰۱۳ وی را به دلیل تلاش‌هایش برای ترویج مطالعه تجربی مقاومت مدنی در میان ۱۰۰ متفکر برتر جهانی قرار داد. کتاب **مقاومت مدنی: آنچه همگان باید بدانند** (آکسفورد، ۲۰۲۱)، به شیوه‌ای قابل فهم و گفت‌وگو محور به بررسی این موضوع می‌پردازد که مقاومت مدنی چیست، چگونه کار می‌کند، چرا گاهی اوقات شکست می‌خورد، چگونه خشونت و سرکوب بر آن تأثیر می‌گذارد، و اثرات چنین مقاومتی درازمدت چیست. دیگر کتاب‌های اریکا چنووت عبارتند از: **اقدام مدنی و دینامیسم خشونت** (آکسفورد، ۲۰۱۹)، با همراهی دبرا آوانت و سایر نویسندگان، کتاب راهنمای **تروریسم آکسفورد** (آکسفورد، ۲۰۱۹) با ریچارد انگلیش، آندریاس گوفاس، و استاتیس ان. کالیواس؛ **سیاست ترور** (آکسفورد، ۲۰۱۸) با پائولین مور؛ **بازاندیشی درباره خشونت: دولت‌ها و بازیگران غیردولتی در تعارض** (ام‌آی‌تی ۲۰۱۰) با آدریا لارنس، چرا **مقاومت مدنی مؤثر است: منطق استراتژیک مبارزه بدون خشونت** (انتشارات دانشگاه کلمبیا، ۲۰۱۱) با ماریا جی استفان و **خشونت سیاسی** (سیج، ۲۰۱۳).

چرا **مقاومت مدنی مؤثر است: منطق استراتژیک مبارزه بدون خشونت** برنده جایزه بنیاد وودرو ویلسون در سال ۲۰۱۲ شد که هر ساله توسط انجمن علوم سیاسی آمریکا برای قدردانی از بهترین کتاب با موضوع دولت، سیاست یا امور بین‌الملل در ایالات متحده در سال گذشته میلادی منتشر شده، اعطا می‌شود.

## پیشگفتار

اولین بار در ژوئن سال ۲۰۰۶ بود که به عنوان فردی شگاک و بدگمان با موضوع مقاومت مدنی آشنا شدم.<sup>[۱]</sup> مثل بسیاری دیگر در رشته خودم، روابط بین‌الملل، در درجه اول ذهنم درگیر این سؤال بودم که چرا مردم به خشونت سیاسی- تروریسم، خشونت جمعی، جنگ داخلی و شورش- روی می‌آورند و چگونه می‌توان آن را مهار کرد. بسیاری از ما این پیش‌فرض را در ذهن داریم که مردم به این دلیل دست به خشونت می‌زنند که خشونت مؤثر است و نتیجه می‌دهد. نمونه‌های متعددی در تاریخ نشان می‌دهند که خشونت تنها راه مبارزه جدی و قاطعانه با قدرت است- و اینکه خشونت اغلب جواب می‌دهد. انقلاب فرانسه، انقلاب الجزایر، انقلاب چین، جنگ ویتنام، جنگ شوروی و افغانستان و بسیاری نمونه‌های دیگر نشان می‌دهند که قیام‌های مسلحانه از سوی طرف‌هایی که از جنبه نظامی ضعیف‌تر بوده‌اند، اغلب توانسته‌اند دولت‌های قدرتمندتر را شکست دهند.

اما تابستان آن سال در کارگاهی شرکت کردم که توسط مرکز بین‌المللی منازعات بدون خشونت<sup>۱</sup> برگزار شده بود و در آنجا با مقاومت مدنی آشنا شدم، با ابعاد نظری و استراتژیک آن و با روش‌هایی که جنبش‌های قدرت مردم در بسیاری از موارد موفق شده‌اند از آن طریق به دستاوردهایی دست یابند که شورش‌های خشونت‌آمیز در رسیدن به آنها ناکام مانده بودند. کتاب‌ها و مقالاتی که خواندیم این ادعا را مطرح می‌کردند-گاهی به صورت ضمنی و گاهی صریحاً- که مقاومت مدنی به اندازه مبارزه

---

۱. International Center on Nonviolent Conflict



مسئله‌خانه و بلکم بیشتر در دستیابی به امتیازات و موفقیت‌های سیاسی برجسته ثمربخش بوده است. این استدلال‌ها عمدتاً مواردی مانند صربستان را مثال می‌زند که در آنجا جنبش اوتپور<sup>۱</sup> سقوط اسلوبودان میلوشویچ<sup>۲</sup> از قدرت را کلید زد؛ یا لهستان، جایی که «جنبش همبستگی» با موفقیت حزب ریشه‌دار کمونیست در این کشور را به چالش کشید؛ یا فیلیپین، جایی که جنبش قدرت مردمی، فردیناند مارکوس<sup>۳</sup> را از قدرت به زیر کشید؛ و یا جنبش حقوق مدنی ایالات متحده که در آن تحصن‌های پشت میز ناهارخوری، بایکوت‌ها و راهپیمایی‌ها، رفع تبعیض نژادی از بسیاری از شهرهای جنوبی را کلید زد و زمینه را برای کارزاری گسترده‌تر در این کشور بوجود آورد.

اوایل با خودم فکر می‌کردم که این موارد احتمالاً تنها چند استثنای خاص هستند. در مقابل مواردی مانند صربستان، لهستان یا فیلیپین، می‌توانستم مواردی مانند میدان تیان آن من چین، مجارستان ۱۹۵۶، یا برمه ۱۹۸۸ را به یاد بیاورم که در آن قیام‌های مردمی سرکوب شدند. جدای از اینها حتی تلاش‌های مهاتما گاندی برای بیرون‌راندن بریتانیایی‌ها از هند، دوره‌ای از آشفتگی‌های خشونت‌آمیز را در این کشور به همراه داشت که با جدایی خونین پاکستان از هند به یادگار مانده است. علاوه بر این گمان می‌کردم که موارد موفق مقاومت مدنی را می‌توان با عوامل دیگری نیز توضیح داد- دولت‌های ضعیفی که قادر به سرکوب بازیگران غیرمسلح نیستند، بازیگران بین‌المللی

<sup>۱</sup> Otpor . اوتپور به معنای «مقاومت»، جنبشی دانشجویی-شهروندی بود که در سال ۱۹۹۸ در صربستان شکل گرفت و با استفاده از مبارزات بدون خشونت به مبارزه با دیکتاتوری اسلوبودان میلوشویچ برخاست. پس از سقوط میلوشویچ در پی تقلب گسترده انتخاباتی و متعاقب آن اعتراضات وسیع مردمی در سال ۲۰۰۰ اوتپور تبدیل به یک سازمان ناظر سیاسی شد که فعالیت‌های دوره پس از میلوشویچ را رصد می‌کرد و در نهایت در سال ۲۰۰۴ در قامت حزبی سیاسی درآمد-م

<sup>۲</sup> . slobodan milošević

<sup>۳</sup> . Ferdinand Marcos

که مایل به حمایت از جنبش‌های مدنی هستند، نهادهای نسبتاً دموکراتیکی که آنها را همراهی می‌کنند، مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی یا جمعیت‌شناختی که زمینه‌گرایش برخی از جوامع به اقدامات غیرخشونت‌آمیز را فراهم می‌کنند و برخی دیگر را به سمت خشونت‌ورزی می‌کشانند و در نهایت ضعف و ناتوانی آشکار حکومت سابق در خاموش کردن آتش قیام‌های مردمی.

ماریا استپان<sup>۱</sup> که در کارگاه حضور داشت، من را به چالش کشید و ترغیب کرد تا پژوهشی را آغاز کنم و بتوانم شک و تردیدهایی که دارم را برطرف کنم. به این ترتیب من و او با یکدیگر یک تیم شدید تا پژوهشی را طراحی کنیم که بتواند به شیوه‌ای سیستماتیک و تجربی - میزان موفقیت نسبی جنبش‌های توده‌ای بدون خشونت و خشونت‌آمیز و دلایل اصلی این موفقیت‌ها را ارزیابی کند. با بهره‌گیری از هزاران منبع - از جمله دایرة‌المعارف‌ها، کتابشناسی‌ها، مطالعات موردی، اسناد تاریخی، گزارش‌های خبری و فهرست‌های منتشرشده پژوهشگران از انقلاب‌های مردمی - فهرستی از موارد بسیج توده‌ای بدون خشونت از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۶ را تهیه کردیم که دست‌کم هزار شرکت‌کننده ثبت‌شده داشته و در پی دستیابی به اهدافی حداکثری (در سطح کشوری) بوده باشند. کارزارهای کوچکتر یا جنبش‌های اصلاح‌طلبانه [با اهداف حداقلی] را به حساب نیاوردیم.

پس از دو سال جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل و بررسی موضوع به اتفاق کارشناسان، اعداد را پیاده‌سازی کردیم. نتیجه نهایی شوکه‌کننده بود. بیش از نیمی از کارزارهایی که عمدتاً بر مقاومت بدون خشونت متکی بودند، به موفقیت رسیده بودند، در حالی که تنها حدود یک چهارم کمپین‌های خشونت‌آمیز کامیاب شده بودند. علاوه بر این زمانی

---

<sup>۱</sup> . Maria Stephan

که انواع مدل‌های رگرسیون که ویژگی‌های رژیم را به عنوان متغیرهای کنترل شده در نظر می‌گیرد، به کار بستیم، هیچ ارتباط آماری نظام‌مندی بین ویژگی‌های ساختاری یک کشور و نتایج مبارزات در آن کشور پیدا نکردیم. به بیانی ساده تر، کارزارهای بدون خشونت علی‌رغم در نظر گرفتن عوامل ساختاری گوناگون - نظیر فاکتورهای جغرافیایی، ثروت، قدرت نظامی یا جمعیت‌شناسی [یک کشور] - که ما معمولاً آنها را به عنوان عوامل از پیش تعیین‌کننده چنین نتایجی در نظر می‌گیریم، بیش از کمپین‌های خشونت‌آمیز موفق بوده‌اند.

من و استپان یافته‌های خود را در سال ۲۰۱۱ منتشر کردیم که البته مصادف بود با اوج بهار عربی [۲]. طی ده سال پس از آن بسیاری از محققان تحقیقات مفصل‌تری را پیرامون چگونگی رشد و گسترش کارزارهای مقاومت مدنی، چرایی موفقیت یا شکست آنها، و چگونگی تغییر و تحوّل جوامعی که این جنبش‌ها در آنها ظهور می‌کنند انجام داده و مباحثی کلیدی و اجماعی تازه را پیرامون پرسش‌های مهم این حوزه شکل داده‌اند. علاوه بر این تعدّد جنبش‌های توده‌ای جدید در سرتاسر جهان، دامنه‌ی مناطقی که مقاومت مدنی در حال شکل‌دهی به تاریخ آنهاست را گسترش داده و این روند درک ما را از نحوه‌ی عملکرد مقاومت مدنی بهبود بخشیده است.

اگرچه در بسیاری از موارد این قبیل جنبش‌ها تیتراهای خبری رسانه‌ها را به خود اختصاص نمی‌دهند، اما دهه‌ی گذشته - ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ - بیش از هر دوره‌ی دیگری در تاریخ مکتوب انسان‌ها، شاهد خیزش‌های بدون خشونت انقلابی در سرتاسر جهان بوده است [۳]. در واقع تعداد این قبیل مبارزات در دو دهه‌ی ابتدایی قرن بیست‌ویکم، از سرتاسر قرن بیست بیشتر بوده است. از ارمنستان تا سودان، از بلاروس تا هند، از شیلی تا هنگ‌کنگ و از تایلند تا بوركینافاسو، جنبش‌های بزرگ چشم‌انداز سیاسی ده‌ها کشور در سرتاسر جهان را از بیخ و بن تغییر داده‌اند.

ایالات متّحده نیز بخشی از این روند بوده است. در ده سال گذشته شاهد افزایش چشمگیر بسیج توده‌ای در ایالات متّحده بوده‌ایم. از «اشغال وال استریت»<sup>۱</sup> تا «دست در دست هم، رویا می‌سازیم»<sup>۲</sup>، از «جان سیاهان مهم است»<sup>۳</sup> تا «صخره پابرجا»<sup>۴</sup>، از «راهپیمایی زنان»<sup>۵</sup> تا «خانواده‌ها متعلّق به همند»<sup>۶</sup>، از «#می‌تو»<sup>۷</sup> تا «دستاوردها را حفظ کنید»<sup>۸</sup>، از «عدالت برای برونا تیلور»<sup>۹</sup> تا «شادی تا مراکز رأی‌گیری»<sup>۱۰</sup>، جنبش‌های قدرت مردم فضای سیاسی آمریکا در دهه گذشته را به شیوه‌هایی بی‌سابقه تحت تأثیر خود قرار داده‌اند.

در این مدت - تا حدّی به دلیل علایق پژوهشی‌ام، اما بیشتر به دلیل بحران‌های اخلاقی الزام‌آور- از فردی ظنین و بی‌علاقه به مقاومت مدنی به شرکت‌کننده‌ای مصمّم در جنبش‌های بدون خشونت مبدّل شدم. اکنون دیگر به خاطر دموکراسی در کشور خودم و همبستگی با مدافعان حقوق بشر در سرتاسر جهان، تاریخ و عملکرد جنبش

---

۱ . Occupy Wall Street

۲ . United We Dream

۳ . Black Lives Matter

۴ . Standing Rock

۵ . Women's March

۶ . Families Belong Together

۷ . #MeToo

۸ . Protect the Results

۹ Justice for Breonna Taylor . برونا تیلور زنی ۲۶ ساله و سیاه پوست بود که در ۱۳ مارس ۲۰۲۰ دست کم هفت افسر پلیس به بهانه تحقیقات در مورد عملیات خرید و فروش مواد مخدر [ که به دوست پسرش کنت واکر مرتبط بود] به آپارتمان شخیصش در لوئیزویل، کنتاکی، وارد شدند و پس از شلیک گلوله‌ای از سوی کنت واکر، به تیراندازی پرداختند. از سی گلوله شلیک شده توسط پلیس، شش گلوله به برونا اصابت کرد و در دم جان سپرد-م.

۱۰ . Joy to the Polls

مقاومت را با ابرام و ضرورت بیشتری مورد بررسی قرار می‌دهم. مشخصاً، سرکوب جنبش‌های اخیر مرا به بررسی دقیق‌تر مبارزات تاریخی مردم ستمدیده در سرتاسر جهان و نیز مطالعه جنبش‌های سیاه‌پوستان، بومیان و دگرباشانی که کارزارهای کنونی برای عدالت را در ایالات متّحده رهبری می‌کنند، سوق داده است. خواه به عنوان یک شرکت‌کننده یا فردی هم‌پیمان در کمپین‌های ضدنژادپرستی، جنبش‌های حقوق مهاجرین، جنبش تأمین سرپناه، جنبش اقلیمی، جنبش حقوق دگرباشان جنسی و جنبش دموکراسی در ایالات متّحده، درس‌های زیادی از فعالان و سازمان‌دهندگان کارآزموده این جنبش‌ها آموخته‌ام. در نتیجه، درک و آگاهی در مورد روش‌هایی که کارزارهای قدرت مردم رشد می‌کنند، ظهور می‌کنند، فیصله می‌یابند و تغییر می‌کنند، افزایش یافته است. این درس‌ها حکایت‌هایی الهام‌بخش و درعین حال عبرت‌انگیز هستند. از این‌رو کتاب پیش‌رو را می‌توان به عنوان نوعی درخواست تجدیدنظر [در اهمیت و کارکرد مقاومت مدنی] و در عین حال یک هشدار در نظر گرفت.

در دوره کنونی مشخصاً چندین الگوی نوظهور باعث نگرانی افرادی شده است که در سرتاسر جهان برای دستیابی به عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اهتمام می‌ورزند. اولین آن موج جهانی و نگران‌کننده اقتدارگرایی فزاینده‌ای است که در کشورهایمانند هند، لهستان، مجارستان، ترکیه، برزیل، تایلند، فیلیپین و ایالات متّحده خیز برداشته و در دهه گذشته موجب سیر قهقهه‌رایی این کشورها به سوی استبداد شده است. در این کشورها و بسیاری از موارد دیگر، عوام‌فریبان پرجنب‌وجوش و جویای نام، حمایت‌های حقوق مدنی از گروه‌های به حاشیه‌رفته را تضعیف یا به کل حذف کرده‌اند، استقلال قضایی را مورد حمله خود قرار داده‌اند، مخالفان سیاسی را تهدید به بازداشت و زندان کرده‌اند، روزنامه‌نگاران را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند، حملات بی‌شرمانه‌ای را علیه نهاد انتخابات و فرآیند رأی‌گیری صورت داده‌اند، و

چشمان خود را بر نیروهای مسلح خودسر و متعصبی که به مخالفان داخلی خود حمله می‌کنند، بسته‌اند. در واقع این لغزش به سمت اقتدارگرایی، دقیقاً همان چیزی است که بسیاری از جنبش‌های توده‌ای در سرتاسر جهان را برانگیخته تا برای دفاع از دموکراسی و حقوق اولیه خود قیام کنند.

عامل دیگر نگرانی در این میان، ظهور اقتدارگرایی دیجیتال است. عصر دیجیتال روگرفتی دروغین از ارتباطات [واقعی] اجتماعی ایجاد کرده است و در عین حال به خودکامگان این قدرت را پیشکش کرده تا مخالفان سیاسی خود را بهتر از پیش مورد نظارت، کنترل و آزار و اذیت قرار دهند. چین، ایران، روسیه و عربستان سعودی از ابزارهای دیجیتال برای ساکت کردن مخالفان، انتشار تبلیغات حکومتی و اطلاعات نادرست و ایجاد فضای دوقطبی و تفرقه در میان رقبای خود استفاده کرده‌اند. رژیم‌های کشورهای کوچک‌تر مانند توگو و بحرین نیز به همین ترتیب و به منظور محدود کردن هر چه بیشتر جامعه مدنی خود بر نظارت دیجیتالی تکیه کرده‌اند.

روندهای اخیر در میان جنبش‌های توده‌ای نیز دلایلی برای نگرانی نشان می‌دهند. با وجود اینکه مقاومت مدنی اکنون به عنوان راهبردی پیشرو جهت ایجاد تغییر در سرتاسر جهان فراگیر و گسترده شده است، داده‌ها نشان می‌دهند که حکومت‌ها بیش از دهه‌های پیشین، در شکست دادن جنبش‌های بدون خشونت انقلابی موفق عمل می‌کنند. داده‌های مرتبط با این جنبش‌ها نشان می‌دهند که این روند نزولی آشکار در اثربخشی جنبش‌ها، می‌تواند با تغییرات در روش‌هایی مرتبط باشد که این جنبش‌ها در عصر دیجیتال، توسعه یافته و ظهور پیدا می‌کنند. به طور خاص، چهار تغییر کلیدی وجود دارد که در فصل پنج به شکل جدی‌تری به آنها می‌پردازیم.

- جنبش‌های معاصر از نظر اندازه کوچک‌تر از هم‌تایان تاریخی خود هستند.  
 - به نظر می‌رسد جنبش‌های معاصر بیشتر بر تظاهرات خیابانی مَتکی هستند تا سایر روش‌های کنش بدون خشونت، نظیر شیوه‌های عدم همکاری جمعی، مانند توقّف کار<sup>۱</sup>، ترک کار<sup>۲</sup>، اعتصابات چرخشی<sup>۳</sup>، بایکوت، یا اعتصابات عمومی. نمایش نمادین مقاومت، لزوماً منابع قدرت حریف را تضعیف نمی‌کند.  
 - جنبش‌های معاصر تمایل دارند به جای ایجاد ساختارهای رهبری پاسخگو که بتوانند در ایجاد هماهنگی و تدوین استراتژی برای جنبش موثر باشند، «مقاومت بدون رهبر»<sup>۴</sup> را در دستور کار قرار دهند [۴].

- جنبش‌های معاصر به طور فزاینده‌ای با اقدامات مدنی کمتر منضبط و سازمان‌یافته مشخص می‌شوند. این امر اهمیت بالایی دارد، چرا که خشونت‌های حاشیه‌ای [در مبارزات] حامیان و طرفداران را از جنبش دور می‌کند، فضای جوامع را دوقطبی کرده و سرکوب‌کوبنده دولت را افزایش می‌دهد و در نهایت هیچ تأثیری در گسترش پایگاه‌های حمایتی و بالابردن همبستگی جنبش یا ایجاد قدرتی تحوّل‌آفرین ندارد.

جدای از اینها، برخی باورهای غلط دیرپا پیرامون مؤثر بودن مقاومت مدنی و چگونگی آن وجود دارد که می‌تواند جدّابیت و اثربخشی عمومی آن را تضعیف کند:

<sup>۱</sup> labor stoppage. توقّف کار به توقّف هدفمند و موقت کار به عنوان شکلی از اعتراض اطلاق می‌شود که می‌تواند توسط کارکنان یا مدیران یک شرکت آغاز شده و به فلج اقتصادی کشور بیانجامد - م.

<sup>۲</sup> walkouts. ترک کار شکلی از اعتصاب کارگری است که طی آن کارکنان به صورت دسته جمعی و به عنوان یک اقدام اعتراضی محل کار خود را ترک کرده و از کار خودداری می‌کنند - م.

شیوه ای از اعتصاب متشکل از مجموعه‌ای هماهنگ از اعتصابات محدود و متوالی توسط rolling strike .<sup>۳</sup>

گروه‌های کوچکی از کارگران - م.

<sup>۴</sup> leaderless resistance .

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۱۰

- کنش بدون خشونت ضعیف و انفعالی است.
- خشونت سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای کسب آزادی است.
- مقاومت مدنی در برابر بی‌عدالتی‌های شدید، ناممکن یا بی‌تأثیر است.
- مقاومت بدون خشونت نمی‌تواند تحوّل اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی واقعی ایجاد کند.

• افراد زمانی از مقاومت بدون خشونت استفاده می‌کنند - دیگران را به انجام آن تشویق می‌کنند - که دسترسی راحت و آسانی به قدرت داشته باشند و اینکه این روش مقاومت برای جوامع به حاشیه‌رانده شده در دسترس نیست.

• جنبش‌ها زمانی که علل و عواملشان به حق باشد، پیروز خواهند شد، صرف‌نظر از اینکه از کدام تاکتیک مبارزاتی استفاده کنند.

با وجود این افسانه‌ها و انتقادات رایج پیرامون خشونت‌پرهیزی، مقاومت مدنی ایده‌ای است که زمان آن دوباره فرا رسیده است. این کتاب مستقیماً با سؤالاتی درگیر است که ناظران، همکاران، دانشجویان، فعالان، دوستان، روزنامه‌نگاران و عموم مردم از من در مورد مقاومت مدنی و طی سال‌هایی که برای مطالعه آن صرف کرده‌ام، می‌پرسیده‌اند. در این کتاب می‌کوشم دیدگاهی مبتنی بر مجموعه‌ای از بهترین شواهد موجود را برای کمک به اصلاح هرچه بیشتر افسانه‌ها و تصوّرات نادرست پیرامون سابقه تجربی مقاومت غیرخشونت‌آمیز ارائه داده و قدرت بالقوه آنرا به همگان نشان دهم.

## نحوه مطالعه این کتاب

امیدوارم که این کتاب بتواند گفتگویی مستمر و پیوسته باشد. قالب و نحوه پرسش و پاسخ از پیش توسط مجموعه آنچه همگان باید بدانند<sup>۱</sup> مشخص شده است، با این

---

<sup>۱</sup> . What Everyone Needs to Know®



وجود این فرمت چند مزیت کلیدی دارد. اول اینکه فهرست مطالب کتاب، سؤالات مهم مردم از من در مورد چیستی مقاومت مدنی، چگونگی کارکرد آن و اینکه چرا مهم است که همگان در مورد آن بدانند را در خود گنجانده است. من تمام تلاش خود را در هر بخش انجام داده‌ام تا به آنچه در مورد این مقولات می‌دانیم - و آنچه نمی‌دانیم - بپردازم. دوم اینکه، کتاب به شیوه‌ای نسبتاً دنباله‌دار پی‌ریزی شده و هر فصل از جایی که آخرین فصل به پایان رسیده، آغاز می‌شود. این بدان معناست که شما ممکن است با مفاهیم و مثال‌های تاریخی متفاوتی در بخش‌های مختلف کتاب و زمانی که با چندین سؤال مختلف مرتبط هستند، مواجه شوید. در عین حال می‌توانید مستقیماً و بدون اینکه لزوماً پیش‌زمینه‌ای خاص را از دست داده باشید به بخش‌های مختلفی که به فوری‌ترین سؤالات شما پاسخ می‌دهند، مراجعه کنید.

این کتاب پیش‌درآمد تجربی اولیه ایست پیرامون آنچه باور دارم همه مردم باید در مورد مقاومت مدنی بدانند و الگوهای مقاومت مدنی را با مفاهیم و تعابیری نسبتاً کلی مورد بحث قرار می‌دهد. کتاب بیشتر بر روندها، الگوها و پویایی‌های جهانی تمرکز دارد و کمتر به گزارش مفصل و تحلیلی از نمونه‌های تاریخی خاص مقاومت غیرخشونت‌آمیز می‌پردازد. اگرچه من هر از گاهی مثال‌هایی از کمپین‌های مقاومت مدنی را برای نشان دادن نکات مختلف مد نظرم به کار می‌گیرم، اما کسانی را که علاقه‌مند به دانش خاص در مورد بحث‌های عمیق نظری و مفهومی هستند و نیز به دنبال اطلاعات دقیق در مورد عملکرد کارزارهای مبارزاتی خاص هستند را به سایر متخصصان این حوزه ارجاع می‌دهم. این کتاب شرح وقایع یا تاریخچه‌ای از تمام آنچه در مورد مقاومت مدنی می‌دانیم نیست - مطالعات عمیق و جامعی در دسترس هستند که یافته‌ها، تفاوت‌های ظریف و اختلافات مهم مختلف را تجزیه و تحلیل می‌کنند و من در سرتاسر کتاب خوانندگان را به این منابع مختلف ارجاع می‌دهم. از دانش پژوهان

جدی‌تر می‌خواهم که از کتابشناسی کامل انتهای کتاب استفاده کنند؛ کسانی که می‌خواهند تنها چند منبع اضافی را مطالعه کنند، بخش «منابع برگزیده» برایشان کافی خواهد بود. این کتاب برای استفاده کسانی طراحی شده است که در مورد جنبش‌های قدرت مردم کنجکاو هستند، اما هرگز مطالعه‌ای در این حوزه نداشته‌اند، و البته در کنار آن برای پیشکسوتان باتجربه جنبش‌های مدنی نیز بینش‌های جدیدی در آستین دارد. ثانیاً، کتاب پیش رو قرار نیست حرف آخر در این حوزه باشد. مقاومت مدنی پدیده‌ای نوظهور است و جهان به سرعت در حال تغییر است. ده سال بعد ممکن است کتابی کاملاً متفاوت در این زمینه نوشته شود و بسیاری از جداول، نمودارها و نتایج اساسی که به آنها رسیده‌ام را مورد بازبینی قرار دهد. تمرکز این کتاب بر این موضوع است که چه پیامدهای عملی را می‌توانیم از موارد تاریخی و روندهای جهانی موجود برداشت کنیم. از این رو بهترین راه برای خواندن این کتاب این است که ببینید آیا متن با مشاهدات، بینش‌ها و تجربیات شما همخوانی دارد یا خیر. آنچه مفید است را بگیرید و بقیه را رها کنید.

سوم اینکه، بسیاری از ایده‌هایی که در این کتاب ارائه می‌دهم در مقالات، سرمقالات ویژه روزنامه‌ها و مجلات، پست‌های وبلاگی و قالب‌های مختلف دیگر منتشر شده‌اند. در مواردی که چنین شده در یادداشت‌های پایانی به آن اشاره کرده‌ام. بخش بزرگی از دانش من در این حوزه از تعاملات مکرر با فعالان خط مقدم و گول‌های فکری در عرصه مقاومت مدنی ناشی می‌شود که از برخی آنها در تقدیرنامه نام برده‌ام. اما این اولین باری است که افکارم را یکجا و در قالبی که برای دستیابی به مخاطبان زیادی در نظر گرفته شده است، کنار هم قرار می‌دهم. از کسانی که دانش و مشارکت آنها در این زمینه باعث رشد و پیشرفت من شده است سپاسگزارم و نیز قدردان کسانی

هستم که مرا تشویق کرده‌اند تا این بینش‌ها را درهم آمیخته و به شیوه‌ای گسترده‌تر و به مخاطبانی بیشتر منتقل کنم.

و چهارم اینکه، علیرغم قالب پرسش و پاسخ کتاب، قصد من لزوماً این نیست که افراد این کتاب را به عنوان یک کتابچه راهنمای تجویزی در مورد چگونگی انجام مقاومت مدنی بخوانند. افرادی که مبارزات بدون خشونت را براه می‌اندازند، اغلب خودشان در بهترین موقعیت برای تصمیم‌گیری پیرامون بهترین اقدام عملی در این حوزه هستند. هیچ دستورالعمل قابل تعمیم و فراگیری برای مقاومت مدنی مؤثر وجود ندارد. با این وجود اما همچنان درس‌های متمایزی از گذشته وجود دارد که می‌تواند الهام‌بخش حال و آینده باشد. بنابراین اگرچه قصدم در این کتاب نصیحت کردن نیست، اما به خوانندگان می‌گویم که استنباط و برداشتم از شواهد موجود چیست، و اخطارهای مناسبی را برای هر مورد بیان می‌کنم. در مواردی که اطمینان پایینی پیرامون برخی یافته‌ها وجود دارد، سعی می‌کنم این موضوع را به وضوح بیان کنم. و در مقابل، در جایی که توافق نسبتاً محکمی پیرامون یافته‌هایی خاص وجود دارد من نیز به همین ترتیب درجاتی از اجماع را بیان می‌کنم.

این کتاب دارای جهت‌گیری سیاسی ترقی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه است که البته تعمّدی است. امید من این است که خوانندگان با احساس آگاهی بیشتر در مورد مقاومت مدنی این کتاب را به پایان برسانند - نقش آن در تاریخ بشر، نقش آن در دنیای امروز ما، مناقشات پیرامون آن، و واقعیات تجربی پیرامون نقاط قوت و محدودیت‌های آن. هدف من کمک و حمایت از کسانی است که به دنبال درک گسترده‌تر پیرامون بدیل‌های واقع‌بینانه برای خشونت در جهان ما هستند، مقابله با کسانی که دیدگاهشان نسبت به مقاومت مدنی بیش از همه با مجادله و جَوِّ بحث شکل گرفته است تا شواهد دنیای واقعی. و در آخر هدف نهاییم این است که افرادی که این کتاب را می‌خوانند

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۱۴

احساس مجهز بودن، آمادگی و قدرت بیشتری برای تغییر اوضاع و رقم زدن تفاوت در مبارزه جهانی برای عدالت را بدست بیاورند.

# مقاومت مدنی

## معرفی مختصر

زنگ‌هایی که هنوز صدایی از آنها در می‌آید را به صدا درآورید.  
ایده‌های بی‌عیب و نقص خود را کنار بگذارید  
در هر چیزی شکافی، رخنه‌ای، جا خوش کرده است  
و چنین است که نور به درون می‌آید...  
لئونارد کوهن<sup>۱</sup>

مقاومت مدنی شکلی از کنش جمعی است که هدفش تأثیرگذاری بر وضعیت موجود سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی، بدون استفاده از خشونت یا تهدید به خشونت علیه مردم است. این شیوه از مقاومت، سازماندهی شده، همگانی و به‌وضوح در ابزار و اهداف خود خشونت‌پرهیز است. این کتاب می‌کوشد چکیده‌ای از واقعیت‌ها و آموزه‌های تاریخی پیرامون شیوه‌هایی که کارزارهای مقاومت مدنی شکل گرفته، برنامه‌ریزی شده، سازماندهی شده و در نهایت بسیج شده‌اند را با شرحی مختصر بیان کند.

این فصل شما را با تاریخ چشمگیر مقاومت مدنی در طول هزاره گذشته آشنا کرده و علاوه بر آن با برخی از مناقشات کلیدی که همچنان پیرامون چگونگی تعریف مقاومت مدنی و چگونه تأثیرگذاری آن بر جهان وجود دارد، دست و پنجه نرم می‌کند. اما

---

<sup>۱</sup> . Leonard Cohen

پیش از اینکه بخواهیم در مورد پیشرفت و تحوّل این شیوه از مبارزه در طول قرن‌ها صحبت کنیم، اجازه دهید واژگان خود را تعریف نماییم.

### چرا آن را «مقاومت مدنی» می‌نامیم و نه چیز دیگر؟

من عنوان این کتاب را مقاومت مدنی<sup>۱</sup> گذاشته‌ام چرا که این اصطلاح به بهترین وجه میراثی تاریخی را به تصویر می‌کشد که مردم بواسطه آن این تکنیک مبارزاتی را توسعه داده و بهبود بخشیده‌اند. خود این اصطلاح تنها حدود ۱۰۰ سال است که کاربرد پیدا کرده است. مهاتما گاندی این اصطلاح را در جریان مبارزاتش با استعمار بریتانیا در هند ابداع کرد. در طول سال‌ها، بسیاری از دانشگاهیان و کنشگران این حوزه - از جین شارب<sup>۲</sup> تا کشیش جیمز لوسون<sup>۳</sup> - از واژه پیش‌گفته را برای توصیف این پدیده نوظهور استفاده کرده‌اند.

مقاومت مدنی یک روش مبارزه فعالانه است که در آن افراد غیرمسلح از انواع روش‌های سازمان‌یافته و غیرنهادی - اعتصاب، اعتراض، تظاهرات، بایکوت، نهادسازی جایگزین و بسیاری از تاکتیک‌های دیگر استفاده می‌کنند - تا بدون آسیب‌رسانی یا تهدید به آسیب‌رسانی به حریف تغییرات مورد نظر خود را بوجود بیاورند. در زبان انگلیسی، اصطلاح «مدنی» از کلمه لاتین civis به معنای «شهروند» گرفته شده است. در کاربرد معاصرش، اصطلاح «مدنی» بیانگر برداشتی از مسئولیت عمومی است که در آن مردم به شیوه‌ای جمعی حقوق و نیازهای خود را به نمایندگی از جوامع خود

---

<sup>۱</sup> . Civil Resistance

<sup>۲</sup> . Gene Sharp

<sup>۳</sup> Rev. James Lawson: فعال آمریکایی و استاد دانشگاه. وی یکی از نظریه پردازان و تاکتیک‌دانان برجسته مبارزات بدون خشونت در جریان جنبش حقوق مدنی امریکا بود - م.

ابراز می‌کنند. اصطلاح «مقاومت» از کلمه لاتین *resistere* گرفته شده است *Sistere*. شکل قویتری از فعل *stare*، به معنای «ایستادن یا ایستادگی کردن» است. پیشوند *re* به کلمه شدت می‌بخشد. [۱] از طریق مقاومت مدنی، شهروندان از تمامی اقشار جامعه گرد هم می‌آیند تا با شدت و قدرت زیاد موضع‌گیری کرده و عدالت و پاسخگویی دیگران [عمدتاً دولتمردان] را مطالبه کنند.

برخی از روش‌های مقاومت مدنی می‌توانند فوق‌العاده اخلاک‌گراانه و مقابله‌جویانه باشند و اغلب هم چنین هستند- مانند تجمع در یک جاده یا گذرگاه عمومی مهم، ازدحام عمدی در سلول‌های زندان، یا امتناع از خروج از دفتر یک مقام دولتی. افراد یا مؤسسه‌هایی که مورد حمله جنبش‌های مدنی قرار می‌گیرند، اغلب شدیداً احساس خطر می‌کنند، چرا که چنین شیوه مقاومتی قدرت، موقعیت و آسایش آنها را به خطر می‌اندازد، و در عین حال گزینه‌های آسان و سرراست زیادی نیز برای حل مناقشه در اختیارشان نمی‌گذارد. آنها نیز متقابلاً می‌کوشند از طریق سرکوب مخالفان مدنی با استفاده از دستگیری، حبس، قتل‌های هدفمند، شکنجه و سایر اشکال اجبار با مقاومت آنها روبرو شوند. کسانی که از مقاومت بدون خشونت استفاده می‌کنند، اغلب انتظار خشونت دشمنان خود را داشته و برای آن آماده می‌شوند. اما مخالفان خشونت‌پرهیز به نوبه خود از کاربرد خشونت اجتناب می‌ورزند، چرا که خشونت کمتر از تاکتیک‌های پیش‌گفته دیگر در برابر قدرت مسلح ریشه‌دار و مستحکم مؤثر است. این‌گونه نیست که تمامی حامیان مقاومت مدنی باور به صلح‌طلبی داشته باشند یا آن را تأیید کنند، اگرچه برخی به آن معتقدند، و نیز این‌طور نیست که تمامی صلح‌طلبان از مقاومت مدنی استفاده کنند، اگرچه برخی از آنها چنین می‌کنند.

از آنجایی که این رویکرد اغلب دچار بدفهمی می‌شود، بهتر است که هر یک از عناصر آن را کمی دقیق‌تر بررسی کنیم.

اول اینکه، مقاومت مدنی یک مبارزه است - تاکتیکی فعالانه و مقابله جویانه که مردم یا جنبش‌ها از آن برای اثبات و پیگیری ادعاهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا اخلاقی خود استفاده می‌کنند. مقاومت مدنی به شیوه‌ای فعالانه تضاد و کشمکش را ترویج می‌کند، [در نظم موجود] اختلال ایجاد می‌کند و در جهت تأثیرگذاری، جایگزینی یا تغییر وضعیت موجود، به جمع‌آوری نیروهای خود می‌پردازد. این شیوه از مبارزه نوعی حمله متقابل است که مردم می‌توانند زمانی که می‌بینند افراد قدرتمند، سازمان‌ها، دولت‌ها یا نظام‌های سیاسی با آنها بدرفتاری کرده و آنها را به ستوه آورده‌اند، از آن بهره برده و در پی ایجاد نظام‌های جدیدی باشند که این بی‌عدالتی‌های اساسی را مورد توجه قرار داده و درصدد رفع آنها بر می‌آید. مقاومت مدنی پادزهر انفعال و بی‌تفاوتی است.

دوم اینکه، مقاومت مدنی از سوی غیرنظامیان غیرمسلح و بدون آسیب‌رساندن مستقیم به حریف صورت می‌پذیرد. افرادی که به دنبال ایجاد تغییراتند، افرادی عادی هستند که به خلاقیت و نبوغ خود مجهز بوده - همراه با منابع مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اهرم‌های فشار سیاسی در اختیارشان - و هدفشان تأثیرگذاری بر اجتماعات و جوامع خود است. علاوه بر این، جنبش‌های مقاومت مدنی عموماً اقداماتی را انجام می‌دهند که خشونت‌آمیز نیستند. برای اکثر پژوهشگران و دست‌اندرکاران این حوزه، بخش «مدنی» «مقاومت مدنی» به صراحت به معنای رد اقدامات مسلحانه یا خشونت‌آمیز در این شیوه از مبارزه است. البته، مفاهیم «عدم خشونت» و «اقدام خشونت‌آمیز» خود بحث‌برانگیز هستند، اما با توجه به منظور فعلی ما می‌توان گفت که کسانی که دست به مقاومت مدنی می‌زنند، اگرچه مستقیماً با مخالفان خود به رویارویی می‌پردازند، اما از سلاح‌ها یا حملات فیزیکی مانند مشت‌پراکنی، لگدزنی، ضرب و جرح یا کشتن طرف مقابل استفاده نمی‌کنند. با این حال اصطلاح «مدنی» لزوماً به معنای «دوستانه»، «محترم» یا «مؤدبانه» بودن نیست. بلکه در



مقابل، محققان معمولاً ایجاد مزاحمت، حرکات نامحترمانه، رو برگرداندن، هوکردن و ایجاد سروصدا، سرافکننده کردن، انگ زدن و طردکردن مخالفان را به عنوان رفتارهای غیرخوشونت‌آمیز طبقه‌بندی می‌کنند که در صورت استفاده در ترکیب با روش‌های دیگر می‌تواند هزینه‌هایی را به دشمنان خود و حامیان آنها تحمیل کند.

سوم اینکه مقاومت مدنی مستلزم هماهنگی و توازن مجموعه متنوعی از روش‌هاست. این روش مبارزه عمدی و از پیش طراحی شده‌ای است که به شیوه‌ای هدفمند از روش‌های مختلف استفاده می‌کند- مانند اعتصاب، تجمع اعتراضی، کم‌کاری<sup>۱</sup>، اجتناب از کار<sup>۲</sup>، اشغال و تصرف عمدی، عدم همکاری، و/یا توسعه نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جایگزین و نیز موارد دیگر- تا بتواند به ایجاد قدرت و اهرم فشار از پایین جامعه بپردازد. صرف تظاهرات مردمی در خیابان، به معنی درگیر شدن افراد در مقاومت مدنی نیست. اقدامات خودبه‌خودی و بداهه خیابانی که با هماهنگی گروه‌های مدنی مختلف و به عنوان بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر صورت نمی‌گیرد، به ندرت دارای قدرت یا ظرفیتی ماندگار برای ایجاد تحوّل در درازمدت هستند. و نیز اینکه سازماندهی یکباره یک اعتراض یا اعتصاب، گروهی را واجد شرایط سهیم شدن در یک جنبش مقاومت مدنی نمی‌کند. مقاومت مدنی نه مبارزه‌ای خودانگیخته است و نه صرفاً نمادین، بلکه دراصل مبارزه‌ای طولانی با همکاری گروه‌های سازمان‌یافته- انجمن‌های مدنی، گروه‌های جوانان، اتحادیه‌ها،

<sup>۱</sup> go-slow . یا slowdown آهسته‌کاری یا کم‌کاری شیوه‌ای از اعتصاب است که در آن کارکنان یا کارگران وظایف خود را انجام می‌دهند اما به دنبال کاهش بهره‌وری یا کارایی خود در انجام این وظایف هستند. این شیوه از اعتصاب برای کارگران و اتحادیه‌های آنها کم‌خطرتر و کم‌هزینه‌تر از سایر شیوه‌هاست-م.

<sup>۲</sup> «stay-away . اجتناب از کار» یا «سرکار نرفتن» نوعی اعتراض، مشابه اعتصاب عمومی است که در آن از مردم خواسته می‌شود که از کار و محل‌های کاری اجتناب کنند-م.

مؤسّسات مذهبی، و سایر گروه‌های جامعه مدنی - است که در طول زمان برای رسیدن به یک هدف مشترک با یکدیگر فعالیت می‌کنند.

چهارم اینکه، مقاومت مدنی شامل اقدامات و کنش‌های غیرنهادی است. به بیان دیگر مقاومت مدنی تعمداً نافرمان و متمرّد است و خارج از حیطه نهادها، قوانین و نظام‌های بزرگ‌تری عمل می‌کند که عمدتاً ناعادلانه یا نامشروع تلقی شده‌اند. مقاومت مدنی غالباً و آشکارا برای به چالش کشیدن، رقابت، تضعیف، براندازی، ایجاد اختلاف یا جایگزینی چنین نهادهایی عمل می‌کند. رأی دادن، برگزاری میتینگ‌های انتخاباتی، نوشتن و جمع‌آوری طومارها، لابی‌کردن، برقراری تماس با اعضای کنگره، و سازماندهی کارزارهای حمایت قانونی، معمولاً مقاومت مدنی تلقی نمی‌شوند - چرا که تمامی این اقدامات در داخل چهارچوب‌ها و محدوده‌های سیستم موجود صورت می‌پذیرند. برخی از تاکتیک‌هایی که مقاومت مدنی تلقی می‌شوند، از این‌رو چنین هستند که خارج از مجاری رسمی و قانونی صورت می‌گیرند، مواردی نظیر: برگزاری راهپیمایی‌های غیرمجاز یا غیرقانونی، سرپیچی از «قوانین ناعادلانه»، برگزاری اعتصاب و تعطیلی کار، امتناع از پرداخت مالیات، و اقدامات مستقیمی مانند محاصره بانک‌ها، بایکوت محصولات، یا اشغال دفتر سیاستمداران. تمامی اینها غالباً خارج یا فراتر از نهادهای مستقر صورت می‌پذیرند. صدها - اگر نگوییم هزاران - نمونه دیگر نیز وجود دارد.

البته در عمل بسیاری از کارزارهای مقاومت مدنی اقدامات نهادی و غیرنهادی را با یکدیگر ترکیب می‌کنند. به عنوان مثال، جنبش حقوق مدنی ایالات متّحده، اشکال مختلفی از مقاومت مدنی نظیر - راهپیمایی، بایکوت اتوبوس‌ها، تحصن پشت میز نهارخوری‌ها، بایکوت از سوی مصرف‌کنندگان، راهپیمایی‌های سکوت، دعا و نیایش در مکانهای عمومی، تظاهرات گسترده، ازدحام عمدی در زندان‌ها و بسیاری از روش‌های دیگر - را با روش‌های سیاسی سنتی‌تر مانند صدور بیانیه‌های عمومی، انجام

حمایت‌های قانونی، لابی‌کردن با مقامات کاخ سفید و نمایندگان کنگره، و حمایت از نامزدهای مخالف نژادپرستی برای تصدیٰ مناصب دولتی ترکیب کرده بود. با این حال، جنبش‌هایی که تنها بر اقدامات نهادی، مانند گردهمایی برای نامزدهای سیاسی یا نوشتن نامه به مقامات دولتی، متکی هستند معمولاً جزو جنبش‌های مقاومت مدنی محسوب نمی‌شوند.

در آخر اینکه هدف مقاومت مدنی تأثیرگذاری بر وضعیت موجود است. مقاومت مدنی به دنبال تغییر است - اغلب تغییراتی انقلابی در جامعه‌ای وسیع و گسترده. مقاومت مدنی غالباً دارای کیفیتی مردمی یا مدنی است و شامل گروه‌ها یا ائتلاف‌هایی [از میان شهروندان] می‌شود که با یکدیگر همکاری می‌کنند تا ادعاهایی جمعی را پیرامون اقدامات و دغدغه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی یا اخلاقی [مورد نظر] مطرح کنند - به نمایندگی از گروه بزرگتر. برای مثال، فعالان سیاه‌پوست در طول جنبش حقوق مدنی تنها برای تأمین حقوق شرکت‌کنندگان در آن جنبش دست به عمل نمی‌زدند، بلکه در واقع به دنبال حذف کامل نظام تفکیک نژادی، نژادپرستی و برتری‌طلبی سفیدپوستان در ایالات متحده و برای همه شهروندان این کشور بودند. انقلاب سودان که دیکتاتوری عمر البشیر را در آوریل ۲۰۱۹ سرنگون کرد، رژیم بی‌رحم و خونخوار را از میان برداشت تا از این طریق امکان تغییرات دموکراتیک برای همه مردم سودان فراهم شود.

در بررسی چیستی مقاومت مدنی، درک اینکه این شیوه از مبارزه چه چیزی نیست می‌تواند مفید باشد. اولاً، مقاومت مدنی استفاده از یک تکنیک واحد مانند تجمعات اعتراضی نیست. فراموش نکنید که مقاومت مدنی شامل انبوهی از تکنیک‌های بدون خشونت است - مانند تظاهرات، اعتصاب، اجتناب از کار، راه‌بندان و محاصره، ایجاد نهادهای جایگزین، و سایر اشکال عدم همکاری - که آگاهانه و به منظور

از بین بردن قدرت مستقر، یکی پس از دیگری عملیاتی می‌شوند. این تاکتیک مستلزم سازماندهی و هماهنگی است. کارزارهای مقاومت مدنی اغلب دارای افراد یا ائتلاف‌هایی در نقش رهبری خود هستند که به هماهنگی و هدایت راهبردهای این کمپین‌ها کمک می‌کنند. تجمّعات اعتراضی می‌توانند بخشی از مقاومت مدنی باشند، اما این تجمّعات ممکن است به شکلی خودجوش، بدون سازماندهی قابل توجه، و بدون هدف، استراتژی، یا کمیته‌های سازماندهی مشترک کارزارهای مقاومت نیز اتفاق بیفتند. مردمی که به خیابان‌ها می‌آیند تا به موردی از وحشیگری‌های رژیم یا سیاستی جدید و اهانت‌آور عکس‌العمل نشان دهند، در واقع خشم خود را ابراز می‌کنند، اما لزوماً درگیر مقاومت مدنی نیستند؛ شیوه‌ای از مبارزه که مستلزم اقدامات مستمر، هماهنگ، جمعی و استفاده از ترکیبی از تکنیک‌های متنوع برای دستیابی به یک نتیجه قاطع است. در واقع همانطور که بعداً در این کتاب خواهیم دید، تأثیرات اعتراضات منفرد و تک‌افتاده معمولاً کاملاً متفاوت با تأثیرات اعتراضاتی است که با کارزارهای مقاومت مدنی گسترده‌تر همراه می‌شوند.

دوم اینکه، مقاومت مدنی لزوماً به معنای حل مسالمت‌آمیز منازعات نیست. مقاومت مدنی به معنای واقعی کلمه، به شکلی سازنده و ایجابی منازعه و درگیری را ترویج می‌کند. با این حال فرآیند خاص حل تعارض نیز در بسیاری از کارزارهای مقاومت مدنی نقشی مهم ایفا می‌کند - چه به عنوان راهی پیش پای جنبش‌ها برای رسیدگی به اختلافات و درگیری‌های داخلی خود، و چه به عنوان راهی جهت‌آمدگی برای چانه‌زنی با دشمنانی که سرمیز مذاکره آمده‌اند. برای مثال پس از آنکه جنبش

زاپاتیستا<sup>۱</sup> در چیپاس<sup>۲</sup> مکزیک از مبارزه مسلحانه فاصله گرفت و مقاومت سیاسی را در سال ۱۹۹۴ در دستور کار خود قرار داد، اعضای آن مجموعه‌ای از فرآیندهای داخلی را برای رسیدگی به درگیری‌ها و منازعات مرتبط با جنبش و در درون جنبش از جمله فرآیندهای قضایی مستقل، توسعه و گسترش دادند. در لهستان سال ۱۹۸۹ یکی از راه‌هایی که جنبش همبستگی موفق به برکناری دولت کمونیستی شد، مذاکرات تاریخی میزگرد<sup>۳</sup> بود که جنبش با نخبگان حزب کمونیست برگزار کرد. در این مذاکرات که بین فوریه و آوریل ۱۹۸۹ در جریان بود، بیش از ۳۰ تن از رهبران جنبش همبستگی و اپوزیسیون موفق شدند دولت را متقاعد کنند تا ائتحدیه‌های کارگری آزاد و مستقل را مجاز اعلام کند، مقام ریاست جمهوری را به جای حکومت دیکتاتور کمونیست در کشور برقرار کند و یک مجلس سنای منتخب نیز تأسیس کند. چند ماه بعد، همبستگی در انتخابات سراسری این کشور به پیروزی رسید و به حکومت استبدادی حزب کمونیست بر لهستان پایان بخشید. این رویداد آغازی بود بر پایان سلطه کمونیست‌های متحد شوروی بر اروپای شرقی. همبستگی تنها به این دلیل موفق شد دولت را به پای میز مذاکره بکشاند که در طول نه سال گذشته، مبارزات مقاومت مدنی موفق‌تری را رهبری کرده بود، از جمله برگزاری اعتصابات، تعطیلی کارخانه‌ها، تجمعات

---

<sup>۱</sup> Zapatista . جنبش زاپاتیستا که در ابتدا با تشکیل ارتش رهایی بخش ملی زاپاتیستا (EZLN) به مبارزه مسلحانه و شبه نظامی با دولت مکزیک برخاسته بود و بعدتر به مقاومت مدنی رو آورد، گروهی نئوسوسیالیستی و ضد نئولیبرالیستی است که پس از امضای توافقنامه تجارت آزاد بین آمریکا، کانادا و مکزیک موسوم به نفتا و تمایل هر چه بیشتر دولت مکزیک به سیاست‌های نئولیبرالی شکل گرفت. این گروه که در ایالت فقیرنشین چیپاس در مکزیک مستقر شده مخالف جهانی‌سازی و طرفدار عدالت اجتماعی برای مردم مکزیک بوده و حامی دموکراسی رادیکال در این کشور است - م.

<sup>۲</sup> . Chiapas

<sup>۳</sup> . Round Table Talks

اعتراضی، تأسیس دانشگاه‌های زیرزمینی، و چاپ و انتشار روزنامه‌ای غیرقانونی به نام سالیدنوش<sup>۱</sup> (همبستگی) که نام جنبش از آن گرفته شده بود. سوم اینکه، مقاومت مدنی لزوماً معادل خشونت پرهیزی نیست، اگرچه ممکن است از این رویکرد نیز استفاده کند. تعهد به مفهوم خشونت پرهیزی به جای مقاومت مدنی، از استدلال‌های اخلاقی پیرامون اینکه کنش بدون خشونت عادلانه‌ترین رویکرد برای کنش سیاسی است - هم در ابزار و هم در اهداف - ریشه می‌گیرد. عدم خشونت اصولی و قاعده‌مند، استفاده از خشونت را بر اساس دلایل اخلاقی منع می‌کند. صلح‌طلبی نیز به همین ترتیب موضعی اصولی است که بدون هیچ قید و شرطی استفاده از خشونت را رد می‌کند و خشونت را امری غیراخلاقی می‌داند. با وجود این که بسیاری از صلح‌طلبان متقاعد شده‌اند که تکنیک‌های غیرخشونت‌آمیز مؤثرتر از بدیل‌های خشونت‌آمیز هستند، دغدغه اصلی آنها صرفاً درستی اخلاقی ابزار و منصفانه بودن اهداف است.

این واقعیت در مورد کسانی که به مقاومت مدنی متعهد هستند به طور کامل صدق نمی‌کند؛ آنها در درجه اول به استراتژی و تاکتیک توجه دارند تا مسائل اخلاقی. بسیاری از حامیان مقاومت مدنی این راهبرد مبارزاتی را جایگزینی کاربردی برای خشونت‌ورزی قلمداد می‌کنند و از همین رو تمایل دارند بدانند که آیا مقاومت مدنی جواب می‌دهد یا خیر و در چه زمان‌هایی -- و در این باره که آیا مقاومت مدنی اخلاقی‌تر است یا خشونت‌ورزی، ندانم‌گرا باقی می‌مانند. گفته می‌شود بسیاری از افرادی که به مطالعه و حمایت از اقدامات بدون خشونت استراتژیک می‌پردازند، خود صلح‌طلب هستند، اگرچه دفاعیات خود از مقاومت مدنی را در قالب عبارات و اصطلاحات فایده‌گرایانه

---

۱ . Solidarnosc

تنظیم می‌کنند- به این امید که غیرصلح‌طلبان را نیز در مورد عملی بودن آن متقاعد کنند.

علیرغم اینها اصطلاحات بسیاری از این دست نیز می‌توانستند عنوان مناسبی برای این کتاب باشند، از جمله بسیج بدون خشونت، اقدام یا کنش بدون خشونت، مبارزه بدون خشونت، قدرت مردم، شورش غیرمسلحانه، «جنگ بدون سلاح»<sup>۱</sup>، عدم خشونت استراتژیک، اعتراض یا نافرمانی سیاسی، ساتیاگراها<sup>۲</sup>، اقدام یا کنش مثبت، انقلاب بدون خشونت یا قیام توده‌ای. اکثراً این اصطلاحات را تا حدودی به عنوان مترادف یکدیگر بکار می‌برند، اگرچه برخی نیز تفاوت‌هایی اساسی مابین این مفاهیم می‌بینند. با اینکه من نیز تا اندازه‌ای از این اصطلاحات به عنوان واژه‌هایی مترادف در این کتاب استفاده می‌کنم، از به‌کاربردن کلمه «بدون خشونت» در عنوان کتاب اجتناب کرده‌ام، زیرا بسیاری از مردم تمایل دارند این واژه را معادل کلماتی مانند «منفعل»، «سلطه‌پذیر»، «غیر فعال»، «صلح‌آمیز» یا «تسلیم‌شده» در نظر بگیرند. انجام این کار در ذهن بسیاری از خوانندگان، احتمالاتی مانند کناره‌گیری، تسلیم، انفعال، یا کناره‌آمدن در برابر بی‌عدالتی‌های ژرف را تداعی می‌کند. با اینحال کتاب پیش رو ابداً درباره این مسائل نیست.

---

<sup>۱</sup> . war without weapons

<sup>۲</sup> Satyagraha . به معنای "محکم نگه داشتن حقیقت" یا "نیروی حقیقت"، سیاست مقاومت غیرفعالانه‌ای است که توسط گاندی علیه حکومت بریتانیا در هند به کار رفت. در صفحات پیش رو نویسنده بیشتر پیرامون آن توضیح خواهد داد-م.

## مقاومت مدنی چگونه تحوّل پیدا کرده است؟

فنون مقاومت مدنی از زمانی که انسان ها تاریخ مکتوب دارند، وجود داشته است - از مصر باستان تا یونان باستان، تا اوایل امپراتوری روم. برای مثال اولین اعتصاب ثبت شده در تاریخ بشر در حدود سال ۱۱۷۰ پیش از میلاد اتفاق افتاده است، و طی آن کارگران مصری که اتاق های تدفین پادشاه رامسس سوم<sup>۱</sup> را می ساختند، تا زمانیکه جیره غذایی ثابتی دریافت نکردند، از کار کردن امتناع ورزیدند.<sup>۲</sup> [۲] بسیاری از مسیحیان اولیه از خدمت سربازی در امپراتوری روم سر باز می زدند و معمولاً هزینه این مخالفت را با دادن جان خود پرداخت می کردند.<sup>۳</sup> [۳] اولین قیام فمینیستی شناخته شده در آمریکای شمالی، کارزار مقاومت مدنی در قرن شانزدهم توسط زنان قبیله ایروکوئی<sup>۴</sup> برای خاتمه دادن به جنگ های بی پایان در میان قوم ایروکوئی بود. مردان این قبیله اعلان جنگ و سایر قدرت های سیاسی را به شکلی انحصاری در اختیار خود داشتند. زنان ایروکوئی با هماهنگ کردن اقدامات خود دست به اعتصاب جنسی و فرزندآوری زدند و از برداشت و تدارک محصولات کشاورزی خودداری کردند و تولید کفش های پوست گوزن را که جزو ضروریات جنگ به حساب می آمد متوقف کردند. آنها در نهایت موفق شدند قدرت وتوی اعلان جنگ ها در قبیله را به دست آورند.

اگرچه مردم در طول تاریخ از روش های مقاومت مدنی [به کرات] استفاده کرده اند، این تکنیک تا زمانی که مهاتما گاندی یک قرن پیش، اصطلاح «مقاومت مدنی» را باب کرد، نامی نداشت. با این حال، ریشه یا مدخل مقاومت مدنی زمانی وارد فرهنگ لغت

---

<sup>۱</sup> . King Ramses III

<sup>۲</sup> . Iroquois



شد که در سال ۱۸۴۸ نویسنده و فیلسوف امریکایی، هنری دیوید ثورو<sup>۱</sup>، سخنرانی خود را در کنکور<sup>۲</sup> ماساچوست، با عنوان «مقاومت در برابر دولت مدنی»<sup>۳</sup> ایراد کرد. این سخنرانی در سال ۱۸۴۹ در قالب جزوه‌ای منتشر شد که با عنوان درباب وظیفه نافرمانی مدنی<sup>۴</sup> شناخته می‌شود. ثورو در آن رساله استدلال می‌کند که شهروندان باید از قوانین یا سیاست‌های حکومتی که وجدان اخلاقی آنها را زیر پا می‌گذارد سرپیچی کنند تا مانع تبدیل شدن خود به عوامل بی‌عدالتی شوند. وی همچنین به نظریه‌پردازی پیرامون اقدامات هنجارشکنانه و غیرنهادی نیز پرداخته است و معتقد بوده که چنین اقداماتی گاه‌ب‌گاه برای بازگرداندن آزادی‌ها اساسی، اختیار و عدالت ضروری هستند.

ثورو در مخالفت با برده‌داری و جنگ مکزیک و آمریکا در سال‌های ۱۸۴۶-۱۸۴۸ که طرفداران الغای بردگی و ضد امپریالیست‌ها عموماً آن را یک پیروزی غیراخلاقی می‌دانستند، قلم می‌زده است. نوشته‌های ثورو الهام‌بخش چندین نسل از مخالفان و فیلسوفانی بوده که از او پیروی می‌کرده‌اند- و از جمله آنها گاندی که در اولین دوره سارتش در زندان، آثار ثورو را مطالعه کرده است.

پیش از آنکه گاندی با نوشته‌های ثورو آشنا شود، خود کنشگری زبده و پژوهشگر جنبش‌های مقاومت بود و قیام‌های کارگری و ضداستعماری متعددی در سراسر جهان از او الهام گرفته بودند. وی را می‌توان به واقع مبتکر مقاومت مدنی به عنوان راهی برای اقدام در جهت مبارزات سازمان‌یافته و مردمی علیه دشمنان مسلح دانست. گاندی از

---

<sup>۱</sup> . Henry David Thoreau

<sup>۲</sup> . Concord

<sup>۳</sup> . Resistance to Civil Government

<sup>۴</sup> On the Duty of Civil Disobedience . این کتاب با عنوان نافرمانی مدنی توسط نشر قطره و با ترجمه

غلامعلی کشانی به چاپ رسیده است-م.

سال ۱۸۹۳ تا ۱۹۱۴ به عنوان وکیل در آفریقای جنوبی کار می‌کرد و در آنجا با تبعیض، تفکیک نژادی و سایر سیاست‌های نژادپرستانه‌ای که علیه ساکنان غیرسفیدپوست این کشور تحت سیستم استعماری اعمال می‌شد، روبرو شده بود. چندین بار پیش آمده بود که او را به دلیل تلاش برای سوارشدن در واگن‌های درجه یک مخصوص سفیدپوستان از قطار پیاده کرده بودند، از پیاده روهایی که مخصوص سفیدپوستان بود بیرون رانده بودند و به او دستور داده بودند که دستارش را از سر بردارد. وی همچنین شاهد بسیاری از اشکال دیگر تبعیض علیه کارگران مهاجر در این کشور بود. او می‌خواست به این بی‌عدالتی‌ها پایان دهد و به همین منظور مجموعه‌ای از شیوه‌ها را با نام ساتیاگراها (نیروی حقیقت یا نیروی روح) ایجاد کرد و از آنها به عنوان روش‌هایی برای امتناع از همکاری با بی‌عدالتی [و عاملان آن] استفاده کرد و در عین حال بدیل‌های عادلانه‌ای را نیز برای جامعه توسعه بخشید. گاندی همچنین به شدت تحت تأثیر قیام ضدتزاری سال ۱۹۰۵ روسیه قرار گرفته بود که طی آن صدها هزار روس در شهرها و روستاهای این کشور از طریق برگزاری اعتصابات عمومی بدون خشونت و تظاهرات گوناگون دیگر علیه تزار نیکلاس دوم قیام کردند و وی را وادار به انجام برخی اصلاحات دموکراتیک در کشور کردند. او عمیقاً تحت تأثیر نوشته‌های لئو تولستوی، رمان‌نویس و صلح‌طلب روسی بود و چندین سال با او مکاتباتی درباره اخلاقیات و ضرورت کنارگذاشتن خشونت در همه اشکال آن، انجام داده بود.

در سال ۱۹۰۷ گاندی اولین ساتیاگرایی رسمی خود را برای لغو قوانین نژادپرستانه نام‌نویسی آسیایی‌ها (قانون سیاه) آغاز کرد که طبق آن تمام هندی‌های آفریقای جنوبی

---

۱. Tsar Nicholas II

۲. Asiatic Registration Laws (the Black Act)

ملزم به ثبت نام و انگشت نگاری توسط مقامات استعماری و همراه داشتن اوراق ثبت نام در تمام زمان ها می شدند. گاندی کارگران مهاجر هندی را تشویق و سازماندهی کرد تا از قانون سرپیچی کنند، دست به اعتصاب بزنند و جلوی ورود مقامات استعمارگر به محل کار خود را بگیرند، بدون همراه داشتن هیچ مدارک ثبت نامی سفر کنند و از انجام کار در محل های کاری خود خودداری کنند. این چنین شد که او آنچه را که «مقاومت منفی»<sup>۱</sup> می نامید - امتناع مردم از همکاری با قوانین ناعادلانه بدون استفاده از خشونت علیه دشمن - را به بوتۀ آزمون گذاشت تا از آن طریق جوامع را به تلاش در راستای بازیابی کرامت و حقوق خود رهنمون شود. در طول هفت سال، هزاران هندی اعتصاب کننده از جمله خود گاندی، زندانی شدند. اما در نهایت این قوانین در سال ۱۹۱۴ ملغی شد و به گاندی ثابت کرد که مخالفت جمعی بدون خشونت می تواند روشی مؤثر، حتی برای کسانی باشد که تحت حکومتی استعماری زندگی می کنند.

در سال ۱۹۱۵ و پس از موفقیت در لغو قانون سیاه، گاندی به هند بازگشت و در آنجا جرقه های ایجاد جنبشی جدید علیه حکومت استعماری بریتانیا در ذهنش زده شد. در آنجا بود که گاندی بر روی تکنیک خود نام هایی را گذاشت که امروزه بسیاری برای توصیف این شیوۀ مبارزاتی استفاده می کنند - مقاومت مدنی، خشونت پرهیزی، اقدام غیرخشونت آمیز و مبارزۀ بدون خشونت. گاندی با سازماندهی ساتیاگراها<sup>۲</sup> متعدّد علیه استعمار بریتانیا در دهۀ ۱۹۲۰، حامیانی گسترده دست و پا کرد و رهبری ملی را با هدف عدم همکاری، نافرمانی مدنی و کسب استقلال کشورش بوجود آورد. این اقدامات در راهپیمایی نمک سال ۱۹۳۰ به اوج خود رسید که طی آن گاندی و ده ها هزار

---

<sup>۱</sup> . passive resistance

<sup>۲</sup> . Salt March

هندی، ۲۴۰ مایل را از احمدآباد<sup>۱</sup> به سمت دریای عمان راهپیمایی کردند تا در برابر قانون استعماری و انحصاری که هندی‌ها را از تولید و مصرف نمک خود بازمی‌داشت، دست به مقاومت بزنند. هنگامی که راهپیمایان به دریا رسیدند، گاندی از آنها خواست که با جوشاندن نمک خود، تعمداً قانون را زیر پا بگذارند تا از این طریق هم در مقابل حکومت استعماری مقاومت کرده و هم ادعای خود مبنی بر خودکفایی در تولید کالا را به کرسی نشانده باشند. این جنبش رفته‌رفته گسترده‌تر شد و اعتصابات، اعتراضات توده‌ای، عدم همکاری توده‌ای با قوانین مختلف استعماری و کارزاری برای توسعه خودکفایی اقتصادی را نیز دربرگرفت تا هندی‌ها از این طریق بتوانند خود را از وابستگی به کالاهای استعماری رها کنند. اگرچه جنبش گاندی علیه سلطه استعماری بریتانیا در هند کاستی‌ها و نقایص زیادی داشت، اما به میلیون‌ها نفر در سراسر جهان نشان داد که شهروندان غیرمسلمی که در اقدامات عدم‌همکاری جمعی درگیر می‌شوند می‌توانند از قدرت عظیمی برخوردار شوند.

امروزه بسیاری از مردم درک محدودی از دستاوردهای گاندی دارند و تنها مواضع اخلاقی سختگیرانه‌ش در برابر خشونت یا مخالفتش با گوشت‌خواری را در ذهن خود دارند. اگر چه که پیام‌های گاندی هنوز روی برجسب‌های تبلیغاتی، پوسترها و تی‌شرت‌ها ظاهر می‌شوند- و شگاکانی را که کار او را شرافتمندانه اما ساده‌لوحانه، الهام‌بخش اما بی‌تأثیر و ستودنی اما بیهوده می‌دانند، به حال خود وا می‌گذارد.

---

<sup>۱</sup> بزرگترین شهر ایالت گجرات در غرب کشور هند که در صف مقدم جنبش استقلال هند در نیمه اول سده بیستم قرار داشته و مرکز بسیاری از مبارزات نافرمانی مدنی برای احقاق حقوق کارگران، حقوق مدنی و استقلال سیاسی بوده است-م.

اگر تعهدات اخلاقی گانندی تنها دلایلی بود که وی از استفاده از مقاومت مدنی علیه راج بریتانیا<sup>۱</sup> حمایت می‌کرد، ممکن بود حق با این بدبین‌ها باشد. اما در واقعیت، گانندی عمل‌گرایی بسیار سرسخت و دوآتشه بود. او پس از اینکه متوجه شد اصطلاح «مقاومت منفی» به جای مبارزهٔ فعالانه و مخالفت‌ورزی، حس تسلیم و رضایت را منتقل می‌کند، دیگر از آن استفاده نکرد. او همچنین می‌خواست تکنیک ابداعی خود را از مبارزان حق‌رأی زنان در انگلستان جدا کند، چرا که این گروه اصطلاح «مقاومت منفی» را برای توصیف تاکتیک‌های ستیزه‌جویانهٔ خود، از جمله اقدامات خشونت‌آمیز معترضان به کار می‌بردند و گانندی این خشونت را در راستای مسیر ساتیا‌گراها نمی‌دانست. گانندی رفته رفته اصطلاح «مقاومت مدنی» را به عنوان آمیزه‌ای از «نافرمانی مدنی» و «مقاومت منفی» باب کرد.

اگرچه بسیاری از مردم پیش از گانندی به صورت پراکنده از تکنیک‌های مقاومت مدنی استفاده کرده بودند، آنها به ندرت این شیوه را با در نظر گرفتن کامل پتانسیل بلندمدت آن و به عنوان یک استراتژی سیاسی برای تحقق آزادی‌های مطلوب خود به کار بسته بودند. سهم منحصر به فرد گانندی در تئوری و عمل کنش بدون خشونت، خودآگاهی او پیرامون خلق تکنیک جامع و فراگیری بود که عدم همکاری در برابر ظلم و بیداد را با ایجاد نهادهای جایگزینی که فقر، تبعیض و بی‌عدالتی را کاهش می‌دادند، ترکیب کرده بود.

گروه‌های دیگری که علیه نظام‌های سرکوبگر مبارزه می‌کردند، اقدامات گانندی را مورد توجه خود قرار دادند. در اوایل قرن بیستم، کنشگران سیاه‌پوست و روحانیونی از

---

<sup>۱</sup> British Raj . راج بریتانیا حکومت سلطنتی بریتانیا در شبه قارهٔ هند بود. به آن حکومت تاج در هند یا حکومت مستقیم در هند نیز گفته می‌شد و از سال ۱۸۵۸ تا ۱۹۴۷ ادامه داشت. راج بریتانیا تقریباً شامل تمام هند، پاکستان، میانمار و بنگلادش امروزی میشد. -م.

ایالات متحده، مبادلاتی را طی چند دهه بین ایالات متحده و هند آغاز کردند، به این امید که از این طریق بتوانند از تجربیات و دانش عملی هندی‌ها الهام بگیرند.<sup>[۴]</sup> این کنشگران خود در ایجاد ظرفیت برای بسیج توده‌ای جهت مقابله با بی‌عدالتی‌ها با تجربه و کارآموده بودند، اما هم‌چنان مشتاق بودند که از تجربیات و موفقیت‌های دیگرانی که در راستای برابری مبارزه می‌کردند نیز بهره‌مند شوند. و چنین شد که بسیاری از فعالان صلح طلب سیاه‌پوست به هند سفر کردند تا از گاندی و جان‌شینان او بیاموزند. مارتین لوتر کینگ زمانی که دانشجوی کالج مورهاوس<sup>۱</sup> بود با کتاب نافرمانی مدنی ثورو آشنا شده بود و زمانی که دانشجوی مدرسه الهیات کروزر<sup>۲</sup> بود در جریان خطبه‌ای که توسط کشیش دکتر مردخای جانسون<sup>۳</sup>، رئیس دانشگاه هاوارد ایراد شده بود در مورد راهپیمایی نمک گاندی آموخته بود. چند تن دیگر از رهبران برجسته جنبش حقوق مدنی نیز خود را پیرامون کاربردهای بالقوه مقاومت مدنی در جهت زدودن نظام‌های نژادپرستی در ایالات متحده آموزش داده بودند.

یکی از آنها جیمز لاوسون بود؛ کشیشی متدیست از بریاء<sup>۴</sup>، اوهایو که در دهه ۱۹۵۰ از آشرام<sup>۵</sup> قدیمی گاندی بازدید کرده بود تا راهبردهای جدیدی را برای مقاومت در برابر بی‌عدالتی در ایالات متحده آموخته و توسعه ببخشد. لاوسون به عنوان یکی از مخالفان

---

۱. Morehouse

۲. Crozer Theological Seminary

۳. Rev. Dr. Mordecai Johnson

۴. Berea

۵. ashram . در آیین هندو به خلوتکده یا محلی دورافتاده و آرام گفته می‌شود که گروهی از هندوان در آنجا به طور ساده زیست کرده و به عبادت می‌پردازند. آشرامی که گاندی در آن اقامت داشت سابارماتی (Sabarmati) نام داشت و در احمدآباد واقع بود-م.

وجدانی<sup>۱</sup> جنگ کره، هجده ماه را در زندان فدرال گذرانده بود و در این مدّت به مطالعه، عبادت و تفکّر پیرامون اقدامات گانندی پرداخته بود. او زندگی نامه خودنوشت گانندی را مطالعه کرده و درک خود را از مراحل لازم برای آماده‌سازی، تحریک و هدایت یک جنبش آزادی‌بخش موفق در میان مردم عادی سیاه‌پوست رشد و گسترش داده بود؛ سیاه‌پوستانی که زندگی خود را زیر سایه تهدید دائمی اعدام‌های فراقانونی<sup>۲</sup> و خشونت پلیس، تبعیض، و قوانین جیم کرو<sup>۳</sup> که تبعیض نژادی را در سرتاسر جنوب آمریکا اجرایی می‌کرد، سپری می‌کردند. راهپیمایی نمک گانندی الهام‌بخش لاوسون و دیگران شد تا از سال ۱۹۵۸ کارگاه‌هایی را پیرامون تئوری و عمل مقاومت بدون خشونت در نشویل<sup>۴</sup> برگزار کنند. بسیاری از دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان نشویل در این کارگاه‌ها شرکت کردند و شروع به برنامه‌ریزی و سازماندهی کمپین‌هایی برای رفع تبعیض نژادی در شهر خود کردند. در اواخر سال ۱۹۵۹ و اوایل سال ۱۹۶۰، دانشجویان - از جمله جان

---

<sup>۱</sup> . مخالف وجدانی در حالت کلی به فردی اطلاق می‌شود که به دلیل آزادی‌اندیشه، وجدان، از کارافتادگی یا مذهب، به دنبال حق خود برای امتناع از انجام خدمت سربازی و اعزام به جنگ است. در اکثر کشورها چنین اقدامی مجازات‌هایی قانونی در پی دارد-م.

<sup>۲</sup> lynching . اعدام فراقانونی یا لینچ کردن به قتل فراقانونی فرد توسط گروهی از افراد، معمولاً توسط یک گروه اوباش و در ملاء عام به منظور مجازات یک متخلف مظنون، یک محکوم به مجازات، یا ارباب مردمی استفاده می‌شود. در ایالات متّحده این روش عمدتاً در جنوب و برای مجازات محکومین سیاه‌پوست به کار می‌رفت-م.

<sup>۳</sup> Jim Crow laws . مجموعه قوانین ایالتی و محلی که بین ۱۸۷۶ و ۱۹۶۵ در ایالات متّحده به تصویب رسید و طبق آنها جداسازی نژادی در همه تأسیسات عمومی ایالات جنوبی عمدتاً به شکل قانونی و در ایالات شمالی عمدتاً به شکل عملی برقرار گردید. از جمله نمونه‌های قوانین جیم کرو می‌توان به جداسازی نژادی مدارس دولتی، اماکن عمومی و حمل و نقل عمومی، و جداسازی نژادی دستشویی‌ها، رستوران‌ها و آب‌خوری‌ها برای سفیدها و سیاهان اشاره کرد-م.

<sup>۴</sup> Nashville . مرکز ایالت تنسی آمریکا در نیمه جنوبی این کشور-م.

لوئیس، سی. تی. ویویان، ماریون بری، جیمز بیول، دایان نش، و برنارد لافایت<sup>۱</sup> و دیگر چهره‌های کلیدی جنبش حقوق مدنی - کارزاری را براه انداختند که تحصن‌های پشت پیشخوان ناهارخوری‌ها، راهپیمایی‌ها، اعتصاب‌ها، بایکوت کسب‌وکارهای مرکز شهر، و زندانی شدن داوطلبانه برای پرکردن تعمدی زندان‌ها و دادگاه‌های نشویل را در کنار یکدیگر به پیش می‌بردند. کارزار آنها طی شش ماه به تبعیض نژادی اجباری در نشویل پایان بخشید. ایلابیکر، فانی لو هامر، بایارد راستین، وینسنت هاردینگ<sup>۲</sup> و دیگران نیز از این تجربیات برای تسریع جنبش قدرت مردم و مقاومت سازمان‌یافته در برابر تبعیض نژادی قانونی، سرکوب نژادپرستانه رأی‌دهندگان، بی‌عدالتی‌های اقتصادی، تبعیض جنسیتی، نظامی‌گری و سایر آسیب‌های اجتماعی در ایالات متحده استفاده کردند.

تجربیات این‌چنینی با تکنیک‌های مقاومت مدنی الهام بخش بسیاری از مبارزات ضداستعماری و ضدنژادپرستی در سراسر جهان گردید، علیرغم اینکه امروز شواهدی مبنی بر اینکه خودگاندی نیز دارای تعصبات نژادی و دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز بوده، وجود دارد.[۵] اگرچه بسیاری از جنبش‌های ضداستعماری آفریقایی در قرن نوزدهم و اواسط قرن بیستم از مبارزه غیرمسلحانه و مسلحانه، توأمان برای مبارزه در راستای کسب استقلال استفاده می‌کردند، جنبش‌های قدرت مردمی در غنا، زامبیا و برخی نقاط دیگر استقلال کشورهای خود را عمدتاً از طریق مقاومت مدنی به دست آوردند.[۶]

به شیوه‌ای مشابه، سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی نیز از طریق ترکیب پیگیر و بی‌امان اعتراضات، بایکوت از جانب شهروندان، اعتصاب‌ها و سایر تاکتیک‌های کنش بدون خشونت، با موفقیت با آپارتاید قانونی این کشور مقابله کردند و به آن پایان

---

<sup>۱</sup> . John Lewis, C. T. Vivian, Marion Barry, James Bevel, Diane Nash, and Bernard Lafayette

<sup>۲</sup> . Ella Baker, Fannie Lou Hamer, Bayard Rustin, Vincent Harding



بخشیدند. علاوه بر این، بسیاری از ناظران استدلال می‌کنند که مؤثرترین دوره جنبش ملی فلسطین در هجده ماه نخست انتفاضه اول (۱۹۸۷-۱۹۹۳) بوده است؛ مبارزه‌ای که از سوی ائتلاف گسترده‌ای از گروه‌های مدنی فلسطینی برآه انداخته شد و روش‌های مختلف بدون خشونت را در راستای فشار در جهت تعیین سرنوشت فلسطینیان و استقلال از اسرائیل، با یکدیگر هماهنگ کرد [۷].

همزمان با ترویج و گسترش تکنیک کنش غیرخشونت‌آمیز در سطح جهانی، روشنفکران و محقق-کنشگران نیز توجه خود را بیش از پیش به آن معطوف کردند. متفکران صلح‌طلب از دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به هند سفر کردند تا از تجربیات گاندی در این کشور بیاموزند. ریچارد بی. گرگ<sup>۱</sup>، فیلسوف آمریکایی و فعال صلح، پس از بازگشت از هند اولین کتابی را که یک نظریه سیستماتیک مقاومت مدنی را تشریح می‌کرد، به رشته تحریر درآورد. این اثر با نام قدرت خشونت‌پرهیزی<sup>۲</sup> در سال ۱۹۳۴ منتشر شد. این کتاب بر بسیاری از فعالان صلح در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تأثیر گذاشت، از جمله ای. جی. ماست<sup>۳</sup>، متفکر برجسته صلح‌طلب در ایالات متحده و آلدوس هاکسلی<sup>۴</sup>، رهبر وقت اتحادیه صلح بریتانیا<sup>۵</sup>. قدرت خشونت‌پرهیزی بسیاری از دانشگاهیان را نیز پس از جنگ جهانی دوم تحت تأثیر خود قرار داد؛ پژوهشگرانی که مسابقه تسلیحاتی جهانی و ظهور عصر هسته‌ای را از جمله دلایل اصلی برای نظریه‌پردازی پیرامون بدیل‌های واقع‌بینانه برای خشونت‌ورزی در جهان می‌دانستند. [۸] از جمله آنها می‌توان به

<sup>۱</sup> . Richard B. Gregg

<sup>۲</sup> . The Power of Non-Violence

<sup>۳</sup> . A. J. Muste

<sup>۴</sup> . Aldous Huxley

<sup>۵</sup> . United Kingdom's Peace Union

متفکران فمینیست، نظیر باربارا دمینگ<sup>۱</sup> اشاره کرد که کتاب‌های متعددی را پیرامون قدرت کنش بدون خشونت برای مقاومت در برابر ظلم و ایجاد آینده‌ای عادلانه و فراگیر به رشته تحریر درآورده است. [۹] جین شارپ، که بسیاری او را پدر رشته مطالعات مقاومت مدنی می‌دانند، به دلیل اعتراض به خدمت نظام در طول جنگ کره ۹ ماه را در زندان گذراند. او پس از همکاری با صلح‌طلبان و پژوهشگران مختلف، موفق به اخذ درجه دکتری خود از دانشگاه آکسفورد گردید. حاصل فعالیت‌ها و مطالعات وی در دانشگاه آکسفورد اثری سه جلدی به نام تئوری کنش بدون خشونت<sup>۲</sup> بود که در سال ۱۹۷۳ منتشر شد. این کتاب نظریات وی پیرامون این موضوع را بیان می‌کند که چگونه شهروندانی به خوبی سازماندهی شده و آماده می‌توانند با موفقیت قدرت بیافرینند، بسیج شوند و مبارزات غیرمسلحانه را براه بیاندازند- موضوعی که در فصل ۲ به آن باز می‌گردیم. او اشتراکات و مشابهت‌های متعددی را در میان موارد تاریخی شناسایی کرد - مانند جنبش گاندی، مقاومت هلندی‌ها و نروژی‌ها در برابر اشغالگری نازی‌ها و انقلاب روسیه - و فهرستی از ۱۹۸ روش اقدام غیرخشونت‌آمیز را تهیه کرد. آن فهرست - و نظریه‌های شارپ در مورد کنش بدون خشونت - امروزه منبع برجسته‌ای برای بسیاری از دانشجویان و کنشگران این تکنیک مبارزاتی در سرتاسر جهان است. [۱۰]

بسیاری از نوشته‌های شارپ متعاقباً ترجمه و در سراسر جهان منتشر گردید. سازمان‌های متعددی - مانند مؤسسه آلبرت انیشتین<sup>۳</sup>، مرکز بین‌المللی درگیری‌های بدون خشونت، بین‌الملل بدون خشونت<sup>۴</sup> و سایرین - در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ به وجود

---

۱ . Barbara Deming

۲ . Theory of Nonviolent Action

۳ . Albert Einstein Institution,

۴ . Nonviolence International

آمدند تا نظریه و عمل کنش غیرخشونت‌آمیز را روش مند و قاعده‌مند کنند. این تحولات آغازگر دوره‌ای بود که در آن فعالان و سازمان‌دهندگان در سراسر جهان می‌توانستند به کتاب‌های راهنمای آموزشی، مستندها، تاریخ‌های شفاهی و منابع اینترنتی درباره نحوه عملکرد مقاومت بدون خشونت [به راحتی] دسترسی داشته باشند.

امروزه جستجویی ساده در گوگل در مورد آموزش‌ها، سازمان‌ها، ابزارها، راهنماها و کتاب‌شناسی آنلاین پیرامون مقاومت مدنی، صدها یا هزاران مدخل مرتبط را پیدا می‌کند. سازمان‌هایی مانند مرکز بین‌المللی منازعات بدون خشونت از تحقیقات علمی در مورد مقاومت مدنی حمایت می‌کنند، کارگاه‌هایی را برای کنشگران جهت ملاقات با پژوهشگران این حوزه تدارک می‌بینند، دوره‌هایی آنلاین را طراحی و برگزار کرده و منابع کتابخانه‌ای عظیمی را برای علاقه‌مندان به این موضوع جمع‌آوری کرده‌اند. تنها در ایالات متحده، گروه‌هایی مانند بلک اوت کالکتیو<sup>۱</sup>، دردسر زیبا<sup>۲</sup>، آموزش برای تغییر<sup>۳</sup> و جنبش طلوع خورشید<sup>۴</sup>، آموزش‌ها، راهنمایی‌های میدانی و خرد جمعی را برای افرادی که در حال یادگیری شیوه مبارزه و سازماندهی جوامع خود برای ایجاد قدرت هستند، ارائه می‌دهند.<sup>[۱۱]</sup> گروه‌هایی مانند بین‌الملل بدون خشونت و کانواس<sup>۵</sup>، به نحوی گسترده‌تر آموزش‌ها و کارگاه‌هایی را برای افرادی که می‌آموزند چگونه برای تغییر سازماندهی کرده و مبارزات غیرخشونت‌آمیز خود را به راه بیندازند، ارائه می‌دهند

---

<sup>۱</sup> . BLACKOut Collective

<sup>۲</sup> . Beautiful Trouble,

<sup>۳</sup> . Training for Change

<sup>۴</sup> . Sunrise Movement

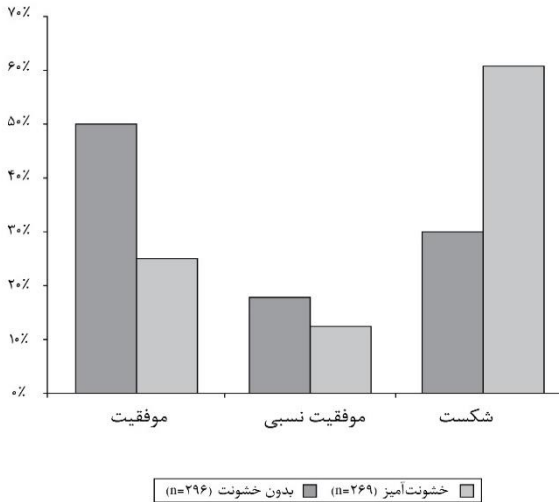
<sup>۵</sup> . CANVAS

## مقاومت مدنی تا چه اندازه موفقیت‌آمیز بوده است؟

پاسخ به این سوال شگفتی شما را برمی‌انگیزد: در مقایسه با گزینه‌های بدیل، مقاومت مدنی روشی با موفقیتی خیره‌کننده برای ایجاد تغییر است. [۱۲] بیابید در ابتدا نگاهی به نرخ موفقیت مجموع ۶۲۷ کارزار انقلابی -خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز- در ۱۲۰ سال گذشته بیندازیم. مبارزات انقلابی شامل بسیج سیاسی مردمی در مقیاسی بزرگ هستند و هدفشان سرنگونی حکومت‌ها یا خلق دولت-ملت‌های جدید است. به بیان دیگر، اهدافی که دستیابی به آنها کار ساده‌ای نیست. انقلاب‌های خشونت‌آمیز انقلاب‌هایی هستند که در آن انقلابیون برای دستیابی به اهداف خود به شورش‌های مسلحانه، حملات چریکی شهری، اقدام به ترور و دیگر اشکال مبارزه مسلحانه اتکا می‌کنند- مانند انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، مقابله شورشیان ویتنام شمالی با نیروهای نظامی ایالات متحده از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵، و انقلاب کوبا در ۱۹۵۹. انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز انقلاب‌هایی هستند که در آن انقلابیون غیرمسلح بوده و اساساً بر روش‌هایی مانند اعتراض، تظاهرات، اعتصاب، تحصن‌های غیرخشونت‌آمیز و تصرف یا اشغال مدنی [فضاهای عمومی] و یا عدم همکاری جمعی متکی هستند -مانند جنبش دموکراسی خواهانه هندوراس در ۱۹۴۴، مقاومت دانمارک در برابر اشغال نازی‌ها در ۱۹۴۰- ۱۹۴۳، و انقلاب آوریل کره جنوبی در ۱۹۶۰. فهرستی از تمامی ۶۲۷ کمپین انقلابی را می‌توانید در پیوست این کتاب مشاهده کنید. با توجه به اهداف این کتاب، من «موفقیت» را سرنگونی یک دولت یا استقلال سرزمینی تعریف می‌کنم که به شکلی قاطع و سرنوشت‌ساز به دلیل کارزار موردنظر و در دوره یک‌ساله پس از اوج گرفتن این کارزار به دست آمده باشد. [۱۳] با اعمال این تعریف استاندارد از موفقیت برای هر دو نوع انقلاب‌ها، می‌بینم که بیش از ۵۰ درصد انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹

کاملاً موفقیت آمیز بوده‌اند - در حالی که تنها حدود ۲۶ درصد از انقلاب‌های خشونت‌آمیز این‌چنین بوده‌اند. (شکل ۱-۰)

این رقمی بسیار خیره‌کننده است و این دیدگاه گسترده را که کنش بدون خشونت ضعیف و بی‌اثر بوده و در مقابل، کنش خشونت‌آمیز قوی و مؤثر است، زیر سؤال می‌برد. در فصل ۲ توضیح خواهیم داد که چرا کمپین‌های مقاومت مدنی بیش از همتایان خشونت‌آمیز خود موفقیت آمیز بوده‌اند- و اغلب برای انجام این مهم موانعی فوق‌العاده دشوار را پشت سر می‌گذارند. و اگر در مورد سرنوشت این کشورها پس از پایان انقلاب‌هایشان- برای مثال رفاه عمومی، ثبات یا تغییرات سیاسی تحوّل‌آفرین - می‌پرسید، منتظر این بحث در فصل ۵ باشید.



شکل ۱-۰ نرخ موفقیت انقلاب‌ها ۱۹۰۰-۲۰۱۹

### چند نمونه مهم و برجسته از مقاومت مدنی

مقاومت مدنی برای قرن‌ها در بسیاری از موقعیت‌ها و در جهت اهداف بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است. جدول ۱-۰ خلاصه کوتاهی از برخی نکات برجسته‌ای را که در توسعه مقاومت مدنی به عنوان یک رویکرد کاربرد داشته، ارائه می‌دهد. این فهرست به هیچ وجه ادعای جامع بودن ندارد. اما می‌کوشد این تصوّر و برداشت را در خواننده ایجاد کند که مقاومت مدنی نقش مهمی در تاریخ جهان داشته است - حتی اگر تجسّم مثال‌هایی فی‌البداهه برای آن کار دشواری باشد.

جدول ۱-۰ فهرستی اجمالی از مهمترین نمونه‌های مقاومت مدنی

| دوره                                 | مکان  | توضیح  | شخصیت های سرشناس (در صورت وجود)  |
|--------------------------------------|---|--|--|
| قرن هفده<br>پیش از میلاد             | مصر   | ماماها در مقابل<br>نسل کشی مقاومت<br>میکند   | شیفرا و پوآ <sup>۱</sup>   |
| دهه ۱۱۷۰<br>پیش از میلاد             | مصر   | کارگران برای دریافت چیره<br>غذایی خود علیه رامسس<br>سوم دست به اعتصاب زدند   | -  |
| دهه ۷۵۰<br>پیش از میلاد              | روم   | مداخله علیه جنگ از سوی<br>زنان ساین در مقابل دو<br>جناح متخاصم در روم  | زنان ساین <sup>۲</sup>   |
| ۴۴۹ تا ۴۹۴<br>پیش از میلاد           | روم   | عوام در روم اقدام به<br>اعتصابات عمومی و عدم<br>همکاری توده‌ای (از جمله<br>تلاش در جهت تجزیه طلبی)<br>کرده تا از این طریق حق<br>شرکت در انتخابات و حقوق<br>مدنی خود را به دست آورند. | پلبین ها <sup>۳</sup>  |
| قرن دوم تا<br>قرن سوم پس<br>از میلاد | امپراتوری روم شامل<br>نومیدیا <sup>۴</sup><br>(الجزایر کنونی) | علیه سرپازی اجباری در روم  | مسیحیان اولیه، ترتولیان، اورینژن، ماکسیمیلیانوس،<br>مارتین تور                                   |
| قرن یازدهم تا<br>۱۳۰۹                | جنوب فرانسه   | علیه کلیسای کاتولیک روم  | کاتارها  |
| قرن دوازده تا<br>قرن شانزده          | اروپا   | جنبش اصلاح دینی<br>پروتستان  | والدنسیان ها، تابوریت ها، آناپاتیست ها،<br>منونیت ها، برادران پاپتیست آلمانی، کویکرها،<br>دیگرها |
| قرن پانزده                           | فرانسه  | ضد جباریت  | اتین دولا بونسی  |
| دهه ۱۵۴۰ تا<br>۱۶۱۵                  | قاره آمریکا   | ضد استعمارگری  | بارتلمه دلاس کاساس، گوآمان یوما دُ آیالا   |
| اوایل قرن<br>شانزده                  | سرزمین ایروگوآ  | ضد جنگ   | زنان ایروگویی  |
| ۱۷۵۵ تا<br>۱۷۶۵                      | مستعمره نشین های<br>آمریکا                                    | انقلاب آمریکا  | جان آدامز، بنجامین فرانکلین، جیمز مدیسون،<br>توماس جفرسون، کوییکرها                              |

۱- Shiprah and Puah

۲- Sabine

۳- Plebians - مردم عادی- م

۴- Numidia

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۲

| دوره             | مکان                  | توضیح                 | شخصیت های سرشناس (در صورت وجود)  |
|------------------|-----------------------|-----------------------|--|
| ۱۸۳۲             | جامایکا               | قیام روز کریسمس       | ساموئل شارپر   |
| قرن هفده تا ۱۸۶۱ | ایالات متحده          | جنبش الغای بردگی      | هریت تابمن، فردریک داگلاس، سوچورنر تروث، ویلیام ولز براون، هریت بیچر استو، ویلیام لوید گاریسون، فرانسیس الن واتکینز هارپر  |
| ۱۸۱۵ تا دهه ۱۸۶۰ | ایالات متحده اروپا    | جنبش صلح              | دیوید لو داج، نوح ورجستر، هنری هولوکامب، چارلز ویپل، جولیا وارد هوی، زان ژاک دُ سلن، الکسی دو توکویل، ویکتور هوگو، لئو تولستوی، برتا ون سینتر، فردریک پاسی   |
| ۱۸۷۱ تا ۱۹۲۱     | ایالات متحده بریتانیا | جنبش کارگری           | یوجین دبیز، هلن کلر، ای.جی. ماستی  |
| ۱۸۴۸ تا ۱۹۳۹     | ایالات متحده بریتانیا | حق رأی زنان           | فرانسیس الن واتکینز هارپر، ماری آن شاد کری، ماری چرچ ترل، نانی هلن ناروز، ایدا بی. ولز، سوچورنر تروث، الیزابت کدی استانتون، سوزان بی. آنتونی، اما گلدمن، جین آدامز، املین پانکهورست، سیلویا پانکهورست                |
| ۱۸۶۷ تا ۱۸۸۰     | نیوزیلند              | ضد استعمارگری         | ته وینی اورونگوما  |
| ۱۹۰۵             | روسیه                 | انقلاب ۱۹۰۵           | لئو تولستوی  |
| ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱     | ایران                 | انقلاب مشروطه ایران   | محمد مصدق  |
| دهه ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۶ | ایرلند                | جنبش استقلال          | اتحادیه سرزمین زنان، آرتور گریفیث  |
| ۱۹۰۹ تا ۱۹۶۸     | جنبش حقوق مدنی        | جنبش حقوق مدنی        | آیدا بی. ولز، دبلیو.ای.بی. دو بوا، جیمز فارمر، / جورج هاووز، اندرو جانسون، رزا پارکس، مارتین لوتر کینگ جونیور، بایارد رستین، فانی لو هامر، الا بیگر، توگود مارشال، جان لوئیس، باربارا جونز، جیمز لاسون، هری بلافونته |
| ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹     | سرتاسر جهان           | جنبش ضد جنگ جهانی اول | هلن کلر، ای.جی. ماستی، برتراند راسل، کلیو بل، ویلفورد اون، زیگفرد ساسون  |



| دوره                 | مکان   | توضیح   | شخصیت های سرشناس (در صورت وجود)   |
|----------------------|--|---|---|
| ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۲         | مصر  | جنبش استقلال مصر                                    | -   |
| ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۹         | هند  | جنبش استقلال هند                                    | ماهاتما گاندی   |
| ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۰         | ایالات متحده   | جنبش حقوق کارگران                                   | دبلیو.ای. بی. دو بوآ. ای. جی. ماستی، ای. فیلیپ راندولف، اتحادیه کارگران متحد خودرو                    |
| ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۰         | نیجریه   | جنگ زنان ایگو                                       | مادام نوانیروا، مادام ماری اوکزی، ایگونیا نواندیا نووگو   |
| دهه ۱۹۲۰ تا دهه ۱۹۴۰ | غنا، نیجریه، زامبیا  | جنبش های استقلال آفریقا                             | قوام نکرومه، جاجا وچوکو، اوبافمی ارمبا اوپینی اولوو <sup>۱</sup> ، کیت کانودا                         |
| ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۴         | مرز شمال غربی هند (خیبر پختونخوا <sup>۲</sup> امروزی در پاکستان) | خدای خدمتگزار جنبش مسلمانان پشتو                    | بادشاه خان  |
| ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵         | سرتاسر جهان  | جنبش ضد جنگ جهانی دوم                               | ریچارد گِگ، ای. فیلیپ راندولف، دورتی دی، اتحادیه جهانی زنان برای صلح و آزادی، رالف دی جیا             |
| ۱۹۴۲                 | نروژ   | جنبش ضد نازی  | معلمان نروژی  |
| ۱۹۴۳                 | آلمان  | اعتراضات روزن اشتراسه <sup>۳</sup>                  | همسران آلمانی مردان یهودی   |
| ۱۹۴۵ تا دهه ۱۹۸۰     | ایالات متحده، سرتاسر جهان  | جنبش ضد سلاح های هسته ای                            | رابرت اپنهایم، آلبرت اینشتین، اندری ساخاروف، جنبش گاواهن ها <sup>۴</sup> ، اتحاد کلامشل، گیورگی کنراد |
| ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴         | آفریقای جنوبی  | ضد آپارتاید   | نلسون ماندلا، دزموند توتو، میخوسلی جک   |
| ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰         | ایالات متحده   | اعتصابات و بایکوت های کارگران مزارع انگور کالیفرنیا | سزار جاوز، دلورس هوئرتا   |

۱- Ikonnia Nwannedia Nwugo

۲- Obafemi Jeremiah Oyeniyi Awolowo

۳- Khyber Pakhtunkhwa

۴- Rosenstraße

۵- Plowshares movement

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۴

| دوره                | مکان   | توضیح   | شخصیت های سرشناس (در صورت وجود)   |
|---------------------|--|---|---|
| ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۳        | ایالات<br>متحده                                    | جنبش ضد جنگ<br>ویتنام   | مبارزه زنان برای صلح، دنیل بریگان، دیوید دلینجر،<br>سازمان دانشجویان برای جامعه دموکراتیک |
| ۱۹۶۸                | سرتاسر<br>جهان                                     | اعتراضات<br>دانشجویی علیه<br>امپریالیسم، ناپرابری<br>اقتصادی و<br>اقتدارگرایی | -   |
| ۱۹۷۷ تا دهه<br>۱۹۸۰ | آرژانتین، برزیل،<br>شیلی، اروگوئه                  | جنبش دموکراسی<br>خواهی آمریکای<br>لاتین                                       | مادران پلازا دو مایو <sup>۱</sup>   |
| ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹        | لهستان   | جنبش همستگی   | لخ والسا و آدام میشنیک  |
| ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶        | فیلیپین  | انقلاب قدرت مردم  | کوری آکینو  |
| ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰        | برمه (میانمار)                                     | جیش دموکراسی خواهی  | آنگ سان سو چی   |
| ۱۹۸۹                | چین  | اعتراضات میدان<br>تیان آن من  | اعتراضات دانشجویی   |
| ۱۹۸۹                | چکسلواکی   | انقلاب مخملی  | واسلاو هاول   |
| ۱۹۹۱                | لتونی، استونی،<br>لیتوانی                          | انقلاب آواز   | گروه های استقلال طلب و دموکراسی خواه  |
| ۱۹۹۱                | اتحاد شوروی  | مقاومت علیه<br>کودتای نظامی   | بوریس یلتسین  |
| ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰        | صربستان،<br>گرجستان، اوکراین،<br>قرقیزستان، بلاروس | انقلاب های رنگی   | سرجا پویوویچ، ایوان ماروویچ   |
| ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳        | تونس، مصر، یمن،<br>بحرین، لیبی، سوریه              | بهار عربی   | جنبش ششم آوریل، توکل کرمان، وداد بوشماوی  |
| ۲۰۱۱                | ایالات متحده و<br>سرتاسر جهان                      | اشغال وال استریت  | -   |

| دوره         | مکان  | توضیح   | شخصیت های سرشناس (در صورت وجود)   |
|--------------|---|---|---|
| ۲۰۱۴ تا کنون | ایالات<br>متحده   | جنبش برای جان<br>سیاهان / جان سیاهان<br>مهم است | آیسیا گارزار، پاتریس کالرز، اوپال تومتی   |
| ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ | ایالات<br>متحده   | مقاومت علیه دونالد ترامپ                        | کارزارهای راهپیمایی زنان، از نتایج صیانت کنید، به<br>مقاومت ادامه دهید، برگردن دموکراسی |
| ۲۰۱۹ تا کنون | هنگ گنگ   | جنبش دموکراسی خواهی                             | -   |
| ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ | لبنان، شبلی،<br>عراق، یولیوی،<br>هند، پاکستان،<br>کشمیر | انقلابات اکنبر                                  | -   |

## انقلاب آمریکا

مستعمره‌نشین‌های آمریکایی از سال ۱۷۶۳ تا ۱۷۷۵ و پیش از جنگ‌های استقلال<sup>۱</sup>، کارزار مقاومت بدون خشونت را علیه امپراتوری بریتانیا براه انداختند. با وجود اینکه بسیاری از مردم انقلاب آمریکا را با قیام مسلحانه ارتش مستعمراتی جورج واشنگتن<sup>۲</sup> علیه ارتش منظم شاه جورج<sup>۳</sup> بریتانیا مرتبط می‌دانند، این قیام نظامی تنها پس از یک دوره طولانی از مقاومت مدنی مؤثر بوقوع پیوست؛ مقاومتی که حکومت بریتانیا بر مستعمرات آمریکایی را غیرممکن ساخته بود. روش‌هایی نظیر بایکوت کالاهای بریتانیایی، امتناع از مصرف کالاهای ساخت بریتانیا؛ عدم همکاری با قوانینی که مستعمره‌نشینان را ملزم به صادرات مواد خام از مستعمرات آمریکایی به بریتانیا می‌کردند، امتناع جمعی مستعمره‌نشینان از حضور در پیشگاه هیئت‌های منصفه‌ای که زیر نظر قضات منصوب شده از سوی ولیعهد بودند، تخریب اموال سلطنتی، نظیر واقعه مهمانی چای بوستون<sup>۴</sup> و ایجاد نهادهای موازی اقتصادی، قضایی و سیاسی - از

---

<sup>۱</sup> . Revolutionary War

<sup>۲</sup> . نیز معروف (Continental Army) که به ارتش فازه‌ای George Washington's Colonial Army است - م.

<sup>۳</sup> . King George

<sup>۴</sup> Boston Tea Party . مهمانی یا جنبش چای بوستون، اعتراضاتی در ۱۶ دسامبر ۱۷۷۳ و در واکنش به قوانین مالیاتی سنگین جرج سوم بر روی کالاهای متعدّد از جمله چای بود. بازرگانان مخالف این مالیات‌ها، چای‌ها را به داخل آب ریختند و این ادعا را که پس از آن به شهرت رسید مطرح کردند بدون نمایندگی، مالیاتی هم در کار نیست. (No taxation without representation) همچنین گروهی از افراد به نام پسران آزادی به شکل و شمایل سرخ‌پوستان درآمده و شبانه وارد کشتی‌های حامل چای انگلستان شدند و تمامی محموله آن را به دریا ریختند که این مسئله رسوایی بزرگی برای دولت انگلستان به بار آورد - م.

جمله کنگره قاره‌ای<sup>۱</sup>. در واقع، پس از تمامی این مبارزات و تا پیش از اینکه کنگره دوم قاره‌ای اعلامیه استقلال را تصویب کرده و ارتش قاره‌ای را رسمیت ببخشد، مستعمرات عملاً به استقلال دست یافته بودند. [۱۴] همانطور که جان آدامز<sup>۲</sup> در نامه‌ای به توماس جفرسون نوشت: «منظور ما از انقلاب چیست؟ جنگ؟ جنگ بخشی از انقلاب نبود بلکه تنها نتیجه و پیامد آن بود. انقلاب واقعی در اذهان مردم بود و از سال ۱۷۶۰ تا ۱۷۷۵، در طول پانزده سال بوقوع پیوست، پیش از اینکه قطره خونی در لکسینگتون<sup>۳</sup> ریخته شود.» [۱۵]

## الغای بردگی

طرفداران الغای بردگی در طول قرن نوزدهم از تکنیک‌های مقاومت مدنی علیه برده‌داری در بریتانیا، دریای کارائیب و ایالات متحده استفاده کردند. توقف هماهنگ کار شکل رایج اقدام جمعی غیرمسلحانه در میان افرادی بود که در هائیتی، جمهوری دومینکن و جامایکا به بردگی گرفته شده بودند و خودداری از کار را به عنوان ابزاری برای فشار بر صاحبان مزارع جهت تأمین شرایط انسانی‌تر کاری برای خود به کار می‌بردند. برای مثال در جامایکا در سال‌های ۱۸۳۱-۱۸۳۲، برده‌ها اعتصاب گسترده‌ای را ترتیب دادند- امتناع هماهنگ از کار- تا خواسته‌های خود مبنی بر پرداخت دستمزد و اجازه آزادی‌های بیشتر از جانب صاحبان استثمارگر مزارع را به کرسی بنشانند،

<sup>۱</sup> Continental Congress. مجمعی که در جریان شورش مستعمره‌نشینان آمریکایی در مستعمرات سیزده‌گانه علیه نیروهای بریتانیایی و از سوی نمایندگان مستعمرات در سال ۱۷۷۴ در فیلادلفیا و با هدف انعکاس شکایات مردم آمریکا به حکومت بریتانیا و رفع مظالم شکل گرفت. کنگره دوم نیز در ۱۷۷۵ شکل گرفت. مهم‌ترین اقدام این دو کنگره صدور اعلامیه استقلال آمریکا و تشکیل ارتش قاره‌ای به رهبری جرج واشنگتن بود-م.

<sup>۲</sup> John Adams. از رهبران جنبش استقلال ایالات متحده و دومین رئیس جمهور این کشور-م.

<sup>۳</sup> Lexington. شهری در ایالت کنتاکی و محل وقوع اولین جنگ استقلال آمریکا-م.

اقدامی که به قیام کریسمس<sup>۱</sup> معروف شد و به عنوان نبرد بابتیست<sup>۲</sup> نیز شناخته می‌شود. در نهایت شصت هزار نفر از سیصد هزار برده<sup>۳</sup> جامایکایی به این قیام ملحق شدند که آن را به بزرگترین قیام در هند غربی بریتانیا<sup>۴</sup> تبدیل کرد. اگرچه سازمان‌دهندگان مبارزات قصد داشتند از اقدامات مسالمت‌آمیز استفاده کنند، اما برخی از گروه‌های مبارز خود را مسلح کرده و شروع به مبارزه با اژدهایان بریتانیایی<sup>۴</sup> و گروه‌های شبه نظامی حامی این کشور کردند. قیام در نهایت پس از یازده روز و بعد از آنکه آخرین شورشیان تسلیم شدند، فروپاشید. صاحبان مزارع طی اقداماتی تلافی‌جویانه و وحشتناک، دست کم پنج هزار برده را در جریان قیام و پس از آن به قتل رساندند. با این وجود این قیام - همراه با واکنش افراطی زمین‌داران - مردم را در سراسر بریتانیای کبیر در شوک فرو برد و در عین حال حمایتشان از آرمان‌الغای بردگی را شدت بخشید. در عرض دو سال، دولت بریتانیا قانونی نصفه و نیمه را در راستای آزادی بردگان تصویب کرد؛ و در نهایت چهار سال بعد، برده‌داری تملیکی را در تمام مستعمرات خود به طور کامل لغو کرد. قیام جامایکایی‌ها نه اولین و نه آخرین کارزاری بود که در آن مردم به شکلی دسته‌جمعی از کار کردن امتناع ورزیدند تا از این طریق به امتیازاتی ارزشمند دست پیدا کنند.

---

<sup>۱</sup> . Christmas Rebellion

<sup>۲</sup> . Baptist War.

<sup>۳</sup> British West Indies . مجموعه قلمرویی در سرزمین‌های فرا دریایی بریتانیا در کارائیب که از جمله کشورهایی چون، جامایکا، هندوراس، باهاما و ترینیداد و توباگو کنونی را شامل می‌شد - م.

<sup>۴</sup> British Dragons . عنوانی که برای سواره نظام بریتانیا در قرون ۱۷ تا ۱۹ به کار می‌رفت - م.

## جنبش های ملی و ضد استعماری

مردم در تمامی قاره‌ها تلاش‌هایی را برای بازپس‌گیری حقوق و استقلال خود از مقامات استعماری به انجام رسانده‌اند. برای مثال در طول جنبش استقلال هند در ۱۹۴۷-۱۹۱۹ تکنیک‌های مقاومت مدنی هم توسط هندوهای هند مانند گاندی و هم مسلمانان پشتون کمتر شناخته شده<sup>۱</sup> این کشور مانند بادشاه خان<sup>۱</sup> مورد استفاده قرار گرفت. خان صد هزار نیرو برای «ارتش بدون خشونت»<sup>۲</sup> خود استخدام کرد و این گروه سوگند یاد کردند که به مبارزه بدون خشونت علیه حکومت بریتانیا در پاکستان کنونی بپردازند.

در واقع، تاریخ مملو از جنبش‌های ضد استعماری برجسته‌ای است که طی آن ساکنان آسیا و آفریقا با امتناع از خرید محصولات وارداتی از کشورهای استعمارگر، امتناع از پرداخت مالیات امپراتوری، یا خودداری از استخراج منابع محلی برای صادرات، تکنیک‌های مقاومت مدنی را به کار بسته‌اند- از جمله جنبش استقلال نیجریه (۱۹۴۵-۱۹۵۰)، جنبش استقلال تیمور شرقی (۱۹۷۴-۱۹۹۹)، و جنبش استقلال غنا (۱۸۹۰-۱۹۵۰). در آخرین نمونه، قوام نکرومه رهبر استقلال ملی غنا، با پیروی از الگوی گاندی آنچه را «اقدام مثبت»<sup>۳</sup> می‌نامید [به عنوان الگویی مبارزاتی] در کشور خود اجرایی کرد [۱۶].

جنبش‌های جدیدتر خودمختاری یا استقلال، اغلب به شدت بر تکنیک‌های مقاومت مدنی متکی بوده‌اند. این در مورد جنبش ملی فلسطین در طول انتفاضه

<sup>۱</sup> . Badshah Khan

<sup>۲</sup> . Nonviolent Army

<sup>۳</sup> . positive action

اول (۱۹۸۷-۱۹۸۹)، جنبش استقلال آلبانیایی‌های کوزوو (۱۹۸۹-۱۹۹۹) و جنبش کنونی ضد اشغالگری هند در کشمیر صادق است. [۱۷] کمپین‌های مقاومت مدنی علیه اشغالگری نظامی در کشورهای کاملاً متنوع، از دانمارک تحت اشغال نازی‌ها (۱۹۴۳-۱۹۴۰) گرفته تا چکسلواکی تحت اشغال شوروی (۱۹۶۷-۱۹۶۸) و صحرای غربی تحت اشغال مراکش (۱۹۹۹-اکنون) رخ داده است. [۱۸] بسیاری از جنبش‌های جدایی طلب نیز از تکنیک‌های مقاومت مدنی استقبال کرده‌اند. از جمله جنبش جدایی طلب یمن جنوبی (۲۰۰۷-اکنون) و جنبش کاتالان در اسپانیا (۲۰۱۴-اکنون).

### جنبش‌های کارگری

یکی از نیرومندترین روش‌های مقاومت مدنی، امتناع از کار در شرایط ناعادلانه است. جنبش جهانی کارگری مدت‌هاست که در میان تکنیک‌های دیگر، از مقاومت مدنی نیز برای مطالبه شرایط کاری عادلانه استفاده می‌کند. با شروع قرن نوزدهم، اقدامات سازمان‌یافته کارگری در سراسر جهان به شیوه مؤثری در تعیین حداقلی برای دستمزدها موفق بوده است، در تدوین قوانینی علیه استثمار کودکان کار به دستاوردهایی رسیده است، تعطیلات آخر هفته دو روزه را برای کارگران برقرار کرده است، ساعات کاری روزانه را محدود کرده است، و خواستار مزایای پرداختی و تعطیلات با حقوق و نیز موارد دیگر شده است. مقاومت مدنی، به ویژه پس از مرسوم شدن اعتصابات یا توقف‌های کاری، یکی از ابزارهای قدرتمند کارگری برای ترویج و گسترش حقوق کارگری بوده است. مطالعه‌ای جدید نشان می‌دهد که استفاده مکرر از اعتصابات عمومی در اروپا منجر به اخذ امتیاز از دولت‌های اروپای غربی در مسائلی مانند حقوق بازنشستگی شده است. [۱۹] نمونه‌های تازه بسیار بیشتری نیز وجود دارد.



به عنوان مثال در سال ۲۰۱۸، کارگران هتل ماریوت اینترنشنال<sup>۱</sup> در اتحادیهٔ اینجا محلی متحد شوید<sup>۲</sup> در بوستون موفق شدند امتیازاتی تاریخی را از [مدیران] این هتل بین‌المللی بدست آوردند. این کارگران با وجود تحمل باران، باد و برف در خط اعتصاب خود به مدت چهل و شش روز، توانستند با موفقیت از قدرت جمعی خود برای کسب دستمزدهای بیشتر، مزایای بهتر و حفاظت از امنیت شغلی‌شان استفاده کنند. در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ معلمان در ۹ ایالت آمریکا از اعتصاب، ترک‌کار و اعتراضات استفاده کرده و خواستار افزایش دستمزد، افزایش حمایت از معلمان، کلاس‌های درس کوچک‌تر و سایر حمایت‌های کاری ضروری شدند. در ویرجینیای غربی، ویرجینیا، کلرادو، کالیفرنیا، و آریزونا، این اقدامات ترک‌کار و اعتصاب‌های جنبش «#RedforEd» منجر به افزایش دستمزد معلمان و کارکنان و همچنین امتیازات مختلف گردید. در طول همه‌گیری جهانی ۲۰۲۰ نیز، کارکنان پزشکی، کارگران فروشگاه‌های مواد غذایی و کارمندان دولتی، مشاغل خود را ترک کردند و عملاً خواستار اقدامات هماهنگ‌تر دولت در مورد کووید ۱۹، تجهیزات حفاظت فردی مانند ماسک، دستکش و روپوش؛ پرداخت‌های سختی‌کار؛ و مرخصی استعلاجی با حقوق برای خود شوند.

### جنبش‌های صلح، ضد جنگ و ضد هسته‌ای

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰، جنبش صلح آمریکا و جنبش‌های ضد هسته‌ای آمریکا و اروپا از روش‌های مقاومت مدنی در مبارزات خود استفاده کردند. برای مثال در اواخر دههٔ ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، اتحاد کلام‌شیل<sup>۳</sup>، ائتلافی از گروه‌های صلح و ضد هسته‌ای در ایالات

۱. Marriott International

۲. Unite Here Local ۲۶

۳. Clamshell Alliance

متّحده، به کزّات دست به اقدامات نافرمانی مدنی می‌زد، که از جمله می‌توان به بستن خود به حصارهای تأسیسات هسته‌ای، ایجاد محاصره انسانی در اطراف نیروگاه‌های هسته‌ای، برگزاری تظاهرات گسترده، و حتی گاهی اوقات برچیدن یا تخریب تجهیزات موجود در تأسیسات هسته‌ای اشاره کرد.

### جنبش‌های عدالت نژادی

جنبش‌های عدالت نژادی در بسیاری از نظام‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و با استفاده از روش‌های مقاومت مدنی ظهور کرده و رشد کرده‌اند. همانطور که پیشتر ذکر کردم، دانشجویان، روحانیون، کارگران و گروه‌های مدنی سیاه‌پوست در طول جنبش حقوق مدنی ایالات متّحده (۱۹۵۳-۱۹۶۸) و نیز سازمان‌دهندگان و متّحدها سیاه‌پوست در مبارزه خود علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی، (۱۹۹۰-۱۹۹۴) به این تکنیکها تکیه کردند.[۲۰] اخیراً در ایالات متّحده، جنبش جان سیاهان مهم است از تکنیک‌های مقاومت مدنی برای پایان دادن به قتل سیاه‌پوستان به دست پلیس یا نیروهای خودسر، اعتراض به ناکامی سیستم عدالت کیفری در پیگرد قانونی عاملان جنایت و مطالبه عدالت برای جوامع سیاه‌پوست متأثر از خشونت پلیس استفاده کرده‌اند. از سال ۲۰۱۳ و پس از تیرئه قاتل تریون مارتین<sup>۱</sup>، جنبش جان سیاهان مهم است

---

<sup>۱</sup> Trayvon Martin تریون مارتین نوجوانی ۱۷ ساله، سیاه‌پوست و اهل میامی بود که در جریان سفر پدرش به شهر سنفورد فلوریدا جهت دیدار از نامزدش او را همراهی می‌کرد. اما در شب ۲۶ فوریه ۲۰۱۲ که از فروشگاه شبانه‌روزی به خانه برمی‌گشت، پس از اینکه جورج زیمرن، مامور پلیس ۲۸ ساله لاتین تبار به وی مشکوک می‌شود، به ایستگاه پلیس سنفورد گزارش می‌دهد و پس از چند دقیقه پس از مشاجره ای کوتاه با مارتین، وی را با شلیک گلوله به قتل می‌رساند. زیمرمن در نهایت و پس از کش و قوس‌های فراوان در جولای ۲۰۱۳ از اتهام قتل درجه دو و غیر عمد تیرئه می‌شود-م.

و جنبش برای زندگی سیاهان<sup>۱</sup>، تکنیک‌ها و استراتژی‌های مقاومت مدنی نوآورانه‌ای را علیه نژادپرستی، خشونت پلیس و خشونت ساختاری علیه زندگی سیاه‌پوستان در ایالات متحده به کار گرفته‌اند. در طول تابستان ۲۰۲۰، پس از قتل احمد آربری<sup>۲</sup>، برونا تیلور و جورج فلویید<sup>۳</sup>، ده‌ها میلیون آمریکایی در بزرگترین و گسترده‌ترین بسیج توده‌ای ثبت‌شده در تاریخ ایالات متحده به خیابان‌ها ریختند [۲۱].

### جنبش‌های فمینیستی

از اواسط قرن نوزدهم تا به امروز، جنبش‌های حقوق زنان تقریباً در همه کشورهای جهان از تاکتیک‌های مقاومت مدنی استفاده کرده‌اند. در هند در دهه گذشته، گروه‌های ضد خشونت خواستار پاسخگویی و عدالت برای قربانیان تجاوز جنسی و زن‌کشی، سازماندهی راهپیمایی‌های گسترده، فشار به پلیس برای تحقیق درباره اتهامات تجاوز جنسی و نیز مخالفت با عاملان تجاوز از طریق برگزاری تحصن و تجمع شده‌اند. جنبش جهانی #MeToo که ابتدا در سال ۲۰۰۶ توسط کنشگر و سازمانگر

<sup>۱</sup> Movement for Black Lives

<sup>۲</sup> Ahmaud Arbery . احمد آربری جوان ۲۵ ساله سیاه‌پوست و غیر مسلحی بود که ۲۳ فوریه سال ۲۰۲۰، هنگام پیاده‌روی در نزدیکی برونزویک در شهرستان گلین جورجیا از سوی سه سفیدپوست مسلح تحت تعقیب قرار گرفت و به ضرب گلوله کشته شد. با توجه به تعلل عمدی دادستانی جورجیا در بررسی پرونده و اینکه یکی از متهمان تا ۷۴ روز تحت تعقیب قرار نگرفت، قتل آربری به بحث در مورد نابرابری نژادی در ایالات متحده در این کشور و در سطح بین‌المللی دامن زد-م.

<sup>۳</sup> George Floyd . جورج فلویید، سیاه‌پوست ۴۶ ساله‌ای بود که در ۲۵ مه ۲۰۲۰ و در حین دستگیری توسط پلیس در مینیاپولیس و پس از آن که یک افسر پلیس سفیدپوست به نام درک شووین زانویش را به مدت ۹ دقیقه و ۲۹ ثانیه بر روی گردن وی فشار داد کشته شد. مرگ وی اعتراضات گسترده‌ای را در محکومیت این اتفاق و در اعتراض به برخوردهای خشن پلیس آمریکا به خصوص در برخورد با سیاه‌پوستان موجب شد و بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای در سطح جهانی یافت. درک شووین نیز در نهایت دستگیر و به قتل درجه دو متهم شد-م.

اجتماعی، تارانا بورک<sup>۱</sup> در ایالات متحده آغاز شد، بازماندگان خشونت جنسی را تشویق می‌کرد تا صحبت کنند و عواملان تجاوز به خود را شناسایی کنند و با استفاده از روش‌هایی مانند اعلام و معرفی خود به عنوان یک بازمانده سوءاستفاده جنسی، نام‌بردن از متجاوزین، سازماندهی بودجه حمایتی قانونی برای بازماندگان، و شرکت در تجمعات، اعتراضات و شب‌زنده‌داری‌های اعتراضی، به مبارزه با هنجارهای مردسالارانه و جنسیتی سکوت و تبانی در محیط‌های اجتماعی مختلف [در قبال رفتارهای متجاوزانه جنسی] بپردازند.

### جنبش‌های عدالت زیست محیطی

مردم در سراسر جهان و به شیوه‌ای فزاینده از مقاومت مدنی برای مطالبه عدالت زیست محیطی بهره می‌گیرند. جوامع بومی در سرتاسر جهان - از برزیل گرفته تا پاپوآی غربی تا استندینگ راک<sup>۲</sup> - مواضع قدرتمندی را علیه بهره‌برداری شرکتی از زمین، خصوصی‌سازی منابع طبیعی، آلودگی زمین و زیرپا گذاشتن استقلال و حقوق آن اتخاذ کرده‌اند. برای مثال در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰، اسکار اولیورا<sup>۳</sup>، کنشگر اجتماعی، کمپین موفقیت‌آمیزی را در بولیوی علیه تلاش‌ها برای خصوصی‌سازی آب باران در جنگل‌های بارانی آمازون<sup>۴</sup> که قبایل و جمعیت‌های بومی، ساکنان آنرا تشکیل می‌دهند رهبری کرد،

---

<sup>۱</sup> . Tarana Burke

<sup>۲</sup> The Standing Rock . منطقه حفاظت شده استندینگ راک در مرز بین ایالات داکوتای شمالی و جنوبی قرار داشته و ششمین منطقه حفاظت شده بزرگ این کشور است که در سال‌های اخیر پروژه خط لوله انتقال نفت در این منطقه حساسیت برانگیز شده است - م.

<sup>۳</sup> . Oscar Olivera

<sup>۴</sup> . اتفاقی که در جریان دومین دوره ریاست جمهوری دیکتاتور سابق بولیوی، هوگو بنز بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ رخ داد. این اتفاق کم‌سابقه در پاسخ به فشارهای بانک جهانی و بانک توسعه بین‌المللی بر دولت بولیوی به منظور حفظ

کمپینی که به نام جنگ‌های آبی کوچابومبا<sup>۱</sup> معروف شد. در سال ۲۰۱۶ در ایالات متحده نیز ده‌ها هزار نفر در منطقه حفاظت‌شده استندینگ راک در داکوتای شمالی و داکوتای جنوبی تجمع کردند تا از سرخپوستان سوآ در این منطقه حمایت کرده و به آن‌ها کمک کنند تا از قلمرو خود در برابر پروژه برنامه‌ریزی شده خط لوله انتقال نفت کی استون ایکس ال<sup>۳</sup> دفاع کنند؛ پروژه‌ای که با عملیاتی شدن آن انتظار می‌رفت اکوسیستم طبیعی این منطقه از بین رفته و منابع آبی محلی آن آلوده شود. سازمان‌هایی مانند صلح سبز<sup>۴</sup> نیز به طور منظم از اقدامات مستقیم غیرخشونت‌آمیز و نافرمانی مدنی استفاده می‌کنند تا از این طریق تأکید خود بر رویکردهای پایدار زیست‌محیطی را نشان داده و از استخراج مواد معدنی و سوخت‌های فسیلی توسط شرکت‌های بزرگ، بدون توجه به بحران اقلیمی یا جوامع محلی که تحت تأثیر ضایعات یا محصولات فرعی خطرناک آنها قرار می‌گیرند، ممانعت به عمل آورند. جنبش بین‌المللی شورش علیه انقراض<sup>۵</sup> نیز انفعال جهانی در مورد تغییرات اقلیمی را به چالش کشیده و در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۹ با مجموعه اقداماتی نظیر راهپیمایی، مسدودسازی پل‌ها و بزرگراه‌ها و اقدامات نافرمانی مدنی در لندن، به شهرتی

---

اعتبار دولت این کشور جهت بازپرداخت وام‌های اخذ شده‌اش صورت گرفت و شرکتی آمریکایی قراردادی را بابت آن پیشنهاد کرد-م.

<sup>۱</sup> . Cochabamba Water Wars

<sup>۲</sup> Sioux . یکی از قبایل آمریکایی شمالی و از قدیمی‌ترین ساکنان این قاره که امروزه عمدتاً در ایالات داکوتای شمالی و جنوبی زندگی می‌کنند-م.

<sup>۳</sup> . Keystone XL Pipeline

<sup>۴</sup> . Greenpeace

<sup>۵</sup> . Extinction Rebellion

جهانی دست یافت. گرتا تونبرگ<sup>۱</sup> و تعداد بیشماری از کنشگران جوان دیگر نیز، با اهمتامی جدی از حضور در مدرسه در روزهای جمعه امتناع کردند و در مجموعه تظاهراتی با عنوان #جمعه‌ها برای آینده آدر سراسر جهان شرکت نمودند. در ایالات متحده، جنبش طلوع خورشید نیز از اشکال مختلف مقاومت بدون خشونت خلافتانه برای جذب حامیان گسترده از میان جوانان به منظور مبارزات مدنی در راستای عدالت زیست محیطی استفاده می‌کند.

### جنبش‌هایی برای صلح و امنیت

علاوه بر موارد فوق، جنبش‌های مختلفی در سراسر جهان از مقاومت مدنی در راستای مطالبه ثبات، سلامت و امنیت مدنی در مناطقی که دولت‌ها، چریک‌های مسلح یا گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته از خشونت سیستماتیک علیه برخی یا همه مردم استفاده می‌کنند، بهره برده‌اند. برای مثال در جنگ داخلی کلمبیا از سال ۱۹۶۴ تا ۲۰۱۶، شهروندان این کشور مناطقی با نام «دهکده‌های صلح» را ایجاد کردند که ساکنان آن از همکاری با گروه‌های مسلح یا نیروهای دولتی خودداری می‌نمودند. جنبش مکزیکی برای صلح در کنار عدالت و کرامت<sup>۲</sup>، که از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ فعالیت داشت و به بسیج مردمی می‌پرداخت، پاسخی به خشونت‌های ناشی از جنگ‌های مواد

---

<sup>۱</sup> Greta Thunberg. فعال محیط زیستی ۱۹ ساله سوئدی که به خاطر فعالیت‌هایش برای آگاه‌سازی جهانی در مورد خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی، و مطالبات تند و تیز خود از سیاستمداران برای پاسخگویی به انفعال خود در مورد بحران اقلیمی، مشهور است. وی در سال ۲۰۱۹ و در همایش جهانی اقدام برای اقلیم در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد-م.

<sup>۲</sup> . #FridaysForFuture

<sup>۳</sup> . peace villages

<sup>۴</sup> . Mexico's Movement for Peace with Justice and Dignity

مخدر در این کشور بود که به طوری یکسان از سوی اربابان مواد مخدر، تبهکاران و نیروهای فدرال انجام می‌شد. [۲۲] بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱، دست‌کم در یکی از شهرهای ناحیه سسیل در ایتالیا، امتناع دسته‌جمعی مردم از پرداخت پول حفاظت به مافیای آن شهر عملاً به تسلط این گروه بر اقتصاد شهر پایان بخشید. [۲۳] و در جنگ‌های داخلی سوریه و عراق نیز، مردم شهرهای رقه و موصل با ترکیب اقدامات آشکار نافرمانی با اشکال روزمره مقاومت، کارزارهای مقاومت شجاعانه‌ای را علیه گروه‌های مسلح مختلف، از جمله دولت اسلامی ترتیب دادند.

### جنبش‌های ضد سرمایه‌داری

برخی جنبش‌ها خواستار تغییر انقلابی در شیوه‌هایی بوده‌اند که از آن طریق، سرمایه‌داری به تمرکز ثروت در دستان عده‌ای محدود، به قیمت نابودی تعداد زیادی انجامیده است. در طول قرن بیستم، بسیاری از جنبش‌های دانشجویی، کارگری و جنبش‌های تهی‌دستان از دولت‌هایشان خواسته‌اند تا از کارگران در برابر شیوه‌های استثمارگرانه شرکتی، تأثیرات خشن و ناگوار جهانی‌سازی و مقررات و رویه‌های ناعادلانه محل کار محافظت کنند و در عین حال خواستار اصلاحات اساسی در سرمایه‌داری بازار بوده‌اند. [۲۴] گردهمایی‌های دوسالانه سازمان تجارت جهانی از سوی جنبش‌هایی که به جهانی‌سازی اعتراض می‌کنند و خواستار اعمال و شیوه‌های عادلانه اقتصادی هستند، مختل شده است که شاید مهم‌ترین نمونه آن در سیاتل سال ۱۹۹۹ باشد. در سال ۲۰۱۱، جنبش اشغال‌وال استریت، جهانی شد و الهام‌بخش صدها راهپیمایی، توقف کار، تجمعات مردمی و اردوگاه‌های اسکان موقت<sup>۱</sup> در سراسر جهان گردید. این جنبش پس از ماه‌ها بسیج مردمی موفق شده بود توجهات را مجدداً به

۱ . tent-city

نابرابری‌های اقتصادی، بی‌عدالتی شرکت‌های بزرگ و نفوذ بیش از حد آنها بر سیاست در سراسر جهان جلب کند.

### جنبش‌های دموکراسی خواهانه

در قرن گذشته صدها کارزار مقاومت مدنی برای سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرا، ضددموکراتیک یا فاسد به پا خاسته‌اند- و در مواقعی نیز در مقابل جنبش‌های مخالفی قرار گرفته‌اند که هدفشان بازگرداندن این رژیم‌ها به قدرت بوده است. چنین کارزارهایی از پرتغال (۱۹۷۴) گرفته تا لهستان (۱۹۸۰-۱۹۸۹)، از آلمان شرقی (۱۹۸۹) تا مصر (۲۰۱۱)، از صربستان (۲۰۰۰) تا سوازیلند (۲۰۱۱)، از تونس (۲۰۱۰) تا توگو (۲۰۱۳) از گرجستان (۲۰۰۳) تا گواتمالا (۲۰۱۵) و از برزیل (۱۹۸۴-۱۹۸۵) تا بوریکنافاسو (۲۰۱۴) را دربر می‌گیرد. در تمامی این موارد- و صدها نمونه دیگر- جنبش‌های قدرت مردمی کوشیده‌اند تا رژیم‌های دیکتاتوری را سرنگون کرده یا از دموکراسی‌ها در برابر قدرت‌گیری اقتدارگرایان دفاع کنند. تنها در دهه گذشته، جنبش‌های قدرتمندی در کشورهای مختلف مانند ترکیه، کنیا، کره جنوبی، ایسلند و ایالات متحده شکل گرفته‌اند و فساد دولتی و سوء مدیریت مالی در کشورهای خود را با تظاهرات گسترده، تحقیقات شهروندی، اشتراک‌گذاری اطلاعات و نام‌بردن از مفسدان، فعالیت‌هایشان و شرمسارسازی آنها به چالش کشیده‌اند.

### یادداشتی بر جنبش‌های ضد دموکراتیک

برخی از جنبش‌ها با اهدافی شروانه‌تر به وجود آمده‌اند- از جمله بازگرداندن سیاست‌های اقتدارگرایانه پس از گذار دموکراتیک. برای مثال، در مصر سال ۲۰۱۳، جنبش تمرد (شورش) ارتش مصر را تشویق کرد تا محمد مرسی، رئیس‌جمهور منتخب دموکراتیک را سرنگون کند و اخوان المسلمین را از قدرت کنار بزند، با این بهانه که دولت



مرسی هم به شدت اسلام‌گرا و هم بی‌کفایت است. به همین ترتیب، در تایلند سال ۲۰۱۴ نیز کودتایی نظامی مورد حمایت مردمی، نخست وزیر منتخب دموکراتیک ینگلاک شیناواترا را سرنگون کرد و خونتایی نظامی را به جای حکومت وی به قدرت رساند. در جریان انقلاب ایران نیز، ائتلافی گسترده که نیروهای چپ و اسلام‌گرایان را با هدف سرنگونی محمدرضا شاه پهلوی متحد کرده بود، تحت سلطه گروه‌های بنیادگرای سازمان یافته به رهبری آیت‌الله خمینی قرار گرفت و در نهایت یک رژیم دینی استبدادی و بنیادگرا را بر کشور تحمیل کرد که به نحو چشمگیری حقوق فردی شهروندانش را محدود می‌کند. [۲۵] از سال ۲۰۱۶، گروه‌های راست افراطی و نئونازی نیز در آلمان به آثار پژوهشگر مقاومت مدنی، جین شارپ تکیه کرده‌اند تا درک بهتری از نحوه شکل‌گیری و استفاده از قدرت مردم برای تعقیب اهداف نژادپرستانه و طردکننده خود پیدا کنند [۲۶].

این واقعیت که چنین گروه‌های ضددموکراتیکی می‌کوشند تا از تکنیک‌های مقاومت مدنی در جهت اهدافی نامشروع استفاده کنند، باید به آن عده از ما که برای آزادی، عدالت، برابری و دموکراسی می‌جنگند، انگیزه بخشد تا نحوه استفاده مؤثرتر از این شیوه‌ها را بیاموزیم.

مسیر این کتاب چگونه است؟

امروزه ما بسیار بیشتر از یک دهه پیش در مورد مقاومت مدنی می‌دانیم. تحولات صورت گرفته در حوزه تحقیقات پیرامون مقاومت مدنی، و اقدام به آن، آگاهی بخشی به مردم در سراسر جهان را بسیار مهم و بالقوه نیرومندتر کرده است و این مهم را از طریق پاسخ به سؤالات فوری آنها در مورد چگونگی براه‌انداختن مبارزات غیرخشونت‌آمیز به

---

۱ . Yingluck Shinawatra

شیوه‌ای مؤثر و اخلاقی صورت داده است. هدف این کتاب در صورت امکان ارائه این پاسخ‌هاست و همزمان به مباحثات و مناقشات جاری که البته هنوز پاسخ نهایی و روشنی نیافته‌اند، می‌پردازد.

در فصل ۱ ما به شکلی عمیق‌تر اصول مقاومت مدنی را مورد بررسی قرار می‌دهیم - مفاهیم اساسی، اینکه کدام روش‌ها مقاومت مدنی محسوب می‌شوند و کدام روش‌ها نه، و چگونه کاربردهای عمل‌گرایانه از مقاومت مدنی با ادعاهای اخلاقی تلاقی می‌کنند و بایکدیگر همپوشانی دارند.

فصل دوم به این پرسش می‌پردازد که مردم چگونه می‌توانند از پایین جامعه قدرت اجتماعی و سیاسی خلق کنند، مقاومت مدنی چگونه موفق می‌شود و آیا شرایطی وجود دارد که تحت آن مقاومت مدنی غیرممکن باشد. نکته مهم در اینجا این است که کمپین‌های مقاومت مدنی زمانی می‌توانند موفق شوند که به اندازه کافی بزرگ و متنوع باشند و منجر به چالشی جدی برای وضعیت موجود شوند - [خصوصاً زمانی که شروع به ایجاد تمرّد و رویگردانی در نیروهای پشتیبان دشمن خود کنند.

فصل ۳ به مسئله پیچیده خشونت از درون جنبش می‌پردازد. در اینجا ما یافته‌های پژوهشی اخیر را مرور می‌کنیم، که نشان می‌دهد چگونه خشونت حاشیه‌ای از درون یک جنبش بر وضعیت سیاسی کسانی که در جهت تغییر فشار می‌آورند، تأثیر می‌گذارد.

در فصل ۴ به افسانه‌ها و واقعیت‌هایی که پیرامون مقاومت مدنی در برابر مخالفان بسیار خشن و بیرحم وجود دارد، نگاهی می‌اندازیم. در این فصل راه‌هایی را بررسی می‌کنیم که از طریق آنها مبارزات مقاومت مدنی علی‌رغم دوره‌هایی از وحشیگری شدید رژیم‌ها - از جمله رژیم‌های نسل‌کش - و گزینه‌های موجود برای جنبش‌هایی که به ویژه علیه رژیم‌های نژادپرست مبارزه می‌کنند، به موفقیت رسیده‌اند.

در نهایت فصل پنجم با بحث در مورد تأثیرات بلندمدت مقاومت مدنی بر جوامع مختلف به پایان می‌رسد - آیا کمپین‌های موفق مقاومت مدنی باعث می‌شوند که جوامع وضعیت بهتری داشته باشند یا بدتر. علاوه بر این بررسی می‌کنم که کمپین‌های مقاومت مدنی چگونه در دهه گذشته تغییر کرده‌اند - به ویژه با ظهور کنشگری دیجیتال - و اینکه چگونه جنبش‌ها در مواجهه با اقتدارگرایی فزاینده، بحران‌های اقتصادی جهانی، و همه‌گیری جهانی کرونا تا به امروز تداوم یافته‌اند.

در طول کتاب بارها به نکته‌ای محوری باز می‌گردم: مقاومت مدنی تقریباً در هر شرایط [اجتماعی، سیاسی، اقتصادی] برای مردم امکان سازماندهی جمعی علیه بی‌عدالتی را فراهم می‌کند. مقاومت مدنی همیشه هم موفق نیست. در واقع، مقاومت غیرخشونت‌آمیز به همان اندازه که موفق بوده شکست هم خورده است. با اینحال مقاومت مدنی رویکردی سیاسی است که روزه‌به‌روز متداول‌تر می‌شود و بسیار بیشتر از آنچه مخالفان آن تصور می‌کنند به موفقیت می‌رسد. در واقع یافتن نمونه‌ای از تغییرات سیاسی مترقیانه که بدون این تاکتیک مبارزاتی رخ داده باشد، کار دشواریست.

## فصل اول / مفاهیم اساسی

قدرت هیچ‌گاه چیزی را بدون مطالبه واگذار نمی‌کند. پیشتر چنین نکرده و در آینده نیز نخواهد کرد.

فردریک داگلاس<sup>۱</sup>

در بخش مقدمه، مقاومت مدنی را شکلی از مبارزه تعریف کردیم که در آن افرادی غیرمسلح، اقدامات مختلفی را-مانند اعتصاب، اعتراضات، تحصن، بایکوت، تظاهرات اجتناب از کار، عدم همکاری، و بسیاری از تاکتیکهای دیگر- در جهت خلق قدرت و ایجاد تغییرات سازماندهی و هماهنگ می‌کنند. مردم با استفاده از مقاومت مدنی قدرت جمعی خود را نشان می‌دهند. در طی هزاران سال، در تمام نقاط جهان، مردم با استفاده از طیف وسیعی از شیوه‌ها و تکنیک‌های مقاومت مدنی به مقابله با ظلم و ستم برخاسته‌اند. آنها نه به خاطر نفوذ در قلوب دشمنان خود، بلکه به این دلیل که نسبت به آنها برتری عددی داشتند و در نتیجه توانسته بودند تعادل سیاسی و اجتماعی قدرت را تغییر دهند در رسیدن به اهداف خود به کامیاب بوده‌اند. این فصل به برخی تصوّرات نادرست رایج پیرامون مقاومت مدنی می‌پردازد: مقاومت مدنی مستلزم پذیرش منفعلانه رنج و مشقّت است؛ مقاومت مدنی یعنی متمدّن، بانزاکت و محترم بودن؛ مقاومت مدنی تنها برای یک طبقه خاص در دسترس است؛ روش‌های مقاومت مدنی را نمی‌توان برای اهداف ناموجه یا غیراخلاقی مورد سوءاستفاده قرار داد.[۱] همانطور که خواهید دید، هیچ‌یک از اینها لزوماً درست نیست.

---

<sup>۱</sup> Frederick Douglass . از رهبران بزرگ ضدبرده‌داری در آمریکا و بعدتر مشاور آبراهام لینکلن، شانزدهمین رئیس‌جمهور ایالات متّحده-م.

## مقاومت مدنی چگونه دست به ایجاد تغییرات می‌زند؟

برای فهم منطق مقاومت مدنی، ابتدا باید مدل ذهنی خاصی پیرامون اینکه مردم چگونه در جهان تغییر ایجاد می‌کنند را به درستی درک کنید. دو نظریه اصلی و مادر در مورد چگونگی ایجاد تغییر اجتماعی یا سیاسی وجود دارد. بسته به اینکه با کدام یک هم‌نظر باشید، نسبت به مقاومت مدنی به عنوان راهی برای تغییر جامعه توسط مردم، بدبین یا خوشبین خواهید بود.

بیباید ابتدا با بدبین‌ها شروع کنیم. افسانه‌های رایج بسیاری پیرامون قدرت سیاسی وجود دارند که می‌توانند پتانسیل مقاومت مدنی برای موفقیت را تحت الشعاع قرار داده یا دست کم بگیرند.<sup>[۲]</sup> دلیل آن نیز این است که نظریه‌های رایج در مورد تغییر، که می‌توان آن را رویکرد کنترل<sup>۱</sup> نامید، بر شکست‌ناپذیری کمابیش قطعی قدرت مستقر صحه گذاشته و تأکید می‌کنند که تنها اقدامات ستیزه‌جویانه و خشونت‌آمیز است که می‌توانند نظام را به چالش کشیده و قدرت را واژگون کنند.<sup>[۳]</sup> این نظریه زمینه‌ساز توجه‌هایی برای قیام مسلحانه است و شامل نظریات مائو تسه تونگ در انقلاب چین می‌شود که معروف بود گفته است: «قدرت تنها از لوله تفنگ بیرون می‌آید»؛ یا انقلابیون الجزایری که در سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۶۲ علیه اشغالگران فرانسوی مبارزه می‌کردند و استدلالشان این بود که خشونت تنها راهی است که از طریق آن مردم مستعمرات می‌توانند خود را از احساس حقارت درونی رها سازند؛<sup>[۴]</sup> یا برخی از مدافعان حال حاضر متمم دوم قانون اساسی ایالات متحده<sup>۲</sup> که استدلال می‌کنند حق داشتن سلاح و حمل اسلحه تضمینی برای امنیت در برابر دولتی ظالم و ستمگر است؛ یا انقلابیون قرن

<sup>۱</sup> . control approach

<sup>۲</sup> . US Constitution's Second Amendment

هجدهم فرانسوی که بر این باور بودند اشرافیت فرانسه را تنها با اعدام یا تهدید و ارباب اعضای باقی‌مانده آن می‌توان واقعاً نابود کرد؛ و گروه‌های مارکسیست-لنینیست در طول انقلاب روسیه در اوایل قرن بیستم که استدلال می‌کردند خشونت برای بیرون‌کشیدن ابزار تولید از دست طبقه بورژوا الزامی و ضروری است. با این حال برخی دیگر نیز هستند که قدرت را توانایی حفظ وضعیت موجود سلسله‌مراتب اجتماعی، سیاسی، نژادی یا اقتصادی مانند برتری سفیدپوستان می‌دانند. این تئوری تغییر، نظامی‌گری را به عنوان شری ضروری در دفاع از یک جامعه ناعادلانه، یا دگرگونی آن می‌پذیرد و برداشتش از قدرت که به سیاست‌های نخبگان جامعه و توانایی اعمال خشونت محکم و راسخ اولویت می‌دهد، اغلب در تصور عمومی بدیهی تلقی می‌شود. اگر با این تئوری تغییر هم‌نظر باشید، باور اینکه مقاومت مدنی می‌تواند تفاوت واقعی یا معنی‌داری را در جامعه ایجاد کند برایتان دشوار خواهد بود.

اما این نظریه تغییر غالباً [در عمل] نادرست است. نظام‌های سرکوبگر بسیار شکننده‌تر از آن چیزی هستند که در ظاهر نشان می‌دهند. حاکمان ستمگر و سنگدلی که که علناً و در انظار عموم ادعای شکست‌ناپذیری خود را مطرح کرده‌اند و با وجود جدی‌ترین تلاش‌هایشان در این راستا، معمولاً در خلوت اعتراف کرده‌اند که بسیار آسیب‌پذیرتر از چیزی هستند که تصاویر عمومی از آنها نشان می‌دهد. اکثر انقلاب‌های مسلحانه‌ای که در صد سال گذشته به موفقیت رسیده‌اند - از انقلاب روسیه گرفته تا انقلاب مائو در چین و از انقلاب الجزایر تا انقلاب ویتنام که ارتش آزادیبخش ویتنام شمالی آنرا رهبری می‌کرد - به دلیل برتری نظامی بر دشمنان خود پیروز نشدند، بلکه

---

<sup>۱</sup> . North Vietnamese Liberation Army

موفقیت آنها در واقع مدیون وجود استراتژی‌های جامعی بود که از آن طریق توانستند مخالفان خود را از نظر سیاسی [و نه نظامی] شکست دهند.

علاوه بر این، رویکرد کنترل نمی‌تواند توضیح دهد که چرا بسیاری از مبارزات بدون خشونت در طول دو قرن گذشته در مقابل مخالفان نظامی نیرومندتر خود موفق بوده‌اند. همانطور که در مقدمه دیدیم، انقلاب‌های بدون خشونت دو برابر انقلاب‌های خشونت‌آمیز موفق به سرنگونی رژیم‌ها یا کسب استقلال شده‌اند. بعلاوه رویکرد کنترل، صاحبان قدرت را اساساً گروهی یکپارچه و یکدست در نظر می‌گیرد. این رویکرد دیکتاتوری و دیکتاتورها را با هم خلط می‌کند و فراموش می‌کند که دومی باید از سوی هرمی از مردم در پشت سر، حمایت شود. رویکرد کنترل نظام‌ها و اشخاص را یکی می‌پندارد—افرادی که جایگاهشان در هرم قدرت است و ذهنیت و تصمیمات خاص خود را دارند. نظریه پردازان مقاومت مدنی استدلال می‌کنند که چیزی تحت عنوان رژیم یکپارچه و یکدست وجود ندارد. نظام‌های سرکوبگر از افرادی که در درون آنها فعالیت می‌کنند متفاوت هستند. دیکتاتورها از کسانی که برای حفظ وضعیت موجود به همکاری آنها نیاز است، جدا هستند؛ ارتش، سرویس‌های اطلاعاتی، رهبران اقتصادی و سیاسی و کارکنان دولتی. معدودی از مفاهیم استاندارد قدرت قادر به تشخیص این نکته هستند که دولت‌ها در صورت استفاده از خشونت جهت اعاده نظم، هزینه سیاسی بالایی را باید بپردازند. حتی اگر دیکتاتورها موفق شوند به شکل وحشیانه‌ای مخالفان غیرنظامی خود را قلع و قمع کنند، تعداد اندکی از آنها پس از ارتکاب این جنایات و قساوت‌ها از مشروعیت پایدار و مساعدی برخوردار خواهند بود.

بنابراین کدام نظریه در باب تغییر می‌تواند به ما در درک این الگوهای تاریخی کمک کند؟ دومین تئوری تغییر- که من از آن به عنوان رویکرد مشروعیت<sup>۱</sup> [۵] یاد می‌کنم- کار خود را بر پایه این ایده قدرت می‌گذارد که آنچه رخ می‌دهد، توانایی تأثیرگذاری بر چه کسی، کجا و چگونه دارد. سه مفروض اساسی این رویکرد را پیش می‌برند: ۱- قدرت مبتنی بر مشروعیت است نه اجبار. (۲) قدرت هرگز دائمی نیست. و (۳) هیچ نظامی یکپارچه نیست. بیایید به ترتیب به هر یک از این موارد نگاهی بیندازیم.

اول اینکه قدرت سیاسی از توانایی واداشتن دیگر افراد به همکاری و اطاعت داوطلبانه از قدرت ناشی می‌شود. آنها زمانی این کار را انجام می‌دهند که اطاعت را به نفع خود بدانند، یا زمانی که ببینند هر کسی یا هر چیزی که قدرت را در اختیار دارد به نحوی مشروع آنرا به کار می‌بندد. زمانی که گروهی از مردم احساس کنند که رهبر یا حکومتی، لیاقت قدرت در دسترسش را ندارد و تعداد زیادی از مردم داوطلبانه از پیروی از دستوراتش سرپیچی کنند، اعاده و حفظ آن قدرت، دیگر بسیار دشوار خواهد بود. رهبران یا دولت‌هایی که با استفاده از خشونت به شهروندان خود پاسخ می‌دهند، در واقع قدرت یا نیرویی از خود نشان نمی‌دهند. بلکه در عوض و به نحو متناقضی، ضعف خود را نشان می‌دهند؛ زیرا همکاری داوطلبانه، اطاعت یا رضایت شهروندان خود برای تحت فرمان بودن را از دست داده‌اند. دولت‌هایی که مجبورند برای وادار کردن مردم به همکاری و اطاعت، از خود خشونت نشان دهند، در واقع این واقعیت را آشکار می‌کنند که شهروندان به میل و خواسته خود اطاعت از آنها را انتخاب نمی‌کنند. از این منظر، استفاده بشار اسد، رئیس جمهور سوریه از جوخه‌های مرگ، تک‌تیراندازها و گلوله باران تمامی مناطق کشور در جریان قیام ۲۰۱۱ سوریه، قدرت او را به نمایش گذاشتند، بلکه

---

۱ . legitimacy approach



در عوض نشان دادند که مشروعیت او توخالی و آسیب‌پذیر است - و اینکه او نتوانسته همراهی مردم کشورش را از طریق جذابیت‌های مردمی، اصلاحات، امتیازات، یا راه‌های دیگر پاسخگویی به شهروندانی که برای مقابله با رژیم او بسیج شده‌اند به دست آورد.

دوم اینکه هیچ نظام ظالم و سرکوبگری یکپارچه نیست. چه این نظام دیکتاتوری باشد، چه یک اشغالگر نظامی خارجی، یا یک نظام اقتصادی ناعادلانه. هر نظام ظالمانه و سرکوبگری بر همکاری و رضایت افراد درگیر در «ستون‌های حمایتی»<sup>۱</sup> خود تکیه دارد، اصطلاحی که جرج لیکي<sup>۲</sup>، فعال و روشنفکر سیاسی آن را ابداع کرده است. این ستون‌های حمایتی عبارتند از:

نیروهای امنیتی، مانند شاخه‌های مختلف ارتش؛ سرویس‌های اطلاعاتی؛ نیروهای پلیس؛ هر سازمان نظامی یا پلیس منطقه‌ای یا محلی، مانند گارد ملی؛ میلشیا یا شبه‌نظامیان نیمه رسمی؛ و غیره

نخبگان اقتصادی، مانند بانکداران، صاحبان ثروتمند مشاغل، صاحبان مشاغل کوچک، انجمن‌های تجاری، لابی‌کننده‌ها و شرکت‌ها.

بوروکرات‌هایی که اجرای وظایف و کارویژه‌های مختلف دولت را تضمین می‌کنند، از جمله کارکنان بخش‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی کشور؛ کارمندان دولت در مناصب دیپلماتیک؛ و کارکنان بخش عمومی در بخش‌های بهداشتی، آب و برق، خدمات پستی، خدمات سلامت عمومی و سایر موسسات همگانی.

---

<sup>۱</sup> . pillars of support

<sup>۲</sup> . George Lakey

رسانه‌های مستقل و رسانه‌های تحت نفوذ یا تحت مالکیت دولت، از جمله ایستگاه‌های تلویزیونی و رادیویی، روزنامه‌ها، وب‌سایت‌ها و غیره.

مقامات مذهبی، از رهبران ارشد مانند اسقف‌ها، امام‌ها، و شاخام‌ها گرفته تا کسانی که در اجتماعات محلی خدمت می‌کنند.

مؤسسات آموزشی مانند دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آکادمیک؛ تشکّل‌های دانشجویی؛ انجمن‌های حرفه‌ای دانشگاهی؛ و آزمایشگاه‌های علمی تحقیق و توسعه.

شخصیت‌های فرهنگی مانند شخصیت‌های تلویزیونی، سینمایی یا افراد مشغول در رسانه‌های اجتماعی، موسیقی‌دانان، ورزشکاران و دیگر افراد مشهور.

نیروی کار سازمان‌یافته، مانند اتحادیه‌های معلمان، پرستاران و کارکنان بخش‌های مراقبت و نگهداری؛ گروه‌های فعال در احقاق حقوق کارگران، مانند آن‌هایی که به نمایندگی از کارگران غیراتحادیه‌ای فعالیت می‌کنند؛ و انجمن‌های حرفه‌ای، مانند انجمن‌های پزشکان یا وکلا.

تشکیلات جامعه مدنی، مانند گروه‌های حقوق مدنی، بنیادهای آموزشی و سازمان‌ها و گروه‌های مختلف فشار.

دولت‌ها به کارمندان دولتی، مقامات نظامی و اطلاعاتی، مالیات‌دهندگان، متّحدها یا حامیان خارجی و طرفداران سرسخت خود متّکی هستند. اما آنها تنها سازمان‌ها و تشکیلاتی نیستند که بدون همکاری روزانه حامیان خود قادر به فعالیت نیستند. شرکت‌ها به کارکنان، مدیران، مدیران اجرایی، متولیان، سهامداران و مصرف‌کنندگان خود متّکی هستند. دانشگاه‌ها به کارکنان بخش نگهداری، حراست، دانشجویان، مدیران، خیرین، فارغ‌التحصیلان، اساتید، کارکنان و غالباً مجالس قانونگذاری ایالتی متّکی هستند. نظام‌های گسترده‌تر ظلم و ستم - مانند برتری طلبی سفیدپوستان، پدرسالاری، همجنس‌گراهراسی، بیگانه‌هراسی، ترنس‌هراسی و شوونیسم

قومی - بر باورها یا توجیهات ایدئولوژیک، افرادی که این ایده‌ها را تداوم می‌بخشند، نهادهایی که با این سیستم‌ها همکاری می‌کنند و آنها را در زندگی عمومی تثبیت می‌کنند و افرادی که به طور مستمر با این موسسات همکاری می‌کنند (و اغلب از آنها بهره می‌برند) متکی هستند.

بسیاری از کنشگران و نظریه پردازان مقاومت دریافته‌اند که وقتی مردم به طور جمعی از رضایت یا اطاعت از نظام‌های موجود امتناع می‌ورزند، این توانایی را پیدا می‌کنند که خواسته‌های رادیکال خود از جمله برچیدن نظام موجود و جایگزینی آن با چیز دیگری را از صاحبان قدرت نهادی مطالبه کنند. این امر به ویژه در صورتی صادق است که آنها قادر به ایجاد ائتلاف و اتحاد با سایر گروه‌ها باشند و از این طریق بتوانند پایگاه‌های قدرت خود را گسترش دهند. به عبارت دیگر، تنها به حاکمان مستبد وابسته نیست که تصمیم بگیرند تا چه زمانی می‌خواهند وضعیت موجود را حفظ کنند. حفظ وضعیت موجود تا حدّ قابل توجهی به کسانی بستگی دارد که این حاکمان برای اجرای خواسته‌های خود به آنها متکی هستند و در کنار آنها، جمعیت بسیار بیشتری از مردم که حاکمان ادّعی اداره و نمایندگی آنها را دارند.

توده‌های مردم زمانی می‌توانند نظام‌های سیاسی را تغییر دهند که از طریق کنش جمعی مردمی، ستون‌های حمایتی - نظیر بدنه دولت، مدیریت دانشگاه‌ها، کلیسا - را از صاحب یا صاحبان قدرت دور کنند و از این طریق موجبات فروپاشی و اختلال در یک نظام سرکوبگر را فراهم آورند. این امر منجر به این می‌شود که:

کارگران تا زمانی که استانداردهای ایمن و منصفانه‌ای برای محل کارشان تعیین نشده، از کارکردن خودداری کنند.

سهام‌داران رهبری ضعیف شرکت را برکنار کنند.

قانونگذاران ایالتی از انجام خواسته‌های یک فرماندار فاسد خودداری کنند.

پلیس یا سرویس‌های امنیتی، دیکتاتور یک کشور را رها کنند. صاحبان مشاغل و بانکداران برجسته سیاستمداران را برای اصلاحات تحت فشار قرار دهند.

جنبش‌های قدرت مردم<sup>۱</sup> عمدتاً با ایجاد قدرت کافی از پایین در جهت جدا کردن افراد مسئول یا متصدیان امر از منابع موجود تحت کنترلشان یا تحوّل نهادها و رویه‌ها با چنان شدت قابل ملاحظه‌ای که ساختارهای موجود به کل از کار افتاده و منسوخ شوند، به پیروزی می‌رسند. همانطور که فردریک داگلاس در سال ۱۸۵۷ گفت:

قدرت هیچ گاه چیزی را بدون مطالبه و گذار نمی‌کند. پیشتر چنین نکرده و در آینده نیز نخواهد کرد. اگر دریابید که مردم تسلیم چه چیزی خواهند شد، و کی سر تسلیم فرود می‌آورند، در آن صورت می‌توانید میزان دقیق بی‌عدالتی و بی‌انصافی که بر آنها تحمیل می‌شود را دریابید. و این ادامه خواهد داشت تا زمانی که آنها با کلمات یا ضربات و یا هر دو، دست به مقاومت بزنند. حد و حدود ظالمان را استقامت و پایداری کسانی که به آنها ظلم می‌شود، تعیین می‌کند.

افرادی که این ستون‌های حمایتی را تشکیل می‌دهند - بوروکرات‌های غیرنظامی، رسانه‌های دولتی، افسران ارتش و پلیس، صاحبان مشاغل و بانکداران، شخصیت‌های عمومی محبوب، متحدان مهم بین‌المللی - لزوماً بدلیل رقت قلب تغییر موضع یا عقیده

---

<sup>۱</sup> «People Power . قدرت مردم» اصطلاحی سیاسی و حاکی از نیروی محرکه مردمی در هر جنبش اجتماعی است که به قدرت نظرات و اراده مردمی اتکا دارد و معمولاً در تقابل با نیروهای سازمان یافته و متعارف سیاسی یا تجاری قرار می‌گیرد. هدف جنبش‌های «قدرت مردم» تغییرات سیاسی یا دموکراسی‌سازی از طریق بسیج جامعه مدنی است - م.

نمی‌دهند. آنها اغلب به این دلیل از همکاری با وضعیت موجود دست می‌کشند که به این باور رسیده‌اند که انجام این کار در خدمت منافع خودشان است.

برای مثال در آفریقای جنوبی دورهٔ آپارتاید، ثروت صاحبان سفیدپوست مشاغل زیر فشار بایکوت‌هایی به رهبری سیاه‌پوستان [۶] و نیز تحریم‌های بین‌المللی روبه زوال بود. تعداد کمی از این صاحبان مشاغل از دیدگاه کنگرهٔ ملی آفریقا<sup>۱</sup> در راستای رهایی کشور از نابرابری‌های نژادی، سیاسی و اقتصادی حمایت می‌کردند. با این حال آنها این را می‌دانستند که تنها در صورتی در کسب و کار خود پیشرفت خواهند کرد که دولت را تحت فشار بگذارند تا به آنچه یکی از اعضای انجمن تجاری این کشور «ادعاهای مشروع»<sup>۲</sup> در جهت برابری نژادی سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی می‌خواند، تن در دهند.

بنابراین آنها حزب حاکم را برای انجام اصلاحات تحت فشار گذاشتند و زمانی که رهبر حامی آپارتاید، پیتر ویلم بوت<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۹ دچار سکتۀ خفیف مغزی شد و از سمت خود استعفاء داد، فرصت اجرای برنامه‌های خود را پیدا کردند. رهبران حزب ملی<sup>۴</sup>، وزیر آموزش اصلاح طلب فردریک ویلم دکلرک<sup>۵</sup> را به رهبری حزب خود منصوب کردند. دی کلرک در ادامه به عنوان رئیس جمهور کشور انتخاب شد و در یک سخنرانی در پارلمان در فوریهٔ ۱۹۹۰ اعلام کرد که ممنوعیت کنگرهٔ ملی آفریقا را لغو و نلسون ماندلا را پس از بیست و هفت سال از زندان آزاد خواهد کرد. این اقدامات منجر به برگزاری مذاکرات تاریخی با کنگرهٔ ملی آفریقا شد و در ادامه همه‌پرسی سال ۱۹۹۲ را به همراه

<sup>۱</sup> . African National Congress (ANC)

<sup>۲</sup> . legitimate claims

<sup>۳</sup> . P. W. Botha

<sup>۴</sup> . National Party . حزب حاکم آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید-م.

<sup>۵</sup> . F. W. de Klerk

داشت که در آن اکثریت بزرگ سفیدپوستان آفریقای جنوبی به پایان نظام رسمی آپارتاید در این کشور رأی دادند. در سال ۱۹۹۴ میلیون‌ها رأی دهنده سیاه‌پوست آفریقای جنوبی که به تازگی حق رأی بدست آورده بودند، کنگره ملی آفریقا را با یک پیروزی قاطع در انتخابات به قدرت رساندند. این شرح مختصر نشان می‌دهد که چگونه کارزارهای مقاومت مدنی می‌توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر ستون‌های حمایتی اقتصادی و سیاسی رژیم فشار وارد کنند و آنها را مجبور به انطباق با خواسته‌های جنبش کنند. سومین مفروض اصلی رویکرد مشروعیت این است که قدرت هرگز دائمی نیست. تمامی صاحبان قدرت دائماً باید قدرت خود را بازسازی و احیا کنند: با عمل به یک قرارداد اجتماعی ضمنی یا صریح، از طریق عملکرد خوب، یا از طریق عدالت و درست‌کاری اخلاقی. آنها به طور مستمر باید مشروعیت خود را هم به ستون‌های حمایتی و هم به عموم مردم نشان دهند. مقاومت مدنی به وضوح مشروعیت وضع موجود را زیر سؤال می‌برد. مقاومت مدنی در مقیاس بزرگ نشان می‌دهد که این مشروعیت در بحران است.

در اینجا نکته ای وجود دارد که بسیار مهم است: رویکرد مشروعیت این مفروض را کنار می‌گذارد که دشمن حتی به سطحی پایه‌ای و ابتدایی از اخلاقیات قائل باشد. صاحبان قدرت می‌توانند به شدت وحشی، متکبر، خودمحور و حقیر باشند. در واقع، رویکرد مشروعیت به قدرت این مفروض را مسجّل می‌داند که چیزی به نام دیکتاتور خیرخواه وجود ندارد. اگر حکومت یا دیکتاتور فعلی این فکر را در سر داشته باشد که می‌تواند بدون هیچ‌گونه مجازاتی دست به کشت و کشتار بزنند، بی‌شک این کار را خواهد کرد. [۷] همانطور که جان آدامز در ۱۸۱۶ به توماس جفرسون نوشت، «قدرت همیشه فکر می‌کند که روحی بزرگ و دیدگاه‌هایی وسیع فراتر از درک افراد ضعیف دارد؛ و این که در خدمت خداوند است، در حالی که تمام قوانین او را زیر پا می‌گذارد.» [۸] اما

فقدان اخلاقیات یا همدلی دشمن هرگز به اندازه توانایی یک جنبش مقاومت سازمان یافته برای استفاده از طیف وسیعی از روش‌های هماهنگ و هوشمندانه در جهت دگرگونی، گسترش فعالیت و کسب برتری بر حریف و در عین حال فرسایش منابع قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی آن، اهمیت ندارد.

### کنش بدون خشونت را چگونه می‌توان تشخیص داد؟

از برخی جهات «کنش بدون خشونت» کاملاً آشکار و بدیهی است: اقدام به کنش بدون آسیب رساندن به کسی. جنبش‌های مقاومت مدنی که دست به اقدامات بدون خشونت می‌زنند، به هیچ‌کس آسیب فیزیکی نرزد یا تهدید به آسیب فیزیکی نمی‌کنند. افراد دخیل در چنین اقداماتی غیرمسلح هستند؛ آنها همراه خود اسلحه ندارند، کوکتل مولوتف پرتاب نمی‌کنند و امثالهم.

اما اصطلاح «کنش بدون خشونت» اغلب با انفعال یا تسلیم اشتباه گرفته می‌شود. در واقع برخی افرادی که در اشکال خلاقانه و ابتکارآمیز مقاومت درگیر هستند، با صفت «بدون خشونت» مورد اهانت قرار می‌گیرند، زیرا اقدامات آنها غالباً جسورانه، مخرب و مقابله‌ای، و همراه با برنامه‌ای عملی برای مقابله با دشمن است. جنبش‌های مقاومت مدنی اگرچه آسیب فیزیکی به دیگران وارد نمی‌کنند، اما با این وجود رفتارهایی زورآمیز و قهري دارند و مخالفان خود را از دستیابی به اهدافشان باز می‌دارند، یا آنها را وادار می‌کنند که برخلاف میلشان عمل کنند. مقاومت بدون خشونت به عنوان یک استراتژی، مستلزم ایجاد درگیری فعالانه با دشمن است - شیوه‌ای از مقاومت که با ابزارهای متفاوتی از آنچه در رویکردهای خشونت‌آمیز یا نظامی استفاده می‌شود، دست به مبارزه می‌زند.

اصطلاح «کنش بدون خشونت» ممکن است با تعامل بدون خشونت نیز اشتباه گرفته شود؛ کنش و واکنشی بین دو گروه که کاملاً عاری از خشونت است. در واقع کسانی که از اقدامات غیرخشونت‌آمیز استفاده می‌کنند، خودشان به کنش بدون خشونت پایبند هستند، اما دشمنان آنها اغلب قبل، حین و پس از رویارویی با آنها از خشونت استفاده می‌کنند. زمانی که جنبش‌های قدرت مردم از روش‌های غیرخشونت‌آمیز مانند اعتراضات استفاده می‌کنند، اغلب دقیقاً به این دلیل است که پلیس یا نیروهای نظامی [پیشتر] آنها را برانگیخته و عصبانی کرده‌اند و پلیس یا ارتش گاهی اوقات در مقابل با گاز اشک‌آور، گلوله‌های لاستیکی، مهمات واقعی، ضرب و شتم با باتون، دستگیری، زندان، شکنجه و ربایش، به مردمی که دست به اقدامات غیرخشونت‌آمیز می‌زنند حمله می‌کنند. [۹] زمانی که من از «کنش بدون خشونت» صحبت می‌کنم، منظورم اقدامات غیرخشونت‌آمیز از سوی مخالفان است - صرف نظر از اینکه مقامات چگونه پاسخ آنها را بدهند. با وجود این تفاسیر اغلب خشونت زیادی در مبارزات مقاومت مدنی وجود دارد، به ویژه در میان آنهایی که اهدافی انقلابی اتخاذ می‌کنند.

ممکن است اصطلاح «کنش مستقیم بدون خشونت»<sup>۱</sup> را شنیده باشید. این تاکتیک معمولاً متضمن اقدامات تقابلی تر و مخاطره‌آمیزتری از تظاهرات نمادین عادی یا اعتراضات و تظاهرات شبانه است. افرادی که از کنش مستقیم استفاده می‌کنند خود را به بولدورها زنجیر می‌کنند، به محدوده سایت‌های یا مکان‌هایی امنیتی تجاوز می‌کنند، روی پرونده‌های اداری خون می‌ریزند، با چسپ خود را به پیاده‌روی در یک

---

<sup>۱</sup> . nonviolent direct action



تقاطع شلوغ می‌چسبانند، یا باند یک فرودگاه را اشغال می‌کنند. این مثال‌های واقعی را در نظر بگیرید:

در جریان اختلالات و بی‌نظمی‌ها ایجاد شده در نشست سازمان تجارت جهانی در سیاتل در ۱۹۹۹، جایی که فعالان اجتماعی به تأثیرات جهانی سازی بر فقر، نابرابری و محیط‌زیست اعتراض داشتند، انجمن راکوس<sup>۱</sup> از لوله‌های پی وی سی برای بستن بازوهای کنشگران به یکدیگر برای ایجاد ترافیک استفاده کرد.

در سال ۲۰۱۳، خواهر مگان رایس<sup>۲</sup>، که در زمان نگارش این کتاب فعال صلحی نود ساله است و تا به حال بیش از ۳۰ بار دستگیر شده است، به تخریب اموال فدرال در جریان اقدام مستقیم در اعتراض به تهدید جهانی سلاح‌های هسته‌ای محکوم شد. در سال ۲۰۱۲ او و چندین نفر دیگر که با جنبش گاواهن<sup>۳</sup> مرتبط بودند، حصارهای اطراف مجتمع امنیت ملی ۱۲-۷ در اوک ریج<sup>۴</sup> در تنسی را قطع کردند تا به انبار زیرزمینی ذخیره اورانیوم در این مکان برسند. در آنجا او و دو همکار صلح طلب کاتولیکش بنرهایی را آویزان کردند، دست به دعا برداشتند و باچکش شروع به ضربه زدن به دیوار بیرونی انبار کردند.

در جریان مراسم تحلیف دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده در ژانویه ۲۰۱۷، فعالان جنبش جان سیاهان مهم است با نشستن و ایجاد دیوار انسانی در

---

<sup>۱</sup> . Ruckus Society

<sup>۲</sup> . Sister Megan Rice

<sup>۳</sup> . Plowshares

<sup>۴</sup> . Oak Ridge

خارج از ورودی نشنال مال<sup>۱</sup>، جایی که مراسم تحلیف در آن برگزار می‌شد، به سیاست‌های وعده داده شده ترامپ اعتراض کردند.

بین سال ۲۰۱۸ و زمان نگارش این کتاب، گروه شورش علیه انقراض که خواستار اقدامات فوری و قاطع در مورد تغییرات اقلیمی هستند، از برخی از اقدامات مستقیم از جمله پرواز هواپیماهای بدون سرنشین در فرودگاه هیترو لندن به منظور ممانعت از پرواز هواپیماها و در نتیجه جلوگیری از انتشار کربن و نیز چسباندن خود به برخی خیابان‌های اصلی در شهرهای بریتانیا از جمله لندن و ادینبورگ برای توقف ترافیک - بازهم در جهت جلوگیری از انتشار کربن، هرچند به طور موقت استفاده کردند تا مردم را نسبت به تهدید تغییرات اقلیمی آگاه کنند.

تمامی این روش‌ها محتمل‌کننده، غالباً غیرقانونی و اغلب جنجال‌برانگیز هستند. آنها اسباب زحمت و عصبانیت دیگران، از مسافران عادی گرفته تا مقامات سیاسی می‌شوند. افراد درگیر و فعالان، خود در معرض خطر دستگیری و آسیب جسمی قرار می‌گیرند. اما به هیچ وجه هیچ یک از این روش‌ها آسیب فیزیکی یا تهدید به آسیب به شخص دیگری را به همراه نداشته‌اند.

اقدامات بدون خشونت ممکن است شامل استفاده افراد از بدن خود برای نمایش بی‌عدالتی، حفاظت از دیگران در برابر آسیب یا برهم‌زدن وضعیت موجود باشد. چنین اقداماتی گاهی اوقات می‌تواند عواقب ناخواسته‌ای به همراه داشته باشد. به عنوان مثال در جریان اعتراضات مرتبط با جنبش اشغال وال استریت در سال ۲۰۱۱، برخی از فعالان خیابان‌های اصلی شهرها را مسدود کردند. عده‌ای انتقاد کردند که این اقدامات بدون خشونت می‌تواند ناخواسته آسیبهایی فیزیکی به دیگران وارد کند - به ویژه اگر

---

<sup>۱</sup> . National Mall

آمبولانس‌ها، ماشین‌های آتش‌نشانی و وسایل نقلیه اضطراری در ترافیک گیر کرده باشند. با این حال انسداد جاده‌ها روشی بدون خشونت است و احتمال صدمات و آسیب‌های ناخواسته و ائتفاقی، این روش را به فعالیتی خشونت‌آمیز تبدیل نمی‌کند.

### اقدامات بدون خشونت مرسوم کدام‌ها هستند؟

زمانی که مردم به اقدامات بدون خشونت فکر می‌کنند، غالباً اعتراضات و تظاهرات‌های گسترده به ذهن آنها خطور می‌کند. اما این تازه شروع کار است. جنبش‌های مقاومت مدنی از صدها، اگر نگوییم هزاران کنش و اقدام مختلف برای تغییر وضعیت سیاسی جامعه خود بهره برده‌اند. برخی از محققین کوشیده‌اند این موارد را فهرست و طبقه‌بندی نمایند. به عنوان مثال، جین شارپ در دهه ۱۹۶۰ در جریان نوشتن پایان‌نامه دکترای خود در دانشگاه آکسفورد، «۱۹۸ روش کنش بدون خشونت» را شناسایی کرد. او این موارد را همانطور که در جدول ۱-۱ نشان داده شده است در سه دسته جای داد: اعتراض و متقاعدسازی، عدم همکاری، و مداخله بدون خشونت.

جدول ۱-۱ روش‌ها و نمونه‌های مقاومت مدنی

| مداخله بدون خشونت  | عدم همکاری  |  | اعتراض و متقاعدسازی   |  |
|--|---|--|---|--|
|  | عدم همکاری سیاسی  | عدم همکاری اقتصادی   |   | عدم همکاری اجتماعی   |
| روزه‌گیری؛ اعتصاب غذا؛ اعتراض نشسته یا تحصن؛ انسداد یا راه‌بندان بدون خشونت؛ قطع کلام یا مراسم؛ تئاتر چریکی؛ ایجاد نهادهای موازی؛ اعتصاب نشسته؛ تصرف بدون خشونت زمین؛ شکستن یا سربیزی از محاصره و انسداد؛ مراجعه و فشار کاری بیش از حد به ادارات و سیستم‌های اداری؛ زندانی شدن اختیاری؛ حاکمیت دوگانه یا حکومت موازی | خود داری از وفاداری و تبعیت از قدرت؛ سخنرانی و دعوت به مقاومت؛ تحریم انتخابات؛ امتناع از خدمت اجباری؛ نافرمانی مدنی | بایکوت از جانب مصرف‌کنندگان؛ مصرف کالاهای ممنوعه؛ بایکوت از جانب تأمین‌کنندگان و شرکتهای باربری؛ تعطیلی کار یا کارخانه؛ اعتصاب عمومی؛ امتناع از پرداخت مالیات؛ تخلیه حساب‌های بانکی؛ ترک کار یا اعتصاب برق‌آسا؛ ادعای «بیماری» (مرخصی استعلاجی)؛ تعطیلی کامل اقتصادی؛ کم‌کاری (آهسته کاری) | عدم کنش لیسيسترایی (اعتصاب جنسی) اعتصابات -دانشجویی دانش آموزی؛ بایکوت رویدادهای اجتماعی؛ تعلیق فعالیت‌های ورزشی؛ خانه نشینی؛ بست نشینی (تحصن)؛ اعتراض از طریق مهاجرت (هجرت) (مرخصی استعلاجی)؛ کم‌کاری (سکوت) | صدور بیانیه‌های عمومی؛ امضای طومارهای جمعی؛ چاپ و توزیع اعلامیه؛ روزنامه‌های زیر زمینی؛ برگزاری انتخابات نمایشی؛ نمایش برتره‌های عکاسی یا نقاشی شده؛ برهنه‌سازی اعتراضی؛ ژست‌های ناشایست و بی‌شرمانه؛ شب زنده‌داری؛ آواز خوانی؛ راهپیمایی؛ تظاهرات خودرویی؛ نشست‌های مباحثه و آموزشی؛ روگردانی و بی‌توجهی؛ ترک کار؛ (راهپیمایی) سکوت |

- ۱- عمدتاً با اهداف پژوهشی یا آموزش معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه به کودکان و سایر افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد
- ۲- لیسيسترانا اثر نمایشنامه‌نویس یونانی آریستوفان، یک کمدی ضد جنگ است که شخصیت‌های زن نمایشنامه، به رهبری لیسيسترانا، برای تأمین صلح و امنیت و پایان دادن به جنگ پلوپونزی، از رابطه جنسی با شوهران خود خودداری می‌کنند. -م
- ۳- lockout  
این روش معمولاً در هنگام بروز اختلافات کارگری عمدتاً از سوی کارفرما رخ می‌دهد و طی آن اجازه ورود کارگران به کارخانه داده نمی‌شود. در این کاربرد، تعطیلی کار در مقابل اعتصاب قرار می‌گیرد.
- ۴- شیوه‌ای از اعتصاب که در آن کارگران به منظور اعتراض به چیزی، بدون اطلاع قبلی و ناگهان دست از کار می‌کشند -م
- ۵- شیوه‌ای از اعتصاب که کارگر به کارفرمای خود اطلاع می‌دهد که به دلیل بیماری (واقعی یا ساختگی) امکان کار نداشته و به مرخصی استعلاجی نیاز دارد -م
- ۶- speak-in  
قطع یک جلسه، مراسم مذهبی یا گردهمایی را برای طرح موضوعی اعتراضی -م
- ۷- در این شیوه اعتراضی مخالفان با لودگی و شعار دادن و ارائه نمایشی کوتاه و طنزآمیز جلسه رقبای خود را برهم می‌زنند -م
- ۸- stay-in strike یا sit-down strike  
شیوه‌ای از اعتصاب که در آن کارگران اعتصابی در محل کار باقی می‌مانند، اغلب به عنوان راهی برای جلوگیری از ادامه استفاده از تسهیلات و امکانات کارخانه یا محل کار توسط اعتصاب‌شکنان یا دیگران -م
- ۹- شیوه‌ای که در آن معترضین زمین یا تأسیساتی را که انتظار دارند مالکیت آن پس از پیروزی در مبارزه به آنها منتقل شود، اشغال می‌کنند -م
- ۱۰- تلاشی هدفمند برای زندانی شدن توسط پلیس یا سربیزی از دستورات آنها به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و بدون خشونت. این شیوه قدرت پلیس را تحلیل برده و نشان می‌دهد که معترضین از زندانی شدن و متهم شدن هراسی ندارند. این شیوه بیش از همه در جریان جنبش حقوق مدنی آمریکا در دهه ۶۰ از سوی سیاه پوستان انجام گردید -م

برخی ممکن است وسوسه شوند لیست شارپ را به عنوان «فهرست [بی کم و کاست]» مقاومت مدنی در نظر بگیرند. اما در واقع خود شارپ نیز تردید داشت که تنها ۱۹۸ روش وجود داشته باشد. تعداد روش‌هایی که در ۱۹۷۳ و در زمان انتشار کتابش انتخاب کرد، اختیاری بود و پس از آن نیز شمارش را متوقف کرد. چرا؟ ماری الیزابت کینگ<sup>۱</sup>، محقق و از فعالان مقاومت بدون خشونت می‌گوید: «او به من گفت متوجه این شده است که هر مبارزه بدون خشونت [در دنیای بیرون] ممکن است تاکتیک غیرخشونت‌آمیز جدید خود را ابداع کند.» [۱۰] برخی از محققین آشنا به فناوری‌های روز، فهرست شارپ را بروز کرده‌اند تا تاکتیک‌هایی را شامل شود که از طریق تلفن‌های همراه، پلتفرم‌های دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی و حتی پهپادها می‌توان به اجرا گذاشت. با اینحال افرادی که درگیر جنبش‌ها هستند یا در مورد آنها تحقیق می‌کنند، وقت کافی برای ردیابی و دسته‌بندی تمام نوآوری‌های تاکتیکی که هر روز در سراسر جهان رخ می‌دهد را نداشته‌اند.

تحلیل‌های شارپ برخی از انواع فعالیت‌های سیاسی را که عموماً تکنیک‌های مقاومت مدنی محسوب نمی‌شوند، کنار گذاشته است: مذاکره، حل اختلاف و سازماندهی جامعه. مذاکره و حل اختلاف شامل روش‌هایی است که یک کارزار مقاومت مدنی می‌تواند از آن طریق با مخالفان خود به چانه‌زنی و سازش پرداخته و درعین حال درگیری‌هایی را نیز که در درون جنبش ایجاد می‌شود، حل و فصل کند. «سازماندهی جامعه»<sup>۲</sup> به همکاری با مردم برای تشویق آنها برای تلاش در راستای رفع دغدغه‌هایشان، کسب حقوق و منافع خود، قدرت بخشیدن به آنها برای ایجاد تغییرات

---

<sup>۱</sup> . Mary Elizabeth King

<sup>۲</sup> . Community organizing

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۸۰

درازمدت و شاید روزی پیوستن به یک جنبش یا رهبری آن اشاره دارد. این تلاش‌های مهم گرچه غالباً مکمل مقاومت مدنی هستند، اما این شیوه از مقاومت به بسیج فعالانه و رویارویی مستقیم با دشمن اشاره دارد و [نه اقداماتی نظیر مذاکره و حل اختلاف].

جدول ۱-۲ دسته‌بندی اقدامات غیرخشونت‌آمیز

| اقدامات ترک فعل   | اقدامات ارتكابی  |                |
|---|--|----------------|
| خاموش کردن هماهنگ چراغ‌ها،<br>ادعای «بیماری» (مرخصی استعلاجی)،<br>اعتصاب خانه نشینی، و غیره | تجمعات موقت هماهنگ شده و پراکنده؛<br>توسعهٔ تعاونی‌های کارگری؛ بایکوت سیاسی؛<br>تظاهرات خانگی؛ خروج سرمایه؛ منع<br>تجارت یا تحریم؛ مدارس و سیستم‌های<br>آموزشی موازی؛ خواندن ترانه‌های ممنوعه؛<br>مراجعه و فشار کاری بیش از حد به ادارات و<br>سیستم‌های اداری و غیره | روش‌های متفرق  |
| سکوت جمعی، اعتصاب کم‌کاری<br>ترک کار و غیره   | اعتراض نشسته یا تحصُّن، اشغال یا تصرف<br>بدون خشونت، راهپیمایی، تظاهرات،<br>گردهمایی‌های بزرگ، نشست‌های مباحثه<br>و آموزشی، اعتصاب معکوس، زندانی شدن<br>اختیاری، روگردانی و بی‌توجهی، و غیره   | روش‌های متمرکز |

- ۱- نمونهٔ اخیر و معروف آن در مصر در سال ۲۰۱۱ به وقوع افتاد و در طی آن به مبارزینی که در میدان تحریر تجمع کرده بودند، دستور داده شد که متفرق شوند. اما آنها با وجود تلاش‌های خشونت‌آمیز مبارک برای بیرون راندنشان، هفته‌ها به اشغال میدان ادامه دادند و در نهایت انقلاب مصر را به پیروزی رساندند-م
- ۲- شیوه‌ای از اعتصاب که در آن کارگران یا افراد بیکار، زمانی که نیازی به کار کردنشان نیست یا حتی منع کار شده اند، اقدام به کار می‌کنند-م

شارپ در بحث مقاومت مدنی، بین اقدامات ارتكابی<sup>۱</sup> - که در آن افراد غیرمسلم دست به کاری می‌زنند که دشمن نمی‌خواهد آنها انجام دهند - و اقدامات اجتنابی<sup>۲</sup> - که در آن افراد از انجام کاری که از آنها انتظار می‌رود، امتناع می‌کنند، تمایز قائل می‌شود. [۱۱] در نتیجه پژوهش‌های دانشمند علوم سیاسی، رابرت باروز<sup>۳</sup>، جامعه‌شناس سیاسی، کرت شک<sup>۴</sup> بین روش‌های متمرکز<sup>۵</sup> که در آن افراد در فضایی خاص دست به تجمع می‌زنند و روش‌های متفرق<sup>۶</sup> که در آن افراد از رفتن به فضایی خاص پرهیز می‌کنند، تمایز گذاشته است. ( نگاه کنید به جدول ۲-۱) [۱۲]

حال پرسش این است که یک جنبش با چه ترتیبی باید این تاکتیک‌های مختلف را به کار بگیرد؟ پاسخ کاملاً به شرایط و زمینه‌های خاص هر جنبش بستگی دارد. تاکنون هیچ کس فرمول روشن و جامعی را پیدا نکرده است که در هر مکان و هر زمانی معتبر باشد. با این حال اکثر فعالان با تجربه با این ایده موافقند که برنامه‌ریزی و تدوین جامع راهبردها پیش از شروع بسیج توده‌ای امری ایده‌آل است.

### مقاومت مدنی و اعتراض چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

اعتراض یکی از روش‌های مقاومت مدنی است - و البته لزوماً مؤثرترین نوع آن نیست. اعتراض معمولاً اقدامی نمادین است که هدف آن افزایش آگاهی عمومی از یک موضوع و در کنار آن مطالبه تغییر است. از آنجایی که اعتراضات و تظاهرات - به ویژه

---

۱. acts of commission

۲. acts of omission

۳. Robert Burrowe

۴. Kurt Schock

۵. methods of concentration

۶. methods of dispersion



تظاهرات بسیار بزرگ-می‌توانند توجهات زیادی را به خود جلب کنند، بسیاری از مردم اعتراضات را با مقاومت مدنی یکی می‌پندارند. اما یک کارزار مؤثر مقاومت مدنی معمولاً شامل بسیاری از روش‌های دیگر، فراتر از اعتراضات می‌شود؛ مانند مواردی که در جدول ۱-۱ توضیح داده شده است. تعداد کمی از کارزارهای مقاومت مدنی تنها با بهره‌گیری از اعتراضات به موفقیت رسیده‌اند [۱۳].

### هنر و موسیقی چه نقشی در مقاومت مدنی ایفا می‌کنند؟

هنرمندان و موزیسین‌ها غالباً نقش مهمی در مقاومت مدنی ایفا می‌کنند- هم از طریق مشارکت و همکاری مستقیم با جنبش و هم با مستندسازی و گرامی‌داشت حوادث و رویدادهای دوران انقلاب .

برای مثال، هنر خیابانی- که نوعی هنر تجسمی است که در مکان‌های عمومی خلق می‌شود- معمولاً در طول کارزارهای مقاومت مدنی شکوفا می‌شود. هنرمندان آماتور و حرفه‌ای آثاری مانند گرافیتی، نشانه‌گذاری<sup>۱</sup>، نقاشی‌های دیواری و خیابانی، پوسترها، برجسب‌ها، چیدمان‌های خیابانی و مجسمه‌هایی را خلق کرده و در معرض نمایش عمومی قرار می‌دهند. در سال‌های اخیر، هنرمندان جنبش‌ها، هنرهای خیابانی دیجیتال مانند هولوگرام‌ها<sup>۲</sup> و ویدئو پروجکشن‌ها را بر دیواره‌های ساختمان‌های سطح شهر بوجود آورده‌اند. هنر خیابانی به طور کلی با هنر عمومی متفاوت است، چرا که معمولاً بدون هیچ‌گونه اقدام یا حمایت رسمی و دولتی خلق شده و به نمایش درمی‌آید

<sup>۱</sup> tagging . یا نشانه‌گذاری مشخصاً به نوشتن امضای هنرمند (یا نام مستعار یا لوگوی او) روی یک سطح عمومی نظیر دیوار، خودرو و غیره به صورت غیرقانونی اشاره دارد. به نوشته مورد نظر Tag یا نشانه/علامت و به هنرمندی که این کار را انجام می‌دهد Tagger یا نشانه‌گذار می‌گویند. نشانه‌گذاری اصلی‌ترین و ساده‌ترین شکل گرافیتی و نیز رایج‌ترین نوع آن است که در شهرهای سراسر جهان می‌توان نمونه‌های آن را سراغ گرفت-م.

<sup>۲</sup> . عکس یا تصاویر سه بعدی، تصاویر برجسته نما-م.

و تعمداً کانال‌ها اصلی و قانونی بیانگری عمومی را دور زده و یا تضعیف می‌کند. هنر خیابانی غالباً پیام‌های صریح اجتماعی یا سیاسی را به گونه‌ای بیان می‌کند که هنجارشکنانه و عصیان‌آمیز به نظر برسد.

با این تفاسیر هنر خیابانی می‌تواند ادعاهای یک جنبش، مشروعیت آن و ناتوانی دشمنانش در ساکت کردن مخالفت‌ها را به شکلی قدرتمند نشان دهد. شعارها، نمادها و اجراهای خیابانی که توسط افراد مبتلا به ایدز و اچ‌آی‌وی در دهه ۱۹۸۰ به نمایش درمی‌آمد، نمونه‌ای از این موارد است. فعالین مبتلا از بنرهای خیابانی استفاده می‌کردند و شعار «سکوت=مرگ»<sup>۱</sup> را رواج دادند. آنها مثلث صورتی را که برای تعیین مردان همجنس‌گرا در اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها استفاده می‌شد، دوباره به کار گرفتند و لباس‌های منقوش به این مثلث را به عنوان نمادی از مبارزه خود علیه همجنس‌گراهراسی و بی‌عملی دولت در زمینه تحقیقات و درمان ایدز و اچ‌آی‌وی به تن کردند. فعالان مرتبط با گروه اکت آپ<sup>۲</sup> تاکتیک‌های هنری چریکی متعددی را نیز اتخاذ کردند و از جمله در سپتامبر ۱۹۹۱ و در اعتراض به انگ‌زدن سناتور جمهوری خواه، جسی هلمز<sup>۳</sup> به افراد مبتلا به ایدز، محل اقامت ویرا در یک کاندوم گول‌پیکر ۱۵ فوتی پوشاندند. هنر خیابانی در کارزارهای ضد استبدادی نیز به نحو برجسته‌ای آشکار شده است. در جریان انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱، هنرمندان مصری از گرافیتی برای انتشار شعارهایی

---

۱. Silence = Death

۲. ائت‌حاد ایدزی‌ها برای آزادسازی قدرت (ACT UP) AIDS Coalition to Unleash Power یک گروه سیاسی بین‌المللی و مردمی است که برای پایان دادن به همه‌گیری ایدز در جهان فعالیت می‌کند. این گروه که در ۱۹۸۷ در نیویورک تشکیل شد هدف خود را بهبود زندگی افراد مبتلا به ایدز از طریق اقدام مستقیم، تحقیقات پزشکی، درمان و حمایت و تلاش برای تغییر قوانین و سیاست‌های عمومی گذاشته است-م.

۳. Jesse Helm

در راستای کناره‌گیری رئیس‌جمهور حسنی مبارک از قدرت استفاده کردند. برخی از هنرمندان پا را از دیوارنویسی نیز فراتر گذاشته و از بدن خود به عنوان بوم استفاده کردند. یکی از تظاهرکنندگان در میدان تحریر روی سینه‌اش نوشت: «مبارک] برو، دلم برای همسرم تنگ شده است». بسیاری از هنرمندان خیابانی از نام‌های مستعار<sup>۱</sup> استفاده می‌کردند تا شناسایی نشوند. در موقعیت‌هایی که تشخیص هویت فرد در انظار عمومی خطرناک است، هنر خیابانی می‌تواند راهی مفید برای ناشناس‌سازی جنبش مقاومت باشد. همانطور که هنرمند انگلیسی با نام مستعار بنکسی<sup>۲</sup> گفته است: «گرافیتی یکی از معدود ابزارهایی است که زمانی که تقریباً هیچ چیز دیگری برایتان باقی نمانده است، می‌توانید روی آن حساب کنید.»

گاهی حتی نقاشی گرافیتی یا نوشتن شعارهایی در نقد رژیم، آن هم به صورت ناشناس می‌تواند فوق‌العاده خطرناک باشد. در مارس ۲۰۱۱ در درعا، سوریه، گروهی از پسران نوجوان روی یکی از دیوارهای شهر نوشتند، «مردم خواهان سقوط رژیمند». آنها از موج اخیر قیام‌ها در تونس، مصر و لیبی انگیزه پیدا کرده بودند. در پاسخ، سرویس‌های امنیتی بی‌رحم رئیس‌جمهور بشار اسد پانزده تن از این پسران را دستگیر و شکنجه کردند و نوجوانی سیزده‌ساله را از میان آنها به قتل رساندند. عمل هنجارشکنانه نوجوانان - و واکنش افراطی و وحشتناک دولت به آن - را غالباً اولین جرقه شعله‌ور شدن قیام در سوریه می‌دانند که منجر به وقوع جنگ داخلی نه ساله‌ای در کشور شد<sup>۳</sup> و درعا را به «مهد انقلاب»<sup>۴</sup> معروف کرد.

۱. noms de plume

۲. Banksy

۳. تا زمان چاپ کتاب، اکنون می‌دانیم که این جنگ بیش از ۱۲ سال به طول انجامیده است - م.

۴. cradle of the revolution

برخی از هنرمندان خیابانی آثاری خلق می‌کنند که در طول انقلاب و پس از آن، روح و حال و هوای یک جنبش را به تصویر می‌کشند. به عنوان مثال در طول جنگ سرد، اتحاد جماهیر شوروی دیوار برلین را بین آلمان شرقی و آلمان غربی برپا کرد. هنرمندان خیابانی در طول این دوره این دیوار بتنی چند ده کیلومتری را با نقاشی‌های گرافیتی خود پوشاندند. پس از فروریختن دیوار برلین، دیمتری وروبل<sup>۱</sup> هنرمند، در یکی از مشهورترین نقاشی‌های دیواری تصویرکننده دوران جنگ سرد، تصویری بسیار بزرگ از لئونید برژنف<sup>۲</sup>، دبیرکل اتحاد جماهیر شوروی را در حال بوسیدن اریش هونکر<sup>۳</sup>، دبیر کل حزب سوسیالیست آلمان شرقی از ۱۹۷۱ تا اکتبر ۱۹۸۹، بر یکی از دیوارهای برلین نقاشی کرد. این دو مرد در ۱۹۷۹ و در جشن سالگرد تأسیس آلمان شرقی در ۱۹۴۹ توسط اتحاد جماهیر شوروی با نام جمهوری دموکراتیک آلمان، یکدیگر را بوسیدند. وروبل این نقاشی دیواری را در ضلع شرقی دیوار برلین در سال ۱۹۹۰ کشید و زیر آن به آلمانی و روسی نوشت: «خدای من، کمک کن تا از این عشق مرگبار جان سالم به در ببرم.»

در می ۲۰۱۶، دو هنرمند با نام‌های دومنیکاس چچکاوسکاس<sup>۴</sup> و مینداگاس بونانو<sup>۵</sup> نقاشی دیواری مشابهی را در ویلنیوس، پایتخت لیتوانی کشیدند - که این بار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را در حال بوسیدن دونالد ترامپ، نامزد آن زمان ریاست جمهوری آمریکا نشان می‌داد و زیر آن نوشته شده بود: «همه چیز را دوباره عالی کنید.»

---

<sup>۱</sup> . Dmitri Vrubel

<sup>۲</sup> . Leonid Brezhnev

<sup>۳</sup> . Erich Honecker

<sup>۴</sup> . Dominykas Ceč kauskas

<sup>۵</sup> . Mindaugas Bonanu

در اثر شاخص دیگری از هنر خیابانی، بنکسی قطعات هنری متعددی را روی دیوار بتنی که دولت اسرائیل بین اورشلیم و کرانه باختری ساخته بود با اسپری رنگ و شابلون نقاشی کرد. تمامی این آثار دیوارکشی‌ها و اشغال نظامی سرزمین‌های فلسطینی از سوی اسرائیل را به چالش می‌کشیدند. گرافیتی به یادماندنی او در سال ۲۰۰۳ به نام عشق در هواست (پرتاب گرگل)<sup>۱</sup> مبارزی نقابدار را به تصویر می‌کشد که در حال آماده شدن برای پرتاب دسته‌ای از گل‌های رنگارنگ به سمت دشمن نادیدنی خود است. هدف از این تصویر جایگزین کردن تصویر مرسوم و کلیشه‌ای دولت اسرائیل از فعالان فلسطینی به عنوان آشوبگرانی است که [دائماً] کوکتل مولوتف پرتاب می‌کنند. او در مقابل، این مخالفان را به شکلی زیبا و به عنوان افرادی شجاع و متهوّر به تصویر کشید.

غالباً تئاترهای خیابانی را نیز که ارتباط نزدیکی با هنرخیابانی دارند، در طول کمپین‌های مقاومت مدنی می‌بینیم. به عنوان مثال، در میدان تحریر در جریان انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱، معترضان برخورد [خشونت بار] پلیس، حسنی مبارک و دیگر مقامات رژیم با مردم را، به شیوه‌ای به دور از خشونت به روی صحنه بردند. در سال ۲۰۰۰ در صربستان، جنبش اوتپور - که هدفش برکناری میلوشوویچ از قدرت بود - مراسم تشییع جنازه‌ای [نمادین] برگزار کرد که مرگ دموکراسی در صربستان را به تصویر می‌کشید. در سوریه در نوامبر ۲۰۱۲، چهار زن در اقدامی کم‌نظیر در سوق اصلی یا بازار روباز دمشق به جنگ در کشورشان اعتراض کردند؛ آنها با پوشیدن لباس عروس، «عروس سوریه»<sup>۲</sup> را نشان می‌دادند که با قتل و کشتار مخالفت می‌کرد. این زنان پیش از اینکه توسط نیروهای امنیتی دستگیر شوند، به مدت پانزده دقیقه در بازار راهپیمایی کردند و

<sup>۱</sup> . Love Is in the Air (Flower Thrower)

<sup>۲</sup> . Brides of Syria

آهنگ‌های عروسی را به آواز خواندند و همزمان تابلوهایی در دست داشتند که از هموطنان خود می‌خواستند از کشتن یکدیگر دست بردارند. یکی از این چهار نفر، لوبنا زائور<sup>۱</sup>، به نیویورک تایمز گفت: «منظره عجیبی بود، عروس‌ها در ماشین پلیس» [۱۴] او و خواهرش بازداشت شدند، کتک خوردند و بعد از دو ماه آزاد شدند. صاحبخانه‌های‌شان آنها را بیرون کردند، پدرشان کار خود را از دست داد و خانواده آنها به جنوب ترکیه گریخت. با این حال این اقدام نافرمانی آنها روی اعصاب دولت رفته بود. دعوت به انقلاب مسالمت‌آمیز، آنهم در زمانی که نیروهای دولتی در حال سازماندهی بازداشت‌های دسته‌جمعی هستند و مخالفان شروع به مسلح کردن خود برای جنگ داخلی کرده‌اند، اقدامی واقعاً خطرناک است.

علاوه بر این در دوران انقلاب بسیاری از مردم از خلاقیت خود برای مستندسازی، ثبت و تبلیغ عناصر و مؤلفه‌های مختلف فرآیندهای انقلابی استفاده می‌کنند. همانطور که عمّار ابوبکر آدیوانگار مصری می‌گوید: «کاری که ما در سال‌های اخیر در مصر انجام دادیم، تنها ارائه هنر نبود، حداقل برای من اینطور نبود: ما از دیوارها به عنوان روزنامه استفاده می‌کردیم. ما این کار را از سر یک نیاز یاد گرفتیم: با سم یوسف<sup>۲</sup> مجری و طنزپرداز تلویزیونی، در واقع یک پزشک بود، اما در ادامه یاد گرفت که چطور از یوتیوب استفاده کند. مصعب الشامی<sup>۳</sup> رصد در رشته پزشکی تحصیل می‌کرد، اما یک روز دوربین خود را برداشت و به خیابان‌ها رفت. من خودم استادیار هنرهای زیبا بودم. اما دانشگاه را رها کردم تا بر روی دیوارهای شهر از انقلاب گزارش بدهم» [۱۵].»

---

<sup>۱</sup> . Lubna Zaour

<sup>۲</sup> . Ammar Abo Bakr

<sup>۳</sup> . Bassem Youssef

<sup>۴</sup> . Mosab El-Shamy Rassd

آهنگسازها نیز قطعات خاطره‌انگیزی نوشته‌اند تا از این طریق داستان‌ها و روایت‌هایی را پیرامون مبارزات جاری بیان کنند و اغلب ریشهٔ آهنگ‌های خود را در سنت‌های مردمی کشورشان جستجو کرده‌اند تا از این طریق بتوانند وحدت و کیفیت مدنی مبارزات را منتقل کنند. برخی از ماندگارترین آهنگ‌های راک کلاسیک و اجراهای موسیقی فولک در ایالات متحده - از جوآن بائز گرفته تا باب دیلن<sup>۲</sup> و نیل یانگ<sup>۳</sup> - در اعتراض به امپریالیسم و جنگ‌های تحت‌رهبری ایالات متحده پدید آمده‌اند. ماری الیزابت کینگ، کنشگر و دانشمند سیاسی آمریکایی می‌نویسد که در جریان جنبش حقوق مدنی در ایالات متحده، آهنگ‌هایی مانند «ما پیروز خواهیم شد»<sup>۴</sup> شجاعت مردم را افزایش داد، تعهد آنها به اهداف جنبش را اعلام کرد،

---

<sup>۱</sup> Joan Baez . خواننده و ترانه‌نویس اسطوره‌ای موسیقی فولک آمریکایی که به صدای گیرا و بیان بی‌پردهٔ عقاید سیاسی و اظهارات انسان‌دوستانه‌اش معروف است. وی از مخالفان حکومت شاه در ایران، جنگ آمریکا در ویتنام، و از حامیان سرسخت حقوق بشر، حقوق همجنسگرایان و کنش بدون خشونت است. دو قطعهٔ وی با نام‌های «ما پیروز خواهیم شد» و «جو هیل» از محبوب‌ترین ترانه‌های اعتراضی محسوب می‌شوند-م.

<sup>۲</sup> Bob Dylan . ترانه‌سرا، خواننده و هنرمند آمریکایی سبک‌های فولک، بلوز، راک و جاز که بسیاری او را یکی از بزرگترین ترانه‌سرایان تمام دورانها برشمرده‌اند. وی که یکی از چهره‌های نمادین فرهنگ عامه محسوب می‌شود در طول دوران فعالیتش ترانه‌هایی را سرود و اجرا کرد که به سرودهای اصلی جنبش حقوق مدنی و ضدجنگ در آمریکا تبدیل شد. آکادمی نوبل در سال ۲۰۱۶ نوبل ادبیات را به این هنرمند اعطا کرد که البته با بی‌تفاوتی مطلق باب دیلن روبرو شد-م.

<sup>۳</sup> Neil Young . خواننده، ترانه‌سرا، و موزیسین سبک راک کانادایی که یکی از اسطوره‌های این سبک موسیقی محسوب شده و چندین جایزه گرمی را نصیب خود کرده است و نام وی در تالار مشاهیر راک اند رول ثبت شده است-م.

<sup>۴</sup> . یکی از آهنگ‌های شاخص و نمادینی که در جریان جنبش حقوق مدنی در آمریکا محبوب بود و از سرودی با نام «من روزی پیروز خواهم شد»، از چارلز آرت تیندلی، آهنگساز آمریکایی موسیقی‌های مذهبی برگرفته شده است. یکی از شاخص‌ترین خوانندگانی که ما پیروز خواهیم شد را خوانده است، آهنگساز و خوانندهٔ معروف سبک فولک آمریکایی، جوآن بائز است-م.

شرکت کنندگان را متحد نمود و دشمنان خاصی مانند رؤسای پلیس را هدف حملات خود قرار داد:

این قطعات آزادی که شکلی از موسیقی مذهبی بود، برگرفته از سنت هم‌سرایی سیاه‌پوستان و شکل‌گرفته از تجربیات آفریقایی‌ها و آمریکایی‌ها بود و در آتش برده‌داری جنوب به بلوغ رسیده و آبدیده شده بود. این آهنگ‌ها به ناامیدی‌ها می‌پرداختند، پیوندهای وفاداری شخصی را محکم می‌کردند، ترس و وحشت را کم می‌کردند و به مردمی که زیر فشار روانی بودند نیرو می‌بخشیدند. سنت نیرومند آهنگسازی در حین اجرا که در پاسخ به نیازهای موجود شکل گرفته بود، به این معنی بود که عبارات جدیدی می‌توانست به آهنگ اضافه شوند یا یک بند آن تغییر کند تا به موضوعی خاص مثلاً تصمیم‌گیری برای رفتن به زندان در روز بعد پرداخته شود. آهنگ‌های پیشرو به ابزار سازماندهی تبدیل شده بودند.[۱۶]

در دههٔ ۱۹۶۰ هنرمندان سبک سول<sup>۱</sup> مانند نینا سیمون<sup>۲</sup>، سم کوک<sup>۳</sup> و آرتا فرانکلین<sup>۴</sup> آهنگ‌هایی با محوریت آزادی سیاهان را اجرا کرده و بر محبوبیت این قطعات افزودند. در اواخر دههٔ ۱۹۷۰ و اوایل دههٔ ۱۹۸۰، سبک رپ و هیپ‌هاپ از مهمانی‌ها و جشن‌های خیابانی در برانکس<sup>۵</sup> سر بر آوردند، جایی که هنرمندان و رقصندگان

---

۱. سبکی از موسیقی مذهبی سیاه‌پوستان در تلفیق با سبک ریتم اند بلوز-م.

۲. Nina Simone

۳. Sam Cooke

۴. Aretha Franklin

۵. Bronx. از محله‌های فرودست نیویورک که در شمالی‌ترین بخش این شهر و بالای محلهٔ منهتن قرار دارد-م.



سیاه‌پوست تأثیر و تأثرات و برداشت‌های خود از سبک سول، آراند بی یا همان ریتم و بلوز و فرهنگ کارائیبی را درهم آمیختند تا از این طریق بتوانند استقلال سیاسی و مقاومت فرهنگی خود را از طریق ترانه‌های جسورانه و ضرب‌های مردمی بیان کنند. بسیاری از هنرمندان سبک‌های هیپ‌هاپ، آراند بی و سول سیاه‌پوست معاصر نظیر پابلیک انمی<sup>۱</sup>، کندریک لامار<sup>۲</sup>، بیانسه<sup>۳</sup> و ژانل مونی<sup>۴</sup> همچنان به ترویج و اشاعه موسیقی با محوریت آزادی سیاهان از طریق روش‌هایی که بتواند حس همبستگی، مقاومت و الهام را در بین شنوندگان برانگیزد، ادامه می‌دهند.

انقلاب استونی برای استقلال از اتحاد جماهیر شوروی را اصطلاحاً انقلاب آواز<sup>۵</sup> نامیده‌اند. در جریان قیام بالتیک علیه سلطه شوروی در سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۹۱، دو میلیون نفر از جمعیت استونی دستان یگدیگر را گرفتند و زنجیره‌ای انسانی تشکیل دادند و آهنگ‌های سنتی خود را به آواز خواندند و از این طریق حس وحدت ملی خود را باز یافتند. در قیام ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ مالی علیه دیکتاتوری ترائوره<sup>۶</sup> گروهی سنتی که مالیایی‌ها نام «ترانه‌سرایان»<sup>۷</sup> را بر آنها گذاشته بودند، روستا به روستا سفر می‌کردند و اخبار اعتراض‌های جاری را به مردم منتقل می‌کردند. از آنجایی که تعداد زیادی از مردم مالی قادر به خواندن نبودند، تاریخ شفاهی - به ویژه آن بخش‌هایی که توسط موسیقی

<sup>۱</sup> . Public Enemy,

<sup>۲</sup> . Kendrick Lamar

<sup>۳</sup> . Beyoncé

<sup>۴</sup> . Janelle Monáe

<sup>۵</sup> . Singing Revolution

<sup>۶</sup> . Moussa Traoré

<sup>۷</sup> . songsayers

محلی منتقل می‌شد - روشی قدرتمند برای انتقال خواسته‌های حزب اتحاد برای دموکراسی در مالی<sup>۱</sup> در مبارزه علیه دیکتاتوری این کشور بود.

اجرای زنده موسیقی می‌تواند فضای گردهمایی مناسبی را فراهم کند که از آن طریق جنبش‌ها قادر هستند افراد را جذب کرده و دست به بسیج مردمی بزنند. در صربستان در شب سال نو ۱۹۹۹، فعالان دانشجویی کنسرت راکی را در بلگراد ترتیب دادند. در نگاه اول ممکن است این عمل انقلابی به نظر نرسد. اما در عمل این کنسرت نمایش نادری از نافرمانی و مخالفت در دولتی تک حزبی بود که موسیقی راک را به دلیل گرایش‌های نهفته انقلابی و عصیانگرانه‌اش منع کرده بود. تنها چند ماه پیش، شبه‌نظامیان اسلوبودان میلوشویچ، دیکتاتور صرب، آلبانیایی‌های کوزوو را قتل عام کرده بودند - و در پاسخ، ناتو بلگراد را بمباران کرده بود. هزاران نفر در این کنسرت شرکت کردند، و در آن نوازندگان راک و کم‌دین‌ها رژیم میلوشویچ را به تمسخر گرفتند و از مردم خواستند تا حمایت خود را از سیاستمداران مخالف علنی کنند. با نزدیک شدن ساعت به نیمه شب، برگزارکنندگان حال و هوای جشن را به منظور نمایش تصاویر و خواندن اسامی سربازان صرب کشته‌شده در طول جنگ‌های بالکان آرام کردند - و علناً میلوشویچ و رژیم او را به دلیل عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در قبال این کشته‌شدگان نکوهش کردند. سرجا پوپویچ<sup>۲</sup>، رهبر دانشجویان توضیح داد که هدف از آن شب این بود که به مردم گفته شود «به خانه بروید و فکر کنید چه کار کنیم تا سال نوی ارتدکس بعدی دلیلی برای جشن گرفتن داشته باشیم... امسال سالی است که زندگی بالاخره باید در صربستان پیروز شود» [۱۷].

---

<sup>۱</sup> . Alliance for Democracy in Mali (ADEMA)

<sup>۲</sup> . Srdja Popovic

آوازخواندن همچنین می‌تواند ترس را در میان معترضان، رهگذران یا کارگران اعتصابی که می‌ترسند مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گیرند یا بعداً با اقدامات تلافی‌جویانه حکومت مواجه شوند، کاهش دهد. به عنوان مثال، در انقلاب اکتبر لبنان<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۹، در میان آهنگ‌ها و سرودهای فراوانی که اجرا می‌شد، آهنگی با عنوان «بچه کوسه»<sup>۲</sup> به شکلی خودجوش از سوی تظاهرکنندگان برای آرامش نوزادی پانزده‌ماهه و مادرش که به دلیل تجمع گسترده مردمی در ترافیک گیر کرده بودند، خوانده شد.

و البته بسیاری از آثار هنرمندان نیز یادآور انقلاب‌هایی ست که در راه رسیدن به اهدافشان ناکام مانده‌اند. برای مثال، لیلیا سلیمان<sup>۳</sup>، هنرمند آوانگارد مصری، نمایش‌هایی را دربارهٔ قیام ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر خلق و کارگردانی کرد و به مدت هجده روز در میدان تحریر به روی صحنه برد. این نمایش‌ها سازماندهی انقلابی فمینیستی قیام ۲۰۱۱، ائتلاف اتحاد بی‌سابقه مردمی و رای مرزهای اجتماعی و حبس و شکنجه مخالفان توسط رژیم نظامی پس از آن را به تصویر می‌کشید. نمایش موزیکال ما در قاهره زندگی می‌کنیم<sup>۴</sup> که به سفارش تئاتر هنر رپرتوری<sup>۵</sup> در کمبریج ماساچوست تولید شده بود نیز به طور مشابهی امیدهای بربادرفته انقلابیون جوان مصر را به تصویر می‌کشید. در این اثر، نمایشنامه‌نویسان، دانیل و پاتریک لازور<sup>۶</sup> به بررسی هنر خیابانی در میدان

---

<sup>۱</sup> . Lebanon's October Revolution

<sup>۲</sup> . Baby Shark

<sup>۳</sup> . Laila Soliman

<sup>۴</sup> . We Live in Cairo,

<sup>۵</sup> . Art Repertory Theater

<sup>۶</sup> . Daniel and Patrick Lazour

تحریر می‌پردازند و شعارها، پوسترها، بنرها و رسانه‌های جمعی آن را بر بوم نقاشی نمایش می‌دهند و ترانه‌هایی را درباره انقلاب و ضدانقلاب اجرا می‌کنند. البته موسیقی و هنر می‌توانند به عنوان ابزار وفاداری و ستایش رهبران خودکامه نیز نقش پررنگی داشته باشند. موسیقی ملی‌گرایانه، شعر و تک‌چهره‌نگاری‌ها اغلب به شدت در برانگیختن احساسات وفاداری به نخبگان حاکم نقش دارند. به عنوان مثال نومی دیو<sup>۱</sup> موسیقی‌شناس، می‌نویسد که چگونه نوازندگان و هنرمندان در گینه از نوشتن آهنگ‌های ستایش‌آمیز برای دیکتاتور سِکو توره<sup>۲</sup>، حتی پس از مرگ وی مشعوف می‌شدند. [۱۸] بنابراین هنر و موسیقی نیز نظیر هر تکنیک دیگری می‌توانند هم در مخالفت و هم در وفاداری به نظام نقش داشته باشند.

به دلیل قدرت فرهنگی بیان حقیقت از طریق موسیقی، ادبیات و هنرهای تجسمی، اکثر رژیم‌های اقتدارگرا، درست مانند روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران، بر شخصیت‌های فرهنگی نیز نظارت می‌کنند و آثار خلق‌شده آنها را زیر تیغ سانسور می‌برند. مثلاً در یکی از کشورهای خاورمیانه، رهبر این کشور اشعار و کتاب‌های مستقل را ممنوع کرده و هنرمندان را به زندان می‌اندازد و مدعی است که: «شعر باید پیشرو کاروان انقلاب باشد» [۱۹].»

البته کمتر کسی انتظار دارد که هنر خیابانی، هنر دگراندیش و یا آهنگ‌های اعتراضی به تنهایی بتوانند تغییری ایجاد کنند. اما این قبیل هنرها و آثار هنری می‌توانند مخزنی مشترک از شناخت و معرفت ایجاد کرده و روایت‌های مخالف و هنجارشکنانه را تقویت کنند و اقدامات سایر کنشگران را تکمیل نموده و به آنها جسارت ببخشند.

---

<sup>۱</sup> . Nomi Dave

<sup>۲</sup> . Sékou Touré

اغلب از هاوارد زین<sup>۱</sup> موّخ چپ‌گرای آمریکایی نقل می‌شود که می‌گوید: «آنها اسلحه دارند، ما شاعران را، بنابراین این ماییم که پیروز خواهیم شد».

### نقش طنز در مقاومت مدنی چیست؟

یکی از راه‌های نشان دادن اینکه دشمن نمی‌تواند همیشه همه مردم را کنترل کند، شوخی کردن و دست انداختن آن است. جانجیرا شومباتی پیونشیری<sup>۲</sup>، دانشمند علوم سیاسی، در کتاب طنز و مبارزه بدون خشونت در صربستان<sup>۳</sup> استدلال می‌کند که طنز می‌تواند کارکردهای بسیار خاصی را در براه انداختن مبارزت بدون خشونت ایفا کند.<sup>[۲۰]</sup>

اول اینکه طنز- به ویژه هجو و نقیضه‌گویی<sup>۴</sup> - می‌تواند پروپاگاندا ی رژیم‌ها را با تضعیف هدف اصلی آن و ایجاد شوخی و شفافیت در مورد حقیقت مستقیماً به چالش بکشد. دیدگاه اساسی واسلاو هاوول، متفکر، فعال سیاسی و در نهایت رئیس‌جمهور چک در مورد خلق قدرت از پایین، ضرورت «زندگی در حقیقت» است که به معنای امتناع از تسلیم شدن در برابر روایت‌های نادرست و حق به جانب دشمن از رویدادهاست<sup>[۲۱]</sup>.

دوم اینکه شوخ طبعی و طنز می‌تواند با خود نشاط، شادی و حال و هوای کارناوالی را به موقعیتی خصومت‌آمیز، ترسناک یا خطرناک بیاورد. این تغییر در حالات و احساسات به ویژه زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که رژیم شروع به استفاده از زور علیه

---

<sup>۱</sup> . Howard Zinn

<sup>۲</sup> . Janjira Sombatpoonsiri

<sup>۳</sup> . Humor and Nonviolent Struggle in Serbia

<sup>۴</sup> parody . نقیضه‌گویی یا تقلید مضحک به تقلید و بزرگنمایی طنزآلود سبک یا اثر فردی مشهور گفته می‌شود-م.

مخالفتان کرده باشد. رویدادهای شاد و همراه با جشن و سرور می‌تواند انبوه مردمی را که به دنبال پناه‌بردن از روزمرگی، ناامیدی و خیانت هستند به خود جذب کند. برای مثال در جریان تظاهرات علیه بشار اسد، دیکتاتور سوریه در سپتامبر ۲۰۱۱، فغان غیرمسلح وسایل آتش‌بازی و دوربین‌های فیلمبرداری خود را برای مقابله با نیروهای امنیتی مسلح به تانک و خمپاره به خیابان‌ها آوردند. این دوربین‌ها فاصله پوچ بین نمایش قدرت نظامیان و تمسخر آنها از سوی معترضان که وسایل آتش‌بازی را به سوی آسمان شلیک می‌کردند، ضبط می‌کردند - و واکنش نامتناسب و افراطی دولت سوریه به قیام شهروندان غیرمسلح را با قدرت هر چه بیشتری نشان می‌دادند.

سوم اینکه اقدامات طنزآمیز اغلب به افراد اجازه می‌دهد تا راه‌های جدیدی را برای به چالش کشیدن وضعیت موجود تصور کنند. در واقع طنز آنقدر تهدیدکننده است که می‌تواند [برای فرد طنزپرداز] مرگبار باشد. در نظام‌های توتالیتر گفتن لطیفه‌هایی که حاوی انتقادی از صاحبان قدرت باشد جرم بزرگی محسوب می‌شود. این بدان دلیل است که توتالیترایسم مبتنی بر کنترل کامل روایت اجتماعی و تاریخی، آنچه «حقیقت» تلقی می‌شود و نیز جریان گسترده‌تر اطلاعات است. در اتحاد جماهیر شوروی استالینی، صدها نفر به دلیل گفتن جوک‌هایی که رژیم را به تمسخر می‌گرفتند، محکوم شده و به گولاگ‌ها<sup>۱</sup> فرستاده می‌شدند و یا اعدام می‌گشتند. بین سال‌های ۱۹۴۲ و ۱۹۴۴،

---

۱. اداره کل اردوگاه‌های کار و اصلاح یا مخفف گولاگ، نام نهادی بود که اردوگاه‌های کار اجباری در نواحی دور افتاده اتحاد جماهیر شوروی از قبیل مناطق سراسیر و یخبندان سیبری و استپ‌های قزاقستان، بیابان‌های ترکمنستان را در زمان حکومت ژوزف استالین اداره می‌کرد. تخمین زده شده است که از سال ۱۹۲۹ میلادی تا ۱۹۵۳، بین ۱۴ تا ۲۰ میلیون نفر از ساکنان شوروی که به عنوان محکومین عادی یا سیاسی شناخته شده بودند، در این اردوگاه‌ها به سر می‌بردند-م.

دادگاه مردمی برلین<sup>۱</sup>، ۴۹۳۳ حکم اعدام برای افرادی که «جوک‌هایی با دیدگاه‌های شکست‌باور» علیه حزب نازی می‌گفتند، صادر کرد. در سال ۱۹۴۴ یکی از کارگران کارخانه مهمات برلین به نام ماریان الیزکی<sup>۲</sup> به دلیل تضعیف تلاش‌های جنگی «از طریق اظهارات کینه‌توزانه» اعدام شد. جرم او چه بود؟ گفتن این لطیفه برای همکارانش در کارخانه مهمات‌سازی:

هیتلر و گورینگ<sup>۳</sup> بالای برج رادیویی برلین ایستاده‌اند. هیتلر می‌گوید می‌خواهد کاری کند تا مردم برلین شاد شوند. گورینگ پیشنهاد می‌کند «چرا فقط نمی‌پری؟» [۲۲] یکی از همکارانی که این جوک را شنیده بود، آن را به مقامات محلی گزارش داد و منجر به اعدام ماریان الیز شد.

علی‌رغم تلاش‌هایی از این دست برای کنترل کامل جامعه، شوخی‌هایی که مقامات نازی و رژیم استالین را مورد هجو قرار می‌دادند در آن دوره‌ها رواج داشت. این مطایبات معمولاً به عنوان راهی برای خالی کردن عصبانیت افراد و در میخانه‌ها و در میان دوستان و افراد مورد اعتماد بیان می‌شد و لزوماً هدفش مقاومت فعالانه نبود. فراگیر شدن انتقاد و طنز حتی در رژیم‌های توتالیتر نشان می‌دهد که هیچ نظامی هرگز نمی‌تواند به کنترل کامل بر همه مردم [و شئون زندگی آنها] دست یابد. و هنگامی که بسیاری از مردم شروع به گفتن جوکها و هجو رژیم می‌کنند، تا لحظه‌ای که به این باور می‌رسند امپراتور لباسی بر تن ندارد، فاصله زیادی وجود ندارد. این امر به طنز و شوخی،

---

<sup>۱</sup> . People's Court of Berlin

<sup>۲</sup> . Marianne Elise K.

<sup>۳</sup> Hermann Wilhelm Göring . نظامی و سیاست‌مدار آلمانی دوره رایش سوم و از اعضای قدرتمند و پرنفوذ

به ویژه در نظام‌های سرکوبگر و ویژگی براندازانه و هنجارشکنانه‌ای می‌دهد. همانطور که خالد کیشستانی<sup>۱</sup> نویسنده عراقی می‌نویسد:

شوخ طبعی بیش از همه در تاریخ‌ترین ساعات یک ملت مورد نیاز است، چرا که در چنین مواقعی ست که مردم رفته رفته ایمان به خود را از دست می‌دهند، تسلیم ناامیدی می‌شوند و به مرداب اندوه و افسردگی فرو می‌غلطند. در این لحظات زندگی بی‌معنی به نظر می‌رسد و وطن همانند تار عنکبوت است. مردم ارتباط خود با همشهریان‌شان را از دست می‌دهند و در نهایت بی‌کسی و تنهایی خود را می‌پذیرند و اراده برای مقاومت و ایستادن در کنار یکدیگر از بین می‌رود. شوخ طبعی بهترین درمان برای چنین بیماری‌هایی است. خنده آدم را از مالیخولیا و رخوت دور می‌کند. شوخی سیاسی که توسط فردی گفته می‌شود، شهروندان را دوباره با یکدیگر پیوند می‌دهد. افراد، دیگر تنها نیستند. دیگرانی هستند که نظرات آنها را به اشتراک گذاشته‌اند. ما در رنج و امید مشترک هستیم. خنده یک برادری جمعی است. آدم در تنهایی نمی‌خندد. [۲۳]

به همین دلیل است که کیشستانی استدلال می‌کند که توسعه و استفاده گسترده از طنز سیاسی و ادبیات طنز برای هر استراتژی مقاومت مدنی موفق امری ضروری است [۲۴].

### «نهادهای موازی» چه هستند؟

«نهادهای موازی» نظام‌ها و شیوه‌های غیررسمی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اداری هستند که ساختارهای رژیم موجود را دور زده - و شاید در نهایت جایگزین آنها شوند. این نهادها زمانی موفق خواهند بود که قادر باشند نیازهای جامعه را که سیستم موجود قادر به برطرف کردن آنها نیست، برطرف نمایند. آنها «موازی» هستند چراکه در

---

<sup>۱</sup> . Khalid Kishtainy



کنار نهادهای سرکوبگر و ناعادلانه موجود اما جدای از آنها فعالیت می‌کنند. جنبش‌ها پیش از اینکه کاملاً «پیروز شوند» چنین نهادهایی را ایجاد کرده و توسعه می‌بخشند- و از این طریق مشروعیت و اقتدار ایجاد می‌کنند.

در طول تاریخ می‌توانیم نمونه‌های زیادی پیدا کنیم. برای مثال در مقدمه، در مورد اهمیت این نهادها در آزادسازی سیزده مستعمره آمریکا از سلطه امپراتوری بریتانیا بحث کردیم. در طول قرن بیستم، بسیاری از جنبش‌های خودمختاری و استقلال طلب تاحدودی با ایجاد چنین نهادهای موازی بود که توانستند به موفقیت برسند.

جنبش استقلال ایرلند موردی آموزنده است. این جنبش در دهه ۱۸۷۰ آغاز شد و طی آن ناسیونالیست‌های ایرلندی خواستار خودمختاری از بریتانیای کبیر شدند. آرتور گریفیث<sup>۱</sup>، معمار اصلی سین فین<sup>۲</sup> (به معنای «ما، خودمان») بود؛ گروهی که در سال ۱۹۰۵ به عنوان یک گروه سیاسی متعهد به خودمختاری ایرلند تأسیس شد. در سال ۱۹۱۸ و در دوره‌ای که هزاران سرباز بریتانیایی در جنگ جهانی اول جان خود را از دست می‌دادند، سین فین به سازماندهی یک کارزار عظیم نافرمانی مدنی کمک کرد که طی آن دو میلیون ایرلندی از خدمت سربازی اجباری امتناع کردند. گریفیث سپس از انتخابات سراسری بریتانیا در سال ۱۹۱۸ استفاده کرد تا نامزدهای شین فین را به پارلمان بفرستد. این نامزدها موفق شدند در انتخابات در تمام مناطق ایرلند به جز پایگاه‌های اتحادیه‌گرایان<sup>۳</sup> پیروز شوند. وزرای تازه منتخب شین فین از حضور در پارلمان بریتانیا امتناع کردند و در عوض در مانسوین هوس<sup>۴</sup> در دوبلین گرد هم آمدند و خود را دوپل

<sup>۱</sup> . Arthur Griffiths

<sup>۲</sup> Sinn Fein. به زبان محلی ایرلندی-م

<sup>۳</sup> . Unionist

<sup>۴</sup> . Mansion House

ایرین<sup>۱</sup> یا مجلس مستقل ایرلند نامیدند، که البته هنوز پابرجاست. این دولت در سایه، اگرچه از سوی دولت بریتانیا به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته می‌شد، اما توانست قدرت و اقتدار خود در در شهرهای ایرلند تثبیت کند، دادگاه‌های جدید بر پا کند، شرکت‌های محلی را تشویق کند تا تنها محصولات ساخت ایرلند را خریداری کرده و از بریتانیا محصولی وارد نکنند، از پرداخت مالیات به بریتانیا خودداری کرد و خانه‌های کار تحت حمایت بریتانیا را تعطیل نمود. با این وجود، درگیری‌های بین طرفین شدت گرفت و در ادامه به جنگ استقلال ایرلند<sup>۲</sup> بین سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۲ منتهی شد که پس از آن قسمت اعظم ایرلند از بریتانیا جدا شد و دولت آزاد ایرلند<sup>۳</sup> تشکیل گردید. درحالی که وقایع خونین جنگ استقلال ایرلند اغلب به عنوان تنها روایت استقلال این کشور ارائه می‌شود، دیوید کارول کوکران<sup>۴</sup> مورخ می‌نویسد که جنبش استقلال ایرلند در نهایت بدین دلیل موفق شد که [پیشتر] راه استقلال و پیروزی را با ایجاد نهادهای جایگزین و جداکردن ایرلندی‌ها از هرگونه همکاری سیاسی و اقتصادی با بریتانیا هموار کرده بود. همانطور که او می‌نویسد، «شواهد تاریخی کاملاً نشان می‌دهند که کارزار عدم همکاری مجلس مستقل و دولت موازی آن به همان اندازه یا بیشتر از [جنگ استقلال] باعث شد که ایرلند غیرقابل حکومت شود و بریتانیایی به سر میز مذاکره بیایند [۲۵]».

---

۱ . Dáil Éireann

۲ . Irish War of Independence

۳ . Irish Free State

۴ . David Carrol Cochran

بنابر گزارش‌ها، دوپیل یا همان مجلس مستقل ایرلند به جواهر لعل نهرو<sup>۱</sup> و مهاتما گاندی هندی نیز الهام بخشیده بودند تا با ایجاد نهادهای موازی از سلطه استعماری بریتانیا رهایی یابند. آنها تحت تأثیر استراتژی غیرمسلحانه سین فین قرار گرفته بودند- و عمیقاً نسبت به قیام مسلحانه ارتش جمهوری خواه ایرلند بدبین بودند.

گاندی متقاعد شده بود که یک جنبش مقاومت مدنی موفق به چیزی بیش از مقابله با دشمن از طریق عدم همکاری توده‌ای نیازمند است. رویکرد او- که او آن را ساتیاگراها نامید- دارای دوشاخه بود که از نظر اهمیت یکسان بودند. در یک شاخه، مردم در برنامه‌های بازدارنده و مانع آفرین یا نافرمانی مدنی و مقاومت مدنی مشارکت می‌کردند. در شاخه دیگر، اجتماعات و گروه‌های هندی با ایجاد ساختارها، سیستم‌ها، فرآیندها و منابع جدید، مستقل از حکومت استعماری زندگی می‌کردند. برای مثال گاندی از هندی‌ها خواست تا نخ‌های خود را با استفاده از «چرخا»<sup>۲</sup> یا چرخ ریسندگی بربسند تا به این ترتیب برای تولید لباس به نخ وارداتی انگلیسی وابسته نباشند. به همین ترتیب به جای همراهی با قانون محدودکننده نمک که هندی‌ها را از برداشت و استفاده از نمک خود منع می‌کرد، گاندی صدها هزار هندی را برای استحصال نمک و به عنوان نشانه‌ای ملموس از استقلال هند به سوی خط ساحلی این کشور رهبری کرد. گاندی با این کار به دنبال شکستن انحصار استعماری بر کالاهای تولیدشده در هند و جایگزینی آن با یک اقتصاد کاملاً خودکفای هندی بود- تا از این طریق هند را از وابستگی به کالاهای اقتصادی قدرت استعمارگرش آزاد کند.

<sup>۱</sup> Jawaharlal Nehru . از رهبران جنبش استقلال هند و کنگره ملی هند و نخستین نخست وزیر این کشور پس

از پس از اعلام استقلال در ۱۵ اوت ۱۹۴۷-م.

<sup>۲</sup> . charkha

این درس‌ها برای دیگر رهبرانی که علیه حکومت استعماری مبارزه می‌کردند، آموزنده و جالب توجه بود. در دههٔ ۱۹۴۰ قوام نکرومه<sup>۱</sup>، رهبر استقلال غنا، ظاهراً با تأکید گانندی بر خودکفایی اقتصادی و اجتماعی چندان موافق بود که آنچه را وی «اقدام مثبت» می‌نامید، برای بازسازی نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی غنا توسط آفریقایی‌ها و برای حمایت از آنها ترویج کرد. [۲۶] نکرومه از هویت پان‌آفریقایی برای ایجاد همبستگی در میان مردمی که برای آزادی در سراسر قارهٔ سیاه می‌جنگیدند، حمایت می‌کرد و همزمان برای کسب استقلال غنا نیز می‌کوشید- که البته در سال ۱۹۵۷ قانوناً محقق شد. با اینکه نکرومه بعدها از مبارزهٔ مسلحانه در جنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر آفریقا حمایت کرد، اما استقلال غنا تا اندازهٔ زیادی از طریق آنچه اکنون مقاومت مدنی می‌نامیم به دست آمد.

یک نمونهٔ دیگر از جنبش‌هایی که در طی مبارزات خود نهادهای جایگزین را توسعه بخشید، جنبش الغای زندان در ایالات متحده بود. هدف بلندپروازانهٔ این جنبش حذف سیستم تأدیبی- ندامتگاهی، از جمله زندان‌ها، یا دست کم کاهش شدید تعداد افرادی زندانی است. بخشی از آنچه این جنبش در نظر دارد به آن دست یابد، اگرچه هدفی چشمگیر و قابل ملاحظه است، تغییر رویهٔ عدالت کیفری به تمرکز بر روی اصلاح و تربیت مجدد مجرمان به جای مجازات آنهاست. در این مسیر، گروه‌هایی که بر پایه اصول و مبانی الغای مجازات ایجاد شده‌اند، مؤسسات موازی زیادی را برای حمایت از جوامعی که از حبس دسته‌جمعی و جرم‌انگاری فقر آسیب دیده‌اند، بوجود آورده‌اند. به عنوان مثال به مناسبت روز مادر در سال ۲۰۱۸، گروهی با نام وثیقه‌گذاری ملی جمعی<sup>۲</sup> با

---

<sup>۱</sup> . Kwame Nkrumah

<sup>۲</sup> . National Bail Out Collective

محوریت سیاه‌پوستان و تحت رهبری آنها، مراسم گلریزانی براه انداخت تا از آن طریق به کمک و تأمین وثیقه برای مادرانی بپردازد که محکوم به جنایتی نبودند و صرفاً به دلیل این‌که نمی‌توانستند مبلغ وثیقه را بپردازند، همچنان پشت میله‌های زندان مانده بودند. این قبیل تلاش‌ها از این طریق نظامی ظالمانه را به شکلی جمعی تضعیف نموده و از جوامع متأثر از آن حمایت می‌کنند.

بسیاری از جنبش‌ها نیز تعاونی‌ها و دیگر سیستم‌های اقتصادی جایگزین را ایجاد نموده و توسعه می‌بخشند که به‌ویژه در تأمین نیازهای اولیه عمومی کاربرد فراوانی دارند. به عنوان مثال در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، برنامه صبحانه رایگان<sup>۱</sup> حزب پلنگ سیاه<sup>۲</sup> در پاسخ به نژادپرستی نهادینه شده و راه‌حل‌های ناکافی دولت برای رفع فقر براه افتاده بود و روزانه برای بیش از ده هزار کودک در محله‌های فقیرنشین شهری غذا پخته و سرو می‌کرد. این قبیل فعالیت‌ها می‌توانند به ویژه در طول اعتصابات عمومی طولانی مدت تأثیرگذار باشند. در دوران آپارتاید آفریقای جنوبی، شهرستان‌های سیاه‌پوست نشین موفق شده بودند در اعتراض به آپارتاید، کسب‌وکارهای سفیدپوستان را تا حد زیادی باموفقیت بایکوت کنند، چرا که مغازه‌داران سیاه‌پوست در این شهرستان‌ها غذا، آب، پوشاک و سایر اقلام ضروری را به میزان زیادی ذخیره کرده بودند. خرید و فروش داخلی در شهرستان‌های سیاه‌پوست نشین باعث ایجاد ظرفیت‌های

۱. Free Breakfast Program

۲. Black Panther Party . حزب پلنگ سیاه (بی بی پی) ، که در اصل «حزب پلنگ سیاه برای دفاع از خود» «Black Panther Party for Self Defense» نام داشت، یک گروه سیاسی سوسیالیست بود که توسط بابی سیل و هوی نیوتون در اکتبر ۱۹۶۶ پایه‌گذاری شد. فعالیت‌های اصلی این حزب شامل اقدامات اجتماعی نظیر خدمات پزشکی رایگان، غذا و مدارس برای کودکان و گشت‌های مسلحانه و در موارد متعددی درگیری با پلیس می‌شد. این حزب در نهایت با نفوذ اف بی آی و نیز کاهش اعتماد و حمایت مردمی از آن در ۱۹۸۲ منحل شد. -م.

سازمانی بلندمدت و قدرت اقتصادی می‌شد و در عین حال مانع کسب درآمد از سوی کسب‌وکارهایی میشد که از آپارتاید بهره می‌بردند.

در نظام‌هایی که دولت مالکیت یا کنترل منابع خبری را در دست دارد، جنبش‌ها می‌توانند رسانه‌های بدیل خود را ایجاد کنند. نام جنبش همبستگی لهستان از روزنامه آن با نام سولیدارنوش (همبستگی) گرفته شد که میلیون‌ها مشترک داشت - علی‌رغم اینکه رژیم کمونیستی آن را ممنوع کرده بود. در اروپای تحت اشغال نازی‌ها نیز خبرنگارها و روزنامه‌های جنبش‌های مقاومت در همه‌جا منتشر و پخش می‌شدند و تصوّر عمومی سلطه و کنترل کامل نازی‌ها و همدستان محلی‌شان [بر کشورهای اشغال شده] را به چالش می‌کشیدند.

برخی از جنبش‌های مقاومت مدنی نیز دولت‌هایی موازی را شکل داده یا پذیرای آنها بوده‌اند. جنبش استقلال کاتالونیا در اسپانیا دارای مجلس ملی و دولتی مستقل است که به موازات دولت اسپانیا فعالیت می‌کند. در سال ۲۰۱۶ دولت کاتالونیا همه‌پرسی غیرقانونی را در این ایالت ترتیب داد تا حمایت عمومی از استقلال منطقه را ارزیابی کرده و با این کار [تعمداً] از نظم و قانون عمومی کشور تجاوز کند. اگرچه بسیاری از رهبران این جنبش اکنون در زندان هستند، مجمع ملی کاتالونیا پیشتر مذاکرات مستقیمی را با دولت اسپانیا در مورد گسترش خودمختاری و استقلال کاتالونیا به انجام رسانده است.

به شکلی مشابه، در ونزوئلا نیز در ژانویه ۲۰۱۹ خوان گوایدو<sup>۱</sup> به ریاست مجلس ملی، قوه مقننه این کشور رسید و به عنوان رئیس جمهور دوفاکتو (بالفعل) ونزوئلا به رسمیت

---

<sup>۱</sup> . Solidarnosc (Solidarity)

<sup>۲</sup> . Juan Guaidó

شناخته شد - با وجود اینکه نیکلاس مادورو<sup>۱</sup> با دستکاری در قانون اساسی کوشیده بود در قدرت بماند و از کناره‌گیری خودداری می‌کرد. گوایدو در ادامه لئوپولدو لویز<sup>۲</sup>، سیاستمدار ونزوئلایی را برای ایجاد کابینه در سایه منصوب کرد که در آن پست‌هایی مانند وزیر خارجه، وزیر دفاع و وزیر دارایی حضور داشتند تا در صورت سقوط دولت مادورو، گوایدو و وزرای همکارش بتوانند تا حد امکان گذار به دولت جدید را بدون مشکل خاصی به سرانجام برسانند.

در برخی موارد گروه‌ها یا جنبش‌ها به طور کامل از تمامی سیستم‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور کناره‌گیری کرده و کوشیده‌اند آن‌ها را از صفر بازسازی کنند. به عنوان مثال در چیاپاس مکزیک در ۱۹۹۴، جنبش زاپاتیستا علیه دولت مکزیک قیام کرد تا جامعه‌ای کاملاً خودمختار و مستقل ایجاد کند و نهادهای جدید اقتصادی، دولتی، اجتماعی و حتی نظامی را بوجود بیاورد که برقراری عدالت و انصاف برای گروه‌های به حاشیه‌رانده شده را در اولویت خود قرار دهد. پس از چندروز حملات مسلحانه برای بیرون راندن پلیس و نیروهای فدرال از منطقه، زاپاتیستاها اعلام خودمختاری کردند که البته تا به امروز ادامه داشته است. بسیاری از مصری‌هایی که در استقرار اردوگاه‌ها در میدان تحریر در سال ۲۰۱۱ نیز مشارکت داشتند، فضای تجربی مشابهی را (اگر چه زودگذرتر) توصیف کرده‌اند. جایی که مردم در چادرهای مختلف مانند «چادر کتابخانه» گرد هم می‌آمدند تا درباره راه‌های اصلاح قانون اساسی و قوانین کشورشان صحبت کنند یا «چادر رسانه‌ای» که از آن برای بارگذاری تصاویر در اینترنت و بیان روایت‌های جدید در مورد انقلاب و واکنش‌های دولت استفاده می‌شد.

---

<sup>۱</sup> . Nicolás Maduro

<sup>۲</sup> . Leopoldo López

سازمان دهندگان و استراتژیست‌های جنبش‌های مقاومت مدنی در مورد اینکه چه زمانی ایجاد نهادهای جایگزین مؤثرتر از همیشه است، اختلاف نظر دارند. گاندی بر این باور بود که ایجاد برنامه و نهادهایی سازنده و راهگشا اولین گام اساسی در یک کارزار بدون خشونت است، چرا که از طریق این نهادها بود که هندی‌ها می‌توانستند ادعای استقلال واقعی از حاکمیت استعماری بریتانیا را مطرح کنند - خواه بریتانیا رضایت دهد یا خیر. با این حال جین شارپ معتقد بود که رهبران کمپین‌ها باید در پایان مبارزات خود نهادهای موازی را ایجاد کنند؛ زمانی که یک ائتلاف انقلابی به اندازه کافی از ابتکار عمل و حمایت برخوردار شده باشد تا بتواند اطمینان حاصل کند که نهادهای تازه ایجادشده تمامی کسانی را که در جنبش سهمی داشته‌اند دربر می‌گیرد. در عمل، جنبش‌ها اغلب پیش از اینکه استراتژیست‌ها بتوانند این مسائل را به بحث بگذارند و حل و فصل کنند، ظاهر شده و زندگی خاص خود را به دست آورده‌اند. در نتیجه بسیاری از جنبش‌ها تلاش می‌کنند تصویر جامعه جدید مطلوب خود را، پیشاپیش [در مقیاس کوچک] در درون خود بوجود بیاورند. در سال ۲۰۱۱ شرکت‌کنندگان جنبش اشغال وال استریت در پارک زاکوتی<sup>۱</sup> گرد هم آمدند و مجامعی مردمی و مناظره‌هایی آزاد را برای تقویت تلاش‌های جنبش در برقراری یک دموکراسی مشورتی و بدون رهبر برگزار کردند. اردوگاه‌های چادری شامل نشست‌های آموزشی، گروه‌های مناظره و گروه‌های مطالعاتی مختلفی بود که در آن افراد برای بحث و گفتگو و طراحی سیستم‌های عادلانه‌تر دموکراسی و اقتصاد دور یکدیگر جمع می‌شدند. هیچ یک از اینها به طور کامل از قبل برنامه‌ریزی نشده بود، با این حال سازمان دهندگان و

---

<sup>۱</sup> . Zuccotti Park



فعالان جنبش می‌کوشیدند تا نوعی از جامعه را در اردوگاه‌ها بوجود بیاورند که آرزو داشتند در کل جهان ایجاد شود.

صرفنظر از اینکه یک جنبش چه زمانی نهادهای موازی خود را ایجاد می‌کند، مایکل ناگلر<sup>۱</sup>، محقق و کنشگر مقاومت بدون خشونت استدلال می‌کند که این نهادها می‌توانند به یک کارزار بدون خشونت نسبتاً سازماندهی نشده کمک کنند تا بتواند حول اهدافی مشترک متحد شود. نهادهای موازی همچنین می‌توانند به جنبش‌ها کمک کنند تا در مواقعی که سرکوب‌ها بسیار شدید شده و لازم است که مخالفان به فعالیت‌های زیرزمینی روی بیاورند، بقای خود را حفظ کنند. ناگلر استدلال می‌کند که نهادهای موازی می‌توانند گزینه‌های کم‌خطرتری را نسبت به اشکال مستقیم و آشکار مقاومت که ممکن است موجب دستگیری، حمله یا کشته شدن مخالفان شوند، در اختیار آنها قرار دهند [۲۷].

برای مثال زمانی که مردم هنوز می‌توانند به اخبار و نوشته‌های جنبش دسترسی پیدا کنند، حتی اگر رهبران جنبش مخفی شده باشند و هیچ اعتراض عمومی هم در جریان نباشد، باز هم می‌توان به آنها اطمینان داد که فرصت خیزش مجدد جنبش دوباره بوجود خواهد آمد. با وجود کاهش نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در اروپای شرقی در طول دهه ۱۹۸۰، روشنفکران و فعالان دموکراسی خواه متوجه این نکته بودند که هنوز قادر به مقابله مستقیم با حزب کمونیست حاکم از طریق اعتراضات خیابانی نیستند، چرا که در این صورت دولت‌هایشان آن عده‌ای را که آنقدر شجاع بودند تا آغازگر جنبش باشند، زندانی کرده یا به قتل می‌رسانند. در نتیجه کنشگران تأکید و تمرکز خود را بر ایجاد جوامعی گذاشتند که بتوانند نیازهای اساسی شهروندان را تأمین کنند- صرف نظر از اینکه

---

<sup>۱</sup> . Michael Nagler

دولت‌هایشان چه کاری برای آنها انجام می‌دهند. در لهستان جوامع محلی کمیته‌های دفاع از کارگران<sup>۱</sup> را ایجاد کردند که از خانواده‌های کارگرانی که با مقامات حزب کمونیست درافتاده بودند، حمایت می‌کرد. مخالفان روزنامه‌ها و خبرنگارهای زیرزمینی را منتشر می‌کردند و جوامع محلی «دانشگاه‌های سرپایی»<sup>۲</sup> را ایجاد کردند که کلاس‌های آن در خانه‌های مردم تشکیل میشد و مطالب را بدون سانسور به مشتاقان ارائه می‌داد. واسلاو هاول، فیلسوف سیاسی ساکن چکسلواکی و رئیس جمهور آینده این کشور می‌نویسد:

دفاع از اهداف زندگی، دفاع از انسانیت نه تنها رویکردی واقع بینانه تر است، از آنرو که می‌تواند در لحظه آغاز شود، بلکه بالقوه محبوب‌تر نیز هست چرا که به زندگی روزمره مردم مربوط می‌شود؛ در عین حال (و شاید دقیقاً به همین دلیل) چنین رویکردی به نحوی بی‌نظیر رویکردی استوارتر و منسجم‌تر است، زیرا هدف آن، اصل و اساس چیزها یا امور است. [۲۸]

حق با روشنفکران و دموکراسی‌خواهان اروپای شرقی بود. ایجاد نهادهای موازی در پشت «پرده آهنین»، یا همان کشورهای تحت کنترل اتحاد جماهیر شوروی به این جنبش‌ها کمک کرد تا در نهایت پیروز شوند و آزادی را در آغوش بکشند. پیش از اینکه توده‌های مردم دیوار برلین را در سال ۱۹۸۹ سرنگون کنند، این جنبش‌ها دولت‌های سرکوبگر خود را از طریق زندگی هرروزه به تسلیم وا داشته بودند.

---

<sup>۱</sup> . Workers' Defense Committees

<sup>۲</sup> . flying universities

## آیا شورش، مقاومت مدنی محسوب می‌شود؟

این امر تا حدودی به هدف و دامنه فعالیت مورد نظر بستگی دارد. شورش را به سادگی می‌توان اغتشاش و اخلاص‌گری از سوی یک جمعیت دانست. شورش‌های خودجوش و ناگهانی که اهداف مدنی گسترده‌تری ندارند- به عنوان مثال، هنگامی که طرفداران ورزش بعد از بازی شورش می‌کنند- قطعاً مقاومت مدنی محسوب نمی‌شود. اما در رابطه با شورش‌هایی که حامل پیام‌های مدنی و اجتماعی گسترده‌تری هستند، پاسخ می‌تواند کمی پیچیده باشد- و بستگی به این دارد که آیا آن شورش‌ها باعث آسیب [فیزیکی] به مردم می‌شوند یا خیر.

بن کیس<sup>۱</sup> جامعه شناس [۲۹] استدلال می‌کند که شورش‌ها در کارزارهای مقاومت مدنی در سراسر جهان ائتفاقی متداول محسوب می‌شوند- و اینکه چنین شورش‌هایی از نظر اخلاقی و استراتژیک مناسب و بجا هستند. شورش‌ها گاهی اوقات در میان یک کارزار مقاومت مدنی گسترده و کاملاً مسالمت‌آمیز پا می‌گیرند. افرادی که شورش می‌کنند اغلب غیرمسلح هستند، اگرچه ممکن است دست به تخریب اموال بزنند، فروشگاه‌ها را غارت کنند، آتش بزنند، به خطوط برق آسیب بزنند و غیره. در مواقع دیگر، مردم ممکن است برای شورش با خود اسلحه به همراه بیاورند و به افراد دیگر حمله کنند. چنین مواردی مقاومت مدنی به حساب نمی‌آیند. صرفنظر از اینکه یک شورش چقدر تدوام می‌یابد، همانطور که اغلب اتفاق می‌افتد مردم ممکن است در اثر آتش‌سوزی، تصادفات ناشی از خاموش شدن چراغ‌های راهنمایی یا قطع برق، خشونت پلیس یا افرادی که به دنبال سوءاستفاده از هرج و مرج برای تسویه حساب‌های شخصی هستند، صدمه ببینند یا کشته شوند. برای مثال در سال ۱۹۹۲، دادگاهی در آمریکا چهار

<sup>۱</sup> . Ben Case

افسر پلیس لس آنجلس را که از ضرب و شتم وحشیانه مردی به نام رادنی کینگ<sup>۱</sup> فیلم گرفته بودند، تبرئه کرد و در نتیجه آن شورش‌هایی در جنوب بخش مرکزی لس آنجلس شعله‌ور شد که برای روزها ادامه داشت و بیش از ۶۰ کشته بر جای گذاشت، هزاران ساختمان در آتش سوختند، اموال به شکلی گسترده غارت شدند و بیش از یک میلیارد دلار خسارت به بار آمد. پیش از این، هیچ‌گونه تظاهرات اعلام همبستگی که علیه تبرئه افسران پلیس در سراسر ایالات متحده بوقوع پیوسته باشد تا این حد بالا نگرفته بود.

اما شورش‌ها می‌توانند تا حد رویدادهایی خشونت‌آمیزتر و طولانی‌تر نیز تشدید شوند. این امر تا اندازه‌ای به این دلیل است که دولت‌ها معمولاً شورش‌ها را با شدت بیشتری سرکوب می‌کنند - حمله به مردم با شلیک گاز اشک‌آور، گلوله‌های لاستیکی و حتی مهمات واقعی. برخی محققان دریافته‌اند که شورش‌ها باعث واپس‌زنی و واکنش‌های شدید سیاسی می‌شود که حتی اوضاع را از وضعیت متعصبانه و تحقیرآمیز پیشین نیز بدتر میکند. عمر واسوا<sup>۲</sup>، دانشمند علوم سیاسی که اعتراضات بدون خشونت و خشونت‌آمیز فعالان سیاهپوست را در جریان جنبش حقوق مدنی ایالات متحده ثبت کرده بود، واکنش‌های موجود به شورش‌ها را با عکس‌العمل‌هایی که نسبت به اعتراضات بدون خشونت انجام گرفته بود با یکدیگر مقایسه کرده بود. وی دریافت که شورش‌ها باعث تضعیف حمایت عمومی از حقوق مدنی و افزایش آرای نامزدهای سیاسی جمهوری خواه می‌شوند که وعده اعاده نظم و قانون را می‌دهند. در حالی که اعتراضات بدون خشونت معمولاً افزایش حمایت از حقوق مدنی و حمایت از نامزدهای سیاسی دموکرات را به همراه دارد.<sup>[۳۰]</sup> فراتر از زمینه خاص ایالات متحده نیز،

---

<sup>۱</sup> . Rodney King

<sup>۲</sup> . Omar Wasow

اقتصاددان، امیلیانو هویت وان تأثیرات اعتصابات و اعتراضات کارگری خشونت‌آمیز و بدون خشونت را در میان کارگران فرانسوی مورد مطالعه قرار داد. وی در نهایت دریافت که زمانیکه کارگران درگیر شورش و آشوب می‌شوند، امتیازات کمتری به دست می‌آورند. [۳۱] و در تحقیقی که رویدادهای کشورهای آفریقایی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ را پوشش می‌دهد، من و مارگریتا بلژیویوسو<sup>۱</sup>، دانشمند علوم سیاسی دریافتیم که شورش‌ها احتمال موفقیت یک جنبش را به شکل معنادار و قابل توجهی افزایش نمی‌دهد. تحقیق پیش‌گفته بر انواع اعتراضات اجتماعی (مانند اعتراضات دموکراسی خواهانه، حقوق بشری و حقوق کارگران) متمرکز بوده و ما پویایی و ابتکار عمل اعتراضات را در زمان خروج [یا فرار] رهبر ملی یک کشور مد نظر قرار دادیم [۳۲].

برخی از استراتژیست‌های مقاومت مدنی، شورش‌ها را صرف‌نظر از کارآمدی آنها، اشتعال قابل درک انرژی مردمی پس از مشاهده تراژدی‌ها یا بی‌عدالتی‌ها می‌دانند - و اینکه خشونت واقعی [نه در شورش‌ها بلکه] در نظام‌هایی نهفته است که منجر به چنین فجایعی می‌شوند. دکتر مارتین لوتر کینگ این مورد را در یکی از سخنرانی‌هایش در سال ۱۹۶۸ در دانشگاه استنفورد به نام «آمریکایی دیگر» بیان کرد:

من فکر می‌کنم آمریکا باید این را ببیند که شورش‌ها از باد هوا و خود به‌خودی شکل نمی‌گیرند. وضعیت خاصی در جامعه ما حاکم است که باید به همان شدتی که شورش‌ها را محکوم می‌کنیم آن را نیز محکوم کنیم. اما در تحلیل نهایی می‌توان گفت که شورش چیزی جز زبان شنیده نشده‌ها نیست و چه چیزی بوده که آمریکا نتوانسته است تا به حال بشنود؟ این کشور نتوانسته وضعیت بد فقرای سیاهپوست را در چند

<sup>۱</sup>. Emiliano Huet-Vaughn

<sup>۲</sup>. Margherita Belgioioso

سال گذشته بشنود. نشنیده است که وعده های آزادی و عدالت محقق نشده اند. و نشنیده که بخش های بزرگی از جامعه سفیدپوستان، بیشتر نگران حفظ آرامش و وضعیت موجود هستند تا تحقق عدالت، برابری و انسانیت. و بنابراین به معنای واقعی، تابستان های پر از شورش ملت ما ناشی از زمستان های پرتأخیر و تعلل کشورمان است. و تا زمانی که آمریکا اجرای عدالت را به تعویق می اندازد، ما در موقعیتی هستیم که بارها و بارها این خشونت ها و شورش ها تکرار خواهد شد. عدالت اجتماعی و پیشرفت ضامن بی قید و شرط پیشگیری از شورش هاست. [۳۳]

در اینجا کینگ لزوماً خشونت شورش ها یا اعتراض کنندگان را با وجود اینکه برای عدالت نژادی مبارزه می کنند، نادیده نمی گیرد. اما اصرار دارد که راه پایان دادن به این شورش ها مقابله با فقر شدید و بی عدالتی نژادی است که در وهله اول شورش ها را برانگیخته است. کینگ تحمل افرادی را که از آشوبگران به دلیل تحریک واکنش و عکس العمل سفیدپوستان انتقاد می کردند را نیز نداشت و از قرار معلوم گفته بود که: «کاملاً محتمل است که فریادهای جنبش قدرت سیاهان و شورش ها در واتس<sup>۱</sup> و هارلمز<sup>۲</sup> و مناطق دیگر، پیامدهای واکنش سفیدپوستان باشد نه مسبب آنها [۳۴]».

علی رغم اینها اساساً اصطلاح «شورش»<sup>۳</sup> به خودی خود دارای بار منفی است. مقامات، دولتمردان و حامیان آنها ممکن است از این اصطلاح برای مشروعیت زدایی و تضعیف محبوبیت جنبش های اجتماعی که رویکردهای مسالمت آمیز اما مقابله ای نظیر راهپیمایی های خاموش، اعتراض یا اعتصاب دارند، بهره ببرند. برای مثال، در جریان قیام های ضد نژادپرستی به رهبری سیاهپوستان در سال ۲۰۲۰ در ایالات متحده،

---

<sup>۱</sup> . Watts

<sup>۲</sup> . Harlems

<sup>۳</sup> . riot

رئیس‌جمهور ترامپ و مقامات دولت وی مکرراً از این اعتراضات گسترده به عنوان «شورش» یاد می‌کردند. اگرچه گزارش‌ها نشان می‌داد که علی‌رغم اینکه پلیس صدها معترض را مورد ضرب و شتم قرار داده بود، با پرتاب گاز اشک‌آور به آنها حمله کرده و هزاران نفر را نیز دستگیر کرده بود، معترضان در بیش از ۹۷ درصد موارد کاملاً از خشونت پرهیز کرده بودند. [۳۵] دولت‌ها با «آشوبگر» خواندن مخالفان می‌کوشند آنها را دستگیر و زندانی کنند، توجه عموم را از اهداف جنبش منحرف کنند، اعتبار و شهرت فعالان جنبش را خدشه‌دار کنند و همدردی مردم نسبت به آنها را تضعیف کنند. بنابراین لازم است همیشه این پرسش را مطرح کنیم که کدام طرف درگیری - مقامات یا معترضان - این رویدادها را شورش می‌خوانند. و زمانی که مقامات یا خبرنگارانی که اظهارنظرهای آنها را بازتاب می‌دهند، اقدامی را «شورش» می‌خوانند، همیشه باید به آن شک داشته باشیم.

چسپاندن انگ شورش به جنبش‌ها برای مقاصد سیاسی تاریخچه‌ای طولانی دارد. زوئی مارکس<sup>۱</sup>، اندیشمند سیاسی مودی را به من یادآور شد که این موضوع را به وضوح نشان می‌دهد: نبرد زنان ایگبو<sup>۲</sup> در ۱۹۲۹؛ یک کارزار توده‌ای بدون خشونت در نیجریه که اسناد استعماری بریتانیا از آن به عنوان «شورش زنان آبا»<sup>۳</sup> یاد می‌کنند. پیش از شروع این مبارزات، حکومت استعماری بریتانیا می‌کوشید از خانواده‌های نیجریه‌ای مالیات بگیرد و نقش‌های سنتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را که به زنان نیجریه‌ای قدرت تصمیم‌گیری بالایی را در خانه‌ها و روستاهایشان می‌داد، محدود کند. در نهایت هزاران زن ایگبو در سرتاسر نیجریه بریتانیا به طور دسته‌جمعی اجازه ارزیابی دارایی‌هایشان از

۱. Zoe Marks

۲. Igbo Women's War

۳. Aba Women's Riots

سوی مقامات را ندادند و از پرداخت مالیات خودداری کردند. آنها همچنین تظاهرات بزرگی را در خارج از دفاتر و محل سکونت مقامات استعماری ترتیب دادند و همزمان کلبه‌های رهبران محلی ایگبو را که از سوی بریتانیایی‌ها برای حکومت منصوب شده بودند (که «سران حُکم»<sup>۱</sup> نامیده می‌شدند) و مردم آن‌ها را همدست و دخیل در قوانین جدید استعماری می‌دانستند، محاصره کردند (و گاهی اوقات دست به تخریب آنها زدند). زنان ایگبو از تبوهایی که در مورد برهنگی زنان وجود داشت استفاده می‌کردند و در منظر عموم خود را برهنه می‌نمودند و از این طریق مردان را به خاطر همکاری با نظام استعماری شرمسار می‌کردند. آنها در طی مبارزات خود زندانیان سیاسی را نیز آزاد می‌کردند. اگرچه اقدامات آنها بدون خشونت بود، زنان با افتخار تمام مبارزات خود را «جنگ» می‌نامیدند تا روشن کنند که بدون هیچ ترسی با مقامات استعماری مقابله خواهند کرد. با وجود اینکه زنان درگیر در این کارزار از روش‌های صلح‌آمیز در مبارزات خود استفاده می‌کردند، اما نیروهای استعمارگر بریتانیایی تعدادی از آنها را به قتل رساندند. با ادامه مبارزات، دولت بریتانیا چند تن از سران حکم را جایگزین کرد و چندین کمیسیون تحقیق را یکی پس از دیگری تشکیل داد. به دلیل ناتوانی مستمر بریتانیایی‌ها در بازگرداندن ثبات و کنترل مجدد بر این کشور، بایگان‌های محلی استعمار در گزارش‌های رسمی خود از این وقایع تحت عنوان «شورش» یاد می‌کردند و زنان را به عنوان افرادی سرکش و هیستریک به تصویر می‌کشیدند. اما در نهایت این زنان بودند که موفق شدند دوباره قدرت را به دست بگیرند و بسیاری از آنها به عنوان سران حکم و یا قاضی منصوب شدند. شبکه اقدام جمعی قدرتمند زنان که از نبرد زنان ایگبو پدیدار شد، در دهه‌های بعدی بارها به سازماندهی تظاهرات و کارزارهای عدم همکاری

---

<sup>۱</sup> . warrant chiefs



علیه قدرت استعماری ادامه داد و در نهایت نقشی کلیدی در استقلال نیجریه ایفا کرد. پژوهشگران نیجریه‌ای، برخلاف مدارک و اطلاعات رسمی ثبت شده، این بخش از تاریخ خود را به عنوان روایتی از مقاومت بدون خشونت بازبازی کرده و به بازپس‌گیری مجدد آن پرداختند. [۳۶]

بله، شورش‌ها مقولات پیچیده‌ای هستند. شورش‌ها می‌توانند پراز آشوب و هرج و مرج باشند و شرکت‌کنندگان اغلب متوجه این نباشند که چه کسانی واقعاً بخشی از جنبش هستند و چه کسانی تحریک‌کننده و آشوبگر که قصدشان چیزی جز پراشوب جلوه‌دادن یک اعتراض و در نتیجه تضعیف مشروعیت آن نیست. زمانیکه معترضان به رهگذارن یا پلیس حمله می‌کنند، افزایش اینگونه تنش‌ها می‌تواند اثرات سیاسی غیرقابل پیش‌بینی یا منفی به همراه داشته باشد که فراتر از خود رویدادها تأثیرگذار هستند. اما جنبش‌هایی که به خوبی سازمان‌دهی شده باشند، غالباً می‌توانند روایت و جو عمومی را متوجه خواسته‌ها و ادعاهای اصلی خود کنند و تلاش‌های دولت برای تصویرسازی از جنبش به عنوان اقداماتی فتنه‌انگیز یا تهدیدآمیز را تضعیف کنند و در عین حال توجه را به خشونت دولتی معطوف کنند که اغلب در وهله اول چنین رویدادهایی را تحریک می‌کند.

### آیا تخریب اموال مقاومت مدنی محسوب می‌شود؟

دیدگاه‌ها متفاوت است. اکثر پژوهشگران کنش بدون خشونت را اقدامی می‌دانند که از سوی افراد غیرمسالّحی انجام می‌شود که آسیب جسمی به شخصی نمی‌رساند یا تهدید به آسیب‌رسانی نمی‌کنند. زمانی که تخریب اموال منضبط و گزینشی باشد و پیامی روشن [برای دولت یا مقامات] ارسال کند، می‌توان آنرا یک روش خرابکاری غیرخشونت‌آمیز تلقی کرد. اما زمانی که بی‌انضباط و کورکورانه باشد، یا پیامی مبهم و

ناروشن دربارهٔ اینکه آیا عاملان آن قصد آسیب رساندن به مردم را دارند یا خیر ارسال کند، تخریب اموال می‌تواند به مسئله‌ای تاریک و نامشخص برای بسیاری تبدیل شود، حتی اگر از نظر فنی هم خشونت‌آمیز نباشد.

در یک نمونهٔ معروف در دسامبر ۱۷۷۳، حدود شصت تن از معترضان استقلال‌طلب آمریکایی بالباس سرخپوستان موهاوک<sup>۱</sup> سوار سه کشتی در بندر بوستون شدند و ۳۴۲ صندوق چای را به دریا ریختند. آنها با نهایت دقت مراقب بودند که اموال را بی‌جهت تخریب نکنند و حتی یک قفل آهنی را که هنگام بازکردن جعبه‌های چای شکسته بودند، تعویض کردند. [۳۷] این عمل مشخصاً به هیچ‌کس آسیب جسمی وارد نکرد. با این حال، این اقدام حامل پیام روشنی برای مقامات امپراتوری بریتانیا بود مبنی بر این‌که مستعمره‌نشینان توانایی تحمیل خسارت اقتصادی به قدرت استعمارگر را دارند- در این مورد، ده هزار پوند خسارت در یک شب (که امروزه بیش از ۱٫۵ میلیون پوند می‌شود). سایر انقلابیون عاملان این خرابکاری را به عنوان افرادی میهن‌پرست تحسین می‌کردند- و رهبران استقلال‌طلبی که طرفدار خروج گام به گام از سلطهٔ استعماری بریتانیای کبیر و مذاکره با این کشور بودند نیز از محکوم کردن آنها اجتناب کردند. دو قرن بعد نیز در دههٔ ۱۹۶۰ در ایالات متحده، برخی از فعالان ضدجنگ در اعتراض به جنگ ویتنام، برگه‌های اعزام به خدمت- دارایی‌های دولت فدرال- را سوزاندند و تخریب کردند. و در جریان سایر فعالیت‌های ضدجنگ خود، در تلاش برای جلوگیری از خشونت یا پایان دادن به آن، سلاح‌ها یا مهمات جنگی را از بین ببرند. در تمامی این موارد، تخریب اموال از آسیب فیزیکی به دیگران پرهیز می‌کرد، اهدافی گزینشی داشت و پیامی واضح از نیت و روش بدون خشونت مبارزان را به دیگران مخابره می‌کرد.

---

<sup>۱</sup> . Mohawk Indians

با اینحال تخریب اموال در صورتی که کورکورانه و بی‌رویه باشد، پیام‌های پیچیده و مبهم‌تری را ارسال می‌کند، برای مثال آتش‌زدن ساختمان‌ها یا شکستن شیشه‌های خودروهای سواری، به ویژه زمانی که به‌طور ناخواسته به مردم از جمله رهگذران آسیب وارد شود. شکستن شیشه‌ها، سوزاندن اتومبیل‌ها و تخریب خانه‌ها اغلب انتقادات گسترده‌ی عمومی را به دنبال دارد که برای بسیاری بیش از آنکه تمایل یک جنبش به ایجاد نظامی عادلانه‌تر را نشان دهد، نمایانگر بی‌قانونی و هرج و مرج است. زمینه‌ی تاریخی و فرهنگی هر جامعه نیز می‌تواند در تفسیر این اقدامات توسط اعضای آن جامعه نقش داشته باشد. برای مثال در کشورهایی که اخیراً از جنگ‌ها یا قتل‌عام‌هایی که دارایی‌های افراد را نیز هدف قرار می‌دهند، خلاصی یافته‌اند، تخریب اموال می‌تواند به جای ایجاد حس کنجکاوی یا همدردی، منجر به شکل‌گیری آسیب‌های جمعی طولانی مدت و ماندگار [در افراد] شود. بسیاری از ناظران در مورد پیام این اقدامات سردرگم می‌شوند آیا نظاهرکنندگان تنها خودشان را تخلیه می‌کنند؟ یا دارند از اقتدار سرپیچی می‌کنند؟ یا بی‌احتیاطی کسب و کارهای محلی را نابود می‌کنند؟ یا صاحبان مشاغل خاص را به منظور تلافی هدف قرار می‌دهند؟ یا پیامی گسترده‌تر پیرامون نیاز به نابودی سرمایه‌داری و نابرابری‌های اقتصادی آن با خود دارند؟ اگر می‌خواهند سرمایه‌داری را نابود کنند، چه چیزی را می‌خواهند جای آن بگذارند؟ آیا در دنیایی که می‌خواهند بسازند، شکستن شیشه‌ها یا آتش‌زدن ماشین‌های پلیس نیز خواهد بود؟ آنها ما را به چه دنیایی دعوت می‌کنند؟ چه کسانی در آن پذیرفته خواهند شد و چه کسانی از آن جامعه جدید حذف خواهند شد؟

چنین سؤالاتی آگاهانه یا ناخودآگاه ذهن بسیاری از افراد را که شاهد تخریب گسترده‌ی اموال در جریان اعتراضات هستند به خود مشغول می‌کند- حتی اگر چنین اقداماتی از نظر فنی خشونت‌آمیز نباشد. این موضوع یادآوری نکته‌ای مهم را ایجاب

می‌کند؛ صرف اینکه اقدامی به عنوان کنشی بدون خشونت طبقه‌بندی شود، لزوماً به معنای آن نیست که از نظر تاکتیکی یا استراتژیکی اقدامی عاقلانه است. این حقیقت در مورد هر روش بدون خشونت دیگری نیز صدق می‌کند.

## آیا اعتصاب غذا، خودسوزی و سایر اشکال آسیب‌رساندن به خود مقاومت مدنی محسوب می‌شود؟

اعتصاب غذا، خودسوزی و مواردی از این دست تکنیک‌هایی غیرخشونت‌آمیز هستند، زیرا شخص به دیگران آسیب فیزیکی نمی‌زند یا تهدید به چنین آسیبی نمی‌کند. کسانی که درگیر چنین اقداماتی می‌شوند به دنبال این هستند که پیامی روشن بفرستند: دلیل رنج من را حذف کنید، در آنصورت می‌توانیم شروع به حل اختلافات خود کنیم.

بسیاری از فعالان و رهبران جنبش‌ها در زندان‌ها دست به اعتصاب غذا زده‌اند، که از آن جمله می‌توان به هواداران حق رأی در بریتانیا اشاره کرد که از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۴ برای حق رأی و دستمزد برابر زنان در این کشور مبارزه می‌کردند. حق رأی خواهان آمریکایی، مانند آلیس پائول<sup>۱</sup> نیز از این روش پیروی می‌کردند. اعتصاب غذای حق رأی خواهان به آن‌ها این امکان را می‌داد که به مبارزه غیرخشونت‌آمیز خود از درون زندان ادامه دهند. هنگامی که زنان در بند، تغذیه اجباری همراه باشکنجه را تحمل می‌کردند - یک تکنیک سرکوب شدیداً منفور - حق رأی خواهان در خارج از زندان با نوشتن خبرنامه‌ها و چاپ پوسترها جزئیات این رویدادهای تلخ را شرح می‌دادند. عموم مردم مطالبی را در مورد زنانی که به انتخاب خود برای هدفی بالاتر رنج می‌برند، می‌شنیدند و

---

<sup>۱</sup> . Alice Paul

می‌خواندند و به این ترتیب اعتصاب‌کنندگان به جایگاه اخلاقی بالایی در نزد مردم دست پیدا می‌کردند. اعتصاب غذا مقامات دولت بریتانیا و آمریکا را همواره بر سر یک دوراهی تاکتیکی قرار می‌داد؛ اگر مسئولان زندان زندانیان را با تغذیه اجباری شکنجه می‌کردند، همدردی و حمایت عمومی از آنها افزایش می‌یافت - و اگر اعتصاب‌کنندگان را آزاد می‌کردند به آنها این فرصت را می‌دادند تا اقدامات بیشتری را در راستای آرمان‌های خود سازماندهی کنند.

چند دهه بعد و در ۱۹۸۱، مقامات ایرلند شمالی نیز پس از دستگیری اعضای ارتش جمهوری خواه موقت ایرلند<sup>۱</sup> که با چندین بمب‌گذاری ارتباط داشتند، با معضلی مشابه روبرو شدند. بابی ساندز<sup>۲</sup>، یکی از اعضای ارتش جمهوری خواه در مخالفت با شرایط غیرانسانی زندان، اعتصاب غذای گسترده و معروفی را رهبری کرد. او پس از شصت و هفت روز، به همراه ۹ نفر دیگر اعتصاب‌کنندگان از گرسنگی جان داد. ساندز نزد همگان به عنوان یکی از شهدای جنبش شناخته شد و این امر منجر به جذب نیروهای جدید برای ارتش جمهوری خواه ایرلند گردید.

سزار چاوز<sup>۳</sup>، مهاتماگاندی و دیگران از اعتصاب غذا و روزه‌گرفتن برای اعتراض به عدم نظم و انضباط مدنی جنبش‌های تحت هدایت خود استفاده می‌کردند. چاوز، یکی از سازمان‌دهندگان اصلی اتحادیه کارگران مزارع کالیفرنیا<sup>۴</sup>، برای شرمسار کردن

<sup>۱</sup> . Provisional Irish Republican Army (PIRA)

<sup>۲</sup> Bobby Sands . فیلمی با نام گرسنگی «Hunger» به کارگردانی استیو مک‌کوئین و با بازی مایکل فاسبیندر در سال ۲۰۰۸ در مورد زندگی و اعتصاب غذای مشهور بابی ساندز ساخته شده است -م.

<sup>۳</sup> César Chávez . رهبر کارگری و فعال حقوق مدنی اهل آمریکا که شناخته شده‌ترین فعال آمریکایی لاتین‌تبار در زمینه حقوق بشر و پیگیر جدی به رسمیت شناخته شدن عضویت کارگران اسپانیایی زبان در جنبش اعتراضی کارگران آمریکا بود -م.

<sup>۴</sup> . California Farm Workers Union

اعضای اتحادیه که در جریان اعتراضات خود به کشاورزان و حامیان آنها حمله کرده بودند، دست به اعتصاب غذا می‌زد. گاندی نیز مکرراً دست به اعتصاب غذا می‌زد تا به شورش‌ها و خشونت‌های ضداستعماری اعتراض کند و همچنین گروه‌های مختلف ناسیونالیست هند را تحت فشار قرار دهد تا با یکدیگر علیه حکومت استعماری بریتانیا همکاری کنند.

اعتصاب غذا باعث رنج شدید و خطر آسیب جدی، بیماری یا مرگ فرد می‌شود. اما خودسوزی از لحاظ تاریخی، تاکتیکی مرگبارتر برای آسیب رساندن به خود بوده است. واکنش در مقابل بی‌عدالتی‌های آشکار و شدید، با گرفتن جان خود - و به چنین شیوه عیان و دردناکی - دارای اثرات نمادین قدرتمندی است. این عمل می‌تواند نشان‌دهنده تعهد فداکارانه به یک هدف، توسل به وجدان اخلاقی حریف، و القاء این امر باشد که جنبش نمی‌خواهد هیچ آسیبی به حریف وارد آورد. در ۱۹۶۳ شش راهب بودایی در اعتراض به قتل عام بوداییان توسط دولت هودار کاتولیکها در ویتنام جنوبی، خود را به آتش کشیدند. این اقدام به نماد مهم عدالت خواهی در سطح بین‌المللی مبدل شد و روابط جان‌اف‌کندی را با رئیس‌جمهور ویتنام، نگو دین دیم تیره و تار کرد و انگیزه دخالت بیشتر ایالات متحده در درگیری‌های بین ویتنام جنوبی و شمالی را پس از سرنگونی دیم و ترور وی در ۱۹۶۳ فراهم کرد. بین سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۷۴ نیز، ده‌ها نفر از مردم ویتنام در اعتراض به حمایت ایالات متحده از ویتنام جنوبی، سیاست‌های سرکوبگرانه دولت ویتنام جنوبی و جنگ بین شمال، جنوب و ایالات متحده خودسوزی کردند. اعمال نمادین قدرتمندی مانند خودسوزی گاهی منجر به اشاعه و انتشار چنین اقداماتی می‌شود و مخالفان در کشورهای دیگر یا زمینه‌های اجتماعی دیگر نیز این

تکنیک را به کار می‌گیرند. برای مثال هنگامی که ایالات متّحده وارد جنگ ویتنام شد، ۹ آمریکایی تاکتیک زنده‌سوزی راهبان بودایی را در ایالات متّحده تقلید کردند - این بار، در اعتراض به تشدید بی‌امان بمباران هوایی، عملیات ضدشورش و ارسال نیرو به این کشور آسیایی. در هند بسیاری از فعالان تامیلی<sup>۱</sup> در اواسط دهه ۱۹۶۰ در اعتراض به تحمیل زبان هندی به جای زبان تامیلی، خود را زنده‌زنده سوزاندند. مخالفان ضدکمونیست در لهستان، چکسلواکی، مجارستان و رومانی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ نیز چندین موج خودسوزی را در این کشورها براه انداختند. در همین اواخر، در سال ۲۰۰۸، دولت چین جنبش تبتی‌هایی را که خواستار آزادی، دموکراسی و تعیین سرنوشت خود بودند سرکوب کرد؛ این جنبش به اشغال تبت توسط چین، ممنوعیت مناسک و آداب بودایی، و سیاست چین برای اسکان مجدد قومیت چینی‌هان<sup>۲</sup> در منطقه تبت به منظور کم‌رنگ کردن شخصیت تبتی این منطقه اعتراض می‌کرد. از آن زمان بیش از ۱۵۰ تبتی - عمدتاً راهبان، راهبه‌ها و جوانان بودایی - در اعتراض به این اقدامات خود را به آتش کشیده‌اند. خودسوزی تاکتیکی بحث‌برانگیز در تبت است. برخی از منتقدان بر این باورند که این حوادث تنها باعث افزایش سرکوب و فشار چینی‌ها شده که می‌کوشند با گسترش نظارت بر منطقه، مناسک و آداب بودایی‌هایی تبت را از میان بردارند. اما برخی دیگر استدلال می‌کنند که این تکنیک شرمساری دولت چین را به همراه خواهد داشت و نشان‌دهنده تمایل تبتی‌ها برای فداکردن جان خود به منظور بهبود وضعیت سیاسی کشورشان است - که البته قابلیت برانگیختن

<sup>۱</sup> Tamil . تامیل‌ها یکی از اقوام بومی در استان تامیل نادوی هند و شمال شرقی سریلانکا هستند. اکثر آن‌ها به زبان تامیلی سخن می‌گویند. گروه بیره‌ای تامیل در سریلانکا با هدف کسب خودمختاری و سرزمین مستقل برای این قوم فعالیت می‌کرد-م.

<sup>۲</sup> . Han Chinese

همدردی و حمایت بین‌المللی را نیز دارد. علاوه بر این خودسوزی به افراد احساس کنترل کامل بر زندگی‌شان را می‌دهد. این معترضان با تصمیم‌گیری در مورد زمان و چگونگی مرگشان و به نمایندگی و در حمایت از جامعه خود، دست به مقاومت زده و از این طریق از کنترل و سلطه دولت به روشی کاملاً مدنی و بدون خشونت می‌گریزند. همانطور که دالای لاما<sup>۱</sup> گفته است: «من فکر می‌کنم خودسوزی عملی بدون خشونت است. این افراد می‌بینید که دیگران به راحتی از بمب‌های انفجاری استفاده می‌کنند و افراد زیادی را می‌شند. اما آنها این کار را نمی‌کنند. فقط جان خودشان را فدا می‌کنند. بنابراین این نیز بخشی از مبارزات بدون خشونت محسوب می‌شود [چنین نقل شده]». [۳۸]

گاهی اوقات خودسوزی می‌تواند آتش جنبشی گسترده‌تر برای تغییر را شعله‌ور کند. در دسامبر ۲۰۱۰ در تونس، محمد بوعزیزی آپس از اینکه به دلیل فروش بدون مجوز میوه بر روی گاری جریمه شد، خود را به آتش کشید. جانفشانی وی - و بی‌عدالتی‌های اقتصادی ساختاری که انگیزه آن بود - عمیقاً در جان صدها هزار تونسی طنین‌انداز شد و آنها قیامی توده‌ای براه انداختند و بن علی<sup>۲</sup>، دیکتاتوری را که به سی و دومین سال قدرتش نزدیک می‌شد، سرنگون کردند. این اتفاق قیام کشورهای عربی [بهار عربی] را در سال ۲۰۱۰ و اوایل ۲۰۱۱ به دنبال خود داشت.

به این ترتیب خودسوزی به افراد فرصت می‌دهد که استقلال خود از کنترل و سلطه دولت را نشان دهند، بی‌عدالتی‌های تحمیل‌شده بر جامعه را به نمایش بگذارند و

---

<sup>۱</sup> . لقبی که به رهبر بوداییان تبت اطلاق می‌شود که در حال حاضر تنزین گیاتسو میباشند. وی در ۱۹۸۹ جایزه صلح نوبل را دریافت کرد-م.

<sup>۲</sup> . Mohammed Bouazizi

<sup>۳</sup> . Zine El Abidine Ben Ali



در نهایت باعث بسیج گسترده مردمی شوند. گاهی اوقات آسیب رسانی به خود باعث شرمساری و بی‌آبرویی کسانی می‌شود که هدف این اقدام هستند. و البته در پاره‌ای اوقات تأثیر اندکی دارد. مطمئناً موج خودسوزی‌های ضد جنگ در ویتنام و ایالات متحده حمایت مردمی آمریکایی‌ها از مشارکت در جنگ ویتنام را کاهش داد. اما همانند هر تاکتیک دیگری، خودسوزی و اعتصاب غذا نیز به تنهایی نتیجه چندانی نخواهد داشت. مگر اینکه کاملاً به عنوان بخشی از یک جنبش بزرگتر و در خدمت آن باشند و بتوانند به آن جنبش کمک کنند تا پایگاه حمایتی خود را گسترش دهد، در غیر این صورت اقداماتی مجزا و پراکنده باقی خواهند ماند که نمی‌توانند به تنهایی تغییری ایجاد کنند.

### تفاوت مقاومت مدنی و نافرمانی مدنی چیست؟

در نافرمانی مدنی، مردم تعمداً یک قانون را زیر پا می‌گذارند - به شکلی بدون خشونت و با این باور که قانون مورد نظر غیراخلاقی یا ناعادلانه است - و می‌دانند که در نتیجه این قانون شکنی به زندان خواهند افتاد. در صورتی که فرد بخواهد از زیر مجازات قسر در برود اقدام او نافرمانی مدنی محسوب نمی‌شود. قانون شکنی باید قابل رویت و کاملاً مشهود باشد و علناً به عنوان اعتراضی علیه آنچه بی‌عدالتی تلقی می‌شود، انجام پذیرد. و شخصی که قانون را زیر پا می‌گذارد باید کاملاً آماده این باشد که مجازات را بپذیرد و در صورت لزوم به تحمل حبس بپردازد. به عنوان مثال، زمانی که فردی به خدمت نظام فراخوانده می‌شود، اما از رفتن به خدمت سر باز می‌زند - که اغلب

به عنوان «اعتراض وجدانی»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود - و به جای آن به زندان انداخته می‌شود، دست به نافرمانی مدنی زده است، اما در صورتی که فرد برای فرار از مجازات به کشور دیگری بگریزد، کنش او نافرمانی مدنی محسوب نمی‌شود. نافرمانی مدنی می‌تواند یکی از روش‌های مقاومت مدنی باشد - اما همه جنبش‌های مقاومت مدنی لزوماً شامل نافرمانی مدنی نمی‌شوند. و اینکه فردی ممکن است بدون اینکه بخشی از یک کارزار مقاومت مدنی باشد، دست به نافرمانی مدنی بزند.

در یکی از معروف‌ترین اقدامات نافرمانی مدنی - در واقع، عملی که نام این تکنیک را روی آن گذاشت - هنری دیوید ثورو<sup>۲</sup>، دگراندیش و ساختارشکن آمریکایی، در سال ۱۸۴۶ به دلیل امتناع از پرداخت مالیات سرانه به زندان رفت. ثورو معتقد بود که این مالیات برای حمایت از جنگ آمریکا علیه مکزیک وضع شده، که وی معتقد بود جنگی غیرقانونی و غیراخلاقی است. علاوه بر این او با پرداخت مالیاتی که معتقد بود به دست دولت فدرال نژادپرست و ظالم می‌رسد مخالف بود و باور داشت که این پول صرف از حمایت و محافظت از برده‌داران می‌شود. او از اینکه هموطنان شمالی‌اش نسبت به برده‌داری و نژادپرستی بی‌تفاوت به نظر می‌رسیدند حس انزجار می‌کرد. روایتی وجود دارد که رالف والدو امرسون<sup>۳</sup>، مقاله‌نویس و همسایه ثورو، یک شب در زندان وی را

---

<sup>۱</sup> conscientious objection . اعتراض وجدانی معمولاً به دلیل عقاید شخصی یا مذهبی به خصوص مخالفت با جنگ رخ می‌دهد. از نمونه‌های اخیر و مشهور آن می‌توان خودداری جوانان آمریکایی از اعزام به جنگ ویتنام به دلیل مخالفت با سیاست‌های جنگ‌طلبانه ایالات متحده در ویتنام را نام برد-م.

<sup>۲</sup> Henry David Thoreau

<sup>۳</sup> Ralph Waldo Emerson. فیلسوف، شاعر و مقاله‌نویس آمریکایی (۱۸۰۳-۱۸۸۲) و از بنیان‌گذاران مکتب تعالی‌گرایی که باور به روح جهانشمول، عرفان و مکاشفه فردی را تعالی بخش وضعیت تجربی جهان می‌داند. از مهم‌ترین آثار امرسون «طبیعت» و «نمایندگان بشریت» است-م.

ملاقات می‌کند و از او می‌پرسد که چرا آنجاست - که ثورو در پاسخ می‌گوید: «تو چرا اینجا نیستی؟»

ثورو پس از آزادیش در مقاله‌ای برای همشهریان خود نوشت که چرا باید قوانین ناعادلانه را نقض کنند. جزوه او، «مقاومت در برابر حکومت غیرنظامی»<sup>۱</sup> توضیح می‌دهد که چرا او به جای پیروی از قانونی ناعادلانه که از نظامی ظالم و ناعادل حمایت می‌کرد، مایل بود زمانی را در زندان بگذراند.

نوشته‌های ثورو تاکنون الهام‌بخش بسیاری از مردم در سراسر جهان شده است تا از نافرمانی مدنی به عنوان بخشی از مبارزات خود برای اعتراض به بی‌عدالتی در داخل و خارج از کشورشان بهره ببرند.

### آیا هکتیویسم دیجیتال نوعی مقاومت مدنی محسوب می‌شود؟

«هکتیویسم»<sup>۲</sup> - هم اصطلاح و هم اقداماتی که توصیف می‌کند - در اواسط دهه ۱۹۹۰ ظهور کرده و به معنای استفاده از فناوری‌های دیجیتال جهت پیگیری اهداف سیاسی جمعی است. همانطور که در اینجا بررسی می‌شود، هکتیویسم اشکال مختلفی دارد.

برای بسیاری از مردم، هکتیویسم به عنوان یک کنش سیاسی مسئله‌ای بحث‌برانگیز است، زیرا کنشگر می‌تواند به صورت ناشناس و فردی و بدون نیاز به پاسخگویی به ساختار جنبشی گسترده‌تر دست به مبارزه سیاسی بزند. علاوه بر این هکتیویسم اغلب جدا از اهداف سیاسی جمعی به نظر می‌رسد و در اغلب اوقات در

---

<sup>۱</sup> Resistance to Civil Government . این اثر با عنوان نافرمانی مدنی توسط نشر قطره و با ترجمه غلامعلی

کشانی به فارسی ترجمه شده است - م.

<sup>۲</sup> Hacktivism . معادل فارسی آن رخنه‌کنشگری یا رخنشگری است - م.

قالب نوعی آزار و اذیت آنلاین یا فعالیت مجرمانه سازمان یافته ظاهر می شود تا عملی در راستای سازماندهی مؤثر یک جنبش.

بیش از بیست سال پیش، نائومی کلاین<sup>۱</sup>، فعال و نویسنده کانادایی اظهار کرد که اگر کسانی که هکتیویسم را اجرا می کنند، با کمپین های بین المللی گسترده تر حقوق بشر ادغام شده و با آنها هماهنگ باشند، این شیوه مبارزاتی می تواند مشروعتر و مؤثرتر عمل کند. او در ۱۹۹۸ نوشت:

تصور کنید هکرهای کامپیوتری، کلاه شق های دنیای شبکه، ناگهان به فعالان سیاسی پایبند اصول و معتقد تبدیل می شدند؛ این اتفاق در صورتی رخ می داد که این افراد به جز شکستن حصارهای امنیتی و نفوذ، مأموریت دیگری هم داشته باشند، در صورتی که چیزی بیشتر از این داشته باشند که ثابت کنند از کسی که سیستم کامپیوتر شما را طراحی کرده باهوش ترند، و در صورتی که اهداف آنها بخشی از کارزارهای بین المللی و سازمان یافته حقوق بشری بود و کاملاً حساب شده انتخاب می شد. [۳۹]

مطمئناً، فعالان اجتماعی و مبارزان می توانند از اینترنت، به عنوان بخشی از جنبش مبارزاتی خود برای تغییر اجتماعی استفاده کنند- مانند دوران انقلاب سودان، که طی آن عکس های پروفایل فیس بوک و توییت خود را برای ابراز همبستگی با فعالان سودانی به رنگ آبی تغییر دادند، یا در جریان انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱ که طی آن فعالان از فیس بوک برای هماهنگی و سازماندهی رویدادها استفاده کردند.

اما هکتیویسم آنطور که در بیست سال گذشته انجام شده، اغلب چنین تأثیراتی را نداشته است. بیابید به طور خاص به سه شکل هکتیویسم نگاهی بیندازیم: دسترسی

---

<sup>۱</sup> . Naomi Klein

به اسناد خصوصی و انتشار آنها، نقض سرویس توزیع شده<sup>۱</sup> یا محروم‌سازی سرورها از سرویس و در آخر داکسینگ<sup>۲</sup> یا افشاسازی اطلاعات.

## هک و انتشار اسناد محرمانه

اکثر محققان مقاومت مدنی می‌گویند هک کردن یک سرور خصوصی برای افشای اطلاعات مربوط به فسادهای حکومتی می‌تواند مقاومت مدنی به حساب آید تا زمانی که دو شرط اصلی رعایت شود؛ اولاً، آنچه افشا می‌شود به منافع عمومی مربوط باشد. دوم، اینکه انتشار اسناد تنها یک اقدام مشخص در کارزاری گسترده‌تر باشد که شامل روش‌هایی دیگر با هدف دستیابی به نتیجه‌ای خاص است. به طور کلی، افشای اطلاعات در جهت منافع عمومی می‌تواند شکل قدرتمندی از مقاومت مدنی باشد. به عنوان مثال در سال ۱۹۷۱، دانیل السبرگ<sup>۳</sup>، تحلیلگر نظامی، اسنادی از پنتاگون را در اختیار نیویورک تایمز و واشنگتن پست قرار داد مبنی بر اینکه مشاوران رئیس‌جمهوران وقت ایالات متحده<sup>۴</sup>، برای سال‌ها می‌دانستند که جنگ این کشور در ویتنام فاجعه‌بار و غیرقابل پیروزیست - و با این حال به اعزام نیرو به این کشور ادامه می‌دادند. انتشار این اطلاعات به عنوان بخشی از جنبش گسترده‌تر ضد جنگ، فضای مباحث سیاسی را تغییر داد و به آمریکایی‌ها کمک کرد تا بهتر بفهمند که واقعاً چه اتفاقاتی در اطرافشان در جریان است. السبرگ بر اساس قانون ضد جاسوسی<sup>۵</sup> در سال ۱۹۷۳ متهم شناخته

<sup>۱</sup> . distributed denial of service (DDoS)

<sup>۲</sup> . doxxing

<sup>۳</sup> . Daniel Ellsberg

<sup>۴</sup> . در دوران جنگ ویتنام لیندون. بی. جانسون و ریچارد نیکسون رئیس‌جمهوران ایالات متحده بودند-م.  
<sup>۵</sup> Espionage Act . قانونی در ایالات متحده که توسط رئیس‌جمهور وودرو ویلسون در سال ۱۹۱۷ و اندکی پس از ورود ایالات متحده به جنگ جهانی اول تصویب شد و طبق آن، انتقال اطلاعات به نیت مداخله در عملیات ارتش

شد، اما بعدتر به قید وثیقه آزاد شد. اگرچه او به افشای اطلاعات اعتراف کرد و حاضر بود دوران محکومیتش را سپری کند، اما یک قاضی فدرال به دلیل اقدامات غیرقانونی تحقیقاتی علیه السبرگ اتهامات وارد شده به وی را مردود اعلام کرد. اقدامات او را می‌توان به راحتی به عنوان بخشی از یک کارزار گسترده‌تر مقاومت مدنی طبقه‌بندی کرد: یک جنبش نیرومند ضد جنگ که در آن زمان در ایالات متحده در جریان بود.

هک یکباره و مقطعی اسنادی که افشاگر فساد هستند را نیز می‌توان مقاومت مدنی محسوب کرد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰، چلسی منینگ<sup>۱</sup>، تحلیلگر اطلاعاتی ارتش ایالات متحده، برخی از اسناد طبقه‌بندی شده این کشور درباره جنگ‌های افغانستان و عراق را منتشر کرد. وی در سال ۲۰۱۳ به اتهامات اصلی خود اعتراف کرد. از این رو این اقدام وی را می‌توان در زمره نافرمانی مدنی قرار داد. اما افشاگری وی بخشی از یک کارزار گسترده‌تر مقاومت مدنی نبود که در آن زیرساخت و شالوده یک جنبش، آماده استفاده از انتشار اطلاعات به عنوان بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای رسیدن به هدفی خاص باشد.

اگر افشای اطلاعات افراد را در معرض آسیب فیزیکی و جانی قرار دهد - به عنوان مثال، با افشای منابع و روش‌های عملیات اطلاعاتی که می‌تواند منجر به کشته شدن افراد شود - این اقدام مقاومت مدنی محسوب نمی‌شود، چرا که متضمن آسیب فیزیکی یا تهدید به آن علیه افراد است. اتهام بحث‌برانگیزی که علیه ادوارد اسنودن<sup>۲</sup>، تحلیلگر امنیتی سابق ایالات متحده که در سال ۲۰۱۳ هزاران صفحه از اسناد محرمانه اطلاعاتی

---

ایالات متحده یا استخدام و بکارگیری نیروهای نظامی باهدف افشای اطلاعات مرتبط با دفاع ملی یا افزایش امکان موفقیت دشمنان کشور، جرم محسوب می‌شود - م.

۱. Chelsea Manning

۲. Edward Snowden

این کشور را فاش کرد، مطرح شد این بود که این افشاگری امنیت مأموران اطلاعاتی و عوامل این کشور را به خطر می اندازد. البته در کل، دولت‌ها همواره اغلب کوشیده اند افشاگران را بی اعتبار کرده و بدنام جلوه دهند<sup>۱</sup>.

### حملات محروم‌سازی سرورها از سرویس

حملات DDoS یا محروم‌سازی سرورها از سرویس با ارسال سیلی از ترافیک سیستمی، سرویس اینترنتی اهدافی خاص را مختل می‌کند - تا حدی که سرور، شبکه یا سرویس را از کار بیندازد. هنگامی که این حملات باموفقیت انجام می‌شوند، سیستم‌های هدف به طور موقت از کار می‌افتند. حملات DDos می‌توانند بخشی از یک کارزار گسترده‌تر باشند. انقلاب سودان ۲۰۱۸-۲۰۱۹ را در نظر بگیرید، زمانی که ائتلاف گسترده‌ای از فعالان دموکراسی خواه، علیه دیکتاتور، عمر البشیر<sup>۲</sup> قیام کردند و او را پس از سه دهه در قدرت سرنگون کردند. در جریان مبارزات چندین گروه

---

<sup>۱</sup> از جمله موارد اخیر و معروف افشای اسناد و اطلاعات محرمانه، جولیان آسانژ، روزنامه نگار و کنشگر اینترنتی سوئدی و بنیان‌گذار سازمان وبگاه غیرانتفاعی و بین‌المللی ویکی‌لیکس است که در طول فعالیت خود به افشای اسنادی از قبیل کشتارهای غیرقانونی در کنیا، اسناد طبقه‌بندی‌شده مرتبط با درگیری آمریکا در جنگ‌های عراق و افغانستان و کشتار غیرنظامیان در این جنگ‌ها پرداخت. وی در سال ۲۰۱۱ در دادگاهی در بریتانیا، برای استرداد به سوئد به منظور پاسخ به اتهامات جنسی که خود آنها را بی‌پایه و بی‌اساس می‌داند، حضور یافت. در سال ۲۰۱۲ آسانژ از ترس دستگیری و تحویل به آمریکا به سفارت اکوادور پناهنده شد و تا سال ۲۰۱۹ در سفارت این کشور در لندن اقامت داشت. در ۲۳ می ۲۰۱۹، دولت ایالات متحده آسانژ را به نقض قانون جاسوسی سال ۱۹۱۷ متهم کرد. در ۱۱ آوریل همان سال پلیس بریتانیا با همدستی سفیر اکوادور وی را در محوطه سفارت دستگیر کرد. در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۱، دیوان عالی لندن حکم داد که آسانژ برای بررسی اتهاماتش به ایالات متحده بازگردانده می‌شود و در ادامه نیز در خواست تجدید نظر آسانژ از سوی دادگاه عالی بریتانیا رد شد. در صورت استرداد وی به آمریکا آسانژ با احتمال ۱۷۵ سال زندان روبروست - م.

<sup>۲</sup> . Omar al-Bashir

هکتیویست (رخنه‌گر) - با نام‌های هکرهای جوخه ارواح<sup>۱</sup>، ارتش سایبری سودان<sup>۲</sup>، و گروهی مستقر در برزیل با نام پریزراکی<sup>۳</sup> - وب‌سایت‌های دولتی سودان را از طریق حملات DDoS هدف قرار دادند. به عنوان مثال، در فوریه ۲۰۱۹، هکرهای جوخه ارواح حملات DDoS را علیه اتاق بازرگانی سودان، وزارت نفت و گاز، وزارت کشور و دفتر ریاست جمهوری این کشور عملیاتی کردند. در ماه مارس، گروه آنانیموس<sup>۴</sup> یک حمله DDoS دیگر را به وب‌سایت‌های دفتر رئیس‌جمهور سودان کلید زد و این وب‌سایت‌ها را به روش‌هایی توهین‌آمیز و خفت‌بار تغییر داد. آنانیموس همچنین حملاتی مشابه را علیه وزارت کار سودان، اداره مرکزی آمار، وزارت کشاورزی، پلیس ملی سودان و چندین رسانه و وب‌سایت دولتی محلی این کشور به انجام رساند. تنها در ۶ آوریل، هکرها بیش از ۲۵۰ دامنه اینترنتی سودان را با حملات محروم‌سازی از سرویس مورد هدف قرار دادند. [۴۰] هیچ‌کس اطمینان ندارد که آیا این فعالیت‌ها تأثیرات مستقلى بر انقلاب مردم سودان داشته‌اند یا خیر، و همچنین مشخص نیست که آیا هکرها با هیچ‌یک از گروه‌های مبارز سودانی هماهنگی و همکاری داشته‌اند یا خیر. در آن زمان، صدها هزار

---

<sup>۱</sup> . Ghost Squad Hackers

<sup>۲</sup> . Sudan Cyber Army,

<sup>۳</sup> . Pryzraky

<sup>۴</sup> Anonymous . به معنای ناشناس یا گمنام، یک گروه و جنبش فعال هکری بین‌المللی و غیرمتمرکز است که از متخصصان امنیت شبکه‌های کامپیوتری کشورهای مختلف تشکیل شده و عمدتاً به دلیل حملات سایبری مختلف خود علیه دولت‌ها، نهادهای و سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها و کلیسای ساینتولوژی شناخته شده است. این گروه در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد و اعضای آن معمولاً در مکان‌های عمومی از ماسک‌های گای فاکس در فیلم انتقامجو (V for Vendetta) استفاده می‌کنند. از جمله حملات آنها می‌توان به حمله به شرکت‌های پی‌بال و مستر کارد و ویزا کارد، حمله به وبسایت‌های داعش، وبسایت‌های دولتی ترکیه، وبسایت سازمان ملل و وب‌سایت‌های دولت روسیه پس از حمله به اوکراین نام برد-م.



نفر از مردم سودان در اعتراض به ریاست جمهوری البشیر در خیابان‌ها بودند و در پایان موفق به خاتمه آن شدند.

حملات محروم‌سازی از سرویس را می‌توان معادل آنلاین روشی دانست که جنبش‌های مقاومت مدنی اغلب از آن استفاده می‌کنند: هجوم یکباره به ادارات یا ارگانهای دولتی. در مراحل اولیه جنبش حقوق مدنی ایالات متحده، فعالان مبارز پشت پیشخوان رستوران‌ها و کافه‌ها می‌نشستند و از پیشخدمت‌هایی که به آنها گفته شده بود تنها می‌توانند به سفیدپوستان سرویس بدهند می‌خواستند که یک فنجان قهوه به آنها بدهند. این کنشگران معمولاً داوطلبانه در تعداد زیاد دستگیر می‌شدند تا از این طریق سلول‌های زندان را پر کرده و مراحل دادگاه را با حضور پرتعداد خود تحت تأثیر قرار دهند و به این ترتیب وقت و هزینه مقامات محلی را بالا ببرند. در سال ۲۰۱۱، آژانس رفاه کودکان دولت روسیه فرزندان یکی از کنشگران این کشور را با اتهام بی‌توجهی به کودکان و در پاسخ به فعالیت‌های سیاسی وی، با خود بردند. در مقابل، اعضای جنبش مرتبط با وی با تماس‌های تلفنی مکرر و اعتراض در بیرون ساختمان، دفاتر اداری خدمات حمایت از کودکان را مورد هجوم خود قرار داده و خواستار بازگشت کودکان برده شده شدند. مدیر آژانس که از آزارواذیت کنشگران به ستوه آمده بود، بچه‌ها را به مادرشان بازگرداند.

از حملات DDoS نیز می‌توان به روش‌های مشابهی استفاده کرد. به طور کلی تا زمانی که مبارزان سیستم‌های اداری-حکومتی را که اخلاص در آنها می‌تواند منجر به آسیب بدنی یا مرگ فرد شود، هدف قرار ندهند- برای مثال از اخلاص در خدمات اضطراری [آتش نشانی و امثالهم]، شبکه‌های ترافیکی، شبکه‌های توزیع برق، سیستم مراقبت‌های بهداشتی و غیره اجتناب کنند- اخلاص در فعالیت سیستم‌های اداری-حکومتی می‌تواند به نحوی انجام شود که با مقاومت مدنی سازگار باشد، [البته با تاکید

مجدد بر اینکه] تا زمانی که فرد در نتیجه آن آسیب فیزیکی نبیند و این اقدامات به عنوان بخشی از راهبردهای یک جنبش گسترده‌تر صورت بگیرد. رویهم‌رفته حملات محروم‌سازی از سرویس می‌تواند یکی از ابزارهای جعبه مقاومت مدنی باشد که احتمالاً بیش از سایر تکنیک‌های هکتیویستی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

البته قطعاً تمامی گروه‌های هکتیویست به شیوه‌ای سازگار با مقاومت مدنی به عنوان یک تکنیک عمل نمی‌کنند. بسیاری از آنها خود را در سایه مخفی نگه می‌دارند و تنها تا حدودی (اگر نگوییم اصلاً) به یک جنبش گسترده‌تر یا فعالیت‌های مردمی محلی وابسته هستند و اقدامات خود را با پاسخگویی اندکی در قبال دیگران به انجام می‌رسانند. برای مثال در سال ۲۰۱۳، گروه آنانیموس از طریق یک حمله DDoS، سرورهای سی وب‌سایت دولتی فیلیپین را مورد هجوم خود قرار داد تا از این طریق توجه را به فساد در این کشور جلب کند. اگرچه این اقدام توجه برخی رسانه‌ها را به خود جلب کرد، اما هیچ نشانه‌ای مبنی بر هماهنگی این گروه با افرادی که در این کشور زندگی می‌کردند و ممکن است روایت خود را برای گفتن داشته باشند، وجود نداشت [۴۱].

### **افشاگری یا انتشار اطلاعات خصوصی برای شرمساری، آزار و مجازات افراد**

سومین روش هکتیویسم یا رخنه‌گری که ما در نظر داریم، داکسینگ یا افشاگری است که در واقع تکنیکی است که در آن هکرها اطلاعات خصوصی هدف مورد نظر خود را معمولاً در اینترنت رسانه‌ای می‌کنند. اطلاعات به اشتراک گذاشته شده اغلب شامل اطلاعات حساب بانکی، آدرس منزل، فیلم‌ها، عکس‌ها یا ایمیل‌های خصوصی؛ و نیز اطلاعات کارفرمایان است. بسیاری از مردم داکسینگ را با انتقام‌گیری شخصی مرتبط می‌دانند- رسواسازی یا آزار و اذیت افراد برای تسویه حساب‌های شخصی. اما داکسینگ کاربردهای سیاسی نیز دارد که فعالان از آن برای افشای فساد، جزئیات

رسوایی‌های رمانتیک [معمولاً مقامات]، یا علنی‌سازی اطلاعات تماسی استفاده می‌کنند که به فعالان اجازه می‌دهد با منازل دشمنان خود تماس بگیرند، به آنها ایمیل بزنند یا در مقابل منازلشان دست به اعتراض بزنند. برای مثال، فعالانی که اطلاعات رهبران سیاسی را افشا می‌کنند، غالباً می‌گویند که به دنبال افشای اعمال نادرست و تخلفات آنها هستند—یا صرفاً برای ایجاد ناراحتی یا شرمسارکردن دشمنان سیاسی خود به منظور تغییر رفتارشان چنین می‌کنند. با این حال منتقدان داکسینگ آن را نوعی آزار و اذیت و تعرض می‌دانند، چرا که شرمسارسازی علنی یک فرد غالباً تنبیهی و تلافی‌جویانه به نظر می‌رسد. از آنجایی که از طریق داکسینگ اطلاعات محل سکونت، شغل، و اعتقادات شخصی افراد افشا می‌شود، شخص دیگری می‌تواند از این اطلاعات برای حمله فیزیکی یا کشتن این افراد استفاده کند و از این‌رو ممکن است مرز بین مقاومت بدون خشونت و خشونت‌آمیز در این روش محو شود.

داکسینگ در فهرست روش‌های مقاومت مدنی جین شارپ نیست، اگرچه طرد اجتماعی و «تعقیب مداوم»<sup>۱</sup> افراد در این فهرست قرار دارد. داکسینگ را می‌توان ترکیب دیجیتال‌ی دو روش گفته شده نامید از آن‌رو که شخصی که مورد افشاگری قرار گرفته است اغلب ماه‌ها یا بیشتر در رسانه‌ها مورد آزار و اذیت و شرمساری قرار می‌گیرد، تا جایی که در نهایت مجبور می‌شود پس از تهدید به حمله فیزیکی، تجاوز جنسی یا مرگ خود را از چشم انظار عموم پنهان کند. در این روش نیز چگونگی و چرایی افشاگری از سوی فعالان اجتماعی، در اینکه آیا این چنین اقدامی مقاومت مدنی محسوب می‌شود یا خیر، تفاوت ایجاد می‌کند. اگر فعالان با افشاگری در مورد افراد به خاطر رفتار و عملکردشان، منجر به تخریب وجهه عمومی و طرد این افراد در جامعه شوند—و اگر این

---

۱. haunting

فقط به طرد اجتماعی منجر شود- می توان آنرا مقاومت مدنی به حساب آورد. اما اگر فرد با هدف آسیب رساندن به فردی دست به افشاگری رسانه‌ای علیه او بزند- به عنوان مثال، با انتشار آدرس منزل شخصی فرد همراه با نفرت پراکنی‌هایی که می‌تواند خشونت علیه وی را تشویق کند- این اقدام را نمی‌توان مقاومت بدون خشونت تلقی کرد. در کل حتی اگر جنبش قصد آسیب رساندن به فرد بی‌آبرو شده را نداشته باشد، این روش می‌تواند متغیر و ناپایدار باشد؛ کنترل اینکه دیگران چگونه در پاسخ به افشاگری‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند، غیرممکن است.

داکسینگ معادل آنالین تاکتیکی است که مدتها مورد استفاده قرار می‌گرفته است: انتشار پوسترها و خبرنامه‌هایی که حاوی اطلاعات خصوصی دشمنان جنبش بودند. برای مثال در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، فعالان ضد سقط جنین در ایالات متحده، اسامی، آدرس‌ها و شبکه‌های حرفه‌ای پزشکانی را که سقط جنین انجام می‌دادند، به طور گسترده‌ای منتشر کردند و روی اعلامیه‌ها به شکل انگشت‌نمایی واژه «تحت تعقیب» را چاپ کرده بودند. در نتیجه چندین پزشک در کلینیک یا منازل خود به قتل رسیدند. بسیاری دیگر نیز با تلاش‌های متعددی برای قتل، بمب‌گذاری و حملات آتش‌افروزی علیه کلینیک‌ها و کارکنان خود مواجه شدند. بسیاری از ناظران بر این باور بودند که این اعلامیه‌ها، همراه با لفاظی‌های گسترده و وسیع جنبش ضد سقط جنین که استدلال می‌کردند پزشکان سقط جنین به معنای واقعی کلمه کودکان را می‌کشند، خشونت علیه این پزشکان را تحریک می‌کرد. با این حال، هیچ‌کدام از منتشرکنندگان این اعلامیه‌ها به هیچ جرمی متهم نشدند.

اخیراً در ایالات متحده، فعالان ضدفاشیست علیه افرادی که بیشتر ارتباطات آنها با گروه‌های نئونازی برملا نشده نبوده، دست به افشاگری زدند؛ این تلاش‌های کمابیش هماهنگ با هدف نشان دادن روابط و وابستگی‌های سازمانی این افراد به عموم مردم

انجام می‌شد تا هم از نظر اجتماعی و هم اقتصادی برای این افراد هزینه به همراه داشته باشد. برخی از کسانی که به این روش مورد هدف قرار گرفتند، شغل خود را از دست داده و از سوی دوستان، خانواده یا جوامع خود طرد شدند. آنتی فاشیست‌ها استدلال می‌کنند که افشای علنی این دست روابط و وابستگی‌ها، شفافیت اطلاعات را تضمین می‌کند و فشار اجتماعی مشروعی را بر افرادی با دیدگاه‌های خشونت‌طلب و مذموم وارد می‌آورد. در نتیجه، اکثر فعالان ضدفاشیست داکسینگ را معادل تلاش‌هایی در راستای تعقیب بی‌امان نازی‌ها پس از هولوکاست می‌دانند، که به نحوی غیرخشونت‌آمیز افرادی که با فاشیسم مرتبط بودند را رسوا می‌کرد. [۴۲] داکسینگ ضدفاشیستی بخشی از تلاش گسترده‌تر برای برجیدن تمامی مکان‌های عمومی است که فاشیست‌ها از طریق آنها می‌توانند به سازماندهی خود پرداخته یا سخنرانی‌های خود را ایراد کنند. آنتی فاشیست‌ها با ردیابی محل‌های تجمع راست‌گرایان افراطی و سفیدپوستان ناسیونالیست، اغلب خود را درگیر مبارزات خیابانی، راه‌بندان‌ها و روش‌های دیگر برای برهم زدن تریبون‌های آنها می‌کنند. بسیاری از ضدفاشیست‌ها بر این باورند که هدف حذف فاشیست‌ها از اذهان عمومی آنقدر اهمیت دارد که هر وسیله‌ای را می‌تواند توجیه کند.

با اینحال داکسینگ تنها به گروه‌های ضدفاشیست محدود نمی‌شود. در چند سال گذشته، گروه‌های راست افراطی مانند پسران مغرور<sup>۱</sup> نیز شروع به استفاده از تکنیک‌های داکسینگ علیه مخالفان خود، از جمله فعالان ضدنژادپرستی و ضدفاشیسم کرده‌اند.

---

<sup>۱</sup> Proud Boys. یک گروه فاشیستی و نئوفاشیستی راست‌گرای افراطی مردانه است که خشونت سیاسی را ترویج می‌کند. مقر این گروه در ایالات متحده بوده اما در کشورهای دیگر مانند استرالیا، کانادا و بریتانیا هم فعالیت دارد. این گروه در حمله ششم ژانویه ۲۰۲۱ به کاپیتول یا کنگره ایالات متحده دست داشت. کشورهای نظیر کانادا و نیوزلند پسران مغرور را گروهی تروریستی اعلام کرده‌اند-م.

افرادی که در اعتراضات عدالت نژادی در ایالات متحده در تابستان ۲۰۲۰ شرکت کردند، با برخوردهای آزاردهنده و تهدیدآمیز متعددی از طریق داکسینگ روبرو شدند. گروه‌های راست افراطی که خشونت را تمجید می‌کنند، در استفاده از این تاکتیک برای آزار و اذیت و ارباب افراد مرتبط با گروه‌های چپ هیچ محدودیتی پیش روی خود احساس نمی‌کنند.

### آیا اکثر افراد درگیر در کارزارهای بدون خشونت صلح طلب هستند؟

معمولاً نه. اگر یک جنبش و اهداف آن بتواند افراد زیادی را به خود جذب کند، در میان آنها قطعاً تنها تعداد اندکی صلح طلب را می‌توان یافت. الزام به اینکه همه شرکت‌کنندگان یک کارزار صلح طلب باشند، عملاً تضمین این امر است که جنبش کوچک باقی خواهد ماند. اما یکی از دلایل استفاده از مقاومت مدنی به جای توشل به خشونت این است که جنبش‌های مقاومت مدنی زمان و منابع کمتری را صرف متقاعد کردن حامیان بالقوه خود می‌کنند تا نشان دهند اقداماتشان اخلاقی و عادلانه است. مردم را می‌توان متقاعد کرد که مقاومت بدون خشونت مؤثرتر از اعمال خشونت است و به این ترتیب موافقت آنها را برای کنار گذاشتن خشونت جلب کرد. جنبش‌های مدنی توانسته‌اند با سازماندهی و رهبری ماهرانه خود و بدون اینکه هیچ صلح طلب سفت و سختی را در میان خود داشته باشند، نظم و انضباط بدون خشونت را حفظ کنند.

حتی گاندی، پرچمدار مقاومت مدنی نیز صلح طلبی تمام عیار نبود. معروف است که وی معتقد بود که اگر انتخاب بین خشونت و تسلیم و انقیاد در برابر ظلم باشد، مردم باید خشونت را انتخاب کنند. او در سال ۱۹۲۷ در روزنامه هند جوان<sup>۱</sup> نوشت «اعتقاد من

---

۱. Young India

به خشونت‌پرهیزی به عنوان نیرویی بسیار فعال است. در این روش جایی برای بزدلی یا حتی ضعف وجود ندارد. این امید وجود دارد که انسانی خشونت‌طلب روزی بدون خشونت شود، اما به یک ترسو هیچ امیدی نیست» [۴۳] با این حال گاندی متعهد به استفاده از مقاومت غیرخشونت‌آمیز بود- و ناتوانی خود در متقاعدکردن هر هندی نسبت به قدرت معنوی و سیاسی مقاومت بدون خشونت را یک شکست می‌دانست.

مقاومت مدنی و «مدنیّت» چه ارتباطی باهم دارند؟

این مفاهیم اساساً به هم ارتباطی ندارند. «مدنیّت» اغلب به معنای ادب، احترام و مدارا نسبت به عقاید و دیدگاه‌های دیگران است. اما مقاومت هیچ‌کدام از این مفاهیم را شامل نمی‌شود. واژه «مدنی» در اینجا به شخصیت جمعی و مدنی یک جنبش اشاره دارد- و به محدودیت‌هایی که می‌تواند داشته باشد.

مقاومت بدون خشونت اقدامی مدنی ست- اقدامی که شهروندان یا اعضای یک جامعه مشترک را در برمی‌گیرد. مردم به شیوه‌ای جمعی از این روش برای بیان ادعاهای خود، روشن‌گری در مورد بی‌عدالتی‌ها و طرح مطالبات عمومی استفاده می‌کنند. مقاومت مدنی زمانی مؤثر است که مردم به طور جمعی از آن بهره برده و ادعاهای خود پیرامون این‌که جامعه یا ملت چگونه باید با اعضای خود رفتار کند را از آن طریق مطرح کنند. این نکته این اقدامات را از اقدامات فردی مقاومت و اعتراض متمایز می‌کند- که می‌توانند الهام‌بخش دیگران باشد، اما به ندرت می‌توانند به خودی خود تغییری ایجاد کنند.

دوم اینکه مقاومت مدنی روشی است که محدودیت‌هایی را برای تاکتیک‌های خود می‌پذیرد و استفاده از خشونت را رد می‌کند. این شیوه از مبارزه با روش‌های غیرنظامی و نه نظامی انجام می‌شود. مبارزان مدنی می‌توانند اختلال‌آفرین باشند، مانند زمانی که با مسدودکردن یک بزرگراه از عبور و مرور در آن جلوگیری می‌کنند. یا ممکن است از

روش های ظریف تری استفاده کنند، مانند وقتی که فردی پس از اینکه سربازی از ارتش اشغالگر آدرس نزدیک ترین فروشگاه را از وی سؤال می کند، تظاهر به نادانی می کند. این قبیل مبارزان خشونت طلب نیستند. آنها سلاح حمل نمی کنند. دیگران را تهدید به خشونت نمی کنند. آنها مخالفان خود را با مهارت ها و مانورهای سیاسی خود شکست می دهند و نه از طریق ترور یا قدرت نظامی.

بسیاری از کمپین های مقاومت مدنی برای بالانگه داشتن روحیه مبارزان و اجتناب از متهم شدن به ایجاد بی نظمی یا تحریک خشونت، مراقب هستند تا از هر گونه تاکتیکی که ممکن است آشوبگرانه یا نامشروع به نظر برسد، دوری کنند. چنین جنبش هایی با استفاده از تاکتیک های بدون خشونت متعهد، همراه کردن گروه های بزرگ و متنوعی از شرکت کنندگان و اصرار مکرر بر صلح آمیز بودن خود، تأکید می کنند که به هیچ وجه مایل نیستند صدمه ای به مخالفان خود برسانند. در عین حال امتناع آنها از عقب نشینی، حتی در صورت تحمیل هزینه های شخصی بر افراد شرکت کننده، بر امتناعشان از پذیرش سوءاستفاده، ظلم و انقیاد صحه می گذارد. عدم خروج از این چارچوب های دقیق و مشخص منجر به این می شود که برخی از ناظران یا جناح های سیاسی این گونه جنبش ها را متهم کنند که به اندازه کافی رادیکال یا هنجارشکن نیستند که بتوانند تغییری بیافرینند یا اینکه هرکاری هم که انجام می دهند، باز هم به اندازه کافی جامعه را متحول نمی کنند.

با اینحال مقاومت مدنی می تواند حتی زمانی که آشکارا بدون خشونت است، بسیار هنجارشکن و ستیزه جویانه باشد. هیچ ویژگی مؤدبانه یا مطیعانه یا درموافقت با وضعیت موجود در مورد دانشجویان سیاهپوستی که پیشخوان های صرف ناهار



مخصوص سفیدپوستان را در وولورث<sup>۱</sup> در گرینزبورو<sup>۲</sup>، کارولینای شمالی در ۱۹۶۰ اشغال کردند، وجود نداشت؛ اقدامی که جرّقه اقدامات مخالف آمیز و جسورانه مشابهی را در سرتاسر جنوب برانگیخت. چنین اقدامات واضحاً خطرناک اما کاملاً مسالمت آمیزی، نیرو و شتاب عظیمی را برای جنبش حقوق مدنی ایالات متّحده به ارمغان آورد که در نهایت روابط [نا برابر] نژادی را در جنوب این کشور تغییر داد. این تحوّل در اواسط دهه ۱۹۶۰ متوقّف شد؛ و نژادپرستی نهادی و ساختاری سر جای خود باقی ماند. تحوّل اجتماعی تلاشی یکبار برای همیشه نیست. تکرار و ممارست فراوان نسل‌ها مورد نیاز است. و این واقعیت که نابرابری نژادی به طور کامل ریشه‌کن نشده است را نمی‌توان به دلیل استفاده جنبش حقوق مدنی ایالات متّحده از مقاومت غیرخشونت آمیز و نه مسلّحانه برای پایان دادن به تبعیض نژادی منبعت از قوانین جیم کرو<sup>۳</sup> دانست.

در واقع مقاومت مدنی - از جمله در جنوب ایالات متّحده در اواسط قرن بیست - بارها و بارها و در شرایطی که قیام‌های مسلّحانه شکست می‌خوردند، توانست با هزینه بسیار کمتری برای جان انسان‌ها، تغییرات چشمگیری به وجود آورد.

### تفاوت بین کارزار مقاومت مدنی و جنبش اجتماعی چیست؟

یک کارزار مردم را برای مدّت محدودی بسیج می‌کند و از مجموعه‌ای از روش‌های هماهنگ برای دستیابی به هدفی مشخص استفاده می‌کند. همانطور که پیشتر بحث کردیم، این شیوه‌ها روش‌هایی اخلاص‌آفرین مانند اعتصاب، اعتراض، تحصّن، تحریم و سایر اشکال عدم همکاری هستند - خارج از روش‌های معمول در نظام موجود برای

<sup>۱</sup> . Woolworth

<sup>۲</sup> . Greensboro

<sup>۳</sup> . به پاورقی صفحه ۲۲ مراجعه شود

تعامل و مشارکت سیاسی یا اقتصادی نظیر پیوستن به یک حزب، نامزدی در انتخابات، امضای طومار و غیره. جنبش‌های اجتماعی می‌توانند کارزارهایی را رهبری و هدایت کنند، اما کارزارها می‌توانند خارج از جنبش‌های اجتماعی سازمان‌یافته نیز اتفاق بیفتند. برای مثال جنبش حقوق مدنی آمریکا شامل کمپین‌های مختلفی بود، مانند بایکوت اتوبوس‌های مونتگومری<sup>۱</sup>، کارزار رفع تبعیض نژادی نشویل<sup>۲</sup>، و سواری‌های آزادی<sup>۳</sup>. گروه‌های مدنی در یک کمپین معمولاً خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند، برای تغییر فشار می‌آورند و سپس به همان سرعتی که دور یکدیگر جمع شده‌اند، منحل می‌شوند. برای مثال برخی استدلال کرده‌اند که انقلاب کرامت<sup>۴</sup> تونس در سال‌های ۲۰۱۰-

---

<sup>۱</sup>. کمپین اعتراضی سیاسی و اجتماعی علیه جداسازی نژادی در سیستم حمل و نقل عمومی شهر مونتگومری در ایالت آلاباما آمریکا از رویدادهای کلیدی جنبش حقوق مدنی سیاه‌پوستان آمریکا در سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۸ به‌شمار می‌رود. جرقة این بایکوت پس از این زده شد که در اول دسامبر ۱۹۵۵ رزا پارکس سیاه‌پوست حاضر نشد صندلی خود را به یک سفید پوست بدهد- در صورتی که طبق قوانین ایالتی باید چنین می‌کرد- و در نتیجه دستگیر شد. در نتیجه این بایکوت ۳۸۱ روزه، دادگاه عالی آمریکا حکمی صادر کرد مبنی بر این که جداسازی نژادی در اتوبوس‌ها در آلاباما و مونتگومری مغایر با قانون اساسی آمریکا است و باید لغو شود-م.

<sup>۲</sup>. کارزاری که علیه جداسازی نژادی در ناهارخوری‌های نشویل در ایالت تنسی آمریکا صورت گرفت و تا ۱۹۶۰ به طول انجامید. این کارزار بخشی از جنبش گسترده‌تر تحضّن پشت پیشخوان ناهارخوری‌ها بود که در سرتاسر ایالات جنوبی در مخالفت با تبعیض نژادی گسترش یافته بود-م.

<sup>۳</sup>. Freedom Rides مجموعه‌ای از اعتراضات سیاسی شهروندان سیاه‌پوست و سفیدپوست آمریکایی علیه جداسازی نژادی در اتوبوس‌های بین‌ایالتی در سال ۱۹۶۱ و پس از آن. سواران آزادی برای مخالفت با این تبعیض نژادی سفرهایی را با اتوبوس‌های تفکیک‌شده به ایالت‌های جنوبی انجام می‌دادند و در ایستگاه‌های اتوبوس در آلاباما، کارولینای جنوبی و سایر ایالت‌های جنوبی از سرویس‌های بهداشتی و پیشخوان‌های ناهار که «تنها مختص سفیدپوستان» بود استفاده می‌کردند-م.

<sup>۴</sup>. Dignity Revolution

۲۰۱۱ بیش از اینکه یک جنبش باشد، به شکل یک کمپین ظاهر شد که در آن گروه‌های مختلف برای برکناری دیکتاتور بن علی از قدرت با یکدیگر متحد شده بودند.

جنبش‌های اجتماعی از این جهت با کمپین‌ها تفاوت دارند که پدیده‌هایی با دوام و دیرپا هستند و در یک دوره زمانی طولانی به فعالیت می‌پردازند. آنها اغلب سازماندهی، حمایت نهادی و سایر فعالیت‌های سیاسی را به منظور تغییر جامعه با یکدیگر ترکیب می‌کنند. با این حال برخلاف کمپین‌ها جنبش‌های اجتماعی ممکن است برای مدتی خاموش باشند و از دید عموم دور بمانند و در عین حال زیرساخت‌ها و حافظه تاریخی را که امکان ظهور مجدد، سازماندهی و بسیج حامیان را در زمانی جدید فراهم می‌کند، حفظ کرده باشند. گاهی جنبش‌ها به طور کامل محو و ناپدید می‌شوند. آنها ممکن است تا حد گروهی متعهد و سرسپرده از مبارزان که همچنان به آموزش و تربیت حامیان اصلی ادامه می‌دهند، کوچک شوند. نهادها و رهبران یک جنبش ممکن است ائتلاف‌هایی تازه بسازند و کارزارهای بعدی خود را از پیش برنامه‌ریزی کنند - تا زمانی که نسل بعدی بی‌عدالتی‌ها را دوباره ببیند و مجدداً جنبش را برای یک دوره جدید ایجاد کنند.

کمپین‌های مقاومت مدنی بر اقدامات مقابله‌ای و بسیج جمعی تمرکز دارند؛ جنبش‌های اجتماعی لزوماً از مقاومت مدنی استفاده نمی‌کنند. جنبش‌ها می‌توانند شامل طیف وسیعی از فعالیت‌های سیاسی غیرتقابلی مانند تحقیق در مورد یک موضوع و آموزش عمومی و آموزش رهبران سیاسی پیرامون معضل موجود، حمایت از کاندیداهای سیاسی، نوشتن و حمایت از بسترهای سیاسی، و بیان ادعاهای خود از طریق دادگاه‌ها و محاکم قضایی باشند.

همانند کارزارهای مقاومت مدنی، جنبش‌های اجتماعی اغلب توسط سازمان‌های مختلفی صورت می‌گیرند که هم تکمیل‌کننده یکدیگر و هم در رقابت با یکدیگر

هستند. گروه‌های درگیر بیشتر، می‌تواند به معنای پرسنل، اعضا و دسترسی بیشتر باشد که جنبش را قادر می‌سازد تا کارهای بیشتری انجام دهد. با اینحال همزمان می‌تواند به تنش در میان شرکای ائتلاف نیز منجر شود، زیرا این گروه‌ها در مورد فوریت و مناسب بودن اهداف و تاکتیک‌های مختلف به بحث با یکدیگر می‌پردازند. به عنوان مثال، جنبش زیست محیطی از سازمان‌های بسیاری تشکیل شده است که بر طیف وسیعی از خواسته‌ها و تاکتیک‌ها تمرکز دارند. از گروه ۳۵۰ گرفته تا صلح سبز، صندوق جهانی حیات وحش<sup>۱</sup>، شورش علیه انقراض تا جنبش طلوع خورشید، این گروه‌ها خط‌مشی‌ها و مرام‌های نسبتاً متفاوتی دارند و اهداف خود را از طریق تاکتیک‌های مختلفی دنبال می‌کنند- گاهی اوقات کمپین‌های خود را به صورت جداگانه پیش می‌برند و گاهی اوقات به صورت جمعی با یکدیگر کار می‌کنند. برای مثال، گروه شورش علیه انقراض اولین و دومین کارزار خود را در بهار و پاییز ۲۰۱۹ به راه انداخت و معابر اصلی لندن و برخی از شهرهای دیگر را با موانع انسانی، اردو زنی خیابانی، تئاتر خیابانی و تظاهرات گسترده به تعطیلی کشاند. اما در کنار آن در اعتصاب جهانی آب و هوا<sup>۲</sup> در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۹- کمپینی که توسط ائتلافی جهانی از گروه‌های محیط‌زیستی به راه انداخته شده بود نیز شرکت کرد. اعتصابات و راهپیمایی‌های #جمعه‌ها برای آینده که در آگوست ۲۰۱۸ با اعتراضات هفتگی گرتا تونبرگ در مقابل پارلمان سوئد در استکهلم آغاز شد، به طور مشابهی در ائتلافی ادغام شد که شامل سازمان‌های با سابقه آب‌وهوایی، نظیر صلح سبز و همچنین گروه‌های جدیدتری مانند جنبش طلوع خورشید میشد که در یک کارزار جهانی گسترده تر فعالیت می‌کنند.

---

<sup>۱</sup> . World Wildlife Fund

<sup>۲</sup> . Global Climate Strike

بسیاری از کارزارهای مقاومت مدنی از جنبش‌های اجتماعی بیرون می‌آیند، و بسیاری از جنبش‌های اجتماعی کارزارهای مقاومت مدنی را براه انداخته‌اند. اگرچه اصطلاحات «کمپین یا کارزار» و «جنبش» کاملاً مترادف یکدیگر نیستند، اما به اندازه کافی به هم نزدیک هستند که بسیاری از افراد این اصطلاحات را به جای یکدیگر به کار ببرند.

### یک کارزار مقاومت مدنی چه مراحل دارد؟

هیچ فرمول استاندارد وجود ندارد. برخی از کمپین‌های مقاومت مدنی سازماندهی سفت و سختی ندارند و گام‌های بعدی خود را برنامه‌ریزی نمی‌کنند. برای مثال می‌توان قیام ۲۰۱۹ هنگ‌کنگ را نام برد که در آن هزاران نفر از شهروندان هنگ‌کنگی به خیابان‌ها ریختند تا به آنچه ظاهراً اقدامات چین برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های دموکراتیک این شهر می‌نامیدند، اعتراض کنند و تلاش‌های چین برای ادغام هنگ‌کنگ در دولت خودکامه این کشور را با وجود وعده‌هایی مبنی بر عدم انجام این اقدام، محکوم کنند. تا زمان همه‌گیری کووید ۱۹ در سال ۲۰۱۹-۲۰۲۰، جنبش بدون رهبر هنگ‌کنگی‌ها تنها خیابان‌های این شهر را پر می‌کرد و ظاهراً برنامه منسجم دیگری جز ماندن در خیابان‌ها تا برآورده شدن خواسته‌های خود نداشت.

در مقابل برخی دیگر از جنبش‌ها ماه‌ها یا سال‌ها صرف برنامه‌ریزی برای استراتژی‌های مورد نظر خود کرده‌اند و ابتدا اهداف، ساختار، رهبری و توالی تاکتیک‌های مبارزاتی خود را تعریف کرده‌اند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۰، زمانی که جنبش جوانان صربستان، اوتپور، درصدد بود رهبر خودکامه این کشور، اسلوبودان میلوشویچ را از قدرت برکنار کند، برنامه خاصی را برای انجام این مهم از طریق انتخابات آزاد و عادلانه تدوین کرده بود. گروه کوچکی از رهبران اوتپور به تجمیع احزاب اپوزیسیون

سیاسی صربستان و تلاشی هماهنگ برای معرفی نامزدی واحد در مقابل میلوشوویچ کمک کردند. آنها همچنین در ایجاد یک سیستم نظارت بر انتخابات مشارکت کردند که دفا تر آن در بلگراد گزارش‌های مستقلی از شمارش آراء از سراسر مناطق صربستان دریافت می‌کرد. این جنبش هزاران فعال جوان را که در سرتاسر کشور گسترده بودند، در مورد تئوری مقاومت بدون خشونت آموزش داد. سپس این جوانان به بسیج جوامع محلی خود برای رأی دادن کمک کردند و در عین حال تظاهرات‌های کوچک و تئاترهای خیابانی را نیز در محل زندگی خود برپا می‌کردند. اوتپور همچنین یک شبکه ارتباطی ملی - از طریق تلفن، ایمیل، اعلان و خبرنامه - ایجاد کرد که شواهد مبنی بر تقلب در انتخابات را گزارش می‌کرد. اوتپور صدها هزار صرب را نیز بسیج کرد تا در برهه‌ای حساس به بلگراد هجوم آورده و میدان پارلمان را با تظاهرات گسترده خود تسخیر کنند. نیروهای امنیتی میلوشوویچ - با مشاهده مخالفت‌های گسترده علیه وی و در مواقعی با شناختن آشنایان خود در میان تظاهرکنندگان - از اجرای دستورات برای متفرق کردن خشونت‌آمیز جمعیت خودداری کردند. میلوشوویچ در نهایت از کشور گریخت.

مثال صربستان اهمیت برنامه‌ریزی استراتژیک، آمادگی و آموزش پیش از بسیج مردمی را نشان می‌دهد. آموزش دهندگان مرتبط با مرکز کینگ<sup>۱</sup> و سایر مؤسسات مرتبط با آموزه‌های دکتر مارتین لوتر کینگ، مدلی شش مرحله‌ای را از نوشته‌های او اقتباس کرده‌اند:

جمع‌آوری اطلاعات: برای درک و بیان یک موضوع، مشکل یا بی‌عدالتی که یک فرد، جامعه یا نهادی با آن مواجه است، باید دست به تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات بزنید. شما باید تمام اطلاعات حیاتی و مهم را از تمام طرف‌های بحث یا موضوع جمع‌آوری

---

<sup>۱</sup> . King Center

و بررسی کنید تا درک خود از مشکل را افزایش دهید. شما باید دربارهٔ موقعیت و شرایط حریفان متخصص شوید.

آموزش: ضروریست که دیگران، از جمله مخالفان خود را از موضع خود مطلع کنید. این امر سوء تفاهم‌ها را به حداقل می‌رساند و باعث جلب حمایت و همدردی از سوی شما می‌شود.

تعهد شخصی: هر روز ایمان خود به فلسفه و روش‌های خشونت‌پرهیزی را واریسی کنید و از آن مطمئن شوید. انگیزه‌های پنهان را از بین ببرید و خود را برای پذیرش رنج و سختی در کار برای عدالت، در صورت لزوم آماده کنید.

بحث/ مذاکره: با بهره‌گیری از ظرافت، شوخ‌طبعی و هوشمندی خود، طرف مقابل را با فهرستی از بی‌عدالتی‌ها و طرح و برنامه برای رسیدگی و رفع این بی‌عدالتی‌ها روبرو کنید. در هر اقدام و نظری که حریفان بیان می‌کند به دنبال چیزی مثبت باشید. به دنبال تحقیر حریف نباشید بلکه خواستار خیر و خوبی برای طرف مقابل باشید.

اقدام مستقیم: این اقدامات زمانی انجام می‌شود که طرف مقابل تمایلی به وارد شدن یا ماندن در مذاکره نداشته باشد. این اقدامات «تنشی خلاقانه» را به مبارزهٔ شما تزریق کرده و فشاری اخلاقی را به طرف مقابل شما وارد می‌کند تا با شما در رفع بی‌عدالتی‌ها همکاری کند.

مصالحه: خشونت‌پرهیزی به دنبال دوستی و تفاهم با دشمن است. خشونت‌پرهیزی به دنبال شکست طرف مقابل نیست. خشونت‌پرهیزی علیه نظام‌های شیطانی، نیروها، سیاست‌های ظالمانه و اعمال ناعادلانه است، اما علیه افراد نیست. هر دو طرف می‌توانند از طریق مصالحهٔ معقول و مستدل بی‌عدالتی‌های موجود را با یک برنامهٔ عملی حل و فصل کنند. با هر اقدام در راستای آشتی و مصالحه یک قدم به «جامعهٔ دوست‌داشتنی» نزدیکتر می‌شویم [۴۴].

### چه زمانی استفاده از مقاومت مدنی مشروع است؟

برخی از فیلسوفان و نظریه‌پردازان برای قرن‌ها صریحاً در نوشته‌های خود به این مسئله پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به توماس آکویناس، هنری دیوید ثورو، مهاتما گاندی، جین آدامز<sup>۱</sup> و باربارا دمینگ<sup>۲</sup> اشاره کرد. اما نوشته‌های آن‌ها تنها تلاش‌هایی اولیه برای ورود به این قلمرو دشوار است. تمامی مخالفان و معترضین مجبور بوده‌اند در خلوت خود با این سوال دست و پنجه نرم کنند. برخی از مردم فکر می‌کنند که شرکت در مقاومت بدون خشونت برای یک فرد [یا گروه] همیشه مشروع است - تا زمانی که آن فرد یا گروه واقعاً متعهد به اقدام غیرخشونت‌آمیز باشد و شکست را نیز در کنار پیروزی بپذیرد.

همه اما با این ایده موافق نیستند. مقاومت مدنی توده‌های مردم را بیرون کشیده و به میان جامعه می‌آورد تا از طریق روش‌های مخرب و ویرانگر و اخلال در کارکردهای عادی و روزمره جامعه - مدرسه، کار، مسافرت - و به امید ایجاد دنیایی بهتر، خواستار ایجاد تغییرات شود. اما ناآرامی و اخلال‌گری‌های مردمی می‌تواند عواقب ناخواسته‌ای نیز به همراه داشته باشد. دولتمردان می‌توانند جنبش را حرکتی آشوبگرانه نشان دهند و با خشونت آنرا سرکوب کنند و مخالفان را قلع و قمع کنند. جناح‌های کم‌صبر جنبش ممکن است سرکش شده و به خشونت روی بیاورند. مردم ممکن است شغل، خانه، سلامتی یا زندگی خود را از دست بدهند.

---

<sup>۱</sup> . Jane Addams

<sup>۲</sup> . Barbara Deming



علاوه بر این برخی از کمپین‌های مقاومت مدنی ممکن است از ابزارهای اخلاقی برای دستیابی به اهداف غیراخلاقی استفاده کنند. اگر اقلیتی در یک کشور کارزار مقاومت مدنی را برای ابطال نتیجه انتخابات مردمی یا نصب یک دیکتاتور یا برقراری دیکتاتوری راه بیاندازند چه؟ اگر گروهی از مقاومت مدنی برای ترویج سیاست‌های زیان‌آوری که آزادی و حقوق بشر دیگران را محدود می‌کند، استفاده کنند، چه؟ همه این اتفاقات در همین سال‌های اخیر پیش آمده‌اند. حال پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است که چه معیارهایی می‌تواند به فعالان کمک کند تا مشروع بودن یا نبودن یک کارزار مقاومت مدنی را در نظر بگیرند؟

ماسیج بارتکوفسکی<sup>۱</sup>، محقق و فعال اجتماعی، در سال ۲۰۱۷ ده معیار را برای یک جنبش مقاومت مدنی [مشروع] پیشنهاد کرد که باید در نظر گرفته شود، به ویژه هنگامی که جنبش در مقابل حریفی قرار می‌گیرد که به شکل دموکراتیک انتخاب شده است. [۴۵] در اینجا ده معیار بارتکوفسکی فشرده و در پنج مورد بازنویسی شده است:

مقاومت غیرمسلحانه و بدون خشونت باشد. تجمع مسالمت‌آمیز یک حق بشری است که به طور گسترده به رسمیت شناخته شده است. از اینرو اگر مقاومت تنها از ابزارهای بدون خشونت و مسالمت‌آمیز استفاده کند و تعهد خود را [به این روش‌ها] روشن و شفاف نشان دهد، می‌تواند به مشروعیت جهانی دست پیدا کند. اگر سازمان‌دهندگان جنبش نشان ندهند که مبارزات و کارزارهای سیاسی‌شان صلح‌آمیز است یا به نظم و انضباط بدون خشونت متعهد هستند، مخالفان و متحدان آنها اغلب مشروعیت جنبش را زیر سؤال می‌برند.

---

<sup>۱</sup> . Maciej Bartkowski

جنبش جمعی، فراگیر و متنوع باشد. یک جنبش باید گسترده و فراگیر باشد و بخش‌های مختلف جامعه را نمایندگی کند. اگر جنبشی حمایت اقشار مهم جامعه را جلب نکند، یا اگر عمداً گروه‌های خاصی را حذف یا علیه آنها تبعیض قائل شود، ناظران ممکن است در مشروعیت آن دچار تردید شوند. جنبش‌ها نیز مانند دولت‌ها، زمانیکه ائتلاف‌های گسترده و فراگیری را ایجاد می‌کنند که نشان‌دهنده توافق جامع درباره ادعاهای اساسی جنبش است در زمینه بسیار امن‌تری قرار می‌گیرند.

مقاومت مدنی آخرین راه حل باشد. بازتکوفسکی ادعا می‌کند که پیش از اینکه یک جنبش قصد خروج از کانال‌های عادی و نهادی جامعه را برای مطالبه پاسخ به شکایات و ادعاهای خود داشته باشد، مردم باید ابتدا به طور کامل این ابزارهای عادی و قانونی را به کار گرفته باشند. اگر در از قبل باز است، نیازی به شکستن آن نیست. همانطور که قبلاً بحث کردیم، مقاومت مدنی می‌تواند پیامدهایی ناخواسته، از سرکوب شدید دولتی گرفته تا جنگ داخلی به همراه داشته باشد. دست‌اندرکاران باید به دقت ارزیابی کنند که آیا واقعاً مزایای بالقوه چنین کمپینی بر خطرات آن در یک زمان و مکان خاص می‌چربد یا خیر.

روی آوردن به مقاومت مدنی استثنا باشد، نه قاعده. جدا از کاربرد مقاومت مدنی به عنوان آخرین راه حل، مخالفان باید نبردهای خود را به شیوه‌ای گزینشی انتخاب کنند. مردم نباید هر بار که از نظر سیاسی شکست می‌خورند از مقاومت مدنی استفاده کنند. اگر مقاومت مدنی بیش از حد مورد استفاده قرار گیرد، به چیزی تبدیل می‌شود که تنها به خاطر نفس عمل و ارزش و اعتبار خودش صورت می‌گیرد و زندگی عادی جامعه را بدون هیچ توجیهی مختل کرده و از بین می‌برد. از سوی دیگر اگر مقاومت مدنی هرگز مورد استفاده قرار نگیرد، قدرت‌های موجود ممکن است از جمعیت بیش از حد مطیع

و سازگار سوءاستفاده کنند. مقاومت مدنی زمانی مورد نیاز است که وضعیت آنقدر جدی و وخیم باشد که تنها اقدامی شدید و مؤثر بتواند آن را اصلاح کند.

**دلایل عادلانه باشد.** به طور کلی من این را به این معنا می دانم که یک جنبش به جای اینکه بخواهد گروه خود را بالاتر از دیگران قرار دهد یا تبعیض و محدودیت‌هایی ضددموکراتیک را بر دیگران تحمیل کند، باید به دنبال رهایی اعضای خود و دیگران از ظلم، سرکوب و محدودیت باشد. جنبشی که هدف آن نابود کردن گروهی دیگر، بیرون راندن آنها از خانه هایشان، یا تبعیض علیه آنهاست، آشکارا ناعادلانه است، حتی اگر روش‌های آن غیرخشنوت‌آمیز باشد. البته قطعاً این امر می‌تواند مبهم و بحث‌برانگیز باشد. برخی از جنبش‌ها معتقدند که هدف آنها کاملاً عادلانه است، در حالی که برخی دیگر آن را مداخله‌ای اساسی در حقوق و آزادی‌های خود می‌دانند. به عنوان مثال، بسیاری از اعضای جنبش حامی زندگی<sup>۱</sup> هدف خود را نجات کودکان متولد نشده از کشته شدن می‌دانند؛ دیگرانی که برای حقوق مربوط به باروری زنان فعالیت می‌کنند، معتقدند که جنبش حامی زندگی در تلاش برای کنترل بدن و انتخاب زنان است.

درست مانند دکتربین جنگ عادلانه<sup>۲</sup> که از توجیهات اخلاقی برای بزرگ کردن خشنوت مسلحانه استفاده می‌کند، این پنج معیار نیز می‌توانند در معرض دلیل تراشی

۱ . pro-life movement

۲ . نظریه جنگ مشروع یا نظریه جنگ عادلانه دکترینی قرون وسطایی است که متضمن جنبه‌هایی فلسفی، اخلاقی بوده و از سوی نظریه‌پردازانی چون آگوستین، توماس آکویناس و هابز مورد بحث و نظریه‌پردازی قرار گرفته است. این دکترین بیان می‌کند که جنگ تحت شرایطی جایز و مشروع است و کشور زیان‌دیده که حق مشروع دفاع یا تعقیب را دارد، می‌تواند به جنگ متوسل شود. بیش‌تر نظریه‌پردازان و طرفداران جنگ مشروع بر دارا بودن چهار ویژگی ذیل به عنوان معیاری برای مشروع یا عادلانه بودن جنگ اتفاق نظر دارند: هدف جنگ مشروع و اخلاقی باشد؛ آغاز و هدایت آن به وسیله یک مرجع قانونی (مانند حاکم) باشد؛ احتمال به دست آوردن موفقیت در جنگ وجود داشته باشد؛ به کارگیری جنگ نه تنها نباید دشمنی و بی‌نظمی شدیدتری را ایجاد نماید بلکه بر عکس باید سبب خیر، منفعت و

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۱۵۰

و سوءاستفاده قرار بگیرند. اما دقیقاً به دلیل این که مبارزان مدنی ادعا می‌کنند روش‌ها و مطالبات آنها عادلانه، مسالمت‌آمیز و به نحو گسترده‌ای مشترک است، جنبش‌ها تنها در صورتی می‌توانند موفق شوند که بتوانند به طور مستمر برای خود مشروعیت ایجاد کرده را و آنرا به نمایش بگذارند.

### آیا مقاومت بدون خشونت می‌تواند غیراخلاقی باشد؟

به طور کلی دشوار بتوان به نحوی قانع‌کننده استدلال کرد که ابزارهای مقاومت بدون خشونت می‌توانند غیراخلاقی باشند، حتی اگر بسیار مخرب و اخلاص‌آفرین باشند. اما از آنجایی که مقاومت مدنی یک روش است و نه یک ایدئولوژی، مردم می‌توانند از این روش برای تعقیب اهدافی غیراخلاقی نیز استفاده کنند- و چنین نیز کرده‌اند.

به عنوان مثال در سال ۲۰۱۴ در تایلند، گروهی از فعالان سلطنت‌طلب، قیامی مردمی را در این کشور برانگیختند که در نهایت رهبر دموکراتیک منتخب را سرنگون کرد و خواستار احیای سلطنت تحت حمایت ارتش شد.

در سال ۲۰۰۲ قیام مردمی در ونزوئلا علیه رژیم هوگو چاوز منجر به کودتایی مردمی شد. کودتا عمر کوتاهی داشت و به سرعت از سوی نیروهای طرفدار چاوز که مجدداً قدرت را به دست گرفته بودند، سرکوب شد. برخی بر این باورند که این رویداد نمونه استفاده ناعادلانه از مقاومت مدنی بوده است. در سال ۲۰۱۳، کارزار تمرّد<sup>۱</sup> («شورش») میلیون‌ها مصری سکولار و ملی‌گرا را بسیج کرد تا محمد مرسی، رهبر منتخب

---

برقراری مجدد عدالت شود. در عصر مدرن این دکترین جنبه اخلاقی و مذهبی خود را از دست داده و بیشتر بر محور منافع ملی استوار شده است-م.

۱. Tamarod .

دموکراتیک را از قدرت برکنار کنند و دیکتاتوری نظامی سرکوبگری را تحت رهبری عبدالفتاح السیسی<sup>۱</sup>، وزیر دفاع مرسى، روی کار بیاورند. در سال ۲۰۱۹ نیز قیامی مردمی در بولیوی، اوو مورالس<sup>۲</sup>، رئیس جمهور این کشور و اولین رئیس جمهور بومی آمریکای لاتین را که به طور غیرقانونی برای چهارمین دوره نامزد انتخابات شده بود را از قدرت برکنار کرد. بسیاری بر این باورند که رهبران نظامی بولیوی از اعتراضات گسترده مردمی به عنوان بهانه‌ای برای انجام کودتا استفاده کردند تا در نهایت رهبران غیرنظامی راستگرا را به قدرت بیاورند، خط مشی چپ‌گرایانه مورالس را ملغی کنند و رهبران بومی را از مناصب دولتی این کشور کنار بگذارند.

در اروپا و ایالات متحده نیز گروه‌های ضدمهاجرین اعتراضات و تظاهرات گسترده‌ای را سازماندهی می‌کنند و اغلب با تکیه بر استدلال‌ها و ایده‌های نژادپرستانه خواستار دورنگه داشتن مهاجران از کشور خود هستند. در ایالات متحده، گروه‌های حامی زندگی از تاکتیک‌های مختلف مقاومت مدنی استفاده کرده‌اند تا محدودیت‌های سقط جنین را گسترش دهند؛ که از جمله می‌توان به آزار و اذیت پزشکان و کلینیک‌هایی که سقط جنین انجام می‌دهند، ایجاد موانع انسانی برای جلوگیری از ورود افراد به کلینیک‌های تنظیم خانواده و فریاد زدن بر سر بیمارانی که وارد این مکان‌ها می‌شوند، برگزاری تظاهرات منظم مقابل کلینیک‌ها و در محوطه دانشگاه‌ها و برگزاری تجمعات محلی و ملی اشاره کرد. اگر شما معتقد باشید که زنان باید از حق مراقبت‌های بهداشتی باروری که شامل خاتمه بارداری نیز می‌شود برخوردار باشند، چنین اقدامات مقاومت بدون خشونت را در نهایت غیراخلاقی تلقی می‌کنید - حتی

---

<sup>۱</sup> . Abdel Fattah al-Sisi.

<sup>۲</sup> . Evo Morales

اگر از این تاکتیک‌ها برای رسیدن به اهدافی که خود بدانها معتقد هستید نیز حمایت کنید.

گانندی و هم‌قطارانش نیز نگران استفاده غیراخلاقی از مقاومت مدنی بودند. ساتیاگراها- که گانندی به عنوان تکنیکی دو بخشی توسعه داده بود و منجر به خودکفایی و نیز عدم همکاری با قوانین استعماری می‌شد- شیوه و روشی قدرتمند از زندگی بود که هر کسی می‌توانست آن را اتخاذ کند و از آن استفاده کند. در فوریه ۱۹۱۹، دولت استعماری بریتانیا در هند قانون رولات<sup>۱</sup> را تصویب کرد که طبق آن هندی‌ها بدون نیاز به هیئت منصفه در دادگاه محاکمه می‌شدند و مظنونان هندی نیز بدون تفهیم اتهام بازداشت می‌شدند. گانندی از شهرهای سرتاسر کشور بازدید کرد و مردم هند را برای بسیج مقاومت در برابر قانون «نفرت‌انگیز» رولات از طریق یک «هارتال»<sup>۲</sup> آسراسری آماده کرد- توقف کامل فعالیت‌های اجتماعی که شامل اعتصابات کارگران، تعطیلی داوطلبانه مدارس و ناپدید شدن شهروندان از زندگی عمومی می‌شد. گانندی تشخیص داده بود که این قوانین چنان عمیقاً بر تمامی هندی‌ها تأثیر می‌گذارد که موج خشم آنها می‌تواند به یک قیام توده‌ای غیرخشونت‌آمیز هدایت شود.

او در دوره‌ای که برای قیام آماده می‌شد به رایبندراناث تاگور<sup>۳</sup>، شاعر و ملی‌گرای سرشناس هندی نامه‌ای نوشت و از او درخواست حمایت کرد. در پاسخ، تاگور یادداشتی هشدارآمیز به گانندی نوشت:

مقاومت منفی نیرویی است که به خودی خود لزوماً اخلاقی نیست؛ می‌توان آن را علیه حقیقت و نیز در خدمت آن استفاده کرد. خطری که در تمام نیروها نهفته است،

---

<sup>۱</sup> . Rowlatt Act,

<sup>۲</sup> . hartal

<sup>۳</sup> . Rabindranath Tagore

زمانی قوی تر می شود که احتمال موفقیت آن نیروها وجود داشته باشد، چرا که از آن زمان دیگر تبدیل به وسوسه می شوند... چنین مبارزه‌ای برای قهرمانان است و نه برای مردانی که با انگیزه‌های لحظه‌ای برانگیخته می شوند.[۴۶]

هشدار تاگور پیش‌گویانه بود. هارتال در ۶ آوریل ۱۹۱۹ در سراسر کشور آغاز شد و خبر موفقیت آن در تمامی هند پیچید، به ویژه به این دلیل که هندوها و مسلمانان برای رعایت آن با یکدیگر متحد شده بودند. گامی مهم در مقاومت در مقابل استراتژی تفرقه بینداز و حکومت کن راج بریتانیا. در ۸ آوریل دولت گاندی را دستگیر کرد. با انتشار خبر دستگیری وی اعتراضات در سراسر کشور بالا گرفت. در شهر احمدآباد در گجرات<sup>۱</sup>، معترضان به اروپایی‌ها حمله کردند، خانه‌های آنها را غارت کردند و تعدادی از ساختمان‌های دولتی را به آتش کشیدند. دولت حکومت نظامی اعلام کرد و نیروهایش را برای سرکوب شورش‌ها گسیل کرد. این نیروها ده‌ها نفر را کشتند و بیش از صد نفر را مجروح کردند. گاندی ساتیاگراها را لغو کرد و برای کفاره این حوادث روزه گرفت- او گفت که «به جهت خشونتی که رخ داده است، ساتیاگراها را علیه خودمان انجام می‌دهیم».[۴۷] گاندی به این نتیجه رسید که سازماندهی قیامی در مقیاس چنین وسیع، نابهنگام و عجولانه بوده است و جنبش استقلال هند هنوز باید منتظر بماند تا خشونت پرهیزی بیش از پیش گسترش یابد و به عنوان شیوه زندگی در فرد درونی شود.

جدا از این کارزارهای مقاومت مدنی به طور فزاینده‌ای با اعتراضات متقابل نیز روبرو می‌شوند. مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۹ توسط نیلز ویدمن<sup>۲</sup> و اسپن رود<sup>۳</sup> نشان می‌دهد که در

<sup>۱</sup> . Gujarat

<sup>۲</sup> . Nils Weidmann

<sup>۳</sup> . Espen Rød

رژیم‌های اقتدارگرا، به ازای هر هفت اعتراض ضد دولتی یک اعتراض در طرفداری از دولت صورت می‌گیرد. [۴۸] این ارقام به طور قابل توجهی با روند اعتراضات و ضداعتراضات در ایالات متحده، از زمان روی کار آمدن ترامپ مطابقت دارد. از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، حدود ۸۵ درصد از اعتراضات علیه ترامپ و حدود ۱۵ درصد (یا یک از هفت) تظاهرات در حمایت از او یا سیاست هایش برگزار شده است.

برگزاری اعتراضات متقابل یا ضداعتراضات در پاره‌ای موارد یک استراتژی حساب شده و آگاهانه است که از سوی اقتدارگرایان برای جلب حمایت مردمی و نمایش حمایت عمومی از وضعیت موجود استفاده می‌شود. در مواردی هم ممکن است اعتراضات و ضداعتراضات اغلب پشت سرهم [و بدون دخالت دولت] اتفاق بیفتند. ضداعتراضات نیز درست مانند کارزارهای مقاومت مدنی، زمانی می‌توانند پیروز شوند که تعداد شرکت‌کنندگان لازم را گردآورند و موفق به ایجاد شکاف در مخالفان خود شوند و در کنار آن از ساختارهای قدرت موجود به نفع خود استفاده کنند. زمانی که موفق به این امر نشوند، شکست می‌خورند. اگر افراد و گروه‌های ترقی‌خواه می‌خواهند از چنین نتایجی اجتناب کنند، باید مانع از سازماندهی و بسیج این جنبش‌های ارتجاعی یا واپس‌گرایانه شوند.

**آیا منصفانه است که انتظار داشته باشیم مردم ستم‌دیده تنها با استفاده از مقاومت مدنی علیه ظلم مبارزه کنند؟**

خیر. گاندی در روزنامه هریجان<sup>۱</sup> نوشت: «اگرچه خشونت، مجاز و مشروع نیست، اما زمانی که برای دفاع از خود یا از افراد بی‌دفاع انجام می‌شود، عملی شجاعانه و به مراتب

---

<sup>۱</sup> . Harijan



بهتر از تسلیم بزدلانه است... هر انسانی باید خودش در این مورد قضاوت کند. هیچ شخص دیگری نمی‌تواند و حق آنرا هم ندارد.» [۴۹] یقیناً منصفانه نیست که از افرادی که با ظلم مبارزه می‌کنند بخواهیم با روش‌هایی که دیگران تجویز می‌کنند این کار را انجام دهند، حتی اگر سایر ناظران بر این باور باشند که روش‌های آنها زیان‌بار بوده و نتیجه معکوس خواهد داشت.

همانطور که ویلمت براون<sup>۱</sup>، فعال فمینیست سیاه پوست نوشته است، تا زمانی که سیاه‌پوستان از حق تعیین سرنوشت، متحدانی قابل اعتماد و منابع و امکاناتی برای رهایی خود محروم باشند، ما مجبوریم به قدرت خود برای نابودکردن متوسل شویم - به عنوان تنها قدرتی که داریم و تنها راه برای بدست آوردن قدرت بیشتر. در این زمینه خشونت ما همیشه برای دفاع از خود است. و زمانی که سفیدپوستانی که از ما قدرت بیشتری دارند، ما را از خشونت منع می‌کنند، [در واقع] خود را در موقعیتی غیرقابل دفاع قرار می‌دهند، چرا که تصور می‌کنند می‌توانند سلاح‌های ما را برای ما انتخاب کنند. [۵۰]

با این حال مسائل مربوط به انصاف و اثربخشی سیاسی اغلب در تنش و کشمکش با یکدیگر هستند. اکثر محققان مقاومت مدنی با کنار گذاشتن کلی مسائل اخلاقی و تمرکز بر استراتژی و راهبرد، نسبت به مسئله اخلاق رویکردی ندانم‌گرا اتخاذ می‌کنند. برخی دیگر می‌گویند که آنها حکمی در این باره صادر نمی‌کنند که کسی که با ظلم مواجه می‌شود از چه روش‌هایی برای مبارزه با آن باید استفاده کند. اما حقیقت این است که پژوهشگران و ناظران بیرونی در حاشیه و بیرون از جنبش قرار دارند. در درون جنبش‌ها، فعالان ممکن است در مورد مؤثر بودن و مناسب بودن مقاومت مدنی و اینکه

<sup>۱</sup> . Wilmette Brown

چه کسی صلاحیت تعیین روش‌های مورد استفاده را دارد، عمیقاً با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند. این بحث‌های داغ اغلب جنبش‌ها را دچار شکاف و سردرگمی کرده و نوع فعالیت‌هایی را که ائتلاف‌های مبارزاتی می‌توانند روی آنها به توافق برسند، محدود می‌کند.

برای مثال پژوهشگر و فعال سیاسی، کریس راسدیل<sup>۱</sup>، که جنبش ضد نظامی‌گری در بریتانیا را از جنگ جهانی اول به بعد مورد مطالعه قرار داد، دریافته است که صلح‌طلبان سخت‌گیر و معتقد با کسانی که از رد و انکار اعمال خشونت‌آمیز دفاع شخصی خودداری می‌کنند همکاری نمی‌کنند؛ استدلال آنها این بود که چنین تاکتیک‌هایی هم غیراخلاقی و هم زیانبخش است. [۵۱] از طرف دیگر کسانی که چنین گزینه‌هایی را همچنان باز نگه می‌دارند، لزوماً خشونت نامحدود یا کنترل‌نشده را تأیید نمی‌کنند - و مدعی هستند که صلح‌طلبان و افراد بیرونی و خارج از گود حق ندارند به دیگران دیکته کنند که چه اقداماتی را باید در مواجهه با خشونت بسیار شدیدتری که از سوی دشمنان صورت می‌گیرد، انجام دهند، به ویژه زمانی که قدرت و اقتدار این دشمنان مبتنی بر انحصار آنها بر خشونت است. بحث‌هایی مانند این اغلب خطوط شکافی ایجاد می‌کنند که کار ائتلاف‌ها برای همکاری گروه‌ها با یکدیگر و به راه انداختن مبارزه‌ای پیگیر و مستمر را دشوار می‌کند. محل اختلاف این نیست که آیا اقدام مستقیم ضد نظامی‌گری باید غیرخشونت‌آمیز باشد یا خیر؛ اکثریت موافقند که هر زمان که ممکن است باید اینگونه باشد. بلکه شکاف واقعی بر سر این است که چه کسی حق دارد دیکته کند که شخصی دیگر در هنگام رویارویی با دشمنی بسیار قدرتمندتر و بالقوه بی‌قانون، چه تصمیمی باید بگیرد. این مجموعه از استدلال‌ها و نگرانی‌ها

---

<sup>۱</sup> . Chris Rossdale

منعکس‌کننده موضع شخصیت نمادین مبارزات حقوق مدنی ایالات متحده، <sup>۱</sup>ایلا بیکر است که در دهه ۱۹۶۰ گفت: «افرادی که زیر چکمه ظلم و ستم قرار دارند، خود باید تصمیم بگیرند که چه اقدامی برای رهایی خود باید انجام دهند» [۵۲].»

کسانی که ناظر بیرونی جنبش‌ها هستند باید فروتنی به خرج داده و از قضاوت در مورد موجه بودن روش‌های مورد استفاده جنبش‌ها خودداری کنند- به ویژه زمانی که ناظران خود، در معرض انواع ظلم و ستمی که جنبشها با آن مبارزه می‌کنند، قرار نگرفته‌اند. همانطور که بیل ساترلند<sup>۲</sup>، فعال صلح‌طلب پان آفریقایی اغلب می‌گفت: «وظیفه ما این نیست که به مردم بگوییم چگونه خود را آزاد کنند. وظیفه ما این است که [به آنها کمک کنیم و] چکمه‌های دولت خود را از گردن آنها برداریم» [۵۳].»

مهمترین کاری که ناظران باید انجام دهند این است که بیاموزند چگونه به نحوی قابل‌اعتماد همبستگی خود را نشان دهند، منابع لازم را به اشتراک بگذارند و فرصت‌هایی را ایجاد کنند که افراد درگیر بتوانند با استفاده از آنها آزادی خود را باز پس بگیرند. به جای اینکه پیرسیم چرا مردم عدالت‌خواه به خشونت متوسل می‌شوند و آیا کار آنها عاقلانه است یا خیر، باید از خود پیرسیم که از چه روش‌های بدون خشونت می‌توانیم برای حمایت از این مردم در مواجهه با ظلم استفاده کنیم.

---

<sup>۱</sup> . Ella Baker

<sup>۲</sup> . Bill Sutherland

## فصل دوّم / مقاومت مدنی چگونه کار می کند

اونا با تو چکار میتونن بکنن؟

هرکاری که دوست دارن

برات پاپوش بدوزن، خرد و خاکشیرت کنن

انگشتاتو بشکنن، مغزتو با برق جزغاله کنن

اونقد دارو به خوردت بدن که نتونی قدم از قدم برداری

حتی اسمتم یادت نیاد

اونا میتونن بچه تو ازت بگیرن، دلداده تو بندازن تو هُلُفدونی

اونا هر کاری میتونن بکنن

تو نمیتونی جلوشونو بگیری

حالا چطور میتونی جلوشونو بگیری؟

تنها؟ تنها میتونی بجنگی

میتونی زیرش بزنی

میتونی هر انتقامیو که میخای بگیری

اما اونا مثه آب خوردن لهت می کنن

دو نفر میتونن همو آروم کنن

هوای همو داشته باشن، بهم قوت قلب بدن،

به هم عشق بدن، ماساژ، امید، سکس

سه نفر با هم یه هیئت میشن

یه کمیته، برشی از مردم.

با چهار نفر میتونی بریج بازی کنی و یه سازمانو راه بندازی.  
با شیش نفر می تونی یک خونه کامل اجاره کنی  
و تو آرامش کامل کیک سیب بخوری، و یه جشن گلریزون واسه جمع  
کردن اعانه برگزار کنی.

دوازده نفر می تونن یه تظاهرات برگزار کنن  
صد نفر میتونن یه سالنو پرکنن.  
هزار نفر میتونن با هم همبستگی داشته باشن و خبرنامه خودشونو راه  
بندازن.

ده هزار نفر یعنی قدرت و یه روزنامه اختصاصی  
صد هزارتا یعنی یه رسانه دربست  
ده میلیون، یعنی یه کشور دربست  
همینجور یکی یکی ادامه پیدا میکنه  
شروعشم وقتی که تو برای عمل کردن اهمیت قائل بشی  
وقتی که پشت سر هم انجامش بدی و اونا بازم بگن نه  
وقتی که شروع کنی بگی «ما»  
و بدونی که منظورت از «ما» کیه  
و هر روز یکی به این «ما» اضافه بشه.  
مارج پیرسی،<sup>۱</sup> «روش ناپسند» [۱]

در طول قرن گذشته انقلاب های بدون خشونت بیش از انقلاب های خشونت آمیز به  
موفقیت رسیده اند. در واقع تنها در ده سال گذشته، ما شاهد پیروزی های شگفت انگیز

---

<sup>۱</sup> Marge Piercy . نویسنده، شاعر، ترانه سرا و فعال اجتماعی پیشرو اهل آمریکا-م.

مردمی در کشورهای متنوعی از جمله سودان، لبنان، ارمنستان، بلغارستان، تونس و تایلند بوده‌ایم. با این وجود مقاومت بدون خشونت همیشه هم موفق نمی‌شود. در دهه گذشته رژیم‌های اقتدارگرا در بحرین، ترکیه، ایران، ونزوئلا و روسیه جنبش‌های توده‌ای را که می‌کوشیدند آنها را به چالش بکشند، سرکوب کرده و برتری خود را بر آنها تثبیت کردند. [۲] چرا؟

این فصل نشان می‌دهد که چرا مشارکت توده‌ای، تمرّد و رویگردانی، نوآوری‌های تاکتیکی و انعطاف‌پذیری در برابر سرکوب به مردم کمک کرده است تا با استفاده از مقاومت مدنی بر مشکلات بسیار پیش رو غلبه کرده و به موفقیت برسند. برای انجام این مهم، من به برخی از رایج‌ترین سؤالات در مورد چگونگی موفقیت جنبش‌های بدون خشونت پاسخ می‌دهم و بررسی می‌کنم که آیا شرایطی وجود دارد که در آن مقاومت بدون خشونت غیرممکن باشد؟ علاوه بر این می‌کوشم نادرستی برخی افسانه‌های رایج در این باره را به اثبات برسانم. [۳] آن افسانه‌ها شامل این مواردند که؛ مقاومت مدنی با تغییر موضع اخلاقی دشمن عمل کرده و ایجاد تحوّل می‌کند؛ مقاومت مدنی تنها در دموکراسی‌ها و در برابر دشمنان ضعیف یا متزلزل مؤثر است، مقاومت خشونت‌آمیز مؤثرتر از مقاومت مدنی است؛ استفاده از یک تاکتیک مقاومت مدنی -مانند اعتراض- برای ایجاد تغییر کافیست؛ و اینکه رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال همیشه به نفع مخالفان بدون خشونت کار می‌کنند.

### چه چیزی کارزارهای مقاومت مدنی را کارآمد و اثربخش می‌کند؟

یکی از تصوّرات غلط رایج پیرامون مبارزات مدنی این است که مقاومت بدون خشونت تنها در موقعیت‌هایی محدود امکان‌پذیر است؛ زمانی که حریف آنقدر ضعیف یا ناتوان باشد که نتواند جلوی جنبش را بگیرد یا آنرا شکست دهد، زمانی که

جنبش مطالباتی نسبتاً مستقیم و سراسر برای اصلاحات [و نه تغییرات رادیکال] داشته باشد، یا زمانی که یک نظام سیاسی آزاد و بازگردآمدن، سازماندهی و برنامه ریزی جهت تغییر را برای مردم آسان کرده باشد.

اما این تصوّرات کاملاً اشتباه هستند. کارزارهای مقاومت مدنی علیه مخالفان ضعیف و قوی، هر دو مؤثر بوده اند، آنها هم خواسته های اصلاح طلبانه و هم رادیکال خود را به کرسی نشانده اند و این مهم را در چنان فضاهای سیاسی دشوار و سخت گیرانه ای به انجام رسانده اند که نمایش آشکار مخالفت در آنها تقریباً غیرممکن بوده است [۴].

در واقع اثربخشی یک انقلاب بدون خشونت بیشتر به قدرت سیاسی آن بستگی دارد تا به عدالت و اعتبار اخلاقی آن. زمانیکه به سوابق چنین جنبش هایی نگاه می کنیم، چهار عامل کلیدی در توضیح موفقیت یا شکست آنها پدیدار می شوند. بیایید به ترتیب به آنها نگاهی بیاندازیم.

### مشارکت توده ای، از همه اқشار جامعه

یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در موفقیت کارزارهای مقاومت مدنی، مقیاس و دامنه مشارکت مردمی ست. هرچه تعداد شرکت کنندگان یک کمپین بیشتر و متنوع تر باشد، احتمال موفقیت آن بیشتر است. [۵] مشارکت توده ای به نحوی جدی و وضعیت موجود جامعه را مختل می کند، ادامه سرکوب دولتی را غیرممکن می سازد؛ منجر به تمرّد و رویگردانی از سوی نهادها و حامیان رژیم، از جمله غالباً، نیروهای امنیتی می شود، [۶] و گزینه های پیش روی صاحبان قدرت را محدود می کند. نادیده گرفتن کارزاری در مقیاس بزرگ از نظر سیاسی اساساً غیرممکن است. حتی برای بی رحم ترین دشمنان نیز دشوار است که برای مدتی نامحدود دست به سرکوب جمع کثیری از مردم صلح طلبی

بزند که مشغول همکاری با یکدیگرند تا از همراهی با رژیم امتناع کنند و زندگی روزمره جامعه را مختل کنند- به ویژه زمانی که این کارزارها، روش‌ها و رویکردهای متفاوتی را اتخاذ می‌کنند[۷].

بیاید بینیم مشارکت گسترده چگونه بر انقلاب ۲۰۱۸-۲۰۱۹ سودان تأثیر گذاشت، انقلابی که در آن جنبشی توده‌ای به نحوی ماهرانه و خلاقانه با دیکتاتوری وحشی و بیرحم، رئیس‌جمهور عمرالبشیر که سی سال قدرت را در قبضه خود داشت، مقابله کرد. دولت البشیر پیشتر در اوایل دهه ۲۰۰۰ در دارفور<sup>۱</sup> مرتکب نسل‌کشی شده بود و قیام‌های بدون خشونت پیشین در این کشور در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ را با خشونت سرکوب کرده بود. در دسامبر ۲۰۱۸، نیروهای امنیتی البشیر ده‌ها معترض را که به طور خودجوش علیه افزایش سه برابری قیمت نان قیام کرده بودند به ضرب گلوله به قتل رساندند. در پاسخ به این خشونت‌ها، اعتراضات در سراسر کشور گسترش یافت و مردم خواستار کناره‌گیری البشیر شدند. دانشجویان، کارگران، فروشندگان چای، رانندگان تاکسی، کارمندان دولت، پزشکان، وکلا و دیگر متخصصان از طریق ائتلافی که شامل تشکیلاتی قدرتمند با نام انجمن متخصصان سودان<sup>۲</sup> می‌شد، با یکدیگر متحد شدند. انجمن متخصصان شروع به برنامه‌ریزی برای مبارزه طولانی مدت با رژیم کرد و سودانی‌ها را در تئوری و کنش مقاومت مدنی آموزش داد و برای حفظ فشار بر البشیر راهبرد ویژه‌ای را از طریق تظاهرات گسترده همراه با توقف کار و اعتصاب تعیین کرد.

در ماه آوریل، گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه برخی از نیروهای امنیتی پلیس به جمع تظاهرکنندگان پیوسته‌اند و از اجرای دستور آتش و شلیک به فعالانی که در

---

<sup>۱</sup> . Darfur

<sup>۲</sup> . Sudanese Professionals Association (SPA)



شهرها و روستاهای شان دست به سازماندهی خود زده بودند، خودداری کردند. تا آن زمان صدها هزار نفر در این جنبش فعال بودند که شامل مردمی از اقلیت مختلف سودان می شد. تلاش های البشیر برای اثبات این ادعا که جنبش از سوی دارفورهای- گروهی حاشیه ای و محروم- سازماندهی شده است، با شعار «ما همه دارفوری هستیم!» مردم مواجه شد؛ اعتراضی نیرومند علیه تلاش های البشیر برای از بین بردن وحدت جنبش و قربانی کردن جمعیتی که پیشتر به حاشیه رانده شده بودند.

در بحبوحه مشارکت گسترده مردمی در خارطوم و سایر شهرهای سودان، در ۱۱ آوریل ۲۰۱۹ تعدادی از افسران ارتش این کشور طی یک کودتا، البشیر را برکنار کردند و یک شورای نظامی انتقالی<sup>۱</sup> تأسیس کردند. با این وجود صدها هزار سودانی همچنان در خیابان ها ماندند و از رهبران کودتا خواستند تا قدرت را به غیرنظامیان واگذار کرده و روند گذار دموکراتیک را آغاز کنند. تا فرا رسیدن ژوئن، شورای نظامی از سرکوب اعتراضات مردمی ناامید شده بود. نیروهای امنیتی به تحصناتی که در اطراف مقر فرماندهی رژیم نظامی در خارطوم برگزار شده بود حمله کردند و صدها نفر را کشتند، مورد تجاوز قرار دادند و اعضای بدن آنها را مثله مثله کردند؛ رویدادی که اکنون به عنوان کشتار خارطوم<sup>۲</sup> شناخته می شود. با اینحال انجمن متخصصان اجازه نداد که جنبش به ورطه اغتشاش و آشفتگی بغلتد و به مخالفان در مورد کارزار مستمر و فزاینده ارباب و خشونت از سوی شورای نظامی هشدار داد و از مردم سودان خواست روش اعتراض خود را از اعتراضات خیابانی به یک اعتصاب عمومی سه روزه تغییر دهند که در آن از تمامی شهروندان خواسته شده بود به مغازه ها، مدارس، محل کار، کارخانه ها و ادارات

---

<sup>۱</sup> . transitional military council (TMC)

<sup>۲</sup> . Khartoum Massacre

دولتی خود نرفته و در خانه بمانند. این اعتصاب از ۹ تا ۱۱ ژوئن برگزار شد و به سرعت توانست نیروی جنبش را در اعمال قدرت مردم به شیوه‌ای منضبط و اخلاص‌آفرین به نمایش بگذارد. این اعتصابات خیابان‌ها را نیز خالی کرد و مردم را تا حدودی از خشونت دولتی در امان نگه داشت، و همزمان فشار بر شورای نظامی را همچنان حفظ کرد تا مطالبات انجمن متخصصان برای نظارت غیرنظامی بیشتر و مشارکت مردمی در روند انتقال را برآورده کند. در ۱۲ ژوئن، شورای نظامی در نهایت تسلیم شد. گفتگوها با انجمن متخصصان از سر گرفته شد، عاملان قتل عام خارطوم دستگیر و محاکمه شدند و در ماه‌های آتی بر روی یک قانون اساسی جدید توافقاتی صورت گرفت. اگرچه مسیر پیش‌روی سودان همچنان ناهموار است، اما همزمان که من این مطالب را می‌نویسم، این کشور در مسیر گذرای دموکراتیک و البته دور از انتظار است. مورد سودان نشان می‌دهد که چگونه مشارکت گسترده مردمی به قدرت حقیقی مردمی منتج می‌شود.

### تغییر وفاداری حامیان رژیم

مقاومت مدنی با برانگیختن و تهییج قدرت از پایین و بدنه جامعه عمل می‌کند بگونه‌ای که جامعه مدنی مردمی بتواند اساساً در کار کسانی که مسئول تحمیل و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های صاحبان قدرت هستند، اختلال ایجاد کرده یا همکاری آنها را جلب کند. این ما را به دوّمین عامل مهم و کلیدی سوق می‌دهد: توانایی یک جنبش برای تغییر وفاداری عناصری که در ستون‌های حمایتی دشمن فعالیت می‌کنند.

دستیابی به این هدف مستلزم کارزارهایی است که بسیاری از جوامع و گروه‌های مختلف از آن حمایت کنند: زنان، جوانان، دانشجویان، سالمندان، متخصصان، رانندگان تاکسی، تجار و صاحبان مشاغل کوچک، شخصیت‌های مذهبی، کارمندان دولت و غیره. هرچه چینش و گستره حامیان گسترده‌تر و وسیع‌تر باشد، احتمال

بیشتری وجود دارد که جنبش نماینده تمامی طیف‌های جامعه با حوزه‌های نفوذ متنوعشان باشد- که این به معنای راه‌های بیشتر برای دسترسی به افرادیست که در ستون‌های حمایتی دشمن قرار دارند.

نباید تأثیر چشمگیر قدرت اجتماعی مردم بر وضعیت موجود را دست کم بگیریم. حتی افرادی که حس می‌کنند توانایی تأثیرگذاری بر نظام سیاسی را ندارند بواقع دارای قدرت اجتماعی هستند. هر فردی از حداقل روابطی برخوردار است که از طریق آنها می‌تواند رفتار و کنش‌های دیگران را به چالش بکشد یا تقویت کند. و اینکه تأیید یا عدم تأیید اجتماعی تأثیرات قدرتمندی بر رفتار انسانها دارد. تمایل به کسب تأیید یا روابط دوستانه با اعضای خانواده، دوستان، همسالان و همسایگان می‌تواند حتی کارگزاران یک رژیم [سرکوبگر] را نیز متقاعد کند که نمی‌توانند همانند گذشته به حمایت از سیستم ادامه دهند. مردم در هر سطح اجتماعی که باشند می‌توانند بر محیط اجتماعی و نگرش برخی از بخش‌های کلیدی رژیم تأثیر بگذارند. چه سربازان پیاده در خط مقدم، چه ژنرال‌هایی که طراح استراتژی‌ها هستند، چه کارمندان دولتی مانند دیپلمات‌ها و چه افرادی که در شبکه برق مشغول به کار هستند.

این امر حتی زمانی که مردم گزینه‌های قانونی دیگر مانند رأی‌دادن را نیز برای مشارکت سیاسی پیش‌رو ندارند صادق است. آنجلینا گریمکه<sup>۱</sup>، از حامیان لغو برده‌داری، این نکته را در جزوه خود در ۱۸۳۶ با نام درخواستی از زنان مسیحی جنوب<sup>۲</sup> و پیش از اینکه زنان سفیدپوست در ایالات متحده حق رأی داشته باشند، بیان کرد.

---

<sup>۱</sup> . Angelina Grimke

<sup>۲</sup> . Appeal to Christian Women of the South

شاید شما آماده‌ طرح این پرسش باشید که چرا در این موضوع به زنان متوسل می‌شوم؟ قوانینی که برده‌داری را تداوم می‌بخشند، ما وضع نمی‌کنیم. هیچ قدرت قانونگذاری در اختیار ما نیست. حتی اگر بخواهیم هم هیچ کاری نمی‌توانیم برای سرنگونی نظام انجام دهیم. اما من برای اینها پاسخی دارم؛ می‌دانم که شما قدرت وضع قوانین را ندارید، اما شما همسران و مادران، خواهران و دختران آنهایی هستید که این کار را انجام می‌دهند. و اگر واقعاً تصور می‌کنید که نمی‌توانید هیچ کاری برای سرنگونی برده‌داری انجام دهید، سخت در اشتباه هستید. (تأکیدها در متن اصلی)

گریمکه اذعان داشت که در قرن نوزدهم اگرچه زنان سفیدپوست در جنوب ایالات متحده نمی‌توانند رأی بدهند، عضوی از هیئت منصفه دادگاه باشند یا مناصب سیاسی داشته باشند، هنوز هم این قدرت را دارند که مانع برخی از بی‌عدالتی‌ها و تحقیرهای روزمره‌ای شوند که برده‌های سیاه با آن‌ها روبه‌رو هستند و می‌توانند هنگام صحبت با شوهران، بستگان، دوستان و فرزندان خود اخلاقی بودن برده‌داری را به چالش بکشند. گریمکه بر این باور بود که اگر مردان سفیدپوستی که در جنوب به وضع قوانین می‌پرداختند به فکر بهبود زندگی زناشویی خود باشند، در صورت وجود فشار زنان سفیدپوست و گذشت زمان، شروع به دادن برخی امتیازات خواهند کرد. (البته زنان سفیدپوست جنوب دعوت گریمکه را قبول نکردند و هیچ مقاومت مدنی پایدار و گسترده‌ای در برابر برده‌داری در میان سفیدپوستان جنوب- زنان یا مردان- پیش از جنگ داخلی شکل نگرفت.)

زمانی که جنبش‌ها موفق می‌شوند چهره‌های کلیدی رژیم و حامیان آن را به سوی خود بکشانند، احتمال موفقیت‌شان بیشتر از جنبش‌هایی خواهد بود که دست به

چنین کاری نمی‌زنند. و تغییر این وفاداری‌ها مستلزم ترخم قلبی دشمنان یا توسل به اخلاقیات آنها نیست. بلکه این مهم اغلب از طریق ضرر زدن به محتویات کیف پول نخبگان کلیدی اقتصادی یا تجاری کشور، تهدید منافع تجاری یا حرفه‌ای مقامات مهم نظامی یا امنیتی یا صرفاً به حاشیه‌راندن دشمنان قدرتمند در داخل رژیم اتفاق می‌افتد و دلیل آن نیز این است که نخبگان اصلاح‌طلب رژیم احساس تغییر در بادهای سیاسی را حس کرده و بالاتفاق مناصب محسوس خود را کنار می‌گذارند.

البته هر کمپین ویژگی‌ها و خصایص خاص خود را داراست. به عنوان مثال در جوامع قویاً نژادپرست یا دارای تقسیمات قومی، متقاعد کردن نیروهای امنیتی - که معمولاً نماینده یک گروه قومی یا نژادی ممتاز هستند - احتمالاً غیرممکن باشد. [۸] بسیاری از رژیم‌ها با استخدام افراد یا مزدوران خارجی برای تأمین امنیت داخلی خود، به دنبال این هستند که خود را از خطر تمرد و کناره‌گیری پلیس، ارتش و دیگران مصون نگه دارند. به عنوان مثال، بحرین برای سرکوب جنبش توده‌ای سال ۲۰۱۱ علیه سلطنت آل خلیفه، پلیس پاکستان و عربستان سعودی را به کشور خود آورد. در موارد دیگر رژیم‌ها از شکاف‌های نژادی یا قومی موجود در جامعه سوء استفاده می‌کنند، مانند زمانی که رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی به شکلی افراطی از سفیدپوستان آفریقای جنوبی به عنوان نیروهای امنیتی خود استفاده می‌کرد. با این وجود در صورتی که جنبش‌های قدرت مردم بتوانند هزینه‌های کافی را بر سایر گروه‌های کلیدی مانند نخبگان اقتصادی و تجاری تحمیل کنند، قادر خواهند بود که وفاداری این گروه‌ها را تضعیف کنند. به عنوان مثال در آفریقای جنوبی دوران آپارتاید، صاحبان مشاغل سفیدپوست در نهایت حمایت خود از پایان‌بخشیدن به آپارتاید را نشان دادند - و دولت آفریقای جنوبی را برای مذاکره با کنگره ملی آفریقا تحت فشار قرار دادند - و این تنها پس از این رخ داد که محلات و نواحی سیاه‌پوست‌نشین کالاهای آنها را تحریم کرده بودند، شرکت‌های بین‌المللی از

اقتصاد آفریقایی جنوبی صرف نظر کرده بودند و سازمان‌های بین‌المللی تحریم‌هایی را علیه دولت آپارتاید اعمال کرده بودند. این فشار از پایین رژیم را مجبور کرد که به خواسته‌های مخالفان تن دهد.

### استفاده از تاکتیک‌های متنوع، نه فقط تظاهرات

جنبش‌هایی که تاکتیک‌های خود را به تناوب تغییر می‌دهند، نسبت به جنبش‌هایی که بیش از اندازه به یک روش مانند اعتراضات یا تظاهرات تکیه می‌کنند، احتمال موفقیت بیشتری دارند. کارزارهای غیرخشونت‌آمیزی که از سرمایه‌انسانی عظیم خود برای ایجاد تاکتیک‌های جدید و غیرمنتظره استفاده می‌کنند، در حفظ شتاب خود بهتر از جنبش‌هایی که قابل‌پیش‌بینی و از نظر تاکتیکی راکد هستند عمل می‌کنند. بویژه زمانی که جنبش‌ها بزرگ و گسترده هستند، این توانایی را دارند که از خیابان‌ها عقب‌نشینی کرده و همزمان انواع دیگر فشارها را به دشمن وارد آورند.

بیابید به مثال تاریخی دیگری نگاه کنیم تا ببینیم این مکانیسم چگونه کار می‌کند. در سال ۱۹۴۰ نازی‌ها به نروژ حمله کردند و یک دولت دست‌نشانده را که توسط ویدکون کوئیسلینگ<sup>۱</sup> اداره می‌شد بر سر کار آوردند. در فوریه ۱۹۴۲ دولت کوئیسلینگ تلاش کرد تا برنامه درسی مدارس نروژ را به گونه‌ای تغییر دهد که منعکس‌کننده ایدئولوژی و تبلیغات نازی باشد و به معلمان مدارس نروژی دستور داد به انجمن معلمان نازی بپیوندند. [۹] بیش از ده‌هزار نفر - بیش از ۸۳٪ - از معلمان نروژی از انجام این کار امتناع کردند، دست به اعتصاب زدند یا به تدریس زیرزمینی روی آوردند. با بسته شدن مدارس، ده‌ها هزار کودک نیز در خانه ماندگار شدند. این امر باعث شد یکی از ستون‌های [بالقوه] مهم رژیم - والدین کودکان مدرسه‌ای - با جنبش معلمان همراه شوند،

---

<sup>۱</sup> . Vidkun Quisling

و در ادامه صدها هزار نفر از والدین با نوشتن نامه‌هایی خواستار لغو فوری سیاست کویسلینگ شدند تا کشور به وضعیت پیشین بازگردد. در پاسخ گشتاپوی کویسلینگ هزارتن از معلمان را دستگیر کرد و به زندان انداخت و اخبار رفتار غیرانسانی با آنها در زندان را برای ترساندن سایر معلمان و اجرای دستوراتش منتشر کرد، با اینحال معلمان تسلیم نشدند. در عوض اعضای جامعه در اقدامی خودجوش برای همبستگی و حمایت از خانواده‌های معلمان اعتصابی و زندانی، به جمع‌آوری کمک‌های مالی مردمی پرداختند. در آوریل ۱۹۴۲ کویسلینگ نزدیک به پانصد معلم را به اردوگاه کار اجباری در شمال نورژ، نزدیک قطب شمال فرستاد. زمانیکه وی پی برد که کشاورزان نورژی در امتداد ریل قطار جمع شدند تا برای زندانیانی که در قطار به سمت شمال حرکت می‌کردند، آواز خوانده و به آنها غذا بدهند، ناامید و دلسرد شد. معلمان باز هم تسلیم نشدند. در نوامبر ۱۹۴۲ کویسلینگ به این نتیجه رسید که وحشی‌گری و خشونت خود را می‌تواند تشدید کند، اما استدلال کرد که نمی‌تواند همزمان هم دست به این کار بزند و هم مشروعیت خود در میان مردم نورژ را حفظ کند که به رضایت آنها برای ماندن در قدرت وابسته بود. او در نهایت تلاش‌های خود برای نازی‌سازی برنامه درسی نورژ و تلاش‌های مشابه برای تثبیت کنترل نازی‌ها بر نهادهای عمومی و فرهنگی نورژ را کنار گذاشت.

این مورد - و بسیاری موارد دیگر - نشان می‌دهد که چگونه اعتصاب، در کنار حمایت مردمی از جانب یک پایگاه وسیع اجتماعی می‌تواند تسلط رژیم بر قدرت را تهدید کند. همچنین نشان می‌دهد که جنبش‌ها چگونه می‌توانند با ایجاد صندوق‌های اعتصاب، ذخیره غذا و آب و تمرین در انجام انواع دیگر خوداتکایی اجتماعی، برای چنین عدم همکاری‌هایی در مقیاس بزرگ آماده شوند. تمامی اینها

می‌توانند این رویکرد را تداوم ببخشند. چنین تکنیک‌هایی زمانی مؤثرتر خواهند بود که تعداد زیادی از مردم در انجام آنها مشارکت داشته باشند.

### انضباط و انعطاف‌پذیری در مقابل سرکوب

چهارم اینکه جنبش‌ها زمانی به موفقیت می‌رسند که بتوانند استقامت و پایداری خود را افزایش دهند که معنای آن ارتقای انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری جنبش، حفظ نظم و انضباط و مشارکت توده‌ای است، حتی زمانی که دولت با خشونت دست به سرکوب آنها می‌زند. مهم‌تر از همه توجه به این امر است که جنبش‌ها باید سازمان‌دهی خود را در هر وضعیتی و بدون توجه به اینکه رژیم چه چیزی به سوی آنها پرتاب می‌کند، همچنان حفظ کنند - نه با خشونت متقابل مقابله به مثل کنند و نه عکس‌العمل نشان دهند یا عقب‌نشینی کنند. جنبش‌هایی که در دستیابی به این هدف موفق می‌شوند معمولاً ساختار سازمانی مشخصی دارند؛ برنامه‌هایی برای جانشینی رهبر در صورت زندانی شدن، کشته شدن یا کنار گذاشته شدن وی دارند و در کنار آن طرح‌هایی اضطراری برای واکنش در هنگام تشدید سرکوب را نیز در نظر گرفته‌اند. [۱۰] علاوه بر این درگیر نگه داشتن طیف وسیعی از افراد، در تعداد انبوه، حتی در هنگام قرارگرفتن در معرض آتش نیز در برنامه این جنبش‌ها وجود دارد، چرا که سرکوب یک جنبش بسیار متنوع به احتمال زیاد نتیجه‌ای معکوس علیه دشمن خود خواهد داشت. شانه‌خالی کردن از تبعات شلیک به غیرنظامیانی که گروه غالب و مسلط جامعه بوده یا حتی به محافل اجتماعی رژیم نزدیک هستند، برای رژیم‌ها دشوارتر است (هرچند غیرممکن نیست)، تا جمعیت‌های کوچکتری که نماینده کل جامعه تلقی نمی‌شوند. [۱۱] از این گذشته، نیروهای پلیس و ارتش به ندرت با دستور مافوق خود مبنی بر استفاده از خشونت علیه افرادی که ممکن است در میان آنها فرزندان، پسرعموها،



حسابداران، کشیشان یا مراجع مذهبی آنها باشند کنار می آیند. به دلیل همین پتانسیل واپس زنی یا نتیجه معکوس<sup>۱</sup> - و همچنین مانورهای ماهرانه کارزارهای بدون خشونت بین روش های متمرکز و متفرق - کمپین های بدون خشونت می توانند عملکرد بسیار موفق تری از کمپین های خشونت آمیز داشته باشند، حتی زمانی که رژیم فعالانه به معترضان بدون خشونت حمله کرده و آنها را می کشد. در واقع از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹، کمپین های بدون خشونت با اهداف حداکثری که با سرکوب خشونت آمیز مواجه بوده اند در ۴۵ درصد موارد به موفقیت رسیده اند، در حالی که کمپین های خشونت آمیز تنها در ۲۲ درصد موارد موفق بودند.

هر یک از این چهار عامل - مشارکت در مقیاس بزرگ، تغییر وفاداری، نوآوری تاکتیکی و انعطاف پذیری در مواجهه با سرکوب - زمانی که یک جنبش به خوبی سازماندهی شده و برای مبارزه ای طولانی آماده شده باشد، راحت تر به اجرا در می آیند. فریب ظاهر امر را نخورید که وقتی بسیاری از رژیم ها با یک قیام توده ای غیرخشونت آمیز روبرو می شوند، چقدر سریع فرو می پاشند. کارزارهای سازمان یافته و منضبط اغلب پیش از بسیج توده ای ماه ها یا سال ها زمان صرف برنامه ریزی و سازماندهی می کنند. برای مثال، فعالان صرب مرتبط با جنبش اوتپور - که به سرنگونی اسلوبودان میلوشوویچ در سال ۲۰۰۰ کمک کرد - اغلب عنوان می کنند که ۹۵٪ تلاش های آنها صرف

---

<sup>۱</sup> backfiring. در اصطلاح به معنای خروج صدای بلند در نتیجه عملکرد ناکارآمد موتور خودرو یا سایر خودروهای احتراق داخلی است، اما در معنای سیاسی آن واکنش خشم آلود همگانی و عظیم به رویدادی عمومی شده (در اینجا سرکوب دولتی) است که از سوی شهروندان ناعادلانه تلقی شده و در نتیجه واکنش خشم آلود خود را متوجه کسانی می کنند به عنوان مسئول این اتفاق تلقی می شوند - م

برنامه‌ریزی، آموزش، آماده‌سازی و پیگیری اقدامات پیش از بسیج توده‌ای می‌شد؛ از جمله توزیع عکس و فیلم از یک اقدام، نوشتن مقالات و ارائه نظرات در تفسیر این اقدامات، مشارکت در عضوگیری نیروها و موارد مشابه. [۱۲] فقط ۵ درصد تلاش‌های آنها صرف خود اقدامات می‌گردید. به همین ترتیب، فعالان دانشجویی که در طول جنبش حقوق مدنی ایالات متحده در تحصن‌هایی علیه جداسازی مکان‌ها و امکانات عمومی در نشویل، تنسی شرکت داشتند، اغلب هر روز صبح، پیش از شروع کلاس‌ها برای برنامه‌ریزی، آماده‌سازی و تدوین استراتژی‌ها گرد هم می‌آمدند [۱۳].

آنچه این روایتها نشان می‌دهند این است که کارزارهای بدون خشونت موفق به ندرت خودجوش و فی‌البداهه هستند. آنها نیاز به زمان، تلاش و برنامه‌ریزی دارند. در واقع به طور میانگین، بسیج توده‌ای غیرخشونت‌آمیز و موفق حدود شانزده ماه به طول می‌انجامد - که البته این شامل مراحل نمی‌شود که در آن جنبش‌ها پیش از ورود به فاز عمل جمعی به برنامه‌ریزی، آموزش و تدوین استراتژی می‌پردازند. اما به خاطر داشته باشید که این زمان به طور قابل توجهی کوتاه‌تر از زمان متوسط کارزارهای خشونت‌آمیز موفق است که بیش از پنج سال به طول می‌انجامد.

برای ثمربخش بودن مقاومت مدنی کمپین‌ها باید گسترده باشند، باید مبتکرانه و پایدار باشند، و باید به گروه‌های حامی رژیم نشان دهند که بادهای سیاسی به نحو غیرقابل بازگشتی تغییر کرده‌اند - و اینکه تغییر موضع، در بلندمدت به نفع خودشان است. اندازه، وحدت، نوآوری خلاقانه تاکتیکی و اهرم فشار از طریق رویگردانی و تمرد، مولفه‌هایی هستند که کمپین‌های مقاومت بدون خشونت را به موفقیت می‌رسانند.

## کارزارهای مقاومت مدنی و بدون خشونت چگونه طرفداران زیادی را به خود جذب می کنند؟

حال چگونه این جنبش های توده ای مردم را از اقشار مختلف جامعه به خود جذب می کنند؟ این واقعیت به چیزی برمی گردد که داگلاس مک آدام<sup>۱</sup> جامعه شناس آن را «رهایی شناختی»<sup>۲</sup> می نامد. [۱۴] فرآیندی که در آن تعداد زیادی از مردم به شکل جمعی به این نتیجه می رسند که بی عدالتی بزرگی روی داده است، که باید برای تغییر وضعیت اقدام کنند و باید خود را درگیر هدفی جمعی کنند تا تغییری را که می خواهند شاهدش باشند، ایجاد کنند، و اینکه دیگر نمی توانند به زمانی برگردند که از بی عدالتی غافل بودند یا به جای خطر کردن حاضر به تحمل این بی عدالتی ها بودند. بله، این یک جهش بزرگ است. اما مک آدام استدلال می کند که جنبش ها زمانی رهایی شناختی را آغاز می کنند که ادعاهای خود را به گونه ای تنظیم کنند که با اقشار مختلف جامعه همساز و هم آهنگ باشند، هنگامی که وقوع برخی رویدادهای سیاسی انگیزه و تسهیل کننده اقدام جمعی باشد، و زمانی که یک جنبش به اندازه کافی سازماندهی شده باشد تا بتواند چالش پایداری را در مقابل دشمن بوجود بیاورد. [۱۵] من در ادامه هر یک از این عناصر با دقت بیشتری بررسی می کنم.

## کارزارهای مقاومت مدنی موفق چگونه آغاز می شوند؟

کمپین های مقاومت مدنی به دلایل بی شماری آغاز می شوند. بی عدالتی و خوارداشت منزلت و کرامت افراد در طول زمان بر روی هم انباشته می شود- و مردم برای مقاومت در برابر این بدرفتاری ها به طرق مختلف دور یکدیگر جمع می شوند- که البته

---

<sup>۱</sup> . Douglas McAdam

<sup>۲</sup> . cognitive liberation

مشخص کردن نقطه آغاز آن کار دشواری است؛ دلایل وقوع این قبیل بسیج‌های توده‌ای در برابر تعمیم مقاومت می‌کنند.

با این وجود این امر باعث نشده که محققان دست از تلاش بردارند. در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۷ منتشر شد، من و جی اولفلدر<sup>۱</sup> نظریه‌های برجسته جامعه‌شناختی پیرامون اعتراضات و انقلاب را ارزیابی کردیم. برخی از این نظریه‌ها بر نارضایتی‌های جمعی تأکید دارند، برخی دیگر بر نحوه گشایش فرصت‌های سیاسی در دوره‌های ضعف یا گذار رژیم تمرکز می‌کنند، برخی دیگر به فرآیندهای تدریجی لیبرال‌سازی توجه دارند که ناگهان بر شدت آن افزوده شده و به یک جنبش توده‌ای موفق منجر می‌شود، برخی دیگر نیز به این موضوع نگاه می‌کنند که آیا جنبش‌های توده‌ای منابع مناسبی در دسترس خود داشته‌اند یا خیر- یعنی ارتباطات، افراد جوان با زمان آزاد و شبکه‌های سازمانی در دسترس که این جنبش‌ها بتوانند از عضویت و تجربیات این شبکه‌ها بهره ببرند. [۱۶] ما می‌خواستیم بدانیم که آیا هر یک از نظریات می‌توانند به درستی توضیح داده یا پیش‌بینی کنند که کارزارهای مقاومت مدنی چگونه آغاز می‌شوند.

در کمال شگفتی هیچ یک از این تئوری‌های متعارف به طور دقیق پیش‌بینی نمی‌کردند که قیام‌های غیرخشونت‌آمیز در کشورها از کجا نشأت گرفته‌اند؛ دست کم از سال ۱۹۵۵ به این سو. [۱۷] آنها خیلی متنوع هستند.

با این حال چند عامل کلیدی با آغاز قیام‌های مقاومت بدون خشونت مرتبط هستند. اول اینکه جمعیت زیاد یک کشور این احتمال را که کارزاری در سالی معین شعله‌ور شود، بیشتر می‌کند. صرفاً به این دلیل که کشورهای بزرگی مانند چین، هند، ایالات متحده و روسیه، بسیار بزرگ و پرجمعیت هستند، این احتمال که انواع

---

<sup>۱</sup> . Jay Ulfelder

رویدادهای سیاسی را تجربه کنند بیشتر است. عامل دیگر «تورم جوانان»<sup>۱</sup>، یا افراد پانزده تا بیست و چهار ساله‌ای است که بخش نامتناسب و عمده‌ای از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. [۱۸] این عاملی مهم است، چرا که فعالان و مبارزان جوان - به ویژه دانشجویان - عمدتاً تمایل به این دارند که دست به اعتراض و مقاومت بزنند و این تا حدی به این دلیل است که وقت کافی دارند و همچنین چیزهای بیشتری برای به دست آوردن و کمتر برای از دست دادن دارند. و نیز اغلب در مکان‌های متمرکز مانند مدارس و دانشگاه‌ها تمرکز یافته‌اند. [۱۹] در صورتی که اکثر جمعیت یک کشور به تلفن و موبایل دسترسی داشته باشند، احتمال آغاز کارزارهای مقاومت مدنی بیشتر می‌شود، علاوه بر این در صورتی که بسیاری از جمعیت یک کشور در شهرها زندگی کنند، این امکان که تعداد زیادی از مردم بتوانند برای بحث، هماهنگی و بسیج دور یکدیگر جمع شوند، آسان‌تر می‌شود. [۲۰] وجود یک بخش تولیدی بزرگ در کشور نیز می‌تواند به قدرت چانه‌زنی جنبش مقاومت کمک کند و این امکان را در اختیار گروه‌های بزرگی از مردم قرار دهد که دست از کار بکشند؛ عاملی که برای اقتصاد یک کشور ضروری است. [۲۱] وجود سازمان‌های اجتماعی - مانند انجمن‌های کارگری یا حرفه‌ای سازمان یافته، نهادهای مذهبی، یا مدارس و دانشگاه‌ها - نیز می‌تواند به ویژه در کمک به مخالفان جهت کسب قدرت سیاسی بادوام و پایدار اهمیت داشته باشد [۲۲].

تمامی این عوامل فرصت بسیج جنبش مقاومت را در مقیاسی بزرگ فراهم می‌کند. اما چه چیزی افراد را به اقدامات جمعی پرخطر ترغیب می‌کند، به ویژه زمانی که حریف تا دندان مسلح بوده و ممکن است مایل به استفاده از سلاح‌های خود باشد؟ بیابید به محرک‌های کوتاه‌مدت و انگیزه‌های بلندمدت نگاهی بیندازیم. محرک‌های کوتاه‌مدت

---

<sup>۱</sup> . youth bulge

برای هر جنبشی منحصربه‌فرد هستند، پیش‌بینی آن‌ها دشوار است و لزوماً تشخیص‌شان در زمان وقوع آسان نیست. به عنوان مثال در دسامبر ۲۰۱۰، محمد بوعزیزی میوه فروش، در سیدی بوزید<sup>۱</sup>، یکی از شهرهای تونس، با ناامیدی خشمگینانه‌ای خود را به آتش کشید، به این دلیل که پلیس محلی مدام او را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد و از او درخواست رشوه داشت، یا اجناسش را مصادره می‌کرد و در عین حال فرماندار هم به شکایت‌های او ترتیب اثری نمی‌داد. بسیاری بر این باورند که اعتراض او آتش انقلاب کرامت در تونس در دسامبر ۲۰۱۰ را برافروخت و در نهایت به بهار عربی منتهی شد. با اینحال بسیاری دیگر نیز پیش از آن با هدف نافرمانی سیاسی و از روی ناامیدی در تونس خودسوزی کرده بودند [۲۳] و هیچ تأثیری از خود به جا نگذاشتند. عده اندکی می‌دانند که چرا این اقدام از روی نافرمانی و استیصال بوعزیزی آتش انقلاب را در تونس شعله‌ور کرد.

به طور مشابهی در دسامبر ۲۰۱۸ در سودان و در بحبوحه بحران اقتصادی این کشور، دولت اعلام کرد که دیگر به غذا یا سوخت یارانه اختصاص نمی‌دهد. مردم سودان برای تظاهرات به خیابان‌ها آمدند و در آنجا ماندند تا اینکه در آوریل ۲۰۱۹ رژیم عمر البشیر، رئیس‌جمهور مستبد این کشور را سرنگون کردند. به همین ترتیب پیشنهاد اخذ مالیات از کاربران واتس‌اپ در لبنان که در تنگنای اقتصادی شدیدی به سر می‌برد باعث وقوع انقلاب اکتبر ۲۰۱۹ در این کشور شد و طی آن صدها هزار لبنانی دست به اعتراض، تظاهرات و اعتصاب زدند که در نهایت منجر به استعفای نخست‌وزیر این کشور شد. پیش‌بینی یا تعمیم محرک‌های [کوتاه مدّت] و جرقه‌های آغاز یک جنبش به شکل ناامیدکننده‌ای غیرممکن است.

---

<sup>۱</sup> . Sidi Bouzid

بسیاری از مردم تصوّر می کنند که سرخوردگی و ناامیدی اقتصادی رایج ترین علّت [بلند مدت] قیام های توده ای ست. اما اولفلدر و من متوجّه شدیم که مشکلات اقتصادی - که با فقر، نابرابری، تورّم، یا شوک های اقتصادی مانند افت ناگهانی تولید سنجیده می شود - نمی توانند به نحوی نظام مند وقوع کارزارهای مقاومت مدنی توده ای را، دست کم بین سال های ۱۹۵۵ و ۲۰۱۳ پیش بینی کنند. پس دلیل اصلی چه بوده است؟ جرایم سیاسی مانند اقتدارگرایی و نقض آشکار حقوق بشر، مانند شکنجه، ضرب و شتم، حبس سیاسی، یا قتل های خودسرانه انجام شده توسط پلیس یا دولت، دلایل اصلی بوده اند. [۲۴] در واقع ما دریافتیم که تضعیف عملکرد حقوق بشری یک کشور نسبت به سال پیش منجر به مقاومت مدنی قاطعانه در آن کشور می شود. یا به عبارت دیگر با سرکوبگرتر شدن یک کشور، احتمال اینکه آن کشور خیزشی غیرخوشونت آمیز را تجربه کند بیشتر می شود.

اما چرا افزایش سرکوب باعث قیام بدون خوشونت مردم می شود؟ آیا فکر نمی کنید که این امر در عوض باعث می شود که شهروندان ساکت بمانند و دم نزنند؟ وندی پرلمن،<sup>۱</sup> دانشمند علوم سیاسی که با فعالان درگیر در قیام های بهار عربی مصاحبه کرده بود دریافت که حالت های عاطفی جمعی بسیار قوی - مانند خشم همراه با غرور، شادی و امید - می توانند مردم را به غلبه بر ترس و جهش به سمت مقاومت سوق دهد. [۲۵] این خشم جمعی می تواند واکنش به بی عدالتی هایی باشد که به نحوی گسترده برای مردم محرز شده است، مانند ترور یا قتل یک فرد محترم یا شخصی بی گناه توسط پلیس. در ایالات متّحده در ماه مه ۲۰۲۰، اعتراضات گسترده ای در سراسر کشور در واکنش به قتل جورج فلوید، یک مرد سیاهپوست غیرمسلّح توسط پلیس در مینیاپولیس مینه سوتا آغاز

---

<sup>۱</sup> . Wendy Pearlman

شد. این احساس خشم جمعی می تواند ناشی از تصویب یک قانون ناعادلانه یا غیرمردمی نیز باشد، مانند لایحه استرداد<sup>۱</sup> مجرمین در هنگ کنگ که اجازه می داد زندانیان سیاسی برای محاکمه و مجازات به سرزمین اصلی چین تحویل داده شوند. این لایحه خشم عمومی و گسترده ای را برانگیخت، چرا که ساکنان قلمرو پیشتر دموکراتیک هنگ کنگ ناگهان ممکن بود مشمول سیستم قضایی خشن تر چین شوند. و امید چیست؟ امید می تواند ناشی از این احساس باشد که شهروندان با همکاری و همراهی یکدیگر می توانند کاری در مورد بی عدالتی انجام داده و قدمی در راستای رفع آن بردارند.

### وقتی مردم فرصت و انگیزه بسیج سیاسی را دارند، چرا کنش بدون خشونت را به جای مقاومت مسلحانه انتخاب می کنند؟

یکی از عوامل مؤثر در این زمینه تاریخ اعتراضات اخیر در یک کشور است. افرادی که اخیراً درگیر اعتراضات و سایر روش های غیرخشونت آمیز بوده یا از آنها آگاهی دارند، به احتمال فراوان با این رویکردها آشنا بوده و می توانند از آنها به عنوان زبانی مشترک و شیوه ای برای بره انداختن کارزار بدون خشونت دیگری استفاده کنند. [۲۶] در ایالات متحده جنبش دموکراسی خواهی که پیش از انتخابات ۲۰۲۰ ظهور کرد، از ائتلاف گسترده گروه هایی تشکیل شده بود که در سال های پیشتر برای زندگی سیاه پوستان، حقوق مهاجران، حقوق زنان، کنترل اسلحه، عدالت زیست محیطی، عدالت اقتصادی و حق رأی همگانی بسیج شده بودند. این ائتلاف ظرفیت سازمانی برای هماهنگ کردن فعالیت های اطلاع رسانی، به اشتراک گذاری منابع و بسیج و تقویت واکنش های فوری

---

<sup>۱</sup>. Extradition Bill



به آزار و اذیت رأی دهندگان، تداخل در جدول بندی آرا، یا معکوس کردن روند تأیید ایالتی نتایج انتخابات را دارا بود.

آشنایی با اقدامات غیرخشونت آمیز می تواند از مرزهای یک کشور نیز فراتر رود: نزدیکی جغرافیایی به کشوری که قیامی بدون خشونت داشته است می تواند مردم کشور همسایه را به این فکر بیاندازد که شاید زمان آن رسیده باشد که آنها نیز قیام کنند. [۲۷] به همین دلیل است که اغلب شاهد آنیم که جنبش های قدرت مردم در امواجی منطقه ای رخ می دهند، مانند انقلاب های رنگی اروپای شرقی یا قیام های بهار عربی - چیزی که مارک بیسینگر<sup>۱</sup>، دانشمند علوم سیاسی، «انقلاب های مقطعی یا چندبخشی»<sup>۲</sup> می نامد [۲۸].

در مجموع به نظر می رسد چند عامل کلیدی احتمال وقوع کمپین های مقاومت مدنی را بیشتر می کند. در کنار آن دانستن اینکه کدام عوامل منجر به وقوع چنین کمپین هایی نمی شوند نیز خالی از فایده نیست. [۲۹] این عوامل شامل سطح ثروت یا فقر یک کشور، سطح تحصیلات شهروندان؛ درگیری های مسلحانه اخیر در کشور؛ پراکندگی قومی یا زبانی؛ نوع دیکتاتوری (نظامی، شخصی، تک حزبی یا سلطنتی)؛ و رشد اقتصادی یا تورم می باشد. این عوامل ممکن است بخشی از دلایل قیام شهروندان در کشوری خاص باشد. اما به نظر می رسد این عوامل هیچ رابطه نظام مندی با این که آیا کشوری خاص شاهد خیزش مقاومت مدنی توده ای در سالی معین خواهد بود یا خیر ندارند [۳۰].

---

<sup>۱</sup> . Mark Beissinger

<sup>۲</sup> . modular revolutions.

در واقع اگرچه وقوع جنبش‌های توده‌ای در طول زمان به طور چشمگیری افزایش یافته است، خیزش‌های مردمی در هر سال بخصوص امری غیرمعمول است. در فعال‌ترین دههٔ تاریخ مکتوب - ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ - دست کم شصت و هشت کشور یک انقلاب بدون خشونت را تجربه کرده‌اند. این رقم حدود یک سوم کشورهای جهان است.

### آیا فرمولی برای کارزارهای مقاومت مدنی مؤثر وجود دارد؟

ظاهراً هیچ فرمول جهان‌شمولی وجود ندارد. هر کشور شهروندان و قیام‌های مردمی منحصر به فرد خود را دارد. با این وجود الگوهای قابل توجهی نیز وجود دارند که در کمپین‌های موفقیت آمیز، مستمر و پرتکرار به نظر می‌رسند.

اول اینکه آستانهٔ جمعیتی مشخصی برای تغییر دولت‌ها مورد نیاز است. [۳۱] هیچ جنبشی پس از اینکه موفق شده ۱۰ درصد جمعیت کشور را به نحوی فعالانه و در اوج اقدامات خود درگیر کند، شکست نخورده است. اکثر جنبش‌ها پس از بسیج ۳٫۵٪ شهروندان کشور به موفقیت رسیده‌اند. در ادامه بیشتر در این باره توضیح خواهیم داد. دوم اینکه به نظر می‌رسد جنبش‌ها به روش‌هایی ایجاد فشار می‌کنند که می‌توان آنرا از طریق استعاره‌ای از فیزیک نیوتنی توضیح داد. برخی از جنبش‌ها با استفاده از فرصت‌های سیاسی پیش‌آمده، ایجاد پایگاه‌ها، ترتیب‌گذاری تاکتیک‌ها و سد کردن ائتلاف‌های مخالف، می‌توانند در طول زمان پویایی و شتاب خود را ایجاد کرده و حفظ کنند. در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۹ در مجلهٔ طبیعت رفتار انسان<sup>۱</sup> به چاپ رسید، مارگریتا بلژیوسو<sup>۲</sup>، دانشمند علوم سیاسی و من متوجه شدیم که پویایی یک جنبش در پیش‌بینی سقوط یک دولت در روزی مشخص بسیار مؤثر است. [۳۲] در فیزیک نیوتنی،

---

<sup>۱</sup> . Nature Human Behaviour

<sup>۲</sup> . Margherita Belgioioso

تکانه یا گشتاور برابر با جرم ضربدر سرعت است. در جنبش‌ها، جرم به اندازه یا تعداد افراد شرکت‌کننده مربوط می‌شود. سرعت نیز به سرعت [اقدامات جنبش] یا سرعت مقاومت در برابر دشمن مربوط می‌شود. ما از داده‌های رویدادهای اعتراضی در آفریقا از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ استفاده کردیم تا شاخص‌هایی را برای مؤلفه‌های جرم و سرعت ایجاد کنیم. ابتدا نگاه کردیم که چه تعداد از مردم در روزی معین در یک کشور دست به اعتراض می‌زنند و از آن به عنوان معیار جرم استفاده کردیم. سپس آن مقدار را در تعداد رویدادهای اعتراضی در هفته پیش، که آنرا معیار سرعت قرار داده بودیم ضرب کردیم. این متریک ساده (جرم × سرعت = گشتاور) می‌تواند ابزاری قدرتمند در اختیار جنبش‌هایی باشد که سعی در ارزیابی و سنجش پیشرفت خود دارند.

سوم اینکه، بسیاری از پژوهشگران چالش‌هایی کلیدی را پیش روی جنبش‌ها شناسایی کرده‌اند که در صورت غلبه بر آنها، این جنبش‌ها عموماً به موفقیت می‌رسند. من چهار مورد از آنها را در بالا ذکر کردم: مشارکت متنوع و در مقیاس بزرگ، تغییر وفاداری گروه‌ها یا بخش‌هایی که قبلاً به رژیم متعهد بودند، نوآوری تاکتیکی؛ و استقامت و انعطاف‌پذیری. دیگران نیز فهرست‌های خود را تهیه کرده‌اند. برای مثال، پیترا آکرمن<sup>۱</sup> و هاردی مریمن<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۴ «فهرستی برای پایان بخشیدن به استبداد»<sup>۳</sup> را منتشر کردند که شش سنجه یا معیار را ارائه می‌دهد که جنبش‌ها می‌توانند با استفاده از آنها پیشرفت و قدرت خود را ارزیابی کنند. [۳۳] این موارد شامل سه ظرفیت و سه گرایش یا روند می‌باشد. برای ظرفیت‌ها، آنها کار بر روی (۱) توانایی متحد کردن مردم، (۲) برنامه‌ریزی عملیاتی و (۳) نظم و انضباط بدون خشونت را پیشنهاد می‌کنند. برای

<sup>۱</sup> . Peter Ackerman

<sup>۲</sup> . Hardy Merriman

<sup>۳</sup> . Checklist for Ending Tyranny

روندها نیز پیشنهاد می‌کنند که (۱) افزایش مشارکت شهروندان در مقاومت مدنی، (۲) کاهش تأثیر سرکوب و نتیجه معکوس یا واپس زنی و (۳) افزایش تمرّد و کناره‌گیری در دشمنان جنبش رصد شود.

### چه کسانی در کمپین‌های مقاومت مدنی شرکت می‌کنند؟

همه جور آدمی، از هر قشری. در واقع ماهیت فراگیر و همه‌شمول مقاومت مدنی دلیل اصلی موفقیت این قبیل مبارزات است. کنش بدون خشونت روشی برای مقابله با بی‌عدالتی است که نیازی به آمادگی بدنی بالا، دور بودن طولانی مدت از خانه و خانواده یا تمایل بی‌قید و شرط برای استفاده از خشونت علیه مخالفان ندارد. بنابراین این احتمال بیشتر وجود دارد که کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز، زنان، اقلیت‌ها، کودکان، سالمندان، افراد دارای معلولیت، افراد دارای تعهد اخلاقی به خشونت‌پرهیزی، والدین کودکان خردسال، گروه‌های حاشیه‌ای و دیگری را که لزوماً برای مبارزه مسلحانه داوطلب نمی‌شوند را به خود جذب کند. [۳۴] در نتیجه جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز غالباً تعداد نفرات بیشتری را نسبت به مبارزات مسلحانه در خود جای می‌دهند. از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹، انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز به طور میانگین، مشارکت فعالانه ۱٫۶ درصد از جمعیت یک کشور را در اوج فعالیت‌های خود به همراه داشته‌اند. این رقم چهار برابر بزرگتر از میانگین مشارکت در شورش‌های مسلحانه است که تنها ۰٫۴ درصد بوده است.

مقاومت بدون خشونت حتی در کشورهایی که جنگ داخلی در آنها جریان دارد نیز از مزیت مشارکت مردمی برخوردار است. برای مثال در اوج جنگ داخلی اوکراین در

سال ۲۰۱۵، ماسیج بارتکوفسکی<sup>۱</sup> و آلینا پولیاکوا<sup>۲</sup> نظرسنجی را در میان اوکراینی‌های ساکن بخش جنگ‌زده شرقی این کشور انجام دادند با این مضمون که آنها چگونه به حمله روسیه به اوکراین واکنش نشان خواهند داد. از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که آیا در تاکتیک‌های خاصی مانند اعتصاب و توقف کار، عدم همکاری، اعتراض، تلاش برای متقاعدسازی یا توهین به نیروهای اشغالگر، نمایش نمادین وحدت ملی و سایر روش‌های بدون خشونت شرکت خواهند کرد یا خیر. بیش از ۷۰٪ گزارش کردند که مایلند دست کم در یکی از این اقدامات شرکت کنند. اما تنها ۳۵ درصد از اوکراینی‌ها گفتند که حاضرند در عملیات مسلحانه شرکت کنند، حتی برای دفاع از شهر خود [۳۵].

### نقش زنان در مقاومت مدنی چگونه است؟

زنان غالباً در خط مقدم جنبش‌های مقاومت مدنی قرار دارند [۳۶] برای مثال می‌توان به راهبه‌هایی اشاره کرد که خود را بین نیروهای امنیتی و فعالان جنبش دموکراسی‌خواهی در فیلیپین و برمه قرار دادند [تا به مبارزان آسیبی وارد نشود]، زنان سیاهپوست کوئیری که جنبش جان سیاهان مهم است را در ایالات متحده سازماندهی می‌کنند، جای‌فروشان که در خارج از مقر نظامیان سودان تحصن می‌کنند، مادر بزرگ‌هایی که به نمایندگی از نوه‌های خود در الجزایر در برابر دیکتاتوری این کشور مقاومت می‌کنند، شاعران و نمایشنامه‌نویسانی که به وقایع‌نگاری انقلاب ۲۵ ژانویه در مصر می‌پردازند، و زنان جوانانی که امروز در خط مقدم جنبش جهانی اقلیمی قرار دارند.

---

<sup>۱</sup> . Maciej Bartkowski

<sup>۲</sup> . Alina Polyakova

علاوه بر این مشارکت زنان در کمپین‌های مقاومت مدنی برای موفقیت این مبارزات حیاتی است. از زمان جنگ جهانی دوم به بعد، تعداد بسیار اندکی از جنبش‌های مقاومت مدنی که زنان را از خط مقدم خود کنار گذاشته‌اند، در مبارزات خود به موفقیت رسیده‌اند [۳۷].

یکی از دلایل آن این است که جنبش‌هایی که زنان را حذف می‌کنند، خود را از دست‌کم نیمی از جمعیت یک کشور محروم می‌کنند. این عمل به متغیر حیاتی-مشارکت توده‌ای- که قدرت سیاسی یک کمپین را می‌سازد، آسیب می‌زند.

دوم اینکه مشارکت زنان باعث می‌شود که جنبش از شبکه‌های اجتماعی بیشتری برای ترغیب به تمرد و کناره‌گیری در میان کسانی که از مخالفان حمایت می‌کنند، استفاده کند. [۳۸] به دلیل نقش‌های جنسیتی سنتی‌شان، زنان اغلب اطلاعاتی در مورد مکان و نحوه خرید یا بایکوت برخی محصولات یا تولیدکنندگان را دارند، اینکه چه منابعی در جوامع مختلف برای حفظ یک اعتصاب طولانی مدت نیاز است و اینکه آیا شوهران یا پسران نظامی آنها هر روز هفته در محل کار خود حاضر می‌شوند یا خیر. علاوه بر این همانطور که آنجلینا گریمکه بیان کرده بود، زنان دارای قدرت و نفوذ اجتماعی هستند که این امر می‌تواند به طور چشمگیری اهرم و فشار سیاسی یک جنبش را افزایش دهد.

سوم اینکه با مشارکت زنان جنبش‌ها فرصت‌های بسیار بیشتری برای نوآوری‌های تاکتیکی بدست می‌آورند. زنان شیلیایی به اختراع کاسرولازو<sup>۱</sup> یا اعتراض قابلمه و تابه‌آکه اولین بار در سال ۱۹۷۱ برای اعتراض به کمبود مواد غذایی در دولت سالوادور

---

<sup>۱</sup> . cacerolazo

<sup>۲</sup> . pots-and-pans protest

آکنده استفاده شد، معروفند. این روش که در فیلیپین «رگبار سروصدا»<sup>۱</sup> یا در برخی از کشورهای انگلیسی زبان «کاسرول»<sup>۲</sup> نیز نامیده می شود، از این قرار است که افرادی در خانه های خود (و در نتیجه معمولاً دور از خطر) می مانند و به طور هماهنگ و در زمانی مشخص از روز بر روی قابلمه ها و تابه های خالی خود می کوبند. این شیوه از مقاومت در صورتی که در یک محیط شهری پیاده شود امکان مشارکت برای هزاران تن از افراد را فراهم می کند، صدایی کرکننده و گوش خراش تولید می کند، حس قدرتمندی از انزجار یا حتی خشم را منتقل می کند، و به وضوح نمادی از یک نارضایتی عمومی و غیرسیاسی است: گرسنگی. شاید تعجب آور نباشد که زنان چنین تاکتیک اعتراضی را ابداع کردند؛ در جوامع سنتی زنان اغلب کسانی هستند که ساعت ها در آشپزخانه ها می گذرانند و با اعتراض از داخل خانه خود احساس راحتی بیشتری می کنند. این قبیل نوآوری ها نشان می دهند که زنان چگونه امکانات تاکتیکی یک جنبش را گسترش می دهند - هم به این دلیل که مشارکت افراد بیشتر به معنای درگیر شدن تخیلات و ایده های بیشتر است و هم به این دلیل که مانند این مثال، موقعیت های اجتماعی خاص زنان فرصت های منحصر به فردی به آنها برای کنش معنادار و خلاقانه می دهد.

علاوه بر این مشارکت زنان - چه در کنار مردان و چه مستقل از مردان - به القای ماهیت عمومی و غیرسیاسی نارضایتی هایی که جنبش بیانگر آنهاست کمک می کند. به عنوان مثال در بوینوس آیرس، پایتخت آرژانتین، مادران ناپدیدشدگان<sup>۳</sup> - که به عنوان

<sup>۱</sup> . noise barrage

<sup>۲</sup> . casserole . در لغت به معنای ظرف خوراکی پزی سفالی یا شیشه ای با گودی نسبتاً زیاد، معادل فارسی دیزی -

<sup>۳</sup> . Mothers of the Disappeared

مادران پلازا دو مایو<sup>۱</sup> نیز شناخته می‌شوند- این ادعاهای عمومی و فراگیر را هنگامی بیان کردند که اعتراضاتی را علیه خوننای نظامی دست‌راستی مورد حمایت ایالات متحده سازماندهی کردند؛ رژیم‌هایی که از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ هزاران نفر از مظنونین به مخالفت با رژیم را در جریان آنچه که جنگ کثیف<sup>۲</sup> نامیده می‌شد، ناپدید کرد. این گروه از مادران هر پنجشنبه در میدان بزرگ پلازا دو مایو در بوینوس آیرس تجمع می‌کردند و خواستار آن بودند که بدانند فرزندانشان کجا هستند. علیرغم وجود خطر سر به نیست شدن خودشان، این مادران برای چندین دهه اعتراضات خود را ادامه دادند و در نهایت روسری‌های سفیدشان را به عنوان نماد صلح بر سر کردند- و از ادعاهای اخلاقی قدرتمند خود به عنوان یک مادر در جهت تقاضای پاسخگویی و عدالت برای عزیزانشان استفاده کردند. تلاش‌های آنها الهام‌بخش اقدامات و مبارزات شجاعانه شهروندانی بود که در جنبش گسترده‌تر علیه دیکتاتوری شرکت کردند و در نهایت منجر به گذار آرژانتین به دموکراسی در سال ۱۹۸۳ شدند. مادران، همسران و خواهران به دنبال تحقق عدالت برای قتل عزیزان خود در شرایط جنگی در بسیاری از کشورهای دیگر، از بوسنی گرفته تا سریلانکا و لیبریا بوده‌اند. زنانی که در شیلی تحت فرمان ژنرال آگوستو پینوشه، دیکتاتور دست‌راستی این کشور زندگی می‌کردند، با تقلید از مادران میدان مایو، از تکنیک مشابهی برای اعتراض به آدم‌ربایی، شکنجه و کشتار هزاران نفر از مخالفان رژیم استفاده کردند. زنان به میدان اصلی پارلمان می‌رفتند و درسکوت، در حالیکه عکس‌هایی از عزیزان گمشده خود را در دست داشتند به لاکوئکا<sup>۳</sup>، یا همان رقص ملی کشور شیلی می‌پرداختند. این روش قدرتمند، بی‌عدالتی و خشونت افراطی

---

<sup>۱</sup> . Mothers of the Plaza de Mayo

<sup>۲</sup> . Dirty War

<sup>۳</sup> . la cueca



رژیم را که مردم را بدون هیچ محاکمه‌ای به قتل می‌رساند، نمادین می‌کرد و ادعاهای اخلاقی زنان برای عدالت را برجسته می‌نمود. اجتماعات زنانی که در این دوران شکل گرفتند، ستون فقرات قدرتمندی را برای جنبش دموکراسی‌خواهی که در اواسط دهه ۱۹۸۰ ظهور کرد، بوجود آوردند. در نهایت نیز این اجتماعات به سازماندهی آراء «نه» در همه‌پرسی این کشور که طی آن ژنرال پینوشه با درخواست از مردم برای تمدید دوره ریاست جمهوری خود به دنبال تجدید سلطه خود بر قدرت بود، کمک کردند. افسران نظامی پینوشه نیز از نتیجه همه‌پرسی حمایت کردند و پس از انتخاباتی که در سال ۱۹۸۹ برگزار شد، وی و دیکتاتوری‌اش از قدرت کنار گذاشته شدند. در این میان اجراهای نمادین و قدرتمند رقص لاکوئکا [توسط زنان] توجه جامعه بین‌المللی را به خود جلب کرد و الهام‌بخش ترانه اعتراضی استینگ<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۷ با نام «آنها تنها می‌رقصند»<sup>۲</sup> شد. استینگ همراه با هنرمندان دیگر و مادران پلازا دو مایو، این قطعه را در کنسرت همبستگی که عفو بین‌الملل در کشور همسایه، آرژانتین در سال ۱۹۸۸ برگزار کرده بود، اجرا کردند.

زنان همواره نوآوری‌های تاکتیکی جدید و خلاقانه‌ای را توسعه داده‌اند و روش‌های مهمی را به مجموعه ابزار تاکتیکی که امروزه وجودشان را بدیهی می‌دانیم اضافه کرده‌اند. در قرن نوزدهم اتحادیه سرزمین زنان<sup>۳</sup> در ایرلند برخی تاکتیک‌های جدید عدم همکاری را به امید تضمین استقلال ایرلند از حاکمیت بریتانیا ایجاد کرد. زنان ایرلندی که تحت شرایط فتودالی موروثی زندگی می‌کردند، اغلب مسئول کشت محصولات کشاورزی و

<sup>۱</sup> Sting . گوردن متیو سامیر معروف به استینگ، خواننده راک و بلوز و جاز اهل انگلیس و برنده ۱۶ جایزه گرمی که به دلیل موضع‌گیری‌ها و اقداماتش در مخالفت با دیکتاتوری‌ها و برخی قطعات سیاسی‌اش نیز شناخته شده است.

<sup>۲</sup> . They Dance Alone

<sup>۳</sup> . Ladies Land League

پرداخت اجاره بها به صاحبان زمینی بودند که بسیاری از آنها انگلیسی های غیرمقیم بودند. با این وجود، تلاش های آن ها حقوق ارضی شان، مانند حفاظت در برابر تخلیه و خلع ید خودسرانه، یا فرصت هایی برای تحرک اجتماعی یا اقتصادی را تضمین نمی کرد. این زنان با هدف کاهش سلطه و نفوذ اقتصادی بریتانیا بر ایرلند، کمپینی را براه انداختند که در آن از پرداخت اجاره بها زمین امتناع کرده و از کمک رسانی در برداشت محصول نیز خودداری کردند. در سال ۱۸۸۰ یکی از این کمپین ها با نام بایکوت کاپیتان چارلز<sup>۱</sup>، یک وکیل ارضی در کانتی مایو<sup>۲</sup> را هدف اقدامات خود خود قرار داد. اعضای اتحادیه سرزمین زنان به همراه مغازه داران محلی، آهنگرها، نانوایان، آشپزها، لباس شورها، خدمتکاران، پستیچی ها و دیگران از ارائه خدمات به او خودداری کردند و وی را مجبور به ترک انگلستان نموده و از آن پس اصطلاح «بایکوت» را ابداع کردند. این تکنیک در سراسر ایرلند گسترش یافت. یک سال بعد، در لایحه جامع اصلاحات ارضی در پارلمان بریتانیا با خواسته های بایکوت کنندگان موافقت شد و شرایطی چون مالکیت مشترک بین مالکان و مستأجران، کمیسیون اجاره منصفانه و تضمین هایی در برابر تخلیه و خلع ید کشاوران برقرار گردید.

گاهی اوقات زنان از انتظارات جنسیتی محافظه کارانه در مورد نحوه رفتار زنان و مردان استفاده کرده و آن ها را به منظور ایجاد قدرت کاملاً واژگون می کنند. برای مثال هزاران مصری در اوایل سال ۲۰۱۱ با الهام از انقلاب کرامت ۲۰۱۰ در تونس، به دیکتاتوری رئیس جمهور حسنی مبارک اعتراض کردند که در نهایت به قیام توده ای منتهی شد و

---

<sup>۱</sup> . Captain Charles Boycott

<sup>۲</sup> County Mayo . کانتی (County) در انگلیس و ایرلند به هریک از بخش هایی که کشور به آن تقسیم شده و از نظر دادگستری و انتخاباتی و سیاسی و اداری واحد مجزایی محسوب می شوند، اطلاق می گردد-م.

میلیون ها مصری در آن شرکت کردند. در اواسط ژانویه ۲۰۱۱، اسما محفوز<sup>۱</sup> بیست و پنج ساله، ویدئویی در یوتیوب منتشر کرد و در آن از مردان مصری خواست تا علیه مبارک قیام کنند و با پیوستن به زنانی که از پیش در میدان تحریر دست به تظاهرات زده بودند، شجاعت خود را نشان دهند؛ جایی که هزاران مصری در انتظار بسیج گسترده ۲۵ ژانویه گرد هم آمده بودند. او با این کار سعی کرد خصلت مردانگی مصری‌ها را علیه رژیم [و نه زنان‌شان] تحریک کند.

به شیوه مشابهی، زنان از نقش‌های جنسیتی خود برای شرمسار کردن پلیس و نیروهای امنیتی در مورد نحوه رفتارشان با معترضان استفاده نموده و آنها را وادار به محدود کردن فعالیت‌هایشان کرده‌اند. برای مثال جنبش محیط‌زیستی و فمینیستی کمربند سبز<sup>۲</sup> در کنیا به شکل خلاقانه‌ای از تابوهای اجتماعی جنسیتی برای مقابله با نیروهای امنیتی استفاده کرده است. در یکی از تحصن‌های این گروه در اعتراض به جنگل‌زدایی و تخریب محیط زیست در ۱۹۹۲، پلیس شروع به ضرب و شتم معترضان کرد. زنانی که در خط مقدم تظاهرات بودند، لباس‌های خود را درآورده، سینه‌های خود را به منظور شرمسار کردن عمومی و عقب‌نشاندن پلیس برهنه کردند و از این طریق اوضاع را آرام کردند. وانگاری ماآتای<sup>۳</sup>، رهبر جنبش کمربند سبز و برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۰۴، توضیح داد که این تاکتیک به ویژه در کنیا بسیار قدرتمند است. او گفت که زنان «به چیزی متوسل شدند که می‌دانستند به‌طور سنتی بر مردان تأثیرگذار است. آنها برهنه شدند تا برهنگی خود را به پسرانشان نشان دهند. برهنه دیدن مادر نوعی توهین و

---

۱. Asmaa Mahfouz

۲. Green Belt Movement

۳. Wangari Maathai (۱۹۴۰-۲۰۱۱). فعال سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی کنیایی و اولین زن آفریقایی

برنده جایزه صلح نوبل-م.

نفرین است.» [۳۹] در اوگاندا نیز زنان مخالف اقتدارگرایی در این کشور از تاکتیک‌های مشابهی استفاده کرده‌اند. [۴۰] در اسرائیل، زنان برای متفرق کردن مردان فوق مذهبی یهودی، برهنه می‌شدند. و گروه فمنیستی و ضد دیکتاتوری فِمن<sup>۱</sup> نیز که اصالتاً اوکراینی هستند، به طور معمول از برهنگی عمومی به عنوان شکل مهمی از اعتراض خیابانی نمایشی علیه مردسالاری استفاده کرده‌اند.

## جنبش‌های مقاومت مدنی چگونه می‌توانند حامیان یک رژیم را به رویگردانی یا تمرد ترغیب کنند؟

زمانی که وفاداران و حامیان اصلی یک رژیم از حمایت و پشتیبانی از ساختار قدرت دست بردارند، محققان این فرآیند را «رویگردانی یا تمرد»<sup>۲</sup> می‌نامند. [۴۱] هیچ ساختار قدرتی نمی‌تواند بدون تلاش‌های هر روزه و حمایت انفعالی طیف گسترده‌ای از گروه‌ها، از پایین تا بالای جامعه عمل کند: پلیس و سربازان، صاحبان مشاغل و بانکداران، معلمان و وکلا، رانندگان کامیون، کارگران جمع‌آوری زباله، دیپلمات‌ها و غیره. و تمامی این گروه‌ها ممکن است به سمت این فکر کشیده شوند که ادامه کار - مستقیم یا غیرمستقیم - برای رژیم دیگر به نفع آنها نیست.

ترغیب به رویگردانی و تمرد اهمیت زیادی دارد و کلید تغییر محسوب می‌شود. در بررسی سابقه تاریخی بیش از صد کمپین مقاومت مدنی بین سال‌های ۱۹۰۰ و ۲۰۰۶ ماریا استپان و من دریافتیم که تمرد نیروهای امنیتی به نحوی چشمگیری شانس موفقیت کارزارهای مقاومت بدون خشونت را افزایش می‌دهد. [۴۲] در میان این موارد، ماهیت تمرد در نیروهای امنیتی بسیار متفاوت بود - از ژنرال‌هایی که آشکارا از اجرای دستورات

---

<sup>۱</sup> . FEMEN

<sup>۲</sup> . defection

خودداری می کردند، تا افسرانی که وانمود می کردند دستوری از بالا دریافت نکرده اند، و سربازانی که از انجام وظایف خود شانه خالی می کردند یا سلاح های خود را زمین می گذاشتند.

اخیراً طی پژوهشی دریافته اند که نیروی کار سازمان یافته - به ویژه در بخش تولید - می تواند توازن قدرت را از پایین جامعه تغییر دهد. [۴۳] هنگامی که کارگران کارخانه ای از محل کار خود بیرون می روند - یا خود را در محل کار خود حبس می کنند اما از انجام کار امتناع می ورزند - صاحبان کارخانه ها ممکن است رژیم را تحت فشار قرار دهند تا با جنبش [و خواسته های آن] به توافق برسند. رهبران اتحادیه ای که از جنبش توده ای حمایت می کنند، می توانند طیف وسیعی از قابلیت ها از جمله توانایی مذاکره را همراه خود به جنبش بیاورند و همزمان انبوهی از کارگران را در کنار خود داشته باشند که قادر هستند به سرعت اقداماتی جمعی نظیر اعتصاب یا خانه نشینی<sup>۱</sup> را هماهنگ کرده و بر فشار اقتصادی علیه رژیم بیفزایند .

برای ترغیب کناره گیری یا تمرد، جنبش ها باید افراد و گروه هایی را که با وضعیت موجود همراه شده اند به این فکر بیاندازند که آیا انجام این کار [تمرد] به شکل جمعی یا فردی واقعاً برای آنها خوب است یا خیر. این افراد ممکن است این اقدام را به دلایل مختلفی انجام دهند که در هر گروه متفاوت است [۴۴].

در صورتی که نیروهای امنیتی-پلیس، شبه نظامیان، نظامیان - با معترضان یا شبکه های اجتماعی آنها روابط قومیتی یا اجتماعی داشته باشند، و در کنار آن فکر کنند که دولت یا افسران ارشد با آنها ناعادلانه رفتار می کنند، یا احساس کنند که با نیروهای امنیتی رقیب - مانند شاخه های رقیب در ارتش یا واحدهای نخبه پلیس - بهتر

---

<sup>۱</sup> . stay-at-home

از واحد آنها رفتار می‌شود، تمایل به تمرد در آنها افزایش می‌یابد. [۴۵] برای مثال، در تابستان ۲۰۱۱ گروهی از سربازان سنی ارتش سوریه از دستور شلیک مستقیم به سمت معترضان غیرمسلمی که شامل افرادی از اکثریت سنی این کشور بودند، خودداری کردند. اگر نیروهای امنیتی خانواده یا سایر عزیزانی داشته باشند که جزو مخالفین رژیم باشند، در آن صورت نیز ممکن است خود را تحت فشار احساس کنند. یک پلیس صرب به خبرنگاران گفت که او از دستور شلیک به جمعیت معترض به میلوشویچ در سال ۲۰۰۰ سرپیچی کرد چرا که فکر می‌کرد فرزندش را در میان معترضین دیده است [۴۶].

به نحوی مشابه، اعتصابات، تحریم‌ها و سایر اقدامات مصرف‌کنندگان یا کارگران نیز می‌تواند بر اوضاع اقتصادی صاحبان مشاغل، بانکداران و دیگر نخبگان اقتصادی تأثیر بگذارد و در صورت افزایش هزینه حمایت از نظام موجود، این گروه‌ها از وفاداری و حمایت از آن دست بکشند. برای مثال می‌توان به کارگران حمل بار در طول جنبش کارگران مزارع کالیفرنیا اشاره کرد که در دهه ۱۹۶۰ و در همبستگی با کارگران مزارع که برای دستمزدهای بالاتر و شرایط کاری عادلانه‌تر اعتصاب کرده‌بوند، از انتقال انگور از مزارع به مراکز توزیع خودداری کردند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ کمپین بین‌المللی اعمال تحریم و خروج سرمایه در کنار بایکوت از جانب مصرف‌کنندگان داخلی، بسیاری از صاحبان مشاغل آفریقای جنوبی را به تغییر موضع و مخالفت با آپارتاید سوق داد. به همین دلیل است که برخی از فعالان آزادی فلسطین تمرکز خود را بر روی کارزارهای بایکوت از جانب مصرف‌کنندگان، تحریم‌های بین‌المللی و خروج سرمایه شرکت‌های خارجی از شرکت‌های اسرائیلی گذاشته‌اند که از اشغال کرانه باختری توسط این کشور سود می‌برند. کمپینی که به طور بالقوه آنقدر قدرتمند است که کنگره ایالات متحده

---

<sup>۱</sup>. California Farm Workers' Movement

قوانینی را برای ممنوعیت آن در دانشگاه‌های این کشور در نظر گرفته است. در همین کشور نیز اخیراً فعالان کنترل سلاح بر فروشگاه‌های خرده‌فروشی فشار آورده‌اند تا فروش سلاح‌های گرم نظامی را متوقف کنند - به عنوان مثال، فروشگاه بزرگ و المارت<sup>۱</sup> فروش تفنگ‌های نیمه خودکار ای آر-۱۵ را متوقف کرده است.

کارمندان دولت گروه دیگری هستند که بدون حمایت آنها هیچ رژیمی نمی‌تواند به فعالیت ادامه دهد. آنها ممکن است به دلایل مختلف از ادامه کار خودداری کنند: اگر مانند نیروهای امنیتی، دوستان و خانواده‌هایشان در جنبش مقاومت حضور داشته باشند؛ یا به دلایلی که جنبش درگیر مبارزه برای آنهاست، آنها نیز زیان دیده باشند؛ یا اگر دستمزد اندکی به آنها داده شده یا با آنها بدرفتاری شده باشد؛ یا اگر خود را ملزم به رعایت قانون یا هنجارهای حرفه‌ای خاص خود در طول بحران بدانند [و رژیم از رعایت آنها اجتناب کند]. برای مثال، در طول اشغال نروژ از سوی نازی‌ها، معلمان از تدریس کتاب‌های درسی مورد تأیید نازی‌ها خودداری کردند و دست به اعتصابی چندساله زدند که در جریان آن تنها در مدارس زیرزمینی، خانه‌ها و سایر فضاهای خصوصی به تدریس می‌پرداختند. در جریان جنبش دموکراسی خواهی جمهوری آفریقای مرکزی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳، کارکنان بخش بهداشت، کارمندان بیکار دولت و فدراسیون اتحادهای کارگری دست به اعتصاب زدند - و میزانی از عدم همکاری جمعی را در کشور بوجود آوردند که در نهایت رئیس‌جمهور کولینگبا<sup>۲</sup> را مجبور به استعفا کردند و راه را برای اولین انتخابات آزاد و عادلانه کشور در سال ۱۹۹۳ هموار کردند. آنج فلیکس پاتاسه<sup>۳</sup>، رئیس‌جمهور جدید، پس از تحلیف، دوازده ماه حقوق معوقه کارکنان بخش

---

<sup>۱</sup>. Walmart

<sup>۲</sup>. Kolingba

<sup>۳</sup>. AngeFélix Patassé

دولتی را پرداخت کرد.[۴۷] و در جریان انقلاب کرامت تونس در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ نیز هزاران وکیل و معلّم در روزهای پایانی قیام دست به اعتصاب زدند- که منجر به توقّف بسیاری از فعالیت‌های بخش دولتی و انزوای هر بیشتر رژیم گردید.

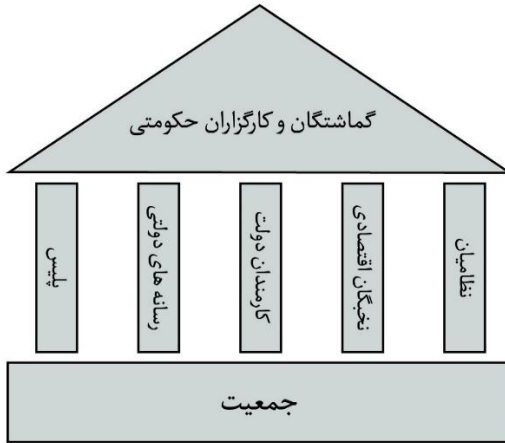
قصد من در اینجا این نیست که شما را به اشتباه بیان‌دزام: جنبش‌ها لزوماً مجبور نیستند که به شکلی فعّالانه افراد تمامی گروه‌های جامعه را متقاعد کرده یا ذهنیت‌شان تغییر داده تا آنها را به تمرد یا رویگردانی ترغیب کنند. با این حال از آنجایی که زمینه‌های اجتماعی و سیاسی هر جامعه منحصر به فرد است، بسیاری از فعّالان و سازمان‌دهندگان جنبش‌ها انجام «تحلیل ستونی»<sup>۱</sup> (از آنجایی که اصطلاح «ستون‌های حمایتی»<sup>۲</sup> نسبتاً متداول است) را هنگام توسعه و بسط استراتژی‌های یک کارزار مفید یافته‌اند. در یک تحلیل ستونی، که در شکل ۲-۱ نشان داده شده است، جنبش‌ها به شکلی دقیق به تحلیل و برنامه‌ریزی پیرامون این واقعیت می‌پردازند که کدام گروه‌ها یا بخش‌های جامعه از وضعیت موجود سود می‌برند [و آنرا سر پا نگه داشته‌اند] و به این ترتیب مانع از پیشرفت جنبش می‌شوند.

---

<sup>۱</sup> . pillar analysis

<sup>۲</sup> . pillars of support

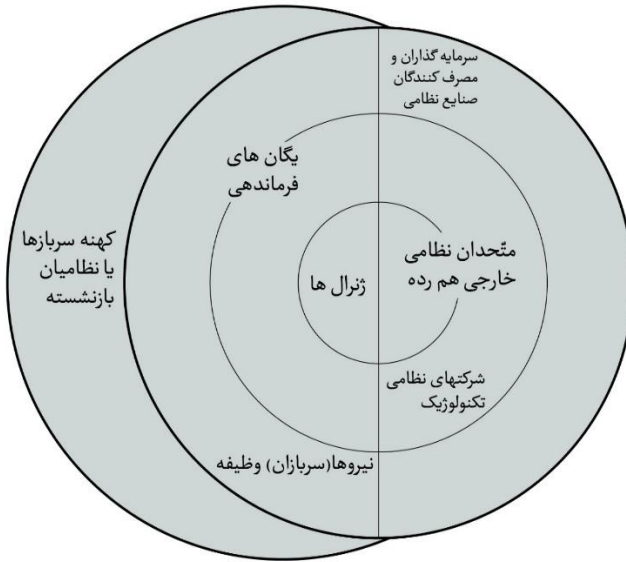




شکل ۱-۲ نمونه تحلیل ستونی برای یک دولت

طیف وسیعی از افراد از جمعیت بزرگتر جامعه در هر یک از این گروه‌ها یا مؤسسات درگیر هستند. تمامی این افراد علایق شخصی خاص خودشان را دارند که ممکن است با علایق مافوق‌شان همسو نباشد. بسیاری از جنبش‌ها می‌کوشند زیرگروه‌های تأثیرگذار مختلف در هر یک از «ستون‌ها» را بررسی کنند. این تجزیه و تحلیل شامل ارزیابی پتانسیل جنبش برای تأثیرگذاری یا متزلزل کردن افراد در هر یک از گروه‌های کوچکتری است که در شکل ۲-۲ نشان داده شده است. هر دایره متحدالمرکز یا نیم‌دایره تاحدودی نزدیکی گروه‌ها به قدرت را نشان می‌دهد. گروه‌هایی که در میان ستون‌های حمایتی قرار داشته اما فاصله بیشتری با هسته قدرت دارند هستند ممکن است وفاداری ضعیف‌تری به مرکز داشته باشند.

در اینجا می‌توانیم ببینیم که حتی اگر زیرگروه یا گروه‌های مرکزی مهم و تاثیرگذار ستون‌های حمایتی رژیم به آن وفادار بمانند، آن هسته همچنان به افراد مختلف دیگر برای حفظ قدرت خود متکی ست. برای مثال یک ژنرال ممکن است به رژیم وفادار بماند، اما اگر افسران یا سربازانش از همکاری امتناع ورزند، وی عملاً با یک همه‌پرسی دشوار پیرامون اختیارات خود مواجه خواهد بود. یک متحد خارجی که تصمیم می‌گیرد به دلیل فشار عمومی داخلی از پشتیبانی از رژیم دست بکشد، ممکن است به نحو قابل توجهی قدرت و عزم ارتش را تضعیف کند. رویگردانی و تمرّد کافی در ستون‌های حمایتی مهم رژیم حفظ قدرت را برای آن می‌تواند بسیار دشوار کند.



شکل ۲-۲ نمونه حلقه های اعمال نفوذ: ستون نظامی

### تفاوت بین رویگردانی یا تمرد و کودتا چیست؟

در کودتا، ارتش رهبر فعلی را برکنار کرده و خود قدرت را به دست می گیرد. [۴۸] به عبارت دیگر، نیروهای امنیتی دست به تمرد می زنند - اما به جای اینکه خود را تحت حاکمیت غیرنظامیان قرار دهند، قدرت را مستقلاً به دست می گیرند.

به عنوان مثال در مصر سال ۲۰۱۳، پس از چندین روز تظاهرات و اعتراضات از سوی کمپین سازمان یافته و میلیونی تمرّد علیه رژیم محمد مرسی، ارتش مصر اعلام کرد که چاره‌ای جز برکناری وی و به قدرت رساندن عبدالفتاح السیسی ندارد. سازمان دهندگان جنبش تمرّد و نخبگان نظامی ممکن است از ماه‌ها پیش بر روی این طرح با یکدیگر هماهنگ شده بودند. در اوایل فوریه ۲۰۱۳ برخی از افسران ارتش مصر گفتگوهایی خصوصی با گروه‌های مخالف لیبرال برگزار کرده و از آنها پرسیده بودند که آیا با برکناری مرسی توسط ارتش موافق هستند یا خیر. می‌توان در اینجا استدلال کرد که نوعی تباری و البته بیش از اندازه، بین جنبش مدنی قدرت مردم و نیروهای امنیتی وجود داشته است - یا دست کم اینکه اولی بیش از حد به دومی اعتماد کرده است. این نشان می‌دهد که به جای اینکه رویگردانی و تمرّد [نیروهای نظامی] ناشی از اعتراضات بوده باشد، کودتایی مورد حمایت مردم اتفاق افتاده است. السیسی به سرعت برای سرکوب اپوزیسیون باقی مانده طرفدار مرسی اقدام کرد و صدها تن از فعالین اخوان المسلمین را که به کودتای اوت ۲۰۱۳ معترض بودند، قتل عام کرد و در موجی از دستگیری‌های دسته جمعی بیش از ۶۰ هزار فعال حقوق بشر و دموکراسی را به زندان انداخت. گروه‌های حقوق بشر نگرانی‌های شدید خود را در مورد وضعیت زندانیان سیاسی ابراز کرده‌اند و از اعدام‌های خودسرانه، شکنجه و ناپدید شدن‌های قهری مخالفان به عنوان مواردی نسبتاً رایج در مصر تحت رهبری السیسی یاد می‌کنند. السیسی با تصویب قوانینی در راستای منافعش از طریق پارلمان آلت دست خود، اختیارات گسترده‌ای را به دست آورده که به او اجازه می‌دهد حداقل تا سال ۲۰۳۰ رئیس جمهور مصر باقی بماند، به ارتش اجازه می‌دهد در سیاست داخلی کشور مداخله کند، و به دولتش اجازه می‌دهد اختیارات بیشتری در حوزه انتصابات قضایی داشته باشد. دولت السیسی توانسته با

حمایت دولت ترامپ، به سرعت هرگونه مخالفت مشهودی با این تلاش‌ها را خاموش کند.

این حکایت عبرت‌انگیز نشان می‌دهد که رویگردانی و تمرد می‌تواند به اشکال و شیوه‌های مختلفی ظاهر شود. بیا بیا آنها را «رویگردانی کامل»، «تمرد محدود»، «کم کاری» و «نافرمانی آشکار» بنامیم.

در «رویگردانی کامل» مجموعه یک نهاد- برای مثال ارتش در مصر- آشکارا همکاری خود با دولت را کنار می‌گذارد و به دنبال جایگزینی آن با حکومت خود است. این در واقع معادل همان کودتا محسوب می‌شود.

همان‌طور که از اصطلاح «تمرد نسبی» برمی‌آید، در این شیوه تنها بخشی از نهاد ارتش از پشتیبانی از دولت دست می‌کشد. [در این روش] ممکن است برخی از گروه‌های ناراضی در نیروهای مسلح متوجه این امر باشند که نمی‌توانند با موفقیت دست به کودتا بزنند- اما اینگونه با خود حساب کنند که قدرت کافی برای به چالش کشیدن رژیم را دارند. این می‌تواند به معنای جنگ داخلی باشد، همان‌طور که در لیبی و سوریه در سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاد؛ جایی که برخی از گروه‌های درون ارتش دست به شورش زدند اما بخش قابل توجهی از نیروها همچنان به رژیم معمر قذافی در لیبی و بشار اسد در سوریه وفادار ماندند. در این موارد، متمردین به جنبش‌های اپوزیسیون غیرنظامی پیوستند- اما سلاح‌هایشان را نیز با خود بردند.

«کم کاری یا قصور عمدی» نوعی تمرد است که در آن کارگزاران رژیم به طور محتاطانه و با قابلیت حاشاروی محتمل و قابل‌پذیرشی دست به نافرمانی می‌زنند. به طور کلی این شیوه از تمرد شبیه [تکنیک‌های] لفت‌دادن عمدی، درخواست مرخصی بدلیل بیماری، یا انجام کاری نادرست به صورتی عمدی به نظر می‌رسد. انکار عمدی یا سیاسی بودن قصور برای این قبیل متمردین کار چندان دشواری نیست؛ در

نتیجه، چنین اقداماتی به اندازه رویگردانی کامل یا جزئی یا نافرمانی آشکار خطرناک نیستند. همانطور که ایوان ماروویچ<sup>۱</sup>، سازمان دهنده و مربی صربستانی همواره علاقه‌مند بود بگوید که «مردم به خاطر نافرمانی به دردمس می‌افتند، اما برای بی‌کفایتی نه خیلی. فرماندهان، احمق‌های بی‌کفایت را تحمل می‌کنند اما مخالفان باهوش را مجازات می‌کنند.» [۴۹] هنگامی که شواهدی از کم‌کاری یا قصور عمدی در میان نیروهای نظامی و امنیتی وجود داشته باشد، وفاداری این نیروها ممکن است در برابر انواع زیان‌بارتر تمرّد نیز آسیب‌پذیر باشد.

در «نافرمانی آشکار» افراد و گروه‌های وفادار سابق از اجرای دستورات خودداری می‌کنند- اما بدون همسویی کامل با جنبش. یک دیکتاتور ممکن است به پلیس یا ارتش دستور دهد که به تظاهرکنندگان غیرمسلح مستقیماً شلیک کنند، اما نیروهای امنیتی از اجرای دستور امتناع کنند. ظاهراً این اتفاق در اوایل سال ۲۰۱۱ در تونس رخ داد؛ زمانی که فرماندهان ارشد نظامی از اطاعت از دستورات بن‌علی برای حمله به معترضین غیرمسلح خودداری کردند. ارتش پس از این اتفاق به جمع تظاهرکنندگان در خیابان‌ها نپیوست، یا اسلحه‌اش به سر بن‌علی نشانه نرفت و یا کودتا نکرد. تنها به گفتن «نه» اکتفا کرد و اجازه داد پیامدهای سیاسی آن آشکار شود. بن‌علی سریعاً استعفاء داد و گذار انقلابی تونس به دموکراسی آغاز شد.

اتفاقی مشابه در جریان انقلاب قدرت مردم<sup>۲</sup> در ۱۹۸۶ در فیلیپین اتفاق افتاد. پس از تمرّد و رویگردانی چندین فرمانده ارشد نظامی، رئیس‌جمهور فردیناند مارکوس تانک‌ها و نفربرهای زرهی را برای مقابله با آنها گسیل کرد. با نزدیک شدن نیروهای وفادار

---

<sup>۱</sup> . Ivan Marovic

<sup>۲</sup> . People Power Revolution

به کمپ [محل استقرار نیروهای متمرد]، غیرنظامیان سنگرهای انسانی در مقابل تانک‌ها تشکیل دادند. تظاهرکنندگان به سربازان آب نبات، غذا، سیگار و گل تقدیم کردند و از آنها خواستند که به پیشروی خود ادامه ندهند. با اینحال سرانجام تانک‌ها پیشروی خود را ادامه دادند. فرماندهان وفادار به مارکوس به نیروهای خود دستور دادند که با شلیک مستقیم به جمعیت آنها را پاکسازی کنند و با گلوله‌های خمپاره و توپ به اردوگاه حمله کنند، خواه غیرنظامیان راه آنها را سد کرده باشند یا خیر.

اما راهبه‌های کاتولیک در مقابل تانک‌ها زانو زدند و دست به دعا برداشتند و در نهایت آنها را در مسیر خود متوقف کردند. افسر مسئول با ارائه این گزارش خلاف به مافوق خود مبنی بر اینکه نیروهایش در حال تلاش برای رسیدن به موقعیت هستند، در مسیر خود توقف کرد. درحالی که تفنگداران دریایی سلاح‌های خود را به سمت معترضان نشانه گرفته بودند، به یکباره زیر گریه زدند و سلاح‌های خود را پایین انداختند و تانک‌ها نیز در نهایت بدون شلیک گلوله‌ای عقب‌نشینی کردند. جت‌های جنگنده‌ای که برای حمله به منطقه اعزام شده بودند نیز از شلیک موشک‌های خود خودداری کردند. یکی از خلبانان به اجتناب‌ناپذیر بودن تلفات گسترده غیرنظامیان [در صورت شلیک] اشاره کرد و دیگری که دل‌سرد و سرخورده شده بود، اشاره کرد که جمعیت زیر پایش خود را به شکل صلیب در آورده‌اند. در عرض چند روز رژیم مارکوس به پایان رسید و دولتی غیرنظامی جدید به رهبری کورازون آکینو<sup>۱</sup> برای تصدّی قدرت برگزیده شد [۵۰].

صرف‌نظر از اینکه نافرمانی آشکار در سطوح بالاتر یا پایین‌تر فرماندهی رخ دهد، پیامدهای سیاسی آن می‌تواند یکسان باشد: شخص در مسند قدرت اغلب با درک این

---

<sup>۱</sup> . Corazon Aquino

موضوع که همکاری و رضایت نیروهای امنیتی از بین رفته است، از سمت خود کناره‌گیری می‌کند. برای جنبش‌های مقاومت مدنی که به دنبال کنترل غیرنظامی بیشتر بر نتایج و پیامدهای حاصله هستند، نافرمانی آشکار تقریباً همیشه امیدبخش‌ترین و مطمئن‌ترین شکل تمرد یا رویگردانی محسوب می‌شود، چرا که معنای آن این است که نیروهای امنیتی آمادهٔ تسلیم شدن در برابر ارادهٔ مردم هستند.

با این حال رویگردانی نیروهای امنیتی هر شکلی هم که به خود بگیرد، بزرگترین چالش پیش روی یک جنبش اطمینان از این امر است که بتواند باعث ایجاد تمرد و رویگردانی [در نیروهای امنیتی] شود. جنبش باید صاحبان قدرت را وادار به انجام کاری کند که در صورت نبود فشار نمی‌خواستند انجام دهند، نه اینکه به آنها اجازه بدهد آنچه را که در تمام مدت می‌خواستند انجام بدهند، انجام دهند. ارتش مصر ظاهراً می‌خواست از شر مرسی خلاص شود و به نظر می‌رسد جنبش مردمی را برای این منظور آلت دست خود قرار داد. علی‌رغم موارد گفته شده، رویگردانی نظامیان می‌تواند خطراتی نیز برای کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز به همراه داشته باشد، همانطور که در لیبی، سوریه و همچنین مصر می‌بینیم.

در لیبی و سوریه، اقدامات بدون خشونت مردمی منجر به تمرد و رویگردانی زودهنگام در میان نیروهای مسلح کشور شد. با اینحال این متمردین به‌عنوان رقبای مسلح دولت دوباره دور یکدیگر جمع شدند و مبارزات غیرخشونت‌آمیز مردمی را تضعیف کردند و مبارزات مسلحانه را جایگزین آن کردند.

از سوی دیگر پلیس صربستان که پیشتر ذکر آن رفت، قصد سرپیچی از دستورات را نداشت اما جنبش او را مجبور به انجام این کار کرد، درست همانطور که فشار شدید از سوی غیرنظامیان باعث شد نیروهای نظامی فیلیپینی موقعیت خود را مجدداً ارزیابی کنند. برقراری و حفظ کنترل جنبش بر نظامیان متمرد، احتمال چرخش از سوی آنها و



راه اندازی یک جنگ داخلی یا تثبیت قدرت خود در یک خونتای نظامی را تا حد زیادی کاهش می دهد.

البته قطعاً کارزارهای مقاومت مدنی همیشه نمی توانند شکلی را که رویگردانی یا تمرد نیروهای امنیتی به خود می گیرد، کنترل کنند. کسانی که به برخی از ستون های قدرت وابسته هستند، ممکن است هرگز حاضر نباشند به هیچ شکل آشکاری از رژیم روی برگردانند. جنبش ضدآپارتاید در آفریقای جنوبی را در نظر بگیرید: نیروهای امنیتی تا پایان آپارتاید در این کشور همچنان به حمله به سیاهپوستان در شهرک ها ادامه می دادند، حتی با این وجود که بایکوت تجاری سفیدپوستان، تحریم های بین المللی و کمپین های خروج سرمایه از این کشور، دولت آفریقای جنوبی را مجبور کرده بود که با کنگره ملی آفریقا به پای میز مذاکره بنشیند.

چنین مواردی نشان می دهد که کارزارهای مقاومت مدنی اغلب باید بر ایجاد تغییرات در چندین ستون مختلف حمایتی دولت تمرکز کنند، نه فقط یکی - در میان نخبگان اقتصادی و تجاری، رسانه های دولتی، سیستم های آموزشی دولتی، مقامات مذهبی و بوروکرات های غیرنظامی. در مقایسه با نیروهای امنیتی، مدیریت تغییر وفاداری این گروه ها آسان تر است و در درازمدت برای جامعه خطر کمتری دارد.

در این میان سوابق تاریخی نشان می دهد که مردم و ارتش به ندرت «کاملاً یکصدا و متحد» هستند، آنطور که معترضان در سال ۲۰۱۱ (و مجدداً در سال ۲۰۱۳) در مصر شعار سر می دادند. در مقابل، نیروهای امنیتی منافع خاص خود را دارند و به راحتی می توانند یک کمپین را مطابق با اهداف خود دستکاری کرده و اهداف و جهت گیری جنبش را تضعیف کنند [۵۱].

از نظر تاریخی جنبش هایی با مشارکت مردمی گسترده و متنوع، انضباط غیرخشونت آمیز و توانایی مقاومت در برابر سرکوب توانسته اند صاحبان قدرت را مجبور

به ایجاد تغییر کنند. اما تنها زمانی که یک کمپین به نخبگان فشار می‌آورد تا منافع خود را به حالت تعلیق درآورند یا آنها را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهند، این گروهها تمایل پیدا می‌کنند که در مسیر تحوّل واقعی قدم بگذارند.

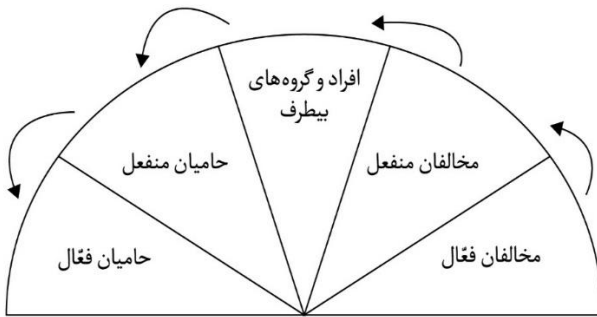
### کمپین‌ها چگونه می‌توانند حتی در حالی که مورد حمله رژیم قرار گرفته‌اند حامیان بیشتری را به خود جذب کنند؟

داشتن دلیلی عادلانه و مشروع برای جذب حامیان یک جنبش و ترغیب عاملان یک رژیم به رویگردانی و تمرد کافی نیست. از جنبه تاریخی، سازمان دهندگان و فعالان جنبش‌ها گام‌های جدی را برای تشویق و تقویت هر دو برداشته‌اند. برخی ترجیح داده‌اند که طیفی کامل از حامیان و مخالفان محتمل خود را به تصویر بکشند. به عنوان مثال سازمان ۳۵۰، یک گروه عدالت اقلیمی، از روشی به نام «طیف متحدان»<sup>۱</sup> استفاده کرده است، که در شکل ۲-۳ نشان داده شده است. پنج برش در یک نیم دایره، از چپ به راست ترسیم می‌شود که هر نیم دایره به ترتیب برای حامیان فعال، حامیان منفعل، آنهایی که بی‌طرفند یا درگیر نیستند، مخالفان منفعل و مخالفان فعال در نظر گرفته شده- و کاربردگ‌های مربوط به هر برش با گروه‌ها یا بخش‌های مرتبط به آن پر می‌شود. فعالان سپس به این فکر می‌کنند که چه استدلال‌ها یا اقداماتی می‌تواند هر گروه بخصوص را به جنبش وادارد. بسیاری از جنبش‌ها در آغاز فعالیت‌شان به جای تلاش برای بسیج و تحریک احزاب بی‌طرف یا مخالفان منفعل یا فعال، می‌کوشند حامیان منفعل را از طریق افزایش آگاهی، اقداماتی در مقیاس کوچک مانند نشست‌های آموزشی یا اعتراضات کم‌خطر، حمایت‌های قانونی و نهادی (در صورت امکان) مانند

---

<sup>۱</sup> . The Spectrum of Allies

نامه نگاری به منظور تأثیرگذاری بر مقامات دولتی، امضای طومار، طرح دعاوی قضایی و سایر اقدامات سازماندهی کننده به اردوگاه حامیان فعال درآوردند. زمانی که تعداد افرادی که فعالانه با آنها کار می کنند را افزایش دادند، شروع به جذب افراد بی طرف می کنند تا آنها را به حامیان منفعل یا فعال جنبش تبدیل کنند.



شکل ۲-۳ طیف متحذیان

برای مثال جنبش ها ممکن است از کلیساها - که اغلب غیرسیاسی تلقی می شوند- بخواهند فضایی را برای سازماندهی میتینگ ها و جلسات برنامه ریزی آنها فراهم کنند، یا حتی افرادی را که تحت تعقیب سیاسی بوده و به دنبال محافظت از خشونت دولتی هستند، اسکان دهند. در عین حال، سازمان دهندگان همزمان می کوشند مخالفان منفعل و فعال را نیز به تمرّد و رویگردانی از دشمن ترغیب کنند. نکته کلیدی این است: سازمان دهندگان لزوماً کار خود را با تلاش برای متقاعد کردن مخالفان فعال به حمایت از جنبش آغاز نمی کنند بلکه در عوض می کوشند مخالفان

منفعل- برای مثال، صاحبان مشاغل یا گروه‌های خاصی از پلیس- را ترغیب کنند که در یک درگیری، بی‌طرف بمانند یا حداقل از حمایت از مخالفان فعال به روش‌هایی که پیشتر بحث آن رفت، دست بردارند: امتناع از حمایت سیاسی یا خودداری از پیروی از دستورات. ما می‌توانیم ببینیم که این مهم چگونه در ۷ اکتبر ۲۰۰۰ در صربستان انجام شد؛ زمانی که پلیس از پیروی از دستور شلیک به تظاهرکنندگانی که خواستار استعفای دیکتاتور اسلوبودان میلوشوویچ بودند، امتناع کرد. اکثریت نیروهای پلیس به معترضان نپیوستند. و حتی این احتمال هست که بسیاری از آنها از هدف جنبش برای اصلاح کشور بدور از میراث سوسیالیستی و فراملی‌گرایانه میلوشوویچ هیچ حمایتی نکرده باشند. اما در برهه‌ای حساس در مسیر جنبش، این پلیس از دشمنی فعال به دشمنی منفعل تبدیل شد، و معنی آن این بود که میلوشوویچ دیگر نمی‌توانست به این ستون حمایتی ضروری خود در موقع بحران تکیه کند. دیکتاتور همان روز از قدرت کناره‌گیری کرد.

گاهی اوقات جنبش‌ها برخی از مخالفان فعال را ترغیب می‌کنند که موضع خود را تغییر داده و یکسره به جنبش بپیوندند، اما چنین مواردی نادر است و به نظر نمی‌رسد برای موفقیت جنبش‌ها ضروری باشد. [۵۲] به عبارت دیگر، جنبش‌های موفق لزوماً نیازی به تبدیل دشمنان جانی خود به حامیان فعال ندارند. مقاومت مدنی به معنای تبدیل مخالفین به حامیان یا نرم‌کردن قلوب دیکتاتورهای بی‌رحم نیست. مقاومت مدنی در واقع [تلاش برای] حذف پشتیبانی از آنها در لحظات کلیدی و از بین بردن گزینه‌های پیش روی آنهاست.

## کدام تاکتیک‌های مقاومت مدنی بیشترین و کمترین اثربخشی را دارند؟

قاعده کلی وجود ندارد. تحقیقات چیز چندانی به ما نمی‌گویند، چرا که ما منابع داده‌ای که این نوع جزئیات را به ما ارائه دهند در اختیار نداریم. با این حال اجماعی فزاینده پیرامون چند موضوع وجود دارد.

اولاً، ظاهراً عدم همکاری اقتصادی یکی از روش‌های بسیار مؤثری است که می‌تواند دشمنان را متحمل هزینه‌هایی فوری و مستقیم کند. اعتصاب روشی نسبتاً قابل اعتماد برای کسب امتیازات کوتاه مدت در مواردی چون حقوق کار، اختلاف بر سر دستمزد، و رویه‌های محل کار است. [۵۳] اعتصاب بیشتر از برنده شدن [قانونی] در اختلافات کارگری<sup>۱</sup> کارساز است. و هنگامی که با کارزارهای مقاومت مدنی گسترده‌تر ترکیب شود می‌تواند ابزاری قدرتمند در مبارزه برای حقوق و عدالت باشد. اعتصابات عمومی به ویژه بسیار قدرتمند هستند. بایکوت<sup>۲</sup> نیز روشی مؤثر در عدم همکاری محسوب می‌شود، بویژه زمانی که کل جامعه از آن تبعیت کنند. همانطور که پیشتر اشاره کردم، در جریان جنبش ضدآپارتاید آفریقای جنوبی، بایکوت‌هایی که از سوی سیاه‌پوستان علیه کسب و کار سفیدپوستان اتفاق می‌افتاد، تاکتیکی فوق‌العاده مهم و تأثیرگذار در عدم همکاری اقتصادی بود. سیاه‌پوستان اگرچه همچنان کار می‌کردند و چک‌های

<sup>۱</sup> labor disputes . مناقشه قانونی بین کارگران و کارفرمایان که معمولاً پیش از اعلام یک اعتصاب رخ می‌دهد.

<sup>۲</sup> Boycotts . بایکوت اقدامی بدون خشونت و پرهیزی داوطلبانه از یک محصول، شخص، سازمان یا کشور است که نوعی ابزار اعتراض محسوب می‌شود و معمولاً به دلایل اخلاقی، اجتماعی، سیاسی یا محیط زیستی رخ می‌دهد. هدف از آن تحمیل زیان اقتصادی به حریف، یا نشان دادن خشم اخلاقی و تلاش برای وادار کردن حریف به تغییر رفتار ناپسند خود است. بایکوت می‌تواند شکل کنشگری مصرف‌کنندگان یا خرید [و عدم خرید] اخلاقی را به خود بگیرد و زمانی که علیه کشور بخصوصی صورت بگیرد، تحریم (Sanction) نامیده می‌شود. یکی از اولین نمونه‌های موفق بایکوت در جهان، جنبش بایکوت یا تحریم تنباکوی ایران در ۱۸۹۱ میلادی بوده است -م.

دستمزدشان را دریافت می نمودند اما از خرج کردن پول خود در مغازه‌ها و برای کسب و کار سفیدپوستان خودداری می کردند. پس از چند ماه این اتفاق صاحبان سفیدپوست کسب و کارها را وادار کرد تا به منظور درخواست اصلاحات، به نخبگان سیاسی برجسته جامعه نزدیک شوند.

دوم اینکه این نکته ضروریست که از طریق زنجیره‌ای از تاکتیک‌ها و به نحوی فزاینده بر افرادی که حافظ وضعیت موجودند، فشار آورده و درعین حال از شرکت‌کنندگان جنبش تا حد امکان محافظت شود و از این طریق نیروی حرکت و پویایی جنبش شکل بگیرد. این اغلب به معنای شروع کار از اقداماتی ایمن‌تر و مطمئن‌تر است تا از این طریق حامیان بیشتری جذب شوند و زمانی که بر شمار و تنوع شرکت‌کنندگان افزوده شد، به اقدامات پرریسک‌تر روی آورده شود. این رویکرد باعث می‌شود که جنبش‌ها در مقابل سرکوب دولتی انعطاف‌پذیرتر شوند و همزمان بتوانند تسلط دشمن بر قدرت را به نحوی پیوسته مختل کنند [۵۴].

رویکرد وارونه- آغاز در مقیاس بزرگ و سپس کاهش اندازه و تنوع افراد درگیر- به ندرت به پیروزی طولانی‌مدتی منجر می‌شود. تاکتیک‌هایی که کلیت مردم را از خود بیگانه و دلزده می‌کنند، کمترین تأثیر را دارند. جنبش‌ها معمولاً در در حین پیشروی‌شان روش‌های نامطلوب را کشف کرده و می‌آموزند که از چه چیزهایی باید اجتناب کنند.

اتکای بیش از اندازه به هر ابزار و روشی، قیام بدون خشونت را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. و پیش‌بینی‌پذیری به معنای آسیب‌پذیریت، چه در میدان جنگ و چه در خیابان.

## رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال چگونه بر کارزارهای غیرخشونت آمیز تأثیر می‌گذارند؟

رسانه‌های اجتماعی ابزارهای شگفت‌انگیزی را به منظور ارتباطات و هماهنگی سریع در اختیار جنبش‌ها قرار داده‌اند و به آنها کمک کرده‌اند تا بی‌عدالتی‌ها را افشا کنند، ادّعاها و مطالبات خود را منتشر کنند و پیام‌های خود را به سرعت در فضای مجازی فراگیر کنند. در طول همه‌گیری ویروس کرونا در سال ۲۰۲۰، سازمان‌دهی دیجیتال به روشی بسیار مهم برای جنبش‌ها تبدیل شد تا در بحبوحه تعطیلی‌های فیزیکی و بحران‌های متداخل متعدّد همچنان ارتباط خود را حفظ کرده و به ایجاد ظرفیت‌های جدید بپردازند.<sup>[۵۵]</sup> پلتفرم‌های رسانه‌هایی مانند فیس بوک، یوتیوب و توییتر؛ مرورگرهای ناشناس مانند تور<sup>۱</sup>، خدمات پخش اینترنتی مانند زوم؛ و اپلیکیشن‌هایی مانند واتس‌آپ، تیک‌تاک و تلگرام در حمایت از بسیج جمعی مردمی در موارد مختلفی مانند لبنان، ایالات متّحده و بلاروس تأثیرگذار بوده‌اند. با این وجود همین ابزارها، اگر بدست طرف مقابل بیفتند می‌توانند به ابزاری علیه مخالفان تبدیل شوند-درست همانند هر سلاح دیگری. استراتژیست‌های اپوزیسیون باید همواره همانند زمان جنگ، برنامه‌های پشتیبانی پیرامون نحوه ارتباط و هماهنگی با فعالان را در صورت برچیده شدن یا رهگیری روش‌های ارتباطی دیگر داشته باشند.

به طور کلی آیا رسانه‌های اجتماعی برای کنشگری خوب بوده‌اند یا بد؟ دیدگاه‌ها متفاوت هستند. افراد خوشبین ادعا می‌کنند که رسانه‌های جدید به فعالان و کنشگران اجتماعی نسبت به دشمنان خود مزیت و برتری می‌بخشند-برقراری ارتباط مستقیم،

---

<sup>۱</sup>.Tor

سریع و مؤثر با سایر افراد را آسانتر کرده و فیلترهای رسانه‌ای نظیر تفسیر روزنامه‌نگاران، هیئت تحریریه یا سانسور را برمی‌چینند [۵۶].

علاوه بر این رسانه‌های اجتماعی حوزه عمومی جدیدی را ایجاد می‌کنند که بویژه در زمانی که هیچ فضای عمومی بیرونی وجود نداشته باشد، تأثیرگذار بوده و گفت‌وگو بین گروه‌های جدید مردم را به پیش می‌برد. [۵۷] فعالان و مخالفان می‌توانند از طریق چنین گفت‌وگوهایی سیاست‌های جایگزین یا طرح‌های نهادی جدید را بررسی کرده و به راه‌حلی یگانه دست پیدا کنند. به عنوان مثال، پس از انقلاب موفقیت‌آمیز ماهی‌تابه‌ها در سال ۲۰۰۹، که دولتی فاسد را در ایسلند سرنگون کرد، جمعیت برنامه‌هایی برای ایجاد اولین «قانون اساسی ویکی‌پدیایی»<sup>۲</sup> در جهان را توسعه دادند- سندی جمع‌سپاری شده که به شکل اشتراکی در اینترنت ایجاد شده بود.

شاید مهم‌ترین ویژگی رسانه‌های اجتماعی برای اهداف مقاومت مدنی این است که امکان بسیج کاملاً پرشتاب و سریع را فراهم می‌کنند. صفحات رویداد فیسبوک و تأثیرات تقویت‌کننده و فراگیر فیسبوک، تویتر، واتس‌آپ و اینستاگرام به مردم این امکان را می‌دهد که در چند ثانیه با انبوهی از افراد ارتباط برقرار کنند. این پلتفرم‌ها به مردم اجازه می‌دهند که اخبار و به‌روزرسانی‌های مهم را نیز به همان سرعت به اشتراک بگذارند. در صورتی که وضعیتی خطرناک پیش بیاید یا گروهی نیازمند کمک‌های پزشکی یا حقوقی باشند، رسانه‌های اجتماعی می‌توانند تقریباً به فوریت پاسخ دهند.

---

<sup>۱</sup> Cutlery Revolution . شرکت کنندگان در جریان این اعتراضات با کوبیدن بر روی قابلمه‌ها و ماهی‌تابه‌ها و بوق زدن سخنرانی نخست وزیر وقت گیر هارده در پارلمان این کشور را بر هم زدند. استفاده از قابلمه و تابه باعث شد که مطبوعات محلی از این رویداد به عنوان «انقلاب ظروف آشپزخانه» یاد کنند-م.

<sup>۲</sup> . Wikipedia Constitution



ما این پیامدها را در سراسر جهان دیده‌ایم، به‌ویژه در انقلاب‌های موفق تونس در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ و سودان در ۲۰۱۹ [۵۸].

در این میان اگرچه برخی معتقدند که رسانه‌های اجتماعی این انقلاب‌ها را ایجاد کرده‌اند، بهتر است فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب و غیره را به عنوان ویژگی‌های قیام‌های اخیر در نظر بگیریم، نه لزوماً علل آنها. همانطور که ماری الیزابت کینگ، دانشمند علوم سیاسی و از فعالین مقاومت مدنی اشاره کرده است، جنبش‌ها همواره از جدیدترین فناوری‌های موجود در عصر خود بهره می‌برده‌اند. [۵۹] اما نکته این جاست که دشمنان‌شان نیز همین کار را انجام می‌دهند. در نتیجه جنبش‌هایی که برای هماهنگی و سازماندهی یک انقلاب صرفاً به رسانه‌های دیجیتالی متکی هستند، کاملاً آسیب‌پذیر می‌شوند.

این نکته ما را به دیدگاه‌های بدبینانه پیرامون فتاورهای دیجیتالی سوق می‌دهد که نگرانی‌ها چندی را شامل می‌شود. اول اینکه رسانه‌های اجتماعی این احساس را به برخی از افراد می‌دهد که صرفاً با بازتوئیت، لایک یا کلیک روی یک لینک، درگیر یک جنبش شده‌اند. این گروه استدلال می‌کنند که این «کلیک‌گرایی»<sup>۱</sup> احساسی نادرست و توهمی از مشارکت مستقیم را به افراد القاء می‌کند که در واقع می‌تواند مشارکت به شیوه‌های اخلاص‌گرانه‌تر و مؤثرتر کنش مستقیم را تضعیف کند.

دوم اینکه توانایی هماهنگ‌کردن اعتراضات گسترده در مقیاس بزرگ و در مدتی کوتاه، جنبه منفی مهمی نیز دارد. همانطور که زینب توفکچی<sup>۲</sup> استدلال کرده است، جنبش‌هایی که می‌خواهند تغییرات ملموسی بوجود بیاورند، ابتدا باید استحکام لازم و

---

<sup>۱</sup> . clicktivism

<sup>۲</sup> . Zeynep Tufekci

ساختارهای سازمانی را ایجاد کنند که امکان مبارزه طولانی مدت را برای آنها فراهم آورد. [۶۰] فناوری دیجیتال، چشم‌پوشی از مراحل حیاتی نظیر شکل‌دهی به روابط، توسعه ائتلاف‌ها و اتحادیهایی مستمر، برنامه‌ریزی استراتژی‌ها، ایجاد نهادهای جایگزین و آماده‌سازی جمعیت برای مبارزه‌ای طولانی مدت را آسان می‌کند. بسیاری از جنبش‌ها ممکن است با وجود سهولت و راحتی رسانه‌های اجتماعی به راحتی در دام سازمان‌دهی کوتاه‌مدت گرفتار شوند و خود را تنها از رویدادی به رویداد دیگر بکشند و نتوانند پایگاه حامیان خود را در جهت جذب حامیان درازمدت گسترش دهند. هر جنبشی با این وسوسه روبرو است که تاکتیک را مقدم بر استراتژی قرار دهد. رسانه‌های اجتماعی این وسوسه را به نحو چشمگیری افزایش می‌دهند.

سوم اینکه ناکامی در ایجاد یک سازمان پایا و باثبات همچنین به این معنی است که جنبش‌هایی که در رسانه‌های اجتماعی کار سازماندهی خود را انجام می‌دهند در گسترش حوزه‌های نفوذ خود برای جذب کنشگران از شبکه‌های اجتماعی دیگر شکست می‌خورند. مردم احتمالاً در دنیای مجازی حتی بیشتر از دنیای واقعی، شبکه‌های اجتماعی، منابع خبری و خوراک‌های اطلاعاتی را انتخاب می‌کنند که ارائه‌دهنده ارتباطات اجتماعی و دیدگاه‌های فکری باشد که به آنها آرامش می‌دهد. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند که رسانه‌های اجتماعی به جای افزایش بردباری و تحمل اختلاف و ناسازگاری در همکاری با افرادی که دیدگاه‌ها یا تجربیات متفاوتی دارند، تمایل افراد برای متمیز شدن در گروه‌هایی کوچک و منسجم را تشدید می‌کند. این امر دسترسی و تأثیرگذاری بر حامیان رژیم را برای جنبش‌های آنلاین دشوارتر می‌کند و امکان برهم‌زدن رضایت از خود و غرور کاذبی که رژیم گرفتار آن شده و در نهایت جذب ائتلاف‌های گسترده از حامیان را برای جنبش دشوارتر می‌کند [۶۱].

مهم تر از همه اینکه رژیم های سرکوبگر نیز می توانند از رسانه های اجتماعی استفاده کنند (و می کنند). رژیم های خودکامه منابع زیادی در اختیار خود دارند و به شیوه ای راهبردی به بهترین راه برای استفاده از این منابع برای بازگرداندن آرامش و حفظ قدرت فکر می کنند. اول اینکه، رژیم ها مستقیماً با قطع اینترنت کشور به اقدامات فعالین در رسانه های دیجیتالی واکنش نشان می دهند. همانطور که حسنی مبارک در مصر ۲۰۱۱، رژیم ایران در سال ۲۰۱۹؛ زمانی که ایرانیان اعتراضات گسترده ای را علیه دولت آغاز کردند، و دولت هند در کشمیر سال ۲۰۱۹؛ هنگامی که مسلمانان کشمیری شروع به اعتراض به نقض حقوق بشر توسط نیروهای اشغالگر هندی کردند، انجام دادند. با اینحال بیشتر دولت ها خیلی سریع به این نکته پی برده اند که واکنش هوشمندانه تری نیز وجود دارد. همانطور که دانشمند علوم سیاسی آنیتا گودس<sup>۱</sup> دریافته است، اتکای فزاینده فعالان به اینترنت، ردیابی مخالفان سیاسی، شناسایی شرکت کنندگان و سازمان دهندگان کلیدی، اختلال شبکه های ارتباطی آنها و جلوگیری از سازماندهی موفقیت آمیز مبارزات توسط آنها را برای دولت ها آسان تر کرده است [۶۲].

علاوه بر این رژیم ها از این ابزارهای دیجیتالی برای سازماندهی حامیان خود و انتشار اخبار نادرست یا اطلاعات شرم آور و دردسرساز به منظور آسیب رساندن به افراد مرتبط با جنبش استفاده می کنند. سواگونیتسکی<sup>۲</sup>، دانشمند علوم سیاسی، استدلال می کند که بسیاری از رژیم های اقتدارگرا اکنون پیام ها و پیام رسان های دیجیتالی خود را ایجاد می کنند و از آن طریق تبلیغات و ضدتحلیل های خود را منتشر می کنند تا ادعای

---

<sup>۱</sup> . Anita Gohdes

<sup>۲</sup> . Seva Gunitsky

مشروعیت جنبش‌ها را زیر سوال ببرند. «دیپ فیک‌ها»<sup>۱</sup> - «شواهد» ضبط شده ویدیویی که به شکل دیجیتالی تغییر شکل پیدا کرده‌اند - می‌تواند مقابله با تبلیغات را برای جنبش‌ها دشوارتر کند [۶۳].

دیگر اینک، همانطور که اینترنت می‌تواند به سازماندهی فعالان ضد رژیم کمک کند، این قابلیت را دارد که به وفاداران دولت و گروه‌های ضد اپوزیسیون نیز کمک کند تا واکنش‌های مورد نظر خود را هماهنگ کنند. در جریان قیام نافرجام بحرین در سال ۲۰۱۱، رژیم اینگونه از فیسبوک استفاده کرد: سازماندهی تظاهرات ضد اعتراضی و بکارگیری نیروهای وفادار برای ارباب معترضان با پیام‌های تهدیدآمیز و آزار واذیت. پاتریک مایر<sup>۲</sup> گزارش می‌دهد که در جریان قیام نافرجام سال ۲۰۱۱ علیه عمر البشیر در سودان نیز دولت از فیس بوک برای ایجاد گروه‌های وفادار در مناطق دورافتاده به منظور «دفاع» از رژیم استفاده کرد - و حتی تعدادی صفحات اعتراضی ساختگی برای به دام انداختن مخالفان راه اندازی کرد. در یک مورد،

هزاران تن از فعالان سیاسی به سرعت در این گروه عضو شدند. سپس دولت به عمد زمان اعتراضات را به روز دیگری تغییر داد تا از این طریق سردرگمی ایجاد کند و همزمان پلیس را در محل تظاهرات مستقر کرد. پلیس نیز پس از حضور معترضان، ناگهان به آنها یورش برد و دهها تن از آنان را دستگیر کرد. گزارش‌های موثقی وجود دارد مبنی بر اینکه بسیاری از دستگیرشدگان برای فاش کردن رمز عبور فیسبوک (و ایمیل) خود شکنجه شده‌اند. [۶۴]

---

<sup>۱</sup> Deep fake . جعل عمیق یا ژرف برساخته» ویدئویی ست از شخصی که در آن صورت یا بدن او به صورت دیجیتالی تغییر داده شده به طوری که شخص دیگری به نظر می‌رسد و معمولاً با اهداف بدخواهانه یا به منظور انتشار اطلاعات نادرست استفاده می‌شود. - م.

<sup>۲</sup> . Patrick Meier

حال با این تفاسیر، فعالان چکار باید بکنند؟ در برخی موارد آنها سعی کرده‌اند همانند دشمن خود فکر کنند، مشکلات را پیش‌بینی کنند، برای پاسخ‌ها برنامه‌ریزی کنند، و پلتفرم‌ها و منابع ارتباطی رمزگذاری شده خود را پیوسته تغییر دهند. این رویکرد حتی ممکن است شامل چاپ جزوات کاغذی و سایر مطالب برای توزیع شخصی باشد، همان کاری که فعالان مصری در سال ۲۰۱۱ انجام دادند تا مانع از شناسایی آنلاین خود شوند. [۶۵] بسیاری از فعالان طرح و نقشهٔ سومی را نیز برنامه‌ریزی می‌کنند - راهی مخفی برای ادامهٔ ارتباط و هماهنگی در صورتی که دیگر قادر به توزیع مطالب چاپی نباشند.

### قانون ۳,۵ درصد چیست؟ [۶۶]

«قانون ۳,۵٪» بیانگر این ایده است که زمانی که ۳,۵٪ از جمعیت یک کشور فعالانه در رویدادی حداکثری و قابل مشاهده مانند یک نبرد، تظاهراتی توده‌ای یا تاکتیک‌های عدم همکاری جمعی شرکت کرده‌اند، هیچ انقلابی به شکست منتهی نشده است. من این اصطلاح را در یک سخنرانی تدکس<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۳ ابداع کردم. جنبش‌های مختلف در سراسر جهان - از شورش علیه انقراض در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ گرفته تا جنبش روشنایی شمع<sup>۲</sup> در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷ در کرهٔ جنوبی - از رقم ۳,۵ درصد برای تشویق مشارکت و سنجش ظرفیت خود برای ایجاد تغییر استفاده کرده‌اند.

---

۱. TEDx

۲. Candlelight Movement

سایر پژوهشگران علاقه‌مند به انقلاب‌ها و اعتراضات توده‌ای نیز فرضیاتی در این باره دارند. به عنوان مثال مارک لیکباک<sup>۱</sup> در کتاب خود با نام معمای قیام<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۴ به «قانون ۵» درصد اشاره می‌کند. [۶۷] قانون وی به این ایده اشاره دارد که (الف) هیچ دولتی نمی‌تواند در برابر چالشی که از سوی ۵ درصد جمعیت یک کشور ایجاد می‌شود، مقاومت کند (ب) هیچ قیامی نمی‌تواند امیدوار باشد که بیش از ۵٪ از جمعیت یک کشور را بسیج کند، زیرا بسیاری از مردم ترجیح می‌دهند «سواری مجانی»<sup>۳</sup> بگیرند- بدون اینکه خودشان متحمل خطری شوند، از پذیرش خطرات از سوی دیگران منتفع شوند.

**آیا این بدان معناست که اگر جنبشی بتواند تنها ۳٫۵ درصد جمعیت کشور را به خیابان‌ها بیاورد، حتماً پیروز خواهد شد؟**

نه ضرورتاً. اولاً داده‌های پشت این رقم، آنچه را که در گذشته اتفاق افتاده توصیف می‌کند، نه آنچه را که می‌بایست لزوماً در آینده اتفاق بیفتد. این گرایش تاریخی پیش از اینکه کسی از وجود آن آگاه باشد وجود داشت. هیچ‌کس نمی‌داند که آیا زمانی که افراد آگاهانه تلاش کنند تا به آستانه ۳٫۵٪ برسند، این قانون بازهم برقرار خواهد بود یا خیر- به خصوص اگر آنها این کار را بدون تدوین هیچ‌گونه استراتژی، اقدام به سازماندهی

---

<sup>۱</sup> . Mark Lichbach

<sup>۲</sup> . The Rebel's Dilemma

<sup>۳</sup> free ride . مفهومی در علوم اجتماعی و اقتصاد که بیانگر وضعیتی است که در آن فرد یا گروهی بدون تلاش یا مشارکت در هزینه‌ها در راستای یک هدف از مزایای تلاش‌ها و هزینه‌های دیگران منتفع می‌شود. مشکل سواری مجانی یکی از مهم‌ترین موانع پیش روی هر کنش جمعی محسوب می‌شود-م.

اجتماعی و آموزش و آماده سازی خاصی انجام دهند؛ اقداماتی که جنبش های پیشین باید انجام می دادند تا موفق به بسیج این تعداد از مردم شوند.

دوماً تصوّر اینکه پیش از ظهور رسانه های دیجیتال، جنبشی که موفق به بسیج ۳,۵ درصد از جمعیت یک کشور می شد می توانست بدون موافقت و همدلی گسترده عمومی این کار را انجام دهد دشوار است. اگرچه هیچ راهی برای سنجش قابل اعتماد افکار عمومی پیرامون دولت ها یا جنبش های حداکثرگرای [انقلابی] که با این دولت ها به مبارزه برمی خیزند، وجود ندارد، واقعیت بسیار محتمل این است که جنبش های انقلابی موفق از همدردی و حمایت گسترده عمومی برخوردار بوده اند، حتی اگر تعداد نسبتاً کمی از افراد به نحوی فعالانه در مبارزات آنها شرکت کرده باشند. برای مثال، ممکن است ۸۰ درصد مردم خواهان کناره گیری حسنی مبارک در سال ۲۰۱۱ بوده باشند، اما تنها حدود ۱ درصد آنها برای برکناری او به خیابان ها ریخته باشند.

سوم اینکه روشی که من قاعده ۳,۵ درصد را طبق آن محاسبه کردم، متکی بر برشی مقطعی در زمان است. این روش مشارکت مردمی را در یک رویداد حداکثری (معمولاً تظاهرات گسترده مردمی در کارزارهای مدنی، یا حداکثر مجموع مبارزان در مبارزات مسلحانه) را محاسبه می کند. این روش تغییراتی را که در طول زمان ممکن است در میزان مشارکت مردمی ایجاد شود را در نظر نمی گیرد. چه بسا آنچه واقعاً اهمیت دارد اثرات تجمیعی مشارکت مردمی و بی نظمی و اخلاکگری باشد. تکانه یا گشتاور- که همانطور که به خاطر می آورید، جرم و سرعت را در نظر می گیرد [و حاصل ضرب این دو بود]- احتمالاً پیش بینی کننده بهتری برای موفقیت نسبت به صرف اعداد خام می باشد. [۶۸]

در نهایت اینکه، این یافته مبتنی بر رویدادهای بسیار نادر است. از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۴، از میان ۳۸۹ کارزار مقاومت، تنها ۱۸ مورد آنها از آستانه ۳٫۵ درصد فراتر رفته‌اند که این رقم کمتر از ۵ درصد از کل انقلاب‌هایی است که در آن دوره رخ داده است.

### آیا استثنایی هم برای قانون ۳٫۵ درصد وجود دارد؟

داده‌های منتشر شده در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که قانون ۳٫۵ درصد جز در دو مورد، معتبر است. [۶۹] اولین مورد شورش سال ۱۹۶۲ در بروئی بود که طی آن چهار هزار نفر - ۴٪ از کل جمعیت نود هزار نفری بروئی - قیام مسلحانه‌ای را براه انداختند که به شکست منتهی شد.

با این حال بروئی یک کشور پادشاهی بسیار کوچک است و موردی کاملاً غیرمعمول به حساب می‌آید. در آنجا ارتش آزادیبخش کالیمانتان شمالی<sup>۱</sup> در تلاش بود تا سلطان این کشور را که تحت حمایت بریتانیا قرار داشت سرنگون کند. هدف شورشیان بازداشتن سلطان از الحاق کشورشان به مالزی بود. تنها پس از ده روز، سلطان به سرعت شورش مردمی را فرونشاند. نیروهای نظامی بروئی نیز به رژیم وفادار ماندند. عامل غیرعادی این است که دولت بریتانیا گشت‌های منطقه‌ای خود را برای کمک به تقویت ثبات بروئی به کار گرفته بود. یک سال بعد، سلطان از پیوستن کشورش به مالزی منصرف شد، اما قدرت خود را همچنان حفظ کرد. با در نظر گرفتن معیارهای سختگیرانه‌ی ما و علیرغم اینکه نتیجه مطلوب کمپین، یک سال پس از آن حاصل شد، این کارزار یک کارزار شکست خورده تلقی می‌شود.

---

<sup>۱</sup> . North Kalimantan Liberation Army



دومین استثناء، قیام نافرجام بحرینی‌ها علیه ملک حمد<sup>۱</sup> در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ بود. در ۲۲ فوریه ۲۰۱۱، طبق گزارش‌ها، صد هزار نفر که در آن زمان بیش از ۶ درصد جمعیت بحرین را تشکیل می‌دادند در تظاهرات بزرگی شرکت کردند. طی چندین هفته پیش رو دولت بحرین قیام مردم این کشور را به شدت سرکوب کرد، تظاهرکنندگان را با شلیک مستقیم متفرق کرد، مخالفان را بازداشت کرد و به زندان انداخت، و زندانیان سیاسی را شکنجه کرد. پس از چندین هفته اکثر تظاهرکنندگان به خانه‌های خود بازگشتند و مخالفت‌ها تا حد زیادی فروکش کرد.

در مورد بحرین چندین اتفاق ممکن است در کار بوده باشد. اول اینکه، مخالفین بحرینی در برابر دشمنی بسیار نیرومند و هولناک قرار گرفته بودند. بحرین نظامی پادشاهی است که در آن فرقه‌ای اقلیت با حمایت نیرویی قدرتمند در منطقه به نام عربستان سعودی، و نیز ایالات متحده در قدرت باقی مانده‌اند. مانند رژیم برونئی در دهه ۱۹۶۰، رهبران بحرین نیز قادر بودند به نیروهای خارجی از جمله نیروهای سعودی و نیز نیروهای امنیتی خصوصی خود تکیه کنند. این امر شانس ترمز و رویگردانی نیروهای امنیتی را کاهش می‌داد. از آنجایی که سازماندهی پایدار و مستمر چندانی نیز برای بحث رهبری در جنبش انجام نگرفته بود، معترضان قادر نبودند به اعتصابات و سایر اشکال عدم همکاری روی آورند. پس از کشته شدن نزدیک به صد نفر و دستگیری معترضان اصلی از سوی دولت، مردم از ادامه تظاهرات و راهپیمایی‌ها ناامید شدند.

در هر دوی این موارد مشارکت توده‌ای بسیار کوتاه مدت بود. شاید بتوان گفت که حدنصاب ۳٫۵ درصد تنها در صورتی کارساز است که مشارکت گسترده مردمی بتواند در طولانی مدت پایدار و باثبات باقی بماند. یا شاید قانون ۳٫۵ درصد در مورد

---

<sup>۱</sup>. King Hamad

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۲۲۰

پادشاهی‌های کوچکی که از سوی نیروهای نظامی خارجی قدر قدرت حمایت می‌شوند صدق نمی‌کند. اگر چنین شرایط نادری را کنار بگذاریم، به نظر می‌رسد این قانون پایدار و معتبر باشد. با این وجود باز هم این بیشتر یک قانون کلی و مبتنی بر تجربه است تا قانونی آهنین و بی‌بربرگرد [۷۰].

### کدام کمپین‌ها بیشترین درصد مشارکت مردمی را داشته‌اند؟

شکل ۲-۴ تمامی انقلاب‌هایی را نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۴۵ و ۲۰۱۴ دست

کم ۲ درصد جمعیت کشور را بسیج کرده‌اند [۷۱].

همانطور که این شکل نشان می‌دهد، بیست و چهار مورد از سی و دو مورد از بزرگترین

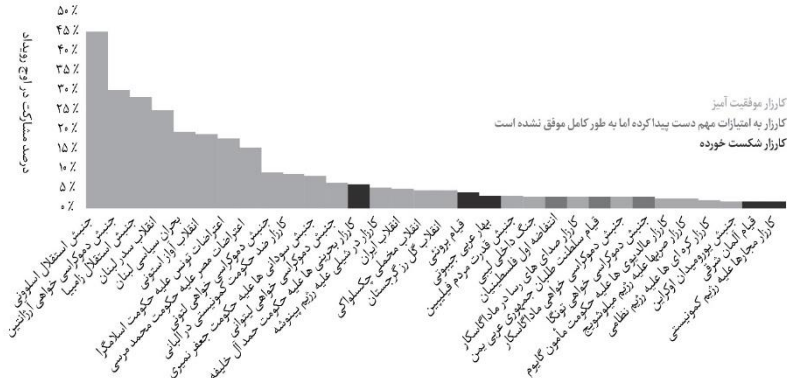
انقلاب‌ها به موفقیت کامل دست یافته‌اند، (۷۵٪) و همزمان بیست و هفت مورد از این

سی و دو مورد به امتیازات عمده یا موفقیت کامل دست پیدا کرده‌اند. (۸۴٪)

البته بسیاری دیگر از جنبش‌های بسیج توده‌ای نیز میلیون‌ها نفر را به خیابان‌ها

آورده‌اند، اما لزوماً به جنبش‌هایی انقلابی که تغییرات پایداری به همراه داشته باشند،

تبدیل نشده‌اند. برخی از بزرگترین این جنبش‌ها عبارتند از:



شکل ۲-۴ انقلاب‌ها با دست‌کم ۲٪ مشارکت مردمی در دورهٔ حداکثر بسیج مردمی ۱۹۴۵-۲۰۴ (۲۲=۱)

- ایالات متحده، ۱۹۶۹. میلیون‌ها نفر از مدارس و دانشگاه‌های این کشور به خیابانها سرازیر شدند و تظاهرات گسترده‌ای را با عنوان ضرب‌الاجل برای پایان جنگ در ویتنام، در اعتراض به خدمت اجباری و جنگ ویتنام برگزار کردند.
- ایالات متحده، ۱۹۷۰. میلیون‌ها نفر به برگزاری نشست‌های آموزشی، پروژه‌های اجتماع‌محور، اقدامات آگاهی‌افزایی و اعتراضات پیرامون عدالت زیست‌محیطی پرداختند که در اولین روز جهانی زمین به اوج خود رسید.
- تظاهرات جهانی، ۲۰۰۳. طبق گزارش‌ها در سرتاسر جهان ۱۰ میلیون نفر در اعتراض به آماده‌سازی دولت جورج. دبلیو بوش برای حمله به عراق به خیابان‌ها ریختند.

۱ . Moratorium to End the War in Vietnam

- ایالات متحده، ۲۰۱۷. چهار میلیون نفر در راهپیمایی با عنوان راهپیمایی زنان و در اعتراض علیه مراسم تحلیف ریاست جمهوری دونالد ترامپ، به خیابان‌های واشنگتن دی سی، و شهرهای سراسر کشور سرازیر شدند؛ تظاهراتی که به بزرگترین تظاهرات یک‌روزه در تاریخ ایالات متحده تبدیل شد. [۷۲] راهپیمایی زنان در سال ۲۰۱۷ احتمالاً رقمی حدود ۱٫۸٪ جمعیت این کشور را شامل می‌شد. این عدد یقیناً رقمی چشمگیر است، اما تنها اندکی بالاتر از رقم متوسط شرکت‌کنندگان کارزارهای مقاومت مدنی- و تنها کمی بالاتر از نیمی از حدنصاب ضروری مشاهده شده برای تغییرات انقلابی است.

- هند ۲۰۲۰. میلیون‌ها نفر پس از تصویب لایحه اصلاحیه شهروندی<sup>۱</sup> از سوی مجلس نخست‌وزیر نارندرا مودی<sup>۲</sup> در اعتصاب عمومی شرکت کردند؛ لایحه‌ای که طبق آن تنها در صورتی به مهاجران پاکستانی، افغانستانی و بنگلادشی شهروندی اعطا می‌شود که مسلمان نباشند. این لایحه به نحوی گسترده حمله‌ای علیه ۱۹۵ میلیون مسلمان هند تلقی می‌شد؛ گروهی اقلیت در دولت ناسیونالیست هندوی این کشور که به طور روز افزونی به راست متمایل می‌شود.

آیا قانون ۳٫۵ درصد تنها در مورد کمپین‌هایی صادق است که به دنبال اهداف مهمی مانند برکناری یک رهبر ملی یا دستیابی به استقلال هستند و در مورد کمپین‌هایی با اهدافی نظیر مبارزه با تغییر اقلیم یا مقابله با دولت‌های محلی، شرکت‌ها یا مدارس صدق نمی‌کند؟

---

<sup>۱</sup> . Citizenship Amendment Bill

<sup>۲</sup> . Narendra Modi

هیچ کس نمی داند. قانون ۳٫۵ درصد از دسته بندی بسیار خاصی از انقلاب ها برگرفته شده که هدفی مشخص، روشن و برجسته داشته اند- که البته دستیابی به آن بسیار دشوار بوده است. ممکن است انواع دیگر کمپین ها نیز با سطح مشابهی از مشارکت مردمی موفق شوند. اما ما هنوز اطلاعات معتبر و جهان شمولی در مورد مشارکت در این قبیل کمپین ها نداریم.

**این که اقلیتی تنها ۳٫۵ درصدی بتواند هر دولتی را به زیر بکشد، چه معنایی برای دموکراسی می تواند داشته باشد؟**

به خاطر داشته باشید که اکثر جنبش هایی که می توانند ۳٫۵ درصد جمعیت را به خیابان ها بیاورند، در اصل پایگاه حمایتی بسیار گسترده تری در جامعه دارند. اگرچه هیچ راه مطمئنی برای اندازه گیری معتبر افکار عمومی در تمام بحران های ملی وجود ندارد، می توان گفت که در بیشتر مواردی که در آن بخش بزرگی از مردم مایل به حضور و اجتماع علنی در خیابان ها بوده اند، جنبش نیز از حمایت عمومی گسترده در جامعه برخوردار بوده است. اقدامات موفق جنبش حقوق مدنی ایالات متحده در سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ را در نظر بگیرید. اگرچه تنها چند صد هزار نفر به شکلی فعالانه در راهپیمایی ها، تحصن ها، بایکوت ها و سایر اقدامات مدنی شرکت داشتند، اما اکثریت شهروندان آمریکایی از شکلی از قانون جامع حقوق مدنی حمایت می کردند. [۷۳] اگر بتوانید ۳٫۵ درصد از جمعیت یک کشور را به انجام کاری در راستای هدفی خاصی ترغیب کنید، کمابیش مطمئن باشید که اکثریت مردم کشور از آن هدف حمایت می کنند. حضور چنین اقلیتی قابل توجهی در خیابان ها احتمالاً نتیجه حمایت مردمی از جنبش است و نه علت آن [۷۴].

این را هم به خاطر داشته باشید که اگرچه قانون ۳/۵ درصد به رویدادی حداکثری و منفرد [معمولاً تظاهرات گسترده مردمی در کارزارهای مدنی، یا حداکثر مجموع مبارزان در مبارزات مسلحانه] اشاره دارد، مقاومت مدنی به عنوان یک تکنیک به ندرت تنها شامل یک رویداد خاص که تعداد زیادی از مردم را به خیابان‌ها می‌آورد، می‌گردد. چیزی که در ما در این کتاب مد نظر داریم کارزار مبارزاتی مستمر و سازماندهی شده با یک هدف روشن است که در صورت لزوم تاکتیک‌های مختلفی اتخاذ می‌کند.

### آیا یک جنبش مقاومت مدنی برای موفقیت نیاز به هدفی روشن و واحد دارد؟

اکثر جنبش‌ها تنها یک هدف را برای خود در نظر نمی‌گیرند: آنها خط‌مشی‌ها و مطالبات جامع و گسترده‌ای دارند. این ادعاها و مطالبات معمولاً به شدت در درون جنبش مورد بحث قرار می‌گیرند، به خصوص که جنبش‌ها غالباً گستره متنوعی از حامیان را از سرتاسر طیف اجتماعی به خود جذب می‌کنند و همین امر بر شدت مباحث و مشاجرات می‌افزاید.

بسیاری از فعالین بر این باورند که آنچه مهم‌تر از داشتن هدفی واحد است، واضح و مشخص بودن آن هدف است. برای مثال «مبارک باید برود» شعاری بسیار واضح‌تر و ملموس‌تر از «ما ۹۹ درصد هستیم»<sup>۱</sup> محسوب می‌شود. اگرچه در واقع عناصر و مبانی مترقی انقلاب ۲۵ ژانویه مصر و اشغال وال استریت، عقاید و خط‌مشی‌های یکسانی را پیرامون عدالت اقتصادی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری دولت و پیامدهای عمیقاً

---

۱. ما ۹۹ درصد هستیم شعاری سیاسی است که به طور گسترده در جریان جنبش اشغال وال استریت در سال ۲۰۱۱ مورد استفاده قرار می‌گرفت. این عبارت مستقیماً به نابرابری درآمد و ثروت در ایالات متحده اشاره دارد که در آن ثروت در دستان ۱٪ پدیدآمده تمرکز دارد و «۹۹ درصد» مردم بهای اشتباهات این اقلیت کوچک در طبقه بالای جامعه را می‌پردازند- م .

نابرابر بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ به اشتراک می گذاشتند- اما می توان گفت که برکناری یک دیکتاتور هدفی مشخص و ملموس است، در حالی که اعتراضات عمومی به نابرابری اقتصادی چنین نیست.

تعداد اندکی از کمپین های مقاومت مدنی که در سال ۲۰۱۹ در جریان بودند، اهدافی روشن و مشخص داشتند. جنبش دموکراسی خواهی ۲۰۱۹ هنگ کنگ که شش ماه در خیابان ها ادامه یافت و به تلاش های سرزمین اصلی چین برای نادیده گرفتن حقوق و آزادی های مدنی خود اعتراض می کرد خواسته های روشنی داشت که مجموعاً شامل این موارد می شد: استعفای رئیس اجرایی هنگ کنگ، تحقیقات در مورد خشونت پلیس، آزادی معترضان از زندان، انصراف از بکارگیری اصطلاح «شورش» برای توصیف قیام هنگ کنگی ها، و گسترش حق رأی در این کشور. جنبش مبارزه با تغییر اقلیم شورش علیه انقراض، سه خواسته روشن و ملموس از دولت بریتانیا (و دولت های سراسر جهان به طور گسترده تر) دارد: کسانی که در قدرت هستند حقیقت را در مورد تغییرات آب و هوایی بگویند، تمامی شهروندان جهان به بحران آب و هوا توجه کنند، و دولت ها انتشار گازهای گلخانه ای خود را تا سال ۲۰۲۵ به صفر برسانند.

اغلب مطالبه پایان یک اتفاق یا وضعیتی نامطلوب آسان تر از مفصل بندی و بیان واضح تقاضایی شفاف برای هدفی خوب و شایسته است. از قضا به همین دلیل است که برای جنبش های قدرت مردمی اغلب آسان تر این است که دیکتاتوری بی رحم را از قدرت کنار بزنند («مردم خواهان سقوط رژیم هستند.») تا اینکه بخواهند بر سر اینکه چه کسی باید حکومت کند یا نحوه انتخاب دولت ها چگونه باید باشد، به توافق برسند. سرنگونی یک دیکتاتور مستلزم استقامت و پایداری است، اما تأسیس حکومتی جدید مستلزم زمان، مذاکره و مصالحه است [که فرآیندی دشوار و فرساینده است] [۷۵].

هدف‌گذاری برای هدفی مشخص و ملموس می‌تواند به معنای این باشد که جنبش‌ها باید موقتاً ادعاهای دیگر را کنار بگذارند، یا دست‌کم زنجیره‌ای از اهداف را مدنظر قرار دهند تا به این ترتیب هر پیروزی بتواند جنبش را به سمت اهداف نهایی و کلی‌تر سوق دهد. برای مثال جنبش حقوق مدنی هدفی روشن و مشخص را- پایان تبعیض نژادی در کشور- در میان اهداف بلندمدت و گسترده‌تری نظیر پایان بخشیدن به اعمال و سیاست‌های نژادپرستانه، رفع ریشه‌های فقر، و پایان دادن به نظامی‌گری ایالات متحده گنجانده بود. با این‌وجود مباحث پیرامون چگونگی پرداختن به این مطالبات و تقدّم هر کدام از آنها، موضوعی به شدت بحث‌برانگیز و جنجالی در بین میانه‌روها و رادیکال‌های جنبش بود.

یکی از سخت‌ترین بخش‌های فرآیند ایجاد و حفظ ائتلاف‌ها در این مقیاس و گستره، مذاکره و اولویت‌بندی خواسته‌های مختلف با در نظر گرفتن دیدگاه‌های مختلف است. برنیس جانسون ریگون،<sup>۱</sup> از سازمان‌دهندگان جنبش حقوق مدنی آمریکا، زمانی گفته بود که اگر شما با همهٔ افراد ائتلاف خود رابطه‌ای آرام و بدون درگیری دارید، نمی‌توان اسم شما را ائتلاف گذاشت. حفظ یک ائتلاف برنده و موفق [پس از پایان مبارزات] بسیار دشوارتر از انتخاب هدفی روشن و مشخص است؛ این امر اغلب به میانجی‌گرانی ماهر و تمایل گسترده برای حل تعارض از طریق فرآیندهای مقبول و پذیرفته شده نیاز دارد.

### کدام نوع از ساختارهای سازمانی [برای جنبش‌ها] مؤثرتر هستند؟

هنوز اجماعی عمومی پیرامون این موضوع وجود ندارد. برخی از جنبش‌های موفق مقاومت مدنی رهبرانی مقبول و پذیرفته‌شده داشته‌اند که به جنبش در عبور از

---

<sup>۱</sup> . Bernice Johnson Reagon



چالش‌های اساسی کمک می‌کرده است. این رهبران چشم‌انداز و اهداف جمعی جنبش را تعریف می‌کنند، انتظارات و مطالبات جنبش را انتقال می‌دهند، هنجارهای جنبش را به اجرا می‌گذارند، روابط عمومی را هماهنگ می‌کنند، تصمیمات استراتژیک را اتخاذ می‌کنند و از طرف جنبش به مذاکره و چانه‌زنی می‌پردازند. برای مثال بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰، انتفاضهٔ اول فلسطین - قیام علیه اشغال کرانهٔ باختری و نوار غزه توسط اسرائیل و نابرابری‌های فزاینده بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها - شورای رهبری ائتلافی خود را عرضه کرد. [۷۶] صدها گروه مدنی فلسطینی به یکدیگر پیوستند و بر سر رهبری مشترک به توافق رسیدند که برنامه‌هایی را تهیه و اجرا می‌کرد، فهرستی از خواسته‌های جنبش را تدارک می‌دید و با میانجیگری ایالات متحده با دولت اسرائیل وارد مذاکره می‌شد. هر چند در نهایت این مذاکرات تحت‌الشعاع مذاکرات محرمانه‌ای قرار گرفت که در اسلو بین دولت اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) برگزار می‌شد؛ سازمانی مبارز و در تبعید به رهبری یاسر عرفات که البته در آن زمان ریشه‌های محکمی در بین مردم فلسطین نداشت.

به نحوی مشابه در ۱۹۸۰ نیز جنبش همبستگی لهستان - سازمانی کارگری که علیه دولت کمونیستی تحمیلی شوروی مبارزه می‌کرد و در نهایت موفق به سرنگونی آن شد - یک ساختار رهبری مشترک داشت که اتحادیه‌های کارگری مختلف در آن مشارکت داشتند. این رهبران پذیرفته‌شده وظایف حیاتی مختلفی را بر عهده داشتند. رهبران این اتحادیه قریب نه سال به برنامه‌ریزی و مقدمه‌چینی از طریق سازماندهی انجمن‌های تجاری، دانشگاه‌های زیرزمینی، صندوق‌های امداد اجتماعی برای حمایت از خانواده‌های مخالفان زندانی و مطبوعات غیرقانونی پرداختند و در نهایت توانستند با حزب کمونیست لهستان وارد مذاکره شده و طی آن به امتیازات متعددی دست یابند. همبستگی با کسب فرصت رقابت در انتخابات سراسری رژیم کمونیستی، نامزدهای

خود را وارد رقابت‌های انتخاباتی کرد. رقابتی که با برنامهٔ دموکراسی‌خواهی و مبارزه با فساد انجام می‌شد و درنهایت در جولای ۱۹۸۹ به پیروزی همبستگی در انتخابات سراسری منتهی شد.

سایر جنبش‌های مقاومت مدنی به دلایل تاکتیکی و ایدئولوژیکی، رویکرد مقاومت بدون رهبر را اتخاذ کرده‌اند. از نظر تاکتیکی اگر جنبشی رهبری روشن و مشخصی نداشته باشد، دولت‌ها کار سخت‌تری برای بریدن سر آنها از طریق دستگیری یا نفوذ و سپس براندازی این جنبش‌ها دارند. جنبش‌های بدون رهبر بی‌شک از نظر ایدئولوژیک می‌توانند برای افرادی که علیه ساختارهای ظالمانه، نظام‌های طبقاتی و فساد مبارزه می‌کنند، جذابیت بیشتری داشته باشند.

با اینحال رویکرد مقاومت بدون رهبر مشکلات و محدودیت‌های استراتژیک عمده‌ای را نیز در بلندمدت با خود به همراه می‌آورد، به‌ویژه اگر جنبش‌ها راهی برای ایجاد و تداوم اشکال سازمانی که بتواند بسیاری از گروه‌ها و مطالبات را جهت اقدام مؤثر با یکدیگر هماهنگ کند، پیدا نکند. [۷۷] نخست اینکه اگر کسانی که در جنبش هستند وظایف خاصی مانند مذاکره، ارتباطات عمومی، ائتلاف‌سازی یا ندوین استراتژی را به گروهی از رهبران مورد اعتماد محوّل نکنند در آن صورت جنبش‌ها لزوماً

---

<sup>۱</sup> Decapitation Strikely. Decapitation که می‌توان آنرا حملهٔ خونین یا حملهٔ تمام‌کننده نیز ترجمه کرد، نوعی استراتژی نظامی است که هدف آن از بین بردن رهبری یا فرماندهی یک دولت یا گروه متخاصم و تحت کنترل درآوردن آن است. استراتژی درهم شکستن یا متلاشی‌کردن دشمن با از بین بردن رهبری نظامی و سیاسی آن مدت‌هاست که در جنگ‌های متعارف به کار می‌رود. از نمونه‌های اخیر آن می‌توان حملهٔ ۲۰۱۱ آمریکا به عراق را نام برد که با حملاتی خونین علیه صدام حسین و دیگر رهبران نظامی و سیاسی این کشور آغاز شد، گرچه آمریکا در حملات هوایی خود نتوانست به هدف خود مبنی بر حذف رهبران سیاسی و نظامی عراق دست پیدا کند - م

نمی‌توانند با دشمنانی که ممکن است مایل به دادن امتیاز باشند، وارد مذاکره شوند. به عبارت دیگر آنها در پذیرش پاسخ مثبت از سوی حریف دچار مشکل می‌شوند.

دوم اینکه جنبش‌های بدون رهبر برای مدیریت بحران‌های روابط عمومی کار سخت‌تری در پیش رو دارند، مانند زمانی که برخی با اعمال خشونت یا ستیزه‌جویی در جنبش عموم مردم را از مبارزات دور می‌کنند. جنبشی که هیچ سخنگویی ندارد نمی‌تواند به نحوی قابل‌اعتماد درگیری‌های خیابانی یا افراد و گروه‌های خرابکار را محکوم یا فعالیت‌های آنها را توجیه کند. در نتیجه تضعیف یا کم‌رنگ کردن وجهه عمومی و مشروعیت یک جنبش برای این خرابکاران کار آسانتری خواهد بود.

سوم اینکه جنبش‌های بدون رهبر کار سختی برای ایجاد روابط کاری با سایر تشکیلات و سازمان‌هایی دارند که در صورتی که بخواهند اهرم فشاری بر مخالفان خود داشته باشند، نیازمند آنها هستند. جنبش‌ها اگر بخواهند حامیان خود را گسترش داده و دشمنان را از میان بردارند، ایجاد ائتلاف جزو ضروریات آنهاست. اگر شخصیت‌های برجسته‌ای در جنبش‌ها وجود نداشته باشند که وظیفه تعقیب شرکای ائتلافی و دادن تعهدات معتبر و متقابل را برعهده بگیرند، در این صورت زمان دشواری را برای گسترش خود جهت دستیابی به اهداف مدنظرشان خواهند داشت.

چهارم اینکه جنبش‌ها معمولاً به روش‌های و رویه‌هایی برای ارزیابی تصمیمات استراتژیک، تغییر مسیر و حرکت در مسیرهای جدید نیازمندند. جنبش‌های بدون رهبر اگرچه ممکن است در کوتاه مدت ابتکار عمل و قدرت بداهه‌کاری داشته باشند، اما بدون متصدّیانی مورد توافق و محوری که قدرت تغییر تاکتیک‌ها و ابلاغ برنامه‌های جدید را داشته باشند، در امر درون‌نگری پیوسته و متداوم، انطباق‌پذیری و هماهنگی و توازن لازم برای موفقیت به مشکل خواهند خورد. برای مثال جنبش همبستگی که بیشتر ذکر آن رفت، تنها چند هفته پس از قتل عام جنبش دانشجویی دموکراسی خواه

چین توسط دولت این کشور در میدان تیان آن من پکن، توانست در لهستان به پیروزی برسد. یکی از تفاوت‌های کلیدی مابین جنبش همبستگی لهستان و جنبش دموکراسی خواهی چین، توانایی جنبش همبستگی در اتخاذ تصمیمات استراتژیک مهم در برهه‌های کلیدی و حساس مبارزه بود.

بیابید بینیم مقاومت بدون رهبر در مورد چین چگونه پیش رفت. پیش از وقوع کشتار میدان تیان آن من، نمایندگان دانشجویان چینی پیشنهادات رهبری حزب کمونیست این کشور را برای شرکت در گفتگو در می ۱۹۸۹ رد کرده بودند، که دلیل آن تا حد زیادی اختلافات داخلی پیرامون این موضوع بود که آیا نمایندگان دانشجویی منتخب این حق و صلاحیت را دارند که از طرف جنبش به مذاکره با دولت بپردازند یا خیر. از سوی دیگر اعضای کارزماتیک جنبش دانشجویی به استدلال در هواداری از تاکتیک‌های خصمانه و مقابله‌ای تر پرداختند، از جمله اعتصاب غذا و اشغال بدون خشونت میدان تیان آن من، همزمان با دیدار برنامه‌ریزی شده میخائیل گورباچف، نخست‌وزیر شوروی در اواسط ماه مه از این کشور. در ۲۰ ماه مه حزب کمونیست چین حکومت نظامی اعلام کرد و از قصد خود برای پاکسازی میدان تیان آن من خبر داد و به معترضان هشدار داد که در صورت عدم تخلیه میدان با قدرت آتش منکوب‌کننده ارتش مواجه خواهند شد. اگرچه اعتراضات گسترده در پکن باعث شد که ارتش آزادبخش خلق چین نتواند در اولین تلاش خود به میدان نزدیک شود، اما در ادامه، تحصن در تیان آن من با نزاع‌های داخلی، اختلاف بر سر اقدامات بعدی و اختلاف نظر پیرامون حمله خشونت‌آمیز به ارتش یا حفظ مقاومت بدون خشونت به ورطه بحران کشیده شد. آن گروه از اعضای که در بحبوحه بحران تلاش کردند رهبری جنبش را

---

۱ . Chinese People's Liberation Army (PLA)

بدست بگیرند به خیانت به ارزش های دموکراتیک جنبش یا تباری با دولت متهم شدند. در آخرین روزهای منتهی به قتل عام و با نزدیک شدن هرچه بیشتر واحدهای ارتش به میدان، اساتید دانشگاه ها و روشنفکران با رهبری ارتش آزادیبخش مذاکره کردند و این تضمین را از آنها گرفتند که اگر دانشجویان داوطلبانه میدان را تخلیه کنند آسیبی نخواهند دید. اما تعداد کمی از دانشجویان میدان را ترک کردند و اصرار داشتند که اساتید آنها حق مذاکره از طرف آنها را نداشته اند. در ۴ ژوئن ۱۹۸۹ ارتش آزادیبخش با قدرت بسیار به جنبش حمله کرد و صدها تا هزاران نفر را قتل عام کرد و هزاران نفر دیگر را نیز زخمی کرد. این قتل عام عملاً جنبش دموکراسی خواه چین را از کار انداخت.

قطعاً نیاز به شناسایی و ایجاد [ساختار] رهبری، غالباً با نیاز به اجتناب از شکل دهی مجدد یا تقویت ساختارهای سرگوبگر در جنبش در تنش قرار می گیرد. بسیاری از جنبش های مترقی با سازمان های متمرکز و سلسله مراتبی - به ویژه آنهایی که افراد ممتاز را در نقش های کلیدی تصمیم گیری قرار داده و دیگران را کنار می گذارند، اصطکاک دارند.

و البته این تنش سابقه ای طولانی دارد. در سال ۱۹۷۰ جو فریمن<sup>۱</sup> JIF و محقق فمینیست سخنرانی ای ایراد کرد که بعدتر در مقاله ای با عنوان «استبداد بی ساختار بودن»<sup>۲</sup> به چاپ رسید. در این اثر او دقیقاً این جنبه از موج دوم جنبش آزادی بخشی زنان را نقد کرده و استدلال می کند که:

تأکید زیادی بر آنچه که گروه های بدون رهبر یا بدون ساختار خوانده می شود، به عنوان شکل سازمانی اصلی - اگر نه تنها شکل ممکن - صورت گرفته است. منشأ

<sup>۱</sup> . Jo Freeman

<sup>۲</sup> . The Tyranny of Structurelessness.

این ایده واکنشی طبیعی در برابر جامعه‌ی بیش از حد ساختار یافته‌ای است که اکثر ما در آن قرار داریم و قدرت اجتناب ناپذیری که این امر به دیگران برای کنترل زندگی ما می‌داده، و هم چنین نخبه‌گرایی همیگشی چپ‌گرایان و گروه‌های مشابهی که در ظاهر با این ساختارمندی افراطی مبارزه می‌کردند [اما خود ساختارمند و نخبه‌گرا بودند]... با این حال ایده «بی ساختار بودن» از ضدیت سالم با گرایش‌های نامطلوب ساختارمندی به یک الهه و بت تبدیل شده است. این ایده به همان اندازه استفاده افراطی از آن، کمتر هم مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما با اینحال به بخشی ذاتی و قطعی از ایدئولوژی آزادی زنان تبدیل شده است... [بیشتر] گروه‌ها در هنگام تغییر وظایف خود، حاضر به تغییر ساختار نشدند. زنان ایده «بی ساختار بودن» را بدون توجه به محدودیت‌های کاربردی آن، در بست پذیرفته بودند. مردم می‌کوشیدند از گروه‌های «بدون ساختار» و مجامع غیررسمی برای اهدافی استفاده کنند که مناسب آنها نیستند، زیرا این باور کورکورانه را در ذهن داشتند که هر شیوه دیگری به چیزی جز ظلم و سرکوب نمی‌انجامد. اگر جنبشی واقعاً بخواهد فراتر از مراحل ابتدایی توسعه رشد کند، باید برخی از پیش‌داوری‌های خود در مورد سازمان و ساختار را کنار بگذارد. هیچ چیز ذاتاً بدی در مورد این روش‌ها وجود ندارد. آنها می‌توانند مورد سوءاستفاده قرار بگیرند و اغلب هم چنین می‌شود، اما کنار گذاشتن یک باره آنها به دلیل سوءاستفاده به این معنی است که خود را از ابزارهای و شیوه‌های ضروری برای پیشرفت و ترقی بیشتر محروم کنیم [۷۹].

جنبش‌ها ممکن است ارزش مقاومت بدون رهبر را بیش از حد برآورد کنند که این امر می‌تواند توانایی آنها برای حرکت از آگاهی‌افزایی به وظایفی که به هماهنگی و منابع طولانی مدت نیاز دارد را با شکست مواجه کند. اگرچه مقاومت بدون رهبر می‌تواند از نظر ایدئولوژیکی برای افرادی که به قدرت اعتماد ندارند جذاب باشد، اما این شیوه مضرات استراتژیکی جدی نیز برای هرگونه تلاش در راستای مقاومت مدنی به همراه

دارد. این بدان معنا نیست که کمپین‌ها و مبارزات به سلسله‌مراتب سخت‌گیرانه یا رهبران منفرد در رأس آنها نیاز دارند، اما باید پذیرفت که تمامی کارزارها به شکلی از رهبری، هماهنگی و سازماندهی به منظور تأثیرگذاری بیشتر نیازمندند.

فریمن به درستی به این نکته نیز اشاره می‌کند که اگر چه ظاهراً به نظر می‌رسد برخی جنبش‌ها فاقد ساختار رسمی هستند، اما در واقع هر گروه انسانی دارای یک ساختار یا سلسله‌مراتبی غیررسمی است که برخی از افراد را به مقام‌های قدرت می‌رساند - حتی زمانی که چنین اختیاری به طور رسمی مورد تأیید قرار نگرفته باشد. به این ترتیب همه جنبش‌ها دارای رهبری رسمی یا غیررسمی با سطوح مختلف مسئولیت‌پذیری هستند. بنابراین چالش کلیدی پیش‌روی جنبش‌ها توسعه ساختارهای سازمانی است که رویه‌های دموکراتیک را تقویت کند، وظایفی را [برای افراد] معین می‌کند و کسانی که این وظایف به آنها محول شده را مسئول اقدامات خود بدانند. [۸۰]

## آیا وجود یک رهبر کارزماتیک ضروریست؟

قطعاً نه. همانطور که ماریا استپان و آدام گالاگر<sup>۱</sup>، دانشمندان علوم سیاسی اشاره می‌کنند، شناسایی تنها یک رهبر کارزماتیک در انقلاب‌های ۲۰۱۹ سودان، الجزایر یا لبنان کار دشواریست. [۸۱] این امر در مورد اکثر قیام‌های توده‌ای در قرن گذشته نیز صدق می‌کند که بسیاری از آنها در غیاب رهبرانی چون گاندی، لوترکینگ، آکینو<sup>۲</sup> یا ماندلا به موفقیت رسیده‌اند. در واقع جنبش‌ها حال حاضر جان سیاهان مهم است در ایالات متحده نیز از مدل‌های رهبری فردگرایانه فاصله گرفته و در عوض ساختاری

---

<sup>۱</sup> . Adam Gallagher

<sup>۲</sup> Benigno Aquino. بنینو آکینو رهبر در تبعید جنبش قدرت مردم در فیلیپین، علیه حکومت فردیناند مارکوس که پس از ورود به کشور در فرودگاه مانیل از سوی نیروهای امنیتی مارکوس ترور شد - م.

فدرالی و ائتلافی اتخاذ کرده است که هماهنگی فعالانه با سازمان دهندگان و کنشگران خط مقدم و پاسخگویی به آنها را در اولویت قرار می‌دهد. [۸۲]

در واقع جنبش‌هایی که تأکیدی بیش‌ازحد بر افراد و شخصیت‌های خاص می‌گذرانند، بدون اینکه رهبرانی مجرب و کاردان را در گستره سازمان و تشکیلات، از گروه‌های خیابانی گرفته تا دولت‌های بالقوه ایجاد کنند نسبت به بریدن سر، احتمال همکاری با دشمن، یا اشتباهات مهلک بسیار آسیب پذیرتر هستند. اما در مقابل، جنبش‌هایی که رهبرانی قوی در سرتاسر کشور دارند و در سطوح محلی به خوبی سازمان‌دهی شده و به فعالیت می‌پردازند و به پرورش افرادی می‌پردازند که تحولات بلندمدت را در کشور رهبری خواهند کرد، تا این حد در معرض چنین خطراتی نیستند. دلایل سیاسی قوی نیز برای اجتناب از سپردن رهبری جنبش به یک چهره نمادین وجود دارد. بسیاری از جنبش‌ها فعالانه در برابر سلسله‌مراتب سفت و سخت و رهبری آمرانه مقاومت می‌کنند. در صورتی که جنبش‌ها بیش از اندازه به فرد یا شخصیتی واحد وابسته بوده و مردم به دنبال سیستمی دموکراتیک‌تر و پاسخگوتر باشند، این امر ممکن است باعث ناراحتی و نارضایتی شهروندان شود. ظاهراً پژوهشگران اتفاق نظر دارند که اگر جنبشی بخواهد برای طیف وسیعی از مردم جذابیت داشته باشد بهتر است بیش از اندازه به یک شخصیت تکیه نکند.

آیا مقاومت بدون خشونت تنها در دموکراسی‌ها، کشورهای توسعه‌یافته یا در فرهنگ‌های لیبرال‌تر مؤثر است؟

خیر. مردمان تحت سلطه هیچگاه به تلاش‌های خود به این شکل اشاره نکرده‌اند و برای هزاره‌هاست که مقاومت مدنی را علیه رژیم‌های امپریالیستی، استعماری، تمامیت‌خواه، خودکامه و دیگر رژیم‌های سرکوبگر به کار می‌بندند. مقاومت مدنی به عنوان یک رویکرد یا جهت‌گیری در زمینه‌هایی کاملاً غیردموکراتیک شکل گرفته است:



در میان دهقانان روسیه تزاری، در میان بردگان و کارگران برده در مستعمرات بریتانیا در سرتاسر قاره آمریکا، در میان هندوها و مسلمانان امپراتوری هند، و در میان نوادگان آفریقایی‌های به بردگی گرفته در جنوب تحت قوانین جیم کرو. رهبران فکری و فعالین اولیه تقریباً همیشه افرادی بوده‌اند که در کشورهای خود به حاشیه رانده شده، مورد بدرفتاری قرار گرفته یا سرکوب شده‌اند. ممکن است اعتراضات فردی در دموکراسی‌هایی که از حق تجمعات مسالمت‌آمیز حمایت می‌کنند، رایج‌تر باشد. اما اعتراضات مانند جنبش‌های توده‌ای نیستند-و اینگونه نیست که جنبش‌های توده‌ای در دموکراسی‌ها بیشتر از حکومت‌های خودکامه مؤثر باشند. در واقع در میان صد مورد از بزرگ‌ترین کارزارهای خشونت‌پرهیز در جهان از جنگ جهانی دوم به این سو، تنها ۲۵ درصد آنها در کشورهای دموکراتیک بوقوع پیوسته‌اند. چرا؟

اولاً در دموکراسی‌ها، مردم اهرمی برای فشار سیاسی در اختیار دارند: انتخابات به آنها این فرصت را می‌دهد تا بر دولت و سیاست‌های آن تأثیر بگذارند. در آستانه انتخابات، اپوزیسیون سیاسی غالباً فعالیت‌های خود را از جنبش‌سازی به سمت تبلیغات انتخاباتی تغییر شکل می‌دهد. این واقعیت که رأی دادن روش غالبی است که مردم از طریق آن در سیاست‌های دموکراتیک مشارکت می‌کنند، عمدتاً احساس فوریت و ضرورت درگیر شدن در اشکال برون‌سازمانی مقاومت بدون خشونت را از بین می‌برد. در مقابل در حکومت‌های استبدادی که در آن انتخابات یا اساساً وجود ندارد، یا در آن تقلب صورت می‌گیرد، بسیج توده‌ای اغلب تنها روشی است که مردم از طریق آن می‌توانند مخالفت خود را ابراز نمایند.

دوم اینکه جنبش‌ها در نظام‌های استبدادی غالباً زمانی رشد می‌کنند که این رژیم‌ها مشروعیت خود را به آرامی و در طول زمان از دست داده باشند. [۸۳] هرچه یک دیکتاتور بیشتر دوام بیاورد، برای شهروندان آن کشور آسان‌تر می‌شود که آن دیکتاتور (یا

نظام دیکتاتوری) را منشأ مصائب خود دانسته و به شکلی دسته جمعی توافق کنند که او باید برود- حتی اگر طیفی وسیع از ایده‌ها را در مورد اینکه چه چیزی باید جایگزین دیکتاتور شود، پیش روی خود داشته باشند. اما در دموکراسی‌ها جنبش‌ها غالباً تمرکز کمتری بر روی افراد دارند و بیشتر بر سیاست‌ها و سیستم‌هایی که می‌خواهند تغییر دهند، تمرکز می‌کنند. با این حال این جنبش‌ها برای توافق بر سر اینکه کدام اصلاحات در میان سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد بحث ضروری‌تر هستند، بیشتر دچار مشکل می‌شوند. در نتیجه دموکراسی‌ها اغلب گروه‌های ذینفع مختلفی دارند که ضرورتاً همیشه اقدامات و خواسته‌هایشان با یکدیگر هماهنگ نیست. در واقع آنها اغلب با یکدیگر به رقابت می‌پردازند [۸۴].

علاوه بر این به نظر نمی‌رسد فرهنگ خاصی وجود داشته باشد که احتمال مقاومت مدنی در آن بیشتر باشد. مقاومت مدنی در سرتاسر جهان صورت می‌گیرد و کارزارهای بدون خشونت به همان اندازه در آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه ظهور می‌کنند که در اروپا و آمریکای لاتین. [۸۵] آفریقا ظاهراً منطقه‌ایست که مقاومت مدنی در آن به نحوی ویژه مؤثر بوده است، شاید به این دلیل که اکثر کشورهای آفریقایی میزان نسبتاً بالایی از جمعیت جوان را در خود جای داده‌اند [۸۶].

در آخر اینکه مقاومت مدنی لزوماً تنها از ارزش‌های لیبرالی غربی یا اعتقادات «یهودی-مسیحی» نیز رشد نمی‌کند. گاندی از ایمان هندوی خود الهام گرفت. دالای لاما در بیان حمایت خود از مقاومت غیرخشونت‌آمیز، آموزه‌های بودایی را مورد استناد قرار می‌دهد. آموزه‌های اسلامی در مورد صلح و عدالت جنبش‌های بدون خشونت بسیاری را در جهان اسلام به حرکت درآورده است. [۸۷] تمامی ادیان برجسته جهان در بردارندهٔ متون و اعمالی هستند که توجیحات کافی برای مقاومت مدنی ارائه می‌دهند و همچنین شامل برخی از پیروان مذهبی هستند که این توجیحات

را به کار بسته اند. در واقع هر دین بزرگ جهانی بذره‌های مقاومت مدنی (یا به طور کلی تر خشونت پرهیزی) را در متون مقدّس خود دارد [۸۸].

### چرا کارزارهای بدون خشونت گاهی اوقات با شکست مواجه می شوند؟

چهار ویژگی یک جنبش موفق را که بیشتر مورد بحث قرار دادیم به یاد بیاورید: مشارکت در مقیاس بزرگ، تغییر وفاداری، نوآوری تاکتیکی و انعطاف پذیری در برابر سرکوب.

حالا آن‌ها را بردارید و معکوس کنید. کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز معمولاً به این دلیل شکست می‌خورند که گروه نسبتاً کوچکی از حامیان را در پشت سر دارند که از نظر جمعیتی یکدست و بدون تنوع هستند، آنها نمی‌توانند حامیان دشمن را ترغیب به تمرد و رویگردانی کنند، هرگز از یک تاکتیک مشخص که بتواند به طور جدی در کار رژیم اختلال ایجاد کند فراتر نمی‌روند و در آخر اینکه در برابر سرکوب فرو می‌پاشند. [۸۹]

در این میان، شایع‌ترین دلیل شکست جنبش‌ها احتمالاً مورد دوم است: آنها نمی‌توانند گروه‌های کلیدی حامی و پشتیبان دشمن را به سمت رویگردانی از آن و تقاضای تغییر سوق دهند. که معمولاً هم به این دلیل است که حامیان رژیم هرگز ایمان خود را به توانایی آن برای مقاومت و سرکوب از دست نمی‌دهند، یا نمی‌توانند شکوفایی و رونق را در جامعه‌ای که جنبش سعی در ایجاد آن دارد تصوّر کنند. به عنوان مثال در جریان قیام توده‌ای در سوریه، گروه‌های کلیدی - مانند علوی‌ها، سنی‌های طبقه متوسط، مسیحیان و کردها - به دیکتاتور بشار اسد وفادار ماندند که تا حدی به دلیل ترسشان از گروه‌های افراطی اسلام‌گرایی بود که شروع به نفوذ در صفوف مقاومت کرده بودند و مبارزات سوری‌ها را به یک درگیری خشونت‌آمیز سوق داده بودند. [۹۰]

حامیان یک رژیم ممکن است به دلیل حمایت متحدان قدرتمند بین‌المللی رژیم از آن نیز به

رژیم وفادار بمانند. در سوریه، اسد از حمایت نظامی و دیپلماتیک ایران، روسیه و حزب‌الله بهره می‌برد و مداخلات آنها در حمایت از وی باعث بقای رژیمش شد. حمایت مستمر ایالات متحده از رژیم‌های سرکوبگر در مصر، بحرین و عربستان سعودی نیز مطمئناً به این رژیم‌ها کمک می‌کند تا حمایت حامیان خود در حوزه‌های تحت نفوذ کلیدی را حفظ کنند.

### آیا مقاومت مدنی در برابر اهداف شرکتی نیز موفق بوده است؟

بله، بارها. کارزارهای مقاومت مدنی با استفاده از اقدامات سازمان‌یافته کارگران و مصرف‌کنندگان، از جمله اعتصاب، بایکوت محصولات و مصرف‌کنندگان، کمپین‌های تحقیر و شرم‌نامه‌سازی عمومی<sup>۱</sup>، تحصن، تظاهرات، خوابیدن بر زمین<sup>۲</sup> و بسیاری از تکنیک‌های دیگر، پیروزی‌های بی‌شماری به دست آورده‌اند. شرکت‌ها نیز همانند دولت‌ها به گروه‌های متعددی وابسته هستند که می‌توان آنها را تحت فشار قرار داد تا به تمرّد و کناره‌گیری ترغیب شوند؛ از جمله آنها می‌توان به کارگران، مصرف‌کنندگان، پیمانکاران، توزیع‌کنندگان، عوامل حمل‌ونقل، سرمایه‌گذاران، ناظران دولتی و غیره اشاره کرد.

---

<sup>۱</sup> public shaming . تحقیر عمومی یا شرم‌نامه‌سازی در ملاء عام نوعی تشبیه است که ویژگی اصلی آن بی‌حرمتی یا رسوا ساختن یک فرد، معمولاً مجرم یا زندانی، به ویژه در مکانی عمومی است -م.

<sup>۲</sup> die-in . خوابیدن بر زمین یا کف خوابی نوعی اعتراض است که در آن شرکت‌کنندگان خود را شبیه مرده‌ها بر روی زمین پهن می‌کنند . این اقدام توسط گروه‌های اعتراضی مختلف مانند گروه‌های حامی حقوق حیوانات، ضد جنگ، حقوق بشر، ایدز، کنترل اسلحه، نژادپرستی و مسائل زیست محیطی استفاده شده است. در این شیوه غالباً معترضان پیش از اینکه توسط پلیس مجبور به ترک منطقه یا مکان خاصی شوند، برای مدت کوتاهی آنرا به اشغال خود درمی‌آورند -م.

یکی از مبارزات مدنی موفق و شناخته شده علیه اهداف شرکتی در ایالات متحده، جنبش کارگران کشاورز کالیفرنیا در سال های ۱۹۶۵-۱۹۷۰ بود که توسط سزار چاوز و دولورس هوئرتا رهبری می شد. کشاورزان بر مالکان تاکستان های انگور و ذینفعان این صنعت فشار آوردند تا دستمزدهای آنها را افزایش دهند، مزایای خاصی به آنها ارائه کنند و مانع از قرار گرفتن کارگران در معرض آفت کش ها شوند. این جنبش در طول فعالیت خود از تاکتیک های گوناگونی استفاده کرد و توقف های کاری و اعتصاب هایی را با مشارکت صدها هزار کارگر در سراسر کشور ترتیب داد. جنبش کارگران کشاورز همچنین بایکوتی گسترده را علیه انگور بعلاوه یک کمپین اطلاع رسانی عمومی علیه صنعت انگور را سازماندهی کرد که شامل ایستادن بیرون از خواربارفروشی ها و درخواست از مردم برای نخریدن انگور و تشویق فروشگاه ها به عدم فروش انگور میشد. با افزایش پیامدهای مالی ناشی از این اقدامات، صاحبان تاکستان ها از دولت ایالات متحده درخواست حمایت کردند. دولت نیکسون یارانه ویژه ای را برای مزارع انگور تصویب کرد که شامل خرید مقادیر زیادی انگور برای ارسال به نیروهای آمریکایی مستقر در خارج از کشور بود. با این حال زمانی که کامیون داران و کارگران بندرگاه، در همراهی با اعتصاب کارگران مزارع از ارسال انگور به توزیع کنندگان خودداری کردند، جنبش به پیروزی بزرگی دست یافت. با فرا رسیدن ۱۹۷۰ صاحبان انگور مجبور شدند در برابر خواسته های کارگران مزارع تسلیم شوند.

البته از دهه ۱۹۷۰ به این سو قدرت اتحادیه ها و سندیکا های کارگری در ایالات متحده کاهش یافته است. اداره آمار کار ایالات متحده نشان می دهد که تعداد اعضای

---

<sup>۱</sup> . Dolores Huerta

<sup>۲</sup> . US Bureau of Labor Statistics

اتحادیه‌های کارگری بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۱۶ به نصف کاهش یافته است، طوری که در حال حاضر تنها کمتر از ۱۱ درصد از کارگران آمریکایی به یک اتحادیه کارگری تعلق دارند. ایالت‌هایی مانند ویسکانسین قوانینی را به تصویب رسانده‌اند که قدرت چانه‌زنی جمعی کارگران را کاهش داده است. با این وجود جنبش‌ها باز هم توانسته‌اند برای بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان شرکت‌های آمریکایی، نیروهای خود را بسیج کرده و فعالان و کنشگران نیز بیش از پیش به مقابله مستقیم با شرکت‌ها می‌پردازند.

کارزارهای مقاومت مدنی در وارد آوردن فشار به شرکت‌ها در این موارد مؤثر بوده‌اند: اعمال فشار بر شرکت نستله تا استانداردهای بازاریابی اخلاقی را در تولید شیر خشک کودک رعایت کند، در کارزاری که از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۴ اجرا شد و البته هنوز هم به شیوه‌های مختلفی ادامه دارد.

فشار بر دانشگاه براون در سال ۲۰۱۰ تا با شرکت هتل و اقامتگاه اچ‌ای‌آی<sup>۱</sup> (که مدیریت هتل‌های هیلتون، هیات و وستین<sup>۲</sup> را برعهده دارد) به دلیل رویه‌های ناعادلانه‌اش در محل کار برای کارکنان هتل و سرایداری، از جمله تلاش برای جلوگیری از سازماندهی جمعی کارکنان، قطع همکاری کند.

فشار بر شرکت‌های استارکیست، بامبل‌بی و مرغ دریا<sup>۳</sup> تا شیوه‌های ماهیگیری تأمین‌کنندگان خود را تغییر دهند با این هدف که زمانی که کشتی‌ها به دنبال صید ماهی تن هستند، دلفین‌ها کشته نشوند.

فشار بر شرکت ماریوت<sup>۴</sup> و سایر شرکت‌ها برای بهبود شرایط کارگران.

---

<sup>۱</sup> . HEI Hotels & Resorts

<sup>۲</sup> . Hilton, Hyatt, and Westin

<sup>۳</sup> . Starkist, BumbleBee, and Chicken of the Sea

<sup>۴</sup> . Marriott . کمپانی هتل و پذیرایی بین‌المللی که دفتر مرکزیش در مریلند آمریکا قرار دارد-م.

فشار بر بانک پی‌ان‌سی<sup>۱</sup> تا به تأمین مالی پروژه‌های استخراج زغال سنگ از ارتفاعات پایان دهد.

کارگران و مصرف‌کنندگان در سراسر جهان رفتار شرکت‌ها را در بسیاری از زمینه‌های دیگر نیز تغییر داده‌اند. در مطالعه‌ای که به ارزیابی کارزارهای مخالف نقض حقوق بشر از سوی شرکت‌ها در تایلند، برزیل، مکزیک و اندونزی انجام گرفته است، روشن شده است که کمپین‌های مقاومت مدنی توانسته‌اند امتیازات قابل توجهی را از شرکت‌ها در هر چهار کشور یاد شده به دست آورند. [۹۱] این جنبش‌ها به دلایلی بسیار شبیه به دلایلی که به پیروزی جنبش‌ها در برابر دولت‌ها انجامیده است، به موفقیت رسیده‌اند. آنها هنگامی که موفق شده‌اند اقداماتی مستمر با مشارکت گسترده مردمی را سازماندهی کنند، قادر شده‌اند حامیان مخالفان خود را وادار به رویگردانی کرده و به امتیازاتی دست پیدا کنند.

البته قطعاً برخی از کمپین‌های مقاومت مدنی علیه اهداف شرکتی نیز شکست می‌خورند. اما با این وجود این مبارزات بیش از آنچه فکر می‌کنید مؤثر هستند.

## آیا مقاومت مدنی در برابر نظام‌های ظالم و سرکوبگر دیرپا، مانند نژادپرستی موفق بوده است؟

مقاومت مدنی در برابر نظام‌های ظلم‌و‌ستم دیرپا، موفقیت‌هایی را در کنار چندین شکست تجربه کرده است. از جمله این موفقیت‌ها، پایان بخشیدن به برده‌داری تملیکی آفریقایی‌ها و اخلافتان بود. این نظام برای قرن‌ها برقرار بود و میلیون‌ها نفر آن را امری معمول و طبیعی می‌پنداشتند تا اینکه در نهایت از سوی جنبش لغو بردگی جهانی و چنددهه‌ای که کاملاً بر روش‌های مقاومت مدنی به منظور ایجاد ائتلاف‌های داخلی

---

<sup>۱</sup> . PNC Bank

و جهانی برای نابودی این نهاد دیرپا مٲکی بود، پایان یافت. بریتانیای کبیر در پاسخ به قیام‌های مسلحانه و غیرمسلحانه برده‌ها، نظام برده‌داری خود را لغو کرد. در ایالات متحده نیز الغای برده داری در سال ۱۸۶۵ و به دنبال یک جنگ داخلی چهارساله بین ایالات شمالی و جنوبی صورت پذیرفت. در این میان مهم‌تر از همه این بود که آزادسازی بردگان به دنبال چندین دهه سازماندهی و مقاومت از سوی حامیان لغو برده‌داری حاصل شده بود. در طول دهه‌های ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ حامیان سیاه‌پوست الغای برده‌داری مؤسسات و نهادهای جایگزین متعددی را ایجاد کردند- نظیر راه‌آهن زیرزمینی، کمک‌های مشترک و برنامه‌های پرداخت غرامت برای برده‌شده‌گان سابق- و در کنار آن به ارائه سخنرانی‌ها و آموزش‌های مختلف پرداختند، شکایت‌ها و دادخواست‌هایی برای آزادی برده‌گان تنظیم کردند و اشکال مختلف اقدامات اعتراضی و عدم همکاری اقتصادی را به کار بستند تا از این طریق به آزادسازی بردگان کمک کنند.

علی‌رغم تمام اینها نژادپرستی سیستماتیک همچنان دوام آورده‌است. در ایالات متحده نسخه‌های متعدّد کمپین‌های مقاومت مدنی ضد نژادپرستی، از جمله جنبش حقوق مدنی ایالات متحده، جان سیاهان مهم است، و جنبش برای زندگی سیاه‌پوستان<sup>۱</sup>، کوشیده‌اند مظاهر پایدار و باداوم برتری طلبی سفید را به چالش بکشند. این کارزارها آمریکایی‌ها را درمورد تداوم نژادپرستی سیستماتیک، قوانین تغییر یافته، و شیوه‌های بروزشده پلیسی در بسیاری از شهرها آگاه کرده‌اند. اگرچه نژادپرستی هنوز در ایالات متحده از بین نرفته است، اما این جنبش‌ها اشکال مختلف آن را بیش از همیشه در معرض دید گستردهٔ عموم قرار داده‌اند. در نتیجه، کارزارهای مقاومت ضد نژادپرستی حمایت و تأیید گروه‌ها، نهادها و احزاب سیاسی مترقی را بدست آورده و به آنها فشار

---

<sup>۱</sup> . Movement for Black Lives.



آورده‌اند تا با برتری طلبی سفید مقابله کرده و عدالت نژادی مترقی را به عنوان اولویت‌های اصلی خود در نظر بگیرند[۹۲].

و این تنها نمونه‌ای از کمپین‌های تحوّل‌آفرین در سطح جهان است. از زمان جنگ جهانی دوم به این سو، جنبش‌های مقاومت توانسته‌اند باموفقیت بر قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر فشار آورده تا با تبعیض و خشونت دولتی علیه شهروندان به دلیل نژاد، قومیت و اقلیت‌بودگی مقابله کرده و آنرا جرم‌انگاری کنند. سازمان‌دهی و مقاومت در مقیاس وسیع سایر شیوه‌های فرهنگی خشونت‌آمیز را که پیشتر در سرتاسر جهان رایج بود، نظیر دوئل‌ها، دشمنی‌های خونی و خانوادگی و ختنه زنان را تضعیف کرده است. جنبش‌های طرفدار صلح از محبوبیت جنگ در نظر مردم نسبت به قرون گذشته بیش‌ازپیش کاسته‌اند. اگرچه جنگ‌ها هنوز از بین نرفته‌اند اما رهبران ملّی دیگر نمی‌توانند بدون مقاومت و واکنش سیاسی قابل توجهی [از سوی شهروندان خود و جهانیان] در فتوحات و پروژه‌های امپریالیستی و قیحانه شرکت کنند. زنان نیز از انقیاد آشکار و انسانیت‌زدایی که قرن‌ها در بسیاری از نقاط جهان متحمّل می‌شدند، رهایی یافته‌اند. بیش از یک قرن فعالیت‌های فمینیستی در سراسر جهان، جنسیت‌گرایی و زن ستیزی را به چالش کشیده است. از جنبش حق رأی گرفته تا آزادی زنان، از مبارزه علیه ازدواج کودکان تا حق زنان برای رانندگی در عربستان سعودی، کمپین‌های مقاومت مدنی توانایی دولت‌ها را برای توجیه سرکوب زنان بیش از پیش تضعیف کرده‌اند - حتی در جوامع بسیار سنتی.

علاوه بر این جنبش آزادی‌بخش دگرباشان جنسی<sup>۱</sup> برای دهه‌ها با آمدن به خیابانها و مطالبه حقوق برابر برای اقلیت‌های جنسی و جنسیتی، شیوه‌های استخدام، تأمین مسکن، پلیسی‌گری و بهداشت عمومی تبعیض‌آمیز موجود در جامعه را به چالش کشیده‌اند. نسل‌های جوان نسل‌های جوان در بسیاری از کشورها به طور فزاینده‌ای به حمایت از حقوق برابر جنسیتی و اقلیت‌های جنسی روی آورده‌اند، که تا اندازه‌ی زیادی دلیل آن چندین دهه سازماندهی و مقاومت مؤثری است که بسیاری از افراد را نسبت به انسانیت مشترک و اهمیت آن آگاه کرده است.

کارزارهای مقاومت مدنی به شیوه‌ای مؤثر سایر نظام‌های تثبیت‌شده و ریشه‌دار ظلم و ستم را نیز به مبارزه طلبیده و فساد را در بسیاری از زمینه‌های به چالش کشیده‌اند که البته در مناطقی نظیر کنیا، ترکیه و سیسیل ایتالیا به پیروزی‌های محلی نیز دست

---

<sup>۱</sup> LGBTQ+ . یا جامعه دگرباشان جنسی یا جامعه رنگین‌کمانی عبارتی است که از سوی عموم مردم برای اشاره به تمام گروه‌های موجود در «LGBTQQIAA» استفاده می‌شود که عبارتند از Lesbian یا همجنسگرای زن، Gay یا همجنسگرای مرد، Bisexual یا دوجنس‌گرا؛ دارای کشش جنسی به همجنس خود و جنس مقابل، Transgender یا تراجنسیتی؛ فردی که هویت جنسیتی‌اش با جنس زیست‌شناختی و نقش‌های جنسیتی که فرهنگ آن را تعیین می‌کند، متفاوت است، Transsexual یا تراجنسی؛ گونه‌ای تراجنسیتی که تنها به صورت ذهنی و احساسی خود را متعلق به جنس مخالف می‌داند و بین هویت جنسی و جنسیتی وی تضاد وجود دارد. Two-Spirit یا دو روحی یا دوگراشی؛ شخصی که هم دارای روحیه مردانه و هم زنانه است Queer . یا کوئیر؛ فردی که دارای هرگونه گرایش جنسی همجنسگرا، دگرجنسگرا و... باشد، Questioning یا بلا تکلیفان جنسی؛ افرادی که هنوز در مورد گرایش جنسی خود مطمئن نبوده یا نگران برچسب جنسی اجتماعی خود هستند. intersex یا بیناجنسی یا دوجنسه؛ یا افرادی که با الگوهای کروموزومی، غدد جنسی یا اندام تناسلی به دنیا می‌آیند که با مفاهیم دوتایی معمولی بدن مرد یا زن مطابقت ندارند، Asexual یا غیرجنسی؛ فردی که کشش جنسی به سمت دیگران ندارد یا علاقه بسیار اندکی به فعالیت جنسی دارد و در آخر Ally یا متحد یا متحد دگرجنس‌گرا؛ فردی دگرجنس‌گرا یا همسوجنسیتی که از حقوق مدنی برابر، برابری جنسیتی و جنبش‌های اجتماعی جامعه دگرباشان حمایت کرده و آنچه را که به عنوان همجنس‌گرا هراسی، دوجنس‌هراسی، و ترنس‌هراسی می‌دانند، محکوم می‌کند-م.

یافته اند. [۹۳] حتی افراط‌گری‌های سرمایه‌داری افسارگسیخته و روند فزاینده جهانی شدن نیز با مقاومت قابل توجهی روبرو شده است. پس از دهه‌ها بسیج اجتماعی و مقاومت عمومی در جهان جنوب<sup>۱</sup>، اعتراضات توده‌ای موفق شدند که جلسات سازمان تجارت جهانی (WTO) را در سیاتل در ۱۹۹۹ مختل کنند. این مجموعه اعتراضات بیانگر ناخشنودی‌هایی پیرامون این موضوع بود که نابرابری جهانی چگونه منجر به ثروتمندتر کردن عده‌ای معدود و فقر و آسیب میلیون‌ها کارگر دیگر در سراسر جهان شده است. دوازده سال بعد، جنبش اشغال وال استریت نابرابری فزاینده جهانی را [مجدداً] در کانون توجه خود قرار داد؛ جهانی که تعدادی انگشت‌شماری، اکثریت عظیمی از ثروت آنرا در اختیار خود داشته و انبوهی از دیگران در حال نزاع برای بقا هستند. جنبش‌های مدنی در اروپا، آمریکای لاتین و آسیا در برابر اثرات مخرب سیاست‌های ریاضت اقتصادی مقاومت کرده‌اند؛ سیاست‌هایی که بودجه برنامه‌های عمومی مانند کمک‌های غذایی، حمل‌ونقل عمومی، مراقبت‌های بهداشتی، درآمد پایه و آموزش را کاهش داده و در نتیجه ثروتمندان را ثروتمندتر و فقرا را فقیرتر کرده‌اند. و در آخر انفعال جهانی در مورد تغییرات آب‌وهوایی نیز منجر به انفجار کارزارهای مقاومت مدنی شده است. گروه‌هایی نظیر صلح سبز، جنبش طلوع خورشید، جمعه‌ها برای آینده<sup>۲</sup> و شورش علیه انقراض ظهور کرده‌اند و خواهان اقدام فوری و سیستماتیک برای تغییر رویه‌های اقتصادی و اجتماعی شده‌اند که زندگی روی زمین را تهدید می‌کنند.

<sup>۱</sup> global south . واژه‌ای که امروز به جای جهان سوم به کار می‌رود و به معنای کشورهای کمتر توسعه یافته ایست که اکثراً در نیمکره جنوبی قرار دارند - م .

<sup>۲</sup> Fridays for Future . جنبشی که گرتا تونبرگ فعال سوئدی در مخالفت با انفعال رهبران جهانی برای اولین بار در سوئد و با همراهی دانش‌آموزان سوئدی براه انداخت و سپس در سراسر جهان گسترش یافت - م .

یکی از دشوارترین چالش‌ها در سرنگونی یک نظام ظالمانه - جایی که منابع، قدرت و رویه‌ها ریشه دوانده و مردم سیستم را بدیهی تصور می‌کنند - تصور جایگزین‌هایی واقع‌بینانه و سازنده است که مردم آن را به عنوان وضعیتی بهتر از آنچه موجود است بپذیرند. به عنوان مثال، انکار تغییرات اقلیمی مانعی مخرب در برابر تلاش‌ها در راستای مبارزه با تغییرات اقلیمی ست. بسیاری معتقدند - یا طوری رفتار می‌کنند که گویی معتقدند - که اقتصاد مبتنی بر سوخت‌های فسیلی همین طور که هست خوب است؛ یا اینکه رفتار انسان‌ها عامل گرم شدن آب و هوای زمین نیست، و اینکه هیچ چیز نمی‌تواند روند تغییرات اقلیمی را را کند یا معکوس کند، یا اینکه تغییر به سمت انرژی‌های سبز از نظر اقتصادی بسیار پرهزینه خواهد بود. گروه‌های ذینفع قدرتمندی که از استخراج، فروش، توزیع و استفاده از سوخت‌های فسیلی و سایر صنایع منتشرکننده کربن سود می‌برند، کارزارهای خود را برای تقویت و حُقنه این باورها به مردم سرتاسر جهان به اجرا می‌گذارند. این گروه‌ها و منافع قدرتمند وابسته به آنها می‌کوشند روند پیشرفت جهانی در جهت ایجاد جایگزین‌های کارآمد و دست‌یافتنی را سد کنند و این ایده را که به نیاز این جایگزین‌ها وجود دارد به سخره بگیرند و یا تلاش‌ها در این راستا را اساساً بی‌فایده بدانند.

اما تغییرات آب‌وهوایی تنها یک نمونه است. بسیاری از جنبش‌ها کمک به دیگران در تصور و ایجاد جایگزین‌هایی برای نظام‌های موجود را به‌ویژه جایگزین‌هایی که برای ائتلافی گسترده و مردمی جذاب باشد، بسیار دشوار می‌یابند. و زمانی که نظام موجود پیچیده و خودتقویت‌کننده باشد این مشکل دشوارتر هم می‌شود. همانطور که اسلاوی ژیتک، فیلسوف اسلونیایی به طور ویژه در مورد نظام اقتصاد جهانی گفته است: «تصور پایان جهان آسان‌تر از پایان سرمایه داری ست [۹۴]».

به منظور رویارویی با یک نظام سرکوبگر لازم است بدیل‌هایی ارائه شوند که برای ائتلافی به اندازه کافی گسترده، جذاب و گیرا باشد و از این طریق بتواند بر حریف غلبه کرده و آن را شکست دهند. دقیقاً از همین روست که جنبش طلوع خورشید که از نیودیل سبز<sup>۱</sup> حمایت می‌کند، اصلاحات عمده اقتصادی، سرمایه‌گذاری مجدد از سوخت‌های فسیلی به منابع انرژی سبز و ارائه طیف وسیعی از تدابیر حمایتی برای کسانی که ممکن است شغل، حرفه یا ثروت خود را به دلیل این تغییرات از دست بدهند، پیشنهاد کرده است. نظام‌های ظالم و سرکوبگر غالباً به طرز چشمگیری پایدار، بادوام و به سختی قابل تغییر هستند. اما در گذشته زمانی که مردم این قبیل نظام‌ها را به چالش کشیده و آنها را سرنگون می‌کرده‌اند، جنبش‌های مقاومت آنها معمولاً چندین نسل برای مقابله و برچیدن این سیستم‌ها و جایگزینی آنها با واقعیتی تازه تصوّر شده فعالیت می‌کرده‌اند.

### آیا مقاومت مدنی در جوامع عمیقاً چندپاره می‌تواند کارساز باشد؟

بسیاری از جوامع در سرتاسر جهان عمیقاً بین دو اردوگاه سیاسی بسیار متفاوت تقسیم شده‌اند که به شدت با یکدیگر در تقابل هستند. در یک نظرسنجی ملی در سال ۲۰۱۸، ۷۰ درصد آمریکایی‌ها گزارش دادند که کشورشان دست‌کم از جنبه سیاسی به

---

<sup>۱</sup> Green New Deal . طرح‌های گرین نیو دیل (GND) خواستار سیاست‌گذاری عمومی برای رسیدگی به تغییرات اقلیمی همراه با دستیابی به سایر اهداف اجتماعی مانند ایجاد اشتغال و کاهش نابرابری‌های اقتصادی است. این نام به نیودیل اشاره دارد؛ مجموعه‌ای از اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و برنامه‌های ایجاد اشتغال عمومی که توسط فرانکلین دی. روزولت در واکنش به رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ صورت گرفت. گرین نیو دیل در واقع رویکرد اقتصادی روزولت را با ایده‌های جدیدی نظیر انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری منابع ترکیب می‌کند-

اندازه جنگ این کشور در ویتنام، زمانی که توده‌های مردم در اعتراض به سیاست‌های آمریکا در جنگ به خیابان‌ها می‌آمدند، دویاره شده است [۹۵].

اما این شکاف اجتماعی لزوماً یک مانع محسوب نمی‌شود. بسیاری از جنبش‌های توده‌ای در جوامعی که عمیقاً دچار شکاف بوده‌اند به موفقیت رسیده‌اند. در این قبیل جوامع شهروندان علیه حکومت استبدادی که بسیاری از نهادها را در کنترل خود داشته است، قیام کرده‌اند و یا موفق شده‌اند قدرت‌های امپریالیستی و استعماری را در محیط‌هایی عمیقاً نژادپرستانه و نابرابر بیرون برانند.

با این حال غلبه بر شکاف‌های عمیق اجتماعی و سیاسی برای جنبش‌ها کار دشواری است و این زمینه‌ها اغلب استراتژی‌های جنبش‌ها پیرامون چگونگی ایجاد تغییر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای مثال یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت کمپین‌های مقاومت مدنی توانایی جذب طیف وسیعی از حامیان است. چس توربر<sup>۱</sup>، دانشمند علوم سیاسی، دریافته است که برخی از گروه‌ها زمانی که دریافتند نفرت قومی یا نژادی علیه آنها به قدری شدید است که گسترش حمایت مردمی یا جلب نیروهای امنیتی عملاً غیرممکن است، ترجیح دادند به کلی از مقاومت غیرخشونت‌آمیز اجتناب کرده و در عوض سلاح به دست بگیرند. [۹۶] درست، اما ایجاد درگیری‌های خشونت‌آمیز تنها این شکاف‌ها را عمیق‌تر می‌کند.

قطبی شدن عمیق یک کشور می‌تواند منجر به قیام‌های مردمی شود که طی آنها قدرت برای چندین سال بین دو گروه رقیب دست به دست شده و با پیروزی یک طرف، طرف دیگر مجدداً خود را برای مقابله آماده می‌کند. مصر دو تحوّل مردمی را در پی یکدیگر تجربه کرد: یکی سرنگونی دیکتاتور قدیمی این کشور حسنی مبارک، و چندین

---

<sup>۱</sup> . Ches Thurber

سال بعد، سرنگونی جانشین او، نامزد تازه انتخاب شدهٔ اخوان المسلمین، محمد مرسی. پس از آن اخوان المسلمین برای مدتی کوتاه علیه عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور جانشین مرسی دست به قیام زد که با قتل عام نزدیک به هزار نفر از فعالان اخوان المسلمین در رابعه توسط ارتش مصر، این قیام به پایان رسید. به همین ترتیب بولیوی نیز در طول دههٔ ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ و نیز دههٔ کنونی بین دو قطب جامعه با قیام‌های مردمی در تقابل بود. در تایلند نیز در سال ۱۹۹۲ قیامی بدون خشونت دیکتاتوری نظامی این کشور را سرنگون کرد، اما پس از آن حدود شش قیام مردمی در این کشور اتفاق افتاد و دولت‌های را با مشکل مواجه کرد تا اینکه ارتش دوباره در سال ۲۰۱۵ قدرت را در دست گرفت.

شکاف‌های شدید سیاسی در دوره‌های تحولات اقتصادی مانند رکود بزرگ ۱۹۲۹ و نیز در طول سال‌های منتهی به بحران بزرگ اقتصادی سال ۲۰۰۸ تشدید می‌شوند. جورج لیکي،<sup>۱</sup> از سازمان دهندگان و فعالان با سابقهٔ جنبش‌های مدنی استدلال می‌کند که ما می‌توانیم از نمونه‌های تاریخی متفاوت، راه‌های مختلفی را که جوامع می‌توانند از ورطهٔ قطبی‌سازی عمیق سیاسی خارج شوند، فرابگیریم. در سوئد و نروژ «جنبش‌های سوسیالیستی دموکراتیک نخبگان اقتصادی خود را از جایگاه قدرتمندی که داشته‌اند پایین کشیده و مدل اقتصادی برابری طلبانهٔ اسکاندیناویایی را ابداع کرده‌اند» که به نوبهٔ خود «سطوح تاریخی جدیدی از برابری، آزادی فردی و فراوانی عمومی را به ارمغان آورده است [۹۷]».

این مهم چگونه اتفاق افتاد؟ او استدلال می‌کند که فعالان نوردیک ابتدا شروع به ساخت جامعهٔ جدید خود از پایه و اساس کردند. آنها این کار را با ایجاد تعاونی‌ها و

<sup>۱</sup> . George Lakey

گروه‌های فرهنگی انجام دادند که به رفع نیازهای مبرم و ضروری مردم کمک می‌رساندند. آنها سپس از پایگاه اجتماعی و سیاسی مردمی خود برای جلب نظر صاحبان مشاغل و نخبگان اقتصادی استفاده کرده و یک دیدگاه سوسیالیستی دموکراتیک را پیش بردند که در عین احترام به خواسته‌های شهروندان مبنی بر رفتار عادلانه، مشکلات اجتماعی مبرم و ضروری آنها را حل و فصل می‌کرد. برای مثال آنها به جای ارائه خدماتی که تنها به افراد فقیر کمک می‌رساند، وعده ارائه خدمات اساسی همگانی از جمله مراقبت‌های بهداشتی و درآمد پایه تضمین شده را به عموم شهروندان دادند. و سرانجام آنها جنبش جنبش‌ها، یا ائتلافی گسترده را ایجاد کردند که این امکان را می‌داد تا نخبگان ثروتمند را - که بر سیاستمداران منتخب کنترل داشتند - از طریق مجموعه‌ای از اقدامات موفق بدون خشونت مانند اعتراضات، اعتصاب‌ها، راهپیمایی‌ها و ورودی‌بندی‌ها<sup>۱</sup> به چالش بکشند. [۹۸] در سال ۱۹۳۵ نروژ به توافقی تاریخی دست یافت و موفق شد انحصار نخبگان اقتصادی بر قدرت را از بین برده و قدرت را به ائتلافی از کارگران و کشاورزان منتقل کند که هدفشان گسترش مالکیت عمومی بر وسایل تولید این کشور بود. همانطور که پیشتر در این فصل نیز ذکر کردم، در دهه پس از آن، نروژ از طریق مجموعه‌ای از اعتصابات معلمان و فعالیت‌های همبستگی، اشغال کشور توسط نازی‌ها را پشت سر گذاشت که این امر نشان‌دهنده وحدت و ظرفیت جامعه برای مقاومت متحد و مؤثر است.

بنابراین مقاومت مدنی در جوامع عمیقاً دوقطبی نیز می‌تواند مؤثر واقع شود. با اینحال در صورتی که خرده فرهنگ‌های رقیب جامعه از شکاف‌های اجتماعی و

---

<sup>۱</sup> picket . شکلی از اعتراض که در آن شخص یا گروهی از افراد در خارج از محل کار یا محلی دیگر (که معمولاً اتفاقی مهم در آن در جریان است) می‌ایستند، به چیزی اعتراض می‌کنند یا سعی می‌کنند دیگران را متقاعد کنند که در طول اعتصاب وارد این محل نشوند - م.



فرهنگی گذر نکرده باشند و به یکدیگر بی اعتماد بوده و دیدگاهی تحقیرآمیز به یکدیگر داشته باشند، برنامه ریزی دقیق و صبورانه [برای مبارزات مدنی] امری ضروری خواهد بود- خواه این گروه ها و خرده فرهنگ ها دموکرات ها و جمهوری خواهان در ایالات متحده باشند و خواه سکولارها و اسلام گرایان در مصر .

## مقاومت مدنی چگونه گسترش می یابد؟ چه چیزی به گسترش آن کمک می کند یا مانع آن می شود؟

مقاومت مدنی غالباً مایل است که هم در داخل کشور و هم فراسوی مرزها گسترش یابد. کمپین های مقاومت مدنی غالباً به اعتراضات و جنبش های مقاومت پیشین در کشور خود نگاه می کنند، از آنها می آموزند و بر مبنای آنها گسترش می یابند. برای مثال زمانی که دانش آموزان آمریکایی دبیرستان پارکلند<sup>۱</sup> در مارس ۲۰۱۸ راهپیمایی ها و اعتصابات جمعی را در اعتراض به خشونت های مسلحانه در آمریکا ترتیب دادند، از قرار معلوم از جنبش هایی نظیر جان سیاهان مهم است، راهپیمایی زنان و اعتراضات علیه پروژه خط لوله کیستون ایکس ال در استندینگ راک سیو الگو گرفته بودند. علاوه بر این معترضان در یک کشور اغلب می کوشند از موفقیت های کشورهای مجاور کپی برداری کنند. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۱ معترضان در مصر از فعالان تونس الهام گرفتند و نسخه مصری انقلاب کرامت تونس را براه انداختند. محققین به این پدیده «انتشار یا اشاعه»<sup>۲</sup> می گویند [۹۹].

اما زمانیکه فعالان در یک کشور- صرف نظر از اینکه چقدر از نظر قومی یا مذهبی به کشورهای همسایه نزدیک هستند- اینگونه پندارند که می توانند تلاش های همسایگان

---

<sup>۱</sup> . Parkland High School

<sup>۲</sup> . diffusion

خود را عیناً تکرار کنند، غالباً با شکست مواجه می‌شوند. برای توضیح علت آن، دانشمند علوم سیاسی، کِرت ویلند<sup>۱</sup> به موج جهانی انقلاب‌های عمدتاً خشونت‌آمیز در سال ۱۸۴۸ اشاره می‌کند. در فرانسه انقلابیون نظام سلطنتی را سرنگون کردند و جمهوری فرانسه را تأسیس کردند. انقلابیون در بسیاری از کشورهای دیگر نیز با الهام از انقلاب فرانسه، استراتژی مشابهی را پیاده کردند— اما از سوی پادشاهانی که که آمادگی بیشتر و منابع بهتری داشتند و دشمنانی کاملاً متفاوت بودند، با مانع مواجه شدند. [۱۰۰] این حاکمان با مشاهده آنچه در فرانسه اتفاق افتاده بود می‌توانستند حرکت‌های انقلابیون را از قبل پیش‌بینی کرده و به سرکوب قیام‌ها و ایجاد تفرقه بین طرفداران آنها اقدام کنند. احتمالاً اتفاقی مشابه در دهه گذشته در خاورمیانه نیز اتفاق افتاده باشد، به ویژه برای کشورهایی که جمعیت آنها در ادامه بهار عربی قیام کردند. [۱۰۱] برای مثال بشار اسد، حاکم سوریه که هموطنانش در مارس ۲۰۱۱ علیه وی بسیج شده بودند، از بن علی تونس که موج منطقه‌ای قیام‌ها، با قیام علیه او در دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد، آمادگی بهتری داشت. می‌توان این پدیده را جنبه منفی پدیده انتشار دانست.

## آیا حکومت یک کشور می‌تواند کارزارهای مقاومت مدنی را در کشورهای دیگر بوجود بیاورد؟

قطعاً نه. اما پیش از توضیح، اجازه دهید اذعان کنم که کشورها اغلب می‌کوشند در امور داخلی دشمنان خود مداخله کنند. ایالات متحده از کودتاهای خشونت‌آمیز برای سرنگونی رژیم‌های چپ‌گرا در کشورهایمانند کنگو، شیلی و ایران حمایت کرده یا به سازمان‌دهی آنها کمک رسانده است. این کشور تلاش کرد در کوبا و ونزوئلا نیز کودتا

---

<sup>۱</sup> . Kurt Weyland

انجام دهد اما موفق نشد. ایالات متحده همچنین به ناآرامی‌ها در کشورهای مختلف دیگر دامن زده و از جنبش‌ها و شورش‌های دست راستی در بسیاری از کشورهای دیگر حمایت کرده است. از کنتراها<sup>۱</sup> در نیکاراگوئه گرفته تا شبه‌نظامیان مسلح وابسته به ارتش اندونزی در جریان کشتارهای دسته جمعی ضد کمونیستی ۱۹۶۵-۱۹۶۶.

ایالات متحده تنها کشوری نیست که در جادوی سیاه براندازی دستی داشته است. ایران از جنبش‌های مسلحانه در لبنان و فلسطین برای آزار دشمن اصلی خود یعنی اسرائیل حمایت می‌کرده است. پاکستان چشم خود را بر روی گروه‌های جهادی که به شهرهای هند حمله می‌کرده‌اند بسته است، که از جمله می‌توان به حملات مرگباری که توسط لشکر طیبه<sup>۲</sup> در بمبئی در سال ۲۰۰۸ صورت گرفت اشاره کرد. در سال‌های اخیر روسیه با دامن زدن به اطلاعات و اخبار جعلی و دروغ پراکنی در مورد انتخابات آمریکا، انتشار اطلاعات تفرقه‌افکنانه درباره جنبش جان سیاهان مهم است و شاخ و برگ دادن به لفاظی‌های برتری طلبانه سفیدپوستان کوشیده است تا در ایالات متحده ناآرامی ایجاد کند. بنابراین قدرت‌های بزرگ غالباً این گونه شیطنت‌ها را انجام می‌دهند و تلاش‌های آنها می‌تواند تأثیرات مهمی بر گفتمان سیاسی نامطلوب، الگوهای ناآرامی اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور داشته باشد.

---

<sup>۱</sup> Contras . کنتراها به مجموعه گروه‌های شورشی مختلف دست راستی و مورد حمایت آمریکا اطلاق میشد که از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ علیه حکومت نظامی سوسیالیستی ساندینیستا موسوم به دولت بازسازی ملی در نیکاراگوئه فعال بودند. در بین گروه‌های مختلف جدایی طلب کنترا، نیروی دموکراتیک نیکاراگوئه (اف.دی. ان) بزرگ‌ترین آن‌ها بود. کنتراها در طول جنگ خود علیه دولت نیکاراگوئه، حجم زیادی از اقدامات ضد حقوق بشری را انجام داده و از روش‌های تروریستی استفاده کردند-م.

با این حال کارزارهای مقاومت مدنی - که متکی بر قدرت مردمی سازمان یافته از پایین هستند - ممکن نیست به نحو مؤثری توسط ایالات متحده یا هر کشور دیگری صادر یا وارد شوند. این واقعیت اهمیت زیادی دارد، زیرا بسیاری از رهبران اقتدارگرا با این استدلال که شهروندانی که دست به مبارزات غیرخشونت‌آمیز میزنند از سوی «فتنه‌گران خارجی» یا دولت‌های دشمن اداره [یا حمایت] می‌شوند، می‌کوشند آنها را بدنام کنند. در واقع از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۶، تنها کمتر از ۱۰ درصد از انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز از دولت‌های خارجی حمایت مادی مستقیم دریافت کرده‌اند. در میان آنهایی هم که کمک‌هایی اینچنینی را دریافت کرده‌اند، مساعدت‌ها چندان راهگشا نبوده است. [۱۰۲] چرا؟

همانطور که پیشتر بحث کردیم، کارزارهای غیرخشونت‌آمیز تنها زمانی به موفقیت می‌رسند که بتوانند جمعیت زیادی از مردم را از بخش‌های بسیار متفاوتی از جامعه دور یکدیگر جمع کنند - که این امر تنها در صورتی ممکن است که جنبش‌ها از ریشه‌ها و نارضایتی‌های اصیل محلی و بومی رشد کنند. اعتماد حقیقی از شناخت و آگاهی واقعی افراد درگیر [در جنبش] ناشی می‌شود. جنبش‌ها تنها در صورتی در سرتاسر شکاف‌ها و بخش‌های مختلف اجتماعی گسترش می‌یابند که مردم محلی اطمینان داشته باشند نگرانی‌ها و امیدهای آنها به نحوی گسترده مشترک است. مردم عادی اگر گمان کنند که تنها مهره‌ای در یک بازی ژئوپلیتیکی هستند زندگی خود را به خطر نمی‌اندازند.

اگرچه مقادیر عظیم کمک‌های مالی مستقیم به جنبش‌ها ظاهراً تابه‌حال به موفقیت کمپین‌های مقاومت مدنی کمک نکرده است، اقدامات دولت‌های خارجی می‌تواند به طریقی دیگر بر پویایی و روند درگیری‌ها تأثیرگذار باشد. دولت‌ها می‌توانند از اهرم‌های دیپلماتیک برای تحت فشار گذاشتن رژیم‌ها برای اصلاح خود استفاده کنند؛

جهت پذیرش خبرنگاران خارجی برای پوشش خبری رویدادهای آن کشور فشار بیاورند؛ برای حمایت از رسانه‌های مستقل، وکلای حقوق بشر و سایر گروه‌های جامعه مدنی در داخل کشور کمک‌های مالی معقول ارائه دهند؛ به حمایت معنوی از مخالفان از طریق بیانیه‌های دیپلماتیک، بیانیه‌های مطبوعاتی و تماس‌های تلفنی اقدام نمایند، و رژیم‌هایی که از رعایت حقوق بشر امتناع می‌ورزند را تهدید به حذف کمک‌های اقتصادی و امنیتی خود کنند [۱۰۳].

به طور کلی‌تر یکی از مؤثرترین راه‌هایی که خارجی‌ها در گذشته از کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز حمایت می‌کرده‌اند، برگزاری کارگاه‌های آموزشی بوده است. [۱۰۴] بین سال‌های ۱۹۴۸ و ۲۰۰۳، افزایش فوق‌العاده‌ای در تعداد و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی<sup>۱</sup> که بر اقدامات بدون خشونت تمرکز داشته‌اند، رخ داده است، از جمله مرکز بین‌المللی درگیری‌های بدون خشونت، بین‌الملل بدون خشونت و بریگادهای صلح بین‌المللی<sup>۲</sup> که مواد آموزشی، آموزش و اقداماتی در جهت مهارت‌آموزی را برای جنبش‌های بدون خشونت فراهم می‌کنند. سلینا گالو کروز<sup>۳</sup> جامعه‌شناس دریافته است که ظهور این سازمان‌ها با افزایش کمپین‌های مقاومت غیرخشونت‌آمیز در سراسر جهان مرتبط بوده است. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی با آموزش کارزارهای مقاومت مدنی، ارائه حمایت‌های قانونی، تشویق پوشش رسانه‌ای بین‌المللی و محافظت از فعالان در برابر خشونت دولتی از طریق همراهی شخصی آنها در محل زندگی و کارشان به این کمپین‌ها کمک رسانده‌اند. [۱۰۵] کارگاه‌های آموزشی اغلب اولین محیط‌هایی هستند که در آن فعالان و سازمان‌دهندگان می‌توانند برای

---

<sup>۱</sup>. international nongovernmental organizations (INGOs)

<sup>۲</sup>. Peace Brigades International

<sup>۳</sup>. Selina Gallo-Cruz

یادگیری و تدوین استراتژی‌ها با یکدیگر دیدار کرده و در کنار آن فرصتی برای [ایجاد] ظرفیتی طولانی‌مدت جهت ائتلاف‌سازی، سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و بسیج مردمی فراهم کنند.

بنابراین اگرچه حمایت مستقیم از سوی دولت‌های خارجی ممکن است به جنبش‌های مقاومت مدنی آسیب رسانده و از مشروعیت آنها در چشم جامعه بکاهد، اما این بدان معنا نیست که چنین جنبش‌هایی باید بدون هیچ‌گونه کمک بین‌المللی کاملاً به حال خود رها شوند.

## آیا مقاومت مدنی می‌تواند بدون حتی اندکی حمایت بین‌المللی نیز مؤثر باشد؟

بستگی به علل محرکه یا دلایل شکل‌گیری جنبش دارد. جنبش‌های جدایی‌طلبانه و جنبش‌های ضداستعماری غالباً حمایت بین‌المللی - به‌ویژه به رسمیت‌شناختن دیپلماتیک - را برای موفقیت خود حیاتی یافته‌اند. علی‌الخصوص جدایی یک منطقه بدون حمایت بین‌المللی بسیار دشوار است؛ مبارزات جدایی‌طلبانه، بدون به رسمیت‌شناختن جهانی استقلال منطقه جداشده، تا به حال به هیچ پیروزی دست نیافته‌اند. [۱۰۶] به همین دلیل است که جنبش‌های جدایی‌طلبانه در کاتالونیا، صحرای غربی، فلسطین و کوزوو تلاش‌های دیپلماتیکی را در راستای کسب حمایت [بین‌المللی] از مبارزات محلی خود داشته‌اند [۱۰۷].

از طرف دیگر حمایت بین‌المللی برای اکثریت کمپین‌ها، از جمله آن‌هایی که میکوشند دیکتاتوری‌های داخلی را سرنگون کنند آن چنان‌که باید و شاید مثمرتر نیست. در واقع کمک‌ها و حمایت‌های یک دولت خارجی می‌تواند منبع حیاتی قدرت یک کمپین مقاومت مدنی را تضعیف کند: مشارکت توده‌ای. اگر مردم عادی به این باور

برسند که کارزار آنها چیزی جز آلت دست قدرت های خارجی نیست، از آن دور خواهند ماند، چرا که مشروعیتی کمتر از یک جنبش حقیقی داخلی برای آن قائل هستند. به احتمال فراوان این بخشی از اتفاقاتی است که برای جنبش دموکراسی خواهی در ونزوئلا در سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ رخ داده است. جنبشی متنوع و فراگیر که با هدف به چالش کشیدن قدرت نیکلاس مادورو تشکیل شده بود، اما پس از اینکه ایالات متحده شروع به دوبرابر کردن تحریم های اقتصادی علیه مادورو و یاران نزدیکش کرد، فعلاً نه از رهبر اپوزیسیون، خوان گوایدو حمایت کرد و تهدید به مداخله مسلحانه برای نصب او در قدرت کرد، از لحاظ اندازه و تنوع شروع به ریزش کرد.

با این حال همانطور که در بالا ذکر کردم، دولت های خارجی و سازمان های بین المللی غیردولتی تا زمانیکه رهبران داخلی جنبش و شرکت کنندگان آن نیروی محرکه اصلی جنبش باقی بمانند، غالباً می توانند به شیوه ای غیرمستقیم از فعالان بدون خشونت و مدافعان حقوق بشر حمایت کنند [۱۰۸].

**چرا بسیاری از مردم از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی غافلگیر شدند - درست همانطور که بیست سال بعد از قیام های اعراب شگفت زده شدند؟**

تیمور کوران<sup>۱</sup> اقتصاددان، استدلال می کند که انقلاب ها ذاتاً غیرقابل پیش بینی هستند. [۱۰۹] در رژیم های اقتدارگرا اکثر مردم از ترس آزار و اذیت حکومت افکار و احساسات خصوصی خود را آشکار نمی کنند. بنابراین یک رژیم اگرچه ممکن است به شدت منفور هم باشد، اما مشاهده این امر چه برای خود شهروندان و چه برای ناظران خارجی دشوار است - چرا که ظاهراً همه افراد نارضایتی های خود را پنهان می کنند.

۱ . Timur Kuran

کوران استدلال می‌کند که در لحظات کلیدی، یک رویداد یا حادثه می‌تواند به یکباره آن نارضایتی‌های توده‌ای را چون گدازه‌های آتشفشانی به بیرون بریزد. این همان چیزی است که در سال ۲۰۱۰ در تونس اتفاق افتاد، زمانی که محمد بوعزیزی، میوه‌فروش تحقیرشده، خود را به آتش کشید. این همان چیزی است که در اوت ۲۰۱۴ در ایالات متحده اتفاق افتاد، زمانی که یک افسر پلیس سفیدپوست در فرگوسن میزوری، مایکل براون<sup>۱</sup> هجده ساله، یک جوان سیاهپوست غیرمسلح را به ضرب گلوله کشت و جسد او را ساعت‌ها در جاده زیر آفتاب داغ رها کرد، و در ادامه با تجمع اعضای خانواده و همسایگان شوکه شده و خشمگین او در آن نزدیکی، جنبش جان سیاهان مهم است به یک قیام سراسری تبدیل شد. و این همان اتفاقی است که در سال ۲۰۱۹ در پورتوریکو رخ داد، زمانی که یکی از خبرنگاری‌ها چت‌های گروهی تلگرامی بین ریکاردو روسلو<sup>۲</sup> فرماندار پورتوریکو و چندین مقام پورتوریکویی را منتشر کرد. اطلاعات درز شده، طرح‌هایی برای بدنام کردن مخالفان و رقبای سیاسی و همچنین اظهارات جنسی، همجنس‌گراهراسی و تحقیرآمیز فرماندار و مقامات را درمورد قربانیان طوفان ماریا<sup>۳</sup> افاش کرد و این درحالی بود که شهروندان هنوز از یک بحران اقتصادی ویرانگر و اندوهی گسترده به دلیل ناتوانی در دفن اعضای خانواده خود که در طول طوفان جان باخته بودند، رنج می‌بردند.

مشروعیت یک رژیم ممکن است به آرامی و در طی بازه‌ای طولانی از بین برود، بدون اینکه کسی آنقدر جرأت داشته باشد که مستقیماً آن را به چالش بکشد - تا آن زمان که یک معترض جسور یا یک اقدام جسورانه دیگران را برانگیزد تا خشم و کینه دیرینه و

---

<sup>۱</sup> . Michael Brown

<sup>۲</sup> . Ricardo Rosselló

<sup>۳</sup> . Hurricane Maria



انفجاری خود را به بیرون بریزند و توده‌های مردم به خیابانها سرازیر شوند تا پایان رژیم را طلب کنند.

اما چه چیزی باعث وقوع چنین رویدادهایی می شود و چه زمانی؟ آیا رژیم‌هایی که با این انفجارها روبرو می شوند وجوه اشتراک ساختاری با یکدیگر دارند؟ هیچ کس نمی داند. مطالعاتی که تئوری‌های رقیب دربارهٔ قیام‌های توده‌ای را مورد بررسی قرار داده‌اند دریافته‌اند که هیچ کدام از آنها نمی‌تواند به طور دقیق زمان و مکان وقوع مبارزات غیرخشونت‌آمیز را پیش‌بینی کنند. [۱۱۰] پژوهشگران در پیش‌بینی قیام‌های مسلحانه، کودتاها، یا فروپاشی دولتها نسبتاً خوب و کارآمد هستند. [۱۱۱] اما این امر در مورد کمپین‌های توده‌ای بدون خشونت، که تقریباً در هر جایی و به هر دلیلی ممکن است رخ دهد، صدق نمی‌کند. آنها غالباً در کشورهاییی اتفاق افتاده‌اند که پژوهشگران انتظار داشته‌اند بسیج مخالفان در آنها بسیار دشوار باشد. و اصلاً مشخص نیست چه چیزی ممکن است باعث گسترش و پویایی این کمپین‌ها شود. جنبش‌های قدرت مردم بوضوح به بافت و زمینهٔ محلی [ملّی] خود بستگی دارند- خلق و خوی شهروندان، تجربه‌های پیشین با روش‌های خاص غیرخشونت‌آمیز و حتی آب‌وهوا- و ابزارهای پیش‌بینی معمول و ساختار داده‌ها نمی‌توانند به درستی علل تعمیم‌پذیر را شناسایی کنند. به بیان دیگر، افرادی که قیام‌های غیرخشونت‌آمیز را سازماندهی می‌کنند اغلب با بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه و خلاف انتظار بر شرایط نامطلوب موجود غلبه می‌کنند [۱۱۲].

به همین دلیل است که علیرغم تمامی چیزهایی که در مورد شکنندگی رژیم‌های استبدادی می‌دانیم، همواره زمانی که جنبش‌های قدرت مردمی برای به چالش کشیدن موفقیت‌آمیز این رژیم‌ها سروکله‌شان پیدا می‌شود، شگفت زده می‌شویم.

## آیا موقعیت‌هایی وجود دارد که مقاومت غیرخشونت‌آمیز غیرممکن باشد - یا مقاومت خشونت‌آمیز بهتر عمل کند؟

در برخی موقعیت‌ها هم روش‌های بدون خشونت و هم خشونت‌آمیز به خوبی کار نمی‌کنند. به عنوان مثال مبارزات جدایی‌طلبانه صرف نظر از مسلحانه یا غیرمسلحانه بودنشان به ندرت کاملاً موفق می‌شوند. دلیل آن نیز این است که همانطور که در بالا ذکر شد، سایر دولت‌ها و نهادهای فرادولتی مانند سازمان ملل باید موافقت کنند تا دولتی جدید به فهرست کشورهای شناخته‌شده در جهان بپیوندد و اغلب هم از انجام این کار امتناع می‌کنند، چرا که هر تصمیمی برای به رسمیت شناختن یک منطقه جداشده، اغلب به گروه‌های جدایی‌طلب دیگر نیز جسارت می‌بخشد. دولت اسپانیا با همه‌پرسی استقلال اسکاتلند در سال ۲۰۱۴ که در آن عده قابل توجهی از اسکاتلندی‌ها به خروج از بریتانیا رأی داده بودند مخالفت کرد. این کشور استدلال می‌کرد که اگر اسکاتلند موفق به کسب استقلال خود هم بشود، اتحادیه اروپا نباید آن را در جامعه اروپایی بپذیرد. اسپانیا خود تحت تأثیر چند جنبش جدایی‌طلب قرار دارد: جدایی‌طلبان باسک<sup>۱</sup> و کاتالونیا. رهبران اسپانیا استدلال می‌کردند که اگر مردم اسکاتلند به جدایی از بریتانیا رأی دهند و از عضویت آنها در اتحادیه اروپا استقبال شود، جنبش استقلال کاتالونیا نیز ممکن است خواسته مشابهی داشته باشد.

---

<sup>۱</sup> . اِتا Euskadi Ta Askatasuna (ETA) به معنی سرزمین باسک و آزادی نام یک گروه مارکسیستی مسلح باسکی است که در ۱۹۵۹ با هدف جدایی منطقه باسک از اسپانیا و فرانسه و تأسیس یک کشور مستقل در تمام مناطق باسک از جمله استان اسپانیایی نابارا تشکیل شد. این گروه در رسانه‌ها با نام جدایی‌طلبان باسک نیز شناخته می‌شوند. این گروه که عمدتاً دست به فعالیت‌های خرابکارانه و تروریستی می‌زده‌اند، سرانجام در سال ۲۰۱۸ طی اعلامیه‌ای خب راز انحلال خود دادند - م.

دوم اینکه مقابله با رژیم‌های نسل‌کش یا توتالیتری مانند رژیمی که در قاره آمریکا از سوی فاتحان اسپانیایی تحمیل شد، رژیمی که در منطقه کارائیب و جنوب ایالات متحده توسط صاحبان مزارع بزرگ برده‌داری برقرار گردید؛ یا در موصل تحت سلطه حکومت اسلامی [داعش]؛<sup>۱</sup> یا در زمینه‌ها و موقعیت‌های مختلف استعماری مانند کنگوی تحت استعمار بلژیک یا منچوری تحت اشغال ژاپن؛ آلمان نازی در زمان هیتلر؛ یا کره شمالی تحت رهبری کیم جونگ اون، با هر شیوه مقاومتی، خواه خشونت‌آمیز یا بدون خشونت کار دشواریست. با این حال حتی در این موقعیت‌ها نیز مردم توانسته‌اند بر موانع غلبه کرده و مخفیانه یا در مقیاس کوچک با اقدامات نافرمانی روزمره خود در مقابل این رژیم‌ها مقاومت کنند. [۱۱۳] و علاوه بر این حتی در این شرایط دشوار نیز یک جنبش توده‌ای می‌تواند توانایی ارتکاب نسل‌کشی از طرف مقابل را سلب کند؛ خشونت دسته‌جمعی مستلزم عوامل مشتاقی است که آن را انجام دهند. در سال ۲۰۱۱ در تونس بن علی متوجه شد که سربازانش با وجود دستور مستقیم او حاضر به کشتار غیرنظامیان در تعداد انبوه نیستند. امتناع آنها از اجرای دستورات وی بخشی از انگیزه او برای کناره‌گیری از قدرت در ژانویه ۲۰۱۱ بود [۱۱۴].

در مجموع تشخیص نظام‌ها یا ساختارهایی که مقاومت غیرخشونت‌آمیز در آنها غیر ممکن است، چندان آسان‌تر از تشخیص لحظاتی نیست که احتمال فوران کمپین‌های گسترده مردمی در آنها وجود دارد.

اما آنچه مهم است نکته اصلی این فصل است: موفقیت یا شکست مقاومت مدنی عمدتاً مبتنی بر تشویق تعداد زیادی از مردم به مشارکت، از همه افشار جامعه و توانایی

<sup>۱</sup> . Conquistadors

<sup>۲</sup> . Islamic State

آنها در ترغیب حامیان رژیم به تمرّد یا رویگردانی ست. هیچ فردی نمی‌تواند به تنهایی و با اقدامات شجاعانه انفرادی با تانک‌ها و اسلحه‌ها روبه‌رو شود و تغییری ایجاد کند. از طرف دیگر این را هم باید در نظر داشت که مقاومت غیرخشونت‌آمیز نیز همیشه کارساز نیست، حتی زمانی که بسیاری از مردم در همراهی با هم از آن بهره بگیرند.

با این وجود در بسیاری از موارد هیچ جایگزین بهتری وجود ندارد. دست روی دست گذاشتن برای افرادی که با شرایطی غیرقابل تحمل روبرو هستند نمی‌تواند گزینه مناسبی باشد. اقدام به خشونت نیز می‌تواند حتی فاجعه‌بارتر از مقاومت غیرخشونت‌آمیز باشد. علیرغم اینها این باور که خشونت راهی اجتناب‌ناپذیر و ضروری برای ایجاد تغییر است، همچنان به نحوی قابل‌توجه دیرپا و ماندگار است. حتی بسیاری از حامیان بسیج توده‌ای نیز تردید دارند که مقاومت غیرخشونت‌آمیز بتواند به تنهایی کارساز باشد- و اینکه تقویت مقاومت مدنی با مقادیر کمی خشونت استراتژیک می‌تواند به پیروزی جنبش‌ها کمک کند. اما آنچه غالباً [در واقعیت] صحّت دارد، درست عکس آن است. این موضوع در تأثیرگذاری بر سرنوشت مبارزات مقاومت به قدری اهمیت دارد که لازم است یک فصل کامل را به آن اختصاص دهیم.

## فصل سوم / مقاومت مدنی و خشونت از درون جنبش

خشونت و خشونت‌پرهیزی از یکدیگر جدا نیستند؛ برتری یکی بر دیگری ست که شکل مبارزه‌ای را تعیین می‌کند.

نلسون ماندلا، ۱۹۹۹

آیا اگر برخی از مشارکت‌کنندگان جنبش‌های مدنی در حاشیه این جنبش‌ها دست به خشونت بزنند این مبارزات سریع‌تر و قاطعانه‌تر به پیروزی می‌رسند؟ برای قرن‌ها، جنبش‌ها به بحث در مورد این موضوع پرداخته‌اند که آیا باید برای مبارزه سلاح به دست گرفت و مسلح شد یا خیر. در ایالات متحده این مباحث جنبش‌های برده‌داری، جنبش کارگری، جنبش حقوق مدنی، جنبش ضد جنگ دهه ۱۹۶۰ و جنبش‌های مختلف دیگر را در طول پنجاه سال گذشته به تلاطم انداخته است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ چپ‌های آمریکایی بر سر این که آیا حتی خشونت‌های موردی عاقلانه یا ضروری هستند یا خیر اختلاف پیدا کردند - شکافی که آنقدر تفرقه‌افکن بود که گروه‌های لیبرال، مترقی و رادیکال راه‌های جداگانه‌ای را در پیش گرفتند و در نتیجه اثربخشی و کارآمدی آنها [ناشی از اتحادشان] برای چندین دهه تضعیف گردید [۱].

پس از نبرد سیاتل<sup>۱</sup> - مجموعه‌ای از اعتراضات، راه‌بندان‌ها و اعتصابات شهری که جلسات کمیته اجرایی سازمان تجارت جهانی (WTO) در ۱۹۹۹ در سیاتل را مختل کرد، بحث استفاده یا عدم استفاده از خشونت مجدداً و با قدرت هر چه بیشتر به مباحث عمومی بازگشت. سازمان‌های کارگری، محیط‌زیستی، دانشجویی، آنارشویست، و

---

۱ . Battle of Seattle

سازمان‌های ضدجهانی‌سازی مجموعه‌ای از اعتراضات، راه‌بندان‌ها، زنجیره‌های انسانی و دیگر روش‌های نافرمانی مدنی غیرخشونت‌آمیز را برای جلوگیری از انجام مذاکرات تجاری بین رهبران سازمان تجارت جهانی برنامه‌ریزی کرده بودند. با تجمع ده‌ها هزار تظاهرکننده، این اعتراضات شاید به بزرگترین رویداد ضدجهانی‌سازی در تاریخ ایالات متحده تا آن زمان تبدیل شده بود. پلیس با گاز اشک‌آور، نازجک‌های گیج‌کننده<sup>۱</sup> و دستگیری صدها معترض واکنش نشان داد. صدها نفر به تخریب اموال عمومی و وندالیسم، شکستن شیشه‌ها و تخریب ماشین‌های پلیس، پرتاب گاز اشک‌آور و سایر پرتابه‌ها به سمت پلیس و درگیری‌های خیابانی پرداختند. درنهایت فرماندار ایالت واشنگتن گارد ملی را برای سرکوب اعتراضات گسیل کرد. مذاکرات تجاری درنهایت به موفقیت نرسید، که البته تاحدی به دلیل واکنش‌های متفاوت از سوی رهبران حاضر در جلسات به اعتراضات صورت گرفته بود. اگرچه تخریب اموال و درگیری‌های خیابانی درمیان شرکت‌کنندگان جنبش بحث‌برانگیز بود، اما فعالان عمدتاً نبرد سیاتل را موفقیت‌آمیز ارزیابی کرده‌اند، چرا که هم توانست تأثیرات مخربی بر مذاکرات تجاری WTO بگذارد و هم این واقعیت که جنبش ضدجهانی‌شدن را به کانون توجه ملی تبدیل کند.

دوازده سال بعد در پی رکود جهانی سال ۲۰۰۸ و موج الهام‌بخش قیام‌ها در جهان عرب، اشغال‌وال استریت موضوع خشونت در جنبش‌ها در ایالات متحده، کانادا و اروپا را مجدداً بر سر زبانها آورد. فعالان با ایجاد شهرهای چادری در صدها مکان در سراسر

---

۱ *stun grenade* . یک وسیله انفجاری کمتر کشنده که معمولاً از سوی پلیس و نیروهای ضد شورش به کار می‌رود و معمولاً برای از کارانداختن حواس معترضین و گیج‌کردن آنها استفاده می‌شود. این نازجک برای تولید یک فلاش نور کورکننده حدود ۷ مگاکاندلایی (Mcd) و یک صدای "بنگ" شدید با بیش از ۱۷۰ دسی بل (dB) طراحی شده است-م.

جهان، نابرابری اقتصادی و عدالت اقتصادی را به خط مقدم آگاهی جهانی بازگرداندند. اما پس از اینکه پلیس با قوه قهریه خود بساط شهرهای چادری در پارک‌های عمومی، میدان‌های شهر و محوطه‌های دانشگاه را جمع کرد، شرکت‌کنندگان جنبش به بحث پیرامون این موضوع پرداختند که آیا روش‌هایی مانند درگیری خیابانی با پلیس، تخریب اموال عمومی و استفاده از خشونت استراتژیک علیه دشمنان می‌تواند به شانس جنبش در ریشه‌کن کردن نابرابری درآمدی و ایجاد جایگزین‌های عادلانه برای سرمایه‌داری جهانی کمک برساند یا بالعکس به آن صدمه می‌رساند.

اخیراً نیز شاهد این مباحث پیرامون واکنش به رشد گروه‌های ناسیونالیست سفیدپوست، برتری طلب سفید و نئوفاشیست در سراسر جهان غرب هستیم. ایدئولوژی فاشیستی برای رهبرانی که می‌خواهند از هرج و مرج و ایجاد ترس برای جذب حامیان جدید سود ببرند، بسیار خشونت‌آمیز، پردکننده و به طرز وحشتناکی مؤثر است. به دلیل این تهدید وجودی است که بسیاری از ضدفاشیست‌ها می‌گویند باید گروه‌های نئوفاشیست را از جمله با حمله فیزیکی، کاملاً مهار کرده یا نابود کنند.

البته چنین مباحثی تنها به ایالات متحده و اروپا محدود نمی‌شود. در سال ۲۰۱۹ جنبش دموکراتیک هنگ‌کنگ در اعتراض به لایحه‌ای که خواستار استرداد برخی مجرمین خاص به سرزمین اصلی چین بود، طی چندین ماه تظاهرات گسترده‌ای برگزار کرد. پس از اینکه رهبران هنگ‌کنگ با زور و خشونت به اعتراضات پاسخ دادند، جنبش مطالبات خود را گسترش داد و خواستار استعفای کری لام<sup>۱</sup>، مدیر اجرایی هنگ‌کنگ، تحقیقات در مورد خشونت پلیس، آزادی همه معترضان زندانی، عقب‌نشینی دولت از طبقه‌بندی نادرست اعتراضات به عنوان «شورش» و گسترش حق رأی همگانی در

---

۱. Carrie Lam

انتخابات هنگ‌کنگ شد. این «پنج خواسته کلیدی» انعکاس ترس فزاینده‌ای بود از اینکه نظام اقتدارگرایی چین حقوق دموکراتیک این دولت‌شهر را از بین ببرد. بنابر گزارش‌ها میلیون‌ها نفر از ساکنان هنگ‌کنگ در راهپیمایی‌ها، اعتراضات، تظاهرات، راه‌بندان‌ها و اعتصابات محدود شرکت کردند. در جریان برخی تظاهرات و در نیز در طی اشغال دانشگاه هنگ‌کنگ در سپتامبر ۲۰۱۹، برخی از فعالان به نحوی گزینشی نیروهای پلیس و شهروندان چینی را مورد حمله قرار می‌دادند. اگرچه جنبش هیچ رهبر شناخته‌شده یا سخنگوی رسمی نداشت، اما برخی از فعالان در روزنامه‌ها از این حملات دفاع کرده و استدلال می‌کردند که این حملات به دلیل محافظت از خود موجه هستند- و اینکه خشونت آنها از حمایت عمومی از جنبش نکاسته است.

آیا چنین اقداماتی به یک جنبش کمک می‌کند یا به آن آسیب می‌رساند؟ پرسشی ظریف، بحث‌برانگیز و بسیار سیاسی. بسیاری از جنبش‌ها با سرکوب شدید، خشونت مستمر، دستگیری و ترور از سوی پلیس و نظامیان رژیم مواجه هستند. خشونت افراطی از سوی دولت- هم خشونت مستقیم و هم خشونت ساختاری تحمیل شده از سوی دولتی که از لحاظ نظامی قدرتمندتر است- غالباً اولین انگیزه قیام محسوب می‌شود. بسیاری بر این باورند که معترضین باید برای محافظت از خود و خانواده‌هایشان، یا مقاومت عزتمندانه، دست‌کم گاهی اوقات اسلحه بدست بگیرند و به مقابله با رژیم بپردازند. برخی نیز بر این باورند که خشونت می‌تواند با جلب توجه عمومی، نمایش تعهد و عزم جنبش، ارائه جنجالی و دراماتیک فوریت و وخامت زمان حال، یا پرتاب سریع جنبش به میان افکار عمومی ملی یا بین‌المللی، پیروزی را تسریع ببخشند. برخی دیگر نیز استدلال کرده‌اند که جناح خشونت‌آمیز یک جنبش به کارزارهای بدون خشونت کمک می‌کند که در مقایسه با آن معتدل‌تر به نظر رسیده و بدین ترتیب مواضع چانه‌زنی آن‌ها را تقویت می‌کند. [۲] باوری رایج پیرامون جنبش حقوق مدنی آمریکا وجود دارد



مبنی بر اینکه ظهور جنبش مسلحانه قدرت سیاه<sup>۱</sup>، مارتین لوتر کینگ را برای سفیدپوستان آمریکایی دلپذیرتر و قابل قبول‌تر کرد و فضایی را برای پیشرفت‌های تدریجی (اما نه رادیکال) در زمینه حقوق مدنی مهیا کرد.

همه اینها فرضیاتی قابل درک و معقول هستند. وقتی مردم تحت حکومتی زندگی می‌کنند که به خاطر رنگ پوست، قومیت، زبان، مذهب، جنسیت، تمایلات جنسی یا عقاید سیاسی‌شان آنها را مرعوب و منکوب می‌کند، آن‌ها این حق را دارند که برای کسب توانایی جهت حکومت بر خود به مقابله به مثل بپردازند. حقوق بین‌الملل نیز در شرایط و موقعیت‌های متعددی از این حق حمایت می‌کند. قطعنامه ۳۳۱۴ سازمان ملل متحد، کشورها را از تهاجم به سرزمین‌های دیگران منع می‌کند و حق جنبش‌های مقاومت را برای مقابله به مثل با سلاح در صورت لزوم به رسمیت می‌شناسد. برخی نیز همین منطق را به موقعیت‌های دیگری که در آن معترضین با پلیس، نیروهای امنیتی یا نیروهای ضدشورش در خیابان‌ها در جریان تظاهرات توده‌ای روبرو می‌شوند، تعمیم داده و استدلال می‌کنند که معترضان نیز این حق را دارند که در صورت لزوم با استفاده از سلاح از خود در برابر خشونت دولتی دفاع کنند.

مردم می‌توانند از هر وسیله‌ای که در دسترس دارند برای رهایی از نظام‌ها و رژیم‌های سرکوبگر استفاده کنند. اما کسانی که استفاده اندک از خشونت را برای پیشبرد اهداف جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز مردمی توصیه می‌کنند، معمولاً خطرات تاکتیکی و پیامدهای استراتژیک این رویکرد را دست کم می‌گیرند. در واقع سوابق و مستندات تاریخی هزینه‌ها و خطرات قابل توجهی را در انجام این قبیل اقدامات نشان می‌دهد- و علاوه بر آن مباحث بی‌پایانی نیز پیرامون این موضوع وجود دارد که آیا چنین

---

<sup>۱</sup> . Black Power

رویکردهایی عاقلانه هستند یا خیر و اینکه مقاومت مدنی بدون خشونت به تنهایی قدرتمندتر است [یا در همراهی با مقاومت خشونت‌آمیز]. مهمتر از همه اینکه خشونت حاشیه‌ای اغلب روایت ارائه شده یک جنبش را هم در داخل و هم در بیرون از آن پیچیده‌تر می‌کند. جنبش‌هایی که باید زمانشان را صرف دفاع از انتخاب‌های تاکتیکی خود کنند، زمان دشواری را برای حفظ تمرکز عمومی بر ماهیت مقهورکننده خشونت دولتی و اثبات حقانیت ادعاهای خود پیش‌رو دارند [۳].

این فصل به تحقیق در مورد این امر می‌پردازد که چگونه خشونت حاشیه‌ای بر شانس جنبش‌های مقاومت مدنی برای دستیابی به تغییرات سیاسی عمده تأثیر می‌گذارد. ما به سؤالاتی متداول از این دست می‌پردازیم:

- چه چیزی خشونت محسوب می‌شود؟

- آیا اساساً چیزی به نام جنبش بدون خشونت وجود دارد؟

- آیا کمی خشونت در حاشیه کمپین‌های مقاومت مدنی بدون خشونت این

جنبش‌ها را تقویت و حمایت نمی‌کند؟

- آیا خشونت گاه‌وبیگاه به محافظت از فعالان مدنی کمک نمی‌کند؟

- آیا با بروز خشونت ناپودی کمپین‌های مقاومت مدنی بدون خشونت قطعی

خواهد بود؟

**چه چیزی خشونت محسوب می‌شود؟**

قبل از پرداختن به موضوع اجازه دهید برخی اصطلاحات کلیدی را مرور کنیم. در

اینجا من «خشونت» را کنش یا فعالیتی تعریف می‌کنم که به شخص دیگری آسیب

فیزیکی می‌زند یا تهدید به انجام آن می‌کند [۴].

دانشمندان علوم سیاسی از اصطلاح «جناح خشونت طلب»<sup>۱</sup> برای اشاره به افراد یا گروه‌هایی استفاده می‌کنند که به موازات یک کارزار غیرخشونت‌آمیز از خشونت استفاده می‌کنند. دو نوع جناح خشونت طلب وجود دارد: آنهایی که دست به خشونت مسلحانه می‌زنند که در آن افراد دست به سلاح‌هایی می‌برند که برای کشتن یا مجروح کردن دیگران ساخته شده است، از هفت تیر گرفته تا تیر و کمان و موشک‌انداز؛ و خشونت غیرمسلحانه، که در آن افراد با مشت، لگد، ضربه یا شاید چوب یا سنگ، و در جریان اعتراضاتی که ابتدا غیرخشونت‌آمیز بود، به کسانی که با آنها مقابله می‌کنند، حمله می‌کنند. در جریان خشونت‌های غیرمسلحانه، برخی از مردم با آشوبگری یا پرتاب سنگ یا کوکتل مولوتوف‌های دست‌ساز به مبارزه با پلیس یا نیروهای ضدشورش در خیابان‌ها می‌پردازند. [۵] در بسیاری از موارد خشونت غیرمسلحانه، خودجوش یا غیرعمدیست؛ نسبتاً سازماندهی نشده است و در حاشیه جنبش بزرگتر باقی می‌ماند. کسانی که در جنبش‌ها درگیر هستند گاهی اوقات از چنین اقداماتی با عنوان «تنوع تاکتیکی»<sup>۲</sup> یا «تاکتیک‌های بلوک سیاه»<sup>۳</sup> یاد می‌کنند: ترکیب اقدامات غیرخشونت‌آمیز با رویارویی عمدتاً فیزیکی که شامل تخریب تصادفی اموال خصوصی (به عنوان مثال، شکستن شیشه‌های مغازه‌ها و خانه‌ها) یا تخریب

---

۱. violent flanks

۲. diversity of tactics

۳. black bloc tactics. بلوک سیاه مجموعه تاکتیک‌هایی است که از سوی معترضانی به کار می‌رود که با لباس مشکی، ماسک اسکی، اسکارف، عینک آفتابی، کلاه ایمنی موتورسیکلت با روکش یا سایر وسایل محافظتی و پنهان کردن صورت استفاده می‌شود. این نحوه پوشش برای پنهان کردن هویت معترضین و جلوگیری از تعقیب کیفری آنها در آینده و نیز برای محافظت از صورت و چشم در برابر اسپری فلفل پلیس در هنگام اعتراضات یا ناآرامی‌های مدنی استفاده می‌شود. این تاکتیک پیش از همه در جریان اعتراضات به نشست سازمان تجارت جهانی در ۱۹۹۹ در سیاتل آمریکا به شهرت رسید-م.

هدمندتر (مثلاً انفجار بولدورهای که جنگل‌های حفاظت شده را تهدید می‌کنند)، شورش، درگیری خیابانی با مقامات یا نیروهای ضدشورش، یا «مشت مالی کردن نازی‌ها»<sup>۱</sup> می‌شود [۶].

خشونت حاشیه‌ای به طرق مختلف در کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز ظاهر می‌شود. غالباً تنها افراد معدودی درگیر نبرد خشونت‌آمیز فیزیکی می‌شوند، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان جنبش این کار را نمی‌کنند. خشونت اعمال شده می‌تواند بداهه و خودجوش باشد یا می‌تواند سازماندهی شده و با برنامه‌ریزی باشد. می‌تواند اتفاقی باشد، به این معنی که یک یا دو بار در طول یک جنبش اتفاق بیفتد، یا می‌تواند به روال یا بخشی از کلکسیون و اندوخته استاندارد یک جنبش تبدیل شود. اما زمانی که یک جنبش از محدودیت‌های نظم و انضباط بدون خشونت دور شد و به طور منظم به مبارزه خشونت‌آمیز پرداخت، دیگر نمی‌توان آن را جنبشی بدون خشونت در نظر گرفت.

برخی ممکن است تعریف محدود من از خشونت را زیر سوال ببرند. [و استدلال کنند که] زمانی که فردی یک کوکتل مولوتوف دست‌ساز را به سمت یک تانک مجهز ارتش که گلوله‌های واقعی و گاز اشک‌آور شلیک می‌کند، پرتاب می‌کند، آیا پرتاب آن بطری آتش‌زا واقعاً خشونت به حساب می‌آید؟ مطمئناً این دو سلاح به یک اندازه خشونت‌آمیز نیستند. تانک به مراتب بسیار مخرب‌تر از کوکتل مولوتوف است که اگر هم به زره تانک بخورد ممکن است کمانه کند. اما عموم مردم اساساً تأثیرات موردنظر سلاح‌ها را به شیوه‌ای یکسان تفسیر می‌کنند: هدف هر دو آسیب‌رساندن، ناقص کردن یا نابود کردن دیگران است، حتی اگر این کار را در مقیاسی محدودتر انجام دهند.

---

<sup>۱</sup> . punching Nazis

این امر حتی زمانی که خشونت برای دفاع از خود انجام می‌شود نیز صادق است. دلیل آن نیز این است که عموم مردم معمولاً در تشخیص اینکه چه کسی مقصر آغاز خشونت است - معترضان یا پلیس - مشکل دارند. [۷] رژیم‌ها اغلب در بهره‌برداری از ابهاماتی این چنینی ماهر هستند - و مردم را متقاعد می‌کنند که معترضان واقعاً گروهی خطرناک و رادیکالند.

## جنگیدن در کنار کارزارهای بدون خشونت برای گروه‌های مسلح سازمان‌یافته تا چه اندازه مرسوم است؟

همراهی جناح‌های مسلح با جنبش‌های توده‌ای بدون خشونت چندان معمول نیست. در میان کارزارهای اصلاح‌طلب معاصر، از قبیل آنهایی که به دنبال حقوق کارگری یا حق رأی هستند، این اتفاق بسیار نادر است. حتی در میان جنبش‌های انقلابی که سعی در سرنگونی دولت‌ها یا ایجاد کشورهای تازه استقلال‌یافته دارند نیز این رویه عمومیت ندارد. بر اساس پایگاه داده‌ای کارزارهای انقلابی غیرخشونت‌آمیز بین سال‌های ۱۹۵۵ و ۲۰۱۸ [۸] کمتر از ۴۰ درصد این کارزارها دارای جناح‌های مسلحی بودند که کمپین‌های غیرخشونت‌آمیزی که در جریان بودند را همراهی می‌کردند.

جناح‌های مسلح اغلب زمانی پدید آمده‌اند که جنبش‌های بدون خشونت رفته‌رفته از حالت بسیج بیرون آمده‌اند - اغلب به دلیل سرکوب شدید از سوی دولت - و اعضای رادیکال‌تر یا افراطی‌تر باقی‌مانده تصمیم گرفته‌اند روش‌های مبارزاتی خود را تشدید کنند تا شامل اقدامات مسلحانه شود. [۹] ما می‌توانیم این الگو را در مورد گروه اومخونتو وی

سیزوه (نیزه ملت)<sup>۱</sup> مشاهده کنیم که به عنوان شاخه مسلح کنگره ملی آفریقا (ANC) در سال ۱۹۶۱ و پس از قتل عام شارپویل<sup>۲</sup> در آفریقای جنوبی شکل گرفت. در برخی نمونه‌های دیگر جناح‌های خشونت طلب جنبش‌های مدنی را کاملاً تحت کنترل خود گرفته‌اند. این روند در آغاز دوره‌ای به نام مشکلات<sup>۳</sup> در ایرلند شمالی رخ داد. در اواسط دهه ۱۹۶۰ گروهی به نام انجمن حقوق مدنی ایرلند شمالی<sup>۴</sup> در راستای برابری میان کاتولیک‌ها و ساکنان ایرلندی ایرلند شمالی تحت کنترل بریتانیا تلاش می‌کردند، جایی که در آن کاتولیک‌ها اغلب از تبعیض‌های اقتصادی و سیاسی به نفع پروتستان‌های بریتانیایی ساکن در این شش کانتی<sup>۵</sup> رنج می‌بردند. انجمن حقوق مدنی با الهام از جنبش حقوق مدنی ایالات متحده، مجموعه‌ای از تظاهرات و اقدامات گسترده را سازماندهی کرد و خواستار آن شد که کاتولیک‌ها و مردم فقیر ایرلند شمالی نیز از حقوقی برابر با ساکنان بریتانیایی ایرلند شمالی برخوردار باشند.

---

<sup>۱</sup> . Umkhonto we Sizwe (Spear of the Nation)

<sup>۲</sup> Sharpeville Massacre . قتل عام شارپویل در ۲۱ مارس ۱۹۶۰ و در شهرک سیاه‌پوست‌نشین شارپویل در نزدیکی شهر ورینگینگ، در آفریقای جنوبی رخ داد و در جریان آن پلیس به جمعیت سیاه‌پوست تظاهرکننده تیراندازی کرد و حدود ۲۵۰ نفر از آنها را کشته و زخمی کرد. این یکی از اولین و مرگبارترین تظاهرات علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی بود. -م.

<sup>۳</sup> .The Troubles

<sup>۴</sup> . Northern Irish Civil Rights Association (NICRA)

<sup>۵</sup> . اشاره به ایرلند شمالی که از شش کانتی (county) (هریک از بخش‌هایی که کشور به آن تقسیم شده است و از نظر دادگستری و انتخاباتی و سیاسی و اداری واحد مجزایی محسوب می‌شود) به نامهای آرما (Armagh) آنتریم (Antrim) فرمانه (Fermanagh) لاندنری (Londonderry) و تایرون (Tyrone) تشکیل شده است -م.

اما پس از آن، یک برهه سرکوب شدید و عملیات ضدشورش دولتی جنبش انجمن حقوق مدنی را بر سر یک دوراهی کشاند. فعالان کمیته اقدام مسکن دری<sup>۱</sup> راهپیمایی مسالمت‌آمیزی را در ۸ اکتبر ۱۹۶۸ در شهر دری ترتیب دادند و خواستار حق رأی برابر و پایان دادن به تبعیض در حوزه مسکن برای کاتولیک‌ها شدند. وزیر کشور بریتانیا این فعالان را از راهپیمایی در محله‌های عمدتاً پروتستان منع کرده بود، اما کمیته اقدام بر ادامه راهپیمایی پافشاری کرد و انجمن حقوق مدنی با وجود ملاحظات رهبران در مورد احتمال رویارویی بی‌مورد [با پروتستان‌ها] با حمایت از آن موافقت کرد. نیروهای پلیس سلطنتی اولستر<sup>۲</sup> با اتوم به فعالان حمله کردند و فعالان و جوانان آن محله نیز با مجموعه‌ای از شورش‌ها به این حملات پاسخ دادند که این اتفاق خود باعث سرکوب بیشتر از جمله حملات پلیس، دستگیری‌ها و ممنوعیت تظاهرات شد.

طرفداران اتحاد<sup>۳</sup> نیز تظاهرات تحریک‌آمیز متقابلی را برنامه‌ریزی کردند. در جریان مجموعه‌ای از راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز در دری در اوت ۱۹۶۹، نیروهای بریتانیایی و جناح‌های حامی اتحاد مجدداً با همکاری یکدیگر شروع به حمله به تظاهرکنندگان [کاتولیک] کردند. این رویدادها به چندین روز شورش‌های همگانی منجر شد که طی آن گروه‌های جوانان به نمایندگی از کاتولیک‌ها و اتحادطلبان پروتستان به زد و خورد با یکدیگر پرداختند. نیروهای پلیس سلطنتی با هدف قراردادن شرکت‌کنندگان کاتولیک مداخله کرده و شورش شهری سه‌روزه‌ای را معروف به نبرد باگساید<sup>۴</sup> براه انداختند.

---

<sup>۱</sup> . Derry Housing Action Committee (DHAC)

<sup>۲</sup> . Royal Ulster Constabulary (RUC)

<sup>۳</sup> Loyalists . حامیان اتحاد بین بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی - م.

<sup>۴</sup> . Battle of Bogside

انجمن حقوق مدنی که کنترل اندکی بر روند رویدادها داشت رفته رفته در پس زمینه قرار گرفت و ارتش موقت جمهوری خواه ایرلند به عنوان بازیگری کلیدی در صحنه ظاهر شد؛ گروهی که از حملات مسلحانه برای مقاومت در برابر نیروهای بریتانیایی و همکاران محلی آنها استفاده می کردند و خواستار هدف رادیکالتر اتحاد مجدد با ایرلند<sup>۱</sup> بودند. ارتش جمهوری خواه به نیروهای بریتانیایی حمله می کرد، اقدام به بمب گذاری در املاک و دارایی های پروتستان ها و اتحاد طلبان می کرد و دست به ترور مخالفان سیاسی خود می زد. دولت بریتانیا نیز سیاست دستگیری و زندان را در دستور کار خود قرار داد و مظنونان عملیات ارتش جمهوری خواه را بدون اتهام بازداشت می کرد و از محاکمه های مخفی برای دورنگه داشتن مبارزان از انظار عمومی و کاهش همدردی با آنها استفاده می نمود.

در این بحبوحه فعالان انجمن حقوق مدنی در یک راهپیمایی در شهر دری در ۳۰ ژانویه ۱۹۷۲ علیه سیاست دستگیری و زندان دولت بریتانیا تظاهرات کردند. سربازان ارتش بریتانیا به سمت معترضان تیراندازی کردند و چهارده تظاهرکننده را در رویدادی که به یکشنبه خونین معروف شد، به قتل رساندند. این امر عملاً به قیام بدون خشونت در ایرلند شمالی پایان داد و آغازگر دوره سی ساله ای بود که با نام [دوره] مشکلات شناخته می شود. مورد ایرلند نشان می دهد که چگونه سرکوب شدید و اقداماتی ضد بسیج مردمی توسط گروه های وفادار اتحاد طلب باعث شد تا شورش ها و درگیری های خیابانی به مبارزات مسلحانه تمام عیار تبدیل شده و سایه خود را بر روی جنبش بدون خشونت این کشور بگستراند [۱۰].

---

<sup>۱</sup> . ایرلند جنوبی یا جمهوری ایرلند به پایتختی دوبلین - م.



روند رادیکال‌سازی مشابهی در مقیاسی کوچکتر، در ۱۹۶۹ در ایالات متحده نیز اتفاق افتاد؛ زمانی که گروهی از فعالین دانشجویی چپ و ملی‌گرا با نام دانشجویان برای جامعه‌ای دموکراتیک<sup>۱</sup>، کنوانسیون سالانه خود را با هدف تعیین دستور کار برای سال پیش‌رو برگزار کردند. در این میان جناحی به نام جنبش جوانان انقلابی<sup>۲</sup> می‌خواست انجمن دانشجویان را در جهت اقدامات ستیزه‌جویانه‌تری علیه امپریالیسم، سرمایه‌داری و نژادپرستی ترغیب کند. جنبش انقلابی در نهایت از انجمن دانشجویان در کنوانسیون پیشی گرفت و اعضاء و جناح‌هایی را که در نظرش بیش از حد محافظه‌کار می‌آمدند، اخراج کرد و سازمان را با نام جدید هواشناسان<sup>۳</sup> و سرو شکل تازه‌ای بخشید. هواشناسان معتقد بودند که انقلاب واقعی برای مقابله با امپریالیسم، نیازمند خشونت است. این گروه پیش از اینکه در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ دست از فعالیت بکشد، به بمب‌گذاری در سرتاسر ایالات متحده می‌پرداخت و از خانه‌های امن مخفی در سراسر کشور با عنوان زیرزمین آب و هوا<sup>۴</sup> استفاده می‌کرد.

**آیا تا به حال کارزاری کاملاً بدون خشونت وجود داشته است – بدون درگیری‌های خیابانی یا شورش؟**

بله. فراوان بوده است.

در میان کارزارهای مقاومت مدنی توده‌ای فوران گاه‌به‌گاه خشونت غیرمسلحانه بیشتر از جوشش قیام‌های مسلحانه سازمان‌یافته بوده است، اما قطعاً فراگیر و دارای

---

<sup>۱</sup> . Students for a Democratic Society (SDS)

<sup>۲</sup> . Revolutionary Youth Movement (RYM)

<sup>۳</sup> . Weathermen

<sup>۴</sup> . Weather Underground

عمومیت نیست. بر اساس داده‌هایی که همراه با کریستوفر شای<sup>۱</sup> جمع‌آوری کردیم، [۱۱] بیش از ۸۰ درصد قیام‌های غیرخشونت‌آمیزی که در مقیاس بزرگ بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۳ و با هدف سرنگونی دیکتاتوری‌ها بوقوع پیوسته‌اند، در برهه‌ای از زمان‌ها استفاده‌ای حداقلی از خشونت داشته‌اند، خواه درگیری‌های خیابانی باشد، خواه برخی اقدامات بداهه دیگر [۱۲].

در این میان تنها تقریباً ۲۰ درصد از کارزارهای غیرخشونت‌آمیز توده‌ای خشونت - از جمله تخریب اموال یا درگیری‌های خیابانی - را به کل کنار گذاشته و از آن اجتناب کرده‌اند. این موارد شامل جنبش‌های دموکراسی‌خواهی در هندوراس (۱۹۴۴)، چکسلواکی (۱۹۸۹)، مغولستان (۱۹۸۹)، گرجستان (۲۰۰۳)، تایلند (۲۰۰۵ و ۲۰۱۳)، توگو (۲۰۱۲) و ده‌ها مورد دیگر می‌شود.

خشونت غیرمسلحانه در میان کمپین‌های توده‌ای که به جای سرنگونی سیستم موجود به دنبال اصلاحات سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی هستند نادرتر است؛ از آن جمله می‌توان به تحصن‌ها و بست‌نشینی‌های پشت پیشخوان رستوران‌ها در سال ۱۹۶۰ در نشویل که به رفع تبعیض تفکیک نژادی در این شهر کمک کرد، موج اعتراضات سال ۲۰۰۷ که منجر به اصلاحات مربوط به مالکیت زمین در هند شد و اعتصاب معلمان در ۱۹۹۵ در آنگولا که منجر به افزایش دستمزدها شد اشاره کرد. در میان بیش از دو هزار و پانصد کمپین اصلاح‌طلبانه در مقیاس بزرگ از سال ۱۹۵۵ تا ۲۰۱۸، تنها ۲۶ درصد آنها از خشونت، درگیری‌های خیابانی یا شورش در کنار اقدامات عمدتاً بدون خشونت خود استفاده کرده‌اند [۱۳].

---

<sup>۱</sup> . Christopher Shay

حال اگر بخواهیم میزان خشونت غیرمسلحانه را در رویدادهای اعتراضی به جای کارزارهای فراگیر - که معمولاً شامل چندین رویداد می‌شود - در نظر بگیریم، خشونت غیرمسلحانه از این هم نادرتر میشود. برای مثال از میان ده‌ها هزار رویداد اعتراضی که در تابستان ۲۰۲۰ در ایالات متحده رخ داد، بیش از ۹۷ درصد آنها یکسره بدون خشونت بودند. این واقعیت در حالی صادق است که پلیس هزاران معترض را در آن دوره دستگیر کرد و صدها نفر دیگر را مورد حمله قرار داد و زخمی کرد - و اینکه نیروهای مسلح ضدشورش در پاره‌ای از موارد سعی در تحریک، حمله یا ترساندن تظاهرکنندگان داشتند.[۱۴]

### چند نمونه از کمپین‌هایی که با فوران خشونت غیرمسلحانه همراه بوده است چه مواردی بوده‌اند؟

جنبش همبستگی لهستان که اغلب به عنوان نمادی از مقاومت بدون خشونت و منضبط چنددهه‌ای در نظر گرفته می‌شود، در اصل از زمانی آغاز شد که لخ والسا<sup>۱</sup>، کارگر جوان کارخانه کشتی‌سازی<sup>۲</sup> در اقدام نافرمانی خود به سوی مدیر مورد حمایت حزب کمونیست در کارخانه رفت و با مشت به بینی وی کوبید.

در جریان مبارزات دموکراسی خواهانه هنگ‌کنگ در سال ۲۰۱۹، اکثریت قریب به اتفاق کنشگران جنبش دموکراسی خواهی این کشور دست به اعتراض زدند و به انجام راهپیمایی، تظاهرات و اعتصاب پرداختند و بدون توسل به خشونت با سببیت و

---

۱. Lech Walesa,

۲. کارخانه کشتی‌سازی شهر گدانسک که پیشتر با نام کشتی‌سازی لنین شناخته می‌شد در شمال لهستان قرار دارد و به عنوان کانون جنبش همبستگی لهستان به شمار می‌آید. لخ والسا در این کارخانه یک تکنیسین ساده برق بود - م.

خشونت پلیس روبرو شدند. با این وجود اقلیت کوچکی از معترضان در درگیری‌هایی خودجوش و آنی با پلیس درگیر شده یا به رهگذران چینی حمله‌ور شدند.

در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر نیز شاهد موارد خشونت غیرمسلحانه بوده‌ایم. فعالان و مبارزان جوان در قاهره با الهام از جنبش همزمانی که علیه بن علی در تونس در جریان بود، شروع به برنامه‌ریزی تظاهرات مشابهی با هدف برکناری رئیس‌جمهور این کشور، حسنی مبارک کردند. اعتراضات در ۲۵ ژانویه زمانی آغاز شد که گروهی از فعالان جوان، راهپیمایی مخفیانه‌ای را به سمت میدان تحریر در مرکز قاهره سازماندهی کردند و این میدان را به اشغال خود درآوردند. تظاهرات به سرعت گسترش یافت و درحالی‌که در ابتدا توسط مردان جوان رهبری می‌شد، در ادامه به تنوعی باورنکردنی دست یافت و مسلمانان و مسیحیان، زنان و رهبران اکثر گروه‌های سیاسی و اجتماعی مهم از جمله گروه غیرقانونی اخوان المسلمین نیز در آن مشارکت کردند. نیروهای امنیتی مصر به طرق مختلف تلاش کردند تا تظاهرات را سرکوب کنند؛ در ابتدا با کمک پلیس ضدشورش که با باتوم، گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش به مقابله با معترضین می‌پرداخت و در ادامه با استفاده از نیروهای خودسر و آتش‌به‌اختیاری که در ازای دریافت مبلغی پول با قمه، چاقو و اسلحه به اردوگاه‌های مردمی در میدان تحریر حمله می‌کردند. اگرچه اکثریت قریب به اتفاق مصری‌ها از توسل به خشونت اجتناب کردند، اما برخی از معترضان جوان در دفاع از خود دست به خشونت زدند و با نیروهای پلیس و اوباش خودسر به زدوخورد پرداختند و چندین ایستگاه پلیس را نیز به آتش کشیدند. در روزهای ۸ و ۹ فوریه در اقدامی سرنوشت ساز، اتحادیه‌های کارگری با ده‌ها هزار کارگر اعتصابی، از کارخانه‌های اطراف مصر به جنبش پیوستند و حمایت خود از معترضان در میدان تحریر را نشان دادند و همزمان خواستار افزایش دستمزد و شرایط کاری بهتر

شدند. در ۱۱ فوریه و تحت فشار ارتش، مبارک استعفاء داد و قدرت را به شورای عالی نیروهای مسلح<sup>۱</sup> واگذار کرد.

در فوریه ۲۰۱۷ نیز در دانشگاه کالیفرنیا<sup>۲</sup> در برکلی<sup>۳</sup>، پس از اینکه گروهی از فعالان ضدفاشیست<sup>۴</sup> با استفاده از تاکتیک‌های بلوک سیاه سخنرانی برنامه‌ریزی شده میلو یانوپولوس<sup>۵</sup>، راست‌گرای افراطی را در محوطه دانشگاه برهم زدند، اعلام پیروزی کردند. حدود ۱۵۰۰ معترض در میدان اصلی محوطه دانشگاه برکلی تجمع کرده و سعی کردند از ورود افراد به ساختمان جلوگیری کنند. خیلی زود حدود ۱۵۰ تظاهرکننده ضدفاشیست نیز به صحنه آمدند. آنها در جریان مصاحبه‌های زنده تلویزیونی به چندین تن از حامیان یانوپولوس حمله کردند، فنس‌های فلزی را پاره کردند و به پرتاب سنگ، کوکتل مولوتف و مواد آتش‌زا به سوی پلیس پرداختند و چندین ساختمان مجاور را نیز تخریب کردند. در جریان این اقدامات شش نفر مجروح شدند و سخنرانی یانوپولوس نیز لغو شد. این خشونت به شکل گسترده‌ای از سوی مقامات ملی، ایالتی و محلی محکوم شد. اما حامیان آنتیفا این رویداد را به عنوان شاهدهی از این که چگونه اعمال خشونت‌آمیز می‌تواند مکمل مؤثری برای جنبش‌های توده‌ای غیرخشونت‌آمیز در جهت سلب توانایی فاشیست‌ها برای جلب همدردی و حمایت باشد، جشن گرفتند.

---

۱ . Supreme Council of the Armed Forces

۲ . University of California

۳ . Berkeley

۴ . antifa

۵ . Milo Yiannopolous

## آیا همه کمپین‌های بدون خشونت به طور ضمنی تهدید به خشونت نمی‌کنند؟

برخی افراد بدبین استدلال می‌کنند که قدرت واقعی مقاومت مدنی بدون خشونت، تهدید نهفته و بالقوه موجود در خشونت توده‌ایست که قدرت مردم باعث می‌شود. در این دیدگاه زمانی که مردم به شکل دسته‌جمعی قیام می‌کنند، در واقع این پیام را مخابره می‌کنند که اگر تصمیم بگیرند سلاح به دست بگیرند می‌توانند آسیبی جدی به جامعه وارد کنند- و این اقدامات غیرخشونت‌آمیز به منزله یک هشدار است: خواسته‌های ما را برآورده کنید و گرنه با عواقب آن روبرو می‌شوید.

سه مشکل عمده در این استدلال وجود دارد. اول، عدم پشتیبانی تجربی از این دیدگاه است. اگر این منطق درست بود، باید به طور مرتب شاهد تبدیل جنبش‌های مقاومت مدنی سرخورده به مبارزات مسلحانه می‌بودیم. اما تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که این اتفاق به ندرت رخ می‌دهد. از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۳، از میان ۳۸۴ کمپین مقاومت با هدف سرنگونی دولت، تنها ۱۳ مورد (۳٫۴٪) از جنبش‌های مقاومت بدون خشونت پایدار به درگیری‌های مسلحانه تبدیل شدند [۱۵].

از میان ۲۱۱ جنگ داخلی که در پایگاه داده ما مستند شده است، تنها ۶٫۲ درصد آنها دست‌کم در دوره یک‌سال پیش از تشدید خشونت‌ها، به مقاومت بدون خشونت متکی بوده‌اند؛ از جمله الجزایر- که مبارزات استقلال‌طلبانه آن علیه فرانسه از یک کارزار عمدتاً غیرخشونت‌آمیز به یک جنگ داخلی در سال ۱۹۵۴ تبدیل شد، جنبش ملی‌گرای عربی یمن در جنوب یمن (۱۹۶۳)، مبارزه چپ‌گرایان گواتمالا (۱۹۶۵)، مبارزه استقلال‌طلبان ایرلند شمالی (۱۹۶۹)، مبارزه چپ‌گرایان السالوادور (۱۹۸۰)، جنبش استقلال صحرای غربی (۱۹۸۲)، مبارزات ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی (۱۹۸۴)،

انتفاضه اول فلسطینیان (۱۹۹۳)، و معدودی از موارد دیگر. اما ۹۳٫۸ درصد دیگر از درگیری‌های مسلحانه با تلاش‌هایی اندک یا بدون هیچ تلاش پایداری برای مقاومت مدنی [پیش از دست زدن به مبارزه مسلحانه] آغاز شده‌اند. پس این امر یک استثناست نه قاعده.

دوم اینکه اکثر افرادی که در جنبش‌های مقاومت توده‌ای بدون خشونت و مدنی شرکت می‌کنند، همان کسانی نیستند که با میل خود به یک قیام سازمان یافته مسلحانه می‌پیوندند. گروه‌های شبه‌نظامی که مبارزات مسلحانه را براه می‌اندازند به ندرت از همان افرادی تشکیل می‌شوند که کازراه‌های غیرخشونت‌آمیز را سازماندهی کرده‌اند. ظهور ارتش جمهوری خواه موقت ایرلند در ایرلند شمالی که قبلاً به آن اشاره کردم، نمونه‌ای گویاست. مبارزان مسلح با مشاهده گشایش سیاسی که با فول انجمن حقوق مدنی ایرلند شمالی پیش آمده بود، شروع به پیشبرد مبارزات چریکی شهری و رادیکال‌تر کردن هر چه بیشتر مطالبات خود کردند و از جمله خواستار آزادگذاشتن ایرلند شمالی برای جداشدن از بریتانیا و پیوستن به جمهوری ایرلند یا استقلال کامل آن شدند. در پاسخ میلیشیای پروتستان‌های واپس‌گرایی که می‌خواستند ایرلند بخشی از بریتانیا باقی بماند، کارزار خشونت‌آمیز خود برای مقابله با ارتش جمهوری خواه و شاخه‌های آن را آغاز کردند. مورد ایرلند شمالی نکته سوم را نیز به خوبی نشان می‌دهد. در بیشتر مواردی که قیامی غیرخشونت‌آمیز تبدیل به یک جنگ داخلی شده است، دولت‌ها و حامیان مسلح آن‌ها معمولاً آنهایی بوده‌اند که بیشترین تلاش را برای تشدید درگیری‌ها انجام داده‌اند. این نکته با این واقعیت تقویت می‌شود که سرکوب‌های دولتی غالباً فعالیت‌های غیرخشونت‌آمیز را مورد هدف قرار داده یا به حاشیه می‌برند و [به این ترتیب] به گروه کوچکی از رادیکال‌ها جسارت این را می‌بخشند تا از خلاء سیاسی موجود استفاده کرده و یک واکنش متقابل مسلحانه را سازمان‌دهی کنند.

برای مثال در سوریه و از مارس ۲۰۱۱، مخالفان غیرمسلح برای سرنگونی حکومت استبدادی رئیس جمهور بشار اسد، برقراری دموکراسی و محاکمه وی و نیروهای امنیتی‌اش به دلیل قتل و شکنجه مخالفان صلح‌طلب دست به اعتراضات بدون خشونت زدند. در پاسخ، اسد کارزار ضدشورش زمین‌سوخته<sup>۱</sup> را علیه تظاهرکنندگان غیرمسلح براه انداخت و آنها را به گلوله بست و همزمان شبیحه‌ها<sup>۲</sup> (شبه نظامیان طرفدار دولت) را برای قتل و مجروح کردن مخالفان سیاسی و خانواده‌های آنها گسیل کرد و ده‌ها هزار نفر از مخالفان سیاسی مشکوک خود را دستگیر کرد، شکنجه نمود و به قتل رساند. پس از اینکه اسد در طول ۹ ماه این جنایات را علیه غیرنظامیان ادامه داد، کارزار مقاومت مدنی سوریه به کل منحل شد یا به فعالیت‌های زیرزمینی روی آورد و از آن طرف، ارتش آزاد سوریه، گروه‌های مرتبط با القاعده مانند جبهه النصره، دولت اسلامی در عراق و سوریه و سایر گروه‌های مسلحی که از شبه‌نظامیان محلی تشکیل می‌شدند، جای خالی آنرا پر کردند. با تشدید درگیری‌ها، اسد با خشونت بی‌رویه و افسارگسیخته‌تر پاسخ داد، خانه‌ها و محله‌های شهرها را با آتش توپخانه ویران کرد، بمب‌های بشکه‌ای را بر روی مناطق پرجمعیت غیرنظامی انداخت، با سلاح‌های

---

<sup>۱</sup> scorched-earth . سیاست زمین‌سوخته یک استراتژی جنگی است که به موجب آن نیروهای مسلحی که عقب نشینی کرده‌اند، تمام شهرها، تأسیسات، کشاورزی، مسیرهای حمل‌ونقل و زیرساخت‌های عمومی را تخریب یا ویران می‌کنند تا نیروهای پیشروی دشمن یا جمعیت متخاصم از مواد غذایی، سرپناه، سوخت، ارتباطات و سایر منابع ارزشمندی که ممکن است برایشان مفید باشد، محروم شوند-م

<sup>۲</sup> . shabiha



شیمیایی به شهرهایی مانند غوطه حمله کرد و جنگی محاصره‌ای را علیه شهرهایی مانند حلب، حمص<sup>۱</sup> و برخی مناطق حومه دمشق نظیر داریا<sup>۲</sup> و معضمیه<sup>۳</sup> براه انداخت. چهارم اینکه این خود اقتدارگرایان هستند که معمولاً ادعا می‌کنند هرگونه اعتراض غیرخشونت‌آمیزی تهدیدی واقعی و پنهان در راستای شورش مسلحانه است. آنها [با این کار] می‌کوشند مخالفانشان را بی‌اعتبار و نامشروع جلوه دهند. این مستبدان با محکوم کردن معترضان مسالمت‌آمیز باعنوان گروه‌های «افراطی» یا «تروریست»، می‌کوشند خود را محافظ و حامی مردم معرفی کرده و از این طریق وفاداری جمعیت در رژیم خود را تقویت کنند. آنچه در ترکیه در جریان قیام پارک گزی<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۳ اتفاق افتاد را در نظر بگیرید. در ابتدای امر فعالان تظاهراتی را برای مقاومت در برابر طرح دولت برای تبدیل پارک عمومی محبوب گزی به یک پارکینگ خودرو سازماندهی کردند. اما زمانی که پلیس با ضرب و شتم وحشیانه، گلوله‌های پلاستیکی و گاز اشک‌آور به تظاهرکنندگان حمله کرد و صدها نفر را دستگیر کرد، تظاهرات به قیام گسترده‌ای تبدیل شد و خواستار استعفای رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه شد. با این حال تظاهرکنندگان با وجود این که پلیس ضدشورش غیرنظامیان ترک را در خیابان‌ها به قتل می‌رساند و مجروح می‌کرد، آرام ماندند. اردوغان طبق روال معمولش معترضان بدون خشونت درگیر در قیام پارک گزی را تروریست و اوباش خطاب کرد. روند مشابهی در روسیه نیز رخ داده است که در آن رئیس جمهور ولادیمیر پوتین طی ده سال گذشته با جنبش‌های کوچک دموکراسی خواه روبرو بوده است. در سال ۲۰۱۹ گروهی از

---

۱. Homs

۲. Darayya

۳. Muadamiyat

۴. Gezi Park

فعالان دموکراسی خواه در جریان یک تظاهرات به سرعت دستگیر شدند و طبق قوانین شدیداً ظالمانه تروریسم<sup>۱</sup> در روسیه، به جنایت علیه دولت متهم شدند. در ایالات متحده نیز دولت دونالد ترامپ به طور معمول مخالفان سیاسی لیبرال و چپ‌گرا را به لفاظی‌های خشونت‌آمیز متهم می‌کند و علی‌رغم ماهیت صلح‌آمیز فعالیت‌های سیاسی چپ‌گرایان هشدار می‌دهد که کشور در آستانه یک جنگ داخلی است. پیامی که می‌شود به دولت‌هایی داد که با قیام‌های غیرخشونت‌آمیز روبرو هستند، ساده است: اگر جنگ داخلی نمی‌خواهید، آنرا شروع نکنید. اما صاحبان قدرت می‌دانند که اقدامات غیرخشونت‌آمیز توده‌ای بیش از ناآرامی‌های خشونت‌آمیز آنها را تهدید می‌کند. دقیقاً به همین دلیل است که اقتدارگرایان تا این حد می‌کوشند تا فعالان و مبارزان مدنی را خائنانی خشونت‌طلب معرفی کنند- و جنبش‌های بدون خشونت را تحریک به خشونت کنند

### آیا برخی از خشونت‌های حاشیه‌ای به موفقیت جنبش‌ها کمک می‌کند؟

برخی از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که برخی از خشونت‌های حاشیه‌ای غالباً به کمپین‌های مقاومت مدنی کمک می‌کنند. اما دیگران شک و تردید بیشتری در این باره

---

<sup>۱</sup> Terrorism Laws . این قانون که فعالان مخالف و مدافعان حقوق بشر آن را غیرقانونی و ابزاری صریح برای سرکوب مخالفان خوانده‌اند شامل اقدامات تشدیدکننده مجازات برای افراط‌گرایی و تروریسم، افزایش قابلیت‌های نظارتی دولت و مجرم‌شناخت شدن فرد در صورت عدم اطلاع به مقامات در مورد برخی جرایم خاص است. این قانون دسترسی دولت به ارتباطات خصوصی را افزایش می‌دهد و شرکت‌های مخابراتی را ملزم می‌کند تا تمام مکالمات تلفنی، پیام‌های متنی، ویدیوها و پیام‌ها (ادامه از صفحه پیشین) تصویری را به مدت شش ماه ذخیره کنند و این داده‌ها را در اختیار مقامات قرار دهند و سرویس‌های پیام‌رسان رمزگذاری شده مانند اسکایپ، تلگرام و واتس‌آپ، طبق قانون ملزم به ارائه کلید رمزگذاری به مقامات هستند.

دارند. جدول ۳-۱ خلاصه یافته‌های پژوهش‌ها پیرامون تأثیرات تاکتیکی و استراتژیک خشونت حاشیه‌ای را ارائه می‌دهد.

جدول ۳-۱ مزایا و مضرات خشونت حاشیه‌ای برای کمپین‌های مقاومت مدنی

| مزایای خشونت حاشیه‌ای   | مضرات خشونت حاشیه‌ای   |
|---|--|
| تأثیرات تاکتیکی (کوتاه مدت)   | جلب توجه سریع و فوری رسانه‌ها به کارزار، باعث می‌شود پلیس و نیروهای امنیتی منابع بیشتری را برای کنترل یا مهار وضعیت صرف کنند، مبارزهٔ متقابل گاهی اوقات می‌تواند از دستگیری، حمله به یا مرگ افراد جلوگیری کند، می‌تواند رویدادی را به طور کامل تعطیل یا متوقف کند، به هماهنگی و توافق کمتری بین شرکت‌کنندگان کمپین، پیش از رویداد نیاز هست. به عاملان فردی اجازه تصمیم‌گیری و عمل در لحظه را میدهد.  |
| تأثیرات استراتژیک (بلند مدت)  | بیان عزم و اراده جنبش، بیان ظرفیت جنبش برای ایجاد اختلال و درگیری، ایجاد آگاهی نسبت به یک ادعا یا بی‌عدالتی، پیوند میان شرکت‌کنندگان رادیکال جنبش را مستحکم‌تر می‌کند، باعث افزایش ترس و کاهش روحیه نیروهای امنیتی می‌شود، فرهنگ مخالفت را در میان شرکت‌کنندگان تقویت می‌کند و منجر به تعهد طولانی مدت به گروه و اهداف آن می‌شود. باعث جذاب جلوه دادن عناصر معتدل‌تر جنبش شده و فرصت‌های چانه زنی را برای آنها [در مقابل دشمن] باز می‌کند، هم سو با اصول آزادی و خودمختاری به افراد استقلال کامل می‌دهد. |
| معمولاً متحدها و هواداران بالقوه را از خود دور می‌کند، نشانگر هرج و مرج یا قصد آسیب رساندن به حریف، ناظران و رهگذران یا هر دو است. ایجاد سردرگمی پیرامون ادعاها یا بی‌عدالتی (ادعایی) کرده و جنبش را در معرض اتهام تزویر و دو رویی قرار می‌دهد، میان حامیان جنبش شکاف ایجاد کرده و صداها را که خواستار اقدامات بدون خشونت هستند خاموش می‌کند، احتمال رویگردانی و تمرد را کاهش می‌دهد، تنوع شرکت‌کنندگان و حامیان را کاهش می‌دهد، منجر به سرکوب شدیدتر و یکدست‌تر [بدون هیچ گونه تبعیضی] می‌شود، مردم را دور نگه می‌دارد، خطر تشدید تنش مسلحانه و جنگ داخلی را افزایش می‌دهد، شانس اصلاحات دموکراتیک پس از پایان مبارزات را کاهش داده و احتمال عقب‌نشینی دیکتاتوری را در انتها تضعیف می‌کند. |  |

ابتدا به مزایا نگاهی انداخته و از تأثیرات فوری و مستقیم خشونت حاشیه‌ای شروع می‌کنیم. رویدادهای خشونت‌آمیز قطعاً توجه سریع و فوری رسانه‌ها را به خود جلب می‌کند. خشونت گاهی اوقات به یک جنبش کمک می‌کند تا در کانون توجه عمومی قرار بگیرد و از این طریق ادعاهای خود را به مخاطبانی هرچه وسیع‌تر منتقل کند. در واقع این همان چیزی است که افراد درگیر به عنوان هدف خود از اعمال خشونت اعلام می‌کنند؛ پوشش گسترده و پررنگ رسانه‌ای خسارت به اموال، درگیری‌های خیابانی و به آتش کشیدن وسایل. در پژوهشی در سال ۱۹۸۴ پیرامون جنبش حقوق مدنی آمریکا، هربرت هاینز<sup>۱</sup> جامعه‌شناس، استدلال کرد که شورش‌ها و سایر فعالیت‌های ستیزه‌جویانه جنبش قدرت سیاه‌پوست و جهت‌عمومی آنرا تقویت کرده و توجهات بیشتری را به خواسته‌های آن جلب نموده است. [۱۶] و نیز در سال ۲۰۱۷ و پس از شکستن شیشه‌ها، درگیری با تظاهرکنندگان راست اقراطی، و پرتاب اشیاء به سمت پلیس در نزدیکی محل برگزاری مراسم تحلیف ترامپ در واشنگتن دی‌سی، فردی که خود را آنارشیزست خطاب می‌کرد در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز از تاکتیک‌های خشونت‌آمیز گروهش دفاع کرد و گفت که اعتراضات آنها موفقیت‌آمیز بوده است چرا که باعث شده ایستگاه‌های تلویزیونی حتی برای مدتی کوتاه در پخش زنده مراسم افتتاحیه وقعه ایجاد کنند [۱۷].

برخی تحقیقات نشان می‌دهند که شورش‌ها و درگیری‌های خیابانی می‌توانند آنچه به طور معمول در خیابان‌ها رخ می‌دهد را مختل کرده و در نتیجه پلیس و نیروهای امنیتی را مجبور به صرف زمان، منابع و انرژی بیشتر برای پاسخ به خشونت‌ها کنند [۱۸].

---

<sup>۱</sup> . Herbert Haines

حامیان خشونت حاشیه‌ای اغلب استدلال می‌کنند که اقدامات آنها به دفاع و محافظت از دیگران کمک می‌کند. این استدلال اینگونه ادامه می‌یابد که دشمن معمولاً آنقدر قدرتمند و سرسخت است که کسانی که دست به مقاومت می‌زنند باید همه تاکتیک‌ها را [برای مقابله] در دسترس خود داشته باشند. برای مثال در طول راهپیمایی گردهمایی اتحاد راست‌گرایان<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۷ در شارلوتزویل<sup>۲</sup>، ویرجینیا، تجمع‌کنندگان فاشیست و برتری‌طلبان سفیدپوست مسلح، با مشت، چماق و سایر سلاح‌های دست‌ساز به معترضان بدون خشونت [علیه این گردهمایی] حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. برای محافظت از این معترضان، گروهی از فعالان ضدفاشیست و سوسیالیست، بدون سلاح به مقابله به مثل پرداختند. آنها استدلال می‌کردند که در صورتی که تنها به اقدامات منضبط بدون خشونت دست می‌زدند، تنفر و بیرازی شدید [افرادی که بدنبال محافظت در برابر خشونت‌ها بودند را] موجب می‌شدند.

تمایل به استفاده از خشونت برای برهم زدن یا توقف یک رویداد می‌تواند در کوتاه‌مدت و به طور موقت، گروهی را از تریبون‌ها یا مخاطبان خود محروم کند. [۱۹] بسیاری از گروه‌های ضدفاشیست معاصر از اقدامات ضدفاشیستی مختلف در اروپا در طول قرن بیستم الهام گرفته‌اند. برای مثال آنتی‌فاشیست‌های بریتانیایی اغلب با گروه‌های فاشیست انگلیسی «پیراهن سیاه»<sup>۳</sup> که در مکان‌های عمومی سخنرانی می‌کردند درگیر می‌شدند. هدف این بود که این گروه‌ها را از امکان گسترش ایدئولوژی‌های خود، جذب اعضای جدید و افزایش قدرت و نفوذشان بازدارند. برخی از تکنیک‌های آنها در توقف رژه‌ها و راهپیمایی‌های نازی‌ها نسبتاً مؤثر بود. به عنوان مثال

---

۱. Unite the Right Rally

۲. Charlottesville

۳. black-shirt

آنتی فاشیست‌های معاصر اغلب به نبرد کیبل استریت<sup>۱</sup> - رویارویی بزرگی که بین گروه‌های کمونیست، سوسیالیست، آنارشویست و یهودیان، پلیس متروپولیتن لندن<sup>۲</sup> و ائتحدیه فاشیست‌های بریتانیا<sup>۳</sup> در اکتبر ۱۹۳۶ در شرق لندن رخ داد، اشاره می‌کنند. اسوالد موزلی<sup>۴</sup>، رهبر ائتحدیه فاشیست‌های بریتانیا قصد داشت چندین هزار فاشیست پیراهن سیاه را برای راهپیمایی در محله‌ای با جمعیت انبوهی از یهودیان سازماندهی کند. با وجود اعتراضات ساکنان محله ایست اند<sup>۵</sup>، وزیر کشور بریتانیا<sup>۶</sup> اجازه داد راهپیمایی ادامه یابد و هزاران پلیس متروپولیتن برای محافظت از فاشیست‌ها و حفظ نظم عمومی در حالت آماده باش قرار گرفتند. حدود بیست هزار سوسیالیست، کمونیست، آنارشویست و گروه‌های یهودی با ایجاد راه‌بندان و با استفاده از چوب، پایه‌های میز و سایر سلاح‌های دست‌ساز با چندین هزار پلیس لندنی درگیر شدند. ساکنان محله زباله‌ها، فاضلاب‌ها و گلدان‌های خود را از بالای بالکن خانه‌هایشان بر روی سر پلیس‌ها می‌انداختند. این آشوب‌ها عملاً مانع از ادامه راهپیمایی شد و ائتحدیه فاشیست‌ها متفرق شدند. گروه‌های ضدفاشیست در بریتانیا به خلیل‌آفرینی و حمله به موزلی و فاشیست‌هایش در موارد دیگر نیز ادامه دادند و در نهایت از گسترش پایگاه سیاسی وی و گروهش جلوگیری کردند. ضدفاشیست‌های معاصر اثربخشی

---

<sup>۱</sup> . Battle of Cable Street

<sup>۲</sup> . London Metropolitan (Met) Police

<sup>۳</sup> . British Union of Fascists (BUF)

<sup>۴</sup> Oswald Mosley . سر اوزالد موزلی، عضو پارلمان و شاخص‌ترین رهبر فاشیست‌های بریتانیا که در ۱۹۳۲ ائتحدیه فاشیست‌های بریتانیا را به عنوان مهم‌ترین گروه فاشیستی این کشور بنیان نهاد-م.

<sup>۵</sup> . East End

<sup>۶</sup> . British Home Secretary

تاکتیکی جنبش‌های چریکی پارتیزانی که در طول جنگ جهانی دوم با نازی‌ها در سراسر اروپا می‌جنگیدند را نیز یادآوری می‌کنند تا دلیلی بیاورند بر اینکه چرا جنبش‌های ضدفاشیستی به طور خاص، باید از هر وسیله‌ای برای توقف فاشیسم استفاده کنند.<sup>[۲۰]</sup> یکی از اعضای آنتیفا در مورد فراخوان‌ها برای اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه جنبش‌های نئوفاشیستی امروزی چنین گفت: «این شیوه از مبارزه به چیزی چیز "فقط دست روی دست بگذارید و منتظر بمانید تا بگذرد." منتهی نمی‌شود، در صورتی که واقعاً با منتظر ماندن چیزی عوض نمی‌شود».<sup>[۲۱]</sup>

یکی دیگر از استدلال‌های رایج این است که جناح‌های خشونت‌طلب برای محافظت از فعالان مدنی در برابر نیروی پلیس تادندان مسلح ضروری هستند، به خصوص زمانی که عموم مردم نسبت به رنج و مشقتی که تحمل می‌کنند خنثی یا بی‌تفاوت باشند. در این دیدگاه، فعالان - به ویژه فعالان جوامع محروم و حاشیه‌ای - باید بتوانند از انواع تاکتیک‌ها برای محافظت از خود استفاده کنند، از اینرو کسانی که مایل به پذیرش خطر و درگیر شدن با مقامات هستند باید اجازه انجام این کار [اخذ انواع تاکتیک‌ها] را داشته باشند. به عنوان مثال، در کتاب این چیزمیزهای بدون خشونت شما را به کشتن می‌دهد<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، ریموند کاب<sup>۲</sup>، فعال سیاسی استدلال می‌کند که خشونت غالباً برای محافظت از فعالان مدنی در برابر بدترین سوءاستفاده‌ها و خطرات ضروری است.<sup>[۲۲]</sup> حامیان خشونت حاشیه‌ای اغلب به این نکته اشاره می‌کنند که دکتر مارتین لوتر کینگ نیز در ابتدای فعالیت خود در جنبش حقوق مدنی آمریکا، همواره یک اسلحه<sup>۳</sup> پر در خانه نگه می‌داشت و نگهبانانی مسلح را استخدام کرده بود تا از

<sup>۱</sup> . This Nonviolent Stuff'll Get You Killed

<sup>۲</sup> . Raymond Cobb

خانواده‌اش در برابر نیروهای سفیدپوست خودسر و برتری طلب محافظت کنند. دکتر کینگ بعدترها اسلحه و نگهبانان مسلح خود را کنار گذاشت و معتقد بود رهبری وی در جنبش نیازمند رویکردی کاملاً بدون خشونت است.

دیگر اینکه، اجازه دادن به بروز خشونت حاشیه‌ای به این معنی ست که جنبش‌ها می‌توانند بدون نیاز به هماهنگی یا توافقات پیشرفته در مورد نحوه رفتار شرکت‌کنندگان به پیشروی خود ادامه دهند. عدم خشونت منضبط غالباً نیازمند حجم زیادی از اجماع، هماهنگی و آموزش پیرامون مرزها و محدودیت‌های رفتاریست. اگر جنبش‌ها به عدم خشونت منضبط و قاعده‌مند پایبند نباشند، این منطق [عدم خشونت‌ورزی] باز هم ادامه می‌یابد، با این تفاوت که جنبش‌ها دیگر نیازی به سرمایه‌گذاری در چنین مراحل آماده‌سازی کمرشکن و دشواری‌نازاند و افراد می‌توانند خودشان تصمیم بگیرند که آیا بهتر است از تکنیک‌های بدون خشونت استفاده کنند یا برای محافظت از خود یا دیگران در برابر خشونت‌های شدید دولتی دست به خشونت متقابل بزنند. [۲۳] این رویکرد همچنین کسانی را که از مدافعان مقاومت بدون خشونت به‌عنوان افرادی بیش‌از حد جزم‌گرا و خواهان تسلط بر دیگران انتقاد می‌کنند، راضی نگه می‌دارد.

اجازه بروز خشونت حاشیه‌ای در جنبش می‌تواند ارزش‌های بلندمدتی نیز باخود به‌همراه داشته باشد. اول اینکه، برخی اصرار دارند که تنها خشونت است که بیانگر عزم و تعهد واقعی به یک هدف است. [۲۴] چرخش به سمت خشونت نشان‌دهنده این است که جنبش مایل و قادر است تا زمانی که خواسته‌هایش برآورده نشده به دیگران آسیب برساند. خشونت همچنین نشان‌دهنده عزم جنبش به پاس نکشیدن و تحمیل درد و رنج به دشمن تا زمان رسیدن به خواسته‌هایش است. در نتیجه برخی عناصر در داخل دولت خواهند کوشید راهی برای خروج از این بن‌بست بیابند و برای جلوگیری از بی‌ثباتی و خشونت طولانی مدت در کشور پای میز مذاکره بنشینند. به همین نحو برخی



از پژوهشگران اظهار کرده‌اند که حمله به پلیس یا نیروهای امنیتی می‌تواند این گروه‌ها را ترسانده و روحیه آنها را کاهش دهد و احتمال تمرّد یا شورش آنها را افزایش دهد [۲۵].

خشونت همچنین می‌تواند توجهات را به ظلم‌ها یا بی‌عدالتی‌های موجود به شیوه‌هایی جلب کند که اثرات سیاسی کوتاه‌مدت و بلندمدت داشته باشد. برای مثال رایان انوس، آرون کافمن و ملیسا ساندز استدلال کرده‌اند که شورش‌ها می‌توانند توجه ناظران [داخلی و بیرونی] را نسبت به بی‌عدالتی‌های اساسی جامعه جلب کرده و شهروندان را تشویق کنند تا به سیاستمداران و سیاست‌هایی رأی دهند که به ادعاهای جنبش پاسخ می‌دهند. [۲۶] به عنوان مثال در سال ۱۹۹۱، یکی از رهگذران از چهار افسر پلیس لس‌آنجلس که پس از تعقیب و گریزی با سرعت بالا، رادنی کینگ، مردی سیاه‌پوست و غیرمسلح را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند، فیلم گرفت. این فیلم، ویدئویی باورنکردنی و دردناک در سال‌های پیش از همه‌گیری تلفن‌های همراه و اینترنت بود. در واکنش به این اتفاق، محله جنوبی مرکزی لس‌آنجلس که عمدتاً سیاه‌پوست نشین بود، دست به شورش زد که چند روز به طول انجامید و به شهرهای دیگر نیز سرایت کرد. انوس، کافمن و ساندز دریافتند که در مناطقی که تحت تأثیر این شورش‌ها قرار داشتند، شهروندان سفیدپوست حتی چندین دهه پس از ناآرامی‌ها نیز به سیاستمداران لیبرال‌تری رأی می‌دادند که از طرح‌های عدالت نژادی حمایت می‌کردند. [۲۷] با این حال این مطالعه تأثیرات شورش‌ها را با اثرات اعتراض‌های کاملاً مسالمت‌آمیز علیه خشونت پلیس که در سرتاسر کشور در حال وقوع بود مقایسه نمی‌کند. در واقع مطالعاتی که بر روی جنبش حقوق مدنی صورت گرفته نشان داده

---

۱. Ryan Enos, Aaron Kaufman, and Melissa Sands

است که اعتراضات غیرخشونت‌آمیز نیز تأثیرات پایدار و مشابهی در سرتاسر کشور داشته‌اند [۲۸].

دیگر اینکه گروه‌های خشونت‌طلب می‌توانند پیوندهای محکمی بین افراد درگیر در مبارزات ایجاد کنند. برای مثال، لری آیزاک<sup>۱</sup> و همکارانش در مطالعه‌ای که بر روی فعالان کارگری مبارز و جنگ‌طلب انجام داده بودند، استدلال کردند که زمانی که مردم به نفع آرمان‌های رادیکال خود دست به تخریب اموال می‌زنند، شورش می‌کنند، یا در خیابان‌ها می‌جنگند، معمولاً در طول زندگی خود نیز به آن آرمان‌ها متعهد می‌مانند—اغلب به موقعیت‌های رهبری می‌رسند و دیگران را به فعالیت‌های مادام‌العمر [در راستای آن آرمان‌ها] تشویق می‌کنند. [۲۹] در برخی موارد اقدامات خشونت‌آمیز اثرات اجتماعی و فرهنگی عمیقی داشته و تعهد به مخالفت با سوءاستفاده از قدرت را در بین افراد [درگیر] افزایش داده است. به عنوان مثال، هوارد بارل<sup>۲</sup>، از فعالان سابق ضدآپارتاید در کنگره ملی آفریقا استدلال می‌کند که حملات چریکی که از سوی جناح مسلح کنگره ملی آفریقا بوقوع پیوست، به کسانی که دست به اقدامات مدنی می‌زدند جرأت و جسارت بخشید تا شجاع‌تر، اختلال‌آفرین‌تر و مبارزه‌طلب‌تر باشند [۳۰].

برخی از ناظران ادعا کرده‌اند که خشونت حاشیه‌ای به طرق غیرمستقیم‌تری نیز می‌تواند به نفع جنبش‌های مقاومت مدنی باشد. به‌ویژه، برخی استدلال می‌کنند که اگر جناح خشونت‌طلب، ظاهری ستیزه‌جویانه و سازش‌ناپذیر داشته باشد، جنبش مدنی ممکن است کمتر تهدیدآمیز جلوه کرده و از اینرو مذاکره با آن منطقی‌تر به نظر برسد. [۳۱] بسیاری از مردم پیروزی جنبش حقوق مدنی ایالات متحده را بر این اساس تفسیر

---

<sup>۱</sup>. Larry Isaac

<sup>۲</sup>. Howard Barrell

کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که مارتین لوتر کینگ به این دلیل توانست به اهرم فشاری در مقابل جان‌اف‌کندی و لیندون بی. جانسون در اوایل دهه ۱۹۶۰ دست پیدا کند که این رؤسای جمهور دریافته بودند که اگر دولت فدرال به کینگ و سایر گروه‌های صلح‌طلبی که از حقوق مدنی دفاع می‌کنند، پاسخ مناسبی ندهد باید با شبه‌نظامیان و مبارزان سیاه‌پوستی روبرو شود که خواسته‌های به مراتب رادیکال‌تری دارند.

سنت‌های ایدئولوژیک نیرومندی در پشت این استدلال‌ها نهفته است. برای مثال، سنت آنارشیستی هرگونه سلسله‌مراتب و اقتدار اجتماعی، رویکردهای «معمول» به سیاست مانند انتخابات، سیستم‌های قضایی و سیاست‌های اقتصادی لیبرال را به عنوان مواردی که به نحوی مفتضحانه فاسد و مخدوش هستند، رد می‌کند. آنارشیست‌ها معتقدند که تمام این سازوگرها بیشتر از زندگی و جان انسانها برای مالکیت و دارایی‌های خصوصی ارزش قائل هستند. آنها به نحوی مشابه تلاش‌های جنبش‌های مقاومت را برای کنترل و منضبط ساختن رفتار شرکت‌کنندگان، با اصطلاحی که پژوهشگر آنارشیست دیوید گرابر<sup>۱</sup> با لحنی تحقیرآمیز «پلیس صلح خشونت‌طلب»<sup>۲</sup> خطاب می‌کند، رد می‌کنند. [۳۲] درنهایت اینکه آنارشیست‌ها پروژه‌های سیاسی را نیز که به نظر آنها اصلاح‌طلبانه بوده یا همکاری با اعمال سلطه‌گرانه، خشونت‌آمیز و دولت‌محور محسوب می‌شوند رد می‌کنند؛ آنها به دنبال این هستند که وضعیت موجود را زیر و رو کرده، به سلطه و انقیاد مردم پایان دهند و به برابری کامل، خودمختاری و حق تعیین سرنوشت دست یابند. کسانی که از سنت‌های آنارشیستی الهام گرفته‌اند تنها نیستند. بسیاری از گروه‌ها- از جمله آن‌هایی که بر

<sup>۱</sup> . David Graeber

<sup>۲</sup> . violent peace-police

سلسله مراتب طبقاتی یا نژادی متمرکز هستند- انتقادات [به زعم خود] گروه‌های برجسته و ممتاز جامعه را دربارهٔ اینکه گروه‌های به حاشیه‌رفته چگونه می‌توانند و باید رفتار کنند را رد می‌کنند. برای مثال، با توجه به تاریخچهٔ برتری طلبی سفید و نژادپرستی در ایالات متحده، برخی از فعالان استدلال می‌کنند که درخواستها و فراخوان‌هایی که برای نظم و انضباط مدنی وجود دارد هم پدران و هم نژادپرستانه است- معادل این است که سفیدپوستان به سیاه‌پوستان بگویند خوب و مهربان باشند.

بی‌شک خشونت حاشیه‌ای گاهی اوقات مزایای تاکتیکی کوتاه‌مدتی دارد و اغلب پیوندهای همبستگی موجود در میان مبارزان رادیکال را تقویت می‌کند و می‌تواند دوربین‌های سیری‌ناپذیر رسانه‌های جریان اصلی را به سمت خود جذب کند. خشونت‌های حاشیه‌ای به اندازهٔ کافی باعث هرج‌ومرج و بی‌ثباتی شده است که دانشگاه‌ها، گروه‌های مدنی و حتی احزاب سیاسی افراطی را مجبور به لغو رویدادها و برنامه‌های خود کند. این شکل از مبارزه می‌تواند خشم، غیظ، ناامیدی، استقلال، خودمختاری و طرد کامل وضعیت موجود را به همگان نشان دهد. امتناع از اجرای نظم و انضباط بدون خشونت به افراد این فرصت را می‌دهد تا هرطور که می‌خواهند ابزار وجود کرده یا به دفاع از خود بپردازند.

با تمام اینها خشونت حاشیه‌ای می‌تواند خطرات تاکتیکی و مضرات بلندمدت جدی نیز به همراه داشته باشد. این موارد اهمیت زیادی دارد، زیرا تمام مزیت‌های تاکتیکی و استراتژیک کوتاه‌مدت خشونت، هزینه‌های مهمی به همراه دارد که حامیان خشونت غالباً آن‌ها را فراموش کرده یا نادیده می‌گیرند.

## آیا جناح‌های خشونت طلب کارزارهای مدنی را تضعیف می‌کنند؟

همان‌طور که در ستون سمت راست جدول ۳-۱ مشاهده می‌کنید، خشونت حاشیه‌ای می‌تواند کمپین‌های مقاومت مدنی غیرخشونت‌آمیز را به طرق مختلف، هم از جنبه تاکتیکی و هم استراتژیکی تضعیف کند.

بیباید در ابتدا به خطرات تاکتیکی خشونت حاشیه‌ای نگاهی بیاندازیم. شورش‌ها، درگیری‌های خیابانی و افرادی که اسلحه به دست می‌گیرند - چه به شکل احساسی و سنسجیده یا به شکل سازمان‌یافته - تقریباً همیشه نیروهای امنیتی را ترغیب می‌کنند که فوراً واکنش نشان دهند. و در این برخوردهای مستقیم نیروهای امنیتی معمولاً دست بالا را دارند. [۳۳] سرکوب‌های امنیتی، خواه با شلیک گاز اشک‌آور و گلوله‌های لاستیکی باشد یا گلوله‌های جنگی واقعی، تقریباً همیشه نه تنها افراد درگیر در جنگ‌های خیابانی یا سایر خشونت‌ها، بلکه تعدادی از اکثریت شهروندان صلح‌جو را نیز هدف قرار می‌دهند. به عبارت دیگر افراد زیادی ممکن است صدمه ببینند، دستگیر شوند یا کشته شوند، با این وجود که به اختیار خود این خطرات را نپذیرفته بودند [۳۴].

دوم اینکه اگرچه خشونت تقریباً همواره توجه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کند، اما این توجه لزوماً جنبش را در نور همدلانه مخاطبان قرار نمی‌دهد. خشونت ورزی معمولاً کانون توجه را از خواسته‌های اصلی جنبش به خود خشونت منحرف می‌کند. به دلیل نحوه عملکرد مغز انسان، زمانی که بینندگان خشونت یا تخریب اموال عمومی را مشاهده می‌کنند، درک درست و معتبر از خواسته‌های معترضان برایشان دشوار می‌شود. این ناظران غالباً تصور می‌کنند که افراد خشونت طلب [تنها] قصد آسیب رساندن به دیگران را دارند - و این احتمال را که اهداف جنبش ممکن است عادلانه و درست باشند را در نظر نمی‌گیرند یا اساساً نمی‌توانند چنین کنند [۳۵].

بررسی تأثیرات استراتژیک بلندمدت خشونت حاشیه‌ای کمی آسان‌تر است - تا حدّی به این دلیل که ما داده‌های زیادی برای مقایسه اتفاقات و نتایج متعاقب کارزارهایی با و بدون خشونت حاشیه‌ای در اختیار داریم. از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹، ۶۵ درصد از کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز بدون خشونت حاشیه‌ای موفق به سرنگونی رژیم‌ها یا به دست آوردن خودمختاری [یا استقلال] شده‌اند. تکیه بر روش‌های غیرخشونت‌آمیز به جنبش‌ها کمک کرده است تا توده‌های مردم از طبقات متفاوت جامعه را به نحوی فعّالانه درگیر خود کنند. در مقابل، تنها ۳۵ درصد از کمپین‌های غیرخشونت‌آمیزی که تا اندازه‌ای خشونت‌های حاشیه‌ای داشته‌اند، به موفقیت رسیده‌اند.

این شکاف به چه دلیل است؟ دلایل فراوان است. اولاً اینکه خشونت حاشیه‌ای معمولاً به این معنی است که افراد کمتری خود را با اهداف جنبش درگیر کرده‌اند [و می‌کنند] و همان افراد درگیر نیز همگن‌تر و یکدست‌تر هستند - که این خود مزیت اصلی جنبش‌ها را که در مقاومت مدنی غیرخشونت‌آمیز وجود داشت تضعیف می‌کند<sup>۱</sup>. در واقع کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز با خشونت حاشیه‌ای، به طور میانگین حدود ۱۷ درصد کمتر از کمپین‌های مقاومت مدنی بدون خشونت که شامل چنین خشونت‌هایی نبودند، شرکت‌کنندگان را به خود جذب کرده‌اند. [۳۶] به نحوی مشابه، بروز خشونت در یک سال خاص در جنبش باعث کاهش مشارکت در آن جنبش در سال بعد می‌شود. [۳۷] این روندها به مطالعاتی پیرامون جنبش‌های انقلابی اشاره دارند که در آنها خشونت‌ها در مقیاسی بزرگ در کنار کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز رخ داده‌اند. با این حال پژوهشگرانی که کارزارهای اصلاح‌طلبانه و رویدادهای اعتراضی را در زمینه‌های مختلف ملی و فرهنگی نیز بررسی کرده‌اند به نتیجه یکسانی رسیده‌اند.

---

۱. منظور تعدّد و تنوع مشارکت‌کنندگان است - م.

زاکاری اشتاینرت-ترکلد، جونگسوک جو و الکساندر چان<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) با استفاده از داده‌های رسانه‌های اجتماعی پیرامون تمامی رویدادهای اعتراضی ثبت شده و واکنش‌های دولت در بیست و چهار شهر از پنج کشور بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ دریافتند که خشونت معترضان باعث کاهش تعداد جمعیت فعال در رویدادها و اعتراضات بعدی می‌شود.

چرا؟ چندین دلیل وجود دارد. اولاً اینکه خشونت معترضان اعتراضات را از لحاظ فیزیکی نه تنها برای کسانی که دست به خشونت می‌زنند بلکه برای همه افراد خطرناک‌تر می‌کند. البته اقدامات غیرخشونت‌آمیز نیز همواره با خطراتی همراه است. اما خشونت معترضان این خطرات را به نحو چشمگیری افزایش می‌دهد و همواره نیروهای امنیتی را وادار می‌کند تا با تاکتیک‌های سرکوب‌گرایانه و قهری نظیر شلیک گاز اشک‌آور و گلوله‌های لاستیکی، ضرب و شتم با باتون و چماق، دستگیری‌های دسته جمعی و شلیک گلوله‌های واقعی عکس‌العمل نشان دهند [۳۸]

دوم اینکه بر مبنای مطالعات تاریخی می‌دانیم که مردم تمایل بیشتری دارند که خود را در معرض آسیب و گزند قرار دهند تا اینکه بخواهند به طور فعالانه به دیگران صدمه بزنند. [۳۹] هنگامی که چنین به نظر برسد که جنبش توده‌ای [از شکل اصلی خود خارج شده و] به مجموعه‌ای از درگیری‌های خیابانی، حملات علیه مخالفان و رهگذران و پاسخ‌های متقابل شدیدتر از سوی نیروهای سرکوبگر تبدیل شده است، همین امر بسیاری از افرادی را که نمی‌خواهند با خشونت همراهی کنند از خود دور می‌کند. این امر به ویژه زمانی صدق می‌کند که معترضان بالقوه به این نتیجه برسند که جنبش در حال فروپاشی یا غلتیدن به دامان هرج و مرج است.

---

<sup>۱</sup> . Zachary Steinert-Threlkeld, Jungseock Joo, and Alexander Chan

سوم اینکه خشونت معترضان غالباً یک گروه مهم را از دور خارج می‌کند: زنان. [۴۰] این امر به این دلیل نیست که زنان ذاتاً صلح‌طلب‌تر بوده یا از خطر می‌ترسند. همانطور که در فصل دوم دیدیم، زنان اغلب در جنبش‌های توده‌ای با خطرات شخصی فراوان و علی‌رغم سرکوب شدید مشارکت می‌کنند. مشارکت فعال زنان و حضور آنها در خط مقدم مبارزه می‌تواند در موفقیت جنبش‌های مقاومت مدنی مؤثر باشد. اما جنبش‌هایی که خشونت را در آغوش می‌کشند و آنرا به کار می‌بندند غالباً زنان را از خود دور می‌کنند. علاوه بر این چنین جنبش‌هایی افراد یا گروه‌های به حاشیه‌رفته‌ای را نیز که اغلب احساس می‌کنند در مواقع سرکوب درگیری‌های خیابانی توسط نیروهای امنیتی بیش از دیگران مورد هدف قرار می‌گیرند و آسیب می‌بینند، از خود دور می‌کند. [۴۱] همانطور که استفان زونزا<sup>۱</sup> محقق و فعال مدنی بیان کرده است جنبش‌ها به طور کلی باید بین خشونت حاشیه‌ای و مشارکت متنوع مردمی یکی را انتخاب کنند. [۴۲] داشتن هر دو کار دشواری است.

دیگر اینکه حتی زمانی که خشونت حاشیه‌ای هیچ‌یک از حامیان [موجود] جنبش را از خود دور نکند، این احتمال وجود دارد که حامیان بالقوه را ناخشنود و بیگانه ساخته و رشد جنبش را بسیار دشوارتر کند. در ماه مه ۲۰۱۶، جوردی مونوز<sup>۲</sup> و اوا آندویزا<sup>۳</sup>، دانشمندان علوم سیاسی، در نیمه‌راه پروژه نظرسنجی خود در مورد حمایت مردمی از گروه اسپانیایی مخالف ریاضت اقتصادی موسوم به ام-۱۵ بودند که با عنوان خشمگینها<sup>۴</sup> نیز شناخته می‌شوند. در این حین شورش خیابانی توسط تعدادی

---

۱. Stephen Zunes

۲. Jordi Muñoz

۳. Eva Anduiza

۴. indignados



گروه‌های رادیکال مرتبط با جنبش بوقوع پیوست. به این ترتیب این دو پژوهشگر توانستند نگرش‌های عمومی نسبت به جنبش را قبل و بعد از شورش مقایسه کنند. آنها دریافتند که شورش خیابانی میزان حمایت از خشمگینان را به طور میانگین تا حدود ۱۲ درصد نسبت به پیش از شورش کاهش داده است. این سطوح حمایتی به پیش‌آمدگی و گرایش پاسخ‌دهندگان به جنبش و ادعاهای آن بستگی داشت. حامیان سرسخت غالباً بدون توجه به آنچه جنبش انجام می‌داد در حمایت خود ثابت قدم ماندند. اما حمایت از جنبش در میان افرادی که خود را بی‌طرف، تا اندازه‌ای هوادار جنبش و یا مخالف آن می‌دانستند به میزان قابل توجهی کاهش یافت. به عبارت دیگر حتی میزان اندکی خشونت حاشیه‌ای می‌تواند توانایی جنبش را برای گسترش پایگاه حمایتی خود فراتر از متعهدترین افراد یا همان حامیان سرسخت محدود کند.

روانشناسان و جامعه‌شناسان نیز به نحوی مشابه نگرش‌های فردی نسبت به فعالیت‌های خشونت‌آمیز و بدون خشونت را در محیط‌های آزمایشگاهی بررسی کرده‌اند. در سال ۲۰۱۴ روانشناسان اما توماس<sup>۱</sup> و وینیفرد لویس<sup>۲</sup> مطالعه‌ای را منتشر کردند که در آن نگرش مردم استرالیا نسبت به جنبش‌های ضد استخراج نفت از بستر دریا<sup>۳</sup> و ضد شکار نهنگ را بررسی می‌کرد. آنها با استفاده از یک نظرسنجی تجربی دریافتند که مردم به اقدامات جمعی غیرخشونت‌آمیز- که آنها را مشروع و مؤثر می‌دانند- بسیار بیشتر از خشونت گروهی پاسخ مثبت نشان می‌دهند [۴۳] مطالعه‌ای گسترده‌تر از سوی دو روان‌شناس دیگر با نام‌های سید نیما اورازانی<sup>۴</sup> و برنهارد

---

<sup>۱</sup> . Emma Thomas

<sup>۲</sup> . Winnifred Louis

<sup>۳</sup> . anti-fracking

<sup>۴</sup> . Seyed Nima Orazani

لایدنر<sup>۱</sup> نگرش آمریکایی‌ها را نسبت به بیست و سه جنبش با ایدئولوژی‌ها و ادعاهای متنوع، از جمله حقوق زنان، مبارزه با صید نهنگ، ضد سقط جنین، کنترل اسلحه و غیره تحلیل کرده‌اند. [۴۴] آنها در این پژوهش دریافتند که به طور کلی و در تمامی اقشار جامعه، تعهد به خشونت‌پرهیزی از سوی جنبش‌ها پشتیبانی و تمایل آمریکایی‌ها برای مشارکت در آنها را افزایش می‌دهد. نویسندگان استدلال کردند که جنبش‌هایی که بر روش‌های بدون خشونت تکیه می‌کنند، اعتقاد اخلاقی قوی‌تری دارند که باعث ایجاد حس همدردی و احترام در مردم می‌شود- و اینکه اقدامات غیرخشونت‌آمیز باعث می‌شود که هرگونه واکنش خشونت‌آمیز دولت به شدت ناعادلانه و ستمگرانه به نظر برسد. آنها همچنین دریافتند که آمریکایی‌ها اعتقاد دارند که کنش غیرخشونت‌آمیز حقیقتاً می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد و از آنجایی که مردم [ذاتاً] دوست دارند در کنار برنده‌ها قرار بگیرند، تمایل بیشتری به مشارکت یا همدردی با اهداف اقدامات و جنبش‌های بدون خشونت داشتند.

این الگوها تنها به ایالات متحده محدود نمی‌شوند. ادلمن<sup>۲</sup>، اورازانی و لایدنر (۲۰۱۷) در ایران و بحرین نیز به نتایج مشابهی رسیدند، که نشان می‌دهد خشونت‌پرهیزی منصب، در بسیاری از انواع مختلف جهان‌های اجتماعی و سیاسی، هم حمایت عمومی و هم تمایل به مشارکت مردمی در مبارزات را افزایش می‌دهد. [۴۵] در مطالعه‌ای که در مالزی نیز انجام شده، روانشناسان، هما پریا سلواناتان<sup>۳</sup> و برایان لیکل<sup>۴</sup> در نوامبر ۲۰۱۱- پیش و بعد از روزی که در آن اعتراضی مردمی علیه فساد برنامه‌ریزی شده

---

<sup>۱</sup> . Bernhard Leidner

<sup>۲</sup> . Adelman

<sup>۳</sup> . Hema Preya Selvanathan

<sup>۴</sup> . Brian Lickel

بود- نظرسنجی‌هایی را انجام دادند.[۴۶] آنها دریافتند که زمانی که مالزیایی‌ها شاهد اعتراضات غیرخشونت‌آمیز هستند تمایل بیشتری به حمایت از جنبش و مطالبات آن پیدا می‌کنند. اما اگر تصوّر تهدیدآمیزتری نسبت به اعتراضات داشته باشند- مثلاً، اگر تظاهرات ضدفساد را خشونت‌آمیز، بی‌نظم یا ناامن بدانند- حمایت آنها از جنبش و مطالبات آن اغلب کاهش پیدا می‌کند.

مطالعهٔ اخیر دیگری نشان می‌دهد که نگرش عمومی نسبت به خشونت حاشیه‌ای تا حدودی به خواسته‌های جنبش نیز بستگی دارد. جامعه‌شناسان برنت سیمپسون، راب ویلر و متیو فاینبرگ<sup>۱</sup> نیز به شیوه‌ای مشابه با انجام یک سری نظرسنجی اینترنتی در ایالات متحده، نگرش پاسخ‌دهندگان به معترضان ضدنژادپرستی و ناسیونالیست‌های سفیدپوست را مورد آزمایش و تحلیل قرار دادند و به بررسی این امر پرداختند که آیا زمانی که هر یک از این گروه‌ها از روش‌های خشونت‌آمیز یا خشونت‌پرهیز استفاده می‌کنند تفاوتی در نگرش عمومی به آنها بوجود می‌آید یا خیر.[۴۷] آنها دریافتند که مردم غالباً اقدامات گروه‌های ضدنژادپرستی را که به ناسیونالیست‌های سفیدپوست حمله می‌کنند غیرعقلانی می‌بینند و اینکه چنین خشونتی حمایت از گروه‌های ضدنژادپرستی را کاهش داده و در مقابل پشتیبانی از ناسیونالیست‌های سفیدپوست را افزایش می‌دهد. جالب اینجاست که زمانی که گروه‌های ملی‌گرای سفیدپوست دست به اقدامات خشونت‌آمیز می‌زنند تصوّر عمومی از آنها تغییر خاصی نمی‌کند. نویسندگان گمان می‌کنند که این بدین دلیل است که گروه‌های ناسیونالیست سفیدپوست در حال حاضر عمیقاً منفور هستند- و اینکه آمریکایی‌ها با توجه به نگرش‌های متخاصم این گروه‌ها از آنها انتظار چیزی جز خشونت را ندارند. این یافته به

---

<sup>۱</sup> . Brent Simpson, Rob Willer, and Matthew Feinberg

یک واقعیت سیاسی نسبتاً شهودی (و به شکلی آزارنده ناعادلانه) برای گروه‌های مترقی اشاره می‌کند؛ به این دلیل که مشروعیت این گروه‌ها ناشی از مخالفت آنها با نظام‌های خشونت‌آمیز یا آسیب‌رسان است، عموم مردم نیز آنها را صاحب معیارهای اخلاقی بالاتری در رفتار در نظر می‌گیرند. [و تخطی از این معیارها باعث کاهش محبوبیت و حمایت از آنها می‌شود].

علاوه بر مطالعات تجربی شواهد تاریخی محکمی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مقاومت بدون خشونت منضبط، دست‌کم در ایالات متحده، به شیوه‌ای مثبت به افکار عمومی پیرامون یک جنبش شکل می‌دهد. عمر واسو<sup>۱</sup>، دانشمند علوم سیاسی به چگونگی تأثیر اعتراضات حقوق مدنی بر افکار عمومی در طول دهه ۱۹۶۰ پرداخته است. تحقیقات او نشان می‌دهند که اعتراضات غیرخشونت‌آمیز در منطقه‌ای خاص منجر به حمایت بیشتر از حقوق مدنی شده و این موضوعات را در رأس نگرانی‌های عمومی در نظرسنجی‌ها قرار داده است. در مقابل، اعتراضات خشونت‌آمیز اغلب باعث شده است تا مردم بیشتری قانون و نظم را به عنوان مهم‌ترین موضوع و نگرانی عمومی خود در نظر بگیرند. تصادفی نیست که پس از ۱۹۶۵ و با گسترش هرچه بیشتر اعتراضات خشونت‌آمیز، افکار مثبت عمومی رفته رفته از حقوق شهروندی فاصله گرفتند و به واکنش‌های پلیس معطوف شدند. روند گسترش جاذبه جنبش در میان ستون‌های حمایتی مهم رقیب متوقف شد و این تغییرات خود را در تغییر نتایج انتخاباتی نیز نشان داد. واسو دریافت که حمایت از قانون و نظم، با تغییر گرایش آراء به سمت رهبران جمهوری خواهان در انتخابات ارتباط زیادی دارد و نشان می‌دهد که انواع مختلف اعتراضات اثرات سیاسی پایداری در ایالات متحده داشته‌اند. این نتایج با

---

۱. Omar Wasow

مطالعه دیگری که اخیراً توسط دانشمند علوم سیاسی، شوم مازومدر<sup>۱</sup> صورت گرفته، تقویت شده است. طبق این پژوهش افرادی که در حوزه‌های انتخاباتی زندگی می‌کنند که در جریان جنبش حقوق مدنی، تحصن‌های بدون خشونت در آنها صورت گرفته‌اند، احتمال بیشتری دارد که تا چندین نسل بعد از تبعیض‌های مثبت<sup>۲</sup> [به نفع سیاهان] حمایت کرده و خود را یک دموکرات بدانند [۴۸].

این یافته‌ها به طور کلی با مطالعه آماری پیچیده دیگری که توسط اقتصاددان امیلیانو هوئ و ان انجام شده مطابقت دارد. وی در پژوهش خود از تکنیک‌های متغیر ابزاری برای تعیین اینکه خشونت چگونه نتایج متفاوت مبارزات کارگری در فرانسه را شکل می‌دهد استفاده کرد. [۴۹] او دریافت که خشونت و تخریب اموال این احتمال را که گروه‌های کارگری بتوانند به امتیازات خاصی دست پیدا کنند کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر خشونت حاشیه‌ای نتیجه‌ای معکوس دارد.

دلیل دیگری که چرا خشونت حاشیه‌ای شانس موفقیت کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز را کاهش می‌دهد این است که احتمال تمرد و رویگردانی نیروهای امنیتی را پایین می‌آورد. اگرچه درگیری‌های خیابانی می‌تواند روحیه پلیس و سربازان را در رژیم‌های منفور و نامحبوب کاهش دهد، اما در نظام‌های ریشه‌دار و مستحکم و از نظر سیاسی قدرتمند، می‌تواند پلیس و سربازان را جسورتر و متحدتر کند. و همانطور که پیشتر در بخش مربوط به ستون‌های حمایتی دیدیم، این امر می‌تواند مانعی واقعی در مسیر ایجاد تغییرات گسترده باشد [۵۰].

---

<sup>۱</sup> . Shom Mazumder

<sup>۲</sup> affirmative action . سیاست یا برنامه‌ای که هدف آن کاستن از تبعیض‌هایی است که در گذشته بر فرد یا گروهی خاص وارد شده است، و معمولاً از طریق اقدامات مثبت برای در اختیار نهادن فرصت‌های مناسب در حوزه تحصیل و کسب‌وکار که در آمریکا خصوصاً در مورد سیاهان صورت می‌گیرد. -م.

دیگر اینکه اگر چه برخی ادعا می‌کنند که خشونت حاشیه‌ای می‌تواند به محافظت از فعالان صلح‌طلب در مقابل واکنش‌های وحشیانه دولت کمک کند، اما در عمل معمولاً عکس آن اتفاق می‌افتد. خشونت معترضان اغلب به نیروهای دولتی این دستاویز را می‌دهد که با شدت و بی‌توجهی تمام معترضان و مخالفان رژیم را سرکوب کنند. الیزابت تامپکینز<sup>۱</sup> در پژوهشی جهانی دریافت که جنبش‌های غیرخشونت‌آمیزی که خشونت‌های حاشیه‌ای در آنها ظهور می‌کند، بیشتر مورد هدف سرکوب‌های کورکورانه و یکسره رژیم قرار می‌گیرند. [۵۱] در مطالعه تطبیقی جهانی دیگری، ساین کری<sup>۲</sup>، دانشمند علوم سیاسی، به نحوی مشابه دریافت که سرکوب مرگبار - به عبارت دیگر، کشتن مخالفان - غالباً پس از شورش‌ها و خشونت‌های چریکی اتفاق می‌افتد. در مقابل دولت‌ها اغلب به اعتراضات، اعتصابات و بایکوت‌ها با پاسخ‌هایی بسیار محدودتر و کمتر مرگبار پاسخ می‌دهند. [۵۲] این یافته‌ها با تحقیقات بین‌المللی اخیر توسط دانشمندان علوم سیاسی، زاخاری اشتاینرت-ترکلد، جونگسوک جو و الکساندر چان تقویت شده‌اند که دریافتند بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، در بین ۲۴ جنبش اجتماعی در پنج کشور مختلف، دولت‌ها همواره به خشونت معترضان با خشونت متقابل بیشتر پاسخ داده‌اند. [۵۳] دانشمندان علوم سیاسی یوناتان لویو<sup>۳</sup> و جفری والاس<sup>۴</sup> نیز دریافتند که شهروندان هند، آرژانتین و اسرائیل با نقض حقوق بشر کسانی که مرتکب خشونت می‌شوند مشکلی ندارند - اما عموماً معتقدند که دولت‌ها باید به حقوق بشر معترضان مدنی احترام بگذارند. [۵۴] این نتایج با یافته‌های جداگانه

---

<sup>۱</sup> . Elizabeth Thompkins

<sup>۲</sup> . Sabine Carey

<sup>۳</sup> . Yonatan Lupu

<sup>۴</sup> . Geoffrey Wallace

دانشمندان علوم سیاسی کورتنی کنراد<sup>۱</sup> و ویل مور<sup>۲</sup> نیز مطابقت دارد که دریافتند نقض حقوق بشر از سوی دولت - مانند شکنجه - در طول دوره‌های مخالفت خشونت‌آمیز ادامه پیدا می‌کند، اما زمانی که مخالفان بر مقاومت غیرخشونت‌آمیز تکیه می‌کنند غالباً کاهش پیدا می‌کند. [۵۵]

از اینرو اجماع دانشمندان این است که دولت‌هایی که به جنبش‌های بدون خشونت حمله می‌کنند، در صورت خشونت طلب بودن برخی معترضان در این جنبش‌ها، احتمال کمتری دارد که با آنها کنار بیایند - حتی اگر خشونت حاشیه‌ای از انواع غیرمسلحانه باشد. اکثر رژیم‌های سرکوبگر یا خودکامه مخالفان خود را بلااستثناء ارادل، قاتل و خائن خطاب می‌کنند. اما زمانیکه حتی تعداد اندکی از این فعالان مرتکب خشونت شوند، ناظران و سایر شهروندان به احتمال بیشتری اتهامات [واهی] دولت را باور می‌کنند. برای مثال در اسرائیل، دولت از جنگ طلبی چندین گروه فلسطینی و اسلام‌گرا به عنوان بهانه‌ای برای سرکوب گسترده فعالان غیرمسلح فلسطینی استفاده کرده است. اقدامات خشونت‌آمیز معدودی، شهروندان و رهبری اسرائیل را به آرامی اما به شکلی سرنوشت‌ساز به آغوش جناح راست سوق داده است، چراکه مردم عادی به طور فزاینده‌ای خواهان امنیت و مصونیت از خطرات هستند. ترس از خشونت فلسطینی‌ها اکنون هر امیدی به راه‌حل دوکشور<sup>۳</sup> را از بین برده است، حتی با این وجود

---

<sup>۱</sup> . Courtney Conrad

<sup>۲</sup> . Will Moore

<sup>۳</sup> two-state solution . راه‌حلی مبنی بر ایجاد کشوری مستقل برای فلسطینیان در کنار کشور اسرائیل برای یهودیان و به رسمیت شناخته شدن آن از سوی طرفین. چهارچوب این راه‌حل برای اولین بار در توافقات اسلو بسته شد که در اولین گام به شکل‌گیری حکومت خودگردان فلسطین انجامید. مرز بین دو کشور هنوز مشمول اختلاف و مذاکره است و رهبران فلسطینی و عربی بر «مرزهای ۱۹۶۷» پافشاری می‌کنند که البته اسرائیل آن را قبول ندارد - م

که در طول سال‌ها اکثریت قریب به اتفاق فعالیت‌های خودمختاری فلسطینی‌ها مدنی و بدون خشونت بوده است.

قطعاً جنبش‌هایی که به شکلی جدی وضعیت موجود را به چالش می‌کشند همواره با سرکوب دولتی مواجه می‌شوند. اما این امر لزوماً یک جنبش را محکوم به شکست نمی‌کند. تا زمانی که یک کارزار مقاومت مدنی بتواند توده‌های مردم را به نحوی فعالانه درگیر مبارزات نگه دارد، همدردی بیشتری را از جانب بازیگران بیرون از جنبش جلب کند و ستون‌های حمایتی دشمن را تضعیف کند، شانس بیشتری برای بقا- و پیروزی خواهد داشت. جنبش‌هایی که خشونت حاشیه‌ای ندارند به احتمال بیشتری هر سه اینها را انجام می‌دهند.

البته این امر نیز قابل درک است که وقتی جنبش‌ها با حملات، دستگیری‌ها، آزار و اذیت‌ها، سرکوب‌ها و تبعیض‌های طولانی مدت مواجه می‌شوند، شرکت‌کنندگان جنبش به بحث در مورد این امر بپردازند که آیا لازم است فعالیت‌های خود را وارد فاز مبارزه مسلحانه کند یا خیر. تشدید سرکوب‌ها ادامه حمایت از دیسپلین بدون خشونت را برای رهبران جنبش دشوار می‌کند.

با این حال افرادی که به نفع خشونت حاشیه‌ای استدلال می‌کنند به ندرت به این نکته اذعان می‌کنند که با انجام این کار، دیگران را- شاید برای همیشه از جنبش مقاومت دور می‌کنند. و اغلب این واقعیت را نادیده می‌گیرند که همه افراد لزوماً از خشونت آنها حمایت نمی‌کنند. کسانی که خواستار به کارگیری «هر وسیله لازم» علیه یک دشمن قدرتمند هستند به ندرت اذعان می‌کنند که با انجام این کار، دیگران را از موضوع اصلی دور می‌کنند- یا حتی آنها را در معرض آسیب قرار می‌دهند [۵۶].

به نظر می‌رسد که مقاومت مؤثر و ثمربخش مستلزم انکار منضبط و سازش‌ناپذیر چیزی است که حریف آرزویش دارد. از نظر استراتژیک، خشونت حاشیه‌ای غالباً



مبارزات جنبش را به زمین بازی حکومت می‌کشاند و مزیت مقاومت بدون خشونت منظم را از آن سلب می‌کند [۵۷] هرچه حریف ظالم‌تر و سرکوبگرتر باشد، جنبش مقاومت باید بیش از پیش از انجام بازی در زمین حریف خودداری کند. حتی با اینکه [در چنین اوضاعی] به نحوی متناقض برای رهبران مقاومت دشوارتر می‌شود که بخواهند دست به اقدامات غیرخشونت‌آمیز بزنند.

حال بیاید شواهد گفته شده را مرور کنیم. در حال حاضر اجماعی در حال ظهور در مطالعات تحقیقاتی وجود دارد مبنی بر اینکه خشونت حاشیه‌ای حامیان جنبش را از آن دور می‌کند، حتی اگر اکثریت افراد خشونت‌پرهیز باقی بمانند. این امر غالباً متحدان بالقوه را از همراهی با جنبش ناامید می‌کند، سرکوب‌های دولتی را افزایش می‌دهد و حامیان رژیم را از تمرد و رویگردانی [بالقوه] منصرف می‌کند. با توجه به این الگوها جای تعجب نیست که جنبش‌هایی که در حاشیه خود دست به خشونت می‌زنند، بیش از اینکه موفق شوند، متحمل شکست می‌شوند. و جای تعجب هم نیست که رژیم‌ها می‌کوشند با نفوذ به جنبش‌های اجتماعی آنها را به سمت خشونت سوق دهند. در ایالات متحده این همان چیز است که اف بی آی کوشید علیه گروه‌های مختلف چپ و آنارشیست در جریان جنبش اشغال وال استریت در سال ۲۰۱۱ عملیاتی کند - و نیز در جریان عملیات جنجالی کو اینتل پرو<sup>۱</sup> که کوشید با نفوذ در جنبش قدرت سیاه، جنبش سرخپوستان آمریکا، گروه‌های استقلال طلب پورتوریکویی و دیگر جنبش‌های

---

<sup>۱</sup> COINTELPRO به معنای برنامه ضد اطلاعات (Counter Intelligent Program) که با هدف که خنثی‌سازی، تخریب، تضعیف و بی‌اعتبار کردن سازمان‌های سیاسی مخالف و تندرو طراحی شده بود و از روش‌هایی چون خنثی نمودن رهبران گروه بوسیله اشاعه دروغ و نحوه زندگی آنها در روزنامه‌ها، ایجاد درگیری میان گروه‌ها، استفاده از روزنامه‌های زیرزمینی علیه آنها و بی‌اعتبار کردن گروه‌ها بوسیله چاپ کاریکاتورها استفاده می‌کردند - م.

چپ جدید در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در آنها شکاف ایجاد کند. گروه‌های مختلف دولتی و شرکتی نیز در اوایل قرن بیستم تلاش کردند به درون جنبش کارگری نفوذ کنند. دولت‌ها و شرکت‌ها می‌کوشند با نفوذ دادن تحریک‌کنندگانی که دست به خشونت می‌زنند به درون جنبش‌های اجتماعی آنها را تضعیف کنند- که نشانگر این واقعیت است که قدرتمندان به این حقیقت واقفند که خشونت به آنها کمک خواهد کرد. جنبش‌های مقاومت کارآمد و تأثیرگذار سخت تلاش می‌کنند تا عمداً یا ناخواسته با حریف همکاری نکنند. که به معنی عدم پذیرش رفتار و عملکردهایی میشود که حریف با کمال میل از آنها استقبال می‌کند.

نتایج گفته‌شده یک مبادلهٔ سیاسی سخت را پیش روی جنبش‌ها می‌گذارد. اگر سازمان‌دهندگان واقعاً تصمیم بگیرند که مقاومت مدنی مؤثرترین راه پیش‌رو است، باید بکوشند تا اعضای خود را برای اتخاذ نظم و انضباط بدون خشونت آموزش دهند و آن دسته از شرکای ائتلافی‌شان را که خود را درگیر جنگ‌های خیابانی، خشونت محدود و خرابکاری‌های آنی می‌کنند، کنار بگذارند. با این حال حفظ نظم و انضباط بدون خشونت مستلزم درجاتی از اجبار [و سلسله مراتب] درون جنبش است. و این اغلب باعث افزایش انتقادات در میان سرسخت‌ترین حامیان جنبش می‌شود که ممکن است رهبری جنبش را متهم به کنترل و نظارت بر رفتار شرکت‌کنندگان- و تقویت روایت‌های ساده‌انگارانه در راستای جداسازی معترضان «خوب» از «بد» کنند.

از طرف دیگر جنبش‌ها می‌توانند از محدود کردن فعالیت‌های حامیان خود اجتناب کنند و حمایت از حقوق افراد برای مقاومت بر مبنای شرایط، زمینه‌ها و وجدان خود را در اولویت قرار دهند- و امید داشته باشند که قدرت اخلاط‌گر و خلاق آزادشدهٔ افراد به نفع جنبش خواهد بود. با این حال پذیرش طیف نامحدودی از تاکتیک‌ها جنبش را بیشتر در معرض خطر سرکوب، محکومیت عمومی و بسیاری دیگر از

شکست‌های سیاسی قرار می‌دهد که در نهایت غلبه بر آنها دشوار است. به عبارت دیگر اجازه بروز خشونت‌های حاشیه‌ای اغلب انتقادات بیشتری را از درون و بیرون جنبش، از سوی شرکت‌کنندگان، هواداران و متحدان بالقوه علیه جنبش برمی‌انگیزد. صرف‌نظر از شواهد و مبادلات گفته شده، در نهایت همواره به خود جنبش‌ها بستگی دارد که این مسئله را برای خود حل و فصل کنند- نه صاحبان قدرت و نه منتقدان خودخوانده‌ای که در کنار گود نشسته و تنها نظاره‌گر اتفاقات هستند.

### آیا خشونت همیشه در بلندمدت به جنبش مقاومت مدنی صدمه می‌زند - یا می‌تواند در برخی شرایط به آن کمک کند؟

در مجموع خشونت حاشیه‌ای به موفقیت بلندمدت کمپین‌های مقاومت مدنی کمکی نمی‌کند. حتی اگر مواردی مانند ثروت، جمعیت و سطح دموکراسی یک کشور در مقابل خودکامگی را در نظر بگیریم باز هم این نکته صادق است [۵۸]. با توجه به داده‌های مربوط به نظرسنجی‌ها ذکر شده در بالا، برخی اصول راهنما وجود دارد که به نظر می‌رسد به طور کلی صادق هستند. اکثر ناظران بیرونی جنبش‌های بدون خشونت را به جنبش‌های خشونت‌آمیز ترجیح می‌دهند. آنها به‌ویژه با جنبش‌هایی همدردی می‌کنند که به نظر می‌رسد خشونت دولتی در پاسخ به اقدامات آنها، واکنشی افراطی از خود نشان داده است. اقدامات غیرمسلحانه همچنین به احتمال بیشتری حامیان و طرفداران را از سراسر طیف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به خود جذب می‌کند.

اما یک استثنای مهم برای این روندها وجود دارد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که وجود شکاف‌های عمیق اجتماعی - مانند نژاد، قومیت، طبقه و سایر شکاف‌ها - می‌تواند جذب حامیان و طرفداران را برای افراد و گروه‌های حاشیه‌ای سخت‌تر کند،

حتی زمانی که می‌کوشند نظم و انضباط بدون خشونت را در اقدامات خود رعایت کنند. برای مثال برخی نظرسنجی‌های آزمایشی نشان داده است که در ایالات متحده پاسخ‌دهندگان سفیدپوست تمایلی به همدردی با معترضان آمریکایی آفریقایی تبار ندارند - صرف نظر از اینکه چگونه اعتراض می‌کنند، خشونت‌آمیز یا بدون خشونت. [۵۹] اتفاقی مشابه در اسرائیل و فلسطین نیز در حال وقوع است؛ جایی که خصومت بین یهودیان و فلسطینی‌های اسرائیل - صرف نظر از حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده از اسرائیل - موفقیت مقاومت مدنی فلسطین را در کسب استقلال و خودمختاری، اگر نگوئیم غیرممکن، دشوار می‌سازد. هم در ایالات متحده و هم در فلسطین - اسرائیل اکثر اعضای گروه‌ها و طبقات ممتاز و برخوردار عموماً نظر مثبتی درباره خشونت پلیس یا خشونت نظامی علیه معترضان گروه‌های حاشیه‌ای دارند. این یکی دیگر از شواهدی است که نشان می‌دهد امکان موفقیت بدون مشارکت فعالانه و حمایت اکثریت تا چه اندازه برای چنین گروه‌هایی دشوار است. [۶۰] در عین حال شواهد اندکی نیز وجود دارد که نشان دهد خشونت - یا اقدامات مسلحانه سازمان‌یافته - از سوی معترضان به چنین جنبش‌هایی کمک کرده است تا پایگاه حامیان خود را بنا کنند و بر این عدم تقارن‌ها و ناهمگونی‌های قدرت [ناشی از شکاف‌های اجتماعی] غلبه کنند.

البته گفتنی است که آنچه سطح غیرقابل قبول خشونت در نظر گرفته می‌شود در زمینه‌های اجتماعی مختلف متفاوت است. گاهی اوقات اما نه همیشه، ناظران بیرونی ممکن است در برابر خرابکارانی که همپای یک جنبش توده‌ای هیجان‌زده دست به خشونت می‌زنند از خود مدارا نشان دهند. به عنوان مثال در مصر سال ۲۰۱۱، برخی از معترضین در اقدامات نافرمانی به ظاهر خودجوش خود علیه پلیس بسیار منفور این کشور، چندین ایستگاه پلیس را در نزدیکی میدان تحریر به آتش کشیدند. این حادثه اما

متحدان و حامیان احتمالی را از جنبش دور نکرد، بلکه ظاهراً افراد بیشتری را نیز به مشارکت در انقلاب ۲۵ ژانویه ترغیب کرد. در اوج این قیام، ارتش مصر به جای پلیس فاسد یا فرمانده کل آنها حسنی مبارک، در کنار مردم کشورش قرار گرفت.

به نحوی مشابه در هنگ کنگ نیز نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهند که جنبش جوانان علیرغم اینکه در پاره‌ای موارد به مقابله مسلحانه با خشونت پلیس پرداخته است، باز هم همچنان محبوب است. این امر به این دلیل است که پلیس هنگ کنگ نیز مانند پلیس مصر به قدری منفور و از چشم افتاده است هرگونه اقدام نافرمانی و تعدی در مقابل آن با همدردی عمومی پاداش می‌گیرد- البته نه لزوماً با مشارکت گسترده عمومی. خشونت معترضان تنها در میان کسانی محبوب است که از پیش با جنبش همدلی داشته‌اند، اما دیگران را از جنبش دور می‌کند [۶۱].

با وجود تمام اینها این بدان معنا نیست که چنین اقداماتی برای یک جنبش و اهداف نهایی آن ضروریست. برای سازمان‌دهندگان جنبش آنچه اهمیت بیشتری دارد نه خشونت‌آمیز یا بدون خشونت بودن اقدامات، بلکه این نکته است که آیا ناظران-حامیان فعال، حامیان منفعل و طرف‌های خنثی- تاکتیک‌های جنبش را عاقلانه، مشروع، متناسب و منطبق با اهداف کلی جنبش می‌دانند یا خیر. بنابراین سؤال کلیدی برای بسیاری از جنبش‌ها این است که آیا اقدامات شرکت‌کنندگان آنها اغلب به گسترش قدرت جنبش از طریق گسترش پایگاه و جذب افراد بیشتری از گروه‌های مختلف می‌انجامد یا اینکه این تاکتیک‌ها مردم را تاراند و از خود دور می‌کند.

### **جناح‌های خشونت طلب چگونه در بلندمدت بر کشورها تأثیر می‌گذارند؟**

جنبش‌هایی که با خشونت‌های حاشیه‌ای همراه هستند گاهی اوقات با وجود این خشونت‌ها نیز به موفقیت می‌رسند. با اینحال کنترل پویایی و انرژی سیاسی آزاد شده

در این فرآیند در بلندمدت اغلب کار دشواریست. خشونت خاصیتی شدیداً قطبی‌کننده دارد و قطبی‌سازی نیز غالباً به خشونت‌های بیشتر دامن می‌زند. برای مثال از نظر تاریخ، احتمال بالایی وجود دارد که کمپین‌های بدون خشونت انقلابی که خشونت‌های حاشیه‌ای در آنها ظهور می‌کنند، حتی سال‌ها پس از اینکه درگیری‌ها ظاهراً فروکش کرده باشند نیز به جنگ‌های داخلی منجر شوند. [۶۲] علاوه بر این هنگامی که خشونت‌های حاشیه‌ای در جنبش‌ها پدیدار می‌شوند، احتمال بیشتری وجود دارد که پس از پایان درگیری‌ها نهادهای استبدادی در کشور برقرار شوند [۶۳].

### تحریک‌کنندگان در چه صورتی موفق به تحریک خشونت‌های حاشیه‌ای می‌شوند؟

جنبش‌های مقاومت مدنی در اوج خود با آوردن توده‌های مردم از بسیاری از بخش‌های جامعه به حیات خود ادامه می‌دهند یا می‌میرند- این امر آنها را نسبت به گروه‌های کوچک و زیرزمینی که اعضای مؤسس آنها برای یکدیگر شناخته شده هستند در برابر نفوذ آسیب‌پذیرتر می‌کند. [۶۴] یکی از تناقضات مقاومت مدنی این است که بزرگترین منبع قدرت آن یا همان قدرت مردم- زمانیکه پای تحریک‌کنندگان وسط کشیده شود به بزرگترین پاشنه آشیل آن تبدیل می‌شود.

تحریک‌کنندگان نفوذی‌هایی هستند- که معمولاً از حریف پول می‌گیرند و در حمایت از آن عمل می‌کنند- و وانمود می‌کنند که جزو فعالین یا مبارزان هستند. آنها اغلب خود را به هر زحمتی که شده در گروه‌های سازماندهی راهبری جا می‌کنند تا از این طریق به جمع‌آوری اطلاعات در مورد برنامه‌ها و فعالیت‌های جنبش، ارزیابی نقاط ضعف آن، دامن زدن به پارانوایا، بدگمانی و درگیری بین اشخاص و تفرقه افکنی در جهت تضعیف جنبش پردازند.

دولت‌ها قرن‌ها از چنین تحریک‌کنندگانی برای نفوذ، خرابکاری و تضعیف جنبش‌ها استفاده کرده‌اند. پلیس مخفی روسیه پیش از انقلاب<sup>۱</sup> در این کشور به جنبش‌های ضدتزاری از جمله بلشویک‌ها نفوذ می‌کرد تا با ایجاد اختلاف و سوءظن این گروه‌ها را تضعیف کند [۶۵]. جمهوری آفریقای جدید<sup>۲</sup>، یک گروه رادیکال سیاه پوست مستقر در دیترویت، به دلیل نفوذهای صورت گرفته در جریان برنامه کو اینتل پروی اف. بی. آی تا حد زیادی تضعیف شد و رو به انحلال رفت. [۶۶] یک کارآگاه مخفی در نیویورک به گشودن فصل برانکس در داستان جنبش پلنگان سیاه در آمریکا کمک رساند. بادیگارد مالکوم ایکس که پس از شلیک گلوله به وی کوشید نجاتش دهد نیز خود یک مأمور مخفی بود. [۶۷] اخیراً نیز ادارات پلیس مأموران مخفی خود را به اعتراضات سازمان‌های مترقی مانند جان سیاهان مهم است می‌فرستند تا از این طریق به پیام‌های متنی و سایر اطلاعات خصوصی اعضای آنها دسترسی پیدا کنند. در تحوّل اخیر شوم دیگری عوامل روسی حساب‌هایی جعلی در شبکه‌های اجتماعی با پوشش سایت‌های مرتبط به جان سیاهان مهم است ایجاد کردند تا از این طریق به تنش‌های اجتماعی در ایالات متّحده دامن بزنند. یکی از این حساب‌های فیس‌بوک به نام بلکتیویست<sup>۳</sup> پانصد هزار دنبال‌کننده را به خود جذب کرده و مطالبی تفرقه‌انگیز را برای دامن‌زدن به خشم عمومی و قطبی‌کردن هواداران، حامیان و مخالفان منتشر کرده است. [۶۸]

---

۱. اداره حفاظت از امنیت و نظم عمومی [به روسی] به اختصار اوخرانا که در زمان خود یکی از مخوف‌ترین نهادهای امنیتی در جهان بوده است - م.

۲. The Republic of New Africa

۳. Blacktivist

در موارد دیگر تحریک‌کنندگان و پلیس‌های لباس شخصی ممکن است به سادگی در اجتماعات عمومی حاضر شده و با هدف برهم‌زدن رویدادها و تجمّعات و نیز وادار کردن جنبش‌ها به توضیح یا دفاع از خود، معترضان را به درگیری‌های خشونت‌آمیز با پلیس، رهگذران یا سایر معترضان تشویق کنند. بی‌شک هدف نهایی آنها کاهش همدلی و حمایت عمومی از جنبش و در عین حال دادن بهانه به دولت جهت اتخاذ تاکتیک‌های سرکوبگرانه مانند ضرب و شتم، دستگیری‌های دسته‌جمعی یا اقدامات مرگبار است. هدف ثانویه آنها نیز ایجاد شکاف در جنبش، اغلب از طریق ایراد اتهاماتی مبنی بر این است که کسانی که بر نظم و انضباط بدون خشونت در جنبش پافشاری می‌کنند به اندازه کافی رادیکال نیستند.

جای تعجب ندارد که از آنجایی که خشونت حاشیه‌ای می‌تواند عمیقاً تفرقه‌انگیز و قطبی‌کننده باشد دولت‌ها اغلب سعی می‌کنند جنبش‌ها را به سمت خشونت سوق دهند. همانطور که استیو چیس<sup>۱</sup>، از فعالین بدون خشونت در سال ۲۰۱۷ نوشت، «من هیچ مورد ثبت‌شده‌ای را به خاطر نمی‌آورم که در آن عوامل نفوذی یک حکومت یا شرکت، فعالان را تشویق به مشارکت در تاکتیک‌های استراتژیک مقاومت مدنی و حفظ نظم و انضباط بدون خشونت کرده باشند. آنها چنین اقداماتی از سوی جنبش‌ها را به نفع خود نمی‌دانند.» [۶۹]

چرا برخی از کمپین‌های بدون خشونت جناح‌های خشونت‌طلب را می‌پذیرند، در آغوش می‌کشند یا به هر نحوی تحمل می‌کنند؟

---

۱. Steve Chase



جنبش‌ها غالباً در شرایط معدودی نظم و انضباط بدون خشونت خود را از دست می‌دهند. [۷۰] اوّل زمانی که پلیس و نیروهای امنیتی از حاشیه بیرون آمده و اقدام به حمله، ضرب و شتم یا تیراندازی به شرکت‌کنندگان می‌کنند، افراد مختلف مرتبط با جنبش این سؤال را از خود می‌پرسند که آیا روش‌های غیرخشونت‌آمیز مؤثر هستند یا خیر - و اینکه آیا دشمن بسیار وحشی‌تر و بی‌رحم‌تر از آن نیست که بشود از طریق اقدامات بدون خشونت به مبارزه با آن پرداخت.

بسیاری از فعالان مقاومت مدنی که دست‌کم به نفع اعمال مقدار اندکی خشونت استدلال می‌کنند، آن‌را به عنوان آخرین راه‌حل موجود می‌پذیرند. اما این عده اغلب «روش‌های مسالمت‌آمیز مقاومت» را تنها با اعتراضات یا اغلب با مذاکرات سیاسی، دعای قضایی یا اصلاحات در نحوه برگزاری انتخابات می‌شناسند. استدلال آنها این واقعیت را نادیده می‌گیرد که روش‌های مقاومت مدنی بسیار فراتر از اعتراض صرف است. در فصل یک در مورد طیف گسترده‌تری از روش‌های بدون خشونت که برای جنبش‌های خواهان تغییر مؤثر هستند، نظیر ماندن در خانه، عدم همکاری و سایر روش‌های کم‌خطری که می‌توانند بسیار مؤثر باشند، خواندیم. اگرچه سنجش این امر دشوار است، اما بیشتر جنبش‌هایی که یا به خشونت روی می‌آورند یا اجازه چنین کاری را می‌دهند، بسیاری از اقدامات غیرخشونت‌آمیز دیگر را ابتدائاً در نظر نگرفته یا امتحان نکرده‌اند. همانطور که محقق برجسته مایکل والزر<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۱ بیان کرده است:

رسیدن به آخرین راه‌حل چندان آسان نیست. برای رسیدن به آن واقعاً باید همه چیز را امتحان کرد (که زیاد هم هستند) - و نه فقط یک بار، به این شکل که حزب یا جنبشی سیاسی تظاهراتی را سازماندهی کند، نتواند در آن به پیروزی فوری دست یابد و

---

<sup>۱</sup> . Michael Walzer

بلافاصله ادعا کند که خب حالا دیگر با این شرایط حرکت به سمت کشت و کشتار امری موجه است... به هیچ وجه مشخص نیست که چه زمانی گزینه های آنها تمام می شود... [سؤال اینجاست] که وقتی [می گویند] همه چیز را امتحان کرده اند دقیقاً چه چیزهایی را امتحان کردند؟ [۷۱]

نکته اینجاست که هر جنبشی که با سرکوب وحشیانه روبرو می شود به طور خودکار و بی معطلی به خشونت روی نمی آورد. پیشتر به تعدادی از مبارزات انقلابی اشاره کردم- در هندوراس (۱۹۴۴)، چکسلواکی (۱۹۸۹)، مغولستان (۱۹۸۹)، گرجستان (۲۰۰۳)، تایلند (۲۰۰۵ و ۲۰۱۳)، و توگو- (۲۰۱۲) که در آنها جنبش ها با درجه بالایی از نظم و انضباط بدون خشونت به سرکوب های دولتی پاسخ دادند. هزاران کمپین دیگر نیز که به دنبال اهداف اصلاح طلبانه غیرانقلابی هستند همین کار را کرده اند. همانطور که وندی پرلمن<sup>۱</sup>، دانشمند علوم سیاسی نشان داده است، بسیاری از جنبش ها زمانی که دارای انسجام سازمانی قوی، توافق گسترده پیرامون استراتژی بدون خشونت و چشم انداز جمعی روشن برای آینده بوده اند، توانسته اند نظم و انضباط بدون خشونت خود را حفظ کرده و در برابر سرکوب ایستادگی کنند. [۷۲] بدون یک ساختار سازمانی قوی رهبری جنبش برای متقاعد کردن افراد درگیر در جهت پایبندی به اقدامات غیرخشونت آمیز در مواجهه با سرکوب با مشکل روبرو خواهد شد.

دوم اینکه زمانی که دولتها شروع به دادن امتیاز می کنند، جنبش ها نیز تمایل به از دست دادن انضباط بدون خشونت پیدا می کنند و این واقعیتی دور از انتظار و عجیب است. [۷۳] دلیل آن این است که اعطای امتیازات غالباً جنبش ها را به دو دسته میانه رو و رادیکال تقسیم می کند؛ کسانی که مایل به پذیرش برخی امتیازات هستند و

---

<sup>۱</sup> . Wendy Pearlman

از خیر موفقیت کامل می‌گذرند و کسانی که فقط پیروزی کامل را می‌پذیرند و نه کمتر. هنگامی که چنین اختلافاتی پدیدار می‌شود گروه‌های رادیکال اغلب وسوسه می‌شوند تا به خشونت روی بیاورند تا از این طریق امکان هرگونه مذاکره بین میانه‌روها و مخالفانشان را از بین ببرند، خود را از میانه‌روها متمایز کنند و از آنها در جذب نیرو و کسب حمایت پیشی بگیرند[۷۴].

در آخر اینکه زمانی که جنبش‌ها منحصرأ بر اقدامات متمرکز خیابانی مانند تظاهرات یا تحصن متکی باشند، که امکان درگیری مستقیم بین معترضان و پلیس را افزایش می‌دهد، نظم و انضباط بدون خشونت بیش‌ازپیش در معرض تهدید قرار می‌گیرد. اعتصابات و سایر اشکال عدم‌همکاری تا حدودی کمتر از اعتراضات یا تحصن منجر به خشونت معترضان می‌شود. تا حدی به این دلیل که نیروهای امنیتی احتمالاً مستقیماً آنها را مورد حمله قرار نمی‌دهند و تا حدودی نیز به این دلیل که نفوذ تحریک‌کنندگان در آنها دشوارتر است[۷۵].

تا به اینجا چه آموختیم؟ در مجموع خشونت حاشیه‌ای در پاره‌ای موارد می‌تواند به برخی اهداف فرآیندی کوتاه‌مدت مانند توجه رسانه‌ها، فهم و ادراک [مفهوم] دفاع از خود؛ [تقویت] پیوندها میان هسته رادیکال و مبارز جنبش؛ یا تخلیه روانی بدن‌بال بروز خشم و هیجانات شدید دست یابد. خشونت حاشیه‌ای افراد را از نظام‌های سلسله‌مراتبی [کنترل و نظارت درون جنبش] رها می‌کند و به شرکت‌کنندگان اجازه می‌دهد تا از معضل نظارت و کنترل بیش‌ازاندازه در جنبش اجتناب کنند؛ معضلی که می‌تواند روابط قدرت مسئله‌داری را که جنبش خود در پی مبارزه با آنها است تقویت کند. با وجود اینها جنبش‌هایی که به نظم و انضباط بدون خشونت پایبند نیستند، اغلب درمی‌یابند که خشونت حاشیه‌ای اهداف استراتژیک بلندمدت آنها نظیر ایجاد جنبشی بیش‌ازپیش بزرگ و متنوع، تشویق افراد خارج از جنبش به حمایت از اهداف

آن و جلب مخالفان از میان ستون‌های مختلف حمایتی را تضعیف می‌کند. کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز با خشونت حاشیه‌ای ممکن است گهگاه در یک یا دو نبرد پیروز شوند، اما غالباً جنگ اصلی را در بلندمدت می‌بازند.

## **خوب حالا کمپین‌های بدون خشونت چگونه می‌توانند از خشونت حاشیه‌ای جلوگیری کرده یا آنرا محدود کنند؟**

مطمئن‌ترین راه برای به حداقل رساندن تأثیرات سیاسی عده معدودی خشونت‌طلب این است که تعداد توده‌های خشونت‌پرهیز به میزانی قابل توجه از آنها پیشی بگیرد. این اتفاق به یک جنبش اجازه می‌دهد تا پویایی خود را حفظ کرده و نشان دهد که اکثریت قریب به اتفاق افراد درگیر در جنبش غیرنظامیان غیرمسلح هستند. در صورتی که خشونت حاشیه‌ای رفته‌رفته محبوبیت جنبش را کاهش داده و حامیان آن را به ماندن در خانه ترغیب کند، می‌تواند چالشی اساسی در مقابل جنبش ایجاد کند. بسیاری از جنبش‌های مقاومت مدنی تاکتیک‌های خود را به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که احتمال دزدیدن صحنه از سوی تحریک‌کنندگان یا آشوب‌طلبان را کاهش دهند. برای مثال در برهه‌های غم و اندوه یا ترس و استیصال عمیق - مثلاً اگر دولت اخیراً تاکتیک‌های وحشیانه یا تروریستی خود را تشدید کرده باشد - رهبران جنبش اعتراضات عمومی در مقیاس بزرگ را لغو کرده و به جای آن تاکتیک‌هایی نظیر روزه‌داری، برنامه‌ریزی جلسات یا راهپیمایی‌های خاموش را در دستور کار خود قرار می‌دهند. راهپیمایی‌های خاموش می‌توانند مشارکت توده‌ای را به نمایش بگذارند و در عین حال نظم و انضباط در جنبش را تشویق کنند و همزمان خشم و اندوه مردمی را به سمت یک نمایش عمومی موقرانه و سنگین هدایت کنند. این امر احتمال خشونت بداهه یا سهوی را کاهش می‌دهد. راهپیمایی‌های خاموش کاملاً مشخص می‌کنند که

چه کسی به برنامه و استراتژی جنبش پایبند است و چه کسی نیست. دانشمند سیاست، جان اتان پینکنی<sup>۱</sup> دریافته است که روش‌هایی مانند اعتصاب و سایر اشکال عدم همکاری می‌توانند به افرادی درگیر جنبش کمک کنند تا نظم و انضباط بدون خشونت را در مواقعی که احتمال تشدید خشونت از سوی دولت وجود دارد، حفظ کنند. در مقابل، اتکای بیشتر به تظاهرات و تحصن می‌تواند احتمال درگیری مستقیم با پلیس را بیشتر کند- و در نتیجه شانس سرکوب بیشتر، ضربات ناخواسته یا اشکال شدیدتر خشونت [از سوی افراد درگیر] را افزایش دهد [۷۶].

در مواردی رویارویی اجتناب‌ناپذیر بوده است، جنبش‌ها روزها یا هفته‌ها را صرف آموزش فعالان و شرکت‌کنندگان خود کرده‌اند تا نشان دهند چگونه می‌توان بدون اقدام به خشونت، تنش‌ها را در درگیری‌ها کاهش داد. برخی از جنبش‌ها حتی شرط کرده بودند که هر فردی که می‌خواهد در اعتراضات مشارکت داشته باشد ابتدا باید آموزش‌های اقدام مستقیم بدون خشونت را طی کند؛ بدین ترتیب بین اعضاء اعتماد ایجاد می‌شد و افرادی که در شرف انجام اقدامات مخاطره‌آمیز بودند آمادگی پیدا می‌کردند و اطمینان می‌یافتند که مخاطرات را کاملاً می‌شناسند و می‌توانند آنها را پیش‌بینی کنند. در جریان جنبش حقوق مدنی آمریکا، فعالان سیاه‌پوست مرتبط با کمیته مدنی هماهنگی دانشجویی<sup>۲</sup> پیش از شروع مبارزات، در خفا و در زیرزمین کلیسا در نشویل و مناطق دیگر به انجام تمرین و سایر اقدامات آزمایشی در جهت حفظ نظم و انضباط بدون خشونت در مواجهه با حملات دولتی می‌پرداختند. فیلم‌های ویدئویی از آن زمان نشان می‌دهند که این فعالان در موقعیت‌های صحنه‌سازی شده اما

---

۱. Jonathan Pinckney

۲. Student Nonviolent Coordinating Committee (SNCC)

واقع‌گرایانه تمرین می‌کردند، برای مثال [در برخی موقعیت‌ها] مردانی سفیدپوست از الفاظ تحقیرآمیز علیه زنان سیاه‌پوست نشسته در پیشخوان ناهارخوری‌ها استفاده می‌کردند. فعالین سیاه‌پوست در این میان تمرین می‌کردند تا ترس و خشم خود را مدیریت کنند؛ نه برای اینکه «محترم» به نظر برسند، بلکه بدین‌منظور که بتوانند با موفقیت مأموریت خود را ادامه دهند؛ اینکه پشت پیشخوان ناهارخوری‌ها بنشینند تا دستگیر شوند و پس از آن به فعالیت‌های بدون خشونت خود در زندان‌ها و جلسات تودیع وثیقه ادامه دهند و پس از آزاد شدن دوباره برای نشستن به پشت پیشخوان ناهارخوری‌ها بازگردند.

انتشار و توزیع دستورالعمل‌ها یا خطوط قرمز پیش از انجام یک اقدام می‌تواند راهی مفید برای اطمینان از این باشد که مشارکت‌کنندگان خطرات را می‌شناسند و همچنان خود را متعهد به حفظ نظم و انضباط بدون خشونت می‌دانند. جنبش‌ها با کمک به مردم در جهت این احساس که از اشکال مختلف مقاومت بدون خشونت آگاهی دارند، آنها را در کنترل خود دارند و به آنها متعهد هستند، می‌توانند خود را در برابر خشونت‌های واکنشی و نسنجیده واکسینه کنند و توانایی خود را در حفظ نظم و انضباط بدون خشونت علیرغم روندهای خلاف انتظار افزایش دهند.

اصول و دستورالعمل‌هایی از این دست تاریخچه‌ای افتخارآمیز دارند، زیرا باموفقیت به جنبش‌های بزرگ کمک کرده‌اند تا آمادگی حفظ نظم و انضباط بدون خشونت را در شرایط بسیار سخت داشته باشند. در دوره استعمارگری بریتانیا در جنوب آسیا، جنبشی در میان پشتون‌های پاکستان به وجود آمد تا در برابر حاکمیت استعماری بریتانیا در پاکستان کنونی مقاومت کنند. رهبر جنبش، بادشاه خان<sup>۱</sup>،

---

<sup>۱</sup> . Badshah Khan

صدهزار پاکستانی را در یک «ارتش بدون خشونت» به کار گرفت. اعضای جنبش به خداوند سوگند خوردند که تنها از طریق تکنیک‌های گاندی وار عدم همکاری توده‌ای و برنامه‌ها و اقدامات سازنده به مبارزه با استعمار بریتانیا بپردازند.

در سال ۱۹۶۵ رهبران کنگره برابری نژادی<sup>۱</sup>، یکی از گروه‌های اصلی درگیر در جنبش حقوق مدنی ایالات متحده، قوانین و دستورالعمل‌هایی را برای شرکت‌کنندگان در اقدامات و فعالیت‌های کنگره تدوین و توزیع نمودند. از جمله قوانین این بود: در صورت حمله خشونت‌آمیز از سوی حریف، اعضای کنگره نباید در کلام یا عمل به مقابله به مثل بپردازند.

سایر جنبش‌ها نیز تعهدات مشابهی را پذیرفته‌اند که بسیاری از آنها به نحوی گسترده در میان تمامی جمعیت درگیر به اشتراک گذاشته شده است. برای مثال در جریان بهار پراگ ۱۹۶۸ و پس از اینکه شوروی چکسلواکی را به اشغال نظامی خود درآورد و مانع گذار آن به دموکراسی شد، مخالفان مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها را با نام «ده فرمان»<sup>۲</sup> برای تشویق عدم همکاری با سربازان شوروی منتشر کردند. [۷۷] تنها شش روز پس از تهاجم شوروی در ۲۶ اوت ۱۹۶۸، روزنامه عصر پراگ<sup>۳</sup> این دستورالعمل‌ها را منتشر کرد:

وقتی یک سرباز شوروی به سوی شما می‌آید، شما:

چیزی نمی‌دانید

اهمیتی نمی‌دهید

---

<sup>۱</sup> . Congress of Racial Equality (CORE)

<sup>۲</sup> Ten Commandments . در اینجا اشاره به ده فرمانی دارد که از سوی یهوه بر موسی در محلی به نام کوه سینا وحی شد و در کتاب مقدس آمده است - م .

<sup>۳</sup> . Vecerni Prah

چیزی نمی‌گویید

چیزی ندارید

بلد نیستید

چیزی نمی‌دهید

کاری نمی‌توانید انجام دهید

چیزی نمی‌فروشید

چیزی نشان نمی‌دهید

هیچ کاری نمی‌کنید

اخیراً در جریان انقلاب لبخند که در سال ۲۰۱۹ دیکتاتور الجزایر، عبدالعزیز بوتفلیقه<sup>۲</sup> را سرنگون کرد. لازهری لبت<sup>۳</sup>، نویسنده الجزایری، هجده دستورالعمل را را برای «راهپیمایی صلح طلبانه و متمدانه» منتشر کرد.

آرام و بی سروصدا راه خواهیم رفت.

رفتاری متمدانه و باوقار خواهیم داشت.

آب و سرکه با خود خواهیم آورد. [برای مقابله با اثرات گاز اشک‌آور].

به هیچ تحریک و جوسازی عکس‌العمل نشان نخواهم داد.

تحریک‌کنندگان و آشوب‌طلبان را منزوی خواهیم کرد و آنها را به پلیس تحویل

می‌دهم.

حتی یک سنگ هم پرتاب نمی‌کنم.

حتی یک پنجره را هم نمی‌شکنم.

---

<sup>۱</sup> . Smile Revolution

<sup>۲</sup> . Abdelaziz Bouteflika

<sup>۳</sup> . Lazhari Labter



فحاشی نمی‌کنم.

به قدر یک سرانگشت هم به مردم و اموالشان تعدی نمی‌کنم.

به پلیس و ژاندارم‌ها لبخند خواهم زد.

به هر زنی یک گل رز تقدیم می‌کنم.

آبی که همراه هست را را با تشنگان تقسیم می‌کنم.

مراقب سالخوردگان، زنان و کودکان خواهم بود.

مصمم و با اراده گام برخواهم داشت.

علیرغم محالات، دست از مبارزه نخواهم کشید.

من وارث شایسته ای برای نوامبریه‌ها خواهم بود [شورشیان استقلال طلب

الجزایری که در نوامبر ۱۹۵۴ علیه استعمار فرانسه قیام کردند].

بعد از راهپیمایی خیابان‌ها و میادین را تمیز خواهم کرد.

برای جهانیانی که مرا تماشا می‌کنند درس بزرگی خواهم داد و می‌کوشم برای آنها

یک الگو باشم، چرا که می‌دانم آزادی درانتهای راه درانتظار من است و مرا با آغوش باز

خود پذیرا خواهد بود.

در مواردی در حاشیه یک جنبش خشونت وجود داشته است، برخی از رهبران

بازکردن باب گفتگو با گروه‌های درگیر را مفید یافته‌اند. به عنوان مثال، تام

هستینگز آکهنه‌سرباز پورتلندی از ایالت اورگان، فعال صلح و پژوهشگر سیاسی،

کوشیده است با گروه‌هایی که پیش از یک اقدام صلح‌آمیز برنامه‌ریزی شده به اتحاد و

اجرای تاکتیک‌های خشونت‌آمیز روی می‌آوردند ارتباط برقرار کرده و از آنها درخواست

---

۱. Novemberists

۲. Tom Hastings

کند که از اقدامات «خانواده ناپسند» دوری کرده و به قوانین رفتاری بدون خشونت عمومی احترام بگذارند و از آنها پیروی کنند، در این صورت با استقبال بسیار نیز روبرو خواهند شد. او گزارش می‌دهد که در برخی اوقات این گروه‌ها به استدلال‌های او گوش داده و پذیرفته‌اند که یا نظم و انضباط بدون خشونت را در جریان اقداماتشان حفظ کنند و یا فعالیت‌های خود را متوقف کنند [۷۹].

همانطور که در بالا ذکر کردم تحقیقات اخیر همچنین نشان می‌دهند که زمانی مخالفان جنبش‌ها به آنها امتیازاتی می‌دهند یا تسلیم یک یا چند خواسته آنها می‌شوند، جنبش‌ها در برابر گسترش خشونت‌های حاشیه‌ای آسیب‌پذیرتر می‌شوند. چنین موقعیت‌هایی می‌تواند باعث ایجاد یا تشدید شکاف بین میانه‌روها و رادیکال‌ها در درون جنبش شود. جنبش‌ها می‌توانند با پیش‌بینی و آماده‌سازی خود برای این وضعیت و خلق و گسترش اصول محوری جنبش که بر وحدت پیرامون دستاوردهای استراتژیک کوتاه‌مدت تأکید دارند، برای این وضعیت آماده شده و به‌طور بالقوه از آن جلوگیری کنند [۸۰].

قطعاً برخی از افراد به قصد ارتکاب خشونت به تظاهرات مردمی وارد می‌شوند. برخی از جنبش‌ها به منظور آمادگی جهت این اتفاق، از پیش نیروهای حافظ صلح آموزش دیده‌ای را معین کرده و آنها را مسئول نظارت بر بالاگرفتن و تشنج بالقوه شرایط - چه توسط پلیس و نیروهای امنیتی و چه از سوی شرکت‌کنندگان عمداً تحریک‌کننده - می‌نمایند. این حافظان صلح اغلب در زمینه حل و فصل و مدیریت درگیری‌ها آموزش دیده‌اند و می‌توانند فوراً وضعیت را آرام کرده و از شدت تنش‌ها بکاهند. در صورتی که این اقدام آنها نیز با شکست مواجه شود، آنها می‌توانند به انتقال افراد درگیر به مکان‌های

امن و بی‌خطر کمک کرده یا از روشی به نام «میان‌گیری»<sup>۱</sup> استفاده کنند. این تکنیکی است که در آن تعداد زیادی از افراد بین تحریک‌کنندگان و اهدافشان در میان جمعیت قرار می‌گیرند تا آنها را از هم دور نگه دارند و مانعی انسانی بین آنها ایجاد کنند. گاهی اوقات نیز گروهی کوچکتر تحریک‌کنندگان را محاصره کرده و به سرعت آنها را از صحنه دور می‌کنند. در صربستان در سال ۲۰۰۰ زمانی که صدها هزار صرب در اعتراض به تلاش اسلوبودان میلوشویچ برای سرقت انتخابات دست به تظاهرات زدند، سازمان‌دهندگان دانشجویی به رانندگان تاکسی پول می‌دادند تا در نزدیکی محل استقرار تظاهرات وسیع مردمی مستقر شوند. صلح‌بانان جنبش نیز تحریک‌کنندگان را از میان جمعیت بیرون آورده و از آنها می‌خواستند که سوار تاکسی شده و رانندگان آنها را در محلی دور از مکان رویدادها پیاده می‌کردند.

گاهی اوقات جنبش‌ها قادر به استفاده از روش‌هایی مانند این نیستند. اما بازهم می‌توانند از طریق انتشار اخبار یا بیانیه‌های عمومی در محکومیت خشونت، دور کردن جنبش از مرتکبین و تحریک‌کنندگان خشونت، یا تنها با تمرکز مجدد روایت جنبش بر مطالبات اصلی خود، اثرات سیاسی این جناح‌های خشونت‌آمیز را به حداقل برسانند و البته این امر زمانی بهترین کارایی را خواهد داشت که جنبش به صراحت روشن کند که جنبشی غیرخشونت‌آمیز است.

با تمام اینها گاهی اوقات رهبران جنبش نمی‌توانند کسانی را که دست به خشونت می‌زنند، محکوم کرده یا تقبیح کنند. برای مثال در ایالات متحده فعالانی که برای عدالت نژادی مبارزه می‌کردند مجبور به پرداخت بهای سیاسی برای محکوم کردن کسانی بودند که با شورش یا ابزارهای ستیزه‌جویانه‌تر در راستای برابری نژادی مبارزه

---

<sup>۱</sup> . interpositioning

می‌کردند. مارتین لوتر کینگ افرادی را که برای اعتراض به خشونت پلیس دست به شورش می‌زدند محکوم نمی‌کرد. اگرچه می‌دانست که شورش‌ها از نظر استراتژیک مفید نیستند، اما این راه می‌دانست که افشای شکاف در جنبش حقوق مدنی برای اهداف کلی جنبش از جنبه استراتژیک مضرتر [از خشونت معترضان] خواهد بود. علاوه بر این، انجام این کار ممکن بود قدرت سیاسی او را در میان حامیان اصلیش کاهش دهد. و ممکن بود ضعف‌هایی را در ائتلاف جنبش بر ملا کند که دولت قادر بود بعدها از آن بهره‌برداری کنند. به هر جهت منحرف شدن با ادعاهای جعلی و دروغین - اینکه جنبشی بدون خشونت به دلیل اقدامات عده‌ای معدود از خشونت دفاع می‌کند - به تبلیغاتی که به دولت کمک می‌رساند اکسیژن می‌دمد.

این بخشی از دلیلی است که چرا رهبران بسیاری از جنبش‌های بدون خشونت اغلب در مورد گروه‌های خشونت‌طلبی که هدف مشترکی دارند سکوت می‌کنند. بله. رهبران می‌دانند که احتمالاً خشونت از جنبه سیاسی به آنها آسیب خواهد زد. اما این را هم می‌دانند که حامیان‌شان زمانی روی آنها حساب باز می‌کنند که به نمایندگی از تمامی کسانی که در جنبش گسترده‌تر مقاومت درگیر هستند صحبت کنند - و در این حالت اگر افرادی را که دست به خشونت می‌زنند محکوم کنند، انتقادات از جنبش را افزایش داده و مردم رهبران را خائن به خود [و به جنبش] تلقی می‌کنند. این امر به جایگاه اخلاقی رهبران و جنبش آسیب می‌رساند.

بنابراین می‌توان گفت که مهم‌تر از انضباط تاکتیکی، انضباط روایی است: توانایی یک جنبش برای حفظ شفافیت و تمرکز بر خواسته‌های اصلیش، فوریت و مشروعیت ادعاهایش، چشم‌اندازش از فردا، پایه‌های حمایتی روزافزونی و پیشرفتش به سوی این اهداف. به جای اینکه حواس‌تان را با دفاع یا محکوم کردن اقدامات چند نفر پرت کنید، یا به بحث در مورد اخلاقی بودن روش‌های مختلف مقاومت بپردازید، بکوشید روایت

جنبش را توسط جنبش کنترل کنید که این امر برای تأثیرگذاری و موفقیت آن بسیار ضروریست [۸۱].

## جنبش‌ها چگونه می‌توانند وقتی در مورد پذیرش خشونت اختلاف نظرهای واقعی وجود دارد، همچنان متحد بمانند؟

گاهی اوقات نمی‌مانند. بسیاری از جنبش‌ها به تلخی بین عده‌ای که به نظم و انضباط بدون خشونت پایبند مانده و آنهایی که متعهد به دنبال کردن اهداف خود با هر وسیله‌ی لازم هستند، تقسیم می‌شوند. برخی از جنبش‌ها هم مانع این شکاف‌ها می‌شوند، اما نمی‌شود الگویی کلی و عمومی برای همه‌ی آنها در نظر گرفت: هر رویکرد به شرایط خاص خود بستگی دارد. گاهی اوقات رهبران جنبش از مکانیسم‌های شرمسازسازی داخلی برای مجازات فرد یا گروهی که به نام جنبش از خشونت استفاده می‌کند بهره می‌برند. برای مثال گاندی گاهی اوقات پس از قوع شورش‌ها کارزارهای عدم همکاری سراسری را لغو می‌کرد و ادعا می‌کرد که هندی‌ها پیش از اینکه بخواهند کاملاً آماده‌ی مبارزه مؤثر علیه امپریالیسم بریتانیا شوند نیاز به تفکر و کفاره‌ی جمعی دارند. سزار چاوز و دیگر رهبران جنبش کشاورزان کالیفرنیا نیز به منظور شرمسازکردن افرادی که دیگران را در جنبش تحریک به خشونت ورزی می‌کردند، روزه می‌گرفتند. به دلیل اقتدار اخلاقی بالای چاوز درون جنبش، این اقدامات وی رفقای مبارز جوتر او را متقاعد می‌کرد که سر به راه شوند [و دست از اعمال خشونت بردارند].

با این حال این تکنیک‌ها تنها برای جنبش‌هایی مؤثر هستند که در پشت سر رهبر یا گروهی از رهبران توانا و کاریزماتیک متحد شده باشند، که امروزه در مورد بسیاری از جنبش‌ها صادق نیست و با افزایش خشونت دولتی علیه معترضان و ضرب و شتم، کشتار، شکنجه و حتی قتل عام آنها، راضی نگه داشتن مردم به حفظ نظم و انضباط

بدون خشونت دشوارتر از پیش شده است. در شرایط تکان‌دهنده [سرکوب و وحشیانه] قابل درک است که هر امید آرمانی باقی‌مانده، به سرخوردگی و ناامیدی تبدیل شود. برخی از جنبش‌ها با آموزش و آماده‌سازی شرکت‌کنندگان برای یک مبارزه طولانی و دشوار این گرایش را از بین می‌برند. آنها می‌کوشند اطمینان حاصل کنند که افراد درگیر خطرات را می‌شناسند و این را درک می‌کنند که مبارزه بدون خشونت مانند مبارزه مسلحانه، اغلب شامل فداکاری‌ها و پیروزی‌های کوچک و دیرپایی است که در این راه دشوار به دست خواهد آمد. این جنبش‌ها می‌کوشند فرصت‌های بی‌شماری را برای سهیم شدن افراد در غم‌واندوه ناشی از شکست‌ها فراهم کنند که از جمله می‌توان به گردهمایی‌های شفاف‌بخش، آثار هنری خاص و خلق تکنیک‌های جدید مبارزه اشاره کرد، مانند زنان شیلیایی که به نشان از دست دادن عزیزانشان در اتاق‌های شکنجه و اعدام پینوشه، به تنهایی می‌رقصیدند.

حال سازمان‌دهندگان جنبش‌های مقاومت مدنی چگونه می‌توانند انبوهی از افراد تازه‌بیدار و پرانرژی را که مایلند فعالانه در جنبشی مشارکت کنند که منجر به تغییرات اجتماعی و سیاسی واقعی شود، بسیج کنند - وقتی هزاران نفر از آنها معتقدند که تغییر واقعی مستلزم خشونت است؟

در اینجا نکته‌ای است که باید در نظر داشت: همانطور که مایکل ناگلر<sup>۱</sup> محقق - فعال اجتماعی اشاره می‌کند، جنبش‌ها نباید تنها به دلیل وجود خشونت‌های حاشیه‌ای، حتی در میان گروه‌های بزرگ، مبارزات خود برای عدالت را کنار بگذارند. بله، سرو کله‌زدن با گروه‌های خشونت‌طلب می‌تواند دشوار باشد - برخی افراد را از جنبش دور کند و گاهی اوقات ائتلاف‌ها را تحت فشار بگذارد. اما با این وجود اگر

---

<sup>۱</sup> . Michael Nagler

جنبش‌های قدرت مردم دست از مبارزه بکشند، این دیگر به معنای تسلیم خواهد بود، درست مانند زمانیکه در برابر پلیس خشونت طلب تسلیم می‌شوند. آنها [با این کار] به جای مدیریت و غلبه بر عده معدودی خشونت طلب و موانعی که ایجاد می‌کنند، مانند هر چالش دیگری در مسیر موفقیت، تنها راه را برای عقب نشینی‌ها و شکست‌های آینده هموار می‌کنند [۸۲].

## آیا جنبش‌هایی که با خشونت شروع می‌شوند می‌توانند به کارزارهای مدنی تبدیل شده و موفق شوند؟

بله. از سال ۱۹۴۶ تا ۲۰۱۳ حدود ۴ درصد از قیام‌های مسلحانه در نهایت به جنبش‌های مقاومت مدنی غیرخشونت‌آمیز تبدیل شدند - و برخی از آنها به پیروزی نیز رسیدند. این اتفاق در سال ۲۰۰۶ در نپال و پس از یک جنگ داخلی ده‌ساله بین دولت سلطنتی و شورشیان مائوئیست رخ داد. [۸۳] در سال ۲۰۰۵ یک جنبش توده‌ای مقاومت مدنی برای سرنگونی دولت و پایان بخشیدن به شورش‌ها قیام کرد که منجر به پایان جنگ داخلی و سرنگونی دیکتاتوری در سال ۲۰۰۶ شد. در آفریقای جنوبی ۱۹۹۴ نیز آپارتاید قانونی نه به دلیل مبارزات مسلحانه چندین دهه‌ای کنگره ملی آفریقا بلکه به دلیل اختلال‌آفرینی‌های اقتصادی بدون خشونت که شامل بایکوت مشاغل سفیدپوستان از سوی شهرک‌نشین‌های سیاه‌پوست طی ده سال؛ راهپیمایی‌ها، تظاهرات‌ها و اعتصابات؛ و تلاش‌های سازمان‌دهندگان در سراسر جهان که از طریق ابزارهایی مانند خروج سرمایه و تحریم، فشارهای اقتصادی بین‌المللی را هماهنگ می‌کردند به پایان خود رسید. در تیمور شرقی و پاپوآی غربی، جزایری در اقیانوس آرام که از سوی کشورهای دیگر به استعمار درآمده بودند نیز جنبش‌های استقلال طلب مسلح از سوی کمپین‌های مقاومت مدنی به حاشیه رفتند. تیمور در سال ۲۰۰۰ از اندونزی

استقلال یافت، در حالی که جنبش استقلال پاپوآی غربی هنوز تا زمان نگارش این مقاله به مبارزه خود با حاکمیت اندونزی ادامه می‌دهد. می‌توانم ده‌ها مثال دیگر را هم نام ببرم. زمین‌گذاشتن اسلحه و جایگزینی آن با مقاومت مدنی به پیروزی بسیاری از گروه‌های مسلح منجر شده است.

### آیا خشونت حاشیه‌ای اجتناب‌ناپذیر است؟

در سال ۱۹۶۲، رئیس‌جمهور، جان اف کندی گفت: «کسانی انقلاب خشونت‌آمیز را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند که انقلاب صلح‌آمیز را غیرممکن می‌دانند».

دست‌اندرکاران جنبش‌ها اغلب معمولاً زمانی استدلال می‌کنند که نمی‌توان از خشونت اجتناب کرد که خود جنبش‌ها [پیشتر] خشونت را در حاشیه خود تحمل کرده یا حتی آن را با آغوش باز پذیرفته باشند. هنگامی که تعداد زیادی از مردم آموزش‌ندیده و خشمگین با سرکوب گسترده مواجه می‌شوند، هنگامی که جمعیت زیادی با تحریکات یا حملات پلیس و نیروهای امنیتی روبرو می‌شوند- پای استدلال فوق به میان می‌آید. چگونه می‌توان توقع اقدام بدون خشونت منضبط را در پاسخ [به خشونت گسترده دولتی] داشت؟ مبارزانی که اسلحه به دست می‌گیرند اغلب این تصمیم خود را با توجه به سطح سرکوب دولتی توجیه می‌کنند. به عنوان مثال در سوریه تحت رهبری بشار اسد غیرنظامیان درگیر در مقاومت مدنی و نیز غیرنظامیانی که از سال ۲۰۱۱ در مجاورت گروه‌های شورشی مسلح زندگی می‌کردند، با سرکوب وحشیانه دولت روبرو شدند. در برخی موارد فعالان بدون خشونت از مبارزان محلی که برای دفاع از آنها در برابر شبه نظامیان وفادار به نیروهای امنیتی اسد اسلحه به دست می‌گرفتند، تشکر می‌کردند.



اما آنچه که این قبیل فعالان بحثی درباره آن ندارند و در بست پذیرفته‌اند این است: خشونت مبارزان محلی به آنها کمک می‌کند تا از نظر سیاسی به پیروزی دست پیدا کنند.

جان بریتویت<sup>۱</sup> استدلال کرده است که در بسیاری از موارد اگرچه جناح‌های خشونت طلب ممکن است ایده‌آل یک جنبش نباشند، اما جنبش‌ها هم نمی‌توانند مانع ظهور آن‌ها شوند. از این روی استدلال می‌کند که جنبش‌های بدون خشونت باید هماهنگی و همکاری با این گروه‌های حاشیه‌ای خشن را برای به حداکثر رساندن فشار سیاسی علیه رژیم در دستور کار خود قرار دهند. [۸۴] به طور مشابهی در مقاله‌ای در واشنگتن پست در سال ۲۰۱۹، پل آدلر<sup>۲</sup> مورخ استدلال کرد که در جریان نبرد سیاتل در سال ۱۹۹۹، گروه‌های کوچکی از مبارزان درگیری‌های خیابانی که در کنار دیگری که از اقدام مستقیم بدون خشونت استفاده می‌کردند، مشغول خرابکاری و آشوب بودند به گروه‌های مترقی نشان دادند که می‌توان تاکتیک‌های متفاوتی را دنبال کرد و برای پیگیری اهداف مشترک به همکاری و هماهنگی پرداخت [۸۵].

اما آیا این حقیقت دارد؟ دولت‌ها به این دلیل در مقابله با کارزارهای مقاومت مدنی به مشکل برمی‌خورند که نمی‌توانند واکنش مؤثری به انبوهی از شهروندانی که از همکاری با رژیم امتناع می‌کنند داشته باشند: زمانیکه شهروندان از سوار شدن و پرداخت هزینه اتوبوس‌های شهری خودداری می‌کنند؛ زمانی که به معادن یا کارخانه‌ها یا مغازه‌های خود نمی‌روند و همه کارها را متوقف می‌کنند؛ زمانیکه بر روی در قابلمه‌ها و ماهیتابه‌های خود چنان بلندبلند می‌کوبند که هیچ کاری دیگری نمی‌تواند انجام شود؛

---

<sup>۱</sup> . John Braithwaite

<sup>۲</sup> . Paul Adler

وقتی دانشگاه‌های زیرزمینی می‌سازند؛ روزنامه‌های غیرقانونی توزیع می‌کنند؛ و دولت‌های در سایه‌ای را تشکیل می‌دهند که ادعای مشروعیت دولت در زندگی روزمره را توخالی و بی‌ربط جلوه می‌دهند.

اکثر دولت‌ها برای مقابله با یک درگیری بی‌نظم خیابانی کار آسان‌تری پیش‌رو دارند- آن‌ها می‌توانند با دستگیری و حملات به معترضین و در ادامه مجازات سیاسی عدّه‌ای، غائله آنها را بخوابانند؛ در صورتی که این واکنش در مقابل کارزار توده‌ای غیرخشونت‌آمیزی که به نحو مؤثری سازماندهی شده است چندان ثمر بخش نیست. خشونت حاشیه‌ای همه این روش‌ها را بی‌اثر می‌کند. خشونت حامیان گسترده را می‌تاراند و جنبش را به یک هسته متعهد کوچک تقلیل می‌دهد- گروهی که برای سقوط یک دولت کافی نیستند. خشونت غالباً به دفع متحدان بالقوه و دلسردی متمرّدین احتمالی از میان حامیان نخبه دولتی منتهی می‌شود. این امر به شانس موفقیت یک جنبش آسیب می‌رساند- حتی (یا به ویژه) زمانی که رژیم در حال حمله، دستگیری، و به طور کلی سرکوب جنبش است.

با این وجود خشونت در درازمدت حتی آسیب بیشتری می‌زند. مطالعات تاریخی نشان می‌دهند که خشونت حاشیه‌ای خطر سقوط یک کشور به دامان استبداد را افزایش می‌دهد. در موارد شدیدتر، حضور گروه‌های خشونت‌طلب در حاشیه مقاومت مدنی غیرخشونت‌آمیز در نهایت منجر به درگیری‌های داخلی و جنگ می‌شود [۸۶].

حال یک جنبش چگونه می‌تواند در مقابل خشونت و سرکوب یک رژیم عکس العمل دهد؟ بیایید در فصل بعدی نگاهی به آن بیاندازیم.

## فصل چهارم / مقاومت مدنی و خشونت علیه جنبش

فرصت‌ها حتی در سخت‌ترین لحظات هم وجود دارند.

وانگاری ماتای، ۲۰۰۶

آیا مقاومت مدنی می‌تواند دشمنی کاملاً وحشی و درنده‌خو را شکست دهد؟ بسیاری از مردم معتقدند که پاسخ منفی است - و تنها خشونت است که می‌تواند جتاری را که برای ماندن در قدرت حاضر است به کشتار دسته‌جمعی، زندان، شکنجه و دیگر ابزارهای غیراخلاقی و غیرانسانی روی آورد، سرنگون کند. آنها ادعا می‌کنند که کمپین‌های مقاومت مدنی بدون خشونت تنها در مواردی موفقیت‌آمیز بوده‌اند که دشمن مایل یا قادر به استفاده از خشونت گسترده علیه آنها نبوده است. و به مبارزات شکست‌خورده اشاره می‌کنند و می‌گویند که کنش بدون خشونت هرگز نمی‌توانسته موفق شود، زیرا حریف بسیار بی‌رحم و درنده‌خو بوده است - چنانکه گویی به دست‌گرفتن اسلحه علیه قدرت نظامی آن ظالم، امنیت مخالفان را بیشتر تضمین می‌کند. این ادعای رایجی است که برای مثال در مورد اعتراضات دانشجویی چین در سال ۱۹۸۹ در میدان تیان‌آن‌من بیان می‌شود، که در آن فعالان دموکراسی خواه به شکل وحشیانه‌ای توسط ارتش چین سرکوب شدند. و اخیراً نیز در مورد قیام‌های بدون خشونت ۲۰۱۱ در سوریه مطرح می‌شود که به یک جنگ داخلی چندین ساله مبدل شد و طی آن صدها هزار نفر کشته و میلیون‌ها نفر مجبور به ترک کشورشان شدند. از دیگر ادعاهای رایج نیز این است که جنبش استقلال طلب گاندی در هند در نهایت به این دلیل به موفقیت رسید که هندی‌ها با پادشاهی بریتانیا روبرو بودند، نه آلمان هیتلری.

گرچه غالباً واقعیت این است که ترس از خشونت دولتی اکثریت مردم را از قیام باز می‌دارد- و این سرکوب شدید تابه‌حال بسیاری از تلاش‌ها در راستای مقاومت را منکوب کرده است- سوابق تاریخی نشان می‌دهند که عکس این موضوع نیز صادق است. همانطور که در این فصل بررسی می‌کنیم، گرچه شکل‌گیری مقاومت مدنی در شرایط سرکوب شدید دشوارتر است، اما بازهم نه غیرممکن است و نه کاملاً بی‌اثر. ما رایج‌ترین روش‌هایی را که مستبدان برای سرکوب کمپین‌های مقاومت غیرخشونت‌آمیز بکار بسته‌اند بررسی می‌کنیم و نگاهی می‌اندازیم به اینکه جنبش‌های قدرت مردمی چگونه به این موانع و دشواری‌ها واکنش نشان داده‌اند- و حتی علی‌رغم آن‌ها به پیروزی رسیده‌اند.

### سرکوب چیست؟

من از واژه «سرکوب»<sup>۱</sup> برای اشاره به زمانی استفاده می‌کنم که دولت‌ها یا عوامل آنها (ارتش، سرویس‌های امنیت داخلی، نیروهای شبه‌نظامی یا پلیس) از نیروی قهری خود برای تأثیرگذاری بر رفتار شهروندان استفاده می‌کنند. دولت‌های مختلف به روش‌های مختلف از سرکوب استفاده می‌کنند که با توجه به موارد زیر متفاوت هستند: دامنه یا تعداد افرادی که تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

شدت یا نوع اجباری که دولت بکار می‌بندد؛ خواه دستگیری، بدرفتاری، و آزارواذیت باشد، یا کشتار دسته‌جمعی و نسل‌کشی، شکنجه، حبس سیاسی خودسرانه، کشتار غیرقانونی، یا سایر موارد نقض حقوق بشر.

مرگبار بودن یا اینکه آیا دولت مردم را از طریق ناپدیدکردن، قتل‌های فراقانونی یا اعدام از بین می‌برد یا از سرکوب غیرکشنده، مانند بازداشت، آزارواذیت، ارباب، گرفتن

---

<sup>۱</sup>. repression

شغل، تصرف زمین یا تخریب خانه، متفرق کردن اجباری جمعیت با گاز اشک‌آور، ضرب و شتم، و دستگیری دسته‌جمعی استفاده می‌کند.

مدت زمان، به این معنی که آیا اجبار شامل تلاش‌های کوتاه‌مدت یا طولانی‌مدت علیه یک گروه اجتماعی، سیاسی، قومی یا نژادی خاص بوده است.

دولت‌ها ادعای انحصار در استفاده مشروع از زور را دارند- و این ادعا یکی از تفاوت‌های اساسی بین مثلاً پلیس و نیروهای خودسر یا آتش‌به‌اختیار محسوب می‌شود. از آنجایی که بسیاری از شهروندان این انحصار را می‌پذیرند، یک حکومت سرکوبگر می‌تواند بدون استفاده از اجبار مستقیم و صرفاً با روشن ساختن آنچه می‌تواند در صورت تمایل انجام دهد، سرکوب مورد نظر خود را اعمال کند. به همین دلیل دانشمندان علوم سیاسی، امیلی ریترا<sup>۱</sup> و کورتنی کنراد<sup>۲</sup> استدلال کرده‌اند که حتی اگر دولتی در زمانی بخصوص فعلاًانه دست به سرکوب شهروندان خود نزند، باز هم ممکن است همچنان دولتی به شدت سرکوبگر باشد.<sup>[۱]</sup>

## آیا شهروندان می‌توانند کارزارهای مقاومت مدنی بدون خشونت را برای مبارزه با دیکاتورهای وحشی و بی‌رحم به کار بگیرند؟

بله. در واقع همان‌طور که من و جی اولفلدر<sup>۳</sup>، دانشمند علوم سیاسی دریافتیم، افزایش خشونت دولتی یکی از دلایل اصلی قیام مردمی در درجه اول است.<sup>[۲]</sup> از آنجایی که کنجکاو بودیم بدانیم چرا قیام‌های بدون خشونت در برخی کشورها رخ می‌دهند اما در برخی دیگر نه، مجموعه داده‌ای را با استفاده از فهرستی از

---

<sup>۱</sup> . Emily Ritter

<sup>۲</sup> . Courtenay Conrad

<sup>۳</sup> . Jay Ulfelder

شاخص‌هایی که تصور می‌کردیم تأثیرگذار باشند جمع‌آوری کردیم. این شاخص‌ها شامل این موارد می‌شود: سطح دموکراسی یا خودکامگی در یک کشور، بزرگی جمعیت، سابقه نقض حقوق بشر، تجربه اخیر اعتصابات کارگری، جمعیت جوانان، شکاف یا دودستگی قومی، بی‌ثباتی دولت، فقر، سابقه درگیری‌های داخلی، ادغام در اقتصاد جهانی و اینکه آیا منطقه یا جهان شاهد موجی از مقاومت بوده است یا خیر. همانطور که در فصل ۲ ذکر شد، یافتن متغیرهایی که به نحوی پیوسته بر آغاز قیام‌های بدون خشونت که ذاتاً غیرقابل پیش‌بینی هستند تأثیر بگذارند بسیار دشوار است.

با این حال نکته‌ای که قابل توجه بود این بود: ماندگارترین و تأثیرگذارترین عامل پیش‌بینی‌کننده قیام‌های غیرخشونت‌آمیز سابقه حقوق بشری یک کشور بود. کشورهایایی که سوابق بدتری داشتند، نسبت به کشورهایایی که سوابق نسبتاً بهتری داشتند، احتمال بیشتری دارد که شاهد یک قیام گسترده بدون خشونت باشند. این حقیقت اگرچه ممکن است دور از ذهن و خلاف انتظار به نظر برسد اما نکته‌ای بااهمیت را آشکار می‌کند: نقض حقوق بشر - از جمله زندان‌های خودسرانه، شکنجه، قتل‌های فرافانونی و ناپدیدشدن‌های قهری - می‌تواند مردم را از بخش‌های مختلف جامعه متقاعد کند که رفتار و عملکرد دولت آنقدر نامشروع و تهدیدآمیز شده است که آنها دیگر چاره‌ای جز اقدام علیه آن ندارند. مردم غالب اوقات در کشورهایی بسیار سرکوبگر از سد بلند ترس می‌گذرند تا علیه آنها دست به قیام بزنند.

### سرکوب علیه کمپین‌های بدون خشونت چقدر رایج است؟

بستگی به این دارد که کمپین مورد نظر تا چه اندازه دشمن خود را با تهدید مواجه کند. زمانی که مخالفان وضعیت موجود را به شکلی جدی تهدید نمی‌کنند دولت‌ها

معمولاً یا آنها را نادیده گرفته یا به تعدادی از خواسته‌هایشان تن می‌دهند.[۳] دولت‌ها عموماً اعتراضات و تظاهرات توده‌ای را به عنوان تلاش‌هایی مردمی برای خالی کردن خشم و عصبانیت خود تفسیر می‌کنند- یا به عنوان رویدادهایی جزئی که نشانگر یک تهدید سیاسی جدی نیستند.

اما زمانی که کارزارهای غیرخشونت‌آمیز توده‌ای نهادها یا سیستم‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی جامعه‌ای را به چالش بکشند، دولت‌ها معمولاً با سرکوب گسترده به آنها پاسخ می‌دهند. در واقع سرکوب خشونت‌آمیز ناراضیان غیرمسلحی که هدفشان دگرگونی شدید و اساسی اوضاع است، آنقدر رایج است که کریستین داوِنپورت،<sup>۱</sup> دانشمند علوم سیاسی آن را «قانون پاسخ‌دهی قهری»<sup>۲</sup> می‌نامد[۴].

بیایید کمی با آمار و ارقام صحبت کنیم. رژیم‌ها در ۸۸ درصد موارد در برابر انقلاب‌های بدون خشونت‌تی که بین سال‌های ۱۹۰۰ و ۲۰۱۹، بوقوع پیوست (و در ۹۴ درصد موارد علیه انقلاب‌های خشونت‌آمیز) با سرکوب گسترده و مرگبار واکنش نشان داده‌اند. زمانی که یک کارزار مقاومت مدنی می‌کوشد تا دولتی را سرنگون کند، رژیمی استبدادی را براندازد، یا استقلال منطقه‌ای خاص را اعلام کند، دشمنان آن [یا همان دولتها] تقریباً بلااستثناء و در همه‌جای جهان با نقض حقوق بشر به آن پاسخ می‌دهند: ناپدیدشدن‌های قهری، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و کشتارهای غیرقانونی. با این حال کشتار دسته‌جمعی از سوی دولت-شاید شدیدترین شکل سرکوب- در برابر قیام‌های بدون خشونت واکنشی نسبتاً نادر است.

---

<sup>۱</sup>. Christian Davenport

<sup>۲</sup>. law of coercive responsiveness

در مجموع می‌توان گفت که دولت‌هایی که با چالش‌های انقلاب‌های غیرمسلم‌حانه روبرو می‌شوند، معمولاً با زور وحشیانه و کورکورانه با آن‌ها به مقابله می‌پردازند. اما اینکه این واکنش‌ها چقدر گسترده، ویرانگر و شدید باشند - به عبارت دیگر، درجه، دامنه و شدت سرکوب - با یکدیگر متفاوت است. و این تنوع تا اندازه‌ای بر اساس ویژگی‌های خود جنبش مقاومت است.

سرکوب چگونه بر کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز تأثیر می‌گذارد؟

همانطور که در مورد بسیاری دیگر از دینامیسم‌ها و پویایی‌های مقاومت مدنی نیز صادق است، اثرات سرکوب اساساً غیرقابل پیش‌بینی هستند. محققان عموماً هم‌نظرند که سرکوب شدید یا سرکوب «هوشمندانه» - که به معنای سرکوب بسیار پیچیده و گزینشی است - می‌تواند کار را برای جنبش‌های توده‌ای دشوار کند. با این حال محققان این را هم می‌پذیرند که سرکوب‌ها و رویدادهای وحشیانه‌ای که از سوی دولت سر می‌زند می‌توانند به جای پایان بخشیدن به کارزاری بدون خشونت علیه نظامی سرکوبگر بر تنور آن بدمند. اعدام فراقانونی<sup>۱</sup> و مثله کردن امت تیل<sup>۲</sup> چهارده ساله را در می‌سی‌سی‌پی در سال ۱۹۵۵ جلوی چشم بیاورید. پس از اینکه جسد وی پیدا شد مادر تیل اصرار داشت که در مراسم تشییع جنازه در تابوت باز باشد و این جنایت وحشتناک به نمایش گذاشته شود. موجی از خشم، حمایت و همدردی مردمی، هزاران نفر را بر آن داشت تا در جنبش

---

۱. lynching

۲ Emmett Till . امت تیل چهارده ساله اهل شیکاگو هنگام سفر به ایالت می‌سی‌سی‌پی برای دیدار با خانواده‌اش ربوده شد و پس از ضرب و شتم وحشیانه به شکلی که چهره‌وی قابل تشخیص نبود، با شلیک گلوله به قتل رسید. دو سفیدپوستی که مرتکب این جنایت شده بودند گفتند دلیل آن این بوده که امت تیل برای یک زن سفیدپوست سوت زده است. هیئت منصفه دادگاه که همگی سفید پوست بودند هر دو متهم را تبرئه کردند. این پرونده به یکی از موارد مهم در مبارزات مدنی برای برابری حقوق سیاه‌پوستان بدل گردید - م



حقوق مدنی ایالات متحده شرکت کرده یا از آن حمایت کنند. همین امر در مورد قتل جورج فلوید، احمد آربری و برونا تیلور نیز صادق است که قتل آنها بزرگترین و گسترده‌ترین بسیج توده‌ای برای جان سیاه‌پوستان را در تاریخ ایالات متحده در تابستان ۲۰۲۰ رقم زد.

همانطور که در بالا ذکر شد، افزایش نسبتاً ناگهانی در سرکوب- یا دوره‌ای از خشونت که با شوکه‌کردن یک ملت آنرا به شورش علیه یک سیستم سرکوبگر برمی‌انگیزد- به نحوی مستمر با آغاز قیام‌های غیرخشونت‌آمیز توده‌ای مرتبط بوده است.<sup>[۵]</sup> اما دو عامل به شدت بر نحوه تاب‌آوری سرکوب از سوی جنبش تأثیر می‌گذارد: اول، انسجام سازمانی جنبش و دوم، وضعیت سیاسی گروهی که جنبش نماینده آن است.

این دو عامل دقیقاً چه هستند؟ منظور من از «انسجام سازمانی» این است که سازمان‌دهندگان جنبش یا ائتلاف سازمان‌دهنده تا چه اندازه می‌توانند مردم را از طریق این موارد متحد نگه دارد: یک برنامه عمل مشترک و پذیرفته شده، ایده‌ای جمعی پیرامون آنچه جنبش در راستای تحقق آن می‌کوشد، و درجاتی از تداوم سازمانی که به جنبش اجازه می‌دهد حتی اگر یک یا چندتن از رهبران آن دستگیر یا کشته شدند به حرکت خود ادامه دهد. منظور من از «وضعیت سیاسی» نیز درجه و میزانی است که دولت گروه مورد نظر را برای بقای سیاسی خود [در جامعه] ضروری می‌بیند.

بیاید هر یک از این موارد با جزئیات بیشتری بررسی کنیم.

## انسجام سازمانی

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سازماندهی قوی مهم‌ترین عامل در کمک به کارزارهای مقاومت مدنی برای بقا در مقابل سرکوب است. وندی پرلمن<sup>۱</sup>، دانشمند

---

<sup>۱</sup> . Wendy Pearlman

علوم سیاسی، در کتاب خود در مورد جنبش ملی فلسطین استدلال می‌کند که حضور یا غیبت انسجام سازمانی می‌تواند به بهترین وجه توضیح دهد که چرا این جنبش در طول زمان بین روش‌های خشونت‌آمیز و بدون خشونت در نوسان بوده است. [۶] بیابید ببینیم که انسجام سازمانی در مواجهه با سرکوب چگونه بر دو مرحله مجزا از جنبش استقلال فلسطین تأثیر گذاشته است: انتفاضه اول و دوم فلسطین.

انتفاضه اول در سال ۱۹۸۷ و زمانی آغاز شد که فلسطینیان از تمامی اقشار جامعه، در واکنش به حادثه‌ای که طی آن یک کامیون نیروی دفاعی اسرائیل<sup>۱</sup> با یک خودروی سواری برخورد کرد و چهار کارگر فلسطینی را کشت، قیام کردند. فلسطینی‌ها از این حادثه خشمگین شده بودند و آن را به عنوان مجازات دسته جمعی عمدی بخاطر قتل یک یهودی که اخیراً در غزه کشته شده بود، تعبیر می‌کردند. قیام انتفاضه از اردوگاه پناهندگان جبالییا<sup>۲</sup> در نوار غزه که محل زندگی سه نفر از چهار نفری بود که در تصادف اتومبیل کشته شده بودند آغاز شد، اما به سرعت به بسیاری از روستاها و شهرهای غزه و کرانه باختری گسترش یافت.

رهبری مشخص و قاطعی از میان گروه‌های مردمی جامعه مدنی با یکدیگر متحد شدند. از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ جوامع فلسطینی و گروه‌های مردمی ائتلاف گسترده‌ای را با نام رهبری متحد ملی (قیام) القيادة الوطنية الموحدة<sup>۳</sup> تشکیل دادند که برای استقلال، خودمختاری و رهایی فلسطین و فلسطینیان از خشونت پرسنل نظامی اسرائیلی تلاش می‌کرد. قيادة الوطنية که عمدتاً توسط گروه‌های اجتماعی زنان سازماندهی شده بود، تعهد رسمی خود به اجتناب از خشونت مرگبار را ابراز کرده بود و در جوامع محلی برای

---

<sup>۱</sup> . Israeli Defense Force (IDF)

<sup>۲</sup> . Jabalia Refugee Camp

<sup>۳</sup> . Unified National Leadership of the Uprising (UNLU)

متقاعد کردن فلسطینی‌ها به ادامه اقدامات بدون خشونت حتی زمانی که پرسنل نظامی اسرائیل از نیروی مرگبار استفاده می‌کردند، مشارکت داست، و استدلالش این بود که توسل به خشونت، مشروعیت انتفاضه را در چشم اسرائیلی‌های موافق و دلسوز و متحدان بین‌المللی بالقوه تضعیف می‌کند. [۷] صدها هزار فلسطینی در اقداماتی نظیر توقف کار، اعتصابات، اعتراضات، بایکوت نهادهای دولتی اسرائیل و تظاهرات غیرخشونت‌آمیز شرکت کردند.

اگرچه رسانه‌های خبری عمدتاً تمایل داشتند سنگ‌پرانی‌های جوانان فلسطینی را به عنوان تصاویری نمادین از انتفاضه اول برجسته کنند، مستندات بایگانی شده نیروی دفاعی اسرائیل نشان می‌دهند که ۹۸ درصد تظاهرات فلسطینیان بدون خشونت بوده است. [۸] با این حال ارتش اسرائیل با گلوله‌های واقعی، ضرب و شتم، تخریب منازل، قطع درختان زیتون و بازداشت بدون محاکمه به مقابله با فعالان فلسطینی می‌پرداخت. در جریان این قیام بیش از ۱۲۰۰ فلسطینی کشته و تعداد زیادی زخمی یا زندانی شدند. بیش از ۱۵۰ غیرنظامی و سرباز اسرائیلی نیز عمدتاً توسط گروه‌های شبه‌نظامی که خارج از کنترل قیاده‌الوطنیه فعالیت می‌کردند کشته شدند. اما به دلیل رهبری موردتوافق قیاده‌الوطنیه، دیدگاه مشترک جمعی، انضباط روایی و هنجارها و قوانین داخلی روشنی که جنبش را متحد نگه می‌داشت، فلسطینیان صرف نظر از اینکه واکنش دولت اسرائیل چقدر سرکوب کننده بود، عمدتاً بر روش‌های غیرخشونت‌آمیز - مانند تظاهرات گسترده، امتناع از پرداخت مالیات، انسداد جاده‌ها، تحریم محصولات اسرائیلی و اعتصاب در شهرک‌های اسرائیلی تکیه می‌کردند. تصاویر فلسطینیان غیرمسلحی که در حال رویارویی با تانک‌ها و پرسنل یونیفرم‌پوش اسرائیلی در روستاهایشان بودند، افکار عمومی بین‌المللی و اسرائیل را بیش از پیش به سمت رسمیت‌شناختن حقوق فلسطینیان سوق می‌داد. گروهی از پرسنل نیروی دفاعی اسرائیل از خدمت در

سرزمین‌های فلسطینی امتناع کردند. این گروه برجسته از متمردین نظامی که «رفیوزنیک‌ها»<sup>۱</sup> نامیده شدند، منجر به تغییر هرچه بیشتر افکار عمومی اسرائیل در مورد ضرورت شناخت آرمان‌های اساسی خودمختاری فلسطینی‌ها گردیدند. این وقایع منجر به مذاکراتی در مادرید و اسلو شد و در نتیجه آن توافق تاریخی در سال ۱۹۹۴ به وجود آمد که تشکیلات خودگردان فلسطین<sup>۲</sup> را تأسیس کرد و به فلسطینی‌ها خودمختاری قابل توجهی را برای اداره کرانه باختری و نوار غزه اعطاء کرد و منجر به عقب‌نشینی محدود ارتش اسرائیل از هر دوی این مناطق شد. در این توافقنامه سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)<sup>۳</sup> به نمایندگی یاسر عرفات، حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت. [۹]

با این حال وحدت و انسجام سازمانی که انتفاضه اول را جان بخشید و به حرکت درآورد چندان دوام نیاورد. در جریان مذاکرات اسلو، حماس - یک گروه اسلام‌گرای مبارز فلسطینی - حملات خود علیه اسرائیلی‌ها را از کشتارهای کوچک در سال ۱۹۸۸ به بمب‌گذاری‌های انتحاری مرگبارتر در ۱۹۹۳ شدت بخشید. این موج ترور نشان‌دهنده تغییر کلی مبارزات به مبارزه خشونت‌آمیز در میان گروه‌های مبارز فلسطینی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ بود - دوره‌ای که به انتفاضه دوم معروف گردید.

بیابید ببینیم که چگونه عدم یکپارچگی - مخالف انسجام سازمانی - بر این مرحله از درگیری‌ها که با ظهور حماس آغاز شده بود، تأثیر گذاشت. حماس خود را به عنوان

---

<sup>۱</sup> refusenik . در اصل به افرادی در اتحاد جماهیر شوروی سابق گفته می‌شد که اجازه مهاجرت به آنها داده نمی‌شد، و به طور خاص به یهودیان این کشور که اجازه سفر به اسرائیل به آنها داده نمی‌شد اطلاق می‌شد و درکلیت به افرادی گفته می‌شود که به نشانه اعتراض، از پیروی از دستورات یا اطاعت از قانون سر باز می‌زنند-م.

<sup>۲</sup> . Palestinian Authority

<sup>۳</sup> . Palestine Liberation Organization (PLO)

آلترناتیوی جنگجو و اسلام‌گرا برای ساف سکولار و چپ‌گرا معرفی می‌کرد و این گروه را بیش از حد با حق موجودیت اسرائیل موافق و سازگار می‌دانست. در منشور حماس که در سال ۱۹۸۸ نوشته شده است، این گروه متعهد شده که اسرائیل را نابود کند. با آغاز اجرایی شدن توافقنامه اسلو در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴، حماس موجی از ترورهای انتحاری را براه انداخت و امیدوار بود از این طریق روند صلح را از مسیر اصلی خود خارج کند و در افکار عمومی اسرائیل دودستگی بوجود بیاورد. اگرچه تروریسم حماس تا اندازه‌ای در دو قطبی کردن افکار عمومی اسرائیل موفق بود، اما عمدتاً این کار را از طریق قدرت بخشیدن به تندروهای داخل اسرائیل، نظیر آریل شارون<sup>۱</sup>، رهبر جنگ طلب و تندروی این کشور انجام داد. تشدید خشونت علیه غیرنظامیان اسرائیلی - که در حالی که در کافه‌ها مشغول غذا خوردن بودند یا سوار اتوبوس به سمت محل کارشان می‌رفتند در اثر بمب‌گذاری‌های انتحاری کشته می‌شدند - جنبش صلح اسرائیل را نیز به سکوت واداشت، چرا که تحت فشار گذاشتن اسرائیل برای حفظ تعهدات خود در جهت اعطای خودمختاری به فلسطینیان در حالی که افکار عمومی در غم و اندوه و خشم [ناشی از بمب‌گذاری‌ها] غوطه‌ور بودند، کار بسیار دشواری بود.

انتفاضة دوم در سال ۲۰۰۰ و با بازدید آریل شارون، وزیر دفاع جنگ طلب اسرائیل از کوه معبد در اورشلیم<sup>۲</sup> - یک مکان مقدس اسلامی - آغاز شد. هنگامی که فلسطینیان در اورشلیم به طور خودجوش به این حضور بحث‌برانگیز اعتراض کردند ارتش اسرائیل

<sup>۱</sup> . Ariel Sharon

<sup>۲</sup> . کوه معبد یا حرم شریف قدس (به عربی الحرم القدسی الشریف) تپه ایست واقع در شهر قدیم بیت المقدس که یکی از مهم‌ترین مکان‌های مذهبی در جهان است و هزاران سال از سوی یهودیت، مسیحیت و اسلام تقدیس می‌شده است. مهم‌ترین بخش این مکان در حال حاضر سه سازه یادمانی از اوایل دوره اموی هستند مسجدالاقصی، قبة الصخره و قبة السلسلة و همچنین چهار مناره - م.

به سمت معترضان گاز اشک‌آور شلیک کرد، آنها را مورد ضرب و شتم قرار داد و عده‌ای را به قتل رساند. در پاسخ گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی- حماس، جهاد اسلامی فلسطین،<sup>۱</sup> جبهه مردمی برای آزادی فلسطین<sup>۲</sup> و گردان‌های شهدای الاقصی<sup>۳</sup> - اسرائیلی‌ها را با موج بسیار شدیدتری از حملات انتحاری مورد هدف قرار دادند که منجر به کشته شدن حدود هزار اسرائیلی شد. در این مرحله از مبارزه، گروه‌های مبارز فلسطینی برای جذب نیرو و حمایت مردمی از میان فلسطینیان با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند که منجر به مکانیسمی معروف به «بلندشدن روی دست یکدیگر»<sup>۴</sup> گردید. [۱۰] دولت اسرائیل نیز با تیراندازی، حملات تانکها و هلیکوپترها، ترورهای هدفمند، تخریب منازل، دستگیری‌های دسته‌جمعی و اشغال نظامی به این حملات پاسخ داد که منجر به کشته شدن هزاران فلسطینی گردید.

نتایج انتفاضه دوم چه بود؟ اسرائیل در نهایت توانست موج تروریسم را با استفاده از سرکوب گسترده مهار کند. دولت اسرائیل منازل خانوادگی بمب‌گذاران انتحاری مظنون را ویران کرد و هزاران مخالف سیاسی فلسطینی را به زندان انداخت و در ادامه شروع به ساختن دیواری بتنی بین اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی در غزه و کرانه باختری کرد که منجر به اختلافات مرزی متعددی گردید؛ چرا که این دیوار از میان روستاهای

---

<sup>۱</sup> . Palestinian Islamic Jihad (PIJ)

<sup>۲</sup> . Popular Front for the Liberation of Palestine (PFLP)

<sup>۳</sup> . Al Aqsa Martyrs Brigades

<sup>۴</sup> outbidding . نظریه‌ای که بر مبنای آن رقابت داخلی بین گروه‌های تروریست احتمال این را که یک سازمان سیاسی خاص در تلاش برای متمایز کردن خود، از خشونت استفاده کند، افزایش می‌دهد. گروه‌هایی که طبق این منطق استراتژیک عمل می‌کنند می‌کوشند با استفاده از خشونت مردم را متقاعد کنند که تروریست‌ها عزم بیشتری نسبت به گروه‌های رقیب برای مقابله با دشمن دارند و بنابراین شایسته حمایت هستند-م.

فلسطینی عبور می‌کرد و خانواده‌های فلسطینی را از درختان زیتون‌شان جدا می‌کرد- که یکی از منابع اصلی امرار معاش در فلسطین محسوب می‌شود. نیروی دفاعی اسرائیل در سال ۲۰۰۵ از نوار غزه عقب‌نشینی کرد و جا را برای حماس باز گذاشت تا در انتخابات سال ۲۰۰۶ این منطقه به پیروزی برسد و در ادامه نیز رقبای سکولار خود را در یک جنگ داخلی محدود در سال ۲۰۰۷ از این منطقه بیرون براند. حماس از آن زمان نوار غزه را در کنترل خود دارد، در حالی که فتح (ساف) <sup>۱</sup> کرانه باختری را کنترل می‌کند که این امر منجر به تگه‌تگه شدن و ناتوانی رهبری سیاسی فلسطین گردیده است. در داخل اسرائیل نیز حمایت عمومی از نامزدهای سیاسی جنگ طلب و تندرو افزایش یافته است. از سال ۲۰۰۱ به این سو، سیاست اسرائیل تحت تسلط احزاب دست‌راستی قرار گرفته که بر پاسخ‌های نظامی قاطع به مقاومت فلسطین- غیرخشونت‌آمیز یا خشونت‌آمیز- تأکید دارند و همزمان مشغول گسترش شهرک‌های یهودی در داخل سرزمین‌های فلسطینی و تنگ‌ترکردن محاصره نوار غزه هستند و از دادن امتیازات معنادار به رهبران فلسطینی در زمان‌هایی که تلاش‌ها برای از سرگیری روند صلح وجود دارد امتناع می‌کنند. امروزه ظاهراً هدف استقلال فلسطین بیش از اوایل دهه ۱۹۹۰ از دسترس دور شده است.

---

<sup>۱</sup> Fatah. جنبش فتح، سابقاً جنبش آزادبخش ملی فلسطین، حزب سیاسی سوسیال دموکراتیک و ناسیونالیست فلسطینی و بزرگترین جناح سازمان آزادبخش فلسطین (ساف) و دومین حزب بزرگ در شورای قانونگذاری فلسطین (PLC) است. محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، جزو اعضای فتح است. یاسر عرفات بنیانگذار فتح در سال ۱۹۷۵ تا زمان مرگش در ۲۰۰۴ رهبر فتح بوده است و پس از آن به ترتیب فارق القدومی و محمود عباس ریاست این سازمان را به عهده داشتند. عمده فعالیت‌های جنبش فتح [اغلب در گذشته] فعالیت‌های انقلابی و مسلحانه بوده و چندین گروه نظامی را در اختیار خود دارد- م

به این ترتیب انتفاضه اول و دوم دو مسیر متفاوت را دنبال کردند- یکی در درجه اول بدون خشونت بود و دیگری عمدتاً خشونت‌آمیز. پرلمن<sup>۱</sup> ادعا می‌کند که سرکوب‌های دولتی اسرائیل در مرحله بدون خشونت انتفاضه اول به همان اندازه شدت داشت که در انتفاضه دوم. [۱۱] اما انتفاضه اول پیشرفت معناداری به سوی راه حل دوکشور<sup>۲</sup> بوجود آورد در حالی که انتفاضه دوم در این امر موفق نشد. چرا؟ پرلمن استدلال می‌کند که انتفاضه اول کارزاری بسیار منسجم‌تر با ساختار رهبری ائتلافی مورد توافق، مشارکت گسترده مردمی و احساس مشروعیت مشترک پیرامون اهداف و روش‌های مناسب دستیابی به آنها بود. انتفاضه دوم از منظر سازمانی، تا حدودی خودجوش و بدون برنامه و نقشه قبلی آغاز شد- بدلیل ناامیدی از روند ناموفق صلح در سال ۲۰۰۰ و اقدامات تحریک‌آمیز وزیر دفاع وقت، آریل شارون- و فاقد ساختاری هماهنگ بود که ریشه در سازمان‌های مردمی داشته باشد. در نتیجه در انتفاضه دوم شاهد سطح بسیار بالاتری از درگیری‌های داخلی در میان سازمان‌های شبه‌نظامی فلسطینی بودیم و هیچ رهبری هماهنگی در میان آنها به چشم نمی‌خورد. علاوه بر این انتفاضه دوم مشارکت گسترده مردمی در میان فلسطینیان را به همان شیوه‌ای که در انتفاضه اول وجود داشت، دربرداشت. تشدید مقاومت مسلحانه در جریان انتفاضه دوم خود نشانه‌ای بود مبنی بر اینکه هریک از گروه‌های مبارز رقیب به دنبال توجه بیشتر و حمایت عمومی در میان فلسطینیان بودند. [۱۲] در مجموع مطالعه پرلمن بر روی جنبش ملی فلسطین نشان

---

<sup>۱</sup> . Pearlman

<sup>۲</sup> two-state solution . راه‌حلی مبنی بر ایجاد کشوری مستقل برای فلسطینیان در کنار کشور اسرائیل برای یهودیان و به رسمیت شناخته شدن آن از سوی طرفین. چهارچوب این راه حل برای اولین بار در توافقات اسلو بسته شد که در اولین گام به شکل‌گیری حکومت خودگردان فلسطین انجامید. مرز بین دو کشور هنوز مشمول اختلاف و مذاکره است و رهبران فلسطینی و عربی بر «مرزهای ۱۹۶۷» پافشاری می‌کنند که البته اسرائیل آن را قبول ندارد-م.



می دهد که جنبش ها تا زمانی که بتوانند متحد و سازمان یافته باقی بمانند قادر خواهند بود در مواجهه با خشونت پیشرفت های چشمگیری از خود نشان دهند. اما زمانی که تا حد زیادی بداهه و خودجوش باشند سرکوبهای دولتی می تواند به تشدید سریع تنش ها بیانجامد - به ویژه زمانی که گروه های شبه نظامی مسلح از پیش در ترکیب جنبش حضور داشته باشند.

مطالعات جدیدتر دیدگاه پرلمن را در زمینه های دیگر نیز تأیید می کند. دانشمندان علوم سیاسی، جان اتان ساتون<sup>۱</sup>، چارلز بوچر<sup>۲</sup> و ایساک اسونسون<sup>۳</sup> [۱۳] در مطالعه ای بر روی چهل و شش گشتار دولتی بین سال های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۱، داده های کمی درباره تأثیرات این قتل عام ها را بر نتایج تظاهرات های بدون خشونت بررسی کردند. آنها دریافتند که حتی در مواردی که دولت بیش از صد نفر را در جریان تظاهرات غیرمسلحانه مردمی می کشد، چنانچه جنبش ها بخشی از کارزاری با سازماندهی قوی باشند همچنان قادر خواهند بود که در درازمدت به موفقیت دست پیدا کنند. کلیفورد باب<sup>۴</sup> و شارون نپستاد<sup>۵</sup>، دانشمندان علوم اجتماعی نیز دریافتند که جنبش ها در صورتی که به خوبی سازماندهی شده باشند و برنامه های روشنی برای ادامه مبارزه داشته باشند می توانند از ترور رهبران خود جان سالم به در ببرند. [۱۴] زمانیکه رهبری یک جنبش ساختاری مدیریتی، یک طرح جانشینی و یک سازمان نسبتاً متحد و منسجم ایجاد کرده باشد،

---

<sup>۱</sup> . Jonathan Sutton

<sup>۲</sup> . Charles Butcher

<sup>۳</sup> . Isak Svensson

<sup>۴</sup> . Clifford Bob

<sup>۵</sup> . Sharon Nepstad

احتمال بیشتری وجود دارد که جنبش با وجود از دست دادن یکی از چهره‌ها یا رهبران خود به حیات ادامه دهد.

البته برخی تحقیقات نشان می‌دهند که جنبش‌های اپوزیسیون بدون خشونت نوظهور در مواجهه با رژیم‌های سرکوبگر بسیار پیچیده می‌توانند مشکلات بیشتری داشته باشند- به ویژه رژیم‌هایی که دارای انگیزه‌های نسل‌کشی یا قتل‌عام هستند و جلادهایی مشتاق به کار دارند. برای مثال کریستوفر سالیوان<sup>۱</sup>، دانشمند علوم سیاسی، اسناد اولیه آرشیو ملی گواتمالا را که جزئیات قلع و قمع نظامند اپوزیسیون بدون خشونت و چپ‌گرایی این کشور در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از سوی نیروهای امنیتی و پیش از اینکه این گروه‌ها بتواند در یک کمپین مقاومت بدون خشونت مؤثر متحد شوند را نشان می‌داد، بررسی کرده است. [۱۵] در این دوره ارتش، پلیس و شبه‌نظامیان (با همان «جوخه‌های مرگ»<sup>۲</sup>) که توسط دولت ایالات متحده آموزش دیده بودند، رهبران شاخص اتحادیه‌ها، روشنفکران، دانشجویان، رهبران بومی، روحانیون کاتولیک و دیگر مخالفان مظنون را به طور گسترده ناپدید کرده، شکنجه کرده و به قتل می‌رساندند. تلاش‌های خشونت‌آمیز دولتی گروه‌های مخالف باقی‌مانده را به فعالیت‌های زیرزمینی واداشت. بسیاری از چپ‌گرایانی که از این دوره وحشیگری‌های افراطی جان سالم به دربرده بودند، اغلب مقاومت بدون خشونت را کنار گذاشتند و به جنگ چریکی روی آوردند و با بمب‌گذاری‌های محدود و حملات حمله و گریز در شهرها و شورش در روستاها به مقابله با دولت برخاستند. دیکتاتوری گواتمالا با تاکتیک‌های ضدشورش

---

<sup>۱</sup> . Christopher Sullivan

<sup>۲</sup> . death squads

زمین سوخته خود به این اقدامات واکنش داد و از جمله به نسل‌کشی مردم مایا که مضمون به فعالیت‌های ضددولتی بودند دست زد. [۱۶]

این نمونه از وحشیگری‌های شدید دولتی علیه غیرنظامیان غیرمسلح، دیدگاهی هراس‌آفرین در مورد چگونگی کشته‌شدن برخی از مخالفان احتمالی را پیش از اینکه حتی شروع به سازماندهی ائتلاف، ایجاد پایگاه مردمی مشارکت و بسیج مقاومت توده‌ای بدون خشونت کنند، پیش چشم می‌گذارد.

با این حال نباید از یاد برد که چنین سببیت‌هایی برای دولت‌ها نیز مخاطره‌آمیز است— آن‌ها همیشه با این احتمال روبرو هستند که حامیان خود را بواسطه چنین اقداماتی از خود برانند. [۱۷] سرکوبگری رژیم علیه تظاهرکنندگان غیرمسلح اغلب می‌تواند با ایجاد خشم شدید عمومی، جلب حامیان بیشتر، ایجاد حمایت خارجی از جنبش و وادار کردن نیروهای امنیتی به تمرّد و رویگردانی نتیجه معکوس داشته باشد [۱۸]. دولت‌ها در مواجهه با یک قیام توده‌ای بدون خشونت نمی‌توانند همواره از وفاداری زیردستان خود مطمئن باشند.

### موقعیت سیاسی یک جنبش

با این تفاسیر رژیم‌ها چه زمانی می‌توانند از اعمال خشونت‌هایی که علیه معترضان مدنی انجام داده‌اند قسر در برونند؟ ظاهراً این امر تا اندازه‌ای به این بستگی دارد که آیا مردمی که در حال مقاومت هستند قدرت عددی، اقتصادی یا اجتماعی برای ایجاد تغییر را دارند یا خیر.

رالف سامی<sup>۱</sup>، دانشمند علوم سیاسی [۱۹] استدلال می‌کند که زمانی که بقای دولت به شکلی جدی به اطاعت شهروندان متکی باشد، سرکوب به احتمال زیاد نتیجه

---

<sup>۱</sup> . Ralph Summy

معکوس دارد؛ این همان اتّفاقیست که وقتی مردم از گروه اکثریت جامعه از پذیرش رفتار و عملکرد دولت امتناع می‌ورزند بوقوع می‌پیوندد. برای مثال در صربستان سال ۲۰۰۰ سه سال مقاومت به رهبری دانشجویان سرانجام دیکتاتور اسلوبودان میلوشویچ را سرنگون کرد. دولت میلوشویچ نمی‌توانست بدون [پذیرش از سوی] جمعیت نسبتاً همگن و یکدست صربستان زنده بماند؛ حمله به معترضان مسالمت‌آمیز سرکوب یک «گروه خودی نامتخاصم» بود؛ اتّفاقی که در کشور به شدت مورد انزجار قرار گرفت.

گاهی اوقات در جریان اشغال نظامی یک کشور نیروی اشغالگر به نحوی مشابه به همکاری مردم محلی وابسته می‌شود. برای مثال ادامه اشغال نروژ و دانمارک از سوی آلمان نازی به حمایت مردم این کشورها از تلاش‌های جنگی آلمان بستگی داشت - کار در کارخانه‌ها، ادامه فعالیت راه‌آهن این کشورها، تهیه غذا از مزارع محلی، نگهداری کودکان در مدارس و غیره. اکثر مردم نروژ و دانمارک از کار یا همکاری با نیروهای اشغالگر خودداری کردند - از کار انداختن راه‌آهن، امتناع از تدریس، نرفتن به سرکار در کارخانه‌های اسلحه‌سازی، ریختن شکر در مخازن سوخت و استفاده از روش‌های مختلف خرابکاری تا از انجام این وظایف توسط خود آلمانی‌ها نیز جلوگیری کنند. سرکوب دسته جمعی برای اجبار شهروندان به اطاعت نتیجه معکوس و هزینه سنگینی در پی داشت. از اینرو نازی‌ها کوشیدند تا از اشکال گزینشی‌تر سرکوب استفاده کنند و رهبران و سرحلقه‌های مظنون گروه‌های اپوزیسیون را به جای کل جمعیت هدف قرار دهند.

اما اگر که یک دولت بخواهد می‌تواند بدون اطاعت یک گروه اقلیت - معمولاً یک گروه نژادی یا قومی یا گروهی که در مناطق روستایی یا دورافتاده کشور زندگی می‌کنند - حکومت کند و گاهی اوقات باخسونت و بدون هیچ واکنش منفی سیاسی دست به سرکوب بزند. برای مثال حزب کمونیست چین برای حفظ حکومت تک‌حزبی خود به

اطاعت مردم تبت نیازی ندارد. تبت در مرز غربی چین و به دور از مناطق شهری پرجمعیت این کشور واقع شده است و جمعیت آن در مقایسه با جمعیت کل چین بسیار اندک است. از این رو دولت چین به طور کامل هرگونه مقاومت معناداری در آن ناحیه را سرکوب کرده و نظارت منطقه‌ای شدیدی را بر تهدیدات متصوّر برای ثبات کشور [در آن ناحیه] برقرار کرده و اقدام به مسدودکردن دسترسی اینترنتی به اطلاعات مربوط به اعتراضات یا ارتباط با تبعیدیان تبتی نموده و با اولین نشانه‌های مقاومت اقدام به بازداشت و اعدام سریع راهبان تبتی یا فعالان جوان می‌کند.

در موقعیت‌هایی مانند تبت فعالان اقلیت تلاش کرده‌اند آنطور که ماریا استپان گفته است، «میدان نبرد بدون خشونت را گسترش دهند» [۲۰] که به معنای ایجاد روابط با اشخاص ثالث قدرتمندی است که مبارزات را به عنوان مبارزه خود می‌نگرند. فعالان استقلال طلب تبت کوشیده‌اند این کار را با ایجاد روابط با افرادی که دولت چین برای ماندن در قدرت به آنها نیاز دارد، انجام دهند. فعالان و تبعیدیان تبتی با دولت‌ها و آژانس‌های مختلف غربی همکاری کرده‌اند تا از این طریق دولت چین را به دلیل نقض حقوق بشر تحت فشار قرار دهند. زمانیکه بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ در پکن برگزار شد، فعالان استقلال طلب تبت با برپایی اعتراضات در سفارتخانه‌های چین در سراسر جهان و در برخی موارد، دعوت از کشورها برای بایکوت این رویداد از آن به عنوان فرصتی برای جلب توجه بین‌المللی به سرکوب‌های دولت چین در تبت استفاده کردند. علیرغم پوشش گسترده این اقدامات و مخالفت‌های گروه‌های حقوق بشری و دولت‌ها در سراسر جهان اکثر کشورها به دلیل ترس از رویگردانی چین که یک قدرت اقتصادی جهانی است، حاضر به تحریم بازی‌های المپیک نشدند. تنها یک رهبر در جهان - نخست‌وزیر لهستان - در اعتراض به خشونت‌های چین در تبت، مراسم افتتاحیه بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ را تحریم کرد. متأسفانه تعداد بسیار کمی از چینی‌های سرزمین

اصلی نیز از آرمان استقلال تبت حمایت می‌کنند- حتی در میان آنهایی که به حقوق بشر و ارزش‌های لیبرالی اهمیت می‌دهند. علاوه بر این فشارهای بین‌المللی نیز به آن اندازه معنادار یا پیوسته نبوده است که چین را مجبور به تغییر رویکرد خود کند. در دوران پرزیدنت ترامپ، ایالات متحده رئیس دولت در تبعید تبت را به کاخ سفید دعوت کرد و سیاست‌های چین در مورد این کشور را محکوم کرد- اقداماتی نمادینی که لزوماً تبتی‌ها را به استقلال نزدیک نمی‌کرد. این اقدامات به جای علاقه واقعی به کمک به تبتی‌ها برای تحقق آرمان‌های شان برای خودمختاری یا استقلال بیشتر، تنها موضع [ظاهراً] «سخت‌تر» دولت ترامپ در قبال چین را منعکس می‌کرد.

با اینحال دیگران در گسترش میدان نبرد بدون خشونت موفقیت بیشتری داشتند. برای مثال در سال ۱۹۷۵، تیمور شرقی جزیره‌ای کوچک با جمعیت زیر ششصد هزار نفر بود. این کشور از قرن شانزدهم تا ۱۹۷۵ مستعمره پرتغال بود و پس از آن از سوی کشور همسایه، یعنی اندونزی، بزرگترین کشور مسلمان جهان، با جمعیتی بیش از ۱۳۰ میلیون نفر مورد تهاجم قرار گرفت، اشغال شد و ضمیمه این کشور گردید. جنبش خودمختاری تیمور به مقابله پرداخت، اما نیروهای اندونزیایی شورش مسلحانه تیموری‌ها را سرکوب کردند و نیمی از جمعیت این جزیره را با اتخاذ کارزار ضدشورش زمین سوخته سلاخی کردند. فعالان تیموری که قادر به مبارزه با قدرت نظامی اندونزی نبودند، اقدام به برقراری روابط با دانشجویان سرزمین اصلی اندونزی کردند که سابقه حمایت از حقوق بشر را در کارنامه خود داشتند. در ادامه، همان دانشجویان به سازماندهی یک گروه همبستگی جهانی با نام شبکه اقدام تیمور شرقی کمک کردند. این شبکه عملاً با دولت‌های مختلف- از جمله ایالات متحده - برای توقف ارسال کمک‌های نظامی به اندونزی که

---

۱ . East Timor Action Network (ETAN)

به ادامه اشغال تیمور شرقی کمک می‌رساند به رایزنی و لابی‌گری پرداخت. قتل‌عام گسترده تیموری‌ها در یک مراسم تشییع جنازه در دلیلی<sup>۱</sup> در ۱۹۹۱ خشم بین‌المللی و محکومیت جهانی اندونزی را در پی داشت. با افزایش پشتیبانی افکار عمومی بین‌المللی از استقلال تیمور شرقی نیروهای اندونزیایی رفته‌رفته عقب‌نشینی کردند اما هنوز به طور کامل از این جزیره خارج نشده بودند. در ۱۹۹۷ آسیا با یک بحران مالی گسترده مواجه شد که ارزش روپیه، واحد پول اندونزی را به شدت کاهش داد و باعث شد رئیس‌جمهور سوهارتو برای دریافت کمک مالی به نهادهای بین‌المللی تمسک بجوید. این فرصت به اهرم فشاری برای شبکه اقدام تیمور و دیگر نهادهای بین‌المللی تبدیل شد که سعی در تحت فشار گذاشتن اندونزی داشتند. مؤسسات مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و کشورهای قدرتمندی مانند ایالات متحده سوهارتو را مجبور کردند که با همه‌پرسی استقلال تیمور به عنوان شرطی برای دریافت کمک‌های مالی موافقت کنند. در همه‌پرسی که در ۱۹۹۹ و با حمایت سازمان ملل صورت گرفت، جمعیت تیمور با اکثریت قاطع به استقلال این جزیره رأی دادند. اما از آنجایی که سربازان و شبه‌نظامیان اندونزی همچنان به رفتارهای وحشیانه با مردم تیمور ادامه می‌دادند، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در جریان گذار پرآشوب و خشونت‌آمیز تیمور به استقلال در این جزیره مستقر شد و در نهایت در سال ۲۰۰۲ این گذار به سرانجام رسید.

مسیر استقلال تیمور شرقی دراز و خونین بود. اما نشان می‌دهد که چگونه کارزار مقاومت مدنی از سوی یک گروه اقلیت ظاهراً ناتوان و ضعیف می‌تواند به پیروزی برسد - حتی اگر دشمن سرکوبگر آن به اطاعت و فرمانبرداری آنها نیازی نداشته باشد.

---

۱ . Dili

گسترش میدان مبارزه مدنی - با در بر گرفتن گروه‌های اکثریت و خارجی‌های با نفوذ یا قدرتمند - می‌تواند تفاوت بزرگی ایجاد کند، حتی زمانی که اکثریت جمعیت از سرکوب دولتی حمایت می‌کنند. همانطور که ماری الیزابت کینگ، از فعالان کهنه‌کار جنبش حقوق مدنی ایالات متحده، یکبار به من گفت، «این مردم ستم‌دیده هستند که همیشه باید آن گروهی باشند که شرایط رهایی خود را تعیین می‌کنند. اما جنبش‌های ستم‌دیدگان همواره باید افرادی از اعضای طبقه ستمگر را نیز در خود داشته باشند» [۲۱].

در مجموع می‌توان گفت که سرکوب می‌تواند جنبش مقاومت مدنی را دست کم موقتاً در هم بکوبد و از هم پاشاند. یا می‌تواند نتیجه معکوس داشته و در نهایت جنبش را به نحوی چشمگیر گسترش دهد. این که جنبش به کدام یک از این دو مسیر می‌رود تا اندازه‌ای به سازماندهی رهبری آن و اینکه چه کسانی در آن مشارکت دارند بستگی دارد و در نهایت اینکه آیا این افراد می‌توانند به نحوی مؤثر با حامیانی خارج از گروه خود ارتباط برقرار کنند تا از این طریق اهرم فشاری معنادار بر ستون‌های حمایتی دشمن مقابل خود وارد کنند یا خیر.

### مقاومت مدنی تا چه اندازه مخاطره‌آمیز است؟

جنبش‌های بدون خشونت که به واقع وضعیت موجود را به چالش می‌کشند بسیار مخاطره‌آمیز هستند. هنگامی که یک جنبش با زیرپا گذاشتن هنجارهای قانونی و نهادی دشمن قدرتمند خود را به چالش بکشد و دشمن نیز عملاً نتواند چشم خود را بر ضدیت با وضع موجود از سوی جنبش ببندد در آن صورت تقریباً همیشه با سرکوب خشونت‌آمیز به آن واکنش نشان می‌دهد. در این میان علاوه بر خطر فیزیکی انواع



دیگری از خطرات نیز وجود دارد- خطر ازدست دادن شهرت، خطر آبروریزی، و خطر از دست دادن شغل، مراقبت‌های بهداشتی، مسکن و حضانت کودک .

البته سطح ریسک بسته به اینکه چه کسی هستید، چه کاری انجام می‌دهید، در چه زمانی و در چه زمینه بزرگتری متفاوت است. برای مثال اگر شما در یک تظاهرات توده‌ای شرکت می‌کنید و همزمان یک جنبش مقاومت خشونت‌آمیز دست به حمله به رژیم می‌زند، در صورتی که رژیم آماده این باشد که با تمامی چالش‌ها به یک شکل برخورد کند، این احتمال وجود دارد که بیشتر در معرض خطر سرکوب خشونت‌آمیز دولت باشید. البته این تاحدی به حریف نیز بستگی دارد: آیا رژیم، شرکت‌های بزرگ یا دیگر ساختارهای قدرت مایل و قادر به اعزام پلیس، شبه‌نظامیان یا اراذل و اوباش مسلح هستند تا گروه شما را به شکل وحشیانه‌ای از میدان بزرگ شهر یا هر جای دیگری بیرون برانند؟

اما نکته این جاست که این خطرات را با چه چیزی مقایسه می‌کنیم؟ برای برخی مقاومت مدنی خطرناک‌تر از همراهی با وضعیت موجود نیست، چرا که این افراد پیشتر از سوی رژیم احساس خطر کرده‌اند. و اگر مقاومت تنها گزینه پیش رو باشد در این صورت مقاومت غیرخشونت‌آمیز خطر بسیار کمتری نسبت به سلاح دست گرفتن علیه رژیم دارد. با کنترل طیف گسترده‌ای از عوامل دیگر، کمپین‌های بدون خشونت‌ی که با هدف از بین بردن ساختار قدرت بین سال‌های ۱۹۴۶ و ۲۰۱۳ فعال بودند مرگ و میر بسیار کمتری را نسبت به همتایان مسلح خود متحمل شده‌اند. قیام‌های مسلحانه در آن دوره متوسط بیش از ۲۸۰۰ کشته در سال را تجربه کرده‌اند، در حالی که انقلاب‌های غیرمسلحانه حدوداً ۱۰۵ کشته در سال داشته‌اند [۲۲].

علاوه بر این راه‌هایی برای راه‌اندازی کمپین‌های مقاومت مدنی وجود دارد که بتوان خطرات پیش‌روی افراد درگیر را نیز در نظر داشت. مقاومت بدون خشونت همواره برای

افرادی که پیشتر به حاشیه رانده شده یا مورد تبعیض قرار گرفته‌اند، خطرناک‌تر است. همانطور که پیشتر بحث کردیم، نیروهای امنیتی برای قلع و قمع وحشیانه این گروه‌ها آماده هستند و احتمال رویگردانی یا تمرد در مقابله با این گروه‌ها کمتر وجود دارد. به همین دلیل است که اتّحادهایی در جهت «گسترش میدان نبرد» با افرادی که در موقعیت‌های قدرت قرار دارند می‌تواند برای چنین گروه‌هایی بسیار حیاتی باشد و به آنها کمک کند تا قدرت و اهرم فشار خود را تقویت کنند. به عنوان مثال در طول جنبش حقوق مدنی ایالات متّحده، سازمان دهندگان سیاه‌پوست به خوبی می‌دانستند که پلیس نژادپرست جنوب با جان و دل دستورات برخورد‌های خشن با معترضان مسالمت‌آمیز را به اجرا می‌گذارد، به این ترتیب امکان دامن‌زدن به تمرد و رویگردانی در میان نیروهای امنیتی عملاً وجود نداشت. و در پشت نیروهای رسمی پلیس نیز گروه‌های برتری طلب سفیدپوست و کولوکس کلان‌ها اقرار داشتند که عمیقاً در ساختار قدرت مستقر درگیر بوده و در ایجاد وحشت برای رهبران جامعه سیاه‌پوست فراتر از خشونت پلیس کاملاً فعال بودند. این یکی از دلایلی است که رهبران حقوق مدنی تمرکز خود را بر روی صاحبان مشاغل محلی قرار داده و قدرت اقتصادی خود را با تحریم مشاغل مورد تبعیض نشان دادند. آنها هنجارهای تبعیض نژادی را با نشستن پشت پیشخوان‌های رستوران و حضور در مناطق «مختص سفیدپوستان» زیر پا گذاشتند، از خبرگزاری‌های دعوت کردند تا اعتراضات و راهپیمایی‌های منضبط آنها در سطح

---

۱. کولوکس کلان، با سابقه طولانی خشونت، یکی از قدیمی‌ترین و بدنام‌ترین گروه‌های نفرت پراکنی آمریکایی است. اگرچه سیاه‌پوستان آمریکایی معمولاً هدف اصلی کلان‌ها بوده‌اند، اما پیروان آنها به یهودیان، مهاجران و اعضای جامعه دگریاشان جنسی نیز حمله می‌کرده‌اند. این گروه در جریان جنگ داخلی آمریکا در ۱۸۶۵ میلادی و توسط کهنه سربازان ارتش کنفدراسیون آمریکا بنیان نهاده شد و از آن زمان تا به امروز سه دوره فعالیت را سپری کرده است. استفاده از ابزار ترور، خشونت و ایجاد وحشت از جمله حربه‌های آنان جهت پیشبرد عقایدشان است - م.

محلی و ملی را مخایره کنند و برای کسانی که در جریان این کمپین‌ها زندانی شده بودند کمک‌های قانونی و مالی جمع‌آوری کردند. بحران اقتصادی و سیاسی حاصله رهبران جامعه سفیدپوست را مجبور به نشستن پای میز مذاکره کرد، و حمایت ملی (اگر نه محلی) را از رفع تبعیض نژادی و ادغام اجتماعی به دست آورد، سیاست‌های فدرالی را که قوانین جیم کرو را جرم‌انگاری می‌کردند به تصویب رساند و برابری نژادی را به یکی از اهداف اصلی حزب دموکرات در پنجاه سال گذشته تبدیل کرد [۲۳].

### رژیم‌ها چه هنگام به کمپین‌های مدنی با کشتار جمعی پاسخ می‌دهند؟

دانشمندان علوم اجتماعی غالباً «کشتار جمعی» را شکلی از خشونت دولتی تعریف می‌کنند که در آن دست‌کم هزار غیرنظامی غیرمسلح کشته می‌شوند. این می‌تواند شامل قتل عام‌هایی گسترده در چندین تظاهرات یا قتل‌هایی باشد که در جریان یک جنبش روی هم انباشته می‌شوند. ایوان پرکوسکی<sup>۱</sup> و من دریافتیم که در طول دوره ۱۹۵۵-۲۰۱۳، حدود ۲۳٪ - یا تقریباً یک چهارم - انقلاب‌های بدون خشونت که هدفشان سرنگونی رژیم بوده است، در مقاطعی با کشتار جمعی روبرو شده‌اند. [۲۴] این سطح فوق‌العاده بالایی از سرکوب مرگبار است - و قویاً نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان در جنبش احساس می‌کردند که زندگی روزمره در شرایط موجود به اندازه‌ای ظالمانه و نامطلوب است که مرگ در برابر آن چندان ناخوشایند نیست.

اما باز این سؤال مطرح می‌شود: در مقایسه با چه چیزی؟ در مقایسه با اطاعت و تسلیم، بلکه مقاومت مدنی مخاطره‌آمیز است. اما در مقایسه با مقاومت مسلحانه خطر کمتری دارد. دولت‌ها در مقابله با حدود ۷۰ درصد از مبارزات خشونت‌آمیز دست به قتل عام زده‌اند و غیرنظامیانی را که گمان می‌برند از شورشیان مسلح حمایت می‌کنند

---

<sup>۱</sup> . Evan Perkoski

سلاخی کرده‌اند. احتمال اینکه دولت‌ها با خشونت شدید به قیام‌های مسلحانه واکنش نشان دهند بسیار بیشتر است.

## کمپین‌های مقاومت مدنی چگونه در مقابل سرکوب عکس‌العمل نشان می‌دهند؟

می‌توانیم پاسخ به این سؤال را به چندین جواب مجزا تقسیم کنیم و به هر یک نگاه عمیق‌تری بیاندازیم. اول اینکه جنبش‌هایی هستند که پیشاپیش برای سرکوب آماده شده‌اند و با تغییر رویه از روش‌هایی که افراد زیادی را در یک مکان جمع می‌کنند به روش‌های پراکنده‌ای که سرکوب آنها دشوارتر است به سرعت در مقابل خشونت دولتی واکنش نشان می‌دهند. دوم اینکه برخی جنبش‌ها می‌کوشند با عمومی و علنی کردن خشونت دولتی و دعوت از دیگران برای پیوستن یا حمایت از جنبش پویایی و شتاب خود را حفظ کنند. سوم برخی دیگر دست به عقب‌نشینی می‌زنند، دوباره متشکل شده و استراتژی‌های خود را مورد بازبینی قرار می‌دهند [و مجدداً شروع به فعالیت می‌کنند]. چهارم اینکه برخی دیگر نیز با تشدید خشونت، چه به صورت عکس‌العملی و بی‌اراده و چه با تصمیمی صریح و مشخص برای راه‌اندازی یک مبارزه مسلحانه سازمان‌یافته، واکنش نشان می‌دهند. آخرین پاسخ کارزارهای مقاومت به سرکوب وحشیانه نیز عدم اتحاد و نابسامانی و ازهم‌پاشیدگی جنبش است.

برخی از جنبش‌ها با تغییر سریع تاکتیک به سرکوب‌ها واکنش نشان می‌دهند. برخی جنبش‌ها زودتر از سایرین این نکته را تشخیص می‌دهند که رژیم با مبارزات آنها با خشونت برخورد خواهد کرد. این به آن‌ها کمک می‌کند تا هرچه سریعتر از

تاکتیک‌هایی که توده‌های مردم را در یک مکان جمع می‌کند به تاکتیک‌هایی که مردم را متفرق و پراکنده می‌کند تغییر وضعیت دهند. برای مثال در دسامبر ۲۰۱۸ مردم سودان در واکنش به افزایش شدید قیمت نان دست به قیام زدند. دولت سودان در واکنشی افراطی و نامناسب و با استفاده از گاز اشک‌آور، گلوله‌های پلاستیکی و ادوات جنگی علیه معترضان ده‌ها نفر را کشت. مردم خشمگین در سراسر کشور شروع به تظاهرات کردند و خواستار استعفای رئیس‌جمهور عمرالبشیر شدند که دیکتاتوری وحشیانه وی سی سال بر مسند قدرت بود. طی چند ماه بعد ائتلافی گسترده از مخالفان از جمله کارگران؛ گروه‌های زنان؛ انجمن‌های صنفی پزشکان، وکلا و سایر متخصصان، به همراه دانشجویان شروع به هماهنگی فعالیت‌ها و بسیج خود کردند. انجمن متخصصان سودان به سازمانی کلیدی تبدیل شد که این تلاش‌ها را هماهنگ می‌کرد و در مورد برنامه‌ها و استراتژی‌های جنبش در سراسر کشور به ایجاد ارتباطات و تبادل اطلاعات می‌پرداخت. در این میان نوآوری‌های تاکتیکی نیز رواج یافت؛ از جمله ظهور شخصیت «مرد سطلی»<sup>۱</sup> - جوان سودانی که در تظاهرات شرکت می‌کرد و با استفاده از سطلی که به همراه داشت، گلوله‌های گاز اشک‌آور را پیش از اینکه بتوانند گاز سمی‌شان را منتشر کرده و معترضان را از کار بیاندازد، می‌پوشاند.

جنبش در ۱۱ آوریل ۲۰۱۹ به موفقیتی بزرگ دست یافت. تعدادی از افسران ارتش سودان البشیر را از قدرت خلع کردند، خود را شورای نظامی انتقالی اعلام کردند و از مردم سودان خواستند دست از تظاهرات بردارند. در پاسخ، هزاران نفر از مردم سودان به اعتراضات خود ادامه دادند و خواستار نقش‌آفرینی اپوزیسیون غیرنظامی در روند گذار کشور به سوی دموکراسی شدند. در اواخر ماه آوریل چندتن از رهبران شورای نظامی در

---

۱ . Bucket Man

پاسخ به خواسته‌های جنبش استعفاء دادند اما این شورا همچنان در قدرت باقی ماند. مردم سودان به مقاومت خود ادامه دادند و از جمله اقدام به تحصن در خارج از مقر نظامی رژیم در خارطوم کردند و خواستار تضمین‌های دموکراتیک و صندلی‌های بیشتر برای غیرنظامیان در پای میز مذاکره شدند. در ۳ ژوئن نیروهای امنیتی به یک کمپ تظاهرات در خارطوم یورش بردند و بیش از صد نفر را کشتند، هفتاد نفر را مورد تجاوز قرار دادند، اجساد کشته‌شدگان را در رودخانه نیل انداختند و به غیرنظامیان زخمی که در حال بهبودی در بیمارستان‌ها بودند حمله کردند. هدف از کشتار خارطوم شکستن روحیه مقاومت در میان مخالفان سودانی بود. اما در مقابل انجمن متخصصان از مردم درخواست کرد تا همچنان دیسپلین بدون خشونت خود را حفظ کنند و در یک کارزار نافرمانی مدنی تمام‌عیار مشارکت کنند، از رفتن به محل کار خودداری کنند، خیابان‌ها و مغازه‌ها را ببندند و برای یک اعتصاب عمومی سه روزه آماده شوند. اعتصاب از ۹ تا ۱۱ ژوئن برگزار شد و در این مدت مدارس و دانشگاه‌ها تخلیه شدند، کارگران تأسیسات برق و سیستم‌های گرمایشی را قطع کردند، پمپ‌های نفت و گاز، بانک‌ها، فروشگاه‌ها و خدمات حمل‌ونقل بسته شدند، روزنامه‌ها چاپ خود را متوقف کردند، و تمام مطب‌های پزشکی غیرضروری تعطیل شدند. این اعتصاب خیابان‌ها را پاکسازی کرد و شرکت‌کنندگان را به معنای واقعی کلمه از مقابل خط آتش دولت کنار کشید و درعین حال شورای نظامی را از نظر اقتصادی و سیاسی در جهت برآورده کردن خواسته‌های انجمن متخصصان تحت فشار قرار داد. در ۱۲ ژوئن شورای نظامی اعلام کرد که مذاکرات با انجمن را از سر خواهد گرفت و بیش از ۱۲ تن از عاملین کشتار خارطوم دستگیر شدند.

انقلابیون سودان - مانند بسیاری از انقلابیون پیش و پس از خود - می‌دانستند که روش‌های غیرخشونت‌آمیز متنوع خطرات مختلف و اثرات سیاسی متفاوتی به همراه

دارند. حمله خشونت‌آمیز به کارزارهایی که از روش‌های متفرق و پراکنده استفاده می‌کنند، در مقایسه با روش‌های متمرکز دشوارتر است. علاوه بر این روش‌هایی که در آن افراد مرتکب اعمال هنجارشکنانه می‌شوند- روش‌های ارتكابی<sup>۱</sup> - می‌توانند خطرناک‌تر از روش‌هایی باشند که افراد در آنها از برآورده کردن انتظارات و خواسته‌های [دولت و جامعه] خودداری می‌کنند- روش‌های اجتنابی<sup>۲</sup>. جنبش‌ها می‌توانند با جابجایی بین روش‌های پرخطر و کم‌خطر از سرکوب جان سالم به در ببرند.

---

۱. methods of commission

۲. methods of omission.

۳. در اقدامات اجتنابی، شرکت‌کنندگان از انجام اعمالی که معمولاً انجام می‌دهند، طبق عرف انتظار می‌رود انجام دهند، یا طبق قانون یا مقررات ملزم به انجام آنها هستند، امتناع می‌کنند؛ در اقدامات ارتكابی، شرکت‌کنندگان اعمالی را انجام می‌دهند که معمولاً انجام نمی‌دهند، طبق عرف انتظار نمی‌رود انجام دهند یا طبق قانون یا مقررات انجام آنها ممنوع است. شیوه مقاومت [مدنی] ممکن است شامل ترکیبی از اقدامات اجتنابی و ارتكابی باشد). (Sharp ۲۰۰۵, ۴۱, ۵۴۷)

جدول ۱-۴ روشهای بدون خشونت و سطح خطرات هر کدام

| اقدامات سلبی   |       | اقدامات ارتكابی  |          |   |
|--|-------|--|----------|---|
| <p>خاموش کردن هماهنگ چراغ ها، اعتصاب خانه نشینی ادعای «بیماری» (مرخصی استعلاجی) و غیره</p> |       | <p>تجمعات موقت هماهنگ شده و پراکنده، ایجاد بازارهای موازی و جایگزین، بایکوت سیاسی، تظاهرات خانگی، خروج سرمایه منع تجارت یا تحریم، ایجاد نهادی موازی، خواندن ترانه‌های ممنوعه و اعتراضی مراجعه و فشار کاری بیش از حد به ادارات و سیستم‌های اداری و غیره</p> |          | <p>روشهای متفاوت (مردم به جای دور هم جمع شدن، پراکنده و متفاوت می‌شوند)</p> |
| <p>سکوت جمعی، اعتصاب کم کاری، ترک کار و غیره</p>   |       | <p>تحضن یا اعتصاب، اعتراض نشسته، اشغال یا تصرف بدون خشونت، راهپیمایی، تظاهرات، گردهمایی‌های بزرگ، نشست‌های مباحثه و آموزشی، اعتصاب معکوس، زندانی شدن اختیاری، روگردانی و بی‌توجهی، و غیره</p>  |          | <p>روش‌های متمرکز (مردم دور هم جمع می‌شوند)</p>                             |
| کم‌ترین  | متوسط | بالا   | بالاترین | سطح خطر   |

شیلی تحت دیکتاتوری پرزیدنت آگوستو پینوشه را در نظر بگیرید؛ ژنرالی که رهبری کودتایی نظامی را برعهده داشت که دولت منتخب سالوادور آلنده سوسیالیست را در ۱۹۷۳ سرنگون کرد. همانطور که در دوران دیکتاتوری‌های دست راستی مورد حمایت ایالات متحده در سرتاسر آمریکای لاتین اتفاق می‌افتاد، پینوشه نیز غالباً با شکنجه و ناپدیدسازی مخالفین در مقابل اپوزیسیون سیاسی واکنش نشان می‌داد. اعتراض جمعی قابل مشاهده بسیار خطرناک بود. پینوشه کوشید برای تقویت مشروعیت خود در میان جمعیت روستایی شیلی موسیقی محلی را جا بیندازد و یک آهنگ و رقص



محلّی سنتی به نام لا کوئکا<sup>۱</sup> را به عنوان آهنگ ملّی شیلی اعلام کرد. رژیم به مردان و زنان پول می داد تا در رژه‌ها و راهپیمایی‌های ملّی این رقص را با یکدیگر اجرا کنند. در سال ۱۹۷۸ و در جشن روز جهانی زن زنان شیلیایی به تنهایی و در ملاء عام شروع به رقص لا کوئکا کردند و در اقدام نافرمانی بسیار شجاعانه و فوق‌العاده‌ای عکس‌های عزیزان ناپدیدشده خود را در دست گرفتند. برخی از آنها این کار مرتباً و حتّی در مقابل کاخ ریاست جمهوری انجام می دادند. زنان همچنین به یاد عزیزانی که به دست رژیم پینوشه ناپدید شده بودند، شروع به دوختن فرشینه‌هایی با نام آرپیلرا<sup>۲</sup> کردند. آنها همچنین گروه‌های بقا را به عنوان یک نهاد موازی مهم در جریان مبارزات سازماندهی کردند که از جمله می توان به کارگاه‌های فرشینه‌بافی<sup>۳</sup>، آشپزخانه‌های اشتراکی و هماهنگی جهت خرید مواد غذایی به صورت عمده با قیمت‌های پایین‌تر اشاره کرد. کلیسای کاتولیک در سانتیاگو فضایی را برای ملاقات و برنامه‌ریزی این گروه‌ها فراهم کرده بود و گروه دموکراسی خواه معاونت همبستگی<sup>۴</sup> نیز در همراهی با آن اقدام به تهیه نخ و پارچه کرده و به زنان کمک می کرد تا فرشینه‌های خود را در خارج از کشور به فروش برسانند. در سال ۱۹۸۳ مردم شیلی با کوبیدن بر روی قابلمه‌ها و ماهیتابه‌ها از پنجره‌های‌شان نارضایتی خود از پینوشه را نشان دادند- اقدامی ساده که ریشه در دوره‌های پیشین مقاومت شیلیایی‌ها داشت به سرعت در محلّه‌ها و بلوک‌های شهری گسترش یافت و نشان‌دهنده مخالفت گسترده با سیاست‌ها و وحشی‌گری‌های رژیم پینوشه بود.

<sup>۱</sup> . la cueca

<sup>۲</sup> . arpilleras

<sup>۳</sup> . arpillera

<sup>۴</sup> . Vicariate of Solidarity

از آنجایی که این گروه‌ها بدون تجمع آشکار در خیابان‌ها در حال ایجاد قدرت و ابراز ناراضیاتی خود بودند پینوشه نیز نمی‌توانست تاکتیک معمول خود را-دستگیری مخالفین، ناپدیدسازی سازمان‌دهندگان مظنون- در برابر آنچه به نظر می‌رسید در هر آشپزخانه و هر محلهٔ سانتیاگو جریان داشته است، متمرکز کند. پس از سال‌ها اقدامات نیمه هماهنگ مخالفین-اعتراض با کوبیدن بر قابلمه و ماهیتابه، رقص تکی و نمادین لاکوئکا، سازماندهی فعالیت‌های زیرزمینی و اقدامات کارگری- پینوشه در ۱۹۸۸ کوشید در جهت تجدید مشروعیت خود همه پرسى را پیرامون اینکه آیا باید هشت سال دیگر به عنوان رئیس‌جمهور بر سر کار باشد یا خیر برگزار کند. رهبران اپوریسیون و گروه‌های مردمی از این فرصت نهایت استفاده را بردند. آنها ائتلافی را تشکیل دادند که برای هدایت آرای مردمی به رأی «نه» تلاش‌ها، تجمعات و شعارهای مبارزاتی را سازماندهی می‌کرد. و به ناظران انتخاباتی آموزش می‌داد تا از شمارش مستقل و قابل تأیید آرا اطمینان بیابند تا از این طریق مطمئن شوند که پینوشه در صورت شکست، نتایج همه‌پرسی را خواهد پذیرفت. این ائتلاف در تمامی موارد کاملاً موفق بود و ۷ میلیون شیلیایی را از آنتوفاگاستا<sup>۱</sup> تا سانتیاگو<sup>۲</sup> به انداختن برگهٔ «نه» در صندوق‌های رأی ترغیب کرد، که تقریباً معادل ۵۶ درصد آرا می‌شد. زمانیکه مشخص شد پینوشه شکست خورده است، ارتش شیلی نه از رئیس‌جمهور، بلکه از مردم این کشور حمایت کرد و از انجام برخی اصلاحات در قانون اساسی و برگزاری انتخاباتی برای جایگزینی رئیس‌جمهور حمایت کرد. در سال ۱۹۸۹ مردم شیلی قانون اساسی اصلاح‌شده را تصویب کردند و انتخاباتی برگزار کردند که پس از آن پینوشه از قدرت کناره‌رفت [۲۵].

---

<sup>۱</sup> Antofagasta . شهری بندری در شمال شیلی

<sup>۲</sup> Santiago . پایتخت شیلی

برخی از جنبش‌ها بر تاکتیک‌هایی تمرکز می‌کنند که آسیب‌های سرکوب را به حداقل می‌رسانند

دوم اینکه برخی از جنبش‌ها با واکنش دقیق و تاکتیکی به مشکلات خاصی که سرکوب ایجاد می‌کند، پویایی و شتاب خود را حفظ می‌کنند. به عنوان مثال یک جنبش ممکن است رویکردهای خلاقانه‌ای پیدا کند که می‌تواند به رهایی اعضا از بازداشت / زندان کمک کند، همانطور که در فصل‌های قبلی دیدیم. این جنبش‌ها می‌توانند برای کمک به مقابله با تبلیغات رژیم‌ها که حامیان جنبش را به خیانت، تروریسم یا سایر جنایات دهن‌پرکن متهم می‌کند، موارد نقض حقوق بشر از سوی رژیم را مستندسازی کرده و در معرض دید قرار دهند. این اقدام به ویژه در صورتی مؤثر است که جنبش پیشتر نیز پیام‌های روشنی را در مورد این موارد بیان کرده باشد. جنبش‌ها اغلب با دقت و حوصله کار می‌کنند تا افراد درگیر را متقاعد کنند که خشونت را با خشونت پاسخ ندهند. چرا که همانطور که در فصل ۳ بحث شد، واکنش خشونت‌آمیز می‌تواند عواقب وحشتناکی داشته باشد، از جمله از دست دادن حمایت عمومی و تقویت احتمال اطاعت نیروهای امنیتی از دستورات برای سرکوب جنبش. پرهیز از خشونت جایگاه اخلاقی جنبش را ارتقاء می‌دهد، طیف وسیع‌تری از حامیان مردمی را به خود جذب می‌کند و به تضعیف وفاداری حامیان رژیم کمک می‌کند.

**برخی از جنبش‌ها موقتاً عقب‌نشینی می‌کنند تا تجدیدقوا کرده و اقدامات بعدی خود را برنامه‌ریزی کنند**

عقب‌نشینی‌های تاکتیکی غالباً زمانی معقول بوده و کاربرد دارند که اولاً اقدامات عمومی - هرچند پراکنده - بسیار خطرناک باشد و دوماً جنبش به خوبی سازماندهی شده و به اندازه کافی مجهز باشد تا بتواند بر ایجاد نهادهای موازی نظیر مدارس

جایگزین، رسانه‌ها، برنامه‌های رفاه اجتماعی و اشکال روزمره مقاومت تمرکز کند. سوریه را در نظر بگیرید، جایی که در سال ۲۰۱۱ انقلابی بدون خشونت در این کشور به باتلاق یک جنگ داخلی چندساله سقوط کرد و هزاران گروه مسلح، بازیگران قدرتمند بین‌المللی و دولتی بی‌رحم را درگیر خود کرد که از تمام توان نظامی برای نابودی شهروندان خود استفاده می‌کرد تا بتواند به هر قیمتی در قدرت باقی بماند. در سوریه، از زمان نوشتن این کتاب، مقاومت آشکار مدنی بسیار خطرناک بوده است. با این حال افراد مرتبط با کمیته‌های مدنی هماهنگی محلی در سوریه<sup>۱</sup> به خدمت‌رسانی به افراد و رفع نیازهای فوری آنهایی که در محاصره یا تهدید دائمی خشونت جمعی زندگی می‌کردند، ادامه داده‌اند؛ از جمله با کمک به میانجی‌گری در برقراری آتش‌بس، کمک به تخلیهٔ بشردوستانهٔ غیرنظامیان، ارائهٔ کمک‌های غذایی و پزشکی و مستندسازی نقض حقوق بشر در این کشور. گروه‌هایی از زنان سوری نیز کوشیده‌اند نقش میانجی را در برقراری آتش‌بس ایفا کنند، ابتکار فرآیندهای صلح بین‌المللی را بدست بگیرند و سوریه پس از جنگ را که در آن مردم می‌توانند پیگیر پاسخگویی و عدالت برای جنایات مرتکب‌شده در طول جنگ باشند در اذهان خود مجسم کنند.

### برخی از جنبش‌ها به خشونت کشیده می‌شوند

گاهی اوقات جنبش‌های مقاومت مدنی بدون برنامه‌ریزی قبلی ناگهان به خشونت کشیده می‌شوند. در هنگ کنگ ۲۰۱۹ معترضانی که دست به خشونت حاشیه‌ای زدند می‌گویند که محرک آنها خشونت پلیس بوده است، اگرچه این تشدید خشونت از سوی تظاهرکنندگان عمدتاً بداهه و بدون برنامهٔ قبلی بود. در مواقع دیگر جنبش‌ها تصمیماتی صریح برای راه‌اندازی مبارزهٔ مسلحانهٔ سازمان‌یافته اتخاذ می‌کنند، همانطور که در مورد

---

<sup>۱</sup> . Syrian Local Nonviolent Coordinating Committees

کنگره ملی آفریقا (ANC) و پس از واقعه قتل عام شارپویل ائتفاق افتاد. در ۲۱ مارس ۱۹۶۰ هزاران معترض سیاه‌پوست در مقابل یک ایستگاه پلیس در شارپویل آفریقای جنوبی در اعتراض به قوانین نژادپرستانه‌ای که سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی را ملزم به همراه داشتن دائمی دفترچه‌های هویتی خود می‌کرد تجمّع کردند؛ قوانینی که در تلاش برای تثبیت تفکیک نژادی و محدود کردن رفت‌وآمد سیاه‌پوستان به خارج از شهرک‌هایشان تدوین شده بود. در پاسخ به این اعتراضات پلیس برای متفرّق کردن جمعیت اقدام به تیراندازی کرد در نهایت ۶۹ نفر را کشت و بیش از ۱۵۰ نفر را زخمی کرد. بیست‌ونه کودک در میان قربانیان بودند. بسیاری از مردم در حالی که می‌کوشیدند فرار کنند از پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. چند هفته بعد دولت آفریقای جنوبی کنگره ملی آفریقا را ممنوع اعلام کرد- نهاد سیاسی اصلی که برای برابری سیاه و سفید در آفریقای جنوبی تلاش می‌کرد.

گروه‌های مسلّح معمولاً اقبال خود به خشونت را این‌گونه توجیه می‌کنند که سرکوب شدید دولتی اقدامات بدون خشونت یا مسالمت‌آمیز را به کل غیرممکن کرده است. متعاقب کشتار شارپویل و سرکوب کنگره ملی از سوی دولت به شکلی گسترده‌تر، رهبران این سازمان به این نتیجه رسیدند که مبارزه مسلّحانه برای مقابله با چنین رژیم خشونت‌آمیز و نژادپرستی هم موجه و هم ضروری است. [۲۶] کنگره ملی جناحی مسلّح با نام اومخونتو وی سیزو (نیزه ملت) را ایجاد کرد تا از طریق جنگ‌های چریکی شهری و اقدام به خرابکاری رژیم آفریقای جنوبی را مورد حمله قرار دهد. با این حال همانطور که در فصل‌های ۲۰۱ با جزئیات بیشتر بحث کردیم، مقاومت بدون خشونت نیز ادامه یافت و با بایکوت‌های جمعی از جانب مصرف‌کنندگان، تظاهرات، اعتراضات و اعتصاب‌ها رژیم آپارتاید را تحت فشار قرار داد.

## برخی جنبش‌ها از هم می‌پاشند

گاهی اوقات سرکوب وحشیانه، یک کارزار مقاومت مدنی را به فروپاشی و اغتشاش سوق می‌دهد. این امر به‌ویژه زمانی محتمل است که سرکوب‌ها در مراحل اولیه بسیج توده‌ای اتفاق بیفتند که در آن مردم به‌طور خودجوش بسیج شده و در ادامه می‌کوشند ساختاری سازمانی را سرهم‌بندی کرده یا سروشکلی مناسب به آن بدهند. [۲۷] مطالعه ساتون، بوچر و سونسون که پیشتر ذکر شد و چگونگی تأثیر سرکوب‌ها بر میزان موفقیت کمپین‌های مقاومت مدنی را ارزیابی می‌کرد به یاد بیاورید. [۲۸] نویسندگان دریافتند که در میان چهل و شش مورد خشونت یک جانبه رژیم علیه اعتراضات غیرمسلحانه از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۱، هیچ تظاهراتی متعاقباً به تغییر منجر نشده است، مگر زمانی که در یک کمپین مقاومت بدون خشونت گسترده‌تر ادغام شده بود. در میان این موارد ادغام شده، خشونت یک سوی دولتی در حدود نیمی از موارد نتیجه معکوس داشت و واپس زده شد و اینکه تنها کمتر از نیمی از این کمپین‌ها در نهایت و با وجود مواجهه با خشونت گسترده رژیم در دستیابی به اهداف خود موفق شدند.

## اگر هندی‌ها به جای امپراتوری بریتانیا علیه هیتلر می‌جنگیدند، باز هم راهپیمایی نمک بدون خشونت برگزار می‌شد؟

این پرسش متداول است، بنابراین می‌خواهم چندین مفروض مخدوش را که مبنای آن هستند به دقت بررسی کنم. اولین مفروض این ایده است که امپراتوری بریتانیا سیستم استعماری خیرخواهانه‌ای را در هند و نقاط دیگر پایه‌گذاری کرده بود. دوم این که رژیم هیتلر با هیچ مقاومت غیرخشونت‌آمیزی مواجه نشد و همان اندک موارد موجود را هم درهم شکست. بیایید هر یک از این ایده‌ها را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم.

اول اینکه مهم است به خاطر داشته باشیم که استعمار بریتانیا تا چه اندازه بی‌رحم و دژنده‌خو بود. امپراتوری بریتانیا برای حفظ مستعمرات خود در دریای کارائیب، آفریقا و آسیا از جمله هند امروزی، پاکستان و بنگلادش، که در آن زمان مجموعاً به عنوان هند بریتانیا شناخته می‌شدند، جنگ‌های وحشیانه زیادی به راه انداخت. امپراتوری بریتانیا سببیت‌هایی تکان‌دهنده از جمله قتل‌عام‌های بزرگ را انجام داده بود. مبارزات بدون خشونت گاندی با امواج خشونت چنان شدیدی مورد حمله قرار گرفت که هندی‌ها را به شورش‌های گسترده توده‌ای سوق داد. برای مثال در ۱۹۱۹ نیروهای نظامی استعماری بریتانیا صدها معترض بدون خشونت را که در شهر امریتسار<sup>۱</sup> در ایالت پنجاب هند تجمع کرده بودند سلاخی کردند. هزاران هندی برای جشن گرفتن روز بایساکھی<sup>۲</sup> که روز مقدس هندوها و سیک‌هاست تجمع کرده بودند و به طور مسالمت‌آمیز به دستگیری و تبعید اخیر دو رهبر استقلال طلب خود- ساتیاپال<sup>۳</sup> و سیف الدین کیچلو<sup>۴</sup> - که چند روز پیش دستگیر شده بودند، اعتراض می‌کردند. سرتیپ موقت ارتش هند بریتانیا در آن زمان، با پیش‌بینی یک شورش در مقیاس بزرگ نیروهای ارتش را به منطقه گسیل کرد و به آنها دستور داد که به سمت جمعیت شلیک کنند. صدها نفر کشته و بیش از هزار نفر زخمی شدند. در واکنش به این رویداد، جی‌پی تامپسون<sup>۵</sup> دبیر ارشد راج بریتانیا در پنجاب، موارد زیر را در دفتر خاطرات خود

<sup>۱</sup> . British India

<sup>۲</sup> . Amritsar

<sup>۳</sup> . Baisakhi

<sup>۴</sup> . Satyapal

<sup>۵</sup> . Saifuddin Kitchlew

<sup>۶</sup> . J. P. Thompson

ثبت کرد. «اگرچه "ظاهراً کسب و کاری خونین بوده است" و ۲۰۰-۳۰۰ نفر در یک باغ کشته شدند... احتمالاً با نتیجه [حاصله] توجیه خواهد شد [۲۹]».

این عبارت بی‌شرمانه نشان می‌دهد که دولت استعماری بریتانیا برای تسلط بر منطقه هیچ ابایی از اعمال خشونت نداشت. در واقع قتل عام امریتسار در هند اتفاق نادری نبود. در ۱۹۳۰ گاندی حرکتی را با عنوان راهپیمایی نمک رهبری کرد که طی آن هزاران نفر از پیروانش با او تا اقیانوس هند راهپیمایی کردند و در مخالفت با قوانین استعماری بریتانیا که تولید مستقل نمک را ممنوع کرده بود، شروع به استحصال غیرقانونی این ماده کردند. دولت استعماری بریتانیا به محض ورود گاندی وی را به همراه حدود شصت هزار هندی دیگر دستگیر کرد. در واکنش به این اقدام، سرتاسر کشور دست به یک نافرمانی مدنی توده‌ای زدند. شاعر و ملی‌گرای هندی، ساروجینی نایدو<sup>۱</sup> هزاران نفر را در راهپیمایی به سمت کارگاه استخراج نمک داراسانا<sup>۲</sup>، در ۱۵۰ مایلی شمال بمبئی رهبری می‌کرد. هنگامی که راهپیمایان از راه رسیدند، نیروهای استعماری مسلح به قمه‌های فلزی تعدادی از فعالان را کتک زدند و کشتند و صدها نفر دیگر را زخمی کردند.

شهروندان بریتانیایی در انگلستان نیز به طور کلی این واقعیت را پذیرفته بودند که دولت آنها از نیروی نظامی برای سرکوب شورش‌های ضد استعماری استفاده می‌کند، هرچند اندک مخالفانی نیز در این میان وجود داشت. دولت، شورشیان استعماری را به عنوان «وحشی‌ها» به تصویر می‌کشید که از خشونت و وحشیانه‌تر [از دولت] علیه حاکمان استعماری و خانواده‌هایشان استفاده می‌کنند. به دلیل باورهای نژادپرستانه

---

<sup>۱</sup> . Sarojini Naidu

<sup>۲</sup> . Dharasana Salt Works



پیرامون حق سفیدپوستان اروپایی برای انقیاد دیگران - و همچنین این واقعیت که سربازان انگلیسی در این جنگ‌ها مجروح و کشته می‌شدند - شهروندان بریتانیایی تبلیغات دولتی را پذیرفته بودند. اما زمانی که روزنامه‌نگاران شروع به گزارش جزئیات وحشتناک قتل عام هندی‌هایی کردند که دست به مبارزات بدون خشونت می‌زدند، حال و هوای عمومی رفته رفته تغییر کرد. بواسطه این گزارش‌ها مشخص شد کسانی که به عنوان شورشی معزفی می‌شدند کودکان، زنان و مردان غیرمسلمی بودند - که برخی از اعضای خانواده‌شان در طول جنگ جهانی اول و دوم در کنار بریتانیایی‌ها علیه آلمان جنگیده بودند.

حال بیابید مغالطه دومی را که مبنای سؤال عنوان این بخش بود را بررسی کنیم: این ادعا که هیتلر هرگونه مقاومت بدون خشونتی در برابر حکومتش را در هم می‌شکست. در واقع در سرتاسر اروپای تحت اشغال نازی‌ها، مردم سلطه آلمان‌ها را از طریق مقاومت خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز به چالش می‌کشیدند. اما این مقاومت بدون خشونت بود که هیتلر آنرا به عنوان تهدیدی پیچیده و دشوار در نظر می‌گرفت. هیتلر و ژنرال‌هایش در محافل خصوصی‌شان در مورد چگونگی شکست مقاومت غیرمسلمانه که در سرتاسر سرزمین‌های اشغالی نازی‌ها فراگیر شده بود ابراز نگرانی می‌کردند. در نروژ و دانمارک اشغالی مردم به طرق مختلف مقاومت خود را نشان می‌دادند؛ از جمله ریختن شکر در باک خودروهای نازی‌ها، دست‌به‌دست کردن مطبوعات زیرزمینی با مطالبی در مورد نحوه مقاومت، جمع‌آوری اطلاعات و انتقال آن به گروه‌های مقاومت، سرقت سلاح، سازماندهی اعتصابات محدود و ماندن - در - خانه، امتناع از همکاری با دستورات تغییر برنامه درسی مدارس، تظاهر به بی‌اطلاعی از مسیرهای شهری و روستایی یا هویت کارگران، و در آخر خرابکاری در کارخانه‌های مهمات‌سازی. در دانمارک رؤسای قطارها سرکار خود حاضر نشدند و برنامه‌های آلمانی‌ها برای استفاده

از قطارهای این کشور به منظور ادامه فتوحات شان را تا زمانی که رؤسای خود را بر سر کار نیاوردند به تأخیر انداختند. روزنامه‌های زیرزمینی مقاومت در سرتاسر کشور دست به دست می‌شد و از اشکال مختلف خرابکاری در خودروها و مهمات نظامی آلمانی‌ها و همچنین مقاومت آشکار از طریق توقف کار روزانه حمایت می‌کرد. کم‌کاری‌های هماهنگ- که به مدت دو دقیقه در هنگام ظهر اتفاق می‌افتاد- به عنوان نمایشی نمادین از سرپیچی مداوم دانمارکی‌ها از حکومت نازی‌ها رایج بود. وقتی خبر رسید که نازی‌ها در حال آماده‌سازی خود برای دستگیری و تبعید یهودیان کشور به اردوگاه‌های کشتار جمعی هستند، هزاران دانمارکی همسایگان یهودی خود را مخفی کردند، آنها را قاچاقی به ساحل بردند و از طریق دریا به سوئد رساندند تا در آنجا پناهندگی بگیرند و از این طریق جان بیش از هفت هزار یهودی را نجات دادند. [۳۰] همه این اقدامات مستلزم برنامه‌ریزی گسترده، سازماندهی، محرمانه بودن و مشارکت گسترده دانمارکی‌های عادی بود.

باسیل لیدل هارت<sup>۱</sup>، استراتژیست نظامی، گفته است که «نازیها» متخصص خشونت بودند و برای برخورد با مخالفانی که از این روش استفاده می‌کردند آموزش دیده بودند. اما شکل‌های دیگر مقاومت آنها را گیج می‌کرد- و هر چه روش‌ها ظریفتر و پنهانی‌تر بود، سردرگمی آنها نیز بیشتر می‌شد. [۳۱] هیتلر در ژوئیه ۱۹۴۳ به مشاور خود آلفرد روزنبرگ گفته بود: «از نظر من، حکومت بر مردم در مناطق فتح شده قطعاً مضللی روانشناختی ست. نمی‌توان تنها با زور حکومت کرد.» [۳۲] و به طور جداگانه نیز نوشته بود که «در درازمدت، نظام‌های دولتی نه با فشار زور بلکه با باور مردمی به کیفیت و

---

<sup>۱</sup> . Basel Liddell Hart

<sup>۲</sup> . Alfred Rosenberg

صداقتی که از آن طریق بتوانند منافع مردم را نمایندگی کرده و بهبود ببخشند، منسجم باقی می‌مانند [۳۳]».

درست است که وقتی هیتلر قدرتش را در آلمان تثبیت می‌کرد هیچ تلاش هماهنگ و گسترده‌ای برای مقاومت در برابر وی، چه بدون خشونت و چه خشونت آمیز در خود آلمان نازی صورت نگرفته بود. اما مقاومت بدون خشونت همچنان در گوشه و کنار وجود داشت و معلوم شد که چنین مقاومتی هم امکان‌پذیر است و هم در برخی موارد نسبتاً مؤثر. در یک مورد خصوصاً دلخراش، یک گروه دانشجویی که خود را رز سفید<sup>۱</sup> می‌نامیدند، بین ژوئن ۱۹۴۲ و فوریه ۱۹۴۳، کمپینی زیرزمینی را راه اندازی کردند و خواستار سقوط هیتلر و نازی‌ها، پایان جنگ و نظامی‌گری و بازگشت به دموکراسی شدند. این گروه شش اعلامیه چاپ و توزیع کردند- اقدامی بسیار خطرناک در دولت توتالیتیر هیتلر. پس از اینکه یک سرایدار در دانشگاه مونیخ متوجه این اقدامات شد و آنها را لو داد، دانشجویان و هم‌دستانشان دستگیر و اعدام شدند. با این وجود آنها توانسته بودند تصوّر وحدت و همدلی اجتماعی و اشتیاق و رضایت خاطر از رژیم هیتلری را که نازی‌ها در تلاش برای ترسیم آن بودند و جنبش مقاومت را دلسرد می‌کرد، متزلزل کرده بودند.

خبرهای مربوط به گروه رز سفید و اعدام این مخالفان جوان در سرتاسر آلمان پخش شد و همزمان هم روحیه مردم عادی آلمان را تضعیف کرد و هم سایر اقدامات عدم همکاری [و مقاومت] را انگیزه بخشید. برای مثال گروهی مرموز با نام «کمیته اجرایی» شروع به ارسال پیام‌های شخصی تهدیدآمیز به حامیان حزب نازی کرد و هشدار داد که به محض پایان جنگ هزینه همدستی خود در جنایات نازی‌ها را خواهند پرداخت.

<sup>۱</sup> . White Rose (Weiße Rose)

فریدریش رک مالکزون<sup>۱</sup>، از اشراف پروسی، در دفتر خاطرات خود می‌نویسد که خبرهای مربوط به رز سفید و اتفاقات پس از آن بر هواداران نازی‌ها در شهرش تأثیر عمیقی گذاشته بود.

ارواح کشته‌شدگان کار خود را آغاز کرده‌اند و تأثیرات آن در تضعیف سیستماتیک ساختار حکومتی نازی‌ها احساس می‌شود. هفته‌هاست که رده‌های پایین سلسله‌مراتب اجتماعی، مقامات منطقه‌ای، رؤسای شهرستان‌ها و سنگرهای حمایتی رژیم عموماً ژست‌هایی مبنی بر ناامیدی از نازی‌ها از خود نشان می‌دهند.<sup>[۳۴]</sup>

رک مالکزون، یکی از مخالفان پنهانی هیتلر در تمام دوران حکومتش، این تحولات را نشانگر این می‌داند که حمایت مردمی از رژیم، بیش از آنچه او تصور می‌کرد به سقوط نزدیک شده است. اما نه آنقدر زود که به داد او برسد. رک مالکزون در اکتبر ۱۹۴۴ دستگیر شد، به اردوگاه داخائو<sup>۲</sup> برده شد و سه ماه بعد اعدام شد.

برخی از آلمانی‌ها شانس بیشتری در مقاومت در برابر اقدامات نازی‌ها داشتند. در برلین و در فوریه تا مارس ۱۹۴۳، گروهی متشکل از صدها زن اشرافی آلمانی در بیرون دفتر گشتاپو در خیابان روزن‌اشتراسه<sup>۳</sup> گرد هم آمدند و خواستار این شدند که شوهران یهودی‌شان که بازداشت شده بودند و قرار بود به اردوگاه‌های کار اجباری تبعید شوند،

---

۱. Friederich Reck-Malleczewen

۱ Dachau. اولین اردوگاه کار اجباری سازمان یافته و یکی از بزرگترین اردوگاه‌هایی که دولت ناسیونال سوسیالیست (نازی) در مارس ۱۹۳۳ ایجاد کرد. این اردوگاه ۹۴ اردوگاه فرعی داشت. تعداد محبوسین در داخائو بین سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۴۵ از ۱۸۸۰۰۰ نفر فراتر رفت و بیش از ۳۰۰۰۰ نفر از زندانیان یهودی، لهستانی، روس، کمونیست، همجنسگرا، کولی و گروه‌های دیگر در اتاق‌های گاز و کوره‌های آدم‌سوزی این اردوگاه به قتل رسیدند-م.

۲. Rosenstraße

آزاد گردند. با وجود اینکه افسران گشتاپو آنها را با مسلسل تهدید کردند و به آنها دستور دادند که به خانه‌هایشان بروند، زنان معترض در نزدیکی دفتر گشتاپو اردوگاهی برپا کردند. مسئله چگونگی متفرق کردن زنان تا بالاترین رده‌های حزب نازی مطرح شد و رهبران ارشد نازی بر سر پیامدهای سیاسی احتمالی قتل عام تعداد زیادی از زنان آلمانی در برلین، پس از شکست اخیر در استالینگراد و سایر اقدامات داخلی مقاومت در برابر نازی‌ها، اختلاف نظر پیدا کردند. حزب با یک دوراهی مواجه شده بود: گروهی از زنان آریایی را که شجاعت و وفاداری زن‌شویی خود را نشان می‌دادند سلاخی کنند، یا شوهران یهودی آنها را حتی اگر شده موقت، بی سروصدا آزاد کنند. در نهایت جوزف گوبلز<sup>۱</sup> دستور داد که همه مردان آزاد شوند و به آنها فرمان داده شد که برای جلوگیری از هرج و مرج و سردرگمی [عمومی]، ستاره داوود را هم از لباس خود بازکنند. این نمونه‌ای قابل توجه و مؤثری از نافرمانی تحت یک حکومت توتالیتر بود [۳۵].

علاوه بر این اقدامات جمعی مقاومت مدنی، تلاش‌های فردی مؤثری نیز برای اختلال در نقشه‌های نازی‌ها انجام شده بود. اسکار شیندلر<sup>۲</sup>، کارخانه‌دار آلمانی، با به‌کارگیری ۱۲۰۰ یهودی در کارخانه مهمات خود و رشوه‌دادن به افسران نازی در ازای جان این یهودیان، آنها را از مرگ در اردوگاه‌های کشتار نازیها نجات داد. به شکلی مشابه، برتولد بیتز<sup>۳</sup>، کارخانه‌دار آلمانی که یک کارخانه روغن را اداره می‌کرد، با دادن مجوز کار

---

<sup>۱</sup> . Josef Goebbels

<sup>۲</sup> Oskar Schindler . در سال ۱۹۹۳ فیلمی با عنوان فهرست شیندلر به کارگردانی و تهیه‌کنندگی استیون اسپیلبرگ بر مبنای داستانی از توماس کینلی با عنوان کشتی شیندلر که بر مبنای زندگی اسکار شیندلر نوشته شده بود، ساخته شد. بازیگران معروفی چون لیام نیسون، ریف فاینز و بن کینگزلی در این فیلم به ایفای نقش پرداختند. این فیلم برنده هفت جایزه اسکار شد-م.

<sup>۳</sup> . Berthold Beitz

به حدود هشتصد یهودی آنها را از مرگ حتمی نجات داد، با این وجود که بسیاری از آنها به دلیل بیماری یا جراحی عملاً از کار افتاده و ناتوان شده بودند. دولت اسرائیل سابقه غیریهودیانی را که جان خود را برای کمک به فرار یهودیان یا زنده ماندن آنها در اردوگاه‌های کشتار جمعی در طول هولوکاست به خطر انداخته‌اند، نگهداری می‌کند. «درستکار در میان ملت‌ها» لقبی است که به افرادی داده می‌شود که خطراتی جدی را [برای نجات یهودیان] متحمل شده‌اند و یا کمک‌هایی اساسی یا مداوم ارائه کرده‌اند و هیچ انتظاری در مقابل آن ندارند. بیش از بیست و هفت هزار نفر در این لیست هستند—و در میان آنها بیش از ششصد نفر در آلمان نازی زندگی می‌کردند.

به طور خلاصه: هندی‌هایی که در برابر استعمار بریتانیا مقاومت می‌کردند با یک سیستم استعماری وحشیانه و خشن مبارزه می‌کردند. روش‌های آزمایشی گاندی از ساتیاگراها در این محیط ظالمانه و سرکوبگر شکل گرفت و دولتی که به طرز وحشیانه‌ای اقدامات نافرمانی را به دور از چشم عموم بریتانیایی‌ها مجازات می‌کرد. دقیقاً همین بی‌رحمی‌ها بود که میلیون‌ها نفر را در هند بریتانیا متقاعد کرد که به مبارزه برای استقلال کشورشان بپیوندند— که به نوبه خود در نهایت به استقلال [شبه قاره] هند و تجزیه آن در ۱۹۴۷ منجر شد. علاوه بر این، مقاومت غیرخشونت‌آمیز در زمان نازی‌ها نیز نه تنها وجود داشت بلکه در برخی موارد مؤثر هم بود. اگرچه جنبش مقاومت نتوانست رژیم نازی را سرنگون کند، با این وجود اما جان هزاران نفر را از مرگ حتمی نجات داد و در تضعیف روحیه هواداران نازی در آلمان مؤثر بود. این نظر که گاندی تنها به این دلیل از مقاومت مدنی استفاده کرد که با بریتانیایی‌ها می‌جنگید و نه با آلمانی‌ها، جریان مقاومت مدنی در هر دو مکان را نادیده می‌گیرد.

## آیا برای مبارزه با رژیم‌های نسل‌کش مقاومت مسلحانه لازم است؟

مقاومت از هر نوعی در رژیم‌های نسل‌کش فوق‌العاده دشوار است. دولت‌هایی که قصد نابودی کل جمعیت را دارند، اغلب مایلند تمامی مخالفان مسلح یا غیرمسلح و هرکسی که با آنها مرتبط است را بکشند، خواه این مخالفان واقعی باشند یا فرضی. هنگامی که دولت‌ها و ساختارهای قدرت آنها بر پایه تقسیمات نژادپرستانه یا قوم‌گرایانه ساخته شده باشند، این تمایل می‌تواند حتی شدیدتر هم باشد. دولت‌های نسل‌کش و حامیان آن‌ها در گواتمالا، رواندا، بوسنی، اندونزی، کامبوج و نقاط دیگر تنها بر حذف افراد در گروه‌های هدف تمرکز داشتند؛ خواه قربانیان آن‌ها مسلح بوده باشند یا غیرمسلح، خواه در مقابل رژیم مقاومت کنند یا خیر.

کشتارهای دسته‌جمعی توسط دولت‌ها، از جمله نسل‌کشی، تا به امروز بیش از همه در طول جنگ‌ها رایج بوده است. [۳۶] در طول جنگ جهانی دوم، زمانی که گروه‌های مسلح یا پارتیزانی افسران نازی را ترور می‌کردند یا به کاروان‌های نظامی نازی‌ها در لهستان، یوگسلاوی یا بلاروس حمله می‌کردند، نازی‌ها کل خانواده یا روستای محل زندگی آن افراد را طی اقدامات تلافی‌جویانه و باورنکردنی خود سلاخی می‌کردند. [۳۷] روندهای مشابهی نیز در بسیاری از موقعیت‌های دیگر در زمان جنگ که در آن دولت‌ها برای مجازات حملات شورشیان، غیرنظامیان را مورد حمله قرار می‌دادند وجود داشته است. به عبارت دیگر، جنبش‌های مسلحی که در شرایط جنگی فعالیت می‌کنند بیشتر از جنبش‌های غیرمسلح با خشونت نسل‌کشی مواجه می‌شوند [۳۸].

اما در هر زمانی که در برابر یک رژیم نسل‌کش مقاومت مسلحانه وجود داشته، احتمالاً در کنار آن مقاومت غیرمسلحانه نیز وجود داشته است. برای مثال پس از فتح لهستان در ۱۹۴۰، نازی‌ها بیش از چهارصد هزار یهودی را به گتوی یهودی نشینی در ورشو

منتقل کردند و آنها را در آنجا بدون غذای کافی یا سایر ملزومات زندگی محبوس کردند. طی چندین سال بعد، ساکنان آن گتو با وجود وحشیگری‌ها و تبعیدهای معمول به اردوگاه‌های کار اجباری نازیها، به طرق مختلف دست به مقاومت می‌زدند. آنها مدارس جدید، گروه‌های دعا و نیایش، و مراکز اسناد و مطبوعات و کتابخانه‌های امانتی را در میان خود ایجاد می‌کردند، افرادی را که می‌توانستند به عنوان غیریهودی برای همکاری با جنبش مقاومت لهستان «عبور» دهند، قاچاقی به بیرون گتو می‌فرستادند، یتیم‌خانه‌ها و مسیرهای قاچاق مواد غذایی را برای توزیع مجدد جیره غذایی و تضمین بقای جمعی خود ایجاد کردند. آنها حتی ارکستر سمفونیک خود را نیز در همان گتو تأسیس کردند. جمعیتی که در گتوی ورشو زندانی بودند با ساختن این نهادهای جایگزین اصرار و پافشاری خود بر زندگی باعزت و حفظ سنت‌ها و آداب فرهنگی یهودی را نشان می‌دادند و مقاومت جسورانه خود در برابر ظلم و ستم را حتی زمانی که نازی‌ها هزاران نفر از آنها را به اردوگاه‌های کار اجباری و مرگ منتقل می‌کردند، به نمایش می‌گذاشتند. در آوریل ۱۹۴۳ و شب پیش از آنکه قرار بود تمام ساکنین گتوی یهودی‌نشین به اردوگاه‌های کار اجباری یا مرگ منتقل شود، جنبش مقاومت یهودیان با حمایت جنبش مقاومت لهستان که خارج از گتو فعالیت می‌کرد، شورش مسلحانه‌ای را به راه انداخت. آنها در جریان قیام چند هفته‌ای خود و پیش از اینکه نازی‌ها محله یهودی‌نشین را به آتش کشیده و با خاک یکسان کنند، چندین تن از نیروهای نازی را کشتند. با وجود اینکه تعداد انگشت‌شماری از یهودیان موفق به فرار شدند، بیش از ده‌هزار یهودی در جریان این قیام کشته شدند. باقی یهودیان ورشو نیز به اردوگاه‌های کار اجباری یا اردوگاه‌های مرگ فرستاده شدند و در آنجا به قتل رسیدند. مارک ادلمن<sup>۱</sup>، رئیس سابق

---

<sup>۱</sup> . Marek Edelman



سازمان مبارز یهودیان لهستان<sup>۱</sup>، یکی از معدود بازماندگان این قیام بود. او دلیل این قیام مسلحانه را اینگونه توضیح داد: «ما به خوبی می دانستیم که هیچ شانس برای پیروزی نداریم. ما صرفاً جنگیدیم تا اجازه ندهیم آلمان‌ها زمان و مکان مرگ ما را انتخاب کنند» [۳۹].

اکثر نسل‌کشی‌ها کاملاً سازماندهی شده‌اند و اغلب شامل کشتار در مقیاس وسیع و گسترده می‌شوند. این بدان معناست که کشتارهای جمعی اغلب در اردوگاه‌های بازداشت صورت می‌گیرد که در آن افراد برای کشتار دسته‌جمعی علامت‌گذاری شده‌اند. در چنین شرایطی نیز علیرغم وجود خطرات، انواع مقاومت‌ها رخ داده است. زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگانی که بر اساس قومیت، نژاد، تمایلات جنسی یا آسیب‌های جسمی خود برای مرگ انتخاب شده‌اند، با اسلحه یا بدون اسلحه دست به مقاومت زده‌اند. بارها پیش می‌آمده که در جریان هولوکاست، کسانی که در گتوها و اردوگاه‌های مرگ زندانی بوده‌اند با سلاح‌های قاچاقی یا دزدیده‌شده مسلح شده و خود را برای مقابله با نازیها آماده کرده‌اند. یکی از موفق‌ترین این قیام‌ها در سوویبور<sup>۲</sup> واقع در لهستان تحت اشغال نازی‌ها رخ داد؛ جایی که در ۱۹۴۳، اسرای یهودی لهستانی و اسرای جنگی یهودی اهل شوروی که قرار بود به اتاق‌های گاز فرستاده شوند، با کشتن یازده نگهبان زندان، تصرف اسلحه‌خانه اردوگاه و فرار از میدان‌های مین اطراف اردوگاه، دسته‌جمعی به جنگل گریختند. از صدها نفری که در قیام شرکت کرده بودند نیمی از آنها مجدداً دستگیر شدند. پنجاه و هشت تن جان سالم به در بردند. اردوگاه‌های دیگر

---

<sup>۱</sup>. Polish Jewish Combat Organization

<sup>۲</sup>. Sobibór

اما شاهد مقاومت‌های غیرخشونت‌آمیز بودند، از جمله ماوتهاوزن<sup>۱</sup> که در آن صد زندانی غیرمسلح اهل شوروی به سمت دروازه‌ها هجوم بردند. ام. آر. دی. فوت<sup>۲</sup> مورخ و کهنه‌سرباز اطلاعاتی بریتانیا ادعا می‌کند که حدود ۳۰ نفر از دروازه اردوگاه بیرون آمدند و یک نفر موفق به فرار شد [۴۰].

بنابراین بله، مقاومت غیرخشونت‌آمیز در رژیم‌های نسل‌کش نیز رخ داده است، اگرچه غالباً چیزی جز خودکشی [عزّتمندانه] نبوده است. کسانی که بدون خشونت دست به مقاومت می‌زنند، مانند آنهایی که به مقاومت مسلحانه می‌پردازند ممکن است موفق نشوند رژیمی را فوراً سرنگون کنند. با این وجود آنها همکاری و حمایت خود از رژیم را قطع نموده و در برخی موارد روند نسل‌کشی را مختل کرده‌اند و یا آنرا به شکلی دیگر، حتی به طور موقت تحت تأثیر قرار داده‌اند. البته همانطور که در طول این فصل و این کتاب اشاره کردم، بسیاری از مردم در سراسر اروپای اشغالی به شیوه‌ای بدون خشونت در برابر نازی‌ها مقاومت کرده‌اند. [۴۱] در واقع مقاومت غیرخشونت‌آمیز در جریان نسل‌کشی در نقاط دیگر نیز به نجات جان افراد بی‌شماری کمک کرده است. فارغ از اینکه این مقاومت‌کنندگان زنده می‌مانند یا نه، تلاش‌های آنها عمیقاً بر روان و

---

<sup>۱</sup> Mauthausen . اردوگاه کار اجباری ماوتهاوزن از بزرگترین اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها بود که توسط رژیم نازی در سال ۱۹۳۸ ساخته شد و شامل حدود ۱۰۰ اردوگاه فرعی بود. ماوتهاوزن برخلاف سایر اردوگاه‌ها بیشتر برای پاکسازی از راه کار اجباری روشنفکران (اینتلیجنتسیا) یا همان افراد تحصیل‌کرده و اعضای طبقات اجتماعی بالاتر استفاده می‌شد. در حاشیه این اردوگاه معدن گرانیتی وجود داشت که زندانیان مجبور بودند قطعه‌های سنگ گرانیتی که گاهی اوقات ۵۰ کیلوگرم وزن داشتند را از ۱۸۵ پله موسوم به «پله‌های مرگ» بالا ببرند که در این میان پرت‌شدن‌ها و خودکشی‌ها متعدّد بود. طبق برآوردها در این اردوگاه بیش از ۹۵ هزار نفر از سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها، آناشیست‌ها، یهودیان و بسیاری دیگر به قتل رسیدند-م.

<sup>۲</sup> M. R. D. Foot

روحیه شاهدان، کسانی که از تلاش‌های آنها باخبر می‌شدند و ظالمانی که با آنها مخالف بودند تأثیر می‌گذاشت [۴۲].

اگرچه جوامع غالباً پیروزی‌های جنبش‌های مقاومت مسلحانه در برابر حکومت‌های نسل‌کش یا توتالیتار را جشن می‌گیرند، دوره‌های بی‌شماری از مقاومت غیرخشونت‌آمیز نیز معمولاً با این جنبش‌ها همراه بوده است - مقاومتی که به اندازه مقاومت خشونت‌آمیز نیاز به برنامه‌ریزی، نظم، مهارت و شجاعت دارد.

### کمپین‌ها چگونه تا به حال در مقابل حملات خشونت‌آمیز شبه‌نظامیان طرفدار دولت، جوخه‌های مرگ یا سایر گروه‌های مسلح غیردولتی واکنش نشان داده‌اند؟

بسیاری از جنبش‌های توده‌ای نه تنها باید با خشونت دولتی، بلکه با خشونت گروه‌های ضد معترضین، گروه‌های شبه‌نظامی یا حتی جوخه‌های مرگ آتش به‌اختیار نیز روبرو شوند. این همان اتفافی ست که برای جنبش‌هایی که سعی در سرنگونی رژیم‌های دست راستی در السالوادور از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۲، در گواتمالا از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ و نقاط دیگر دیگر داشته‌اند رخ داده است. در تمامی این موارد، گروه‌هایی آموزش دیده توسط ایالات متحده از ترور، شکنجه، خشونت جنسی و دیگر اشکال تکان‌دهنده خشونت استفاده می‌کردند تا گروه‌های چپ را به زانو درآورند. در موارد دیگر، گروه‌های جنایتکاری سازمان یافته، از جمله قاجاقچیان مواد مخدر، جوامع و گروه‌های مجاور خود را سرکوب کرده و به عنوان یک حکومت تروریست عمل کرده‌اند. در طول جنگ‌های داخلی نیز جنبش‌های غیرنظامی صلح طلب اغلب در مقابل تعداد زیادی از گروه‌های مسلح قرار

گرفته‌اند. برای مثال در جنوب ایالات متحده در طول دورهٔ بازسازی<sup>۱</sup> و جیم کرو، سیاهپوستان توسط کوکلوکس کلان‌ها مورد تهدید و ارباب قرار می‌گرفتند. این گروه با پلیس محلی و ایالتی و قانونگذاران ایالتی دست به یکی می‌کردند تا سیاهان را از زمین، ثروت، مناصب سیاسی و حق رأی محروم کنند.

چنین شرایطی بی‌شک مقاومت مدنی را دشوارتر می‌کند. هنگامی که یک جنبش علیه یک حکومت مبارزه می‌کند عموم مردم به راحتی می‌توانند تشخیص دهند که کدام بخش‌های اجتماعی از قدرت دولت حمایت کرده و آن را حفظ می‌کنند- مشاغل، سلسله مراتب مذهبی، خانواده‌های نظامی، خدمات کشوری یا هر بخش دیگری که ممکن است. در نتیجه جنبش به راحتی می‌تواند بفهمد که کدام گروه [یا گروه‌ها] باید متقاعد شوند که وفاداری و حمایت از دشمن به نفع آنها نیست. چنین اقدامی در مقابل شبه‌نظامیان غیردولتی یا گروه‌های مسلح بسیار دشوارتر است. تشخیص اینکه چه کسی از آنها حمایت می‌کند- دولت، دولت‌های خارجی، نخبگان تجاری ثروتمند، سودجویان از جنگ، مؤسسات مذهبی یا دیگران- چگونه می‌توان بر این گروه‌ها تأثیر گذاشت، یا چگونه ادامه حمایت از وضعیت موجود را برای آنها پرهزینه کرد، معمولاً کار آسانی نیست. این امر به ویژه زمانی دشوارتر می‌شود که یک گروه مسلح قصدی برای حکومت نداشته باشد و تنها هدفش این باشد که از درگیری‌های موجود سود ببرد.

---

<sup>۱</sup> Reconstruction . دورهٔ بازسازی (۱۸۶۵-۱۸۷۷) به دورهٔ آشفته پس از جنگ داخلی آمریکا اطلاق می‌شود که طی آن تلاش‌هایی برای جبران نابرابری‌های برده‌داری و میراث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن و نیز حل مشکلات ناشی از ادغام مجدد ۱۱ ایالت و ۴ میلیون سکنهٔ آن که در زمان شروع جنگ داخلی یا پیش از آن جدا شده بودند، در آمریکا صورت گرفت-م.

علی‌رغم این چالش‌های استراتژیک، برخی از جوامع راه‌هایی را برای مقاومت در برابر چنین گروه‌های مسلحی از طریق کشف منافع آنها و تلاش برای سوق دادن شان به سمت رفتارهایی که همزیستی با آنها را برای جامعه آسان‌تر کند پیدا کرده‌اند. [۴۳]

بیاپید به چند نمونه نگاهی بیاندازیم تا با چگونگی این راه‌ها آشنا شویم.

جنگ داخلی کلمبیا که از سال ۱۹۶۴ تا ۲۰۰۶ ادامه داشت، ۲۲۰۰۰۰ کشته برجای گذاشت. یکی از اصلی‌ترین گروه‌های مبارز در این جنگ، شورشیان چپ‌گرای نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (فارک)<sup>۱</sup> بودند. فارک عمدتاً در مناطق روستایی که بسیاری از جمعیت کشور را در خود جای داده بود، فعالیت می‌کرد. علاوه بر ارتش کلمبیا، گروه‌های شبه نظامی دست‌راستی نیز برای حمله به فارک و از بین بردن پایگاه‌ها و منابع حمایتی آن تشکیل شده بودند. در دهه ۱۹۸۰ برخی از سازمان‌های اجتماعی که کشور را در میان آتش جنگ گرفتار می‌دیدند، رفته‌رفته با یکدیگر متحد شدند و مناطق خود را «دهکده‌های صلح»<sup>۲</sup> اعلام کردند و متعهد شدند که دست به خشونت نزده و با هیچ یک از گروه‌های مسلح همکاری نکنند. [۴۴] این دهکده‌های صلح اغلب با گروه‌های مختلف چریکی و شبه نظامی طرفدار دولت مذاکره می‌کردند که روستای آنها را ترک کنند یا بدون آسیب رساندن به کسی از آنها عبور کنند. بسیاری از این دهکده‌ها به

---

۱. Revolutionary Armed Forces of Colombia (FARC) به اسپانیایی Fuerzas Armadas Revolucionarias de Colombia یک سازمان چریکی انقلابی مارکسیست-لنینیستی است که در دهه ۱۹۶۰ به عنوان شاخه نظامی حزب کمونیست کلمبیا خود را معرفی کرد. دولت کلمبیا این سازمان را گروهی تروریستی می‌داند. در سپتامبر ۲۰۱۶ رئیس جمهوری کلمبیا و رهبر گروه فارک «رودریگو لوندونو» (تیموشنکو)، با امضای یک توافقنامه صلح به بیش از نیم قرن رویارویی خونین پایان دادند. اگر چه در همه‌پرسی متعاقب آن شهروندان این کشور توافق را رد کردند. م

۲. peace villages

شکل شگفت‌انگیزی در جریان جنگ، از ترکش‌های آن به دور ماندند. الیور کاپلان<sup>۱</sup>، دانشمند علوم سیاسی، به بررسی این امر پرداخته است که چرا برخی از جوامع توانسته‌اند این کار را به نحو مؤثری انجام دهند و استدلال او به برخی عوامل آشنا اشاره می‌کند. اولاً، زمانی که سازمان‌های اجتماعی قدیمی به خوبی مورد احترام مردم محلی قرار داشته باشند، همکاری مؤثرتر به نظر می‌رسید و منجر به انسجام سازمانی و تقویت اعتماد در جوامع و میان مبارزان مسلح می‌شد. دوم اینکه جوامعی که به طور گسترده به خشونت‌پرهیزی متعهد بودند، در حفظ نظم، اولویت دادن به گفتگو و مذاکره مؤثر و جلوگیری از تشدید درگیری‌ها علی‌رغم تحریکات احتمالی، بسیار بهتر عمل می‌کردند [۴۵].

نمونه غیرمنتظره دیگری از مقاومت بدون خشونت در برابر گروه‌های مسلح موصل عراق است؛ جایی که مردم عادی راه‌هایی برای مقاومت بدون خشونت در برابر دولت اسلامی یا داعش پیدا کردند. هنگامی که داعش برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ موصل را فتح کرد، اعلام خلافت اسلامی نمود و هر کسی را که مظنون به سازماندهی مقاومت علیه دستورات آنها بود به سرعت اعدام کرد. در نتیجه، نمایش عمومی و آشکار نافرمانی تا حدودی از رواج افتاد. با این حال مقاومت به طور کامل از بین نرفت و بسیاری از عراقی‌ها اشکال روزمره مقاومت را پیگیری نمودند. یک نظرسنجی که در سال ۲۰۱۸ از بیش از هزار نفر از ساکنان موصل، که داعش از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ با مشت آهنین آن را اشغال و اداره می‌کرد، انجام شده بود نشان داد که بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان در نوعی مقاومت غیرخشونت‌آمیز علیه حکومت داعش شرکت کرده بودند. [۴۶] برای مثال شهروندان از پیروی از قوانین داعش در مورد نماز خواندن در ساعاتی خاص از روز

---

<sup>۱</sup> . Oliver Kaplan

امتناع می‌ورزیدند و ممنوعیت کشیدن سیگار یا نوشیدن الکل، گوش دادن به موسیقی، گذاشتن ریش (برای مردان) یا ظاهر شدن در انظار عمومی بدون پوشش صورت (برای زنان) را نادیده می‌گرفتند. اگرچه تنها ۶ درصد گزارش کردند که چنین کارهایی را به صورت علنی انجام می‌دادند، تقریباً ۲۲ درصد آنها گزارش دادند که به اقدامات مخاطره آمیزی مانند نمایش نمادها و شعارهای ضد داعش، اشغال مکان‌های عمومی که داعش تجمعات را در آنها ممنوع کرده بود و توهین یا سرزنش اعضای داعش به دلیل وحشیگری‌هایشان دست زده‌اند. دست کم ۶۲ درصد پاسخ‌دهندگان نیز از همکاری با حکومت داعش امتناع کرده و فعالیت‌هایی مانند خروج از مدارس و دانشگاه‌های تحت رهبری داعش، امتناع از پرداخت مالیات و تأسیس مدارس جایگزین را انجام داده بودند. در مجموع اینکه حتی تحت حکومت وحشیانه داعش نیز مردم راه‌هایی را برای سرپیچی از آنچه که قدرتی نامشروع می‌دانستند، یافته بودند [۴۷].

### چه زمانی سرکوب علیه یک جنبش غیرمسلح نتیجه معکوس می‌دهد؟<sup>۱</sup>

گاهی اوقات سرکوب دولتی به جای منکوب کردن مقاومت مدنی، خشم خارجی‌ان و افراد بی‌طرف را برانگیخته و حمایت‌ها از جنبش را افزایش می‌دهد. در واقع سرکوب اغلب نتیجه معکوس داشته و واپس زده می‌شود. [۴۸] این نمونه‌های آشنا را در نظر بگیرید:

---

<sup>۱</sup> Backfiring. واپس‌زنی یا نتیجه معکوس در اصطلاح به معنای خروج صدای بلند در نتیجه عملکرد ناکارآمد موتور خودرو یا سایر خودروهای احتراق داخلی است، اما در معنای سیاسی آن واکنش خشم‌آلود همگانی و عظیم به رویدادی عمومی شده (در اینجا سرکوب دولتی) ست که از سوی شهروندان ناعادلانه تلقی شده و در نتیجه واکنش خشم‌آلود خود را متوجه کسانی می‌کنند به عنوان مسئول این اتفاق تلقی می‌شوند-م.

در سپتامبر ۱۹۷۸ هنگامی که مردم تهران برای برگزاری مراسمی مذهبی در میدان ژاله جمع شده بودند، ارتش به روی آنها آتش گشود و نزدیک به نود نفر را کشت و صدها نفر دیگر را مجروح کرد. کشتار میدان ژاله به جمعۀ سیاه معروف شد. با گسترش پوشش خبری این کشتار در روزنامه‌های سراسر ایران، ده‌ها هزار نفر از ایرانیان خشمگین به انقلاب پیوستند، از جمله کارگران نفت که در اکتبر ۱۹۷۸ دست به اعتصاب زدند. بسیاری از نیروهای امنیتی شاه دست به تمرد زده یا کناره‌گیری کردند- و در فوریه ۱۹۷۹، شاه رضا پهلوی مجبور به فرار به مصر شد.

در ۱۹۹۱ نیروهای اندونزیایی حدود ۲۵۰ غیرنظامی تیمور شرقی را که در مراسم تشییع جنازهٔ سباستیائو گومز<sup>۱</sup>، فعال استقلال این کشور شرکت کرده بودند قتل عام کردند. سربازان و پلیس اندونزی علاوه بر کشتن غیرنظامیان تیموری، به چندین روزنامه‌نگار خارجی از جمله خبرنگار آمریکایی امی گودمن<sup>۲</sup> که تلاش کرده بود خود را بین سربازان و غیرنظامیان حائل کند، حمله کردند. یک روزنامه‌نگار انگلیسی فیلم‌های ویدئویی این کشتارها را به خارج از کشور منتقل کرد و پوشش خبری گستردهٔ این کشتار منجر به اعتراضات بین‌المللی علیه اشغال این جزیره بدست اندونزی شد. این امر به یک دهه کارزار همبستگی بین‌المللی کمک کرد که در نهایت به بازپس‌گیری استقلال تیمور شرقی منتهی شد.

در دسامبر ۱۹۸۷ چهار جوان اهل غزه بر اثر برخورد یک کامیون نظامی اسرائیلی با خودروی آنها در مسیر رفتن به محل کار کشته شدند. هنگامی که روز بعد خبر مرگ کشته‌شدگان منتشر شد، مردم غزه شروع به اعتراض کردند و نیروهای ارتش اسرائیل

---

<sup>۱</sup> . Sebastião Gomes

<sup>۲</sup> . Amy Goodman



در پاسخ به سوی جمعیت شلیک کردند و محمد حاتم ابوسیسی<sup>۱</sup> هفده ساله را به قتل رساندند. در ادامه هزاران فلسطینی در سراسر کرانه باختری و نوار غزه دست به قیام و تظاهرات زدند. از آنجایی که نیروی دفاعی اسرائیل با خشونت مرگبار به معترضین پاسخ داد، این کشتارها وجدان عمومی اسرائیلی‌ها و نیز حامیان این کشور مانند ایالات متحده را در شوک فرو برد. صدها سرباز اسرائیلی از خدمت در سرزمین‌های اشغالی امتناع کردند و جنبش صلح اسرائیل شروع به تقویت نفوذ سیاسی خود در این کشور کرد. در زمان پرزیدنت جورج اچ دبلیو بوش، ایالات متحده اسرائیل را تشویق کرد که روند صلح را با تشکیلات خودگردان فلسطین دنبال کند. علیرغم مخالفت گروه‌های راست افراطی در داخل اسرائیل، اسحاق رابین<sup>۲</sup>، نخست‌وزیر اسرائیل، توافقنامه‌ای را با یاسر عرفات، رهبر ساف امضا کرد که حکایت از پیشرفتی بی‌سابقه در جهت تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها داشت.

در نظر داشته باشید که چگونه در هر سه نمونه پوشش مطبوعاتی در مخابره داستان سرکوب به عموم مردم ضروری بوده است. [۴۹] این نکته‌ای آموزنده است. محققان برایان مارتین<sup>۳</sup> و دیوید هس<sup>۴</sup> استدلال می‌کنند که اگر پیش از سرکوب جنبش طرحی آماده برای مقابله با سانسور و تبلیغات رژیم داشته باشد، احتمال وقوع نتیجه معکوس بیشتر خواهد شد. [۵۰] آنها اینگونه ادامه می‌دهند که هنگامی که حادثه‌ای رخ می‌دهد جنبش‌ها باید به سرعت اخبار را از راه‌هایی نظیر فیلم‌های ویدئویی، بیانیه‌های

---

<sup>۱</sup> . Mohammed Hatem Abu Sisi

<sup>۲</sup> . Yitzhak Rabin

<sup>۳</sup> . Brian Martin

<sup>۴</sup> . David Hess

مطبوعاتی و ارتباطات مستمر به مخاطبان مربوطه برسانند. جنبش با انجام این کار می‌تواند سرکوب را ناعادلانه، ستمگرانه، افراطی یا نامتناسب نشان دهد.

البته این کار برای تضمین اینکه خشونت قطعاً نتیجه معکوس خواهد داد، کافی نیست. جنبش‌های سازمان‌یافته و غیرخشونت‌آمیزی که در صورت مواجهه با سرکوب از پیش برنامه دارند، نسبت به جنبش‌هایی که غافلگیر می‌شوند مجهزتر بوده و می‌توانند این گونه حوادث را به نفع بلندمدت خود برگردانند.

**کارزارهای مقاومت مدنی چگونه با ترس و وحشت در میان معترضین و شرکت‌کنندگان بالقوه‌ای که در برابر سرکوب آسیب‌پذیر هستند مقابله می‌کنند؟**

مشارکت در مقاومت توده‌ای بدون خشونت به شجاعت نیاز دارد و دقیقاً به این دلیل خطرناک است. شجاعت به معنای اقدام به انجام کاری با وجود ترس و وحشت است، حتی زمانی که می‌دانیم این ترس‌ها تا چه اندازه گسترده‌اند. اکثر کمپین‌های مقاومت مدنی که قدرت‌های ریشه‌دار را به چالش می‌کشند، می‌کوشند به افراد درگیر کمک کنند تا بر ترس‌های خود غلبه کرده [و شجاعت خود را باز یابند]. این بدان معناست که سازمان‌دهندگان کمپین‌ها به کسانی که قصد پیوستن به جنبش را دارند کمک می‌کنند تا خطرات و مخاطرات این اقدام خود را به طور کامل درک کنند. توانایی تشخیص ترس در جایی که وجود دارد می‌تواند مفید و کمک‌کننده باشد. بسیاری از کمپین‌ها می‌کوشند شرکت‌کنندگان خود را از طریق آموزش، تحصیل و آمادگی جسمانی و معنوی آماده نمایند. ساتیا‌گراها گانندی سال‌ها جریان داشت که تا حدی دلیل آن این بود که او و رهبری جنبش استقلال هند معتقد بودند که هندی‌ها باید از نظر روحی برای انجام یک مبارزه طولانی و خطرناک که متضمن فداکاری قابل

توجهی ست، آماده شوند. جنبش حقوق مدنی ایالات متحده کلاس‌های آموزشی را در زیرزمین کلیساها برای عکس‌العمل آرام و شجاعانه در مقابل سرکوب برگزار می‌کرد و در این دوره‌ها برخی از فعالین و کنشگران نقش اغتشاشگران خشونت طلب و پلیس‌های چماق‌دار را ایفا می‌کردند. سایر جنبش‌ها نیز برخی قابلیت‌های دیگر را به منظور واکنش سریع [به سرکوب] ایجاد کرده و توسعه بخشیده‌اند که از جمله می‌توان به راه‌هایی برای بیرون‌آوردن شرکت‌کنندگان دستگیر شده از بازداشت، بسیج کمک‌های اولیه و مراقبت‌های پزشکی مؤثر، و توضیح و ارائه تکنیک‌های ایمنی برای اشکال مختلف حمله - گاز اشک‌آور، گلوله‌های لاستیکی، شیلنگ‌های آتش‌نشانی و غیره اشاره کرد. گاهی اوقات سازمان‌دهندگان می‌کوشند به شرکت‌کنندگان در مورد اتفاقاتی که ممکن است پیش بیاید و نحوه مقابله با آنها توضیح بدهند.

در جنبش حقوق مدنی ایالات متحده، فعالان گاهی اوقات مسواک و لب‌ترکن به همراه خود داشتند تا با کمک آنها ترس از بازداشت خود را کاهش دهند<sup>۱</sup> [۵۱]. در جریان جنبش اشغال وال استریت، کنشگران شماره تلفن آشنایان قانونی یا سایر شبکه‌های پشتیبانی خود را روی دست‌ها یا بازوهایشان می‌نوشتند تا در حین دستگیری ناپدید نشوند و [آشنایان‌شان از آنها باخبر باشند]. در جریان قیام بدون خشونت سال ۲۰۱۱ سوریه و زمانی که فعالان سوری برای بی‌ثبات کردن رژیم بشار اسد تلاش می‌کردند، اطلاعات خود را در مورد چگونگی اجتناب از برخی اشکال شکنجه در حین بازداشت با یکدیگر هم‌رسانی میکردند. مثلاً اینکه ناخن‌های دست خود را کوتاه کنند تا شکنجه‌گران برای کشیدن آنها با مشکل مواجه شوند.

۱. منظور این است که با آماده نگه داشتن خود برای دستگیری و بازداشت، ترس از بازداشت را کاهش می‌دادند-م.

در جریان تظاهرات‌ها و اعتراضات نیز جنبش‌ها کوشیده‌اند با ایجاد فضای جشن و سرور از طریق رقص، موسیقی و اجراهای خیابانی بر ترس میان شرکت‌کنندگان غلبه کنند. و به آنها در مورد روش‌های کاهش تنش و راه‌های فرار احتمالی در صورت وقوع خشونت آموزش داده‌اند. جنبش‌ها به طور فزاینده‌ای اطلاعات اولیه در مورد چگونگی جلوگیری از آسیب‌ها و صدمات جسمانی جدی را نیز با شرکت‌کنندگان به اشتراک گذاشته‌اند. برای مثال آوردن بطری‌های آب، شال، جعبه کمک‌های اولیه و سایر وسایل خانگی برای شستشوی گاز اشک‌آور یا اسپری فلفل از چشم‌ها یا درمان زخم‌های جزئی، آوردن چتر، مخروط‌های پلاستیکی یا سطل برای محافظت در برابر کپسول‌های گاز اشک‌آور. استفاده از ماسک برای جلوگیری از شناسایی توسط نرم‌افزارهای تشخیص چهره و قرارگرفتن در معرض کووید-۱۹؛ و استفاده از کلاه ایمنی برای جلوگیری از آسیب به سر.

از آنجایی که بسیاری از بدترین انواع سوءرفتارها در جریان بازداشت و حبس اتفاق می‌افتند، جنبش‌ها اغلب خود را آماده این می‌کنند تا افراد آسیب‌پذیر را در اسرع وقت از بازداشت خارج کنند. اگر چه این آمادگی‌ها از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت است، اغلب شامل سازماندهی کمک‌های حقوقی، و یا آماده‌سازی گروه‌هایی می‌شود که اقدامات مستقیمی را مانند تجمّع یا تحصّن برای آزادی فوری زندانیان در مقابل ایستگاه‌های پلیس یا مراکز بازداشت انجام می‌دهند. بسیاری از جنبش‌های مقاومت مدنی که با یک رژیم خطرناک یا مستحکم مواجه هستند، اعضای خود را تشویق می‌کنند تا به رفاه و آسایش خود توجه کنند و به دنبال کمک‌های عاطفی، روانی یا معنوی برای خود باشند؛ برخی جنبش‌ها خودشان چنین حمایت‌هایی را ارائه می‌کنند یا افراد را به منابعی خارج از جنبش ارجاع می‌دهند.

علیرغم تمام اینها ما از مطالعات مختلف و متعددی که در مورد کنش جمعی صورت گرفته است پی برده‌ایم که افراد زمانی که در میان جمعیتی با تعداد نفرات بالا هستند احساس امنیت می‌کنند و اینکه آموزش و آمادگی، اعتماد به نفس بیشتری به افراد می‌دهد. هنگامی که جنبش‌ها سازماندهی می‌شوند، در کنار هم می‌مانند، سوءاستفاده‌ها را آشکار می‌سازند و آنها را مستند می‌کنند، می‌توانند به شرکت‌کنندگان در مقابله با ترس کمک نمایند.

## آیا جنبش‌های مقاومت مدنی می‌توانند جلوی جنایات وحشیانه را بگیرند یا آنرا کاهش دهند؟

باز هم به شرایط بستگی دارد. در شرایطی که رژیم‌های استبدادی برخی از گروه‌های مردم را پست‌تر از انسان می‌دانستند و می‌توانستند کنترل کاملی بر جمعیت‌ها اعمال کنند، کمپین‌های سازمان‌یافته مقاومت مدنی کار دشواری را برای جلوگیری از جنایات داشته‌اند. این امر به‌ویژه در مواردی صادق است که نمونه‌های شناخته‌شده اندکی از مقاومت مدنی برای مردم وجود دارد تا از این طریق از استراتژی‌های مقاومت آگاهی پیدا کنند. برای مثال در قرن شانزدهم و زمانی که امپراتوری اسپانیا سرگرم استعمار قاره آمریکا بود، اروپایی‌ها اهداف تسخیر سرزمینی، ایدئولوژی‌های نژادپرستانه، سیاست‌های قتل عام یا بردگی، آبله و سایر بیماری‌ها را با خود به این قاره آوردند. بیماری به تنهایی جان حدود ۹۰ درصد از مردم بومی را گرفت - جمعیت‌زدایی فاجعه‌باری که هرگونه تلاش مؤثر برای برتری عددی بر فاتحان و استعمارگرانی که از پی آنها آمدند را تضعیف می‌کرد. [۵۲]

تصویر اینکه جمعیت‌های بومی می‌توانستند به شیوه مؤثری از مقاومت مدنی برای جلوگیری یا کاهش این جنایات استفاده کنند کار دشواریست. با این حال چندین نفر

شانس خود را آزمودند. گوامان پوما د آیالا<sup>۱</sup>، یک نجیب‌زاده پرویی کچوایی<sup>۲</sup>، در سرتاسر قاره آمریکا سفر کرد تا خشونت امپریالیست‌های اروپایی علیه بومیان آمریکا را مستند کند. او نامه‌ای ۱۱۸۹ صفحه‌ای و مصور از جنایات وحشیانه اسپانیایی‌ها را به پادشاه اسپانیا فیلیپ سوم<sup>۳</sup> فرستاد و شخصاً از او درخواست کرد که به این بربریت پایان دهد. فیلیپ هرگز این کتاب را ندید و در اوایل دهه ۱۹۰۰ بود که در آرشیو یک دانمارکی کشف شد. [۵۳] علاوه بر بومیان برخی از اروپایی‌ها نیز مخالفت خود با استعمارگری وحشیانه فاتحان اسپانیایی را ابراز کرده‌اند. بارتولومه د لاس کاساس<sup>۴</sup>، روحانی اسپانیایی، به دلایل اخلاقی به بردگی سرخپوستان در دریای کارائیب اعتراض کرد و طی درخواست‌های کتبی بیهوده خود به شاهزاده فیلیپ دوم<sup>۵</sup> خواستار پایان بخشیدن به کشتار وحشیانه و انقیاد بومیان آمریکا شد.

به دلایلی مشابه، سازماندهی مقاومت مدنی در میان مردمی که در طول قرن هفدهم تا نوزدهم در مزارع کارائیب و جنوب ایالات متحده به بردگی گرفته شده بودند نیز بسیار دشوار بود. صاحبان مزارع با به کارگیری سیستم‌های کنترل مطلقه، جابجایی و انتقال‌های خانوادگی و نیز اربابگری و ایجاد وحشت، امکان ارتباط برده‌ها با یکدیگر یا هماهنگ کردن اقدامات مؤثر مقاومت را عملاً غیرممکن کرده بودند. با این حال در طول قرن نوزدهم در ایالات متحده، جنبش‌های لغای بردگی چندین استراتژی مقاومت را

---

<sup>۱</sup> . Guaman Poma de Ayala

<sup>۲</sup> Quechua . ساکنان بومی آمریکایی جنوبی که به زبان کچوا سخن می‌گویند و عمدتاً از کشور پرو ریشه گرفتند. این گروه قومیتی عمدتاً در کشورهای پرو، اکوادور و بولیوی زندگی می‌کنند-م.

<sup>۳</sup> . King Phillip III

<sup>۴</sup> . Bartolomé de las Casas

<sup>۵</sup> . Prince Phillip II

توسعه بخشید که به ده‌ها هزار برده این کشور کمک می‌کرد تا از مزارع صاحبان خود فرار کنند؛ از جمله راه‌آهن زیرزمینی<sup>۱</sup> که توسط هریت تابمن<sup>۲</sup> و دیگران سازماندهی شده بود و برای فرار برده‌ها به کار می‌رفت. یقیناً اعتراضات، طومارها، گردهمایی‌ها، روزنامه‌ها، رمان‌ها و سایر مطالبی که در حمایت از الغای بردگی تهیه شده بودند، جنبش پایان‌دادن به برده‌داری در ایالات متحده را تقویت می‌کردند - اگرچه در ادامه، جنگ داخلی آمریکا باعث توقف و کاهش شتاب و پویایی بسیاری از راهبردهای بدون خشونت در این کشور گردید. نمونه‌های مؤثر دیگری نیز وجود داشتند که در آن برده‌ها از کار کردن امتناع ورزیدند تا از این طریق شرایط کاری خود را بهبود ببخشند - روشی که به ویژه در جامایکا مؤثر بود؛ جایی که تعداد برده‌ها از صاحبان مزارع و ساکنان سفیدپوست با اختلاف ده به یک بیشتر بود. توقف هماهنگ کار از سوی آنها منجر به اخذ امتیازات متعددی از صاحبان مزارع شد، اما در نهایت با وقوع شورش گسترده بردگان، نیروهای بریتانیایی سرکردگان مظنون در این اقدام را قتل‌عام کردند - قتل‌عامی که چنان افکار عمومی بریتانیا را در شوک فرو برد که در نهایت دولت بریتانیا را به لغو برده‌داری در ۱۸۳۲ سوق داد. بنابراین در این مورد بسیج توده‌ای اگر چه نتوانست مانع یک جنایت وحشیانه شود - یا وحشیگری آشکاری را که برای حفظ نظام برده‌داری در

---

<sup>۱</sup> Underground Railroad. راه‌آهن زیرزمینی اصطلاحاً به شبکه‌ای از مسیرهای مخفی و خانه‌های امن اطلاق می‌شد که در اوایل قرن نوزدهم تا اواسط آن در ایالات متحده ایجاد شده بود. این شبکه راه‌ها عمدتاً توسط برده‌های آمریکایی آفریقایی تبار برای فرار به ایالت‌های آزاد شمالی از جمله فلوریدا و نیز کانادا و تانزانیای مکزیک استفاده می‌شد. طبق یک برآورد تا سال ۱۸۵۰، تقریباً ده هزار برده از طریق این شبکه از ایالات جنوبی گریختند - م.

<sup>۲</sup> Harriet Tubman. فعال اجتماعی و از حامیان لغو بردگی در آمریکا. تابمن که خود در خانواده‌ای برده‌شده متولد شده بود موفق شد با استفاده از راه‌آهن زیرزمینی فرار کرده و پس از آن ۱۳ مأموریت مختلف را برای نجات ۷۰ تن از برده‌گان از جمله دوستان و اعضای خانواده خود با موفقیت به اجرا گذاشت - م.

مواجهه با مقاومت به کار می‌رفت، تضعیف کند-در نهایت موفق شد جنبش را به سوی پیروزی سوق دهد.

در دوران اخیر نیز برخی از جنبش‌های مقاومت مدنی با آماده‌سازی و سازماندهی مناسب خود و نیز پیش‌رو داشتن نمونه‌هایی از اقدامات بدون خشونت جهت الهام‌گرفتن، توانسته‌اند از کشتارهای دسته‌جمعی جلوگیری کرده یا آنها را کاهش دهند. همانطور که پیشتر در این فصل دیدیم، شبکه‌های پیشرفته مقاومت توانسته بودند با موفقیت هزاران یهودی دانمارکی و نروژی را در طول دوره هولوکاست به مکان‌های امن در سوئد منتقل کنند. برخی از آلمانی‌ها و دیگر افراد تحت حکومت نازی‌ها، از کارخانه‌دار گرفته تا اشراف آلمانی، عده‌ای از یهودیان را از مرگ حتمی نجات دادند. البته پروژه قتل عام و نابودسازی نازی‌ها موردی استثنایی بود، بنابراین تعمیم کلی آن کار دشواریست. اما اگر مردم توانسته‌اند در چنین شرایط افراطی و دشواری شجاعانه عمل کنند، آیا در شرایط دیگر چنین شجاعتی امکان‌پذیر نیست؟

ایوان پرکوسکی و من با مطالعه انقلاب‌های پس از جنگ جهانی دوم متوجه شدیم که در مقایسه با مقاومت مسلحانه، مقاومت غیرخشونت‌آمیز به نحو قابل توجهی احتمال کشتار جمعی را کاهش می‌دهد. [۵۴] در واقع از سال ۱۹۵۵ تا ۲۰۱۳، مبارزات مسلحانه، موثّق‌ترین فاکتور پیش‌بینی‌کننده کشتار جمعی تحت رهبری دولت، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت بوده‌اند. دلیل این امر این است که جنایات جمعی به جلدانی مشتاق نیاز دارند: نیروهای امنیتی یا شبه‌نظامیانی که مایل باشند تعداد زیادی از مردم را در طول ماه‌ها یا سال‌ها بکشند. کمپین‌های مقاومت مدنی این کار را سخت‌تر می‌کنند، زیرا اغلب باعث ایجاد دودستگی و شکاف در میان نیروهای امنیتی می‌شوند که مایل به کشتن غیرنظامیان صلح‌جو نیستند و در مقابل از دستورات



سرپیچی می‌کنند یا از آن‌ها اجتناب می‌کنند. در نتیجه مقاومت غیرخشونت‌آمیز احتمال کشتار جمعی را کاهش می‌دهد. (اگرچه از بین نمی‌برد)

## آیا جامعه بین‌المللی می‌تواند از جنایات وحشیانه علیه جنبش‌های بدون خشونت جلوگیری کند؟

محققین هنوز در این مورد به اجماع نرسیده‌اند. این امر تا حدودی بستگی به این دارد که جامعه بین‌المللی از چه طریقی می‌کوشد در این موضوع مداخله کند - مداخله نظامی، فشار دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی، یا کمک مستقیم به جنبش‌هایی که علیه رژیم می‌جنگند.

برخی تحقیقات نشان می‌دهد که مداخلات بین‌المللی - مانند مداخلات نظامی بشردوستانه - توانسته‌اند نسل‌کشی، پاکسازی قومی یا جنایات جمعی را در گذشته متوقف کنند. [۵۵] تحقیقات دیگر نشان می‌دهند که مداخلات خارجی لزوماً به کشتار جمعی پایان نمی‌دهند، اگرچه می‌توانند به حفظ صلح پس از پایان درگیری‌های مسلحانه کمک برسانند. با این وجود جامعه بین‌المللی به ندرت از مداخله نظامی برای جلوگیری از وقوع جنایات توده‌ای علیه قیام‌های غیرخشونت‌آمیز استفاده کرده است. مورد استثنایی در این میان تیمور شرقی است، که پس از فراندوم استقلال در سال ۱۹۹۹، سازمان ملل نیروهای حافظ صلح خود را در آنجا مستقر کرد تا از این طریق از غیرنظامیان در برابر اقدامات تلافی‌جویانه نیروهای اندونزی محافظت کند و برگذار این کشور به استقلال نظارت داشته باشد. گذشته از این مورد، بیشتر مداخلات نظامی بین‌المللی تنها برای جلوگیری یا توقف جنایات دسته‌جمعی در طول

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۳۹۶

جنگ‌های «گرم»<sup>۱</sup> مانند بوسنی در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۵، کوزوو در ۱۹۹۹ و لیبی در ۲۰۱۱ انجام شده است، جایی که معمر قذافی سوگند خورده بود مخالفان سیاسی خود را به همان شیوه شورشیان مسلح سلاخی کند.

جدا از مداخلات نظامی چندجانبه کشورهای قدرتمند این توان را دارند که به تنهایی به جلوگیری یا آرام‌سازی روند کشتارهای دسته‌جمعی کمک کنند، به‌ویژه زمانی که این کشورها متحدان یا حامیان رژیم متخلف باشند. برای مثال در ۱۹۸۶ و پس از گذشت بیست و یک سال که فردیناند مارکوس، رئیس‌جمهور مورد حمایت ایالات متحده به عنوان دیکتاتور در فیلیپین حکومت می‌کرد، با جنبش نیرومند و میلیونی قدرت مردم<sup>۲</sup> روبرو شد که خواهان استعفا فوری او بودند. او پیشتر حمایت ستون‌های قدرتمند حمایتی خود در داخل از جمله بخش‌های بزرگی از ارتش و کلیسای کاتولیک را از دست داده بود. اگرچه مارکوس حکومت نظامی اعلام کرده و مصمم بود به هر قیمتی قدرت را حفظ کند، دولت رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، با مارکوس تماس گرفت تا برایش روشن کند که اگر رژیم وی به جمعیت معترضین حمله کند ایالات متحده پشتیبان او نخواهد بود. با قطع حمایت آمریکا مارکوس به هاوایی گریخت و راه را برای گذار به دموکراسی در کشور باز کرد [۵۶].

با این حال متحدان خارجی تنها زمانی حمایت خود را از رژیمی پس می‌گیرند که یک جنبش بدون خشونت از پیش، رژیم را تحت فشار گذاشته باشد. ایالات متحده تا زمانی که آشکار نشد رژیم مارکوس محکوم به نابودی است او را رها نکرد. جنبش مردمی

---

<sup>۱</sup> "hot" war . جنگ‌های گرم یا خونین، دربرابر جنگ سرد (Cold war) ، جنگ‌هایی هستند که در آنها از مهمات و تجهیزات واقعی استفاده می‌شود-م.

<sup>۲</sup> . People Power

راه را برای سقوط مارکوس هموار کرد و قطع حمایت قدرتمند متحدان خارجی میخی بر تابوت سلطنت او بود.

کمپین‌های مقاومت مدنی غالب اوقات باید راهی پیدا کنند که بتوانند حتی با وجود متحدی قدرتمند - یا حامی [سفت و سخت] - که هنوز از رژیم حمایت می‌کند در مبارزه خود پیروز شوند. این همان چیزی است که در سال ۱۹۷۹ در ایران اتفاق افتاد، جایی که جنبش مقاومت شاه بی‌رحم را با وجود اینکه هنوز از حمایت دولت آمریکا برخوردار بود، سرنگون کرد.

گاهی اوقات سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی<sup>۱</sup> مانند نیروی صلح مدنی<sup>۲</sup> یا بریگادهای صلح بین‌الملل - می‌توانند از جنبش‌های مقاومت مدنی در برابر سرکوب خشونت‌آمیز رژیم‌ها حمایت کرده یا حتی از آنها محافظت کنند.<sup>[۵۷]</sup> کنشگران جنبش‌های مقاومت که می‌دانند در خطر هستند اغلب از چنین سازمان‌هایی برای در اختیار گرفتن محافظانی غیرمسلح درخواست می‌کنند. این اقدام که گاهی «همراهی بدون خشونت»<sup>۳</sup> یا «صلح‌بانی غیرنظامی غیرمسلح»<sup>۴</sup> نیز نامیده می‌شود، از غیرنظامیانی استفاده می‌کند که با بهره‌گیری از روش‌های بدون خشونت، برای محافظت از غیرنظامیان دیگر در برابر خشونت آموزش دیده‌اند. آنها این کار را با همراهی کردن آنها در زندگی عادی شان انجام می‌دهند. صرفاً همین داشتن تضمین و حمایت بین‌المللی در کنار فعالان گاهی اوقات می‌تواند شبه‌نظامیان، نیروهای امنیتی یا قاتلان را از حمله به آنها باز دارد. صلح‌بانی غیرنظامی غیرمسلح همچنین می‌تواند به جوامع کمک کند

<sup>۱</sup> . international nongovernmental organizations (INGOs)

<sup>۲</sup> . Nonviolent Peaceforce

<sup>۳</sup> . nonviolent accompaniment

<sup>۴</sup> . unarmed civilian peacekeeping

تا در ایجاد صلح پیش بروند، و این امر گاهی اوقات با میانجیگری میان جنبش‌ها و نیروهای امنیتی یا سایر بازیگران مسلحی که آنها را تهدید کرده‌اند صورت می‌گیرد. از جمله گروه‌های دیگری که چنین خدماتی را ارائه می‌دهند عبارتند از گروه‌های صلح طلب مسیحی<sup>۱</sup>، کمیته خدمات دوستان آمریکایی<sup>۲</sup>، و شاهد جهانی<sup>۳</sup>. تحقیقات نشان می‌دهند که زمانی که خارجی‌های بی‌طرف مدافعان حقوق بشر را همراهی می‌کنند دولت‌ها کمتر آنها را هدف حملات خود قرار می‌دهند. [۵۸]

## آیا تحریم‌ها علیه رژیم‌های بی‌رحم به محافظت از غیرنظامیانی که به مبارزه مدنی می‌پردازند کمک می‌کند؟

عدم توافق در مورد تحریم‌ها نیز وجود دارد. ماریا استپان و من متوجه شدیم که تحریم‌های بین‌المللی - مانند ممنوعیت تجارت با رژیم، تحریم برخی کالاها یا محصولات، یا لغو دعوت‌نامه‌ها برای رویدادهای مهم مانند نشست‌های گروه جی ۸ - هیچ تأثیر سیستماتیکی بر موفقیت کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز نداشته است. [۵۹] با این حال این امر ممکن است به این دلیل باشد که دولت‌ها غالباً تنها زمانی از تحریم‌ها استفاده می‌کنند که از قبل نفوذ بسیار اندکی بر رژیم هدف خود داشته باشند. در این مرحله اگرچه تحریم‌ها ممکن است از نظر اقتصادی به رژیم لطمه بزند اما این لزوماً به

---

۱. Christian Peacemakers Teams

۲. American Friends Service Committee

۳. Global Witness

۴. گروه جی هشت که فعلاً به دلیل تعلیق عضویت روسیه (پس از تهاجم به اوکراین) از هفت کشور صنعتی جهان شامل فرانسه، آلمان، ایتالیا، بریتانیا، کانادا ایالات متحده آمریکا و ژاپن تشکیل شده است، حدود ۶۵٪ اقتصاد جهان را در دست دارند. سران کشورهای این گروه هر ساله یک گردهمایی مشترک تشکیل می‌دهند - م.

معنای تأثیرگذاری بر رفتار آن نیست. بنابراین زمانی که یک دولت تحریم‌هایی را علیه رژیم سرکوبگر اعمال می‌کند، بعید است در کوتاه‌مدت بتواند رژیم را از ارتکاب جنایات علیه مخالفان و اقلیت‌های حاشیه‌ای بازدارد - مگر اینکه تحریم‌ها عملاً مانع از فروش تسلیحاتی که رژیم برای حمله نیاز دارند از سوی شرکت‌های اسلحه‌سازی شود. با این حال بسیاری از کارشناسان سیاست خارجی باور دارند که تحریم‌ها به همان اندازه که از نظر عملی اهمیت دارند از نظر نمادین نیز حائز اهمیت هستند. دولت‌ها از تحریم‌ها برای تأکید بر نارضایتی یا نگرانی خود از دولتی دیگر استفاده می‌کنند و اجازه نمی‌دهند سوءاستفاده‌ها و جنایات بدون مجازات باقی بمانند.

برای مثال ایالات متّحده تحریم‌هایی را علیه بشار اسد و رژیم سوریه که در جریان قیام سال ۲۰۱۱ دست به سرکوب غیرنظامیان غیرمسلّح زد اعمال کرد. این تحریم‌ها شامل مسدودکردن دارایی‌های اسد و حلقه‌ نزدیکان او، ممنوعیت تجارت با شرکت‌های سوریه و ممنوعیت سرمایه‌گذاری جدید در سوریه توسط شهروندان آمریکایی بود. با این حال ایالات متّحده در وهله اول اهرم نفوذ دیپلماتیک محدودی بر دولت سوریه داشت و از این‌رو این تلاش‌ها تفاوت چندانی [در تغییر رفتار یا مجازات رژیم اسد] ایجاد نکرد. دولت سوریه نه نگران تحریم‌های آمریکا بلکه بیشتر نگران این بود که حامیانش، یعنی ایران و روسیه را در کنار خود حفظ کند. علیرغم اینها دولت ایالات متّحده استدلال می‌کرد که مهم است که به وحشیگری‌های اسد پاسخ داده شود، حتی اگر تحریم‌ها تا حد زیادی نمادین باشند.

در مجموع می‌توان گفت که کمپین‌های مقاومت مدنی که قدرتمندان را تهدید می‌کنند اغلب با حملات خشونت‌آمیزی مواجه می‌شوند. هدف قرارگرفتن با سرکوب گسترده - ناپدیدشدن گسترده، زندان، شکنجه و کشتا - می‌تواند به کمپین‌ها آسیب برساند. تحریک عمدی سرکوب دولتی [از سوی یک کمپین] بسیار پریسک و حتی

خطرناک است. اما مقادیر محدودی از سرکوب - آتش‌گشودن نیروهای امنیتی به روی تظاهرکنندگان، یا حتی ترور رهبران کلیدی - لزوماً یک کمپین را محکوم به نابودی نمی‌کند، به خصوص اگر سازمان‌دهندگان جنبش برای واکنش‌های خود در مقابل سرکوب برنامه‌ریزی کرده باشند. کمپین‌های غیرخشونت‌آمیزی که مجموعه‌ای از تاکتیک‌های آماده و دردسترس را در چننه دارند، مؤثرتر از کمپین‌هایی هستند که تنها بر تظاهرات تکیه می‌کنند. و مطمئناً مؤثرتر از کمپین‌های خشونت‌آمیز و نیز کمپین‌هایی هستند که روش‌های مسلحانه و غیرمسلحانه را با یکدیگر ترکیب می‌کنند - حتی در شرایط بسیار وحشیانه و سرکوبگرانه. جنبش‌ها اغلب می‌توانند با انتخاب‌های استراتژیک خود برای سرکوب‌ها آماده شده و با بدترین اثرات سیاسی آن مقابله کنند.

فصل بعدی به بررسی پیامدهای پس از پایان جنبش‌های مقاومت مدنی می‌پردازد - کشورها پس از تجربه یک انقلاب غیرخشونت‌آمیز چگونه از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عمل می‌کنند. این فصل همچنین برخی از روندهای نگران‌کننده اخیر پیرامون میزان موفقیت مقاومت بدون خشونت در دهه گذشته را بررسی می‌کند و به ارائه برخی گزاره‌ها در مورد چگونگی پایداری، تطبیق و تسلط جنبش‌ها حتی پس از فروکش کردن همه‌گیری جهانی کووید ۱۹ می‌پردازد.

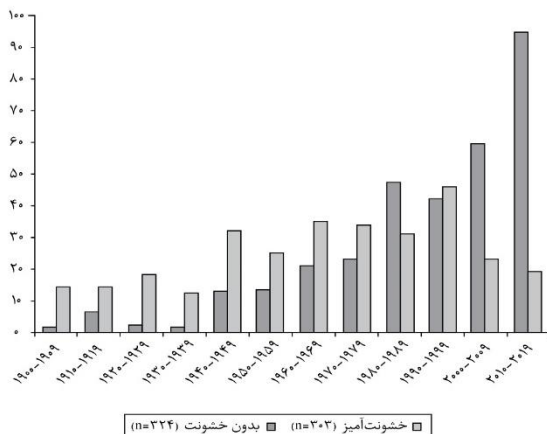
## فصل پنجم / آینده مقاومت مدنی

صلح نه از درگیری مسلحانه بلکه از عدالتی حاصل می‌شود که هر روزه از سوی مردمان غیرمسلح در مواجهه با مشکلات صورت می‌گیرد. مهاتما گاندی

امروزه ممکن است این احساس را داشته باشید که ما در دوره‌ای مشخصاً درهم‌گسیخته و آشفته‌کننده در تاریخ جهان زندگی می‌کنیم. [۱] این گزاره از بسیاری جهات درست است، اما در واقع این نوع و شیوه آشفته‌گی و گسیخته‌گی ست که مختص زمان ماست. برخلاف دیدگاه‌های مرسوم، امروزه افراد بیشتری به جای خشونت به مقاومت مدنی بدون خشونت به عنوان راهی برای اصلاح شرایط وخیم و اسفناک خود روی می‌آورند- و این به نحو فزاینده‌ای در طول پنجاه سال گذشته صادق بوده است. بر اساس داده‌های جامع در مورد کمپین‌های انقلابی-خشونت‌پرهیز و خشونت‌آمیز- از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹، ۶۲۷ کمپین توده‌ای به دنبال سرنگونی دیکتاتوری یا دستیابی به استقلال بوده‌اند. اگرچه جنبش‌های آزادیبخش اغلب [تعمداً] به عنوان قیام‌ها یا شورش‌های مسلحانه به تصویر کشیده می‌شوند، اما در واقع تنها کمتر از نیمی از این مبارزات شامل مقاومت مسلحانه سازمان‌یافته بوده است. ۳۰۳ مورد از این کمپین‌ها مبارزات چریکی یا شورش‌های مسلحانه بودند، در حالی که ۳۲۴ مورد از آنها تا حد زیادی بر مقاومت مدنی بدون خشونت اتکا داشته‌اند.

البته این نسبت در طول زمان تغییر کرده است. مبارزه مسلحانه در گذشته راه اصلی مبارزه جنبش‌ها برای تغییر بوده است. اما همانطور که شکل ۵-۱ نشان می‌دهد، از دهه ۱۹۷۰ شورش‌های خشونت‌آمیز در عمل کاهش یافته‌اند، در حالی که کمپین‌های

مقاومت بدون خشونت به سرعت افزایش پیدا کرده‌اند. تا سال ۲۰۲۰، کمپین‌های مقاومت غیرخشونت‌آمیز به رایج‌ترین رویکرد برای اقدامات منازعه‌آمیز در سراسر جهان تبدیل شده‌اند. شگفت‌آور اینکه تنها در دو دهه گذشته، تعداد انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز بیشتر از مجموع این انقلابات در کل قرن بیستم بوده‌اند.



شکل ۵-۱ بروز انقلاب‌های خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز، ۱۹۰۰-۲۰۱۹

<sup>۱</sup> contentious action or politics . سیاست‌های منازعه‌آمیز به استفاده از تکنیک‌های اخلاک‌گرانه برای ترویج یک نقطه نظر خاص سیاسی یا ایجاد تغییر در سیاست‌های دولت اطلاق می‌شود. نمونه‌هایی از این تکنیک‌ها، اقداماتی را شامل می‌شوند که فعالیت‌های عادی جامعه را مختل می‌کنند، نظیر تظاهرات، اعتصاب عمومی، شورش، تروریسم، نافرومانی مدنی و حتی انقلاب. سیاست منازعه‌آمیز را می‌توان با اغماض معادل مبارزه سیاسی جمعی دانست. سیاست‌های منازعه‌آمیز هم‌چنین به عنوان یک رویکرد و مدل در تحلیل سیاسی و اجتماعی به کار می‌رود و از مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن می‌توان به چارلز تیلی و سیدنی تارو اشاره کرد-م



روندهای دهه گذشته - از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ - به ویژه خیره کننده هستند. این دهه نه تنها بیشترین میزان مقاومت غیرخشونت آمیز ثبت شده از سال ۱۹۰۰ را در خود جای داده است، بلکه تعداد آنها به عدد شگفت انگیز نود و شش انقلاب بدون خشونت نیز رسیده است. ۱۵ مورد از این موارد در سال ۲۰۱۹ آغاز شد و بیست و سه مورد دیگر با پایان سال ۲۰۱۹ نیز همچنان ادامه داشته اند. این تعداد تقریباً دو برابر تعداد مشاهده شده در دهه رکوردشکن پیشین است: پنجاه و هشت مورد در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۹.

با این حال بسیاری از جنبش‌هایی که از سال ۲۰۱۰ شکل گرفته‌اند - از قیام‌های اعراب در مصر، یمن، و سوریه گرفته تا جنبش‌های دموکراسی خواه در هند، هنگ کنگ و ایالات متحده - با چالش‌های شگفت‌انگیزی مواجه بوده‌اند. و با ورود ناگهانی همه‌گیری ویروس کرونا در زمستان ۲۰۲۰، بسیاری از این جنبش‌ها به ناگاه دست از بسیج سیاسی و اجتماعی کشیدند؛ برخی به تجدید قوا و ابداع تکنیک‌های جدید مقاومت به شیوه متفرق و پراکنده پرداختند و برخی دیگر به طور کلی محو شدند.

در این فصل معنای این روندها برای آینده مقاومت مدنی را بررسی می‌کنیم و به این تردیدها و نگرانی‌ها پاسخ می‌دهیم: کمپین‌های مقاومت مدنی تنها باعث هرج و مرج بیشتر در یک کشور می‌شوند، کمپین‌های غیرخشونت آمیز هرگز به دگرگونی معنی‌داری منجر نمی‌شوند، و اینکه عملکرد رژیم‌های استبدادی در سرکوب مؤثر مقاومت بدون خشونت بهتر شده است. و در نهایت نتیجه می‌گیریم که علیرغم برخی عقب‌نشینی‌ها، مقاومت مدنی همچنان به عنوان نیرویی قابل دوام و تحوّل‌آفرین برای قدرت مردم در حال حاضر و در آینده باقی می‌ماند.

## چرا انقلاب‌های بدون خشونت روزبه‌روز بیشتر می‌شوند؟

چند دلیل وجود دارد که چرا مردم بیشتر از گذشته به مقاومت مدنی به عنوان رویکردی برای ایجاد تغییر روی آورده‌اند.

اول ممکن است به این دلیل باشد که افراد بیشتری در سراسر جهان این دیدگاه را پذیرفته‌اند که مقاومت غیرخشونت‌آمیز روشی موفق و مشروع برای ایجاد تغییرات است. پس از جنبش استقلال هند و محبوبیت مهاتما گاندی به عنوان نمادی جهانی مردم سراسر جهان مقاومت مدنی را به عنوان رویکردی برای استفاده در مبارزات خود انتخاب کرده‌اند- از ایالات متحده تا آفریقای جنوبی، از چکسلواکی تا تونس و فراتر از آن.

دوم اینکه فناوری جدید اطلاعات دسترسی مردم به داده‌های مربوط به رویدادهایی را که قبلاً گزارش نشده یا سرکوب شده بودند را آسان‌تر کرده است. اخبار اکنون به صورت آنلین در دسترس است- روی تلفن و رایانه- و به راحتی از طریق روزنامه‌ها، رسانه‌های اجتماعی، اتاق‌های چت خصوصی و موارد دیگر به اشتراک گذاشته می‌شوند. این بدان معناست که مردم مغولستان قاعدتاً می‌توانند [دست کم] دربارهٔ فعالیت‌های مردم مالایو مطالعه کنند، از آنها الهام بگیرند و بیاموزند. از آنجایی که مقاومت مدنی روشی متداول و مؤثر برای مبارزه است، خبرگزاری‌ها و محققان نیز ممکن است علاقه بیشتری به این پدیده داشته باشند. علاوه بر این در حال حاضر مردم به کانال‌های ارتباطی مختلفی دسترسی دارند و قادر هستند متولیان رسمی حکومتی را دور زده و با دیگرانی که با آنها همفکر هستند ارتباط برقرار کنند. نخبگان دیگر نمی‌توانند مانند ادوار پیشین اطلاعات را به راحتی کنترل کنند و این نشان می‌دهد که یافتن اخبار و اطلاعات مربوط به مردم عادی امروزه می‌تواند آسان‌تر باشد.

سوم اینکه بازار خشونت رو به کساد است. این امر با توجه به کاهش حمایت دولت [های خارجی] از گروه‌های مسلح، که تا حد زیادی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فروکش کرد، به طرز چشمگیری آشکار شده است. تغییر در موازنه جهانی قدرت عملاً به رقابت ایالات متحده و روسیه با یکدیگر از طریق تسلیح و تأمین مالی گروه‌های نیابتی پایان بخشید - سازوکاری رقابتی که به تقویت و تحریک ده‌ها گروه شورشی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در طول جنگ سرد منتهی شد.

چهارم اینکه در دوران پس از جنگ جهانی دوم تعداد قابل‌توجهی از مردم به حمایت از حقوق بشر، عدالت و محو خشونت اهمیت می‌دهند و توقع این پیشرفت‌ها را دارند. [۲] این تغییر هنجاری می‌تواند عاملی برای علاقه مردم بیشتری به مطالبه این حقوق و همچنین توجه بیشتر به مقاومت مدنی به عنوان راهی برای دفاع از این حقوق باشد. [۳] در زمان ما خطرات و مخاطرات مبارزه مسلحانه بسیار بیشتر از گذشته نمایان شده است. در عین حالی که تبعات وحشتناک جنگ برای همه قابل مشاهده است، جایگزین‌های واقع‌بینانه نیز به‌نحوی گسترده در دسترس هستند. سلینا گالو کروز استدلال می‌کند که دوره پس از جنگ سرد شاهد رشد سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بوده است - مانند مرکز بین‌المللی درگیری‌های غیرخشونت‌آمیز، بین‌المللی بدون خشونت، و مرکز مطالعات کاربردی اقدام بدون خشونت (کانواس)<sup>۲</sup> - که حضور آنها با افزایش مقاومت خشونت‌پرهیزانه در سراسر جهان همزمان شده است. [۴]

اما شاید نگران‌کننده‌تر دلیل در این میان این باشد که مردم در سراسر جهان ممکن است به این نتیجه رسیده باشند که بسیج توده‌ای علیه ظلم اکنون ضروری‌تر از هر

<sup>۱</sup> . Selina Gallo-Cruz

<sup>۲</sup> . Center for Applied Nonviolent Action Studies (CANVAS)

زمانی دیگری شده است. در طول دهه گذشته دولت‌های دموکراتیک بیشتر و بیشتری دچار تزلزل شده و به سمت استبداد فروغلتیده‌اند. [۵] در سال‌های اخیر پسرقت‌های دموکراتیک در لهستان، مجارستان، ترکیه، برزیل، مصر، هند و ایالات متحده جنبش‌های ضد استبدادی توده‌ای در این کشورها و بسیاری دیگر را برانگیخته است. با روی کار آمدن ترامپ بسیاری از مردم در ایالات متحده رفته‌رفته تئوری و دانش مقاومت مدنی را پذیرفته‌اند- و این بینش‌ها را در کشور خود به اجرا درآورده‌اند. چهار سال گذشته نشانگر سطوح بی‌سابقه‌ای از بسیج مدنی در ایالات متحده بوده است، از جمله جنبش دموکراسی خواهی که در صورتی که ترامپ در صورت شکست از جو بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ از ترک قدرت خودداری کند، آماده دفاع از دموکراسی به شیوه مقاومت توده‌ای بدون خشونت است [۶].

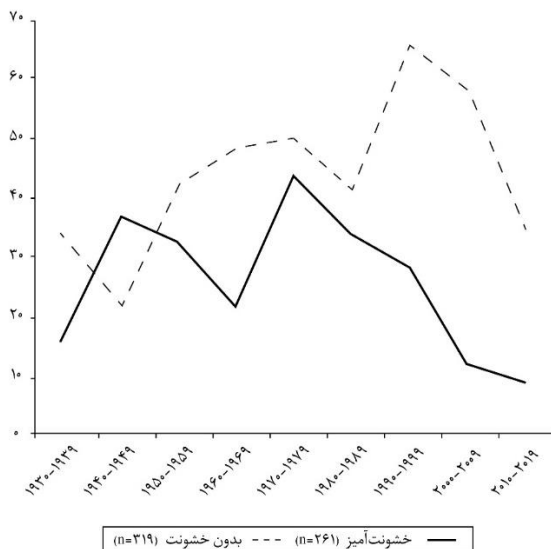
وضعیت متزلزل دموکراسی در سرتاسر جهان اعتماد عمومی به نهادهای مستقر را متزلزل کرده و این تردید را بوجود آورده است که آیا اساساً این نهادها مایل یا قادر به مدیریت چالش‌های فوری سیاست‌گذاری کنونی نظیر تغییرات اقلیمی، سلامت عمومی و افزایش نابرابری‌ها هستند یا خیر. در بسیاری از نقاط جهان جمعیت جوانان در حال افزایش است و فشار جمعیتی برای شغل، تحصیلات و فرصت‌های برابر روبه‌فزونی‌ست. تعداد بی‌سابقه‌ای از جوانان با تحصیلات عالی در برخی کشورها بیکار هستند. انتظارات عمومی آنها از عدالت اقتصادی و فرصت‌های اجتماعی از جانب اقتصادهایی که پس از بحران بزرگ اقتصادی سال ۲۰۰۸ ضعیف باقی مانده‌اند- به‌رغم افزایش ثروت یک درصد ممتاز جامعه- برآورده نشده است و این حتی پیش از آن است که همه‌گیری ویروس کرونا اقتصاد جهانی را ویران کند.

## آیا مقاومت مدنی با گذشت زمان تاثیرگذارتر می شود؟

ما هنوز پاسخ آن را نمی دانیم زیرا هیچ کس تا به حال اثربخشی مقاومت مدنی به عنوان یک تکنیک را در میان انواع جنبش های اجتماعی مختلف بررسی نکرده است. اما دست کم در میان جنبش های انقلابی، داده هایی برای مقایسه میزان موفقیت در طول زمان وجود دارد.

همانطور که در مقدمه اشاره کردم، بیش از ۵۰ درصد انقلاب های بدون خشونت از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹ موفقیت آمیز بوده اند. میزان موفقیت کمپین های انقلابی بدون خشونت از دهه ۱۹۶۰ تا حدود سال ۲۰۱۰ بر روی این میانگین نوسان داشته یا بهبود یافته است. با این حال در طول زمان تغییرات مهمی رخ داده است. کارزارهای مقاومت مدنی از نقطه ای پایین در دهه ۱۹۴۰، به طور پیوسته در هر دهه و تا حدود سال ۲۰۱۰ رو به افزایش بوده اند. اما از آن زمان نرخ موفقیت برای همه انقلاب ها کاهش یافته است، همانطور که شکل ۲-۵ نشان می دهد.

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۰۸



$p < .000$   
\*\*\* یا در نظر گرفتن کارزارهای جاری به عنوان شکست

شکل ۵-۲ نرخ موفقیت انقلاب‌ها در هر دهه، ۱۹۳۰-۲۰۱۹

در واقع کمتر از ۳۴ درصد انقلاب‌های بدون خشونت در دهه گذشته (۲۰۱۰-۲۰۲۰) موفقیت‌آمیز بوده‌اند، در حالی که این رقم برای انقلاب‌های خشونت‌آمیز کمتر از ۹ درصد بوده است. با این وجود مقاومت بدون خشونت همچنان با اختلافی سه برابری از مقاومت خشونت‌آمیز موفق‌تر بوده است. به عبارت دیگر مقاومت مدنی در مقایسه با جنگ یا درگیری داخلی، نرخ نسبی موفقیت خود را بهبود بخشیده است. روز به روز از میزان موفقیت رویارویی مسلحانه کاسته شده است؛ روندی نزولی که از دهه ۱۹۷۰ در

جریان بوده است. در این میان در دهه گذشته انقلاب‌های بدون خشونت نیز موفقیت کمتری داشته‌اند - تغییر شگفت‌انگیز و جدید در مقایسه با روند صعودی شصت سال گذشته.

بنابراین ده سال گذشته یک پارادوکس نگران‌کننده و مشکل‌آفرین را نشان می‌دهد: اگرچه مقاومت مدنی به رایج‌ترین رویکرد مبارزات انقلابی برای به چالش کشیدن رژیم‌ها تبدیل شده است، اما اثربخشی آن در کوتاه‌مدت کاهش یافته است.

## چرا اثربخشی کمپین‌های مقاومت مدنی پس از سال ۲۰۱۰ رو به کاهش گذاشته است؟

وسوسه‌انگیزترین توضیح برای کاهش اثربخشی انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز به تغییر ماهیت زمینه و بستر جهانی این کمپین‌ها اشاره دارد.

اول اینکه جنبش‌های حال حاضر احتمالاً با رژیم‌های دشوارتر و سرسخت‌تری مواجه هستند - رژیم‌هایی که با تقویت و حمایت از متحدان و حامیان داخلی، زندانی کردن اعضای برجسته اپوزیسیون، یا تحریک جنبش‌های مردمی به استفاده از خشونت، توانسته‌اند بر بحران‌های متعدّد داخلی غلبه کنند. برخی از این رژیم‌ها با انتشار شایعاتی مبنی بر اینکه معترضان از سوی توطئه‌گران خارجی یا امپریالیستی حمایت می‌شوند درصدد مشروعیت‌زدایی از آنها بوده‌اند؛ برخی دیگر نیز به حامیان قدرتمند بین‌المللی خود تکیه کرده‌اند تا از این طریق حمایت‌هایی دیپلماتیک و گاه نظامی برای رژیم‌های خود فراهم کنند. چندین رژیم - از جمله ایران، ونزوئلا، ترکیه، سوریه، بلاروس، هند، هنگ کنگ، چین و روسیه - به ویژه در برابر چالش‌هایی که از پایین جامعه ایجاد می‌شده، مقاوم و انعطاف‌پذیر نشان داده‌اند. شکی نیست که

فعالانی که در چنین زمینه‌هایی فعالیت می‌کنند با دشمنان سرسخت و ناسازگاری روبرو هستند.

علیرغم اینها، توضیح ارائه شده تنها با نگاه به گذشته معنا پیدا می‌کند. و پیش‌بینی اینکه کدام یک از این کشورها شاهد قیامی موفقیت‌آمیز در سرنگونی رژیم مستقر خواهند بود به ما کمکی نمی‌کند. بسیاری از دولت‌ها- مانند سودان- تا لحظه‌ای که یک جنبش توده‌ای سرانجام فوران کرد و به موفقیت رسید، در برابر رقبای داخلی مقاوم به نظر می‌رسیدند. پس از آن ناظران ادعا کردند که این رژیم‌ها ضعیف بودند و دیر یا زود فرو می‌پاشیدند. بسیاری از رژیم‌های خودکامه باثبات در طول تاریخ- مانند شیلی زمان پینوشه، آلمان شرقی در زمان هونکر، مصر مبارک و لهستان کمونیستی- در نهایت تسلیم جنبش‌های خشونت‌پرهیزی شدند که بسیج ماهرانه آنها اغلب سال‌ها طول می‌کشید تا شکل گرفته و به شکوفایی برسد.

دوم اینکه حکومت‌های معاصر ممکن است مشغول یادگیری و سازگاری با چالش‌های مبارزات بدون خشونت از پایین باشند. چندین دهه پیش، شروع ناگهانی یک قیام توده‌ای غیرخشونت‌آمیز برای بسیاری از رژیم‌های اقتدارگرا غافلگیرکننده به حساب می‌آمد و این رژیم‌ها می‌کوشیدند راه‌هایی بیابند که از آن طریق، بدون جسارت بخشیدن به شهروندان خود برای حمایت از این جنبش‌ها آنها را سرکوب کنند. در آن زمان دولت‌ها ممکن بود پتانسیل قدرت مردم برای ایجاد تهدیدهای مهم برای حکومت خود را دست کم بگیرند. امروزه اما به شکل گسترده‌ای این ادراک بوجود آمده است که کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز توده‌ای به واقع تهدیدکننده صاحبان قدرت موجود هستند. علاوه بر این مقاومت مدنی آنقدر فراگیر و متداول شده است که دولت‌ها در مقابل توانسته‌اند تمرین و آمادگی بیشتری برای توسعه و استانداردسازی رویکردهایی هوشمندانه‌تر در زمینه سرکوب داشته باشند- چیزی که بسیاری از محققان آن را



«سرکوب هوشمندانه»<sup>۱</sup> می‌نامند. [۷] یکی از استراتژی‌های شاخص سرکوب نفوذ به جنبش‌ها و ایجاد شکاف در درون آنهاست. با انجام این کار مقامات می‌توانند جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز را پیش از اینکه پایگاه گسترده‌ای از حمایت مردمی و نیز قدرت و استحکام لازم کسب کرده باشند به استفاده از تاکتیک‌های ستیزه‌جویانه‌تر از جمله خشونت تحریک کنند. تشدید رادیکال‌گرای خشونت می‌تواند متحدان و میانه‌روها را از پیوستن به جنبش منصرف کند و یا نظم روایی جنبش را پیچیده‌تر کند.

سوم اینکه مقاومت فزاینده داخلی و جهانی در برابر امپریالیسم مفروض ایالات متحده به عنوان ابرقدرتی که قصد دارد برند لیبرال دموکراسی خود را در خارج از کشور ترویج کند، این کشور را به به عقب‌نشینی از صحنه جهانی سوق داده است. این عقب‌نشینی احتمالاً در سال ۲۰۰۹ و پس از جنگ‌های فاجعه‌بار افغانستان و عراق آغاز شد؛ جنگ‌هایی که رویکرد دولت جورج. دبلیو بوش را برای مبارزه با تروریسم از طریق صدور نظام‌های انتخاباتی [لیبرال] از طریق تهاجم نظامی و ملت‌سازی<sup>۲</sup> را بی‌اعتبار نمود. اگرچه بسیاری به درستی از دستور کار دموکراسی خواهانه ایالات متحده به عنوان نوعی از نئوامپریالیسم انتقاد کرده‌اند، اما نظم بین‌المللی لیبرالی پس از جنگ جهانی دوم که از سوی ایالات متحده و سایر کشورهای پیشرو غربی ایجاد شده بود همزمان بود با گسترش رژیم‌های حقوق بشری که فضا را برای مخالفت‌های سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان باز می‌کردند. دانیل ریتزر<sup>۳</sup>، دانشمند علوم سیاسی، استدلال کرده است که در جهان پس از جنگ سرد رژیم‌های استبدادی به نحو فزاینده‌ای مستعد

<sup>۱</sup> . smart repression

<sup>۲</sup> nation building . فرایند تقویت عوامل مرکزگرا در میان گروه‌های مختلف فرهنگی و قومی کشور با هدف ایجاد و تقویت حس ملی‌گرایی اجتماعی به جای حس ملی‌گرایی قومی و مذهبی-م.

<sup>۳</sup> . Daniel Ritter

چالش‌های غیرخشونت‌آمیز از پایین جامعه بوده‌اند، چرا که این رژیم‌ها برای راضی نگه داشتن متحدان و حامیان دموکراتیک خود نیاز به حفظ [دست کم] ظاهری احترام به حقوق بشر داشته‌اند. [۸] برای مثال در مورد انقلاب ۲۰۱۱ در مصر، ارتش این کشور مجبور بود خود را با بررسی‌های دقیق و موشکافانه ایالات متحده [از اوضاع] که مصر به شدت به کمک‌های خارجی آن وابسته بود هماهنگ کرده و پاسخگوی آنها باشد. در سال‌های اخیر بدون اینکه ایالات متحده [همانند گذشته] دموکراسی لیبرال را به عنوان یک الگو در سرتاسر جهان پیش ببرد- و بدون قهرمانان قدرتمند حقوق بشری که با اهرم‌های واقعی یا ظرفیت‌های اجرایی خود بر رژیم‌های خودکامه فشار می‌آوردند- چنین رژیم‌هایی توانسته‌اند با وجود استفاده از وحشیگری‌ها و بی‌رحمی‌های بیشتر در قبال مخالفان بدون خشونت قسر در رفته و از زیر بار پاسخگویی شانه خالی کنند.

این استدلال تا اندازه‌ای معتبر است. اما سه مشکل کلیدی نیز دارد. اولاً این استدلال میزانی که ایالات متحده تا به حال قهرمان واقعی دموکراسی و حقوق بشر در سراسر جهان بوده است را بیش از حد برآورد می‌کند. در هر حال ایالات متحده سابقه‌ای طولانی در کمک به قدرت‌گیری دیکتاتورهای جناح راست پس از جنگ جهانی دوم داشته است- از جمله محمدرضا شاه پهلوی در ایران، ژنرال جوزف دزیره موبوتو<sup>۱</sup> در کنگو، ژنرال آگوستو پینوشه در شیلی و دیگرانی که از طریق کودتاهای مورد حمایت آمریکا به قدرت رسیدند.

دوم اینکه این استدلال میزان فشار مؤثر حامیان دموکراتیک به متحدان خودکامه خود را به منظور انجام خواسته‌هایشان در مورد بحران‌های سیاسی داخلی این کشورها بیش از اندازه واقعی برآورد می‌کند. برای مثال در جریان قیام‌های بهار عربی صدها هزار

---

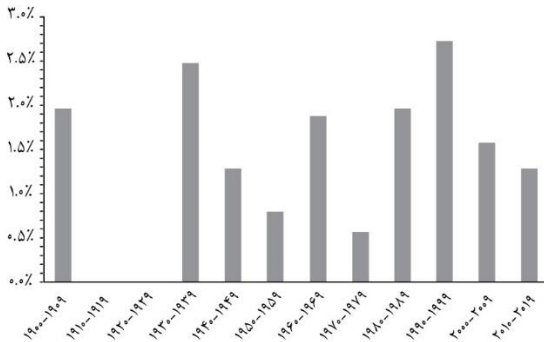
<sup>۱</sup> . General Joseph-Désiré Mobutu

نفر در سال ۲۰۱۱ علیه سلطنت خلیفه در بحرین تظاهرات کردند و خواستار دموکراسی شدند. اما باراک اوباما، رئیس جمهور ایالات متّحده، بیانه‌ای ملایم و ضعیف صادر کرد و معترضان را به حفظ صلح و آرامش تشویق کرد و دولت بحرین را به رعایت حقوق بشر فراخواند. این سخنان نصفه نیمه با فشار معناداری از سوی ایالات متّحده علیه دولت بحرین - یک متّحد نظامی مهم در منطقه - همراه نشد. ایالات متّحده بیش از همه نگران حفظ دسترسی به پایگاه‌های دریایی استراتژیک مهم خود در بحرین بود که از طریق توافق با سلطنت این کشور حفظ شده بود. درخواست اصلاحات یا کناره‌گیری دولت از سوی آمریکا باعث خشم سلطنت و تهدید این اتّحاد می‌شد.

سوم اینکه این استدلال از این واقعیت غفلت می‌کند که از نظر تاریخی کمپین‌های مقاومت مدنی بیش از آنکه به عملکرد و اقدامات دولت‌های دمدمی مزاج و متلّون خارجی متّکی باشند به توانایی خود در ایجاد و اعمال قدرت مؤثر از طریق مشارکت توده‌ای و ایجاد تمرد و رویگردانی در میان نیروهای امنیتی و نخبگان اقتصادی وابسته هستند [۹].

در آخرینکه محیط جهانی آنقدر تغییر نکرده است که کمپین‌های مقاومت مدنی با انواع جدیدی از مخالفان مواجه شده باشند. در مقابل، ادعای من این است که دلایل اصلی کاهش اثربخشی کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز به ویژگی‌های خود این کمپین‌ها مربوط می‌شود.

اول به یاد بیاورید که مهم‌ترین شاخص موفقیت مبارزات، بزرگی و اندازه کارزارها بود. در سال‌های اخیر کمپین‌های مقاومت مدنی به طور متوسط نسبت به آنچه در گذشته دیده‌ایم کوچک‌تر شده‌اند (شکل ۵-۳).



شکل ۵-۳ میانگین اوج مشارکت در انقلاب‌های بدون خشونت بر اساس دهه، ۱۹۰۰-۲۰۱۹

قانون ۳,۵٪ را که در فصل ۲ مورد بحث قرار دادیم، به خاطر دارید؟ از نظر تاریخی کمپین‌های دهه ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ در مقایسه با کارزارهای امروزی در نزدیکی به این درصد موفق‌تر بودند. در دهه ۱۹۸۰ میانگین اندازه کمپین‌های غیرخشونت آمیز، حدود ۲ درصد جمعیت یک کشور شامل میشد. در دهه ۱۹۹۰، این رقم به ۲/۷ درصد رسید. اما از سال ۲۰۱۰، میانگین اوج مشارکت مردمی به کمتر از ۱,۳ درصد کاهش یافته است. در این مدت یقیناً ما شاهد تظاهرات گسترده در سراسر جهان نیز بوده‌ایم. در ونزوئلا میلیون‌ها نفر در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ به برگزاری راهپیمایی و تظاهرات علیه رئیس جمهور، نیکلاس مادورو پرداختند. در ایالات متحده، راهپیمایی زنان در واشنگتن در سال ۲۰۱۷ بیش از چهار میلیون نفر را در سراسر کشور (حدود ۱,۸٪ از جمعیت ایالات

متحده) به خود جلب کرد. این رویدادها تصاویر دراماتیک و پوشش خبری گسترده‌ای را به همراه داشتند. اما در کمال تعجب این کمپین‌ها حتی در اوج خود نیز کوچکتر از جنبش‌های موفق اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بودند، که غالباً نسبت بزرگتری از جمعیت را بسیج می‌کردند. این تغییر تحوّلی حیاتی و تأثیرگذار بوده است، زیرا قیام‌های توده‌ای زمانی به احتمال زیاد موفق می‌شوند که نسبت‌های بزرگ‌تری از جمعیت کشور را در برگرفته و گوشه و کنار جمعیت کشور را شامل شوند.

تحول مرتبط و البته دور از ذهن و منسوخ دیگر این است که جنبش‌های معاصر اغلب تمایل دارند که بیش از حد بر تظاهرات توده‌ای تکیه کنند، بدون اینکه سایر تکنیک‌های عدم همکاری توده‌ای - مانند اعتصابات عمومی و نافرومانی مدنی توده‌ای - را سازماندهی کرده و توسعه ببخشند؛ تکنیک‌هایی که روش‌های قوی‌تری برای تحمیل فشار بر حیات اقتصادی و سیاسی جامعه هستند.

تظاهرات و اعتراضات عمومی چیز نیست که بسیاری از مردم آن را با مقاومت مدنی مرتبط می‌دانند و بسیاری از جوامع را پیش از ایجاد ائتلاف‌های گسترده یا راهبردی در جهت دگرگونی واقعی به شکل‌دهی و بسیج و این رویدادها سوق می‌دهند. سازماندهی و ابتکار عمل در اعتراضات ممکن است در کوتاه‌مدت آسان‌تر باشد، زیرا جمع‌آوری انبوهی از مردم به منظور مشارکت در اعتراضات در عصر دیجیتال همیشه به یک زیرساخت ائتلافی بزرگ با برنامه‌ریزی و ارتباطات پیشرفته نیاز ندارد. اما روش‌هایی مانند تظاهرات گسترده همواره مؤثرترین روش در اعمال فشار بر نخبگان نیستند، به ویژه اگر در طول زمان نیز چندان پایدار نباشند. سایر تکنیک‌های عدم همکاری مانند اعتصاب‌های عمومی و خانه‌نشینی می‌توانند تأثیر مخرب‌تری بر زندگی اقتصادی داشته باشند و بنابراین اغلب امتیازات فوری‌تری را [برای جنبش] به همراه داشته باشند. [۱۰] برنامه‌ریزی و سازماندهی آرام و مخفیانه به جنبش‌ها این توانایی را

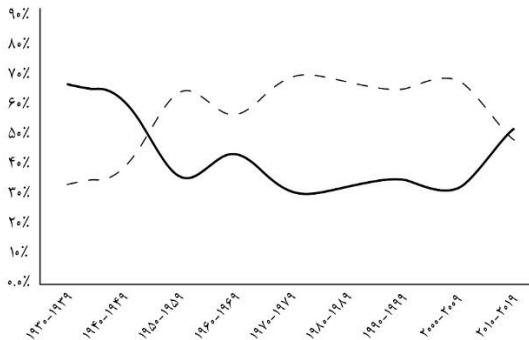
می‌دهد که در درازمدت قدرتمندانه دست به بسیج زده و تاکتیک‌های مختلف را در جهت ایجاد مشارکت، اهرم فشار و قدرت هماهنگ کرده و در پی یکدیگر عملیاتی کنند. با تمرکز بسیاری از جنبش‌های معاصر بر استراتژی‌های مقاومت بدون رهبر چنین ظرفیت‌هایی ممکن است دور از دسترس قرار گرفته و در نهایت شانس موفقیت جنبش‌ها کاهش یابد.

اِنگا به تظاهرات و راهپیمایی‌های عمومی می‌تواند به عامل مهم سومی نیز مرتبط باشد. جنبش‌های معاصر به طور فزاینده‌ای بر کنشگری و سازمان‌دهی دیجیتال-به‌ویژه از طریق رسانه‌های اجتماعی- تکیه کرده‌اند که البته دارای نقاط قوت و مشکلات خاص خودش است. از یک طرف، کنشگری دیجیتال باعث می‌شود که جنبش‌های امروزی در جمع‌آوری حجم انبوهی از مردم در کوتاه‌مدت بسیار خوب عمل کنند. این شیوه به مردم اجازه می‌دهد تا شکایات و نگرانی‌های خود را به شکلی گسترده به اشتراک بگذارند، به هزاران یا حتی میلیون‌ها نفر دسترسی پیدا کنند، و همزمان مجموعه‌ای از ابزار و اسناد پیام‌رسانی را برای تقویت نظم روایی جنبش، ترویج شعارها و تصاویر جنبش و ایجاد محتوایی فراگیر و پربازدید بوجود بیاورند. سازمان‌دهی دیجیتالی مردم را قادر می‌سازد تا از طریق رسانه‌هایی که توسط نهادهای اصلی یا دولت‌ها کنترل نمی‌شوند به برقراری ارتباط پرداخته و دست به سازماندهی بزنند و به افراد درون جنبش‌ها نیز اجازه می‌دهد تا داستان‌های شخصی خود را بازگو کنند. با اینحال جنبش‌هایی که بر پلتفرم‌های دیجیتالی متکی هستند ممکن است برای هدایت و کانالیزه کردن حجم عظیم مردم به سمت سازمان‌های مؤثری که بتوانند برنامه‌ریزی کنند، مذاکره کنند، اهدافی مشترک بر مبنای پیروزی‌های گذشته بنا کنند و توانایی خود را در ایجاد اختلال در رژیم حفظ کنند، کمتر از هم‌تایان غیر دیجیتالی خود مجهز باشند. علاوه بر این بخش تاریک ارتباط آسان‌تر از طریق اینترنت، نظارت و پایش

آسان تر و بسیج مقابله‌ای آسان تر [از سوی دولت] است. صاحبان قدرت می‌توانند از فناوری‌های دیجیتال برای نظارت، جداسازی و سرکوب مخالفان استفاده کنند یا به سادگی در ارتباطات [اینترنتی] اختلال ایجاد کرده و روایت‌های جنبش را به چالش بکشند. خودکامگان به طور فزاینده‌ای از فناوری‌های دیجیتال برای انتشار اطلاعات نادرست، تبلیغات و پیام‌هایی در مخالفت با جنبش‌ها سوءاستفاده می‌کنند و همزمان از حامیان وفادار خود نیز می‌خواهند که به نمایندگی از صاحبان قدرت دست به تجمع بزنند.

دیگر اینکه جنبش‌های مقاومت مدنی معاصر به این دلیل ممکن است کمتر از گذشته مؤثر باشند که به نحو فزاینده‌ای گروه‌های حاشیه‌ای خشونت طلب را بیش از گذشته در خود جای داده و تحمّل می‌کنند (شکل ۵-۴). همانطور که در فصل ۳ دیدیم، خشونت حاشیه‌ای می‌تواند بسیاری از حمایت‌هایی را که جنبش‌ها برای موفقیت به آنها نیاز دارند، از جمله مشارکت متنوع و توانایی دامن‌زدن به تمرد و رویگردانی را تضعیف کند.

حتی زمانی که اکثریت قریب به اتفاق کنشگران بی‌خشونت هستند، جنبش‌های مدنی که کمی خشونت به اقدامات خود می‌افزایند - از جمله درگیری خیابانی با پلیس یا نیروهای ضد شورش - نسبت به جنبش‌هایی که در طرد خشونت ثابت قدم می‌مانند، موفقیت کمتری دارند. [۱۱] دلیل آن نیز این است که دولت‌ها غالباً تمایل دارند سرکوب بی‌رویه شرکت‌کنندگان و هواداران جنبش را افزایش دهند، بدون اینکه به جنبش اجازه دهند شرکت‌کنندگان خود را قربانیان بی‌گناه این خشونت معرفی کنند.



شکل ۴-۵ — بدون خشونت با جناح‌های خشونت‌آمیز (n=۱۳۵) --- بدون خشونت بدون جناح‌های خشونت‌آمیز (n=۱۸۶)

شکل ۴-۵ انقلاب‌های بدون خشونت با و بدون جناح‌های خشونت‌آمیز بر اساس دهه، ۱۹۳۰-۲۰۱۹ (n = ۳۲۱)

رژیم‌های مستقر می‌توانند درگیری‌های خشونت‌آمیز را به عنوان تهدیدی برای نظم عمومی به تصویر بکشند. در واقع همانطور که در فصل ۳ دیدیم، دولت‌ها اغلب در جنبش‌ها نفوذ کرده تا آنها را به اتخاذ خشونت حاشیه‌ای تحریک کنند و از این طریق بتوانند تاکتیک‌های سنگین خود برای سرکوب جنبش‌ها را توجیه کنند. آنچه که صاحبان قدرت به واقع از آن می‌هراسند، قیام غیرخشونت‌آمیز و انعطاف‌پذیر مردمی از پایین جامعه است - بسیج توده‌ای که این دروغ که قدرت آنها شکست‌ناپذیر است را برملا کرده و شکنندگی وفاداری حامیان آنها را آشکار می‌کند.



در نهایت اینکه کاهش اثربخشی انقلاب‌ها ممکن است تا حدودی ناشی از توسعه تکنیک‌های پیچیده‌تر سرکوب از سوی دولت‌ها باشد. شاید رهبران اقتدارگرا در دهه گذشته با مشاهده غیرقابل اعتماد بودن اجبار زور وحشیانه در ایجاد اخلال در کمپین‌های مقاومت مدنی، نقشه‌ها و برنامه‌های هوشمندتری را طراحی کرده‌اند تا از آن طریق رقبای داخلی خود را سرکوب کنند- از جمله سازمان‌های غیردولتی، رهبران مخالف، کمپین‌های اصلاح‌طلب و انقلاب‌ها.

### سرکوب هوشمند چیست و جنبش‌ها چگونه می‌توانند با آن سازگار شوند؟

«سرکوب هوشمند» مجموعه‌ای از تاکتیک‌های قهری ست که دولت‌ها برای سرکوب مخالفان استفاده می‌کنند، بدون اینکه مکانیسم واپس‌زنی یا نتیجه معکوس را فعال کنند. [۱۲] همانطور که در فصل ۴ بحث کردیم، «نتیجه معکوس / واپس‌زنی» فرآیندیست که طی آن مردم سرکوب دولتی را از نظر اخلاقی ظالمانه می‌بینند و حمایت‌های خود را به سوی جنبش مقاومت سرازیر می‌کنند [۱۳].

دولت‌ها برای جلوگیری از فعال شدن مکانیسم واپس‌زنی تکنیک‌های سرکوب ویژه‌ای را بوجود آورده‌اند که از آن طریق جنبش‌ها را در چشم مردم نامشروع نموده و از اعتبار بیاندازند و بدین ترتیب ظرفیت جنبش را به منظور بسیج پایگاه بزرگتری از حامیان، ایجاد تمرد و رویگردانی [در میان ستون‌های حمایتی نظام]، حفظ نظم و انضباط و حفظ ظرفیت لازم برای برنامه‌ریزی و خلق استراتژی کاهش دهند. در این راستا بسیاری از رژیم‌ها تاکتیک‌های سرکوب هوشمندانه را اتخاذ کرده‌اند و به نظر می‌رسد که از دستور کار عمومی یکسانی نیز پیروی می‌کنند. بیایید به عناصر کلیدی آن نگاهی بیاندازیم.

اول اینکه رهبرانی که تحت فشار [جامعه] قرار دارند سعی می‌کنند بیگانگان و خارجی‌ها را مقصر مشکلات سیاسی کشور خود بدانند. ولادیمیر پوتین مکرراً و بر حسب عادت دولت‌های غربی را عامل تحریک عمده نارضایتی‌های داخلی می‌داند که تهدیدی برای سلطه‌وی بر قدرت داخلی و نیز کشورهای حوزه نفوذ اوست. به همین ترتیب رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه نیز هنگامی که در تابستان ۲۰۱۳ با اعتراضات پارک گزی مواجه شد، سریعاً بیگانگان را مسئول ناآرامی‌ها دانست و به توطئه‌ای بین‌المللی علیه منافع ترکیه اشاره کرد. دولت نیکلاس مادورو در ونزوئلا با استناد به شواهدی مبنی بر توطئه دولت ایالات متحده در جهت حمایت از کودتا علیه دولت وی با اخراج دیپلمات‌های آمریکایی به اعتراضات این کشور در سال ۲۰۱۹ پاسخ داد.

رویکرد روایی دومی که در ارتباط با این استراتژی وجود دارد عبارت است از تلاش در جهت برچسب زدن به مخالفان داخلی به عنوان تروریست، خائن، یا کودتاچی. [۱۴] در سوریه ۲۰۱۱، بشار اسد مکرراً تظاهرکنندگان مسالمت‌جو را «تروریست» خطاب می‌کرد تا پیش از شروع جنگ داخلی سوریه در اواخر ۲۰۱۱ به ترس از خشونت و اختلافات فرقه‌ای در جامعه دامن بزند. در سال ۲۰۱۴ یک وب‌سایت روسی به نام «Traitor.net» کاربران را تشویق کرد تا «یک خائن را معرفی کنند» و اسامی افرادی که تصور می‌شد مخالف رژیم پوتین هستند را فهرست کرد. [۱۵] در ترکیه اردوغان از تظاهرکنندگان پارک‌گزی در سال ۲۰۱۳ به عنوان گروه‌های «افراطی» چپ یاد کرد و چندین معترض را طبق قوانین سختگیرانه ضدتروریسم ترکیه تحت پیگرد قانونی قرار داد. در ایالات متحده، دونالد ترامپ افشاگران تخلفات دولتی را اعضای یک «دولت پنهان یا مافیای قدرت» توطئه‌گر خطاب کرد و معترضان مسالمت‌جویی را که خواستار عدالت در

مواجهه با خشونت پلیس بودند «چپ‌های رادیکال» و «حرفه‌ای‌های اجیرشده» نامید تا از این طریق شکایات و اعتراضات آنها را بی‌اعتبار سازد.

سوم اینکه رژیم‌های مستبد تلاش کرده‌اند تا با انجام برخی اصلاحات قانونی، مانند اجازه به گروه‌های اپوزیسیون برای رقابت در انتخابات یا انتصاب برخی از رهبران مخالف در پست‌های حکومتی، حمایت و همکاری آنها را بدست آورند. [۱۶] ایجاد شکاف و جداسازی رقبای رژیم به گروه‌هایی متفترق و عمدتاً ناکارآمد، همانطور که در بلاروس، آذربایجان، ازبکستان و دیگر کشورها اتفاق افتاده است، به رژیم‌ها اجازه می‌دهد تا تفرقه انداخته و حکومت کنند و در عین حال مراقب رقبای ماهر و زبده خود نیز باشند [۱۷].

در برخی موارد رهبران اقتدارگرا می‌کوشند با پرداخت رشوه و باج سبیل به اعضای حلقه درونی خود- یا تنبیه و مجازات آنها- از خود در برابر بحران‌های داخلی محافظت کنند. همانطور که در فصل ۲ آموختیم اکثر جنبش‌های قدرت مردمی به این دلیل در مبارزات خود به پیروزی می‌رسند که نخبگان سیاسی کلیدی، نیروهای امنیتی، نخبگان اقتصادی، نخبگان تجاری، بوروکرات‌های غیرنظامی و دیگر کارگزاران رژیم به این نتیجه می‌رسند که ادامه حمایت از رهبر اقتدارگرا دیگر به نفع شخصی آنها نیست و در نتیجه عملاً از ادامه همکاری با رژیم امتناع می‌کنند. از این رو از منظر یک رهبر اقتدارگرا، نکته کلیدی این است که سبیل وفاداران به خوبی چرب شود و متمرّدین و خائنین آشکارا مجازات شوند. [۱۸] این نکته می‌تواند به خوبی توضیح دهد که چرا کشورهای نفت خیز کمتر مستعد چنین قیام‌هایی هستند؛ ذخایر بزرگ ثروت ملی آنها این امکان را می‌دهد که به شیوه‌ای مؤثر، نخبگان رژیم را در مواقع بحران تطمیع کرده و بدین ترتیب خود را تا حد زیادی در برابر این احتمال که این نخبگان منفعت بیشتر را در رویگردانی یا تمرّد ببینند ایمن کنند. [۱۹] این نکته همچنین توضیح می‌دهد که چرا

رئیس‌جمهور ترامپ افشاگران، دموکرات‌ها و برخی از سناتورهای جمهوری خواه مانند میت رامنی<sup>۱</sup> را به دلیل شهادت‌شان در مخالفت با روایت او مبنی بر اینکه استیضاحش در سال ۲۰۱۹ مبتنی بر یک «فریب» بوده است، تخریب و بدنام کرد.

یکی دیگر از روش‌های رایج، بسیج متقابل حامیان از سوی حکومت‌های خودکامه از طریق پرداخت پول به حامیان برای برگزاری رژه‌های میهن‌پرستانه، برپایی قرارگاه‌ها یا خیمه‌ها و راه‌اندازی راهپیمایی‌ها در طرفداری از حکومت است.<sup>[۲۰]</sup> این شیوه مرسوم بود که بشار اسد در روزهای اولیه قیام سوریه از آن استفاده کرد و در جریان آن ده‌ها هزار تظاهرکننده طرفدار دولت در دمشق گرد هم آمدند تا ادعای مشروعیت رژیم را تقویت کنند. چنین تلاش‌هایی اغلب در قالب سازمان‌های شبه مدنی<sup>۲</sup>، مانند جنبش جوانان ناشی (ما)<sup>۳</sup> در روسیه انجام می‌شود. هوگو چاوز نیز در دوران حکمرانی سازمان‌های محلی مردمی طرفدار دولت، یا به اصطلاح حلقه‌های بولیواری<sup>۴</sup> را در محله‌های فقیرنشین ونزوئلا تأسیس کرد.<sup>[۲۱]</sup> ویدمن و رود<sup>۵</sup> دریافته‌اند که در رژیم‌های اقتدارگرایی معاصر از هر هفت کارزار اعتراضی یک کارزار در طرفداری از رژیم است.<sup>[۲۲]</sup> برخی از رهبران خودکامه نیز ممکن است سازمان‌های غیردولتی حکومتی<sup>۶</sup> ایجاد کرده و از این طریق پروپاگانداي دولت را اشاعه داده و تقویت کنند.

---

<sup>۱</sup> Mitt Romney . از مهمترین و باسابقه‌ترین سناتورهای جمهوری خواه که در انتخابات سال ۲۰۱۲ آمریکا به عنوان کاندیدای نهایی جمهوری خواهان به رقابت با باراک اوباما پرداخت اما در نهایت از وی شکست خورد.

<sup>۲</sup> pseudo-civil society organizations

<sup>۳</sup> youth movement Nashi

<sup>۴</sup> Bolivarian Circles

<sup>۵</sup> Weidmann and Røed

<sup>۶</sup> GONGOS

در بسیاری از کشورها رهبران اقتدارگرا متهم به این هستند که پلیس‌های لباس شخصی را به عنوان عوامل تحریک‌کننده به میان جمعیت معترض فرستاده تا از این طریق به خشونت علیه مقامات دامن زده و باعث ایجاد آشفتگی و اغتشاش در تظاهرات مسالمت‌آمیز موجود شوند. [۲۳] چنین اقداماتی اساساً جنبش را گرفتار تمامی عواقب و پیامدهای هرج و مرج و اغتشاشات واقعی کرده و به رژیم اجازه می‌دهد سرکوب‌های گسترده‌تر خود را از این طریق توجیه کند و علاوه بر آن به تبلیغات رژیم که معترضان را افراط‌گرایانی خشونت‌طلب می‌داند اعتبار می‌بخشد و در نهایت مشارکت مردمی در کارزار را نیز کاهش می‌دهد. شناسایی چنین روش‌هایی کاری فوق‌العاده دشوار است، چرا که اغلب تشخیص تحریک‌کنندگان از معترضانی که ممکن است تحت تأثیر شرایط دست به خشونت بزنند کار دشوار است. همانطور که در فصل ۳ دیدیم دولت ایالات متحده در گذشته از این تکنیک‌ها برای برهم‌زدن و تضعیف شهرت و اعتبار جنبش‌های دست‌چپی به ویژه در میان سازمان‌های تحت‌رهبری سیاهان استفاده کرده است.

از آنجایی که این نگرانی برای رژیم‌های خودکامه وجود دارد که نیروهای امنیتی عادی‌شان ممکن است در مواردی از اجرای دستورات سرکوب پیروی نکنند، بسیاری از آنها بدترین سوءرفتارها و اقدامات مجرمانه خود را از طریق بسیج نیروهای متعصب خودسر و باندهای مسلح برای سرکوب و آزار معترضان انجام می‌دهند. در سوریه زمانی که مشخص شد ارتش اسد به شکلی یک‌دست مایل به سرکوب فعالان غیرمسلح نیست، وی باندهای مسلح یا به اصطلاح شبیحه<sup>۱</sup> را برای دستگیری، ضرب و شتم یا

---

۱. shabiha

کشتن رهبران مخالف گسیل کرد. ویکتور یانوکویچ<sup>۱</sup>، دیکتاتور اوکراین نیز روشی مشابه را در پاسخ به مخالفت‌های سیاسی سال ۲۰۱۴ این کشور به کار بست و با تکیه بر افسران پلیس لباس شخصی و گروه‌های طرفدار دولت به ارباب، ضرب و شتم و قتل فعالان و معترضین پرداخت. از جمله در یک مورد افراطی که در آن یک فعال اوکراینی ربوده شده و به صلیب کشیده شد. حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر نیز زمانی که در سال ۲۰۱۱ پی برد که برخی از واحدهای ارتش همانند سایرین به وی وفادار نیستند، گروهی از شبه‌نظامیان مسلح سوار بر شتر را برای روبیدن اردوگاه‌های مردمی که در میدان التحریر برپا شده بود گسیل کرد. چنین روش‌هایی به رژیم‌ها قابلیت انکار و ردّ اتهامات مبنی بر سرکوب مردمی را می‌دهد و در عین حال تضمین می‌کند که کسانی که اقدام به خشونت و تعزّض به معترضان می‌کنند مجریانی مشتاق و علاقه‌مند هستند. در برخی موارد نیز رژیم‌ها به نیروهای خارجی [در امر سرکوب] تکیه می‌کنند - مانند نیروهای سعودی در بحرین یا نیروهای سپاه پاسداران ایران در سوریه - تا از احتمال همدردی و جانبداری نیروهای سرکوبگر با معترضان جلوگیری کنند.

بسیاری از رژیم‌های مستبد در هنر سانسور، قلب واقعیت و نظارت به درجه‌استادی رسیده‌اند. چین بارزترین نمونه است، جایی که دولت حجم قابل توجهی از اخبار و اطلاعات خارجی را سانسور می‌کند و همزمان تکیه خود را بر سرورهای تحت کنترل دولتی برای کنترل و هدایت ارتباطات در مسیر دلخواه خود در سراسر کشور قرار داده است. [۲۴] دولت چین علاوه بر این به وبلاگ‌نویسان وفادار و اینفلوئنسرهای رسانه‌های اجتماعی برای نوشتن پست و ارسال نظرات در وب‌سایت‌های انتقادی پول می‌دهد و به نحو مؤثری تمامی این سایت‌ها را با مقادیر انبوهی از پروپاگاندا در حمایت

---

<sup>۱</sup> . Viktor Yanukovich

دولت غرق می‌کند. در سودان سال ۲۰۱۱ دولت عمر البشیر به شیوه‌ای استراتژیک از رسانه‌های اجتماعی برای کنترل و فریب فعالان و مخالفان استفاده کرد- در یک نمونه موفق شد معترضان را که برای شرکت در تظاهرات ساختگی رژیم ثبت نام کرده بودند، به دام بیاورد. [۲۵] روسیه، ایران و چین با رهگیری ارتباطات اینترنتی و تلفن‌های همراه، فعالان و معترضین را پیش از شروع اعتراضات برنامه‌ریزی شده به سرعت دستگیر می‌کنند.

در این میان رژیم‌های اقتدارگرا می‌کوشند تا خبرنگاران خارجی را از کشور دور نگه دارند و آزادی مطبوعات داخلی را سرکوب کنند و عملاً گزارش‌های مستقل از امور داخلی را در نطفه خفه کنند. حذف و نابودی شاهدان احتمالی روحیه فعه‌الان را کاهش می‌دهد، چرا که در این صورت ممکن است اقدام در یک محیط بسته و ایزوله اطلاعاتی را بیهوده بدانند. این امر همچنین ممکن است نیروهای امنیتی را تشویق کند تا سطوح بالاتری از سوء رفتار را [در قبال معترضین] به کار ببندند، چرا که در چنین شرایطی احساس می‌کنند که می‌توانند بدون مجازات مرتکب خشونت شوند. رژیم‌هایی نظیر مصر، روسیه و زیمبابوه ناظران بین‌المللی را از نظارت بر انتخابات خود منع کرده‌اند. [۲۶]

در بسیاری از موارد دولت‌های اقتدارگرا از قوانین و شیوه‌های شبه مشروع و ساختگی برای تقویت قدرت خود استفاده می‌کنند. به عنوان مثال در روسیه، مقامات این کشور دفاتر حقوق بشر را به اتهام [واهی] استفاده از نرم‌افزارهایی بدون اجازه ناشر یا عدم کسب نمرة قبولی در بازرسی‌های بهداشتی تعطیل کرده‌اند. در چین دولت جاده‌هایی را که معترضان ممکن است در آنها راهپیمایی کنند برای به اصطلاح انجام «تعمیرات» بسته است. پس از قیام ۲۰۱۱ در مصر، دولت انتقالی نوزده سازمان غیردولتی غربی را به بهانه «تلاش» برای براندازی از کشور اخراج کرد. چندین سال پیش نیز، عالی‌ترین دادگاه

روسیه قانونی را به عنوان ماده‌ای از قانون اساسی کشور اعلام کرد که طبق آن سازمان‌های غیردولتی که از نهادهای خارجی کمک مالی دریافت می‌کنند باید به عنوان «عوامل خارجی» تعیین شده و میزان استقلال و دامنه فعالیت‌هایی که مجاز به انجام آنها هستند، محدود شود. دولت روسیه همچنین بنیادها و مؤسسات بزرگ غربی را که از سازمان‌های واقعی طرفدار دموکراسی و حقوق بشر در این کشور حمایت می‌کردند بیرون راند و فضای فعالیت جامعه مدنی را بیش از پیش کاهش داد. علاوه بر این روسیه، ونزوئلا، ایران و قزاقستان قوانین انتخاباتی را به نفع مقامات و سیاستمداران در قدرت اصلاح کرده‌اند یا رقابت و یا حتی شرکت در انتخابات را برای رهبران مخالف عملاً غیرممکن نموده‌اند [۲۷].

سرانجام اینکه رهبران اقتدارگرا ائتلافی از متحدان همفکر را تشکیل داده و اطلاعات خود در مورد نحوه سرکوب مخالفان را با یکدیگر اشتراک می‌گذارند. در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ دولت چین فتاوری مسدودسازی و فیلترینگ اینترنت را در اختیار دولت‌های بلاروس و ترکمنستان قرار داد تا از این طریق از ورود اطلاعات از خارج به آن کشورها جلوگیری کند. [۲۸] چین و روسیه پیش از انقلاب شکست‌خورده زعفران<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۷ در برمه، قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در مورد این کشور را وتو کردند. از ۱۹۸۹ به این سو این اولین باری بود که هر دو کشور همراه باهم قطعنامه‌ای را وتو می‌کردند. چین و روسیه از آن زمان به طور مداوم برخی قطعنامه‌ها را وتو کرده و قطعنامه‌هایی را که به نظرشان تضعیف حاکمیت سودان، کوزوو و سوریه می‌آمده ملغی کرده‌اند. علاوه بر این سازمان همکاری شانگهای<sup>۲</sup>، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع<sup>۳</sup> و

---

۱. Saffron Revolution

۲. Shanghai Cooperation Organization

۳. Commonwealth of Independent States



اتحادیه آفریقا<sup>۱</sup>، گروه‌های «مستقل» خود را در جهت نظارت بر انتخابات ایجاد کرده‌اند تا مهر تأیید خود را بر انتخاباتی که عموماً تصور می‌شود با تقلب همراه است بگذارند و برای محدود کردن استقلال هیئت‌های ناظر بین‌المللی انتخابات بکوشند، به گونه‌ای که دولت‌های میزبان کنترل بیشتری بر روند نظارت بر انتخابات داشته باشند. [۲۹]

بنابراین روشن است که این دولت‌ها نه تنها راه‌های مؤثر برای از بین بردن جنبش‌های مخالف را آموخته‌اند، بلکه در انجام این کار با یکدیگر همکاری نیز می‌کنند. حتی بدون لزوم همکاری مستقیم با یکدیگر نیز رهبران با گرایش‌های اقتدارگرا در سراسر جهان - مانند رودریگو دوترته<sup>۲</sup> در فیلیپین، نارندرا مودی در هند، ژایر بولسونارو<sup>۳</sup> در برزیل و دونالد ترامپ در ایالات متحده - تمامی این شیوه‌ها در برخورد با مخالفان داخلی خود را از روی دست یکدیگر کپی می‌کنند [۳۰].

اگر نگران این هستید که دفترچه راهنمای سرکوب هوشمند به دست افراد اشتباه بیفتد دیگر خیلی دیر شده است. کار از کار گذشته است. اکنون همه چیز به نوآوری و راهبردهای خلاقانه جدید از سوی جنبش‌ها بستگی دارد تا زمانی که خود را با تاکتیک‌های این دفترچه روبرو می‌بینند بتوانند خود را تطبیق داده و به نحو مؤثری به آنها پاسخ دهند.

با توجه به پیشرفت‌های اخیر در دفترچه راهنمای اقتدارگرایی، آیا اساساً مقاومت مدنی آینده‌ای در به چالش کشیدن قدرت تثبیت شده و ریشه‌دار رژیم‌های استبدادی دارد؟

<sup>۱</sup> . African Union

<sup>۲</sup> . Rodrigo Duterte

<sup>۳</sup> . Jair Bolsonaro

دفترچه راهنمای اقتدارگرایی که توضیح آن رفت بسیار مهیب و ترسناک است. اما دست‌کم چهار دلیل برای خوش‌بینی محتاطانه در این زمینه وجود دارد.

اولاً هیچ‌یک از اقدامات موجود در دفترچه بدون نقص و کامل نیست. به عنوان مثال از اواسط تا اواخر دهه ۲۰۰۰ دولت مصر در تلاش برای محافظت از رژیم در برابر رقبا و معترضین داخلی درگیر گفتگوهایی دوجانبه با روسیه، چین و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس شد. عمر البشیر نیز در سودان در برابر چالش‌های متعددی که از درون جامعه قدرت‌ش را تهدید می‌کرد، ایستادگی کرده بود و از شکاف‌های قومی و شیخ‌نسل‌کشی برای حفظ سیطره چندین دهه‌ای خود بر قدرت استفاده می‌کرد. با این حال جنبش‌های قدرت‌مردمی حسنی مبارک در مصر و عمر البشیر در سودان را - دو مردی که خیلی‌ها فکر می‌کردند در قدرت خواهند مرد - به زیر کشیدند، همانطور که در دهه‌های قبل در فیلیپین، ایران، لهستان و صربستان چنین کرده بودند.

دوم اینکه تحقیقات نشان می‌دهد که سرکوب عمومی لزوماً بازدارنده‌ای قابل‌اعتماد و مطمئن در مقابل اقدامات جمعی نیست. بسیاری از مبارزات بدون خشونت انقلابی در طول تاریخ در رژیم‌های استبدادی ظهور کرده‌اند که جامعه مدنی بسیار ضعیف و کوچکی در آنها وجود داشته است. [۳۱] حتی در مواردی که دولت‌ها از سرکوب خشونت‌آمیز علیه کمپین‌های مقاومت مدنی استفاده می‌کردند، این کمپین‌ها همچنان بیش از دو برابر شورش‌های مسلحانه‌ای که با سرکوب مواجه بوده‌اند به موفقیت رسیده‌اند. در واقع همانطور که در فصل‌های ۲ و ۴ دیدیم، به نظر می‌رسد دوره‌های سرکوبی که توجه همگان را به خود جلب می‌کنند، گاهی اوقات دقیقاً جرقه‌هایی هستند که ظاهراً این قیام‌های توده‌ای را از ناکجاآباد آغاز می‌کنند. بسیج

مردم مصر در سال ۲۰۱۱ بر سر قتل خالد سعید<sup>۱</sup> نمونه‌ای از این موارد است. گسترش سریع تظاهرات در سودان در دسامبر ۲۰۱۸ در پاسخ به قتل بی‌ملاحظه معترضان سودانی که به قیمت بالای نان اعتراض داشتند نیز به همین ترتیب بود.

سوم اینکه در بسیاری از نقاط جهان، نشانه‌هایی از قدرت مردم بدون اهمیت به استفاده دولت‌ها از تاکتیک‌های سرکوب هوشمند وجود دارد. در نوامبر ۲۰۲۰، آمریکایی‌ها پیشنهاد ترامپ برای برگزاری مجدد انتخابات را با مشارکت بی‌سابقه رأی‌دهندگان رد کردند و در ادامه با برگزاری اعتراضات، تظاهرات، تجمعات و جشن‌های خیابانی از نتایج انتخابات حراست کردند و مانع از خشونت و آزار و اذیت علیه کارکنان حوزه‌های رأی‌گیری شدند. سازمان‌دهندگان و فعالان مدنی در حمایت از مقامات انتخاباتی محلی و ایالتی در میشیگان، پنسیلوانیا، ویسکانسین، آریزونا و جورجیا گرد هم آمدند تا در برابر قلدری شدید ترامپ مقاومت کرده و بایدن را به عنوان برنده انتخابات تأیید کنند. تظاهرات مردمی همچنان در لهستان، هند، برزیل، تایلند، اسرائیل و دیگر کشورها در جریان است و این امید هست که فشار مردمی مانع از سرکوب بیشتر دولت‌های راست افراطی علیه جامعه مدنی و گروه‌های حاشیه‌ای جامعه شود. دولت مرکزی چین آشکارا نگران افزایش اعتراضات محلی در سراسر کشور از جمله در هنگ کنگ است. و حتی در روسیه نیز مخالفت آشکار با ولادیمیر پوتین از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ با درجات بالاتری نسبت به سایر دوره‌های فرمانروایی وی رخ داده

---

<sup>۱</sup> . خالد سعید، جوان ۲۸ ساله مصری که در ژوئن ۲۰۱۰ بر اثر شدت شکنجه و ضرب و شتم نیروهای پلیس مصر در بازداشت جان سپرد. اتهام وی پخش فیلمی در اینترنت مبنی بر فساد پلیس این کشور بود. عکس‌های جسد از شکل افتاده او در اینترنت و انجمن‌های آنلاین مصر منتشر شد و خشم عمومی را برانگیخت و یکی از عوامل تسهیل‌کننده انقلاب ۲۰۱۱ در مصر بود-م.

است. در واقع شاید بزرگترین گواه بر اثربخشی مقاومت مدنی، زمان و تلاش زیادی است که رهبران اقتدارگرا باید برای جلوگیری و تضعیف آن به خرج دهند.

علاوه بر این فعالان به طرق مختلف شروع به انطباق خود با تکنیک‌های سرکوب هوشمند کرده‌اند. برای مثال در مصر سال ۲۰۱۱ فعالان ضد مبارک، جزوای به نام «چگونه هوشمندانه اعتراض کنیم»<sup>۱</sup> را منتشر کردند و از فعالان خواستند که آنرا تنها از طریق فتوکپی پخش کنند. [۳۲] در این سند سازمان دهندگان خواسته‌های پنج‌گانه انقلاب مصر را بیان کردند. آنها «سه هدف استراتژیک نافرمانی مدنی» را نام بردند که شامل تصرف ساختمان‌های مهم دولتی، جلب ارتش و پلیس به سوی مردم و محافظت از یکدیگر در برابر خشونت دولتی بود. فعالان در ادامه از مردم خواستند تا مراحل خاصی را برای اجرای این طرح دنبال کنند، از جمله تجمع در محله‌هایی که تا جای ممکن از نیروهای امنیتی دور باشد، حرکت در کوچه‌ها و محله‌های مجاور خانه‌هایشان و دعوت از دوستان و همسایگان برای پیوستن به اعتراضات، تجمع جمعیتی زیاد برای تسخیر ساختمان‌های دولتی، و سردادن شعارهای صلح‌آمیز و امیدوارکننده در طول مسیر. این جزوه مردم را تشویق می‌کرد که درب قابلمه‌هایشان را برای استفاده به عنوان محافظ در برابر گلوله‌های لاستیکی باخود بیاورند، از اسپری رنگ برای رنگ‌آمیزی کلاه‌های پلیس ضدشورش و شیشه‌های جلوی ماشین‌ها و کامیون‌های نیروهای امنیتی، و از گل برای نشان دادن ماهیت صلح‌آمیز قیام استفاده کنند. همچنین از افرادی که این جزوه را دریافت می‌کردند خواسته شده بود که آن را به صورت آنلاین ارسال نکنند و فقط از طریق کاغذ به اشتراک بگذارند تا به این ترتیب از حامیان جنبش در برابر نظارت رژیم محافظ شود.

---

<sup>۱</sup> . How to Protest Intelligently

فعالان ابزارهای دیگری را نیز برای خنثی‌سازی نظارت دولتی با فناوری‌های پیشرفته به کار گرفته‌اند. برای مثال در هنگ کنگ سال ۲۰۱۹، زمانی که معترضان شروع به قیام علیه دولت طرفدار پکن کردند، شرکت‌کنندگان پیش‌بینی کرده بودند که به دلیل وجود دوربین‌های امنیتی و سایر دستگاه‌های نظارتی و در کنار آن پیشرفت قابلیت‌های تشخیص چهره که می‌تواند معترضان را از روی ظاهرشان شناسایی کند، لازم است که از هویت خود محافظت کنند. آنها با پوشیدن ماسک صورت برای جلوگیری از شناسایی توسط فناوری تشخیص چهره و استفاده از چتر و مخروط‌های ترافیکی برای محافظت از مردم در برابر اسپری فلفل و گاز اشک‌آور به اقدامات دولت پاسخ دادند. با ظهور همه‌گیری ویروس کرونا، استفاده از ماسک‌های صورت در سراسر جهان رایج شده است تا راهی برای جلوگیری از انتشار ویروس در میان اجتماعات بزرگ و در عین حال خنثی‌کردن فناوری تشخیص چهره باشد.

با وجود شرایط حاکم و رژیم‌هایی که تهدید می‌کنند جنبش‌های مقاومت بدون خشونت را به زیر زمین می‌برند، برنامه‌ریزی و تفکر استراتژیک همچنان به عنوان عناصر حیاتی برای یک کمپین موفق بدون خشونت باقی خواهد ماند.

### پس از پایان کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز چه اتفاقی می‌افتد؟

پس از پایان کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز کشورها به چندین مسیر مختلف می‌روند. یکی از نگرانی‌هایی که در مورد انقلاب‌های بدون خشونت بیان می‌شود این است که این انقلاب‌ها حکومت‌هایی را به قدرت می‌رسانند که حتی از رژیم‌هایی که جایگزین آنها شده‌اند نیز سرکوب‌کننده‌ترند. یا اینکه اگر کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز با شکست مواجه شوند، انقلابیون مسلح مبارزه را به دست خواهند گرفت و در نتیجه جنگ داخلی در کشور آغاز خواهد شد.

این نگرانی‌ها با توجه به سابقه تاریخی [تا اندازه‌ای] موجّه است. همانطور که در فصول قبلی دیدیم انقلاب ۲۰۱۱ مصر از سوی یک کودتای پرطرفدار در سال ۲۰۱۳ سرنگون شد و رژیم خودکامه و وحشی را به قدرت رساند. در لیبی و سوریه ۲۰۱۱ قیام‌های بدون خشونت در کشور به حمام‌های خون بدل شدند. با قتل عام غیرنظامیان غیرمسلّح بدست نیروهای امنیتی گروه‌های مسلّح سازماندهی شده برای محافظت از غیرنظامیان در برابر خشونت دولتی وارد میدان شدند و بازیگران بین‌المللی نیز شروع به حمایت از گروه‌های مسلّحی کردند که سعی در سرنگونی دیکتاتوری‌های معمر قذافی و بشار اسد داشتند.

اما عمده تحقیقات نشان می‌دهند که این موارد بیشتر استثنا هستند تا قاعده. مطالعات متعدّدی نشان داده‌اند که کمپین‌های مقاومت غیرخشونت‌آمیز اغلب به گذار دموکراتیک منجر می‌شوند و اینکه چنین گذارهایی به تثبیت کامل دموکراسی در یک کشور منتهی می‌گردند. [۳۳] مهارت‌هایی که به بسیج مدنی غیرخشونت‌آمیز جان می‌بخشند و آنرا به حرکت در می‌آورند به تقویت و سرعت بخشیدن به روند همکاری و تفاهم، ابعاد ائتلاف‌سازی فرایند دموکراسی‌سازی کمک می‌کند. [۳۴] نکته حیاتی دیگر این است که حتی کشورهایی که میزبان کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز شکست خورده بوده‌اند، در مقایسه با کشورهایی که مبارزات مسلّحانه را تجربه کرده‌اند حدود چهار برابر بیشتر احتمال دارد که در طی پنج سال پس از پایان مبارزات به دموکراسی روی آورند. [۳۵] برای مثال این موضوع در برمه صادق بود، زیرا انقلاب «شکست خورده» زعفران در این کشور در سال ۲۰۰۷ منجر به قدرتمند شدن اصلاح‌طلبان در رژیم نظامی شد و آنها رفته‌رفته در سال‌های پس از آن برای گذار به فضای بازتر سیاسی پیشقدم شدند. البته قطعاً دموکراسی تنها هدف اکثر جنبش‌ها نیست و خواسته‌های آنها از جمله عدالت اجتماعی، اقتصادی و نژادی فراتر از وجود نهادهای دموکراتیکی مانند

انتخابات، کنترل و موازنه قدرت و حقوق مدنی است. اما دموکراسی اغلب یک پیش‌نیاز ضروری - اگرچه ناکافی - برای تحقق اهداف گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی و عدالت نژادی محسوب می‌شود.

تحقیقات دیگر نیز نشان داده‌اند که کشورهایی که از مبارزات مقاومت بدون خشونت بیرون می‌آیند علاوه بر گذار به دموکراسی، کمتر احتمال دارد که در دهه آینده جنگ داخلی را تجربه کنند. [۳۶] و همچنین کشورهایی که کمپین‌های توده‌ای غیرخشونت‌آمیز را پشت سر گذاشته‌اند امید به زندگی بالاتری را از خود نشان می‌دهند - [۳۷] شاخصی برای کیفیت بهتر زندگی - با تلفات و مرگ و میر کمتر در جریان درگیری‌ها. [۳۸]

خلاصه کلام اینکه که جوامعی که از دل مبارزات مقاومت بدون خشونت بیرون می‌آیند به مراتب کمتر فروپاشیده و ویران می‌شوند و اغلب روابط قدرت دگرگون شده‌ای را در درون جامعه تجربه می‌کنند. سطوح بالاتر مشارکت سیاسی و سازماندهی جامعه مدنی عموماً تأثیرات مثبتی بر سطوح بلندمدت دموکراسی در یک کشور دارد چراکه کمپین‌های مقاومت مدنی تجربه استفاده از روش‌های غیرخشونت‌آمیز را به منظور مطالبه و پاسخ‌گودن دولت در قبال مردم به همراه می‌آورد. با این حال نکته مهم این است که اگر قیام‌های توده‌ای به درگیری‌های خشونت‌آمیز (مانند لیبی یا سوریه) کشیده شوند، چشم‌انداز گسترش دموکراسی تقریباً صفر خواهد بود.

**چرا مقاومت مدنی در برخی موارد پس از پیروزی جنبش‌ها منجر به عقب‌نشینی به سمت اقتدارگرایی می‌شود؟**

رویدادهای پس از انقلاب معمولاً در حد و اندازه انتظارات انقلابی نیستند که در دوره‌های شادی پس از فروپاشی یک رژیم سرکوبگر و بی‌رحم شکل می‌گیرند. آصف

بیات، جامعه‌شناس در کتابش پیرامون قیام‌های اعراب می‌نویسد<sup>۱</sup>: «هیچ چیز به اندازه انقلاب، همزمان طالب امید، الهام‌بخش امید و خیانتگر به آن نیست.» [۳۹]

دلایل بالقوه زیادی وجود دارد که چرا ممکن است عقب‌گرد به سمت اقتدارگرایی رخ دهد. اولین توضیح ریشه در همان دلایلی دارد که در وهله اول منجر به موفقیت کمپین‌های مقاومت مدنی شده‌اند - یعنی مشارکت گسترده و توده‌ای. زمانیکه مشارکت توده‌ای به سرعت ایجاد شده و گسترش می‌یابد جنبش‌ها معمولاً یک «ائتلاف منفی»<sup>۲</sup> بوجود آورده‌اند - گروهی از مردم که برای سرنگونی یک دیکتاتور همکاری می‌کنند - که لزوماً نیازی به غلبه بر اختلافات و ایجاد نهادهای سیاسی که بتواند به ایجاد اجماع و توافق همگانی جدید کمک کند، ندارند. [۴۰] گاهی اوقات دیکتاتوری‌ها پیش از اینکه گروه‌های جامعه مدنی بتوانند خود را به عنوان رقبایی قابل دوام و باثبات برای قدرت در سیستم جدید سازماندهی کنند، فرو می‌ریزند. برای مثال این گروه‌ها ممکن است نتوانند بر سر حمایت از کاندیدایی واحد به توافق برسند که بتواند به وضوح برنامه کار و خط مشیی را که در سراسر حوزه‌های انتخاباتی جذاب باشد، بیان کند، یا اینکه ممکن است توافقات و سازش‌های انجام‌گرفته از جانب طیف وسیعی از مردم پشتیبانی نشود.

در این شرایط و احوال، سازمان یافته‌ترین گروه‌های سیاسی معمولاً همان‌هایی هستند که رژیم پیشین، مؤسسات مذهبی یا ارتش را در اختیار داشته‌اند. در مصر و پس از پیروزی انقلاب ۲۰۱۱، اخوان المسلمین در بحبوحه پراکندگی و تفرقه گسترده‌ای که در

---

<sup>۱</sup> . این کتاب با عنوان انقلاب بدون انقلابیون، درک معنای بهار عربی (Revolution without Revolutionaries, Making Sense of the Arab Spring) در سال ۲۰۱۷ از سوی دانشگاه آکسفورد منتشر شده است - م.

<sup>۲</sup> . negative coalition



میان احزاب لیبرال و سکولار وجود داشت در انتخابات به پیروزی رسید. در این میان اپوزیسیون لیبرال به طور فزاینده‌ای نگران گرایش‌های اسلام‌گرایانه رئیس‌جمهور منتخب محمد مرسی بود. بسیاری از این گروه‌ها پس از اینکه هیچ جایگزین جذاب دیگری را در میان احزاب سیاسی کشور ندیدند با راه‌اندازی کودتایی مردمی در ژوئیه ۲۰۱۳ از بازگشت ارتش به قدرت حمایت کردند. عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر شد و از آن زمان به سرکوب تمامی اعضای اپوزیسیون-اخوان المسلمین و لیبرال‌ها- پرداخته تا کنترل خود را بر قدرت مستحکم کند.

با این وجود حتی زمانی که یک کارزار غیرمسلحانه قادر به دستیابی به پیروزی کامل نباشد باز هم نباید تغییرات عمده ایجاد شده را نادیده بگیریم، حتی اگر این تغییرات چشم‌انداز کمپین از آینده را تحقق نبخشند. به مورد مصر برمی‌گردیم: آنچه در ابتدا یک پیروزی چشمگیر بود به سرعت به کابوسی برای مدافعان حقوق بشر و حامیان دموکراسی تبدیل شد. اما هنوز به یک دلیل عمده می‌توانیم همچنان امیدوار باشیم: مصری‌هایی که در داخل و خارج از کشور زندگی می‌کنند همچنان در مورد دیدگاه‌ها، نارضایتی‌ها و مبارزات باقی‌مانده خود به گفتگو می‌پردازند. آنها مصرانه و با استواری به کشف تخلفات و سوءرفتارهای رژیم السیسی ادامه می‌دهند و خواستار راه‌حلی عادلانه هستند. علاوه بر این هنوز هم منابع زیادی برای سازماندهی در آینده وجود دارد- از جمله گروهی از فعالان باتجربه‌ای که چیزهای زیادی پیرامون چگونگی مقاومت در برابر سرکوب شدید آموخته‌اند. اگرچه آرزوهای بسیاری از انقلابیون ۲۰۱۱ مصر هنوز برآورده نشده است، مصری‌ها دیگر سدّ ترسی را که سال‌ها مانع بروز نارضایتی‌هایشان می‌شد شکسته‌اند. در کشوری که تنها دوازده سال پیش مردم حتی با دوستان خود نیز نمی‌توانستند آشکارا علیه رژیم مبارک صحبت کنند، مصمم شدند که دیگر ترس به دل خود راه ندهند. و این باید همچنان الهام‌بخش امید در این کشور باشد.

## جنبش‌ها چگونه پس از اینکه به موفقیتی سیاسی نائل شدند خود را برای گذار به دموکراسی آماده کرده‌اند؟

قیام‌های توده‌ای بدون خشونت به ندرت به تنهایی قادر به حل مشکلات ساختاری حکومت‌ها از قبیل فقدان نهادهای مستقل، فساد عمیق و مکانیسم‌های ناکافی تقسیم قدرت هستند. همانطور که بسیاری استدلال کرده‌اند، تحکیم دموکراتیک مستلزم ایجاد و گسترش عاداتی جدید در شهروندان، سرمایه‌گذاری در نهادهای مستقل، تفکیک قوا، رفم در نیروهای امنیتی و اصلاح قانون اساسی به شکلیست که به حقوق همه شهروندان احترام بگذارد [۴۱].

فرآیند تحکیم دموکراتیک زمان می‌برد- اغلب دست‌کم یک نسل- با این حال ما نباید اهمیت بسیج مدنی توده‌ای را در رفع فوری‌ترین موانع پیش‌روی پیشرفت، مشارکت دادن شرکت‌کنندگانی وسیع و متنوع در گفتگوهای انتقادی، رعایت هنجارهای حل منازعه بدون خشونت، و قرار دادن مسائل سیستمی و کلان در محور گفتگوهای ملی دست‌کم بگیریم. در واقع جی اولفلدر، دانشمند علوم سیاسی استدلال می‌کند که اعتراضات توده‌ای (بازهم تنها یک روش مقاومت مدنی) احتمالاً شرط لازم برای گذار کشورها به دموکراسی سیاسی است. برخلاف این دیدگاه که کنش توده‌ای گذارهای دموکراتیک را بی‌ثبات می‌کند این عقیده وجود دارد که بسیج سیاسی و اجتماعی توده‌ای معمولاً این گذارهای را تسریع کرده و تحکیم می‌بخشد [۴۲].

یکی از راه‌هایی که کمپین‌های انقلابی می‌توانند شانس خود را در دستیابی به بدیل‌های نهادی منتخب و پارلمانی به حداکثر برسانند توسعه نهادهای موازی همراه با گسترش مبارزه است. قدرت این تلاش‌ها را در فصل‌های ۱ و ۴ دیدیم. جنبش همبستگی لهستان دو دهه اعتراضات عمومی و فعالیت‌های زیرزمینی را به همراه داشت که به

تدریج توانست سلطه قدرت کمونیستی بر مردم را از بین ببرد. انتشار مخفیانه روزنامه‌های سامیزدات، اجرای تئاتر مقاومت و بسیج مردمی در کلیساها و به دنبال آن اعتصاب معروف کارخانه کشتی‌سازی گدانسک در ۱۹۸۰ که کارگران را به صورت دسته جمعی به اردوگاه مخالفان وارد کرد، راه را برای مذاکرات بین جنبش همبستگی و رژیم می که برای اولین بار ائتحادهای کارگری را قانونی می‌کرد هموار نمود و در ادامه منجر به برگزاری اولین انتخابات این کشور [از زمان سلطه کمونیسم] گردید که در نتیجه آن دولت خودکامه را به زباله‌دان تاریخ انداخت.

پس از اینکه لهستان از کابوس حکومت کمونیستی خلاصی یافت، مجموعه‌ای از قوانین و شیوه‌های انتخاباتی جدید در کشور شکل گرفت که امکان چرخش بادوام‌تر و مطمئن‌تر به سوی دموکراسی را فراهم می‌کرد. اگرچه مشکلات پابرجا بودند اما جامعه مدنی لهستان همچنان به بسیج گسترده خود ادامه داد تا رهبران جدیدش - از جمله رهبر همبستگی، لخ والسا - را پاسخگو نگه دارد.

اما حتی آماده‌ترین کمپین‌ها نیز نمی‌توانند تضمین کنند که نسل‌های آینده بدون مشارکت پایدار و قوی جامعه مدنی در زندگی سیاسی قادر هستند که از ثمره کار آنها برخوردار شوند. سی سال پس از پیروزی جنبش «همبستگی»، لهستان پسرفت دموکراتیکی مهم و قابل ملاحظه را تجربه کرده است. اندکی پس از به قدرت رسیدن حزب دست راستی قانون و عدالت در سال ۲۰۱۵، رهبر آن کوشید تا سیاست‌های بسیار محدودکننده‌ای را در مورد سلامت باروری زنان به اجرا بگذارد و در سال ۲۰۱۶ لایحه‌ای را به پارلمان برد که سقط جنین را در همه موارد به جز در مواردی که زندگی مادر را به طور

---

<sup>۱</sup> PiS (Prawo i Sprawiedliwość) (Law and Justice). حزب راست‌گرای پوپولیست، محافظه‌کار و دموکراتیک مسیحی که بیشترین کرسی‌ها را نسبت به سایر احزاب در مجلس لهستان دارد. این حزب در ۲۰۰۱ توسط لخ و یاروسواف کاجینسکی تأسیس شد رهبر آن هم‌اکنون یاروسواف کاجینسکی است - م.

مستقیم تهدید می‌نمود، ممنوع می‌کرد. ده‌ها هزار زن در پاییز ۲۰۱۶ دست به اعتصاب زدند که باعث شد اکثریت نمایندگان مجلس به این لایحه سختگیرانه رأی منفی بدهند. این اتفاق برای جنبش زمان خرید. اما فعالان دموکراسی خواه از آن زمان اقبال کمتری داشته‌اند، چرا که حزب قانون و عدالت کوشیده است تا حد زیادی نظام نظارت و موازنه قوا در کشور را از کار بیاندازد. این حزب موفق شده است برخی قوانین غیرلیبرال را به اجرا بگذارد که در نتیجه آنها استقلال قوه قضاییه را زیر پا گذاشته است، رسانه‌ها را تحت فشار قرار داده است، اعضای حزب را به هیئت مدیره شرکت‌های دولتی منصوب کرده، و حملاتی غیرانسانی را علیه دگرباشان جنسی به انجام رسانده است. این اقدامات، لهستان را در خطر تبدیل شدن به یک دموکراسی پوشالی - که تنها شاخص آن انتخابات است - قرار داده است. در سال ۲۰۲۰ حزب قانون و عدالت پیروزی انتخاباتی دیگری را به دست آورد و در نهایت موفق شد قانون بحث‌برانگیز خود که دسترسی زنان به سقط جنین را محدود می‌کرد تصویب کند. در زمان نگارش این کتاب صدها هزار لهستانی ماه‌هاست که برای مقاومت در برابر این قانون بسیج شده‌اند، اگرچه چشم‌اندازی مشخص برای لغو آن در پیش‌رو ندارند.

**آیا مقاومت مدنی تاکنون در دستیابی به اهداف کاملاً انقلابی موفق بوده است؟**

مثل همیشه سوال این است: در مقایسه با چه چیزی؟

در مقایسه با وضعیت موجود، انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز بواقع پیشرفت‌های اجتماعی بزرگی ایجاد کرده‌اند و جامعه را به سمت سرنگونی خودکامه‌ها، اتخاذ اصلاحات دموکراتیک و گسترش حقوق زنان، گروه‌های اقلیت، اتحادیه‌ها و سایر گروه‌هایی که از لحاظ تاریخی از قدرت کنار گذاشته شده‌اند سوق داده است. و

همانطور که پیشتر بحث کردیم، در مقایسه با انقلاب‌های مسلحانه انقلاب‌های غیرخشونت‌آمیز سابقه بهتری در خلق نتایج فوری‌تر و خون‌ریزی‌های کمتر داشته‌اند. فصل ۲ همچنین به بررسی جزئیات برخی از راه‌هایی می‌پردازد که کمپین‌های مقاومت مدنی از طریق آنها به تغییر نظام‌های سرکوبگر مانند برده‌داری و انقیاد قانونی زنان در بیشتر کشورهای جهان کمک کرده‌اند.

و اگرچه پیروزی کامل هنوز در بسیاری از مبارزات جاری علیه نظام‌های ستمگر تحقق نیافته است، پیروزی‌های کوچک‌تری بی‌شمار در این میان، اهداف گفته شده را به پیش برده‌اند. نباید انتظار دگرگونی و تغییر کامل و فوری این نظام‌ها را داشت و باید این امر را تشخیص داد که مردم چه زمانی توانسته‌اند در زمینه‌هایی که ناامید به نظر می‌رسیدند - و در موقعیت‌هایی که باعث شده احساس ناتوانی کنند، پیشرفتی واقعی و ملموس را تجربه کنند [۴۳].

پیشرفت و تکامل به ندرت روندی خطی است. همواره عقب‌نشینی‌هایی وجود دارد که اغلب توسط جنبش‌های متقابلی ایجاد می‌شود که می‌خواهند قدرت را بازپس بگیرند و کشور را به شرایط پیش از انقلاب بازگردانند. این همان چیز است که در ایالات متحده اتفاق افتاده است؛ جایی که گروه‌های برتری طلب سفید با هدف تضعیف پیشرفت عدالت نژادی در دهه گذشته، مجدداً ظهور کرده‌اند. و این همان چیز است که در سال ۲۰۱۳ در مصر اتفاق افتاد، زمانی که میلیون‌ها مصری از کودتایی نظامی به منظور بازگرداندن حکومت استبدادی در دموکراسی نوپایی که تحت حکومت اخوان المسلمین بود حمایت کردند.

## کمپین‌های مقاومت مدنی چگونه به همه‌گیری کووید ۱۹ واکنش نشان داده‌اند؟

شکّی نیست که همه‌گیری ویروس کرونا ضربه‌ای غیرمنتظره به ده‌ها جنبش جاری در سراسر جهان وارد آورده است. در طول ماه مارس و آوریل ۲۰۲۰ مشاهده تیرهایی در روزنامه‌های کثیرالانتشار که پایان اعتراضات را به دلیل لزوم رعایت فاصله اجتماعی اعلام می‌کردند، به امری معمول تبدیل شده بود و در کنار آن هشدارهایی در مورد گسترش اختیارات اضطراری دولت در کشورهایی مانند مجارستان، برزیل و ایالات متّحده رواج یافته بود [۴۴].

اما اینها بدان معنا نیستند که جنبش‌های اجتماعی ناپدید شده‌اند. بلکه برعکس در زمان نگارش این کتاب، علل و اهداف آنها همچنان زنده‌اند و به نظر می‌رسد که تعطیلی گسترده جهانی فرصتی را برای جنبش‌ها فراهم کرده است تا به ارزیابی دارایی‌های خود، گروه‌بندی مجدد و برنامه‌ریزی برای مرحله بعدی مبارزات طولانی خود برای دموکراسی و حقوق شهروندی پردازند. ظرفیت آینده برای ایجاد قدرت مردمی از پایین، تا اندازه‌ای به نحوه سرمایه‌گذاری زمان و منابع از سوی جنبش‌ها در جریان تعطیلی گسترده جهانی بستگی دارد.

دلایلی برای خوش‌بینی محتاطانه در این زمینه وجود دارد. اوّل اینکه همه‌گیری فرصت‌هایی را برای مقایسه آشکار بین نحوه واکنش پوپولیست‌ها و خودکامه‌ها به بحران در مقایسه با رژیم‌های لیبرال یا سوسیال دموکرات فراهم کرده است. دست‌کم پنج کشور از ده کشور اول از نظر تعداد گزارش‌شده عفونت‌های کرونایی - ایالات متّحده، روسیه، برزیل، هند و بریتانیا - در اوج بحران خود از سوی رهبران پوپولیستی رهبری می‌شدند که تصمیمات اتخاذیشان پیرامون همه‌گیری فاجعه‌بار بود. این رهبران

به جای اینکه مردم خود را به شیوه پیشگیرانه‌ای برای یک دوره طولانی قرنطینه آماده کنند، امکان انجام آزمایشات را به شکلی گسترده فراهم کنند، و اولویت خود را صاف کردن منحنی همه‌گیری از طریق ارائه اطلاعات بموقع و دقیق قرار دهند، همه‌گیری را به کل انکار کرده یا آن را دست کم گرفته‌اند. بسیاری از این رهبران دست به دامان تئوری‌های توطئه شدند تا از این طریق سرزنش‌های عمومی نسبت به خود را منحرف کنند و در کنار آن به اختلافات سیاسی در داخل دامن بزنند، از جمله از مردم خواستند که در مقابل شهرداران و فرماندارانی که از دستورات سختگیرانه بهداشت عمومی حمایت می‌کردند، دست به اعتراض و مقاومت بزنند. اگرچه این گام‌های اشتباه پیامدهایی مرگبار در کوتاه‌مدت و نتایجی شوم در درازمدت به همراه داشت، اما اقدامات آنها آگاهی عمومی پیرامون فوریت تغییرات سیاسی و نیز راه‌هایی که بحران مدیریت نادرست بر ساکنین یک کشور تأثیر می‌گذارند را بالا برد. به عنوان مثال در ایالات متحده، تعداد نامتناسب مرگ و میر ناشی از همه‌گیری در جوامع سیاه‌پوست و رنگین‌پوست نشان داد که نژادپرستی [نهادینه] باعث آسیب‌پذیری‌های بهداشتی در این گروه‌ها و همچنین دسترسی نابرابر به خدمات سلامت عمومی در سراسر کشور شده است. بسیاری از جنبش‌ها در سرتاسر جهان به سرعت و به شیوه‌ای مؤثر، چارچوب‌های خود را تنظیم کردند تا بتوانند بر نیاز به تجدید واقعی دموکراتیک، راه‌حل‌هایی برای ناامنی اقتصادی، حل مشکلات اجتماعی مانند نژادپرستی یا قوم‌گرایی و مسئولیت‌پذیری رهبران سیاسی تمرکز کنند. از آنجایی که همه‌گیری بر زندگی میلیاردها نفر در سراسر جهان تأثیر گذاشته است چنین ادعاهایی احتمالاً نسبت به پیش از بحران، برای پایگاه مردمی گسترده‌تری هماهنگ و مانوس خواهد بود. دوم اینکه تعطیلی‌های ناشی از همه‌گیری توقفی کاملاً لازم و ضروری را را برای بسیاری از فعالان و سازمان‌دهندگان فراهم کرده است که پیش از این از اعتراضی به

اعتراض دیگر می‌رفتند و زمان کمی را برای تأمل، توسعه استراتژی‌ها یا ایجاد روابط صرف می‌کردند. به واسطه این تعطیلی‌ها جنبش‌ها می‌توانند از برنامه‌ریزی رویدادهای بزرگ فاصله گرفته و بر ایجاد ائتلاف‌های انعطاف‌پذیر با ظرفیت بیشتر برای تحوّل بلندمدت تمرکز کنند. بسیاری از جنبش‌ها در سرتاسر جهان - از جمله جنبش دموکراسی خواهانه در ایالات متّحده - در طول قرنطینه زمان خود را صرف سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی، جلسات پیرامون استراتژی‌های بلندمدت، ایجاد و تعمیق روابط بین شرکای احتمالی ائتلاف و توسعه طرح‌ها و ماژول‌های آموزشی برای راه‌اندازی مبارزات مؤثر در آینده کردند.

در آخر اینکه بسیاری از اقداماتی که توسط فعالان دموکراسی‌خواه یا مترقی در واکنش به همه‌گیری انجام شده است - سازماندهی یا تقویت دسته‌های کمک‌های متقابل، اعتصابات عمومی، اعتصاب خانه‌نشینی و خود را به مریضی‌زدن<sup>۱</sup>، نشست‌های آنلاین و ابراز همبستگی و حمایت جمعی از کارگران خطّ مقدم - همگی تغییراتی سازنده در چشم‌انداز جنبش محسوب می‌شدند. برای مثال در ایالت من، ماساچوست، فعالان و سازمان‌دهندگان در محله‌های مختلف حمایت خود صرفاً از گروه‌های کمک متقابلی کرده‌اند که به نیازهای گروه‌هایی می‌پردازند که شغل خود را از دست داده یا به مواد غذایی و پزشکی دسترسی ندارند. سازمان‌دهندگان از طریق جمع‌سپاری به تهیه غذا، تجهیزات حفاظت شخصی، وسایل حمل‌ونقل، کمک در پرداخت اجاره و کمک‌های اضطراری برای افراد نیازمند اقدام کرده‌اند. حلقه‌های خیاطی در سراسر کشور و جهان برای تولید ماسک‌های دست‌ساز برای پاسخ به کمبود

---

<sup>۱</sup> sick-in . یکی از روش‌های اعتصاب که در آن همه یا اکثر کارگران با ادعای بیماری، درخواست مرخصی استعلاجی می‌دهند و از این طریق کارخانه مورد نظر را فلج می‌کنند - م.



جهانی ماسک‌های پزشکی تجاری به وجود آمده‌اند. اگرچه چنین اقداماتی به ندرت مانند تظاهرات گسترده سوژه‌هایی چشم‌نواز برای عکاسان فراهم می‌کنند، با اینحال مرحله جدیدی از نوآوری‌های تاکتیکی را نشان می‌دهند که می‌توانند کتاب راهنمای منسوخ شده کنشگری را که در آن جنبش‌ها بیش از حد بر اعتراض و کمتر بر روش‌هایی نظیر عدم همکاری یا توسعه نهادهای جایگزین تکیه می‌کردند، مجدداً تکمیل کند [۴۵].

البته بسیاری از اعتراضات همچنان ادامه یافته‌اند- چه در سرپیچی آشکار از اقدامات فاصله‌گذاری اجتماعی و چه به رغم آنها. در ایالات متحده، اعتراضات گسترده‌ای در سراسر کشور در ماه مه و ژوئن ۲۰۲۰ برای مطالبه عدالت در پی قتل احمد آبربی، برونا تیلور و جورج فلویید- سه سیاهپوست غیرمسلم - آغاز شد. بسیاری از معترضان در تلاش برای رعایت دستورالعمل‌های پیشنهادی فدرال برای مهار شیوع ویروس کرونا ماسک به چهره داشتند. به نظر می‌رسید که این امر تا حدودی در جلوگیری از گسترش بیشتر ویروس در اکثر موارد موفق بوده است. کانون‌های شیوع ویروس کرونا که در پی اعتراض‌ها پدیدار شدند، عمدتاً در مکان‌هایی متمرکز بودند که پیش از اعتراضات بازگشایی شده بودند یا مردم دستورالعمل‌های پوشیدن ماسک یا فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت نکرده بودند. البته استفاده پلیس از تکنیک‌های کنترل جمعیت مانند محبوس‌سازی یا احاطه‌سازی<sup>۱</sup>، استفاده از عوامل تنفسی مانند

---

<sup>۱</sup> *kettling or corraling*. یکی از تاکتیک‌های پلیس برای کنترل جمعیت‌های بزرگ در طول تظاهرات یا اعتراضات. این روش شامل تشکیل حلقه محاصره بزرگی از نیروهای پلیس می‌شود که برای مهار جمعیت در یک منطقه محدود در کنار آنها حرکت می‌کنند. معترضانی که از خروجی‌های تحت کنترل پلیس خارج نشده و بخواهند از شکافی کنترل نشده در محاصره خارج شوند، مهار می‌شوند، یا از خروج منع شده و دستگیر می‌شوند. در موارد دیگر پلیس این حلقه‌های محاصره را تنگ‌تر کرده و اقدام به دستگیری معترضان می‌کند-م.

گاز اشک‌آور و فقدان تجهیزات حفاظت فردی (PPE) در زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، اعتراضات خیابانی در مقیاس بزرگ را خطرناک‌تر کرده است. با این حال خیزش‌هایی که در دفاع از زندگی سیاه‌پوستان صورت گرفت، با شرکت بین ۱۵ تا ۲۵ میلیون آمریکایی در اعتراضات عدالت نژادی در سراسر کشور به گسترده‌ترین بسیج توده‌ای در تاریخ ایالات متحده تبدیل شد [۴۶].

همچنین در ماه مه ۲۰۲۰ معترضان دموکراسی خواه در هنگ‌کنگ دستورالعمل‌های قرنطینه را نقض کرده تا دوباره به خیابان‌ها بروند و به اقدامات دولت چین برای تضعیف خودمختاری هنگ‌کنگ اعتراض کنند؛ اعتراضی که بسیاری آن را نبردی نهایی برای نجات سیستم نیمه‌دموکراتیک این ناحیه می‌دانند. برخی دیگر از فعالان شروع به آزمایش اعتراضات از راه دور اجتماعی کردند (از جمله تظاهرات اجتماعی از راه دور دوازده هزار نفری علیه نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در تل‌آویو در آوریل ۲۰۲۰)؛ تظاهرات و کاروان‌های خودرویی؛ توقف کار در بخش‌های پزشکی، مواد غذایی، فناوری و بسته‌بندی گوشت؛ و سایر اشکال عدم همکاری.

از اینرو علی‌رغم شکست‌های اخیر کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز در سراسر جهان، سال ۲۰۲۰ لزوماً پایان اعتراض یا پایان مقاومت خشونت‌پرهیزانه را به‌طور کلی نشان نمی‌دهد. بلکه در مقابل، همه‌گیری ممکن است به عنوان یک بازنشانی استراتژیک و جهت‌گیری مجدد برای بسیاری از جنبش‌ها در سراسر جهان عمل کرده باشد.

**باوجود اینکه مقاومت مدنی در بسیاری از موارد مؤثر بوده است چه چیزی**

**مردم را از اقبال کامل به آن باز می‌دارد؟**

سخت است بدانیم که چرا مردم به جای پذیرش طیف کامل تاکتیک‌های مقاومت مدنی به اقدامات خشونت‌آمیز دلبسته می‌مانند، و دلایل آن احتمالاً بسته به زمینه هر

مورد متفاوت است. اگرچه در طول زمان آگاهی فزاینده‌ای نسبت به قدرت مقاومت بدون خشونت به وجود آمده است اکثر مردم هنوز نمی‌دانند که این شیوه مقاومت می‌تواند بدیلی واقع‌بینانه برای ایجاد تغییرات اجتماعی باشد. زندگی روزمره مملو از داستان‌ها، فیلم‌ها، اسطوره‌ها و دیگر خواسته‌های فرهنگی<sup>۱</sup> است که ستایشگر خشونت‌اند. این تمجید مداوم از خشونت در خدمت زدودن تاریخ خارق‌العاده انسانی مقاومت مدنی و جنبش‌های قدرت مردمی بوده است که در طول هزاره‌ها مبارزات بدون خشونت خود را به پیش برده‌اند. [۴۷]

حتی اگر مردم این پیش‌فرض را هم پذیرفته باشند که مقاومت مدنی مؤثر است، باز هم ممکن است اطلاعات دقیقی در مورد چگونگی برنامه‌ریزی، اجرا و مشارکت مؤثر در یک انقلاب بدون خشونت نداشته باشند. بخشی از دلیل آن این است که دولت‌ها برای جلوگیری از یادگیری این تکنیک‌ها از سوی مردم تلاش زیادی کرده‌اند. در جنوب آمریکا و پیش از جنگ داخلی، برده‌داران از ترس اینکه برده‌گانشان اخبار را بخوانند و از شورش‌های سایر بردگان در کارائیب و سایر ایالت‌های ایالات متحده، الهام بگیرند، به آنها اجازه نمی‌دادند که خواندن و نوشتن بیاموزند. اخیراً دولت‌هایی که در مصر، ایران، کشمیر تحت‌اشغال هند و سودان با شورش‌های غیرخشونت‌آمیز مواجه بوده‌اند، اینترنت را قطع کرده‌اند تا از برقراری ارتباط فعالان با یکدیگر و آگاهی از مقاومت بدون خشونت جلوگیری کنند. وب‌سایت‌های مرکز بین‌المللی درگیری‌های غیرخشونت‌آمیز<sup>۲</sup> و حتی کتاب‌شناسی آنلاین کتاب‌ها و مقالات پیرامون قدرت مردم با نام [۴۸] «civilresistance.info» در چین مسدود شده‌اند.

<sup>۱</sup> . cultural desiderata

<sup>۲</sup> . International Center on Nonviolent Conflict

برخی دیگر ممکن است به این دلیل از پذیرش مقاومت بدون خشونت امتناع کنند که متقاعد شده‌اند این شیوه مقاومت کارساز نیست - یا اینکه بدون ترکیبی از خشونت نمی‌تواند مؤثر باشد. آنها ممکن است به دلیل تجربه خودشان در مورد مثلاً اعتراضی که اشتباه انجام شده است به این نتیجه برسند که کل تکنیک مقاومت بدون خشونت بیهوده است. یا ممکن است دشمنان خود را آنقدر ریشه‌دار و مستحکم یا پیچیده بدانند - یا اهداف جنبش آنقدر بلندپروازانه باشد - که باور کنند بدون توسل به اقدامات نمایشی و مخرب نمی‌توانند بر آنها غلبه کنند.

برخی دیگر نیز احتمالاً به دلایل ایدئولوژیک، شخصی یا اقتصادی خود را فعالانه وقف خشونت می‌کنند. برای مثال با وجود اینکه متون اکثر مذاهب، صلح و پرهیز از خشونت را تأیید می‌کنند، بسیاری از تفاسیر سنت‌های دینی حاوی توجیحات اخلاقی در تأیید خشونت هستند - از مسیحیت و اسلام گرفته تا یهودیت و فراتر از آن. [۴۹] این توجیحات شامل استفاده از خشونت در دفاع از خود، دفاع از هم‌مذهبان و بحث بدعت است. و البته برتری طلبی سفید، تبعیض جنسیتی، همجنس‌گراهراسی، ترنس‌هراسی، یهودی‌ستیزی، اسلام‌هراسی و بیگانه‌هراسی، همه و همه جهان‌بینی‌های ایدئولوژیکی هستند که صریحاً یا ضمناً خشونت را به دلیل نیاز به تسلط بر یا تخریب افرادی که متفاوت از گروه حاکم هستند، می‌پذیرند. برخی از رویکردهای مارکسیستی در زمینه تغییرات اجتماعی نیز به ضرورت شورش مسلحانه برای جداکردن طبقه سرمایه‌دار از ثروت و داراییش، توزیع مجدد آن به طور عادلانه و ایجاد یک سیستم اقتصادی جدید مالکیت اشتراکی میان توده‌ها باور دارند. این برداشت بسیاری از مارکسیست‌ها را نسبت به این ایده که مبارزه بدون خشونت می‌تواند بر نابرابری‌های اقتصادی ریشه‌دار غلبه کرده و عدالت اقتصادی واقعی را به ارمغان بیاورد، بدبین کرده است. برخی دیگر نیز ادعا می‌کنند که طرفداران مقاومت غیرخشونت‌آمیز، خود مبلغ نوعی جزم‌اندیشی

هستند و ترجیح می‌دهند که هیچ یک از گزینه‌های مقاومت [به جز شیوه بدون خشونت] که راهی برای مقاومت در برابر سلسله‌مراتب و سلطه در تمامی اشکال آن است روی میز نباشد [۵۰].

مطالعات اخیر همچنین انگیزه‌های شخصی قوی را در حمایت یا مشارکت در خشونت کشف کرده است. به‌ویژه علی‌رغم تلاش‌های عمومی برای دفاع از خشونت براساس اثربخشی آن، افراد در خلوت خود غالباً تمایل دارند با انگیزه انتقام از خشونت حمایت کنند یا مرتکب خشونت شوند. برای مثال در یک مطالعه شبه تجربی در مورد نگرش آمریکایی‌ها نسبت به شکنجه، محققان دریافتند که حمایت از شکنجه عمدتاً ناشی از درک این موضوع است که تروریست‌های مظنون باید به خاطر جنایات خود مجازات شوند، صرف نظر از اینکه آیا اطلاعات مفیدی برای بازجوها دارند یا خیر. [۵۱] به همین ترتیب، تجربیات شخصی از رویارویی با خشونت نیز اغلب باعث ایجاد احساس تحقیر شخصی، ناامیدی و میل به انتقام می‌شود. [۵۲] برخی دیگر نیز به دلیل تمایل شخصی به سوء شهرت و بدنامی به خشونت روی می‌آورند [۵۳].

دلایل تجاری نیرومندی نیز در حفظ و تداوم این افسانه وجود دارد که خشونت تنها راه پیگیری مبارزات مردمی است. تجارت اسلحه یکی از پرسودترین صنایع در جهان است. در اینجا دیگر هیچ رمز و رازی وجود ندارد - نکته اصلی این است که منافع قدرتمند ایجاب می‌کند پیام‌هایی تقویت شوند که وجود این منافع را توجیه کنند. سازندگان اسلحه در ایالات متحده از انجمن ملی اسلحه<sup>۱</sup> و سایر گروه‌هایی که برای مثال ایمنی اسلحه را به جای کنترل اسلحه ترویج و لابیگری می‌کنند، حمایت می‌کنند.

<sup>۱</sup> . National Rifle Association

در مجموع اگرچه در پنجاه سال گذشته شاهد افزایش چشمگیر استفاده از مقاومت مدنی در میان جنبش‌های انقلابی بوده‌ایم، با این وجود بازهم بسیاری از مردم در سرتاسر جهان هنوز در معرض این ایده‌ها قرار نگرفته‌اند یا نسبت به بدیل‌های خشونت‌آمیز همدلی بیشتری دارند و در نتیجه بی‌تفاوتی یا خشونت را تنها گزینه‌های پیش روی خود می‌دانند.

### چگونه می‌توان مقاومت مدنی را آسان کرد و در دسترس عموم قرار داد؟

پیش از هر کاری باید به دقت افسانه‌های مربوط به مقاومت غیرخشونت‌آمیز را از بین ببریم - اینکه منفعل، ضعیف یا بی‌اثر است و یا از حریف مقابلش می‌خواهد که به اخلاق اهمیت بدهد.

دوم اینکه مردم باید به درک بهتری از اینکه چرا مقاومت مدنی در زمینه‌های مختلف موفق بوده یا شکست خورده است، برسند. به‌ویژه فعالانی که روش‌های کنش بدون خشونت را به کار می‌بندند نباید از هم‌عصران خود در سراسر جهان درس‌های اشتباه بیاموزند. برای مثال فردی ممکن است بر اساس پوشش خبری سطحی تظاهرات و اعتصابات تونس طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱، وسوسه شود اینگونه فکر کند که تظاهرات سه‌هفته‌ای یک دیکتاتور را سرنگون کرده است. چنین برداشت‌هایی این واقعیت را نادیده می‌گیرند که تونس دارای تاریخچه نزدیک و منحصر به فردی از فعالیت‌های سازمان‌یافته کارگری است که به حمایت ساختارمند خود از قیام در این کشور کمک رسانده است. علاوه بر این، اعتصابات عمومی گسترده در این کشور اقتصاد تونس را تا لبه فروپاشی برد، به طوری که نخبگان اقتصادی و تجاری از حمایت خود از بن علی دست کشیدند و نیروهای امنیتی نیز از دستورات او برای سرکوب تظاهرکنندگان با گلوله سرپیچی کردند.

مردم عادی باید از نمونه‌های تاریخی درس‌های درستی بگیرند- برخی از الگوهای اساسی آموزه‌های روشنی را در اختیار جنبش‌های معاصر قرار می‌دهند. اولاً جنبش‌هایی که شامل برنامه‌ریزی دقیق، سازماندهی، آموزش و ائتلاف‌سازی پیش از بسیج توده‌ای هستند، بیشتر از جنبش‌هایی که پیش از تدوین برنامه و استراتژی سیاسی به خیابان‌ها می‌آیند حامیان را به خود جذب می‌کنند. دوم جنبش‌هایی که از نظر اندازه و تنوع رشد می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که موفق شوند- به خصوص اگر بتوانند پویایی و شتاب خود را حفظ کنند. سوم جنبش‌هایی که صرفاً متکی به اعتراضات، تظاهرات و کنش‌گری دیجیتال نیستند، بلکه از طریق نهادهای موازی، سازمان‌دهی اجتماعی و تکنیک‌های عدم همکاری به ایجاد قدرت می‌پردازند، احتمالاً حامیان و طرفداران مؤثرتر و ثابت‌قدم‌تری گرد می‌آورند. چهارم جنبش‌هایی که استراتژی‌هایی را برای مقابله با سرکوب هوشمند دولتی پیش‌بینی کرده و توسعه بخشیده‌اند احتمال موفقیت بیشتری دارند- این امر مستلزم مشاهده و شناسایی تاکتیک‌های سرکوب در زمان ظهور و تکامل آنها می‌شود. و سرانجام اینکه جنبش‌هایی که ابزارها و استراتژی‌هایی را برای حفظ وحدت و انضباط خود تحت شرایط پرفشار ایجاد می‌کنند بهتر از جنبش‌هایی خواهند بود که این کیفیت‌ها را به شانس واگذار می‌کنند.

### پنج نکته‌ای که همگان باید در مورد مقاومت مدنی بدانند چیست؟

در آخر کار این نکات باید آشنا به نظر برسند:

مقاومت مدنی جایگزینی واقع‌بینانه‌تر و مؤثرتر از مقاومت خشونت‌آمیز در بیشتر محیط‌ها و جوامع است. مقاومت مدنی به معنای خوب بودن یا مدنی بودن نیست، بلکه مقاومتی است که بر عمل و اقدام جامعه استوار است. این شیوه به مبارزه و ایجاد

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۵۰

بدیل‌هایی جدید با استفاده از روش‌هایی می‌پردازد که فراگیرتر و مؤثرتر از خشونت هستند.

مقاومت مدنی نه با نفوذ به قلوب دشمن، بلکه با ایجاد انحراف و رویگردانی از پایگاه پشتیبانی آن عمل می‌کند.

مقاومت مدنی بسیار فراتر از اعتراض است. این شیوه شامل روش‌های عدم همکاری مانند اعتصاب و ایجاد جایگزین‌های جدید مانند سازمان‌های کمک متقابل، سیستم‌های اقتصادی جایگزین، و گروه‌های سیاسی جایگزین است که مردم می‌توانند زندگی تحت یک سیستم جدید را در آن تجربه کنند.

مقاومت مدنی در طول صدسال گذشته بسیار مؤثرتر از مقاومت مسلحانه بوده است، هم در پیشبرد تغییرات عمده مرفقیانه و دموکراتیک‌سازی جامعه، و هم انجام این مهم بدون ایجاد بحران‌های بشردوستانه طولانی‌مدت.

اگرچه مقاومت بدون خشونت همیشه موفق نمی‌شود، اما موفقیتش بسیار بیشتر از آن چیز است که بدگویانش می‌خواهند بدانند.



## ضمائم

### منابع منتخب

#### وب سایت‌ها

Albert Einstein Institution. <https://www.aeinstein.org/>

Beautiful Trouble: A Toolbox for Revolution. <https://beautifultrouble.org/>

BlackOUT Collective. <https://blackoutcollective.org/>

CivilResistance.info. <https://civilresistance.info>

Global Nonviolent Action Database. <https://nvdatabase.swarthmore.edu/>

The International Center on Nonviolent Conflict's Resource Library.

<https://www.nonviolent-conflict.org>

Training for Change. <https://trainingforchange.org/>

Waging Nonviolence. <https://www.wagingnonviolence.org>

منابع راهنمای آموزشی (برای دانلود رایگان PDF بصورت آنلاین موجود

است)

Abujbara, Juman, Andrew Boyd, Dave Mitchell, and Marcel Taminato, eds.

۲۰۱۷. Beautiful Rising: Creative Resistance from the Global South. Portland: O/R

Books.

Bloch, Nadine, and Lisa Schirch. ۲۰۱۹. Synergizing Nonviolent Action and Peacebuilding (SNAP): An Action Guide. Washington, DC: United States Institute of Peace.

Community of Democracies. ۲۰۱۱. The Diplomat's Handbook for Democracy Development and Support, ۲nd edition.

Marovic, Ivan. ۲۰۱۹. The Path of Most Resistance: A Step-by-Step Guide to Planning Nonviolent Campaigns. Washington, DC: International Center on Nonviolent Conflict

Martin, Brian. Backfire Manual: Tactics against Injustice. Sparsnäs, Sweden: Irene Publishing, ۲۰۱۲.

Popovic, Srdja, Slobodan Djinovic, Andrej Miliojevic, Hardy Merriman, and Ivan Marovic. ۲۰۰۷. CANVAS Core Curriculum: A Guide to Effective Nonviolent Struggle. Belgrade: Centre for Applied Nonviolent Action and Strategies.

Wanis-St. John, Anthony, and Noah Rosen. ۲۰۱۷. Negotiating Civil Resistance. Peaceworks Special Report, Washington, DC: United States Institute of Peace

War Resisters' International. ۲۰۱۴. Handbook for Nonviolent Campaigns, ۲nd edition Barcelona: WRI.

فیلم‌های مستند

A Force More Powerful (dir. Steve York, ۲۰۰۰)

- Bringing Down a Dictator (dir. Steve York, ۲۰۰۵)
- Budrus (dir. Julia Bacha, ۲۰۰۹)
- Crip Camp: A Disability Revolution (dir. Nicole Newnham & James LeBrecht, ۲۰۲۰)
- The Edge of Democracy (dir. Petra Costa, ۲۰۱۹)
- Egypt: Revolution Interrupted? (dir. Steve York, ۲۰۱۵)
- How to Survive a Plague (dir. David France, ۲۰۱۲)
- Naila and the Uprising (dir. Julia Bacha, ۲۰۱۸)
- Orange Revolution (dir. Steve York, ۲۰۰۵)
- Pray the Devil Back to Hell (dir. Gini Reticker, ۲۰۰۸)
- The Third Harmony (dir. Michael Nagler, ۲۰۲۰)

### کتابهای بسیار مهم

- Berry, Mary Frances. ۲۰۱۸. *History Teaches Us to Resist: How Progressive Movements Have Succeeded in Challenging Times*. Boston: Beacon Press.
- Carter, April. ۲۰۱۱. *People Power and Political Change: Key Issues and Concepts*. New York: Routledge.
- Engler, Mark, and Paul Engler. ۲۰۱۷. *This Is an Uprising: How Nonviolent Revolt Is Shaping the Twenty-First Century*. New York: Nation Books.
- Fithian, Lisa. ۲۰۱۹. *Shut It Down: Stories from a Fierce, Loving Resistance*. White River Junction, VT: Chelsea Green.

Garza, Alicia. ۲۰۲۰. *How We Come Together When We Fall Apart*. New York: One World.

Gbowee, Leymah. ۲۰۱۱. *Mighty Be Our Powers: How Sisterhood, Prayer, and Sex Changed a Nation at War*. New York: Public Affairs.

Haga, Kazu. ۲۰۱۹. *Healing Resistance: A Radically Different Response to Harm*. Berkeley, CA: Parallax Press.

King, Martin Luther, Jr. ۱۹۶۳. *Letter from a Birmingham Jail*.

[http://www.africa.upenn.edu/Articles\\_Gen/Letter\\_Birmingham.html](http://www.africa.upenn.edu/Articles_Gen/Letter_Birmingham.html).

Kurlansky, Mark. ۲۰۰۶. *Nonviolence: The History of a Dangerous Idea*. New York: Modern Library.

Lewis, John, Andrew Aydin, and Nate Powell. *March: Vols. 1-3*. Marietta, GA: Top Shelf Productions.

Long, Michael G. ۲۰۱۹. *We the Resistance: Documenting a History of Nonviolent Protest in the United States*. San Francisco: City Lights.

Maathai, Wangari. ۲۰۰۷. *Unbowed: A Memoir*. New York: Anchor.

Nepstad, Sharon Erickson. ۲۰۱۵. *Nonviolent Struggle: Theories, Strategies, and Dynamics*. New York: Oxford University Press.

Schell, Jonathan. ۲۰۰۳. *The Unconquerable World: Power, Nonviolence, and the Will of the People*. New York: Metropolitan Books.

Shock, Kurt. ۲۰۱۵. *Civil Resistance Today*. London: Polity Press.

Sharp, Gene. ۲۰۰۵. *Waging Nonviolent Struggle: Twentieth-Century Practice and Twenty-First-Century Potential*. Boston: Porter Sargent.

Solnit, Rebecca. ٢٠٠٤. Hope in the Dark: Untold Histories, Wild Possibilities.  
Chicago: Haymarket.

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۵۶

| کارزار  | مکان                          | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|-------------------------------|------|-------|-------------|------------|
| ملی‌گرایان فلیپین   | فلیپین                        | ۱۸۹۹ | ۱۹۰۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| مقاومت دراویش   | سومالی                        | ۱۸۹۹ | ۱۹۰۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جدایی طلبان بوئر  | آفریقای جنوبی                 | ۱۸۹۹ | ۱۹۰۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| انقلاب آزادیبخش <sup>۱</sup>                                  | ونزوئلا                       | ۱۹۰۱ | ۱۹۰۳  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش آکره   | بولیوی                        | ۱۹۰۲ | ۱۹۰۳  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورشیان سازمان انقلابی داخلی مقدونیه در قیام ایلیندن          | امپراتوری عثمانی              | ۱۹۰۳ | ۱۹۰۳  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام آفریقای جنوب غربی (قیام هررو) نامیبیا/ آفریقای جنوب غربی |                               | ۱۹۰۴ | ۱۹۰۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش بلانکوس  | اروگوئه                       | ۱۹۰۴ | ۱۹۰۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| انقلاب مشروطه ایران   | ایران                         | ۱۹۰۵ | ۱۹۰۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش دهقانان / کارگران  | روسیه                         | ۱۹۰۵ | ۱۹۰۶  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| شورش ماجی ماجی  | تانزانیا / آفریقای شرقی آلمان | ۱۹۰۵ | ۱۹۰۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش زولو (شورش ناتال)  | ناتال <sup>۲</sup>            | ۱۹۰۶ | ۱۹۰۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش فرژکیدس  | مراکش                         | ۱۹۰۷ | ۱۹۰۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش دهقانان  | رومانی                        | ۱۹۰۷ | ۱۹۰۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام مشروطه‌خواهان  | ایران                         | ۱۹۰۸ | ۱۹۰۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورش رادیکال‌ها و لیبرال‌ها                                   | مکزیک                         | ۱۹۱۰ | ۱۹۲۰  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| قیام جمهوری خواهان  | چین                           | ۱۹۱۱ | ۱۹۱۳  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنگ استقلال   | مراکش                         | ۱۹۱۱ | ۱۹۱۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| مبارزات ضداستعمارگری هلند                                     | پاپوای غربی                   | ۱۹۱۱ | ۱۹۴۳  | شکست        | بدون خشونت |
| اولین جنگ استقلال   | تبت                           | ۱۹۱۲ | ۱۹۱۳  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| جنبش استقلال برمه   | برمه (میانمار)                | ۱۹۱۶ | ۱۹۳۸  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش یونان <sup>۳</sup>                                       | چین                           | ۱۹۱۶ | ۱۹۱۸  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| شورش دومینیکن‌ها  | جمهوری دومینیکن               | ۱۹۱۶ | ۱۹۲۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام اورگون   | روسیه                         | ۱۹۱۶ | ۱۹۱۷  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| قیام اعراب  | ترکیه                         | ۱۹۱۶ | ۱۹۱۸  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| ضد بلشویک‌ها  | روسیه                         | ۱۹۱۷ | ۱۹۲۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| انقلاب روسیه  | روسیه                         | ۱۹۱۷ | ۱۹۱۷  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| انقلاب استقلال مصر  | مصر                           | ۱۹۱۸ | ۱۹۲۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورشیان کمونیست   | فنلاند                        | ۱۹۱۸ | ۱۹۱۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام کاکو   | هاییتی                        | ۱۹۱۸ | ۱۹۲۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| سومین جنگ افغان - انگلیس                                      | افغانستان                     | ۱۹۱۹ | ۱۹۱۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش چهارم می   | چین                           | ۱۹۱۹ | ۱۹۱۹  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| قیام علیه مانوئل استرادا کابرا                                | گواتمالا                      | ۱۹۱۹ | ۱۹۲۰  | موفقیت      | بدون خشونت |

۱ - La Revolucion Libertador

۲ - ناتال یا مستعمره ناتال یکی از مستعمرات بریتانیا در جنوب غربی آفریقا بود که در سال ۱۸۴۳ به استعمار این کشور درآمد و در ۱۹۱۰ همراه با سه مستعمره دیگر، اتحادیه آفریقای جنوبی (بعد‌ها کشور آفریقای جنوبی) را بوجود آوردند. اکثر ساکنین این منطقه از قومیت زولو بودند. م.

| کارزار                                    | مکان           | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|----------------|------|-------|-------------|------------|
| جنبش ضد کمونیستی (سفیدها)                 | مجارستان       | ۱۹۱۹ | ۱۹۲۰  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش استقلال هند                          | هند            | ۱۹۱۹ | ۱۹۴۷  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| شورشیان عراقی                             | عراق           | ۱۹۲۰ | ۱۹۲۰  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| جنگ ایتالیا - لیبی (سانوسی)               | لیبی           | ۱۹۲۰ | ۱۹۳۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش غلبه قیومیت انگلیس                   | فلسطین         | ۱۹۲۰ | ۱۹۳۶  | شکست        | بدون خشونت |
| جنگ سوریه - فرانسه                        | سوریه          | ۱۹۲۰ | ۱۹۲۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش کوچگری کردستان (انجمن تعالی کردستان) | ترکیه          | ۱۹۲۰ | ۱۹۲۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش دهقانان در تا (قیام تامبوف)          | اتحاد شوروی    | ۱۹۲۰ | ۱۹۲۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش موپلا                                | هند            | ۱۹۲۱ | ۱۹۲۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش ریفیان                               | مراکش          | ۱۹۲۱ | ۱۹۲۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش اتحادیه ارضی                         | بلغارستان      | ۱۹۲۳ | ۱۹۲۳  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش روهرکامیف                            | آلمان          | ۱۹۲۳ | ۱۹۲۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورشیان تحت رهبری هوئرتا                  | مکزیک          | ۱۹۲۳ | ۱۹۲۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش ضد اصلاحات                           | افغانستان      | ۱۹۲۴ | ۱۹۲۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش محافظه‌کار                           | هندوراس        | ۱۹۲۴ | ۱۹۲۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام شیخ سعید                             | ترکیه          | ۱۹۲۴ | ۱۹۲۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام دروزی‌ها                             | لبنان          | ۱۹۲۵ | ۱۹۲۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| چریک‌های نیکاراگوئه                       | نیکاراگوئه     | ۱۹۲۵ | ۱۹۳۲  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورش کریستروس                             | مکزیک          | ۱۹۲۶ | ۱۹۲۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش کمونیستی چین                         | چین            | ۱۹۲۷ | ۱۹۴۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورش تحت رهبری گونزالو اسکوبار            | مکزیک          | ۱۹۲۹ | ۱۹۲۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش اخوان                                | عربستان سعودی  | ۱۹۲۹ | ۱۹۳۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش سایا سان                             | برمه (میانمار) | ۱۹۳۰ | ۱۹۳۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه رژیم کارلوس ایبازن            | شیلی           | ۱۹۳۱ | ۱۹۳۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| چریک‌های منچوری                           | چین            | ۱۹۳۱ | ۱۹۴۱  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| قیام پائولیستاها                          | برزیل          | ۱۹۳۲ | ۱۹۳۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش چپ‌گرایان                            | السالوادور     | ۱۹۳۲ | ۱۹۳۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورشیان آپریستا                           | پرو            | ۱۹۳۲ | ۱۹۳۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام سوسیالیست‌ها                         | اتریش          | ۱۹۳۴ | ۱۹۳۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام معدنچیان اتریشی                      | اسپانیا        | ۱۹۳۴ | ۱۹۳۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش‌های آسیای مرکزی                      | اتحاد شوروی    | ۱۹۳۴ | ۱۹۳۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام عرب‌های فلسطینی                      | فلسطین         | ۱۹۳۶ | ۱۹۳۹  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| فاشیست‌ها                                 | اسپانیا        | ۱۹۳۶ | ۱۹۳۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورش‌های چین                              | چین            | ۱۹۳۷ | ۱۹۴۵  | شکست        | خشونت‌آمیز |

## (۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۵۸

| کارزار  | مکان                     | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|--------------------------|------|-------|-------------|------------|
| جنبش استقلال کنیا   | کنیا                     | ۱۹۳۸ | ۱۹۳۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| مقاومت دانمارکی‌ها  | دانمارک                  | ۱۹۴۰ | ۱۹۴۳  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| مقاومت فرانسوی‌ها   | فرانسه                   | ۱۹۴۰ | ۱۹۴۴  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| مقاومت نروژی‌ها   | نروژ                     | ۱۹۴۰ | ۱۹۴۵  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| قیام مالایی‌های فلیپین  | فلیپین                   | ۱۹۴۱ | ۱۹۴۵  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| مقاومت بلاروسی‌ها   | اتحاد شوروی              | ۱۹۴۱ | ۱۹۴۵  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| مقاومت بالکان   | یوگسلاوی                 | ۱۹۴۱ | ۱۹۴۵  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| مقاومت یونانی‌ها  | یونان                    | ۱۹۴۳ | ۱۹۴۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| مقاومت ایتالیایی‌ها   | ایتالیا                  | ۱۹۴۳ | ۱۹۴۵  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام علیه ژنرال آگیره به سالیناس <sup>۱</sup>                                       | السالوادور               | ۱۹۴۴ | ۱۹۴۵  | شکست        | بدون خشونت |
| اعتراضات جنبش سلاح‌های آویخته   | السالوادور               | ۱۹۴۴ | ۱۹۴۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| انقلابیون اکتبر   | گواتمالا                 | ۱۹۴۴ | ۱۹۴۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش دمکراسی خواهی هندوراس  | هندوراس                  | ۱۹۴۴ | ۱۹۴۴  | شکست        | بدون خشونت |
| حزب لیبرال مستقل  | نیکاراگوئه               | ۱۹۴۴ | ۱۹۴۴  | شکست        | بدون خشونت |
| مقاومت لهستانی‌ها   | لهستان                   | ۱۹۴۴ | ۱۹۴۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش شیفتا  | اریتره                   | ۱۹۴۵ | ۱۹۵۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام متساواندا <sup>۲</sup><br>(برادران جنگل، کارزار ضد اشغالگری استونیایی‌ها)      | استونی                   | ۱۹۴۵ | ۱۹۵۳  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام اندونزیایی‌ها  | اندونزی                  | ۱۹۴۵ | ۱۹۴۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| حزب دمکرات کردستان ایران<br>(اولین جنبش جدایی طلبانه)                               | ایران                    | ۱۹۴۵ | ۱۹۴۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام میزا برالی <sup>۳</sup><br>(برادران جنگل، کارزار ضد اشغالگری لتونیایی‌ها)      | لتونی                    | ۱۹۴۵ | ۱۹۵۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام میشکو برولیای <sup>۴</sup><br>(برادران جنگل، کارزار ضد اشغالگری لیتوانیایی‌ها) | لیتوانی                  | ۱۹۴۵ | ۱۹۵۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش استقلال  | نیجریه                   | ۱۹۴۵ | ۱۹۵۰  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| مقاومت یهودی‌ها   | سرزمین‌های اشغالی فلسطین | ۱۹۴۵ | ۱۹۴۸  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| قیام هندوچین <sup>۵</sup>   | ویتنام                   | ۱۹۴۵ | ۱۹۵۴  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش انقلابی مردمی  | بولیوی                   | ۱۹۴۶ | ۱۹۴۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش استقلال کامبوج   | کامبوج                   | ۱۹۴۶ | ۱۹۵۴  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش کمونیستی یونان   | یونان                    | ۱۹۴۶ | ۱۹۴۹  | شکست        | بدون خشونت |
| جنگ داخلی یونان   | یونان                    | ۱۹۴۶ | ۱۹۴۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش دمکراسی خواهی  | هائیتی                   | ۱۹۴۶ | ۱۹۴۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| قیام یونانرا - وایلزار <sup>۶</sup>   | هند                      | ۱۹۴۶ | ۱۹۴۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اعتصابات تریسته   | ایتالیا                  | ۱۹۴۶ | ۱۹۴۶  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |

۱ - Aguirre y Salinas

۲ - Metsavennad

۳ - Meza Brali

۴ - Mikso Broliini

۶ - Punnapra - Vayalar

۵- شبه جزیره ای در جنوب شرقی آسیا شامل برمه ، لاتوس ، تایلند ، کامبوج ، ویتنام و مالزی - م



| کارزار                               | مکان            | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|--------------------------------------|-----------------|------|-------|-------------|------------|
| جنبش استقلال لائوس                   | لائوس           | ۱۹۴۶ | ۱۹۴۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورش هوکبالاهاپ                      | فیلیپین         | ۱۹۴۶ | ۱۹۵۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام اوکراینی‌ها                     | اتحاد شوروی     | ۱۹۴۶ | ۱۹۵۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام تایوانی‌ها                      | چین             | ۱۹۴۷ | ۱۹۴۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه رژیم تئودور بیگادو       | کاستاریکا       | ۱۹۴۷ | ۱۹۴۷  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| شورش ماداگاسکاری‌ها علیه فرانسه      | ماداگاسکار      | ۱۹۴۷ | ۱۹۴۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش چپ‌گرایان                       | پاراگوئه        | ۱۹۴۷ | ۱۹۴۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش کارن‌ها                         | برمه (میانمار)  | ۱۹۴۸ | ۱۹۹۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورشیان کاجین                        | برمه (میانمار)  | ۱۹۴۸ | ۱۹۹۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| لا ویولنسیا / لیبرال‌های ۱۹۴۹        | کلمبیا          | ۱۹۴۸ | ۱۹۵۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| حذب اتحاد ملی                        | کاستاریکا       | ۱۹۴۸ | ۱۹۴۸  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جبهه مردمی تیلانگانا                 | هند             | ۱۹۴۸ | ۱۹۵۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| مبارزین حیدرآباد                     | هند             | ۱۹۴۸ | ۱۹۴۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| وضعیت اضطراری مالایی                 | مالزی           | ۱۹۴۸ | ۱۹۶۰  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| قیام خانواده یحیی                    | جمهوری عربی یمن | ۱۹۴۸ | ۱۹۴۸  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنگ تبت و چین                        | چین             | ۱۹۵۰ | ۱۹۵۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام مولوکان‌ها                      | اندونزی         | ۱۹۵۰ | ۱۹۵۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اولین جنبش پات لائو                  | لائوس           | ۱۹۵۰ | ۱۹۵۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| انقلاب سفید                          | لبنان           | ۱۹۵۱ | ۱۹۵۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش چپ‌گرایان                       | بولیوی          | ۱۹۵۲ | ۱۹۵۲  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| قیام مانو مانو                       | کنیا            | ۱۹۵۲ | ۱۹۵۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اولین کارزار نافرمانی                | آفریقای جنوبی   | ۱۹۵۲ | ۱۹۶۱  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش استقلال تونس                    | تونس            | ۱۹۵۲ | ۱۹۵۴  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| خیزش مردمی آلمان شرقی                | آلمان شرقی      | ۱۹۵۳ | ۱۹۵۳  | شکست        | بدون خشونت |
| شورشیان دارالسلام                    | اندونزی         | ۱۹۵۳ | ۱۹۵۳  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنگ استقلال مراکش                    | مراکش           | ۱۹۵۳ | ۱۹۵۶  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| قیام الجزایری‌ها / جبهه آزادیبخش ملی | الجزایر         | ۱۹۵۴ | ۱۹۶۲  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| سازمان ملی مبارزان قبرس <sup>۱</sup> | قبرس            | ۱۹۵۴ | ۱۹۵۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش محافظه‌کار                      | گوآتمالا        | ۱۹۵۴ | ۱۹۵۴  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| انقلاب آزادیبخش <sup>۲</sup>         | آرژانتین        | ۱۹۵۵ | ۱۹۵۵  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش ضد استعماری                     | کامرون          | ۱۹۵۵ | ۱۹۶۰  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش حزب کنوانسیون خلق               | غنا             | ۱۹۵۵ | ۱۹۵۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| قیام بمبئی‌ها                        | بمبئی           | ۱۹۵۵ | ۱۹۵۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |

۱ - La Violencia

۲ - Ethniki Organosis Kyprios Agoniston

۳ - Revolucion Libertadora

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۶۰

| کارزار   | مکان                         | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|--|------------------------------|------|-------|-------------|------------|
| جنبش صد گل   | چین                          | ۱۹۵۶ | ۱۹۵۷  | شکست        | بدون خشونت |
| مقاومت تبتی‌ها   | چین                          | ۱۹۵۶ | ۱۹۵۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش علیه پاتول ماگلولی  | هائیتی                       | ۱۹۵۶ | ۱۹۵۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش ضد کمونیستی مجارستان  | مجارستان                     | ۱۹۵۶ | ۱۹۵۶  | شکست        | بدون خشونت |
| قیام ضد شوروی مجارها   | مجارستان                     | ۱۹۵۶ | ۱۹۵۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش ناگا  | هند                          | ۱۹۵۶ | ۲۰۱۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام چپ‌گرایان   | اندونزی                      | ۱۹۵۶ | ۱۹۶۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام ناگا  | برمه (میانمار)               | ۱۹۵۶ | ۲۰۱۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات پوزنان  | لهستان                       | ۱۹۵۶ | ۱۹۵۶  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جنبش استقلال روآندا  | روآندا                       | ۱۹۵۶ | ۱۹۶۲  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات گرچی‌ها علیه خروشچف                                     | اتحاد شوروی                  | ۱۹۵۶ | ۱۹۵۶  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش ضد رژیم گوستاوو روخاس                                       | کلمبیا                       | ۱۹۵۷ | ۱۹۵۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| نبرد ایفنی   | مراکش                        | ۱۹۵۷ | ۱۹۵۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| انقلاب کوبا  | کوبا                         | ۱۹۵۸ | ۱۹۵۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| چپ‌گرایان (علیه رژیم کمیل شمعون)                                 | لبنان                        | ۱۹۵۸ | ۱۹۵۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کنگره آفریقایی نیاسالندا <sup>۱</sup>                            | مالاوی                       | ۱۹۵۸ | ۱۹۵۹  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم مارکوس خیومیز                                   | ونزوئلا                      | ۱۹۵۸ | ۱۹۵۸  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش استقلال کنگو  | جمهوری دموکراتیک کنگو        | ۱۹۵۹ | ۱۹۶۰  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| شورش قبیله شمر و افسران هوادار غرب                               | عراق                         | ۱۹۵۹ | ۱۹۵۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| دومین جنبش پانت لائو   | لائوس                        | ۱۹۵۹ | ۱۹۷۵  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش کامرونی‌ها علیه رژیم احمدو اچیدجو کامرون                    | کامرون                       | ۱۹۶۰ | ۱۹۷۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کارزار ضد رژیم خوزه ماریا لموس                                   | السالوادور                   | ۱۹۶۰ | ۱۹۶۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| ملی‌گرایان فرانسوی   | سائو <sup>۲</sup> / فرانسه   | ۱۹۶۰ | ۱۹۶۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه حکومت نوبوسوکه کیشی                                  | زاین                         | ۱۹۶۰ | ۱۹۶۰  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| انقلاب دانشجویی  | کره جنوبی                    | ۱۹۶۰ | ۱۹۶۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات به رهبری دانشجویان جهت تغییر رژیم ترکیه                 | ترکیه                        | ۱۹۶۰ | ۱۹۶۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش ویتنام شمالی (جبهه آزادیبخش ملی) ویتنام                     | ویتنام                       | ۱۹۶۰ | ۱۹۷۵  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورش چپ‌گرایان کاتانگا زئیر / جمهوری دموکراتیک کنگو <sup>۳</sup> | زئیر / جمهوری دموکراتیک کنگو | ۱۹۶۰ | ۱۹۶۵  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش مردمی برای آزادسازی آنگولا                                  | آنگولا                       | ۱۹۶۱ | ۱۹۷۴  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات و اعتصاب علیه حکومت خواکین بالاکو جمهوری دومینکن        | جمهوری دومینکن               | ۱۹۶۱ | ۱۹۶۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| قیام کردها   | عراق                         | ۱۹۶۱ | ۱۹۷۰  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| جنبش ضد اشغالگری ویتنام شمالی (جبهه آزادیبخش ملی)                | ویتنام                       | ۱۹۶۱ | ۱۹۷۵  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |

۱ - نیاسالندا نام سابق کشور مالاوی میباشد که در ۵۲۲۱ تغییر یافت - م

۲ - زئیر یا جمهوری زئیر نام سابق جمهوری دموکراتیک کنگو از ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۷ بوده است - م

| کارزار  | مکان                  | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|-----------------------|------|-------|-------------|------------|
| جنبش استقلال زامبیا   | زامبیا                | ۱۹۶۱ | ۱۹۶۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| قیام رهبران شورشی سابق  | الجزایر               | ۱۹۶۲ | ۱۹۶۳  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| انقلاب برونی  | برونی                 | ۱۹۶۲ | ۱۹۶۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش علیه رژیم میگوئل بدیگوراس  | گوآتمالا              | ۱۹۶۲ | ۱۹۶۲  | شکست        | بدون خشونت |
| جبهه آزادیبخش موزامبیک  | موزامبیک              | ۱۹۶۲ | ۱۹۷۵  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جبهه مردمی آزادسازی عمان و خلیج عربی <sup>۱</sup>   | عمان                  | ۱۹۶۲ | ۱۹۷۶  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| دومین جنبش جدایی طلبان بلوچستان   | پاکستان               | ۱۹۶۲ | ۱۹۶۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| (FALN) نیروهای مسلح آزادیبخش ملی و نژوتلا   |                       | ۱۹۶۲ | ۱۹۶۵  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش سلطنت طلبان  | جمهوری عربی یمن       | ۱۹۶۲ | ۱۹۶۹  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات ضد حکومتی بنین   | بنین                  | ۱۹۶۳ | ۱۹۶۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش حزب آفریقایی برای استقلال گینه و کیپ ورد <sup>۲</sup> گینه بیسائو  |                       | ۱۹۶۳ | ۱۹۷۴  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورش واتوسی   | روآندا                | ۱۹۶۳ | ۱۹۶۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات ۱۹۶۳ بودایی ها   | ویتنام جنوبی          | ۱۹۶۳ | ۱۹۶۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش آتیا نیا   | سودان                 | ۱۹۶۳ | ۱۹۷۲  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| شورشیان توپاماروس   | اروگوئه               | ۱۹۶۳ | ۱۹۷۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش جبهه آزادیبخش یمن جنوبی اشغالی <sup>۳</sup> و جبهه آزادیبخش ملی <sup>۴</sup> در عدن (علیه اشغالگری بریتانیا) | یمن                   | ۱۹۶۳ | ۱۹۶۷  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات ضد حکومتی بولیوی   | بولیوی                | ۱۹۶۴ | ۱۹۶۴  | شکست        | بدون خشونت |
| نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا [فارک] <sup>۵</sup> ارتش آزادی بخش ملی، ام-۱۹ <sup>۶</sup>                            | کلمبیا                | ۱۹۶۴ | ۲۰۱۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش شورای آزادیبخش ملی <sup>۷</sup>  | جمهوری دموکراتیک کنگو | ۱۹۶۴ | ۱۹۶۵  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جدایی طلبان جنبش آزادسازی مناطق مرزی شمالی <sup>۸</sup>   | کنیا                  | ۱۹۶۴ | ۱۹۶۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات ۱۹۶۴ علیه حکومت نگوبن خان ویتنام جنوبی   | ویتنام جنوبی          | ۱۹۶۴ | ۱۹۶۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت ترن ون هونگ   | ویتنام جنوبی          | ۱۹۶۴ | ۱۹۶۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| انقلاب اکتبر  | سودان                 | ۱۹۶۴ | ۱۹۶۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| قیام چپگراییان  | جمهوری دومینیکن       | ۱۹۶۵ | ۱۹۶۵  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کارزار ۱۹۶۵ علیه خونتای نظامی   | اکوادور               | ۱۹۶۵ | ۱۹۶۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات برجسته یونانی ها   | یونان                 | ۱۹۶۵ | ۱۹۶۶  | شکست        | بدون خشونت |
| شورشیان کمونیست   | تایلند                | ۱۹۶۵ | ۱۹۸۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورشیان پاپوای غربی   | پاپوای غربی           | ۱۹۶۵ | ۱۹۷۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش جبهه آزادیبخش ملی چاد(فرولینات) <sup>۹</sup>   | چاد                   | ۱۹۶۶ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورشیان مارکسیست (حزب اتحاد انقلابیون ملی‌گرای گوآتمالا) <sup>۱۰</sup>  | گوآتمالا              | ۱۹۶۶ | ۱۹۹۶  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |

۱- ادعای کدیبه که در برخی از کشورهای عربی در مورد خلیج فارس وجود دارد-م

۲- African Party for the Independence of Guinea and Cape Verde (PAIGC)

۳- Front for the Liberation of Occupied South Yemen (FLOSY)

۴- National Liberation Front (NLF)

۵- The ۱۹th of April Movement

۶- Conseil National de Liberation (CNL)

۷- Northern Frontier Districts Liberation Movement (NFDLM)

۸- FROLINAT (Front de liberation nationale du Tchad/ National Liberation Front of Chad)

۹- The Guatemalan National Revolutionary Unity ( Unidad Revolucionaria Nacional Guatemalteca: URNG)

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۶۶۲

| کارزار                                    | مکان          | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|---------------|------|-------|-------------|------------|
| قیام میزو                                 | هند           | ۱۹۶۶ | ۱۹۸۶  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات ۱۹۶۶-۱۹۶۷ علیه نگوین کانوکی      | ویتنام جنوبی  | ۱۹۶۶ | ۱۹۶۷  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش علیه حکومت نظامی                     | ویتنام جنوبی  | ۱۹۶۶ | ۱۹۶۶  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش قبیله بوگاندا                        | اوگاندا       | ۱۹۶۶ | ۱۹۶۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| انقلاب فرهنگی ارتش سرخ                    | چین           | ۱۹۶۷ | ۱۹۶۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش ناکسالیست                            | هند           | ۱۹۶۷ | ۱۹۷۱  | در جریان    | خشونت‌آمیز |
| شورشیان بیافرا                            | نیجریه        | ۱۹۶۷ | ۱۹۷۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| خیزش چک‌ها                                | چکسلواکی      | ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸  | شکست        | بدون خشونت |
| ارتش آزادیبخش ایرلند / ملی‌گرایان ایرلندی | ایرلند شمالی  | ۱۹۶۸ | ۱۹۹۸  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه حکومت محمد ایوب خان           | پاکستان       | ۱۹۶۸ | ۱۹۶۹  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جبهه آزادیبخش ملی مورو                    | فیلیپین       | ۱۹۶۸ | ۱۹۸۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اولین جنبش ضد کمونیستی لهستانی‌ها         | لهستان        | ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش گروه جدایی طلب ایتا                  | اسپانیا       | ۱۹۶۸ | ۲۰۱۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات دانشجویی                         | یوگسلاوی      | ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| خمرهای سرخ                                | کامبوج        | ۱۹۷۰ | ۱۹۷۵  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورش ناکسالیست                            | هند           | ۱۹۷۰ | ۱۹۷۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| مبارزان فلسطینی                           | اردن          | ۱۹۷۰ | ۱۹۷۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| دومین جنبش ضد کمونیستی لهستانی‌ها         | لهستان        | ۱۹۷۰ | ۱۹۷۰  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد حکومتی                        | ترکیه         | ۱۹۷۰ | ۱۹۷۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| ملی‌گرایان کرواسی                         | یوگسلاوی      | ۱۹۷۰ | ۱۹۷۱  | شکست        | بدون خشونت |
| قیام بنگالی‌ها                            | پاکستان       | ۱۹۷۱ | ۱۹۷۱  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| شورش جبهه آزادیبخش خلق <sup>۱</sup>       | سريلانکا      | ۱۹۷۱ | ۱۹۷۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش هوتو‌ها                              | بوروندی       | ۱۹۷۲ | ۱۹۷۳  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه حکومت فیلیپرت سیرانانا        | ماداگاسکار    | ۱۹۷۲ | ۱۹۷۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| ارتش جدید خلق                             | فیلیپین       | ۱۹۷۲ | ۱۹۹۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش اتحادیه خلق آفریقایی زیمبابوه        | زیمبابوه      | ۱۹۷۲ | ۱۹۷۹  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| ارتش انقلابی خلق <sup>۲</sup> / مونتروها  | آرژانتین      | ۱۹۷۳ | ۱۹۷۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورشیان تحت رهبری آگوستو پینوشه           | شیلی          | ۱۹۷۳ | ۱۹۷۳  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش خودمختاری اورومیا                    | اتیوپی        | ۱۹۷۳ | ۲۰۱۸  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| جنبش ضد نظامیان یونانی‌ها                 | یونان         | ۱۹۷۳ | ۱۹۷۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| سومین جنبش جدایی طلبانه بلوچستان          | پاکستان       | ۱۹۷۳ | ۱۹۷۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش آزادیبخش فلسطین                      | فلسطین اشغالی | ۱۹۷۳ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت‌آمیز |

۱ - ETA (Euskadi Ta Askatasuna). باسک میهن‌آزادی.

۲ - Janathā Vimukthi Peramunā (People's Liberation Front)

۳ People's Revolutionary Army (ERP)

| کارزار  | مکان                        | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|-----------------------------|------|-------|-------------|------------|
| انقلاب میخک   | پرتغال                      | ۱۹۷۳ | ۱۹۷۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات دانشجویی                                       | تایلند                      | ۱۹۷۳ | ۱۹۷۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورشیان تحت رهبری اریتره                                | اتیوپی                      | ۱۹۷۴ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات ۱۹۷۴-۱۹۷۵ علیه نگوبین ون تیبو ویتنام جنوبی     |                             | ۱۹۷۴ | ۱۹۷۵  | شکست        | بدون خشونت |
| یونینا(اتحاد ملی برای استقلال کامل انگولا) <sup>۱</sup> | انگولا                      | ۱۹۷۵ | ۲۰۰۲  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| شورش فرتلین <sup>۲</sup>                                | تیمور شرقی                  | ۱۹۷۵ | ۱۹۷۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه ایندیرا گاندی                               | هند                         | ۱۹۷۵ | ۱۹۷۵  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش آزادسازی آچه <sup>۳</sup>                          | اندونزی                     | ۱۹۷۵ | ۲۰۰۵  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| شورش چیگرایان   | لبنان                       | ۱۹۷۵ | ۱۹۹۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش آزاد سازی صحرائی غربی(پولیساریو) <sup>۴</sup>      | صحرائی غربی                 | ۱۹۷۵ | ۱۹۸۹  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| شورش شانتی باهینی                                       | بنگلادش                     | ۱۹۷۶ | ۱۹۹۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش دموکراسی   | چین                         | ۱۹۷۶ | ۱۹۷۹  | شکست        | بدون خشونت |
| شورشیان سومالی(اوکادن)                                  | اتیوپی                      | ۱۹۷۶ | ۱۹۸۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| سواپو(سازمان خلق آفریقای جنوب غربی) <sup>۵</sup>        | نامیبیا                     | ۱۹۷۶ | ۱۹۸۸  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| خیزش کارگران ورشو                                       | لهستان                      | ۱۹۷۶ | ۱۹۷۶  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی                                     | آرژانتین                    | ۱۹۷۷ | ۱۹۸۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار استقلال طلبی                                     | آروبا                       | ۱۹۷۷ | ۱۹۷۷  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش بولیویایی ها علیه خونتاهای نظامی                   | بولیوی                      | ۱۹۷۷ | ۱۹۸۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش السالوادوری ها علیه خونتای نظامی السالوادور        |                             | ۱۹۷۷ | ۱۹۸۰  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه ایندیرا گاندی(مرحله سوم)                    | هند                         | ۱۹۷۷ | ۱۹۷۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| انقلاب ایران  | ایران                       | ۱۹۷۷ | ۱۹۷۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه بی نظیر بوئو                                | پاکستان                     | ۱۹۷۷ | ۱۹۷۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جبهه آزادیبخش ملی کنگو <sup>۶</sup>                     | زئیر/ جمهوری دموکراتیک کنگو | ۱۹۷۷ | ۱۹۷۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| قیام افغانها  | افغانستان                   | ۱۹۷۸ | ۱۹۷۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جبهه متحد کامبوجی برای نجات ملی                         | کامبوج                      | ۱۹۷۸ | ۱۹۷۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنگ صد روزه   | لبنان                       | ۱۹۷۸ | ۱۹۷۸  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات علیه رژیم آناستازو سومورا                      | نیکاراگوئه                  | ۱۹۷۸ | ۱۹۷۸  | شکست        | بدون خشونت |
| جبهه آزادیبخش ملی ساندریستا <sup>۷</sup>                | نیکاراگوئه                  | ۱۹۷۸ | ۱۹۷۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| قیام کردها  | ترکیه                       | ۱۹۷۸ | ۱۹۹۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| دومین شورش خمرهای سرخ                                   | کامبوج                      | ۱۹۷۹ | ۱۹۹۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جبهه آزادیبخش ملی فارابوندو مارتی <sup>۸</sup>          | السالوادور                  | ۱۹۷۹ | ۱۹۹۱  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| شورش مانیبور  | هند                         | ۱۹۷۹ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت‌آمیز |

۱- UNITA (National Union for the Total Independence of Angola / União Nacional para a Independência Total de Angola)

۲- The Revolutionary Front for an Independent East Timor (Portuguese: Frente Revolucionária de Timor-Leste Independente)

۳- The Free Aceh Movement یا (GAM) اندونزیایی

۴- POLISARIO

۵- South West Africa People's Organization (SWAPO)

۶- FLNC (Front de libération nationale congolaise/ Congolese National Liberation Front)

۷- FSLN (Sandinista National Liberation Front)

۸- Farabundo Marti National Liberation Front (FMLN)

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۶۶۴

| کارزار  | مکان        | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|-------------|------|-------|-------------|------------|
| شورش حزب دموکرات کردستان ایران <sup>۱</sup>                             | ایران       | ۱۹۷۹ | ۱۹۹۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| رانامو (جبهه مقاومت ملی موزامبیک) <sup>۲</sup>                          | موزامبیک    | ۱۹۷۹ | ۱۹۹۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات کراهی‌ها علیه خوننای نظامی                                     | کره جنوبی   | ۱۹۷۹ | ۱۹۸۰  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی تایوان  | تایوان      | ۱۹۷۹ | ۱۹۸۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| مبارزات خودمختاری پایوای غربی (گینه نو) پایوای غربی                     | پاپوآی غربی | ۱۹۷۹ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| شورش جبهه آزادیبخش ملی  | یمن         | ۱۹۷۹ | ۱۹۸۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش ضد اشغالگری شوری (خیزش سوم حوت) افغانستان                          | افغانستان   | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۰  | شکست        | بدون خشونت |
| مقاومت افغان‌ها   | افغانستان   | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۹  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| بنیادگرایان مسلمان  | نیجریه      | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش سندریستا (سندرو لومینوسو) <sup>۳</sup> مسیر درخشان                 | پرو         | ۱۹۸۰ | ۲۰۱۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش همبستگی  | لهستان      | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| قیام اخوان المسلمین   | سوریه       | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| ارتش مقاومت ملی   | اوگاندا     | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۶  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| مجاهدین   | ایران       | ۱۹۸۱ | ۲۰۰۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| مقاومت دروزی‌ها   | اسرائیل     | ۱۹۸۱ | ۱۹۸۲  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| شورش کنترها   | نیکاراگوئه  | ۱۹۸۱ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| جنبش ملی‌گرای کوزوو آلبانی  | یوگسلاوی    | ۱۹۸۱ | ۱۹۸۱  | شکست        | بدون خشونت |
| جبهه آزادیبخش تیگرای  | اتیوپی      | ۱۹۸۲ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| حزب الله  | لبنان       | ۱۹۸۲ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| کارزار جدایی‌طلبی جنبش نیروهای دموکراتیک در کارامانس <sup>۴</sup> سنگال | سنگال       | ۱۹۸۲ | ۱۹۸۳  | شکست        | بدون خشونت |
| مناقشه کارامانس   | سنگال       | ۱۹۸۲ | ۲۰۱۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| دسته‌بندی‌های قبیله‌ای؛ جنبش ملی سومالی                                 | سومالی      | ۱۹۸۲ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات دانشجویی علیه جان دوو هوان                                     | کره جنوبی   | ۱۹۸۲ | ۱۹۸۷  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم پینوشه   | شیلی        | ۱۹۸۳ | ۱۹۸۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی   | پاکستان     | ۱۹۸۳ | ۱۹۸۳  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش قدرت مردم  | فیلیپین     | ۱۹۸۳ | ۱۹۸۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| بیرهای آزادیبخش تامیل ایلام (بیرهای تامیل) <sup>۵</sup> سرلانکا         | سرلانکا     | ۱۹۸۳ | ۲۰۰۹  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش ارتش آزادیبخش خلق سودان شاخه گارانگ                                | سودان       | ۱۹۸۳ | ۲۰۰۵  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه رژیم دزی بوترس  | سورینام     | ۱۹۸۳ | ۱۹۸۴  | شکست        | بدون خشونت |
| چریکهای اتحادیه خلق آفریقای زیمبابوه - جبهه میهنی زیمبابوه              | زیمبابوه    | ۱۹۸۳ | ۱۹۸۷  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| جنبش حالاً مستقیم <sup>۶</sup>  | برزیل       | ۱۹۸۴ | ۱۹۸۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| مبارزات استقلال‌طلبی اوگادن   | اتیوپی      | ۱۹۸۴ | ۲۰۱۸  | در جریان    | خشونت‌آمیز |

۱- Kurdish Democratic Party of Iran (KDPI)

۲- (RENAMO) Resistencia Nacional Moçambicana/ Mozambican National Resistance

۳- Sendero Luminoso

۴- MFDC

۵- Liberation Tigers of Tamil Eelam (LTTE)

۶- Diretas ja

| کارزار  | مکان            | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|-----------------|------|-------|-------------|------------|
| شورش سبک‌ها                                     | هند             | ۱۹۸۴ | ۱۹۹۴  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| دومین کارزار نافرمانی آفریقای جنوبی             | آفریقای جنوبی   | ۱۹۸۴ | ۱۹۹۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات اروگوئه‌ای‌ها علیه دولت نظامی          | اروگوئه         | ۱۹۸۴ | ۱۹۸۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم هرنان سیلیس رزوا <sup>۱</sup>  | بولیوی          | ۱۹۸۵ | ۱۹۸۵  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم ژان کلود دوآلیه <sup>۲</sup>   | هائیتی          | ۱۹۸۵ | ۱۹۸۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| قیام استقلال طلبی آسام                          | هند             | ۱۹۸۵ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت‌آمیز |
| جدایی طلبان کرد علیه رژیم صدام حسین             | عراق            | ۱۹۸۵ | ۱۹۹۱  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات علیه جعفر نمیری                        | سودان           | ۱۹۸۵ | ۱۹۸۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار استقلال طلبی بودولند (جدایی طلبی)        | هند             | ۱۹۸۶ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت‌آمیز |
| کارزار استقلال طلبی گرجا                        | هند             | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۶  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار ۱۹۸۶-۱۹۸۷ خالیستان                       | هند             | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۷  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم ژنرال ضیاء الحق                | پاکستان         | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۶  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار کره‌ای‌ها علیه رژیم نظامی                | کره جنوبی       | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| ارتش مقاومت خداوند <sup>۳</sup>                 | اوگاندا         | ۱۹۸۶ | ۲۰۱۷  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| چپگرایان  | جمهوری خلق یمین | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۶  | موفقیت نسبی | خشونت‌آمیز |
| کارزار آرزانتینی‌ها علیه کودتا                  | آرزانتین        | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت حسین محمد ارشاد               | بنگلادش         | ۱۹۸۷ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| انقلاب آواز                                     | استونی          | ۱۹۸۷ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار هندو-فیجی‌ها علیه کودتا                  | فیجی            | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۷  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت ائتلافی                       | فیجی            | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۷  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه شورای حکومتی ملی <sup>۴</sup>       | هائیتی          | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۷  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه سلطه حزب انقلابی نهادی <sup>۵</sup> | مکزیک           | ۱۹۸۷ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| انتفاضه اول                                     | فلسطین          | ۱۹۸۷ | ۱۹۹۰  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم مانوئل نوریگا                  | پاناما          | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۹  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش علیه رژیم چائوشکو                          | رومانی          | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۹  | شکست        | بدون خشونت |
| جانانا ویمونکی پرامونا (جبهه آزادیبخش خلق) دوم  | سرلانکا         | ۱۹۸۷ | ۱۹۹۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش استقلال تبت                                | تبت             | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۹  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش ارتش خلق اوگاندا                           | اوگاندا         | ۱۹۸۷ | ۱۹۹۲  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| جنبش ضدکمونیستی بلاروس                          | بلاروس          | ۱۹۸۸ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی در برمه                     | برمه (میانمار)  | ۱۹۸۸ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت‌آمیز |
| جنبش دموکراسی خواهی / ساچودیس <sup>۶</sup>      | لیتوانی         | ۱۹۸۸ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| قیام یوگوسویل                                   | پاپوا گینه نو   | ۱۹۸۸ | ۱۹۹۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه حکومت روه تائه وو                   | کره جنوبی       | ۱۹۸۸ | ۱۹۹۲  | شکست        | بدون خشونت |

۱- Hernán Siles Zuazo

۲- پیش از وی پدرش با نام فرانسوا دوآلیه معروف به پایادوک از ۱۹۵۷ تا زمان مرگش در ۱۹۷۱ رئیس جمهور و دیکتاتور هائیتی بود و با کمک پلیس مخفی مخوفی با نام توتون ماکوت و ایجاد کیش شخصیت برای خود یکی از سرکوبگرترین دولتها در نیمکره غربی را ایجاد کرده بود

۳- Lord's Resistance Army (LRA)

۴- National Governing Council (CNG)

۵- Partido Revolucionario Institucional: PRI این حزب از زمان تأسیس در ۱۹۲۹ در مدت ۷۱ سال تا ۲۰۰۰ در مکزیک قدرت را در دست داشته است-م

۶- Sajudis

## (۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۶۶

| کارزار  | مکان                 | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|----------------------|------|-------|-------------|------------|
| جنبش کوزوو آلبانی                                     | یوگسلاوی             | ۱۹۸۸ | ۱۹۹۸  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش ضد کمونیستی بنین                                 | بنین                 | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش ضد کمونیستی بلغارها                              | بلغارستان            | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| اعتراضات میدان تیان آن من                             | چین                  | ۱۹۸۹ | ۱۹۸۹  | شکست        | بدون خشونت |
| انقلاب محملی  | چکسلواکی             | ۱۹۸۹ | ۱۹۸۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی                                   | آلمان شرقی           | ۱۹۸۹ | ۱۹۸۹  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| مقاومت تیموری ها                                      | تیمور شرقی           | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی                                   | مجارستان             | ۱۹۸۹ | ۱۹۸۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش تریپورا  | هند                  | ۱۹۸۹ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| شورای عالی اسلامی عراق                                | عراق                 | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۶  | شکست        | خشونت آمیز |
| جنبش دموکراسی خواهی ساحل عاج                          | ساحل عاج             | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی                                   | لتونی                | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورشیان علیه رژیم ساموئل دونه                         | لیبریا               | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| شورش توآگ   | مالی                 | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۵  | شکست        | خشونت آمیز |
| جنبش ضد کمونیستی مغولستانی ها                         | مغولستان             | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورشیان علیه رژیم چائوشسکو                            | رومانی               | ۱۹۸۹ | ۱۹۸۹  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| جنبش مردم علیه خشونت                                  | اسلواکی              | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش ضد کمونیستی اسلوانی                              | اسلوانی              | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتصاب معدنچیان دوتسک                                 | اوکراین              | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۱  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جنبش گرچی ها علیه شوروی                               | اتحاد شوروی          | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۱  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جنبش ضد کمونیستی آلبانی                               | آلبانی               | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی کمیته هماهنگی کنگره ملی و اتحادیه | جمهوری آفریقای مرکزی | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم فوربس بورنهام و دزموند هوویت         | گویان                | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات همه پرسی ۱۹۹۰ کشمیر                          | هند                  | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۰  | شکست        | بدون خشونت |
| جدایی طلبان مسلمان کشمیر                              | هند                  | ۱۹۹۰ | ۲۰۰۵  | شکست        | خشونت آمیز |
| کارزار علیه رژیم آراپ موآ                             | کنیا                 | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش دموکراتیک قرقیزستان                              | قرقیزستان            | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش مالیایی ها علیه رژیم نظامی                       | مالی                 | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار استرآ (جنبش)                                   | نپال                 | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش نیجری ها علیه رژیم نظامی                         | نیجر                 | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش اوگونی   | نیجریه               | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۵  | شکست        | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد حکومتی ۱۹۹۰                               | رومانی               | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۲  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| گولانید <sup>۲</sup>                                  | رومانی               | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۳  | شکست        | بدون خشونت |

۱- Coordinating Committee for a National Congress (CCCN)

۲- The Stir

به معنی اراذل و اوباش، گردن کلفتها Golan برگرفته از کلمه گولانید<sup>۲</sup>



| کارزار   | مکان                         | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|--|------------------------------|------|-------|-------------|------------|
| جنبش دموکراسی خواهی  | روسیه                        | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورشیان توتسی  | رواندا                       | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۳  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| جنبش استقلال اسلوونی   | اسلوونی                      | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات اتحادیه دانشجویی  | اوکراین                      | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت تک حزبی زامبیا   | زامبیا                       | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| مناقشه کابیندا   | انگولا                       | ۱۹۹۱ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| شورش ارمنی ها در ناگورنو-قره باغ   | آذربایجان                    | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۴  | موفقیت نسبی | خشونت آمیز |
| جنگ داخلی بروندی   | بروندی                       | ۱۹۹۱ | ۲۰۰۸  | شکست        | خشونت آمیز |
| شورش برتری طلبان توتسی   | بروندی                       | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۲  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| جنبش دموکراسی خواهی کمیته ملی هماهنگی احزاب مخالف <sup>۱</sup>                                     | کامرون                       | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| ارتش جمهوری صربی کرائین/ کارزار جدایی طلبی <sup>۲</sup>  | کرواسی                       | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۵  | شکست        | خشونت آمیز |
| شورش آفار  | جیبوتی                       | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۴  | شکست        | خشونت آمیز |
| کارزار جدایی طلبی اوستیای جنوبی  | گرجستان                      | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۲  | شکست        | خشونت آمیز |
| اعتراضات علیه صدام حسین  | عراق                         | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۱  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| قیام شیعی  | عراق                         | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۱  | شکست        | خشونت آمیز |
| جنبش صداهای رسا  | ماداگاسکار                   | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش جبهه متحد انقلابی <sup>۳</sup>  | سیرالئون                     | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۶  | موفقیت نسبی | خشونت آمیز |
| جنگ داخلی سومالی   | سومالی                       | ۱۹۹۱ | ۲۰۰۰  | شکست        | خشونت آمیز |
| اعتراضات ۱۹۹۱ مخالفین  | تاجیکستان                    | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۱  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت ناسینگبه ایادما <sup>۴</sup>   | توگو                         | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۱  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| قیام کروانها   | یوگسلاوی                     | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۲  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| اتحادیه مقدس   | زئیر / جمهوری دموکراتیک کنگو | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۳  | شکست        | خشونت آمیز |
| طالبان / نیروهای ضدحکومتی  | افغانستان                    | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۶  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| جبهه نجات اسلامی   | الجزایر                      | ۱۹۹۲ | ۲۰۰۲  | شکست        | خشونت آمیز |
| شبه نظامیان صرب  | بوسنی و هرزگوین              | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۵  | شکست        | خشونت آمیز |
| اعتراضات علیه فرناندو گلوئر  | برزیل                        | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش مصری ها- جماعت الاسلامیه  | مصر                          | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۹  | شکست        | خشونت آمیز |
| جنگ گرجستان- آبخازیا   | گرجستان                      | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۴  | شکست        | خشونت آمیز |
| شورشهای جبهه ملی میهنی لیبیا <sup>۵</sup><br>و جنبش متحد آزادیبخش لیبیا برای دموکراسی <sup>۶</sup> | لیبیا                        | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۵  | موفقیت نسبی | خشونت آمیز |
| کارزار علیه رژیم هستینگز باندرا  | مالاوی                       | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جدایی طلبان دنیستر   | مولداوی                      | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۲  | موفقیت نسبی | خشونت آمیز |
| ارتش دموکراتیک خلق <sup>۷</sup> (ایوزیسون متحد تاجیکستان، تاجیکستان)                               | تاجیکستان                    | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۷  | موفقیت نسبی | خشونت آمیز |

۱- National Coordination Committee of Opposition Parties (NCCOP)

۲- Revolutionary United Front (RUF)

۳- Gnassingbe Eyadema

۴- National Patriotic Front of Liberia (NPLF)

۵- United Liberation Movement of Liberia for Democracy (ULIMO)

۶- Popular Democratic Army (UTO)

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۶۸

| کارزار   | مکان                        | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|--|-----------------------------|------|-------|-------------|------------|
| جنبش دموکراسی خواهی تانزانیا                                     | تانزانیا                    | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۲  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی  | تایلند                      | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت کارلوس پرز                                     | ونزوئلا                     | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۲  | شکست        | بدون خشونت |
| نیروهای نظامی هوگو چاوز  | ونزوئلا                     | ۱۹۹۲ | ۱۹۹۲  | شکست        | خشونت آمیز |
| جمهوری بوسنی غربی (جدایی طلب)                                    | بوسنی و هرزگوین             | ۱۹۹۳ | ۱۹۹۵  | شکست        | خشونت آمیز |
| کارزار علیه حکومت خورخه بیرانو                                   | گوآتمالا                    | ۱۹۹۳ | ۱۹۹۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار نیجریه ای ها علیه رژیم نظامی                              | نیجریه                      | ۱۹۹۳ | ۱۹۹۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم پاسکال لیسوبا (کوکوی ها، نینجاها، کبراها)       | جمهوری کنگو                 | ۱۹۹۳ | ۱۹۹۷  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| کارزار علیه حکومت بوریس یلتسین                                   | روسیه                       | ۱۹۹۳ | ۱۹۹۳  | شکست        | خشونت آمیز |
| شورش های شبه نظامیان سومالیایی                                   | سومالی                      | ۱۹۹۳ | ۱۹۹۴  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| کارزار ۱۹۹۴-۱۹۹۶ اتحادیه عوامی                                   | بنگلادش                     | ۱۹۹۴ | ۱۹۹۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش گروه های مختلف  | جمهوری آفریقای مرکزی        | ۱۹۹۴ | ۱۹۹۷  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| شورشیان  | چاد                         | ۱۹۹۴ | ۱۹۹۸  | شکست        | خشونت آمیز |
| قیام مهاجر   | پاکستان                     | ۱۹۹۴ | ۱۹۹۹  | شکست        | خشونت آمیز |
| جنبش جدایی طلب جمهوری دموکراتیک یمن                              | جمهوری دموکراتیک یمن        | ۱۹۹۴ | ۱۹۹۴  | شکست        | خشونت آمیز |
| جدایی طلبان چین  | روسیه                       | ۱۹۹۴ | ۲۰۰۹  | شکست        | خشونت آمیز |
| جبهه میهنی   | رواندا                      | ۱۹۹۴ | ۱۹۹۴  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| اعتراضات دانشجویی علیه حکومت کیم یانگ سام                        | کره جنوبی                   | ۱۹۹۵ | ۱۹۹۵  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش اتحاد نیروهای دموکراتیک برای آزادی کنگو- کابیلا             | جمهوری دموکراتیک کنگو       | ۱۹۹۶ | ۱۹۹۷  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| درگیری های داخلی کردها   | عراق                        | ۱۹۹۶ | ۱۹۹۶  | شکست        | خشونت آمیز |
| نیروهای میهن پرست ملی  | لیبریا                      | ۱۹۹۶ | ۱۹۹۶  | شکست        | خشونت آمیز |
| شورش ناسیونالیستی هوتوها   | رواندا                      | ۱۹۹۶ | ۲۰۰۱  | شکست        | خشونت آمیز |
| کارزار علیه رژیم اسلویودان میلوشویچ                              | صربستان                     | ۱۹۹۶ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش گروه نیروهای متحد دموکراتیک <sup>۱</sup>                    | اوگاندا                     | ۱۹۹۶ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| جنبش جدایی طلب آنجوان (آنزون)                                    | جزایر کومور                 | ۱۹۹۷ | ۲۰۰۰  | موفقیت نسبی | خشونت آمیز |
| کارزار علیه حکومت دنیس ساسو نگو سو (کوکوی ها، نینجاها، تیسلولوس) | کنگوی برازویل (جمهوری کنگو) | ۱۹۹۷ | ۲۰۰۳  | شکست        | خشونت آمیز |
| کارزار دنیس ساسو نگو سو  | کنگوی برازویل (جمهوری کنگو) | ۱۹۹۷ | ۱۹۹۹  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| کارزار ۱۹۹۷ علیه حکومت عبدالله بوکرم                             | اکوادور                     | ۱۹۹۷ | ۱۹۹۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم ژنرال سوهارتو                                   | اندونزی                     | ۱۹۹۷ | ۱۹۹۸  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار انتخابات عادلانه  | لسوتو                       | ۱۹۹۷ | ۲۰۰۲  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |

۱ - ADFL (Alliance of Democratic Forces for the Liberation of Congo)

۲ - Allied Democratic Forces (ADF)

| کارزار   | مکان                  | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|--|-----------------------|------|-------|-------------|------------|
| کارزار علیه حکومت هون سین  | کامبوج                | ۱۹۹۸ | ۱۹۹۸  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش گروه جنبش برای دموکراسی و عدالت در چاد <sup>۱</sup>                 | چاد                   | ۱۹۹۸ | ۲۰۰۳  | شکست        | خشونت آمیز |
| جنگ دوم کنگو   | جمهوری دموکراتیک کنگو | ۱۹۹۸ | ۲۰۰۲  | شکست        | خشونت آمیز |
| خونتنای نظامی برای تحکیم دموکراسی، صلح و عدالت                           | گینه بیسائو           | ۱۹۹۸ | ۱۹۹۹  | شکست        | خشونت آمیز |
| جنبش رفورماری (اصلاحات)  | مالزی                 | ۱۹۹۸ | ۱۹۹۹  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش ارتش آزادیبخش کوزوو   | صربستان               | ۱۹۹۸ | ۱۹۹۹  | موفقیت نسبی | خشونت آمیز |
| جنبش دموکراسی خواهی کرواسی   | کرواسی                | ۱۹۹۹ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات دانشجویی (علیه بی.جی. حبیبی)                                    | اندونزی               | ۱۹۹۹ | ۱۹۹۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش ۱۸ تیر برای دموکراسی  | ایران                 | ۱۹۹۹ | ۱۹۹۹  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش گروه لیبرایی ها متحد برای آشنی و دموکراسی لیبریا                    | لیبریا                | ۱۹۹۹ | ۲۰۰۳  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| جنبش استقلال صحرای غربی  | مراکش                 | ۱۹۹۹ | ۲۰۰۵  | شکست        | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه حکومت رانول کوباس  | پاراگوئه              | ۱۹۹۹ | ۱۹۹۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت آلبرت ویدنیوش  | سورینام               | ۱۹۹۹ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات ۲۰۰۰ علیه حکومت جمیل مَهوود                                     | اکوادور               | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش کفایه   | مصر                   | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۵  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت ماهندرا جادوری <sup>۲</sup>                            | فیجی                  | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت جری راولینگر   | غنا                   | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش گروه تجمع نیروهای دموکراتیک گینه <sup>۳</sup>                       | گینه                  | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۱  | شکست        | خشونت آمیز |
| اعتراضات علیه حکومت رابرت گئی  | ساحل عاج              | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت آلبرتو فوجیموری  | پرو                   | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت عبود دیوف  | سنگال                 | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۰  | موفقیت      | بدون خشونت |
| انقلاب نارنجی  | اوکراین               | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۵  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| طالبان   | افغانستان             | ۲۰۰۱ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| شورش ارتش آزادیبخش ملی   | مقدونیه               | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۱  | شکست        | خشونت آمیز |
| شورش حزب کمونیست نیپال-مانوئیست <sup>۴</sup> -جبهه متحد خلق <sup>۴</sup> | نیپال                 | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۶  | موفقیت نسبی | خشونت آمیز |
| سومین جنبش قدرت مردم   | فیلیپین               | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۱  | شکست        | بدون خشونت |
| دومین جنبش قدرت مردم   | فیلیپین               | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت چاندریکا کوماراتونگا                                   | سرلانکا               | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۱  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار درخواست استعفای [اردوغان]   | ترکیه                 | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۱  | شکست        | بدون خشونت |
| ناشی از بحران اقتصادی  |                       |      |       |             |            |

۱ - Movement for Democracy and Justice in Chad (MDJT)

۲ - Mahendra Chaudhry

۳ - Rally of Democratic Forces of Guinea (RDFG)

۴ - CPN-M/UP

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۷۰

| کارزار   | مکان                 | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|--|----------------------|------|-------|-------------|------------|
| کارزار علیه حکومت فردریک چیلوبا  | زامبیا               | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش جنبش میهنی ساحل عاج <sup>۱</sup>                                  | ساحل عاج             | ۲۰۰۲ | ۲۰۰۵  | شکست        | خشونت آمیز |
| جنبش دموکراسی خواهی  | ماداگاسکار           | ۲۰۰۲ | ۲۰۰۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار ضد حکومتی نیپالی <sup>۲</sup> ها                                | نیپال                | ۲۰۰۲ | ۲۰۰۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار ونزواتالی <sup>۳</sup> ها علیه حکومت هوگو چاوز                  | ونزوئلا              | ۲۰۰۲ | ۲۰۰۴  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار ضد کودتا  | ونزوئلا              | ۲۰۰۲ | ۲۰۰۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت سانچز ده لوزادا                                      | بولیوی               | ۲۰۰۳ | ۲۰۰۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش سلیکا   | جمهوری آفریقای مرکزی | ۲۰۰۳ | ۲۰۱۳  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| انقلاب گل رز   | گرجستان              | ۲۰۰۳ | ۲۰۰۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار ۲۰۰۴ علیه زان برتراند آریستید                                   | هائیتی               | ۲۰۰۳ | ۲۰۰۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه مأمون عبدول گایوم  | جزایر مالدیو         | ۲۰۰۳ | ۲۰۰۸  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش جنبش عدل و مساوات <sup>۴</sup> و ارتش آزادیبخش سودان <sup>۵</sup> | سودان                | ۲۰۰۳ | ۲۰۱۲  | شکست        | خشونت آمیز |
| کارزار حکومت را ساقط کن  | بنگلادش              | ۲۰۰۴ | ۲۰۰۴  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت کارلوس وِسا (مرحلهٔ اول) بولیوی                      | بولیوی               | ۲۰۰۴ | ۲۰۰۴  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش عراقی ها (سُنی ها/ القاعده عراق/ داعش) عراق                       | عراق                 | ۲۰۰۴ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| چهارمین جنبش جدایی طلب بلوچستان  | پاکستان              | ۲۰۰۴ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| قیام ۲۰۰۴ جنوب تایلند  | تایلند               | ۲۰۰۴ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| قیام حوثی ها   | یمن                  | ۲۰۰۴ | ۲۰۱۵  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| کارزار علیه حکومت کارلوس وِسا (مرحلهٔ دوم) بولیوی                      | بولیوی               | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش علیه حکومت ادریس دبی  | چاد                  | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۹  | شکست        | خشونت آمیز |
| اولین جنگ داخلی چاد  | چاد                  | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۶  | شکست        | خشونت آمیز |
| قیام قانون شکنان <sup>۶</sup>  | اکوادور              | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار حمایت از ژان برتراند آریستید                                    | هائیتی               | ۲۰۰۵ | ۲۰۱۰  | شکست        | بدون خشونت |
| (پژاک <sup>۷</sup> ) حزب زندگی آزاد کردستان                            | ایران                | ۲۰۰۵ | ۲۰۱۸  | در جریان    | خشونت آمیز |
| انقلاب گل لاله   | قرقیزستان            | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| انقلاب سدر   | لبنان                | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت ناکسین شیناواترا                                     | تایلند               | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت ناسینگبه ایادما / بحران کودتا توگو                   | توگو                 | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات دموکراسی خواهی  | تونگا <sup>۸</sup>   | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۶  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| اعتراضات اتحادیهٔ عوامی  | بنگلادش              | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| انقلاب جین <sup>۹</sup>  | بلاروس               | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۶  | شکست        | بدون خشونت |

۱ - Patriotic Movement of Ivory Coast (PMIC)

۲ - Justice and Equality Movement (JEM)

۳ - Sudan Liberation Army (SLA)

۴ - La Rebelión de los Forajidos

۵ - PJAK

۶ - کشوری متشکل از ۱۷۰ جزیره که در اقیانوس آرام در شرق استرالیا قرار دارد-م

۷ - Denim revolution : منظور پارچه از جنس جین یا لی میباشد-م

| کارزار  | مکان          | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|---------------|------|-------|-------------|------------|
| دومین جنگ داخلی چاد   | چاد           | ۲۰۰۶ | ۲۰۱۰  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| شورش گروه کنگره ملی دفاع از مردم <sup>۱</sup> جمهوری دموکراتیک کنگو |               | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه حکومت مرعی الکبری                                       | تیمور شرقی    | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنگ ۲۰۰۶ لبنان  | لبنان         | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۶  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| بحران سیاسی لبنان   | لبنان         | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۸  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم فیلپه کالرون                                       | مکزیک         | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۶  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش اسلام گرایان   | سومالی        | ۲۰۰۶ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت‌آمیز |
| اعتراضات مخالفین ارمنی / جنبش اول مارچ                              | ارمنستان      | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۹  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جنبش علیه رژیم حسنی مبارک   | مصر           | ۲۰۰۷ | ۲۰۱۱  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار ۲۰۰۷ علیه حکومت میخیل ساکاشویلی گرجستان                      | گرجستان       | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۷  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواهی   | گینه          | ۲۰۰۷ | ۲۰۱۰  | شکست        | بدون خشونت |
| انقلاب زعفران   | میانمار(برمه) | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۷  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار خودمختاری ماهادشی  | نپال          | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۷  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| شورش اسلام گرایان   | پاکستان       | ۲۰۰۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه حکومت پرویز مشرف / جنبش وکلا) پاکستان                   | پاکستان       | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۸  | موفقیت      | بدون خشونت |
| شورش گروه امارت قفقاز   | روسیه         | ۲۰۰۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت‌آمیز |
| کارزار راهپیمایی ناراضیان   | روسیه         | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۸  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه رژیم نظامی  | تایلند        | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۷  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جنبش جدایی طلب جنوب یمن   | یمن           | ۲۰۰۷ | ۲۰۱۴  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| پالیبه هوتو <sup>۲</sup> - نیروهای ملی آزاد بیخش <sup>۳</sup>       | بروندی        | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۸  | شکست        | خشونت‌آمیز |
| سومین کارزار اوستیای جنوبی  | گرجستان       | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۸  | موفقیت      | خشونت‌آمیز |
| کارزار علیه ماموریت تنبیت اوضاع سازمان ملل در هائیتی <sup>۴</sup>   | هائیتی        | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۸  | شکست        | بدون خشونت |
| انقلاب ماهی تابه ها) انقلاب طرف و ظروف وسایل آشپزخانه)              | ایسلند        | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار حامیان مقتدی صدر علیه اشغالگری آمریکا عراق                   | عراق          | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۹  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار پیراهن قرمز  | تایلند        | ۲۰۰۸ | ۲۰۱۰  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار اتحاد مردم برای دموکراسی                                     | تایلند        | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۸  | موفقیت      | بدون خشونت |
| تظاهرات علیه حکومت سوسیالیست  | بلغارستان     | ۲۰۰۹ | ۲۰۰۹  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار سال ۲۰۰۹ علیه میخیل ساکاشویلی                                | گرجستان       | ۲۰۰۹ | ۲۰۰۹  | شکست        | بدون خشونت |
| جبهه ملی مقاومت مردمی <sup>۵</sup>                                  | هندوراس       | ۲۰۰۹ | ۲۰۰۹  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش سبز و روز خشم  | ایران         | ۲۰۰۹ | ۲۰۱۳  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| جنبش علیه حکومت آندری راجوئلینا                                     | ماداگاسکار    | ۲۰۰۹ | ۲۰۱۴  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |

۱- National Congress for the Defence of the People (CNDP)

۲- Lawyers' Movement

۳- Palipchutu

۴- National Forces of Liberation (NFL)

۵- United Nations Stabilisation Mission in Haiti (MINUSTAH)

۶- Frente Nacional de Resistencia Popular(FNRP)

(۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۷۲

| کارزار   | مکان                 | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|--|----------------------|------|-------|-------------|------------|
| کارزار علیه حکومت محمد نشید                                  | مالدیو               | ۲۰۱۲ | ۲۰۱۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| درگیری های شمال مالی   | مالی                 | ۲۰۱۲ | ۲۰۱۵  | موفقیت نسبی | خشونت آمیز |
| کارزار علیه حکومت مانویست                                    | نیپال                | ۲۰۱۲ | ۲۰۱۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد حکومتی ۲۰۱۲                                      | رومانی               | ۲۰۱۲ | ۲۰۱۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش ۲۳ ژوئن علیه حکومت عبدالله واده                         | سنگال                | ۲۰۱۲ | ۲۰۱۲  | موفقیت      | بدون خشونت |
| بیباید توگو را نجات دهیم<br>کارزار علیه حکومت فائور ناسینگبه | توگو                 | ۲۰۱۲ | ۲۰۱۳  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار با من برقص  | بلغارستان            | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات انتخاباتی ۲۰۱۳ کامبوج                               | کامبوج               | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۴  | شکست        | بدون خشونت |
| جماعة اهل السنة للدعوة والجهاد (وابسته به بوکوحرام)          | کامرون               | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| اتلاف شورشی ضد بالاکا  | جمهوری آفریقای مرکزی | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۴  | موفقیت      | خشونت آمیز |
| شورش صحرای سینا  | مصر                  | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| اعتراضات هواداران محمد مرسی                                  | مصر                  | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۴  | شکست        | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه محمد مرسی                                      | مصر                  | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| قیام دولت اسلامی (داعش)                                      | سوریه                | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| جنبش مدنی برای دموکراسی                                      | تایلند               | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه گفتگوهای بحران                                 | تونس                 | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۳  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه دولت اسلام گرا                                 | تونس                 | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت رجب طیب اردوغان                            | ترکیه                | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۵  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| کارزار یورو میدان (میدان اروپا)                              | اوکراین              | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات یودا <sup>۱</sup>                                   | یوسنی و هرزگوین      | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۴  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت بلیز کومپاوری <sup>۲</sup>                 | بورکینافاسو          | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۴  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جنبش دموکراسی خواه هنگ کنگ (جنبش چتر)                        | چین                  | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت میشل مارزلی                                | هائیتی               | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| گروه های شبه نظامی اسلام گرا<br>دومین جنگ داخلی لیبی         | لیبی                 | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| کارزار ۲۰۱۴ مکزیک ها علیه فساد                               | مکزیک                | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۵  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار ۲۰۱۴ علیه حکومت نواز شریف                             | پاکستان              | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۴  | شکست        | بدون خشونت |
| جنبش جدید دموکراسی   | تایلند               | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| شورش ها در شرق اوکراین (جنگ داخلی اوکراین)                   | اوکراین              | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| کارزار اوکراین متحد  | اوکراین              | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۴  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت نیکلاس مادورو                              | ونزوئلا              | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| دولت اسلامی عراق و شام - ولایت خراسان                        | افغانستان            | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |

۱ - UDAR

۲ - Blaise Compaoré

| کارزار   | مکان                  | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|--|-----------------------|------|-------|-------------|------------|
| کارزار علیه حکومت دیلما رویف                                 | برزیل                 | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۶  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت پیر نکورونزیزا <sup>۱</sup>                | بروندی                | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۵  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار کورتارا بیرون کیند                                    | اکوادور               | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۷  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| خیزش گواتمالا  | گواتمالا              | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار خشمگین های <sup>۲</sup> هندوراس                       | هندوراس               | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۵  | شکست        | بدون خشونت |
| شورش جبهه آزادیبخش متحد ملی غرب آسیای جنوب شرقی <sup>۳</sup> | هند                   | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| شورش گروه الشباب کنیا  | کنیا                  | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| اعتراضات ضد حکومتی کوزوو                                     | کوزوو                 | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| انقلاب رنگارنگ   | مقدونیه               | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت عبدالله یمین                               | جزایر مالدیو          | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد حکومتی مولداواها                                 | مولداوی               | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۶  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| اعتراضات اپوزیسیون مونته نگرو                                | مونته نگرو            | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۵  | شکست        | بدون خشونت |
| جبهه غرب آسیای جنوب شرقی                                     | میانمار (برمه)        | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| انقلاب جمعی <sup>۴</sup>                                     | رومانی                | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۵  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه حکومت پارک گون هه                              | کره جنوبی             | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| حزب تجدید شده کارگران کردستان (پ ک ک)                        | ترکیه                 | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| جنبش ضد حوثی ها  | یمن                   | ۲۰۱۵ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد حکومتی اسناد پاناما <sup>۵</sup>                 | ایسلند                | ۲۰۱۶ | ۲۰۱۶  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد هندی در کشمیر                                    | هند                   | ۲۰۱۶ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد نخست وزیری                                       | پاپوا گینه نو         | ۲۰۱۶ | ۲۰۱۶  | شکست        | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه حکومت دست راستی                                | لهستان                | ۲۰۱۶ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| اعتراضات جدایی طلبان کاتالان                                 | اسپانیا               | ۲۰۱۶ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه رژیم رابرت موگابه                              | زیمبابوه              | ۲۰۱۶ | ۲۰۱۷  | موفقیت      | بدون خشونت |
| بحران انگلیسی زبان / استقلال آمبازونیا                       | کامرون                | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | خشونت آمیز |
| کارزار استقلال آمبازونیا                                     | کامرون                | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۸  | شکست        | بدون خشونت |
| کارزار علیه برزیدنت جوزف کابیلا                              | جمهوری دموکراتیک کنگو | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۸  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه حکومت جیمی مورالز                              | گواتمالا              | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت خوان هرناندز                               | هندوراس               | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| کارزار علیه نخست وزیر ویکتور اوربان                          | مجارستان              | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد حکومتی ۲۰۱۷ ایران                                | ایران                 | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۸  | شکست        | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد حکومتی رومانی                                    | رومانی                | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |

۱ - Pierre Nkurunziza

۲ - indignados

۳ - Western Southeast Asia Front

۴ - Colectiv Revolution

۵ - Panama Papers

مجموعه یازده و نیم میلیون سند محرمانه ای که از دفتر وکالت موساک فونسکا که یکی از پنهان کارترین شرکت های اقتصادی جهان است به بیرون درز کرد و در اختیار روزنامه زود دیوچه سنایتونگ آلمان قرار گرفت. این اسناد حاوی اطلاعاتی در ارتباط با پولشویی، فرار مالیاتی و دور زدن تحریم های بین المللی و ارتباط موسسات تراست با سیاستمداران کشورهاست. از این افشاگری به عنوان «بزرگترین افشای فساد مالی سیاستمداران جهان» و «بزرگترین نشت اطلاعاتی تاریخ» یاد شده است. م

## (۲) مقاومت مدنی، آنچه همگان باید بدانند / ۴۷۴

| کارزار                                  | مکان          | شروع | پایان | نتیجه       | شیوه اصلی  |
|---|---------------|------|-------|-------------|------------|
| کارزار علیه حکومت الکساندر ووچچ         | صربستان       | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت باکوب زوما            | آفریقای جنوبی | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۸  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت فائور ناسینگبه        | توگو          | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| دومین کارزار علیه حکومت رجب طیب اردوغان | ترکیه         | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| کارزار مقاومت علیه دونالد ترامپ         | ایالات متحده  | ۲۰۱۷ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| اعتراضات ضد حکومتی ۲۰۱۸                 | ارمنستان      | ۲۰۱۸ | ۲۰۱۸  | موفقیت      | بدون خشونت |
| جلیقه زردها                             | فرانسه        | ۲۰۱۸ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه ژوئل موییز                | هائیتی        | ۲۰۱۸ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه دانیل اورتگا              | نیکاراگوئه    | ۲۰۱۸ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| انقلاب سودان                            | سودان         | ۲۰۱۸ | ۲۰۱۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار ضد فساد آلبانیایی‌ها             | آلبانی        | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| انقلاب لیخند                            | الجزایر       | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه حکومت مائوریسیو ماکری     | آرژانتین      | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه حکومت اوو مورالس          | بولیوی        | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه حکومت چینینه آنیز         | بولیوی        | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت سیاستین بینرا         | شیلی          | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| جنبش علیه حکومت ابوان دوکه              | کلمبیا        | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| کارزار علیه حکومت لنین مورنو            | اکوادور       | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| اعتراضات علیه حکومت محمد السیسی         | مصر           | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | شکست        | بدون خشونت |
| اعتراضات ۲۰۱۹ گرجستان                   | گرجستان       | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | موفقیت نسبی | بدون خشونت |
| کارزار هرناندز باید برود                | هندوراس       | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | شکست        | بدون خشونت |
| اعتراضات ۲۰۱۹ ایران                     | ایران         | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | در جریان    | بدون خشونت |
| جنبش علیه حکومت عادل عبدالمهدی          | عراق          | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| انقلاب اکتبر                            | لبنان         | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | موفقیت      | بدون خشونت |
| کارزار ۹۷ هزار، مقاومت کنید             | مونتو نگرو    | ۲۰۱۹ | ۲۰۱۹  | شکست        | بدون خشونت |



# یادداشتها

## پیشگفتار

۱. این خلاصه از یک پست وبلاگی برگرفته شده است که در مورد ریشه های علاقه ام به درگیری های غیرخشونت آمیز، در سال ۲۰۱۴ نوشته بوده ام.

۲. Chenweth & Stephan ۲۰۱۱
۳. Chenoweth ۲۰۲۰a.
۴. Chenoweth, et al. ۲۰۱۹

## مقدمه

۵. Foot ۲۰۱۶, p. ۵
۶. Global Nonviolent Action Database
۷. Kurlansky ۲۰۰۶.
۸. Scalmer ۲۰۱۱.
۹. Desai and Vahed ۲۰۱۵.
۱۰. Bartkowski ۲۰۱۳; Presbey ۲۰۱۳
۱۱. Khawaja ۱۹۹۳; King ۲۰۰۷; Pearlman ۲۰۱۱; Rigby ۱۹۹۱; Schiff and Ya'ari ۱۹۸۹; Stephan ۲۰۰۵
۱۲. Boserup and Mack ۱۹۷۴; Liddell Hart ۱۹۵۴; Roberts ۱۹۶۹; Schell ۲۰۰۳; Scalmer ۲۰۱۱; Schelling ۱۹۶۹

۱۳. برای مثال نگاه کنید به Deming ۱۹۷۱

۱۴. Sharp ۱۹۹۰; ۲۰۰۳.
۱۵. برای مثال نگاه کنید به ۲۰۱۷. Abujbara, et al.
۱۶. Ackerman and Kruegler ۱۹۹۴; Zunes ۲۰۰۹b.
۱۷. Stephan & Chenoweth ۲۰۰۸; Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱.
۱۸. Conser, et al. ۱۹۸۶; Conser ۲۰۱۳
۱۹. Adams ۱۸۵۶, Vol. ۱۰, p. ۱۷۲.
۲۰. Presbey ۲۰۱۳, p. ۵۱.
۲۱. Beitler ۲۰۰۴; Clark ۲۰۱۰.
۲۲. Sémelin ۱۹۹۳; Stephan & Mundy ۲۰۰۶
۲۳. Hamann, et al. ۲۰۱۳.
۲۴. Barrell ۱۹۹۳; Wink ۱۹۸۷; Zunes ۱۹۹۹b.
۲۵. Buchanon, Bui, & Patel ۲۰۲۰
۲۶. Dorff ۲۰۱۵
۲۷. Beyerle ۲۰۱۴, pp. ۱۱۵–۱۳۵
۲۸. Piven and Cloward ۱۹۷۷.
۲۹. Rasler ۱۹۹۶; Kurzman ۱۹۹۶, ۲۰۰۴; Zunes ۲۰۰۹a
۳۰. Bennhold ۲۰۱۸

## فصل اول

۱. Schock ۲۰۰۳; ۲۰۱۵a.
۲. Smithey ۲۰۱۳
۳. شارپ این تئوری قدرت را نظریه «یکپارچه» قدرت میدانند.
۴. Fanon ۱۹۶۱.

۵. جین شارپ این تئوری را نظریهٔ «کثرت گرایانه» قدرت نام می‌گذارد.
۶. من در سرتاسر متن، اولین حرف کلمهٔ «سیاه» را با حروف بزرگ می‌نویسم تا از این طریق بر هویت و تاریخ سیاسی متمایز سیاه‌پوستان در زمینهٔ ایالات متحده تأکید کنم. با اینحال متذکر می‌شوم که در آفریقای جنوبی، سیاست استفاده از حرف بزرگ [به شیوهٔ ایالات متحده] تغییر کرده است. استفاده از حروف کوچک «آگاهی سیاه‌پوستان را برمی‌انگیزد و می‌تواند برای توصیف آفریقایی‌ها، سرخپوستان و میراث تاریخی و تبارهای مختلط و ترکیبی استفاده شود.» قصد من از استفاده از واژه «سیاه» [با حرف اول بزرگ] این است که علت مشترکی را که از این اصطلاحات در ایالات متحده، سرتاسر آفریقا و سرتاسر دیاسپورای سیاه‌پوستان استفاده می‌شود، به تصویر بکشم (Kessi, Marks, & Ramugondo ۲۰۲۰, pp. ۲۸۰-۲۸۱).

۷. Bueno de Mesquita & Smith ۲۰۱۱

۸. Looney ۲۰۱۲, pp. ۴۳۱-۴۳۴

۹. فصل چهار این پویایی‌ها را با جزئیات بیشتری موشکافی می‌کند.

۱۰. مکاتبات نویسنده با مری الیزابت کینگ، ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۰.

۱۱. Sharp ۲۰۰۵

۱۲. Burrowes ۱۹۹۶; Schock ۲۰۰۵

۱۳. Schock ۲۰۰۵; Stephan & Gallagher ۲۰۱۹

۱۴. ذکر شده در Barnard ۲۰۱۵

۱۵. ذکر شده در:

Tea After Twelve, <http://www.tea-after-twelve.com/all-issues/issue->

[01/issue-01-overview/chapter2/art-revolution/](http://www.tea-after-twelve.com/all-issues/issue-01/issue-01-overview/chapter2/art-revolution/).

۱۶. King ۲۰۱۱
۱۷. Popovic, quoted in *Bringing Down a Dictator*, ۲۰۰۵.
۱۸. Dave ۲۰۲۰
۱۹. Filkins ۲۰۲۰
۲۰. Sombatpoonsiri ۲۰۱۵
۲۱. Schell ۲۰۰۳
۲۲. Herzog ۲۰۱۱
۲۳. Kishtainy ۲۰۱۰, p. ۶۲
۲۴. Kishtainy ۲۰۱۰, p. ۵۴.
۲۵. Cochran ۲۰۱۹
۲۶. Presbey ۲۰۱۳
۲۷. Nagler ۲۰۱۴
۲۸. Havel ۱۹۸۶, p. ۸۹
۲۹. Case ۲۰۱۸.
۳۰. Wasow ۲۰۲۰.
۳۱. Huet-Vaughn ۲۰۱۷.
۳۲. Chenoweth & Belgioioso ۲۰۱۹
۳۳. Rothman ۲۰۱۵
۳۴. Rothman ۲۰۱۵
۳۵. Chenoweth & Pressman ۲۰۲۰

۳۶. برای مثال نگاه کنید به Abaraonye ۱۹۹۸ با تشکر از زوئه مارکس (Zoe

Marks) برای جلب توجه من به این مثال.

۳۷. Kurlansky ۲۰۰۶, ۷۸

۳۸. ذکر شده در ۲۰۱۳ Australian Broadcasting Company

۳۹. Klein ۱۹۹۸

۴۰. Newman ۲۰۱۹.

۴۱. Potter ۲۰۱۵, pp. ۲-۳.

۴۲. Bray ۲۰۱۷.

۴۳. Gandhi, Young India, June ۱۶, ۱۹۲۷

۴۴. The King Center, n.d.

۴۵. Bartkowski ۲۰۱۷.

۴۶. ذکر شده در ۲۰۱۸, p. ۷۸ Guha

۴۷. ذکر شده در ۲۰۱۸, pp. ۷۷-۷۸ Guha

۴۸. Hellmeier & Weidmann ۲۰۱۹

۴۹. Gandhi, Harijan, October ۲۷, ۱۹۴۶, pp. ۳۶۹-۷۰

۵۰. Brown ۱۹۸۴, pp. ۲۲-۲۳

۵۱. Rossdale ۲۰۱۹.

۵۲. ذکر شده در ۲۰۱۶, Hoyte

۵۳. نویسنده از مت مایر (Matt Meyer) برای انتقال این نکته در طول مکاتبات در سال ۲۰۱۷ تشکر می کند.

## فصل دوم

۱. “The low road” from THE HUNGER MOON: NEW AND SELECTED POEMS, ۱۹۸۰-۲۰۱۰ by Marge Piercy, copyright © ۲۰۱۱ by

Middlemarsh, Inc. Used by permission of Alfred A. Knopf, an imprint of the Knopf Doubleday Publishing Group, a division of Penguin Random House LLC. All rights reserved

۲. نگاه کنید به؛ Roberts ۲۰۱۵؛ Nepstad ۲۰۱۵؛ Chenoweth & Stephan ۲۰۱۴

Robertson ۲۰۱۱

۳. همچنین نگاه کنید به Sharp ۲۰۰۵؛ Schock ۲۰۱۵a

۴. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱؛ ۲۰۱۶.

۵. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱

۶. Binnendijk & Marović ۲۰۰۶.

۷. Schock ۲۰۰۵؛ Zunes ۱۹۹۴

۸. Thurber ۲۰۱۵؛ ۲۰۱۹

۹. Swarthmore Nonviolent Action Database

۱۰. برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به فصل سه و چهار

۱۱. Lee ۲۰۰۹؛ Martin ۲۰۱۵؛ Martin, Varney, & Vickers ۲۰۰۱

۱۲. مکاتبات نویسنده با ایوان ماروویچ (Ivan Marović)، ۲۰۱۴

۱۳. مکاتبات نویسنده با مری الیزابت کینگ، ۲۰۱۵

۱۴. McAdam ۱۹۹۹.

۱۵. McAdam ۱۹۹۶a؛ ۱۹۹۶b

۱۶. بنگرید به Tarrow ۱۹۹۸؛ Schock ۲۰۱۵a؛ McAdam, Tarrow, & Tilly ۲۰۰۱

۱۷. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷.

۱۸. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷

۱۹. Dahlum ۲۰۱۹؛ Dahlum & Wig ۲۰۱۹.

۲۰. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷
۲۱. Butcher, Gray, & Mitchell ۲۰۱۸
۲۲. Butcher & Svensson ۲۰۱۴; Dahlum & Wig ۲۰۱۹; Wittels ۲۰۱۷  
 ۲۳. مکاتبات نویسنده با مری الیزابت کینگ، آوریل ۲۰۱۱، ۲۰۱۱؛ Piot ۲۰۱۱.
۲۴. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷.
۲۵. Pearlman ۲۰۱۳
۲۶. Braithwaite, Braithwaite, & Kucik ۲۰۱۵; Finkel ۲۰۱۵
۲۷. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷
۲۸. Gleditsch & Rivera ۲۰۱۷; Weyland ۲۰۱۴; Beissinger ۲۰۰۷
۲۹. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷.
۳۰. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷
۳۱. DeNardo ۱۹۸۵; Lichbach ۱۹۹۴a; Lichbach ۱۹۹۴b; Marwell & Oliver ۱۹۹۳
۳۲. Chenoweth & Belgioioso ۲۰۱۹
۳۳. Ackerman & Merriman ۲۰۱۴
۳۴. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱; Marks & Chenoweth ۲۰۱۹  
 ۳۵. همچنین نگاه کنید به ۲۰۱۵ Bartkowski & Polyakova. Dorff ۲۰۱۵.
۳۶. Principe ۲۰۱۷
۳۷. Marks & Chenoweth ۲۰۱۹.
۳۸. Marks & Chenoweth ۲۰۱۹
۳۹. Barbash & Wax ۲۰۰۴.
۴۰. Abonga et al. ۲۰۱۹.

۴۱. این بخش برگرفته است از ۲۰۱۳ Chenoweth

۴۲. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱

۴۳. Butcher, Gray, & Mitchell ۲۰۱۸

۴۴. Sharp ۲۰۰۵; Helvey ۲۰۰۴

۴۵. Grewal ۲۰۱۹; Makara ۲۰۱۳

۴۶. Binnendijk & Marović ۲۰۰۴

۴۷. Swarthmore Nonviolent Action Database.

۴۸. این بخش برگرفته است از ۲۰۱۳ Chenoweth

۴۹. مکاتبات نویسنده با ایوان ماروویچ (Ivan Marovic)، ۲۰۱۴

۵۰. Johnson ۱۹۸۷; Lee ۲۰۰۹; Schock ۲۰۰۵; Zunes ۱۹۹۹a

۵۱. Johnson & Thyne ۲۰۱۸

۵۲. King ۲۰۱۵

۵۳. Hamann et al., ۲۰۱۳

۵۴. Sharp ۲۰۰۵; Ackerman & Kruegler ۱۹۹۴; Schock ۲۰۰۵

۵۵. Chenoweth, et al. ۲۰۲۰

۵۶. Gladwell & Shirky ۲۰۱۱

۵۷. Howard ۲۰۱۰

۵۸. Howard ۲۰۱۰؛ برای اطلاع از برنامه ها و موارد کنشگری دیجیتال، به وب

سایت های

iRevolutions و Meta-Activism Project (<http://www.meta-activism.org/>)

(<https://irevolutions.org/>) مراجعه کنید.

۵۹. King ۲۰۱۳



۶۰. Tufekci ۲۰۱۷.

۶۱. Morozov ۲۰۱۰

۶۲. Gohdes ۲۰۲۰

۶۳. Gunitsky ۲۰۱۵

۶۴. Meier ۲۰۱۱

۶۵. Madrigal ۲۰۱۱.

۶۶. چند بخش بعدی از Chenoweth ۲۰۲۰b برگرفته شده است.

۶۷. Lichbach ۱۹۹۴a

۶۸. Chenoweth & Belgioioso ۲۰۱۹

۶۹. Chenoweth & Shay ۲۰۱۹

۷۰. Chenoweth ۲۰۲۰b

۷۱. بنا بر Chenoweth & Shay ۲۰۱۹؛ هم چنین نگاه کنید به Chenoweth ۲۰۲۰b.

۷۲. Chenoweth and Pressman ۲۰۱۷

۷۳. Mazumder ۲۰۱۸; Wasow ۲۰۲۰

۷۴. Johnstad ۲۰۱۲

۷۵. Beissinger ۲۰۱۳.

۷۶. Jamal ۲۰۰۵; King ۲۰۰۷; Pearlman ۲۰۱۱.

۷۷. Chenoweth, et al. ۲۰۱۹

۷۸. Freeman ۱۹۷۰.

۷۹. Freeman ۱۹۷۰.

۸۰. Freeman ۱۹۷۰.

۸۱. Stephan & Gallagher ۲۰۱۹.

۸۲. Woodly ۲۰۲۰
۸۳. Svensson & Lindgren ۲۰۱۰.
۸۴. Tarrow ۱۹۸۹
۸۵. Stephan ۲۰۱۰; Zunes, Kurtz, & Asher ۱۹۹۹
۸۶. Marks, Chenoweth, & Okeke ۲۰۱۹
۸۷. Stephan ۲۰۱۰
۸۸. Kurlansky ۲۰۰۶
۸۹. Nepstad ۲۰۱۱
۹۰. Bartkowski & Kahf ۲۰۱۳
۹۱. Chenoweth & Olsen ۲۰۱۵
۹۲. Gause ۲۰۲۰; Gillion ۲۰۲۰
۹۳. Beyerle ۲۰۱۴.

۹۴. ذکر شده در ۱. Fisher ۲۰۰۹, p.

۹۵. Lakey ۲۰۱۸
۹۶. Thurber ۲۰۱۵; ۲۰۱۹
۹۷. Lakey ۲۰۱۸
۹۸. Lakey ۲۰۱۸
۹۹. Gleditsch & Rivera ۲۰۱۷; Bunce & Wolchik ۲۰۱۱; Weyland ۲۰۱۴
۱۰۰. Weyland ۲۰۰۹
۱۰۱. Weyland ۲۰۱۴
۱۰۲. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱
۱۰۳. Murdie & Bhaisin ۲۰۱۱.

۱۰۴. Chenoweth & Stephan ۲۰۲۱
۱۰۵. Gallo-Cruz ۲۰۱۲; Keck & Sikkink ۱۹۹۸
۱۰۶. Fazal ۲۰۱۸
۱۰۷. Clark ۲۰۱۰; Stephan ۲۰۰۵; Stephan & Mundy ۲۰۰۶; Summy ۱۹۹۴.
۱۰۸. Chenoweth & Stephan ۲۰۲۱; Keck & Sikkink ۱۹۹۸; Kinsman & Bassuener ۲۰۱۶
۱۰۹. Kuran ۱۹۸۹; Kuran ۱۹۹۱
۱۱۰. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷
۱۱۱. Chenoweth & Lewis ۲۰۱۳
۱۱۲. Ackerman ۲۰۰۷.
۱۱۳. Koren ۲۰۱۴; Sémelin, Andrieu, & Gensburger ۲۰۱۴; Stephan ۲۰۱۶.
۱۱۴. Koren ۲۰۱۴; Perkoski & Chenoweth ۲۰۱۸.

## فصل سوم

۱. Kauffman ۲۰۱۷
  ۲. Belgioioso, Costalli, & Gleditsch ۲۰۱۹
  ۳. Edwards & Arnon ۲۰۱۹
۴. مشاهده سایر اشکال خشونت در فضا و زمان دشوارتر است. برای مثال، بسیاری از مردم ممکن است به خشونت روانی یا عاطفی اشاره کنند، که به گونه‌ای می‌تواند به فرد آسیب برساند که تشخیص آن از دور دشوار باشد. دسته‌بندی‌های دیگر خشونت، مانند خشونت ساختاری، شامل محرومیت‌های سیستماتیک از نیازها و شئون اولیه انسانی مانند دسترسی به

غذا، آب، سرپناه، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش، اغلب به گونه‌ای است که گروه‌هایی خاص را مورد تبعیض قرار می‌دهد. به این ترتیب بسیاری از مردم محروم‌سازی و خفه کردن گروه‌ها یا جوامع به حاشیه رانده شده را نوعی عمل خشونت‌آمیز می‌دانند.

۵. Bjork-James ۲۰۲۰; Kadivar & Ketchley ۲۰۱۸; Pressman ۲۰۱۷
۶. Bray ۲۰۱۷
۷. Pressman ۲۰۱۷
۸. Chenoweth & Kang ۲۰۲۰
۹. Tarrow ۱۹۸۹
۱۰. White ۱۹۸۹
۱۱. Chenoweth & Shay ۲۰۱۹
۱۲. Chenoweth & Shay ۲۰۱۹
۱۳. Chenoweth, Kang, & Moore ۲۰۲۱
۱۴. Chenoweth & Pressman ۲۰۲۰
۱۵. Chenoweth & Shay ۲۰۱۹
۱۶. Haines ۱۹۸۴
۱۷. Stockman ۲۰۱۷
۱۸. Kadivar & Ketchley ۲۰۱۸
۱۹. Bjork-James ۲۰۲۰
۲۰. Bray ۲۰۱۷
۲۱. Stockman ۲۰۱۷
۲۲. Cobb ۲۰۱۴

۲۳. Rossdale ۲۰۱۹
۲۴. Kydd & Walter ۲۰۰۶
۲۵. Thaler ۲۰۱۹
۲۶. Enos et al ۲۰۱۹
۲۷. Enos et al ۲۰۱۹
۲۸. Mazumder ۲۰۱۸; Wasow ۲۰۲۰
۲۹. Isaac, et al ۲۰۰۶
۳۰. Barrell ۱۹۹۳
۳۱. Haines ۱۹۸۴; McCammon, Bergner, & Arch ۲۰۱۵; Belgioioso, Costalli, & Gleditsch ۲۰۱۹
۳۲. Graeber ۲۰۱۲
۳۳. Carey ۲۰۱۰; Chenoweth, Pinckney, & Lewis ۲۰۱۸; Steinert–Threlkeld, Joo, & Chan ۲۰۱۹
۳۴. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۹
۳۵. Abrahms ۲۰۰۶
۳۶. Chenoweth & Schock ۲۰۱۵
۳۷. Thompkins ۲۰۱۵
۳۸. Steinert–Threlkeld, Joo, & Chan ۲۰۱۹
۳۹. Grossman ۱۹۹۵
۴۰. Chenoweth ۲۰۱۹
۴۱. Chenoweth ۲۰۱۹

۴۳. Thomas & Louis ۲۰۱۴
۴۴. Orazani & Leidner ۲۰۱۹
۴۵. Adelman, Leidner, & Orazani ۲۰۱۷
۴۶. Selvanathan & Lickel ۲۰۱۹
۴۷. Simpson, Willer, & Feinberg ۲۰۱۸
۴۸. Wasow ۲۰۲۰; Mazumder ۲۰۱۸
۴۹. Huet-Vaughn ۲۰۱۷
۵۰. Chenoweth & Schock ۲۰۱۵
۵۱. Thompkins ۲۰۱۵
۵۲. Carey ۲۰۱۰
۵۳. Steinert-Threlkeld, Joo, & Chan ۲۰۱۹
۵۴. Lupu & Wallace ۲۰۱۹
۵۵. Conrad & Moore ۲۰۱۰
۵۶. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۹
۵۷. Sharp ۱۹۷۳; Pearlman ۲۰۱۱
۵۸. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱; Chenoweth & Schock ۲۰۱۵
۵۹. Davenport, Soule, & Armstrong ۲۰۱۱
۶۰. Mitts & Manekin ۲۰۱۹
۶۱. Adelman, Leidner, & Orazani ۲۰۱۷; Muñoz & Anduiza ۲۰۱۹;  
Selvanathan & Lickel ۲۰۱۹; Thomas & Louis ۲۰۱۴
۶۲. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱
۶۳. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱; Wantchekon & García-Ponce ۲۰۱۷

۶۴. Marx ۲۰۱۲
۶۵. Marx ۲۰۱۲
۶۶. Davenport ۲۰۱۵
۶۷. Marx ۲۰۱۲
۶۸. Parham ۲۰۱۷
۶۹. Chase ۲۰۱۷a; ۲۰۱۷b
۷۰. Pinckney ۲۰۱۶
۷۱. Walzer ۲۰۰۱
۷۲. Pearlman ۲۰۱۱
۷۳. Pinckney ۲۰۱۶
۷۴. Pinckney ۲۰۱۶; Cunningham ۲۰۱۴
۷۵. Pinckney ۲۰۱۶, p ۷۴
۷۶. Pinckney ۲۰۱۶
۷۷. Sharp ۲۰۰۵, p ۲۰۰
۷۸. L'Obs ۲۰۱۹

۷۹. مکاتبات نویسنده با تام هستینگز (Tom Hastings)، ۲۰۱۵

۸۰. Pinckney ۲۰۱۶, p ۷۴
۸۱. Edwards & Arnon ۲۰۱۹
۸۲. Nagler ۲۰۱۹
۸۳. Dudouet ۲۰۱۳
۸۴. Braithwaite ۲۰۱۴a; ۲۰۱۴b
۸۵. Adler ۲۰۱۹

۸۶. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱

## فصل چهارم

۱. Ritter & Conrad ۲۰۱۶

۲. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷

۳. Klein & Regan ۲۰۱۸

۴. Davenport ۲۰۰۷

۵. Chenoweth & Ulfelder ۲۰۱۷

۶. Pearlman ۲۰۱۱

۷. Pearlman ۲۰۱۱

۸. همچنین نگاه کنید به Pressman ۲۰۱۷، p ۱۰۶; Pearlman ۲۰۱۱

۹. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱

۱۰. Bloom ۲۰۰۵

۱۱. Pearlman ۲۰۱۱

۱۲. Bloom ۲۰۰۵

۱۳. Sutton, Butcher, & Svensson ۲۰۱۴

۱۴. Bob & Nepstad ۲۰۰۷

۱۵. Sullivan ۲۰۱۶

۱۶. Valentino ۲۰۰۴

۱۷. Perkoski & Chenoweth ۲۰۱۸



۱۸. Martin ۲۰۰۷; Smithey & Kurtz ۲۰۱۸
۱۹. Foot ۲۰۱۶; Sémelin ۱۹۹۳; Sharp ۱۹۷۳; Sharp ۲۰۰۵; Summy ۱۹۹۴
۲۰. Stephan ۲۰۰۶
۲۱. مکاتبات نویسنده با مری الیزابت کینگ، ۲۰۱۴
۲۲. Chenoweth & Shay ۲۰۱۹
۲۳. Mazumder ۲۰۱۸
۲۴. Perkoski & Chenoweth ۲۰۱۸
۲۵. Ackerman & DuVall ۲۰۰۰
۲۶. Barrell ۱۹۹۳
۲۷. Sullivan ۲۰۱۷
۲۸. Sutton, Butcher, & Svensson ۲۰۱۴
۲۹. ذکر شده در ۸۱-۸۰، Guha ۲۰۱۶, pp
۳۰. Kurlansky ۲۰۰۶
۳۱. Liddell-Hart ۱۹۶۸, p ۲۰۵
۳۲. ذکر شده در ۴۳، Sharp ۱۹۷۳, p
۳۳. ذکر شده در ۱۳۳، Summy ۱۹۹۴, p
۳۴. Reck-Malleczewen ۲۰۰۰, entry from August ۱۹۴۳, pp ۹۵-۱۹۴
۳۵. Stoltzfus ۱۹۹۶; Summy ۱۹۹۴
۳۶. Valentino ۲۰۰۴
۳۷. Foot ۲۰۱۶; Kurlansky ۲۰۰۶
۳۸. Perkoski & Chenoweth ۲۰۱۸
۳۹. Telegraph Staff ۲۰۰۹

۴۰. Foot ۲۰۱۶, p ۶۲
۴۱. S  melin ۱۹۹۶
۴۲. S  melin, et al ۲۰۰۴
۴۳. Kaplan ۲۰۱۳a
۴۴. Kaplan ۲۰۱۳b
۴۵. Kaplan ۲۰۱۷
۴۶. Svensson, Hall, Krause, & Skoog ۲۰۱۹
۴۷. Stephan ۲۰۱۶
۴۸. Hess & Martin ۲۰۰۶
۴۹. Stephan & Chenoweth ۲۰۰۸
۵۰. Hess & Martin ۲۰۰۶; Martin ۲۰۰۷
۵۱. King ۲۰۱۳
۵۲. Snowden ۲۰۱۹
۵۳. Hsiao & Lim ۲۰۱۶, pp ۲۱–۲۲
۵۴. Perkoski & Chenoweth ۲۰۱۸
۵۵. Robinson ۲۰۰۹
۵۶. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱; Schock ۲۰۰۵; Zunes ۱۹۹۹a
۵۷. Coy ۲۰۱۲
۵۸. Coy ۲۰۱۲
۵۹. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱

## فصل پنجم

۱. این فصل از Chenoweth ۲۰۲۰a برگرفته شده و حاوی برخی اصطلاحات و ایده های مشابه است.

۲. Pinker ۲۰۱۱

۳. Bartkowski ۲۰۱۳

۴. Gallo-Cruz ۲۰۱۹

۵. Repucci ۲۰۲۰

۶. Chenoweth & Pressman ۲۰۲۰; Marantz ۲۰۲۰

۷. Chenoweth ۲۰۱۷; ۲۰۱۸; ۲۰۱۹

۸. Ritter ۲۰۱۵

۹. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱

۱۰. Hamann, et al ۲۰۱۳

۱۱. Wasow ۲۰۲۰; Chenoweth & Schock ۲۰۱۵

۱۲. این بخش برگرفته است از ۲۰۱۸; ۲۰۱۷; ۲۰۱۴b; Chenoweth ۲۰۱۴b; هم چنین نگاه

کنید به Smithey & Kurtz ۲۰۱۸

۱۳. Martin ۲۰۰۷

۱۴. Spector ۲۰۰۶, p ۱

۱۵. Herszenhorn ۲۰۱۴

۱۶. Heydemann ۲۰۰۷; Spector ۲۰۰۶

۱۷. Frantz & Kendall-Taylor ۲۰۱۴

۱۸. Bueno de Mesquita & Smith ۲۰۱۱, pp ۱۹۸–۲۰۰

۱۹. Ross ۲۰۱۲

۲۰. Spector ۲۰۰۶; Carothers & Brechenmacher ۲۰۱۴

۲۱. Spector & Krickovic ۲۰۰۸, p ۹

۲۲. Hellmeier & Weidmann ۲۰۱۹

۲۳. Marx ۲۰۱۲

۲۴. Dobson ۲۰۱۲

۲۵. مکاتبات نویسنده با پاتریک مایر، ۲۰۱۱

۲۶. Spector & Krickovic ۲۰۰۸, p ۶

۲۷. Spector & Krickovic ۲۰۰۸, p ۷

۲۸. Spector & Krickovic ۲۰۰۸, p ۱۱

۲۹. Spector & Krickovic ۲۰۰۸, p ۷

۳۰. Chenoweth ۲۰۱۸

۳۱. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱

۳۲. Madrigal ۲۰۱۱

۳۳. Bayer et al ۲۰۱۶; Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱; Rivera and Gleditsch ۲۰۱۳;

Pinckney ۲۰۲۰; Ulfelder ۲۰۱۰; Wantchekon & García-Ponce ۲۰۱۷

۳۴. Beissinger ۲۰۱۳

۳۵. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱

۳۶. Chenoweth & Stephan ۲۰۱۱

۳۷. Stoddard ۲۰۱۳

۳۸. Chenoweth & Shay ۲۰۱۹

۳۹. Bayat ۲۰۱۷, p ۲۱۹
۴۰. Beissinger ۲۰۱۳
۴۱. Pinckney ۲۰۱۸; ۲۰۲۰
۴۲. Tarrow ۱۹۸۹; Ulfelder ۲۰۱۰
۴۳. Taylor ۲۰۱۶
۴۴. Gertsman ۲۰۲۰
۴۵. Chenoweth, et al ۲۰۲۰
۴۶. Buchanan, Bui, & Patel ۲۰۲۰; Chenoweth & Pressman ۲۰۲۰
۴۷. Ackerman & DuVall ۲۰۰۰; Kurlansky ۲۰۰۶; Smithey ۲۰۱۳
۴۸. Carter, Clark, & Randle ۲۰۰۶
۴۹. Kurlansky ۲۰۰۶
۵۰. Rossdale ۲۰۱۹
۵۱. Carlsmith & Sood ۲۰۰۹
۵۲. Iqbal ۲۰۱۵, pp. ۹۵–۱۲۰; Richardson ۲۰۰۶
۵۳. Richardson ۲۰۰۶

## منابع

- Abaraonye, Felicia Ihuoma. ١٩٩٨. “The Women’s War of ١٩٢٩ in South-Eastern Nigeria,” in M. J. Diamond, ed. *Women and Revolution: Global Expressions*, ١٠٩–١٣٢. Springer.
- Abonga, Francis, Raphael Kerali, Holly Porter, and Rebecca Tapscott. ٢٠١٩. “Naked Bodies and Collective Action: Repertoires of Protest in Uganda’s Militarised, Authoritarian Regime.” *Civil Wars*, November ١٢, ٢٠١٩, pp.١–٢٦.
- Abrahms, Max. ٢٠٠٦. “Why Terrorism Does Not Work.” *International Security* ٣١(٢): ٤٢–٧٨
- Abujbara, Juman, Andrew Boyd, Dave Mitchell, and Marcel Taminato, eds. ٢٠١٧. *Beautiful Rising: Creative Resistance from the Global South*. Portland: O/R Books
- Ackerman, Peter. ٢٠٠٧. “Skills or Conditions: What Key Factors Shape the Success or Failure of Civil Resistance?” *International Center for Nonviolent Conflict*; paper delivered at the Conference on Civil Resistance and Power Politics, St. Antony’s College, March ١٥–١٨, University of Oxford

- Ackerman, Peter, and Jack DuVall. ٢٠٠٠. *A Force More Powerful: A Century of Nonviolent Conflict*. London: St. Martin's Press / Palgrave Macmillan.
- Ackerman, Peter, and Christopher Kruegler. ١٩٩٤. *Strategic Nonviolent Conflict: The Dynamics of People Power in the Twentieth Century*. Westport, CT: Praeger.
- Ackerman, Peter, and Hardy Merriman. ٢٠١٤. "The Checklist for Ending Tyranny," in Maria J. Stephan and Mat Burows, eds., *Is Authoritarianism Staging a Comeback?* ٦٣–٨٠. Washington, DC: Atlantic Council.
- Adams, John. ١٨٥٦. *The Works of John Adams*, vol. ١٠. Boston: Little Brown. Adelman, Levi, Bernhard Leidner, and Seyed Nima Orazani. ٢٠١٧. "Psychological Contributions to Philosophy: The Cases of Just War Theory and Nonviolence." In Florian Demont-Biaggi, ed. *The Nature of Peace and the Morality of Armed Conflict*, ٢٦٧–٢٩١. London: Palgrave Macmillan.
- Adler, Paul. ٢٠١٩, November ٢٩. "What the 'Battle of Seattle' Can Teach Today's Progressives," *Washington Post*, <https://www.washingtonpost.com/outlook/٢٠١٩/١١/٢٩/what-battle-seattle-can-teach-todays-progressives/>.
- Australian Broadcasting Company (ABC). ٢٠١٣, June ١٣. *٧,٣٠ News Program*. "ABC's ٧,٣٠ Interviews His Holiness the Dalai Lama in

Sydney.” ABC News,

<https://www.youtube.com/watch?v=mEvftYpmRAs>.

- Barbash, Fred, and Emily Wax. ۲۰۰۴, October ۸. “Wangari Maathai, the Kenyan F . . .” Washington Post, <https://www.washingtonpost.com/archive/business/technology/۲۰۰۴/۱۰/۰۸/wangari-maathai-the-kenyan-f/۹۸bc۵۶۹۰-a۸e-۴ea۰۸۲e۸-f۲۷c۱۴a۳۲۴f/>.
- Barnard, Anne. ۲۰۱۵, June ۷. “Brides of Syria Were Joined in Opposition to Violence.” New York Times, <https://www.nytimes.com/۲۰۱۵/۰۶/۱۰/world/middleeast/syria-trials-of-spring.html>.
- Barrell, Howard. ۱۹۹۳. Conscripts to Their Age: African National Congress Operational Strategy, ۱۹۷۶–۱۹۸۶. Ph.D. dissertation, St. Antony’s College, Oxford University.
- Bartkowski, Maciej, ed. ۲۰۱۳. Recovering Nonviolent History: Civil Resistance in Liberation Struggles. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Bartkowski, Maciej. ۲۰۱۷, April ۱. “Popular Uprising against Democratically Elected Leaders: What Makes It Legitimate?” Huffington Post, [https://www.huffpost.com/entry/popular-uprising-against-\\_b\\_۹۵۶۷۶۰۴](https://www.huffpost.com/entry/popular-uprising-against-_b_۹۵۶۷۶۰۴).
- Bartkowski, Maciej, and Mohja Kahf. ۲۰۱۳. Syria: A tale of two struggles. Updated September ۲۳, ۲۰۱۳. Retrieved August ۱۳, ۲۰۱۵



(<https://www.opendemocracy.net/civilresistance/maciej-bartkowski-mohja-kahf/syrian-resistance-tale-of-two-struggles>)

- Bartkowski, Maciej, and Alina Polyakova. ٢٠١٥, October ١٢. “To Kill or Not to Kill?: Ukrainians Opt for Nonviolent Civil Resistance.” *Political Violence at a Glance*, <https://politicalviolenceataglance.org/٢٠١٥/١٠/١٢/to-kill-or-not-to-kill-ukrainians-opt-for-nonviolent-civil-resistance/>.
- Bayer, Markus, Felix S. Bethke, & Daniel Lambach. ٢٠١٦. “The Democratic Dividend of Nonviolent Resistance.” *Journal of Peace Research* ٥٣(٦): ٧٥٨–٧٧١.
- Bayat, Asef. ٢٠١٧. *Revolution without Revolutionaries: Making Sense of the Arab Spring*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.
- Beissinger, Mark R. ٢٠٠٧. “Structure and Example in Modular Political Phenomena: The Diffusion of Bulldozer/Rose/Orange/Tulip Revolutions.” *Perspectives on Politics* ٥(٠٢): ٢٥٩–٢٧٦.
- Beissinger, Mark R. ٢٠١٣. “The Semblance of Democratic Revolution: Coalitions in Ukraine’s Orange Revolution.” *American Political Science Review* ١٠٧(٣): ٥٧٤–٥٩٢.
- Beitler, Ruth. ٢٠٠٤. *The Path to Mass Rebellion: An Analysis of Two Intifadas*. New York: Lexington Books.
- Belgioioso, Margherita, Stefano Costalli, and Kristian Skrede Gleditsch. ٢٠١٩, March ١١. “Better the Devil You Know?: How Fringe Terrorism

Can Induce an Advantage for Moderate Nonviolent Campaigns.”

Terrorism and Political Violence: ۱–۲۰.

- Bennhold, Katrin. ۲۰۱۸, December ۲۷. “Germany’s far right rebrands: friendlier face, same doctrine.” The New York Times, <https://www.nytimes.com/2018/12/27/world/europe/germany-far-right-generation-identity.html>.
- Beyerle, Shaazka. ۲۰۱۴. *Curtailing Corruption: People Power for Accountability and Justice*. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Binnendijk, Anika Locke, and Ivan Marovic. ۲۰۰۶. “Power and Persuasion: Nonviolent Strategies to Influence State Security Forces in Serbia (۲۰۰۰) and Ukraine (۲۰۰۴).” *Communist and Post Communist Studies* ۳۹(۳) (September): ۴۱۱–۴۲۹.
- Bjork-James, Carwil. ۲۰۲۰. “Unarmed Militancy: Tactical Victories, Subjectivity, and Legitimacy in Bolivian Street Protest.” *American Anthropologist* ۱۲۲, no. ۳: ۵۱۴–۵۲۷.
- Bloom, Mia. ۲۰۰۵. *Dying to Kill: The Allure of Suicide Terror*. New York: Columbia University Press.
- Bob, Clifford, and Sharon Erickson Nepstad. ۲۰۰۷. “Kill a Leader, Murder a Movement? Leadership and Assassination in Social Movements.” *American Behavioral Scientist* ۵۰ (۱۰) (June): ۱۳۷۰–۱۳۹۴.
- Boserup, Anders, and Andrew Mack. ۱۹۷۴. *War without Weapons: Non-Violence in National Defence*. London: Frances Pinter

- Braithwaite, John. ٢٠١٤a. “Limits on Violence; Limits on Responsive Regulatory Theory.” *Law & Policy* ٣٦(٤): ٤٣١–٤٥٦.
- Braithwaite, John. ٢٠١٤b. “Rethinking Radical Flank Theory: South Africa.” RegNet Research Paper No. ٢٠١٤/٢٣. Canberra: Australian National University.
- Braithwaite, Alex, Jessica Maves Braithwaite, and Jeffrey Kucik, ٢٠١٥. “The Conditioning Effect of Protest History on the Emulation of Nonviolent Conflict.” *Journal of Peace Research* ٥٢(٦): ٦٩٧–٧١١.
- Bray, Mark. ٢٠١٧. *Antifa: The Anti-Fascist Handbook*. Brooklyn, NY: Melville House.
- Brown, Wilmette. ١٩٨٤. *Black Women and the Peace Movement*. Bristol: Falling Wall Press.
- Buchanan, Larry, Quoc Trung Bui, and Jugal K. Patel. ٢٠٢٠, July ٣. “Black Lives Matter May Be the Largest Movement in U.S. History.” *New York Times*, <https://www.nytimes.com/interactive/2020/07/03/us/george-floyd-protests-crowd-size.html>.
- Bueno de Mesquita, Bruce, and Alastair Smith. ٢٠١١. *The Dictator’s Handbook: Why Bad Behavior Is Almost Always Good Politics*. New York: Public Affairs.

- Bunce, Valerie, and Sharon Wolchik. ۲۰۱۱. *Defeating Authoritarian Leaders in PostCommunist Countries*. New York: Cambridge University Press.
- Burrowes, R. J. ۱۹۹۶. *The Strategy of Nonviolent Defense: A Gandhian Approach*. Albany: State University of New York Press.
- Butcher, Charles, John Laidlaw Gray, and Liesel Mitchell. ۲۰۱۸. “Striking It Free? Organized Labor and the Outcomes of Civil Resistance.” *Journal of Global Security Studies* ۳(۳): ۳۰۲–۳۲۱.
- Carey, Sabine C. ۲۰۱۰. “The Use of Repression as a Response to Domestic Dissent.” *Political Studies* ۵۸(۱): ۱۶۷–۱۸۶.
- Carothers, Thomas, and Saskia Brechenmacher. ۲۰۱۴. “Closing Space: Democracy and Human Rights Support Under Fire.” Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace.
- Carlsmith, Kevin, and Avani Mehta Sood. ۲۰۰۹. “The Fine Line Between Interrogation and Retribution.” *Journal of Experimental Social Psychology* ۴۵(۱): ۱۹۱–۱۹۶.
- Carter, April. ۲۰۱۱. *People Power and Political Change: Key Issues and Concepts*. New York: Routledge.
- Carter, April, Howard Clark, and Michael Randle. ۲۰۰۶. *People Power and Protest since ۱۹۴۵: A Bibliography of Nonviolent Action*. London: Housmans.

- Case, Benjamin. ٢٠١٨. “Riots as Civil Resistance Rethinking the Dynamics of ‘Nonviolent’ Struggle.” *Journal of Resistance Studies* ٤(١): ٩.
- Chase, Steve. ٢٠١٧a, July ١٨. “Let’s Get Real: Facing Up to the Agent Provocateur Problem.” *Minds of the Movement Blog*, International Center on Nonviolent Conflict, [https://www.nonviolentconflict.org/blog\\_post/lets-get-real-facingagent-provocateur-problem/](https://www.nonviolentconflict.org/blog_post/lets-get-real-facingagent-provocateur-problem/).
- Chase, Steve. ٢٠١٧b, June ٢٠. “Let’s Get Strategic: Why Moving ‘Beyond Violence and Nonviolence’ Is Flawed.” *Minds of the Movement Blog*, International Center on Nonviolent Conflict, [https://www.nonviolentconflict.org/blog\\_post/lets-get-strategic-moving-beyond-violence-nonviolence-flawed/](https://www.nonviolentconflict.org/blog_post/lets-get-strategic-moving-beyond-violence-nonviolence-flawed/).
- Clements, Kevin P. ٢٠١٥. “Principled Nonviolence: An Imperative, Not an Optional Extra.” *Asian Journal of Peacebuilding* ٣(١): ١–١٧.
- Chenoweth, Erica. ٢٠١٣, July ٣١. “Changing Sides Doesn’t Always Make for Transformation — Just Look at Egypt.” *OpenDemocracy*, <https://www.opendemocracy.net/en/transformation/changing-sides-doesnt-always-makefor-transformation-just-look-at-e/>
- Chenoweth, Erica. ٢٠١٤a. “Civil Resistance: Reflections on an Idea Whose Time Has Come.” *Global Governance: A Review of Multilateralism and International Organizations* ٢٠(٣): ٣٥١–٣٥٨.

- Chenoweth, Erica. ۲۰۱۴b. “Trends in Civil Resistance and Authoritarian Responses.” In Maria J. Stephan and Mat Burrows, eds., *Is Authoritarianism Staging a Comeback?* ۵۳–۶۲. Washington, DC: Atlantic Council.
- Chenoweth, Erica. ۲۰۱۷. “Trends in Nonviolent Resistance and State Response: Is Violence toward Civilian-Based Movements on the Rise?” *Global Responsibility to Protect* ۹(۱): ۸۶–۱۰۰.
- Chenoweth, Erica. ۲۰۱۸. “The Trump Administration’s Adoption of the AntiRevolutionary Toolkit.” *PS: Political Science and Politics* ۵۱(۱) (January): ۱۷–۲۵.
- Chenoweth, Erica. ۲۰۱۹. “Women’s Participation and the Fate of Nonviolent Resistance Campaigns.” One Earth Future report, [https://oefresearch.org/sites/default/files/documents/publication/Womens\\_Participation\\_Nonviolent\\_Campaigns\\_Digital\\_.pdf](https://oefresearch.org/sites/default/files/documents/publication/Womens_Participation_Nonviolent_Campaigns_Digital_.pdf). Chenoweth, Erica. ۲۰۲۰a. “The Future of Nonviolent Resistance” *Journal of Democracy* ۳۱(۳): ۶۹–۸۴.
- Chenoweth, Erica. ۲۰۲۰b. “Questions, Answers, and Some Cautionary Updates Regarding the ۳,۵% Rule.” Carr Center Discussion Paper Series ۲۰۲۰-۰۰۵. Kennedy School of Government, Harvard University.
- Chenoweth, Erica, and Margherita Belgioioso. ۲۰۱۹. “The Physics of Dissent and the Effects of Movement Momentum.” *Nature Human Behaviour* ۳(۱۰): ۱۰۸۸–۱۰۹۵.

- Chenoweth, Erica, Austin Choi-Fitzpatrick, Jeremy Pressman, Felipe G. Santos, and Jay Ulfelder. ٢٠٢٠, April ٢٠. “The Global Pandemic Has Spawned New Forms of Activism—and They’re Flourishing.” *The Guardian*,  
<https://www.theguardian.com/commentisfree/٢٠٢٠/apr/٢٠/the-global-pandemic-hasspawned-new-forms-of-activism-and-theyre-flourishing>.
- Chenoweth, Erica, Sirianne Dahlum, Sooyeon Kang, Zoe Marks, Christopher Shay, and Tore Wig. ٢٠١٩, November ١٦. “This May Be the Largest Wave of Nonviolent Mass Movements in World History. What Comes Next?” *Washington Post*,  
<https://www.washingtonpost.com/politics/٢٠١٩/١١/١٦/this-may-be-largest-wave-nonviolent-mass-movements-world-history-whatcomes-next/>
- Chenoweth, Erica, Sooyeon Kang, and Pauline Moore. ٢٠٢١. Major Episodes of Contention Dataset. Harvard Dataverse.
- Chenoweth, Erica, and Orion A. Lewis. ٢٠١٣. “Unpacking Nonviolent Campaigns: Introducing the NAVCO ٢,٠ Dataset.” *Journal of Peace Research* ٥٠(٣) (May): ٤١٥–٤٤٢.
- Chenoweth, Erica, and Tricia Olsen. ٢٠١٥. “Civil Resistance and Corporate Behavior: Mapping Trends and Assessing Impact.”

Democracy, Human Rights, and Governance Research and Innovation Grant Report, USAID, August.

- Chenoweth, Erica, Jonathan Pinckney, and Orion A. Lewis. ۲۰۱۸. “Days of Rage: Introducing the NAVCO ۳٫۰ Dataset.” *Journal of Peace Research* ۵۵(۴) (July): ۵۲۴–۵۳۴.
- Chenoweth, Erica, and Jeremy Pressman. ۲۰۱۷, February ۷. “This Is What We Learned by Counting the Women’s Marches.” *Washington Post*, Monkey Cage, <https://www.washingtonpost.com/news/monkeycage/wp/۲۰۱۷/۰۲/۰۷/this-is-what-we-learned-by-counting-the-womens-marches/>.
- Chenoweth, Erica, and Jeremy Pressman. ۲۰۲۰, October ۱۷. “This Summer’s Black Lives Matter Protesters Were Overwhelmingly Peaceful, Our Research Finds,” *The Washington Post*, <https://www.washingtonpost.com/politics/۲۰۲۰/۱۰/۱۶/this-summer-black-lives-matter-protesters-were-overwhelming-peacefulour-research-finds/>.
- Chenoweth, Erica, and Kurt Schock. ۲۰۱۵. “Do Contemporaneous Armed Challenges Affect the Outcomes of Mass Nonviolent Campaigns?” *Mobilization: An International Quarterly* ۲۰(۴): ۴۲۷–۴۵۱.
- Chenoweth, Erica, and Christopher W. Shay. ۲۰۱۹. NAVCO ۲٫۱ Dataset. Harvard Dataverse.



- Chenoweth, Erica, and Maria J. Stephan. ٢٠١١. *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict*. New York: Columbia University Press.
- Chenoweth, Erica, and Maria J. Stephan. ٢٠١٤. “Drop Your Weapons: When and Why Civil Resistance Works.” *Foreign Affairs* ٩٣(٤) (July/August): ٩٤–١٠٦.
- Chenoweth, Erica, and Maria J. Stephan. ٢٠١٦, January ١٨. “How the World Is Proving Martin Luther King Right about Nonviolence” *Washington Post*, Monkey Cage, <https://www.washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2016/01/18/how-the-world-is-proving-mlk-right-about-nonviolence/>.
- Chenoweth, Erica, and Maria J. Stephan. ٢٠١٩, December ١٨. “Violence Is a Dangerous Route for Protesters.” *Foreign Policy Magazine*, <https://foreignpolicy.com/2019/12/18/violent-resistance-protests-nonviolence/>.
- Chenoweth, Erica, and Maria J. Stephan. ٢٠٢١. *The Role of External Support in Nonviolent Campaigns: Poisoned Chalice or Holy Grail?* Washington, DC: International Center on Nonviolent Conflict.
- Chenoweth, Erica, and Jay Ulfelder. ٢٠١٧. “Can Structural Conditions Explain the Onset of Nonviolent Uprisings?” *Journal of Conflict Resolution* ٦١(٢) (February): ٢٩٨–٣٢٤.

- Clark, Howard. ۲۰۱۰. "The Limits of Prudence: Civil Resistance in Kosovo, ۱۹۹۰—۱۹۹۸." In Adam Roberts and Timothy Garton Ash, eds., *Civil Resistance and Power Politics: The Experience of Non Violent Action from Gandhi to the Present*, ۲۷۷—۲۹۴. Oxford: Oxford University Press.
- Cobb, Raymond. ۲۰۱۴. *This Nonviolent Stuff'll Get You Killed: How Guns Made the Civil Rights Movement Possible*. New York: Basic Books.
- Cochran, David. ۲۰۱۹. "The Irish Revolution's Overlooked History of Nonviolent Resistance." *Waging Nonviolence*, January, <https://wagingnonviolence.org/۲۰۱۹/۰۱/irish-revolution-overlooked-history-nonviolent-resistance/>.
- Conrad, Courtenay Ryals, and Will H. Moore. ۲۰۱۰. "What Stops the Torture?" *American Journal of Political Science* ۵۴(۲) (April): ۴۵۹-۴۷۶.
- Conser, Walter H., Ronald McCarthy, David Toscano, and Gene Sharp, eds. ۱۹۸۶. *Resistance, Politics, and the American Struggle for Independence, ۱۷۶۵—۱۷۷۵*. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.
- Conser, Walter. ۲۰۱۳. "Cuba: Nonviolent Strategies for Autonomy and Independence, ۱۸۱۵—۱۹۰۲," in Maciej Bartkowski, *Recovering Nonviolent History: Civil Resistance in Liberation Struggles*, ۲۹۹—۳۱۸. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.

- Coy, Patrick G. ٢٠١٢. “Nonpartisanship, Interventionism and Legality in Accompaniment: Comparative Analyses of Peace Brigades International, Christian Peacemaker Teams, and the International Solidarity Movement.” *International Journal of Human Rights* ١٦(٧) (October): ٩٦٣–٩٨١.
- Cunningham, Kathleen. ٢٠١٤. *Inside the Politics of Self Determination*. New York: Oxford University Press.
- Dahlum, Sirianne. ٢٠١٩. “Students in the Streets: Education and Nonviolent Protest.” *Comparative Political Studies* ٥٢(٢): ٢٧٧–٣٠٩.
- Dahlum, Sirianne, and Tore Wig. ٢٠١٩. “Who Revolts? Empirically Revisiting the Social Origins of Democracy.” *The Journal of Politics* ٨١(٤): ١٤٩٤–١٤٩٩.
- Dave, Nomi. ٢٠٢٠. *The Revolution’s Echoes: Music, Politics, and Pleasure in Guinea*. Chicago: University of Chicago Press.
- Davenport, Christian. ٢٠٠٧. “State Repression and Political Order.” *Annual Review of Political Science* ١٠: ١–٢٣.
- Davenport, Christian. ٢٠١٥. *How Social Movements Die: Repression and Demobilization of the Republic of New Africa*. New York: Cambridge University Press.
- Davenport, Christian, Sarah A. Soule, and David Armstrong. ٢٠١١. “Protesting While Black?: The Differential Policing of American

Activism, ۱۹۶۰ to ۱۹۹۰.” *American Sociological Review* ۷۶(۱)  
(February): ۱۵۲–۱۷۸.

- Deming, Barbara. ۱۹۷۱. *Revolution and Equilibrium*. Chicago: Grossman.
- DeNardo, James. ۱۹۸۵. *Power in Numbers: The Political Strategy of Protest and Rebellion*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Desai, Ashwin, and Goolam Vahed. ۲۰۱۵. *The South African Gandhi: Stretcher-Bearer of Empire*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.
- Dobson, William J. ۲۰۱۲. *The Dictator’s Learning Curve: Inside the Global Battle for Democracy*. New York: Doubleday.
- Dorff, Cassy. ۲۰۱۵. “Civilian Survival in Armed Conflict: Perceptions on the Efficacy of Nonviolent and Violent Strategies, Evidence from Mexico.” Unpublished manuscript, University of Denver.
- Dudouet, Véronique. ۲۰۱۳. “Dynamics and Factors of Transition from Armed Struggle to Nonviolent Resistance.” *Journal of Peace Research* ۵۰(۳) (May): ۴۰۱–۴۱۳
- Edelman, Marek [obituary]. ۲۰۰۹, October ۴. *The Telegraph*, <https://www.telegraph.co.uk/news/obituaries/politics-obituaries/۶۲۵۹۹۰۰/Marek-Edelman.html>.
- Edwards, Pearce, and Daniel Arnon. ۲۰۱۹, December ۱۲. “Violence on Many Sides: Framing Effects on Protest and Support for Repression.” *British Journal of Political Science*: ۱–۱۹.

- Enos, Ryan, Aaron Kaufman, and Melissa Sands. ٢٠١٩. "Can Violent Protest Change Local Policy Support? Evidence from the Aftermath of the ١٩٩٢ Los Angeles Riot." *American Political Science Review* ١١٣(٤): ١٠١٢-١٠٢٨.
- Fanon, Frantz. ١٩٦١. *The Wretched of the Earth*. New York: Grove Press.
- Fazal, Tanisha M. ٢٠١٨. "Go Your Own Way: Why Rising Separatism May Lead to More Conflict." *Foreign Affairs* (July/August): ١١٣-١٢٣.
- Filkins, Dexter. ٢٠٢٠, May ٢٥. "Twilight of the Iranian Revolution." *New Yorker*.
- Finkel, Yevgeny. ٢٠١٥. "The Phoenix Effect of State Repression: Jewish Resistance during the Holocaust." *American Political Science Review* ١٠٩(٢): ٣٣٩-٣٥٣.
- Fisher, Mark. ٢٠٠٩. *Capitalist Realism: Is There No Alternative?* London: Zero.Foot, M. R. D. ٢٠١٦. *Resistance: European Resistance to the Nazis, ١٩٤٠-١٩٤٥*. London: Biteback Publishing.
- Francisco, Ronald. ٢٠٠٤. "After the Massacre: Mobilization in the Wake of Harsh Repression." *Mobilization: An International Journal* ٩(٢) (June): ١٠٧-١٢٦.
- Frantz, Erica, and Andrea Kendall-Taylor. ٢٠١٤. "A Dictator's Toolkit: Understanding How Co-optation Affects Repression in Autocracies." *Journal of Peace Research* ٥١(٣) (May): ٣٣٢-٣٤٦.

- Freeman, Jo. ۱۹۷۰. "The Tyranny of Structurelessness," <https://www.jofreeman.com/joreen/tyranny.htm>, last accessed November ۲۱, ۲۰۲۰.
- Gallo-Cruz, Selina. ۲۰۱۲. "Organizing Global Nonviolence: The Growth and Spread of Nonviolent INGOs, ۱۹۴۸-۲۰۰۳." *Research in Social Movements, Conflicts, and Change* ۳۴: ۲۱۳-۲۵۶.
- Gallo-Cruz, Selina. ۲۰۱۹. "Nonviolence beyond the State: International NGOs and Local Nonviolent Mobilization." *International Sociology* ۳۴(۶): ۶۵۵-۶۷۴.
- Gamson, William A. ۱۹۹۰. *The Strategy of Social Protest*. ۲nd edition. Belmont, CA: Wadsworth.
- Gertsman, Evan. ۲۰۲۰, April ۱۲. "How the COVID-۱۹ Crisis Is Threatening Freedom and Democracy across the Globe," *Forbes.com*.
- Gillion, Daniel. ۲۰۱۳. *The Political Power of Protest: Minority Activism and Shifts in Public Policy*. New York: Cambridge University Press.
- Gillion, Daniel. ۲۰۲۰. *The Loud Minority: Why Protests Matter in American Democracy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Gladwell, Malcolm, and Clay Shirky. ۲۰۱۱. "From Innovation to Revolution: Do Social Media Make Protests Possible?" *Foreign Affairs* ۹۰(۲): ۱۵۳-۱۵۴.

- Gleditsch, Kristian S., and Mauricio Rivera. ٢٠١٧. "The Diffusion of Nonviolent Campaigns." *Journal of Conflict Resolution* ٦١(٥): ١١٢٠–١١٤٥.
- Global Nonviolent Action Database. Retrieved November ٢١, ٢٠٢٠, <https://nvdatabase.swarthmore.edu/>
- Gohdes, Anita. ٢٠٢٠. "Repression Technology: Internet Accessibility and State Violence." *American Journal of Political Science* (٢٠٢٠): ١–١٦.
- Graeber, David. ٢٠١٢, February ٩. "Concerning the Violent Peace Police: An Open Letter to Chris Hedges." *n+١ Magazine Online*, <http://nplusonemag.com/concerning-the-violent-peace-police>.
- Grewal, Sharan. ٢٠١٩. "Military Defection during Localized Protests: The Case of Tataouine." *International Studies Quarterly* ٦٣(٢): ٢٥٩–٢٦٩.
- Grossman, Dave. ١٩٩٥. *On Killing: The Psychological Cost of Learning to Kill in War and Society*. Boston: Little, Brown.
- Guha, Ramachandra. ٢٠١٨. *Gandhi: The Years That Changed the World, ١٩١٤–١٩٤٨*. New York: Alfred A. Knopf.
- Guntisky, Seva. ٢٠١٥. "Corrupting the Cyber-Commons: Social Media as a Tool of Autocratic Stability." *Perspectives on Politics* ١٣(١) (March): ٤٢–٥٤.
- Haines, Herbert. ١٩٨٤. "Black Radicalization and the Funding of Civil Rights: ١٩٥٧–١٩٧٠." *Social Problems* ٣٢(١) (October): ٣١–٤٣.

- Haines, Herbert. ۱۹۸۸. *Black Radicals and the Civil rights Mainstream*. Knoxville: University of Tennessee Press.
- Hamann, Kerstin, Alison Johnston, and John Kelly. ۲۰۰۴. "Striking Concessions from Governments: Explaining the Success of General Strikes in Western Europe, ۱۹۸۰–۲۰۰۹." *Comparative Politics* ۳۶(۱): ۲۳–۴۱.
- Hassanpour, Navid. ۲۰۱۴. "Media Disruption and Revolutionary Unrest: Evidence from Mubarak's Quasi-Experiment." *Political Communication* ۳۱(۱) (January): ۱–۲۴.
- Havel, Václav. ۱۹۸۶. *Václav Havel, or, Living in Truth: Twenty-Two Essays Published on the Occasion of the Award of the Erasmus Prize to Václav Havel*, ed. Jan Vladislav. London: Faber & Faber
- Hellmeier, Sebastian, and Nils B. Weidmann. ۲۰۱۹. "Pulling the Strings? The Strategic Use of Pro-Government Mobilization in Authoritarian Settings." *Comparative Political Studies* ۵۳(۱): ۷۱–۱۰۸.
- Helvey, Robert. ۲۰۰۴. *On Strategic Nonviolent Conflict: Thinking about Fundamentals*. Boston: Albert Einstein Institute.
- Herszenhorn, David M. ۲۰۱۴, April ۱۳. "Xenophobic Chill Descends on Moscow." *New York Times*.
- Herzog, Rudolph. ۲۰۱۱. *Dead Funny: Humor in Hitler's Germany*. New York: Melville House.



- Hess, David, and Brian Martin. ٢٠٠٦. “Repression, Backfire, and the Theory of Transformative Events.” *Mobilization: An International Journal* ١١(٢) (June): ٢٤٩–٢٦٧.
- Heydemann, Steven. ٢٠٠٧. “Upgrading Authoritarianism in the Arab World.” Saban Center Analysis Paper Series ١٣, Brookings Institution. October.
- Howard, Philip N. ٢٠١٠. *The Digital Origins of Dictatorship and Democracy: Information Technology and Political Islam*. Oxford: Oxford University Press.
- Hoyte, Harry. ٢٠١٦, June ٣٠. “Ella Baker and the Politics of Hope Lessons from the Civil Rights Movement.” *Huffington Post*, [https://www.huffpost.com/entry/ella-baker-and-the-politi\\_b\\_٧٧٠٢٩٣٦](https://www.huffpost.com/entry/ella-baker-and-the-politi_b_٧٧٠٢٩٣٦).
- Hsiao, Andrew, and Audrea Lim, eds. ٢٠١٦. *The Verso Book of Dissent: Revolutionary Words from Three Millennia of Rebellion and Resistance*. London: Verso.
- Huet-Vaughn, Emiliano. ٢٠١٧. *Quiet Riot: The Causal Effect of Protest Violence*. Unpublished manuscript, UCLA, [https://papers.ssrn.com/sol٣/papers.cfm?abstract\\_id=٢٣٣١٥٢٠](https://papers.ssrn.com/sol٣/papers.cfm?abstract_id=٢٣٣١٥٢٠).
- Iqbal, Khuram. ٢٠١٥. *The Making of Pakistani Human Bombs*. Lanham, MD: Lexington Books.

- Interfax. ۲۰۰۷, February ۱۹. “Putin against using human rights as instrument of political influence.”
- International Center on Nonviolent Conflict. ۲۰۰۵. Bringing Down a Dictator, <https://www.nonviolentconflict.org/bringing-dictator-english/>
- Isaac, Larry W., Steve McDonald, and Greg Lukasik. ۲۰۰۶. “Takin’ It from the Streets: How the Sixties Breathed Life into the Labor Movement.” *American Journal of Sociology* ۱۱۲(۱) (July): ۴۶–۹۶.
- Jamal, Amal. ۲۰۰۵. *The Palestinian National Movement: Politics of Contention*, ۱۹۶۷–۲۰۰۵. Bloomington: Indiana University Press.
- Johnson, Bryan. ۱۹۸۷. *The Four Days of Courage: The Untold Story of the People Who Brought Marcos Down*. New York: Free Press.
- Johnson, Jaelyn, and Clayton L. Thyne. ۲۰۱۸. “Squeaky Wheels and Troop Loyalty: How Domestic Protests Influence Coups d’État, ۱۹۵۱–۲۰۰۵.” *Journal of Conflict Resolution* ۶۲(۳) (March): ۵۹۷–۶۲۵.
- Johnstad, Petter Grahl. ۲۰۱۲. “When the Time Is Right: Regime Legitimacy as a Predictor of Nonviolent Protest Outcome.” *Peace & Change* ۳۷(۴) (October): ۵۱۶–۵۴۳.
- Kadivar, Mohammad Ali, and Neil Ketchley. ۲۰۱۸. “Sticks, Stones, and Molotov Cocktails: Unarmed Collective Violence and Democratization.” *Socius* ۴ (May ۳۱).

- Kaplan, Oliver. ٢٠١٣a. “Nudging Armed Groups: How Civilians Transmit Norms of Protection.” *Stability: International Journal of Security and Development* ٢(٣) (December): ٦٢.
- Kaplan, Oliver. ٢٠١٣b. “Protecting Civilians in War: The Institution of the ATCC in Colombia.” *Journal of Peace Research* ٥٠(٣) (May): ٣٥١–٣٦٧.
- Kaplan, Oliver. ٢٠١٧. *Resisting War: How Communities Protect Themselves*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Kauffman, L.A. ٢٠١٧. *Direct Action: Protest and the Reinvention of American Radicalism*. London: Verso.
- Keck, Margaret E., and Kathryn Sikkink. ١٩٩٨. *Activists Beyond Borders: Advocacy Networks in International Relations*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Kessi, Shose, Zoe Marks, and Elelwani Ramugondo. ٢٠٢٠. “Decolonizing African Studies.” *Critical African Studies* ١٢(٣) (October): ٢٧١–٢٨٢.
- Khawaja, Marwan. ١٩٩٣. “Repression and Popular Collective Action: Evidence from the West Bank.” *Sociological Forum* ٨(١): ٤٧–٧١.
- Kishtainy, Khalid. ٢٠١٠. “Humor and Resistance in the Arab World and Greater Middle East.” In Maria J. Stephan, ed., *Civilian Jihad: Nonviolent Struggle, Democratization, and Governance in the Middle East*, ٥٣–٦٤. New York: Palgrave Macmillan.

- King, Mary E. ۲۰۰۷. *A Quiet Revolution: The First Palestinian Intifada and Nonviolent Resistance*. New York: Nation Books.
- King, Mary. ۲۰۱۱. “The Power of Song, from Selma to Syria.” *Waging Nonviolence*, July ۲۳, <https://wagingnonviolence.org/۲۰۱۱/۰۷/the-power-of-song-fromselma-to-syria/>.
- King, Mary Elizabeth. ۲۰۱۳. “‘A Single Garment of Destiny’: Martin Luther King Jr and Our World.” *Remarks at the Martin Luther King, Jr., Foundation, The Hague, Netherlands*. May ۲۴.
- King, Mary. ۲۰۱۵. *Gandhian Nonviolent Struggle and Untouchability in South India: The ۱۹۲۴–۲۵ Vykom Satyagraha and Mechanisms of Change*. New Delhi: Oxford University Press.
- The King Center. n.d. “The King Philosophy,” accessed November ۲, ۲۰۲۰, from <https://thekingcenter.org/king-philosophy/>.
- Kinsman, Jeremy, and Kurt Bassuener, eds. ۲۰۱۶. *A Diplomat’s Handbook for Democracy Development Support*. Montreal, Quebec: McGill–Queen’s University Press.
- Klein, Graig R., and Patrick Regan. ۲۰۱۸. “Dynamics of Political Protests.” *International Organization* ۷۲(۲): ۴۸۵–۵۲۱.
- Klein, Naomi. ۱۹۹۸, July ۲۳. “Computer Hacking New Tool of Political Activism.” *Toronto Star*.
- Koren, Ore. ۲۰۱۴. “Military Structure, Civil Disobedience, and Military Violence.” *Terrorism and Political Violence* ۲۶(۴): ۶۸۸–۷۱۲.

- Kuran, Timur. ١٩٨٩. "Sparks and Prairie Fires: A Theory of Unanticipated Political Revolution." *Public Choice* ٦١(١) (April): ٤١–٧٤.
- Kuran, Timur. ١٩٩١. "Now Out of Never: The Element of Surprise in the East European Revolution of ١٩٨٩." *World Politics* ٤٤(١) (October ١): ٧–٤٨.
- Kurlansky, Mark. ٢٠٠٦. *Nonviolence: Twenty-Five Lessons from the History of a Dangerous Idea*. New York: Modern Library.
- Kurtz, Lester, and Lee Smithey. ٢٠١٨. *The Paradox of Repression and Nonviolent Movements*. Syracuse, NY: Syracuse University Press.
- Kurzman, Charles. ١٩٩٦. "Structural Opportunity and Perceived Opportunity in Social-Movement Theory: The Iranian Revolution of ١٩٧٩." *American Sociological Review* ٦١(١) (February): ١٥٣–١٧٠.
- Kurzman, Charles. ٢٠٠٤. *The Unthinkable Revolution in Iran*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Kydd, Andrew, and Barbara Walter. ٢٠٠٦. "The Strategies of Terrorism." *International Security* ٣١(١): ٤٩–٨٠.
- Lakey, George. ٢٠١٨. *How We Win: A Guide to Nonviolent Direct Action Campaigning*. Brooklyn, NY: Melville House.
- Lee, Terence. ٢٠٠٩. "The Armed Forces and Transitions from Authoritarian Rule: Explaining the Role of the Military in ١٩٨٦ Philippines and ١٩٩٨ Indonesia." *Comparative Political Studies* ٤٢(٥) (May): ٦٤٠–٦٦٩.

- Lichbach, Mark Irving. ۱۹۹۴a. *The Rebel's Dilemma*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Lichbach, Mark. ۱۹۹۴b. "Rethinking Rationality and Rebellion: Theories of Collective Action and Problems of Collective Dissent." *Rationality and Society* ۶(۱) (January): ۸-۳۹.
- Liddell Hart, Basil Henry. ۱۹۵۴. *Strategy: The Indirect Approach*. London: Faber and Faber.
- Liddell Hart, Basil Henry. ۱۹۶۸. "The Second World War." *The New Cambridge Modern History*. Cambridge: Cambridge University Press.
- L'Obs with AFP. ۲۰۱۹, March ۸. "Les '۱۸ commandements' du manifestant en Algérie," <https://www.nouvelobs.com/monde/۲۰۱۹۰۳۰۸.OBS۱۸۱۸/les-۱۸-commandements-du-manifestant-en-algerie.html>
- Long, Michael G. ۲۰۱۹. *We the Resistance: Documenting a History of Nonviolent Protest in the United States*. San Francisco: City Lights.
- Looney, J. Jefferson, ed. ۲۰۱۲. *The Papers of Thomas Jefferson, Retirement Series, vol. ۹, September ۱۸۱۵ to April ۱۸۱۶*. Princeton: Princeton University Press.
- Lupu, Yonatan, and Geoffrey P. R. Wallace. ۲۰۱۹. "Violence, Nonviolence, and the Effects of International Human Rights Law." *American Journal of Political Science* ۶۳(۲) (April): ۴۱۱-۴۲۶.

- Macleod, Jason. ٢٠١٥. "Building Resilience to Repression in Nonviolent Resistance Struggles." *Journal of Resistance Studies* ١(١): ٧٧-١١٨
- Madrigal, Alexis. ٢٠١١. "Egyptian Activists' Action Plan: Translated." *The Atlantic*. January, <https://www.theatlantic.com/international/archive/٢٠١١/٠١/egyptian-activists-action-plan-translated/٧٠٣٨٨/>.
- Makara, Michael. ٢٠١٣. "Coup-Proofing, Military Defection, and the Arab Spring." *Democracy and Security* ٩(٤) (September): ٣٣٤-٣٥٩.
- Marantz, Andrew. ٢٠٢٠, November ٢٣. "The Anti-Coup." *The New Yorker*.
- Marks, Zoe, and Erica Chenoweth. ٢٠١٩. "Empowerment or Backlash? How Women's Participation in Mass Uprisings Provides a Rising Tide." Presentation at Global International Studies Association Meeting, University of Ghana, August ١-٣.
- Marks, Zoe, Jide Okeke, and Erica Chenoweth. ٢٠١٩, April ٢٥. "People Power Is Rising in Africa," *Foreign Affairs*, <https://www.foreignaffairs.com/articles/africa/٢٠١٩-٠٤-٢٥/people-power-rising-africa>.
- Martin, Brian. ٢٠٠٧. *Justice Ignited: The Dynamics of Backfire*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Martin, Brian. ٢٠١٥. "From Political Jiu-Jitsu to the Backfire Dynamic: How Repression Can Promote Mobilization." In Kurt Schock, ed., *Civil*

Resistance: Comparative Perspectives on Nonviolent Struggle, ۱۴۵–۱۶۷.

Minneapolis and London: University of Minnesota Press.

- Martin, Brian, Wendy Varney, and Adrian Vickers. ۲۰۰۱. “Political Jiu Jitsu against Indonesian Repression: Studying Lower–Profile Nonviolent Resistance.” *Pacifica Review: Peace, Security & Global Change* ۱۳(۲) (June): ۱۴۳–۱۵۶.
- Marwell, Gerald, and Pamela Oliver. ۱۹۹۳. *The Critical Mass in Collective Action: A Micro–Social Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Marx, Gary. ۲۰۱۲. “Agents Provocateurs as a Type of Faux Activist.” In D. Snow, D. Della Porta, B. Klandermans, and D. McAdam, eds., *Encyclopedia of Social and Political Movements*. London: Blackwell.
- Mazumder, Soumyajit. ۲۰۱۸. “The Persistent Effect of U.S. Civil Rights Protests on Political Attitudes.” *American Journal of Political Science* ۶۲(۴): ۹۲۲–۹۳۵.
- McAdam, Doug. ۱۹۹۶a. “The Framing Function of Movement Tactics: Strategic Dramaturgy in the American Civil Rights Movement.” In Doug McAdam, John D. McCarthy, and Mayer N. Zald, eds., *Comparative Perspectives on Social Movements: Political Opportunities, Mobilizing Structures, and Cultural Framings*, ۳۳۸–۳۵۴. New York: Cambridge University Press.



- McAdam, Doug. ۱۹۹۶b. "Political Opportunities: Conceptual Origins, Current Problems, Future Directions." In Doug McAdam, John D. McCarthy, and Mayer N. Zald, eds., *Comparative Perspectives on Social Movements: Political Opportunities, Mobilizing Structures, and Cultural Framings*, ۲۳–۴۰. New York: Cambridge University Press.
- McAdam, Doug. ۱۹۹۹. *Political Process and the Development of Black Insurgency, ۱۹۳۰–۱۹۷۰*. Second ed. Chicago: University of Chicago Press.
- McAdam, Doug, Sidney Tarrow, and Charles Tilly. ۲۰۰۱. *Dynamics of Contention*. New York: Cambridge University Press.
- McCammon, Holly J., Erin M. Bergner, and Sandra C. Arch. ۲۰۱۵. "Are You One of Those Women? Within–Movement Conflict, Radical Flank Effects, and Social Movement Political Outcomes." *Mobilization* ۲۰(۲) (June): ۱۵۷–۱۷۸.
- Meier, Patrick. ۲۰۱۱, February ۱۰. "How to Use Facebook If You Are a Repressive Regime." iRevolutions blog, <https://irevolutions.org/۲۰۱۱/۰۲/۱۰/facebookfor-repressive-regimes/>.
- Mitts, Tamar, and Devorah Manekin. ۲۰۱۹. "Ethnicity, Identity, and the Efficacy of Nonviolent Resistance." Paper presented at the American Political Science Association Annual Meeting, Washington, DC, August ۲۹–September ۱.

- Morozov, Evgeny. ۲۰۱۰. *The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom*. New York: PublicAffairs.
- Muñoz, Jordi, and Eva Anduiza. ۲۰۱۹. “‘If a Fight Starts, Watch the Crowd’: The Effect of Violence on Popular Support for Social Movements.” *Journal of Peace Research* ۵۶(۴) (July): ۴۸۵–۴۹۸.
- Murdie, Amanda, and Tavishi Bhaisin. ۲۰۱۱. “Aiding and Abetting: Human Rights INGOs and Domestic Protest.” *Journal of Conflict Resolution* ۵۵(۲) (April): ۱۶۳–۱۹۱.
- Nagler, Michael. ۲۰۱۴. *The Nonviolence Handbook: A Guide for Practical Action*. San Francisco: Berrett-Koehler Publishers.
- Nagler, Michael. ۲۰۱۹. “Commonly Posed Objections.” Metta Center for Nonviolence. Accessed November ۲, ۲۰۲۰, <https://mettacenter.org/nonviolence/commonly-posed-objections/>.
- Nepstad, Sharon Erickson. ۲۰۱۱. *Nonviolent Revolutions: Civil Resistance in the Late ۲۰th Century*. New York: Oxford University Press.
- Nepstad, Sharon Erickson. ۲۰۱۵. *Nonviolent Struggle: Theories, Strategies, and Dynamics*. New York: Oxford University Press.
- Newman, Lily Hay. ۲۰۱۹, May ۲. “Hacktivists Are on the Rise—but Less Effective Than Ever.” *Wired*, <https://www.wired.com/story/hacktivism-sudan-ddosprotest/>
- Orazani, Seyed Nima, and Bernhard Leidner. ۲۰۱۹. “The Power of Nonviolence: Confirming and Explaining the Success of Nonviolent

(Rather Than Violent) Political Movements.” *European Journal of Social Psychology* ٤٩(٤) (June): ٦٨٨–٧٠٤.

- Parham, Jason. ٢٠١٧, October ١٨. “Russians Posing as Black Activists on Facebook Is More Than Fake News.” *Wired*, <https://www.wired.com/story/russianblack-activist-facebook-accounts/>.
- Pearlman, Wendy. ٢٠١١. *Violence, Nonviolence, and the Palestinian National Movement*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pearlman, Wendy. ٢٠١٣. “Emotions and the Microfoundations of the Arab Uprisings.” *Perspectives on Politics* ١١(٢) (June): ٣٨٧–٤٠٩.
- Perkoski, Evan, and Erica Chenoweth. ٢٠١٨. *Nonviolent Resistance and Prevention of Mass Killings during Popular Uprisings*. Washington, DC: International Center on Nonviolent Conflict.
- Piercy, Marge. ١٩٨٠. *The Moon Is Always Female*. New York: Knopf.
- Pinckney, Jonathan. ٢٠١٦. *Making or Breaking Nonviolent Discipline in Civil Resistance Movements*. Washington, DC: International Center on Nonviolent Conflict.
- Pinckney, Jonathan. ٢٠١٨. *When Civil Resistance Succeeds: Building Democracy after Popular Nonviolent Uprisings*. Washington, DC: International Center on Nonviolent Conflict.

- Pinckney, Jonathan. ۲۰۲۰. *From Dissent to Democracy: The Promise and Perils of Civil Resistance Transitions*. New York: Oxford University Press.
- Pinker, Steven. ۲۰۱۱. *The Better Angels of Our Nature: Why Violence Has Declined*. New York: Viking.
- Piot, Olivier. ۲۰۱۱, February ۴-۵. "Tunisia: Diary of a Revolution," trans. Krystyna Horko, *Le Monde Diplomatique*, <https://mondediplo.com/۲۰۱۱/۰۲/۰۴tunisia>.
- Piven, Frances Fox, and Richard A. Cloward. ۱۹۷۷. *Poor People's Movements: Why They Succeed, How They Fail*. New York: Pantheon Books.
- Potter, Garry. ۲۰۱۵. "Anonymous: A Political Ontology of Hope." *Theory in Action* ۱(۱) (January): ۱-۲۲.
- Presbey, Gail. ۲۰۱۳. "Zambia: Nonviolent Strategies against Colonialism, ۱۹۰۰s-۱۹۶۰s." In Maciej Bartkowski, ed., *Recovering Nonviolent History: Civil Resistance in Liberation Struggles*, ۵۱-۷۰. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.
- Pressman, Jeremy. ۲۰۱۷. "Throwing Stones in Social Science: Non-Violence, Unarmed Violence, and the First Intifada." *Cooperation and Conflict* ۵۲(۴): ۵۱۹-۵۳۶.
- Principe, Marie. ۲۰۱۷. "Women in Nonviolent Movements." *United States Institute of Peace Special Report*, no. ۳۹۹. Washington, DC.

- Rasler, Karen. ۱۹۹۶. "Concessions, Repression, and Political Protest in the Iranian Revolution." *American Sociological Review* ۶۱(۱) (February): ۱۳۲-۱۵۲.
- Reck-Malleczewen, Friederich. ۲۰۰۰. *Diary of a Man in Despair: A NonFiction Masterpiece about the Comprehension of Evil*, trans. Paul Rubens. London: Duckworth Books.
- Repucci, Sarah. ۲۰۲۰. *A Leaderless Struggle for Democracy: ۲۰۲۰ Freedom in the World Report*. Washington, DC: Freedom House.
- Richardson, Louise. ۲۰۰۶. *What Terrorists Want: Understanding the Enemy, Containing the Threat*. New York: Random House.
- Rigby, Andrew. ۱۹۹۱. *Living the Intifada*. London and New Jersey: Zed Books.
- Ritter, Daniel. ۲۰۱۵. *The Iron Cage of Liberalism*. New York: Oxford University Press.
- Ritter, Emily H., and Courtenay R. Conrad. ۲۰۱۶. "Preventing and Responding to Dissent: The Observational Challenges of Explaining Strategic Repression." *American Political Science Review* ۱۱۰(۱): ۸۵-۹۹.
- Rivera Celestino, Mauricio, and Kristian Skrede Gleditsch. ۲۰۱۳. "Fresh Carnations or All Thorn, No Rose? Nonviolent Campaigns and Transitions in Autocracies." *Journal of Peace Research* ۵۰(۳): ۳۸۵-۴۰۰.

- Roberts, Adam, ed. ۱۹۶۹. *Civilian Resistance as a National Defence: Non-Violent Action against Aggression*. New York: Penguin Books.
- Roberts, Adam. ۲۰۱۵. "Civil Resistance and the Fate of the Arab Spring." In Adam Roberts, Michael J. Willis, Rory McCarthy, and Timothy Garton Ash, eds., *Civil Resistance in the Arab Spring: Triumphs and Disasters*, ۲۷۰–۳۲۶. Oxford: Oxford University Press.
- Roberts, Adam, and Timothy Garton Ash, eds. ۲۰۰۹. *Civil Resistance and Power Politics: The Experience of Non-Violent Action from Gandhi to the Present*. Oxford: Oxford University Press.
- Roberston, Graeme. ۲۰۱۱. *The Politics of Protest in Hybrid Regimes: Managing Dissent in Post-Communist Russia*. New York: Cambridge University Press
- Robinson, Geoffrey. ۲۰۰۹. "If You Leave Us Here, We Will Die." *How Genocide Was Stopped in East Timor*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Ross, Michael. ۲۰۱۲. *The Oil Curse: How Petroleum Wealth Shapes the Development of Nations*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Rosedale, Chris. ۲۰۱۹. *Resisting Militarism: Direct Action and the Politics of Subversion*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Rothman, Lily. ۲۰۱۵, April ۲۵. "What Martin Luther King Jr. Really Thought about Riots." *Time*, <https://time.com/۳۸۳۸۵۱۵/baltimore-riots-language-unheardquote/>.

- Scalmer, Sean. ٢٠١١. *Gandhi in the West: The Mahatma and the Rise of Radical Protest*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Schell, Jonathan. ٢٠٠٣. *The Unconquerable World: Power, Nonviolence, and the Will of the People*. New York: Metropolitan Books.
- Schelling, Thomas C. ١٩٦٩. "Some Questions on Civilian Defence." In Adam Roberts, ed., *Civilian Resistance as a National Defence: Nonviolent Action against Aggression*, ٣٥١–٥٢. New York: Penguin Books.
- Schiff, Ze'ev, and Ehud Ya'ari. ١٩٨٩. *Intifada: The Palestinian Uprising—Israel's Third Front*, ed. Ina Friedman, trans. Ina Friedman. New York: Simon and Schuster.
- Schock, Kurt. ٢٠٠٣. "Nonviolent Action and Its Misconceptions: Insights for Social Scientists." *Political Science and Politics* ٣٦(٤) (October): ٧٠٥–٧١٢.
- Schock, Kurt. ٢٠٠٥. *Unarmed Insurrections: People Power Movements in Nondemocracies*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Schock, Kurt. ٢٠١٥a. *Civil Resistance Today*. London: Polity Press.
- Schock, Kurt, ed. ٢٠١٥b. *Civil Resistance: Comparative Perspectives on Nonviolent Struggle*. Minneapolis and London: University of Minnesota Press.
- Selvanathan, Hema Preya, and Brian Lickel. ٢٠١٩. "Empowerment and Threat in Response to Mass Protest Shape Public Support for a Social

Movement and Social Change: A Panel Study in the Context of the Bersih Movement in Malaysia.” *European Journal of Social Psychology* ۴۹(۲) (March): ۲۳۰–۲۴۳.

- Semelin, Jacques. ۱۹۹۳. *Unarmed against Hitler: Civilian Resistance in Europe, ۱۹۳۹–۱۹۴۳*. Westport, CT: Praeger.
- Sémelin, Jacques, Claire Andrieu, and Sarah Gensburger. ۲۰۱۴. *Resisting Genocide: The Multiple Forms of Rescue*. Oxford: Oxford University Press.
- Sharp, Gene. ۱۹۷۳. *The Politics of Nonviolent Action*. Vols. ۱–۳. Boston: Porter Sargent.
- Sharp, Gene. ۱۹۹۰. *Civilian-Based Defense: A Post-Military Weapons System*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Sharp, Gene. ۱۹۹۹. “Nonviolent Action.” In Lester Kurtz and Jennifer E. Turpin, eds., *Encyclopedia of Violence, Peace, and Conflict*, Vol. ۲, ۵۶۷–۷۴. New York: Academic Press.
- Sharp, Gene. ۲۰۰۳. *There Are Realistic Alternatives*. Boston: Albert Einstein Institution.
- Sharp, Gene, ed. ۲۰۰۵. *Waging Nonviolent Struggle: ۲۰th-Century Practice and ۲۱st Century Potential*. Boston: Porter Sargent.
- Simpson, Brent, Robb Willer, and Matthew Feinberg. ۲۰۱۸. “Does Violent Protest Backfire? Testing a Theory of Public Reactions to



Activist Violence.” *Socius* ۴ (October).

<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/23778023118803189>

- Smithey, Lee. ۲۰۱۳. “Identity Formation in Nonviolent Struggles.” In Maciej Bartkowski, ed., *Recovering Nonviolent History: Civil Resistance in Liberation Struggles*, ۳۱–۵۰. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers
- Smithey, Lee, and Lester R. Kurtz. ۲۰۱۸. “‘Smart’ Repression,” in Lester R. Kurtz and Lee Smithey, eds. *The Paradox of Repression and Nonviolent Movements*. ۱۸۵–۲۱۴. Syracuse: Syracuse University Press.
- Sombatpoonsiri, Janjira. ۲۰۱۵. *Humor and Nonviolent Struggle in Serbia*. Syracuse, NY: Syracuse University Press.
- Snowden, Frank. ۲۰۱۹. *Epidemics and Society: From the Black Death to the Present*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Spector, Regine. ۲۰۰۶. “The Anti-Revolutionary Toolkit.” *Central Asia Caucasus Institute Analyst*, December ۱۳.
- Spector, Regine, and Andrej Krickovic. ۲۰۰۸. “Authoritarianism ۲٫۰: “NonDemocratic Regimes Are Upgrading and Integrating Globally.” Paper presented at the ۴۹th Annual International Studies Association Conference, San Francisco, CA, March ۲۶.
- Steinert-Threlkeld, Zachary, Jungseock Joo, and Alexander Chan. ۲۰۱۹. “How Violence Affects Protests.” *APSA Preprints*, doi: 10.33774/apsa-2019-bv7zd.

- Stephan, Maria J. ۲۰۰۵. "Nonviolent Insurgency: The Role of Civilian Based Resistance in the East Timorese, Palestinian, and Kosovo Albanian Self-Determination Movements." Ph.D. dissertation, Tufts University.
- Stephan, Maria J. ۲۰۰۶. "Fighting for Statehood: The Role of Civilian-Based Resistance in the East Timorese, Palestinian, and Kosovo Albanian Self-Determination Struggles." *Fletcher Forum on World Affairs* ۳۰(۲)(Summer): ۵۷-۸۰.
- Stephan, Maria J., ed. ۲۰۱۰. *Civilian Jihad: Nonviolent Struggle, Democratization, and Governance in the Middle East*. New York: Palgrave Macmillan.
- Stephan, Maria. ۲۰۱۶. "Civil Resistance vs. ISIS." *Journal of Resistance Studies* ۱(۲): ۱۲۷-۱۵۰.
- Stephan, Maria J., and Erica Chenoweth. ۲۰۰۸. "Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict." *International Security* ۳۳(۱) (Summer): ۷-۴۴.
- Stephan, Maria J., and Adam Gallagher. ۲۰۱۹, December ۱۳. "Five Myths about Protest Movements." *Washington Post*, [https://www.washingtonpost.com/outlook/five-myths/five-myths-about-protest-movements/2019/12/12/700a8afc-1d1d-11ea-8vf7-f9e91143c70d\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/outlook/five-myths/five-myths-about-protest-movements/2019/12/12/700a8afc-1d1d-11ea-8vf7-f9e91143c70d_story.html).

- Stephan, Maria J., and Jacob Mundy. ٢٠٠٦. "A Battlefield Transformed: From Guerilla Resistance to Mass Nonviolent Struggle in the Western Sahara." *Journal of Military and Strategic Studies* ٨(٣) (April)  
<https://jmss.org/article/view/٥٧٧١٧>.
- Stockman, Sarah. ٢٠١٧, February ٢. "Anarchists Respond to Trump's Inauguration, By Any Means Necessary." *New York Times*,  
<https://www.nytimes.com/٢٠١٧/٠٢/٠٢/us/anarchists-respond-to-trumps-inauguration-by-any-meansnecessary.html>.
- Stoddard, Judith. ٢٠١٣. "How Do Major, Violent and Nonviolent Opposition Campaigns Impact Predicted Life Expectancy at Birth?" *Stability: International Journal of Security and Development* ٢(٢) (August). <https://www.stabilityjournal.org/articles/١٠,٥٣٣٤/sta.bx/>
- Stoltzfus, Nathan. ١٩٩٦. *Resistance of the Heart: Inter-marriage and the Rosenstrasse Protest in Nazi Germany*. New York: W. W. Norton & Co.
- Suhru, Tridip. ٢٠١٩, September ٢٥. "'You Are Today the One Person in the World Who Can Prevent a War.' Read Gandhi's Letters to Hitler." *Time*. September. <https://time.com/٥٦٨٥١٢٢/gandhi-hitler-letter/>.
- Sullivan, Christopher. ٢٠١٦. "Undermining Resistance: Mobilization, Repression, and the Enforcement of Political Order." *Journal of Conflict Resolution* ٦٠(٧) (October): ١١٦٣-١١٩٠.

- Summy, Ralph. ۱۹۹۴. "Nonviolence and the Case of the Extremely Ruthless Opponent." *Pacifica Review: Peace, Security & Global Change* ۶(۱) (May): ۱-۲۹.
- Sutton, Jonathan, Charles Butcher, and Isak Svensson. ۲۰۱۴. "Explaining Political Jiu-Jitsu: Institution-Building and the Outcomes of Regime Violence against Unarmed Protests." *Journal of Peace Research* ۵۱(۵) (September): ۵۵۹-۵۷۳.
- Svensson, Isak, Jonathan Hall, Dino Krause, and Eric Skoog. ۲۰۱۹, March ۲۲. "How Ordinary Iraqis Resisted the Islamic State." *Washington Post*, <https://www.washingtonpost.com/politics/2019/03/22/civil-resistance-against-islamicstate-was-much-more-common-than-many-think/>.
- Svensson, Isak, and Mathilda Lindgren. ۲۰۱۰. "Community and Consent: Unarmed Insurrections in Nondemocracies." *European Journal of International Relations* ۱۷(۱) (March): ۹۷-۱۲۰.
- Tarrow, Sidney. ۱۹۸۹. *Democracy and Disorder: Protest and Politics in Italy, ۱۹۶۵-۱۹۷۵*. Oxford: Clarendon.
- Tarrow, Sidney. ۱۹۹۸. *Power in Movement*. UK: Cambridge University Press.
- Taylor, Keeanga-Yamahtta. ۲۰۱۶. *From #BlackLivesMatter to Black Liberation*. Chicago: Haymarket Books.

- Telegraph Staff. ۲۰۰۹, October ۹. "Obituary—Marek Edelman." The Telegraph, <https://www.telegraph.co.uk/news/obituaries/politics/obituaries/۶۲۵۹۹۰۰/Marek-Edelman.html>.
- Thaler, Kai. ۲۰۱۹. "Violence Is Sometimes the Answer." Foreign Policy, December ۵, <https://foreignpolicy.com/۲۰۱۹/۱۲/۰۵/hong-kong-protests-chile-boliviaegypt-force-police-violence-is-sometimes-the-answer>.
- Thomas, Emma, and Winnifred Louis. ۲۰۱۴. "When Will Collective Action Be Effective? Violent and Non-Violent Protests Differentially Influence Perceptions of Legitimacy and Efficacy Among Sympathizers." *Personality and Social Psychology Bulletin* ۴۰(۲) (February): ۲۶۳–۲۷۶.
- Thompkins, Elizabeth. ۲۰۱۵. "A Quantitative Reevaluation of Radical Flank Effects within Nonviolent Campaigns." *Research in Social Movements, Conflicts, and Change* ۳۸: ۲۰۱۳–۲۱۳۵.
- Thurber, Ches. ۲۰۱۵. "Between Mao and Gandhi: Strategies of Violence and Nonviolence in Revolutionary Movements." Ph.D. dissertation, Fletcher School of Law and Diplomacy, Tufts University.
- Thurber, Ches. ۲۰۱۹. "Social Ties and the Strategy of Civil Resistance." *International Studies Quarterly* ۶۳(۴): ۹۷۴–۹۸۶.
- Tufekci, Zeynep. ۲۰۱۷. *Twitter and Tear Gas: The Power and Fragility of Networked Protest*. New Haven, CT: Yale University Press.

- Valentino, Benjamin. ۲۰۰۴. *Final Solutions: Mass Killing and Genocide in the ۲۰th Century*. Ithaca, NY, and London: Cornell University Press
- Walzer, Michael. ۲۰۰۱. "Excusing Terror." *American Prospect*, November ۲, <https://prospect.org/features/excusing-terror/>.
- Wantchekon, Leonard, and Omar Garcia-Ponce. ۲۰۱۳. "Critical Junctures: Independence Movements and Democracy in Africa." IDEAS Working Paper Series from RePEc. <https://ideas.repec.org/p/cge/wacage/۱۷۳.html>.
- Wasow, Omar. ۲۰۲۰. "Agenda Seeding: How ۱۹۶۰s Black Protests Moved Elites, Public Opinion, and Voting." *American Political Science Review* ۱۱۴(۳): ۶۳۸–۶۵۹.
- Wehr, Paul, Heidi Burgess, and Guy Burgess, eds. ۱۹۹۴. *Justice without Violence*. Boulder, CO: Lynne Reiner Publishers.
- Weidmann, Nils, and Espen Geelmuyden Rød. ۲۰۱۹. *The Internet and Political Protest in Autocracies*. New York: Oxford University Press.
- Weyland, Kurt. ۲۰۰۹. "The Diffusion of Revolution: '۱۸۴۸' in Europe and Latin America." *International Organization* ۶۳(۳): ۳۹۱–۴۲۳.
- Weyland, Kurt. ۲۰۱۴. *Making Waves: Democratic Contention in Europe and Latin America since the Revolutions of ۱۸۴۸*. New York: Cambridge University Press.

- White, Robert. ١٩٨٩. "From Peaceful Protest to Guerrilla War: Micromobilization of the Provisional Irish Republican Army." *American Journal of Sociology* ٩٤(٦) (May): ١٢٧٧-١٣٠٢.
- Wink, Walter. ١٩٨٧. *Violence and Nonviolence in South Africa*. Philadelphia: New Society Publishers.
- Woody, Deva. ٢٠٢٠. Remarks given during Webinar on Protests in Perspective: Civil Disobedience & Activism Today. Carnegie Council for Ethics in International Affairs, New York, New York. November ١٣. <https://www.carnegiecouncil.org/studio/multimedia/٢٠٢٠١١٦-protests-perspective-civildisobedience-activism-erica-chenoweth-deva-woody>.
- Ulfelder, Jay. ٢٠١٠. *Dilemmas of Democratic Consolidation: A Game Theory Approach*. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.
- Zunes, Stephen. ١٩٩٤. "Unarmed Insurrections against Authoritarian Governments in the Third World: A New Kind of Revolution." *Third World Quarterly* ١٥(٣)(September): ٤٠٣-٤٢٦.
- Zunes, Stephen. ١٩٩٩a. "The Origins of People Power in the Philippines." In Stephen Zunes, Lester Kurtz, and Sarah Beth Asher, eds., *Nonviolent Social Movements: A Geographical Perspective*, ١٢٩-٥٧. Malden, MA: Blackwell Publishing.
- Zunes, Stephen. ١٩٩٩b. "The Role of Nonviolence in the Downfall of Apartheid." In Stephen Zunes, Lester Kurtz, and Sarah Beth Asher, eds.,

Nonviolent Social Movements: A Geographical Perspective, ۲۰۳–۲۳۰.  
Malden, MA: Blackwell Publishing.

- Zunes, Stephen. ۲۰۰۹a, June ۲۰. “Iran’s History of Civil Insurrections.”  
Huffington Post, [https://www.huffpost.com/entry/irans-history-of-civil-in\\_b\\_۲۱۷۹۹۸](https://www.huffpost.com/entry/irans-history-of-civil-in_b_۲۱۷۹۹۸).
- Zunes, Stephen. ۲۰۰۹b. “Weapons of Mass Democracy: Nonviolent Resistance Is the Most Powerful Tactic against Oppressive Regimes.”  
Yes! Magazine, September ۱۶,  
<https://www.yesmagazine.org/issue/learn/opinion/۲۰۰۹/۰۹/۱۷/weapons-of-mass-democracy>.
- Zunes, Stephen, Lester Kurtz, and Sarah Beth Asher, eds. ۱۹۹۹.  
Nonviolent Social Movements: A Geographical Perspective. Cambridge,  
MA: Blackwell Publishers.



مقاومت مدنی شیوه‌ای از مبارزه است که در آن غیرنظامیان غیرمسلح از انواع روش‌های سازمان یافته و هماهنگ (اعتصاب، اعتراض، تظاهرات، بایکوت و بسیاری از تاکتیک‌های دیگر) برای پیشبرد مبارزات خود، بدون آسیب رساندن یا تهدید مستقیم دشمن خود استفاده می‌کنند. این شکل از کنش سیاسی که گاهی مقاومت غیرخشونت‌آمیز، مبارزه غیرمسلحانه یا اقدام بدون خشونت نیز نامیده می‌شود، اکنون به شیوه اصلی مبارزه سیاسی در سراسر جهان تبدیل شده است. مقاومت مدنی شیوه محوری مقاومت در انقلاب‌های ۱۹۸۹ و در بهار عربی بوده و در سالهای اخیر نیز به طور گسترده در آمریکای دوره ترامپ به اجرا درآمده است. اگر می‌خواهیم جنبش‌های اعتراضی متعددی را که در سراسر جهان ظهور می‌کنند، درک کنیم، نیاز به فهم کامل مقاومت مدنی و پویایی‌ها و مظاهر متعدد آن داریم.

در مقاومت مدنی: آنچه همگان باید بدانند، اریکا چنووث - یکی از برجسته‌ترین محققان جهان در این زمینه - توضیح می‌دهد که مقاومت مدنی چیست، چگونه کار می‌کند، چرا گاهی اوقات شکست می‌خورد، خشونت و سرکوب چگونه بر آن تأثیر می‌گذارد، و تأثیرات بلندمدت چنین مقاومتی چه می‌تواند باشد. این کتاب با در برداشتن موارد تاریخی مقاومت مدنی و نمونه‌های معاصر، نظیر قیام‌های بهار عربی و جنبش‌های مختلف در ایالات متحده دوره ترامپ، مروری جامع و در عین حال دقیق از این موضوع بسیار مهم و حیاتی ارائه می‌دهد.